مدیریت خانواده

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان



بسم الله الرحمن الرحیم

مدیریت خانواده

نویسنده:

www.modiryar.com

ناشر چاپی:

www.modiryar.com

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مدیریت خانواده

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: مدیریت خانواده / www.modiryar.com

ناشر :www.modiryar.com

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه , رایانه

موضوع:مدیریت - خانواده

اصول مدیریت در خانواده

ین ۱۳۸۸ ، ۱۰:۴۶

مدیریت خانواده ... family management

خانواده یکی از ارکان مهم و اساسی هر جامعه ای می باشد . خانواده محل تجلی بسیاری از خواسته های جامعه است و شکوفایی هر جامعه ای در شکوفایی نهاد خانواده نهفته است ، مدیریت هر خانواده نیز نقش بسزایی در رشد و شکوفایی سازمان ها اعم از دولتی و خصوصی دارد و بسیاری از اصول و مقررات سازمان ها نیز نشأت گرفته از اصول و مقررات حاکم بر خانواده ها می باشد . خانواده به منزله یک واحد منسجم و پویا می باشد که در جهت نیل به اهداف واحد گام برمی دارد و همه اعضای یک خانواده می بایست همگام با یکدیگر در جهت تأمین خواسته های مشروع خانواده تلاش و حرکت نمایند . به منظور تأمین خواسته های مشروع خانواده لازم است خانواده ها همانند سازمان دارای اهداف و برنامه های مشخص و معین باشند و برای رسیدن به این اهداف و برنامه ها اصول و موازینی را به کار ببرند که اهم این اصول و موازین به شرح ذیل می باشد :۱- اصل وحدت هدف :یکی از اصول مهم و اساسی در مدیریت خانواده ، داشتن هدف و یا اهداف واحد می باشد . هر خانواده باید برای خود هدف یا اهداف واحدی داشته باشد و تمام سعی و تلاش خانواده بر این باشد که اهداف همسو و هم جهت باشد . داشتن اهداف متضاد و متفاوت می تواند مشکلاتی را در فرآیند سازگاری خانواده ایجاد و خانواده را دچار دوگانگی یا چند گانگی نماید .۲- اصل وحدت مدیریت :یکی دیگر از اصول مدیریت خانواده ، وحدت رویه در مدیریت خانواده و مدیریت واحد در خانواده می باشد . منظور از وحدت مدیریت این است که خانواده دارای مدیر واحدی باشد و مدیریت و هدایت اهداف و برنامه های خانواده را پذیرفته باشد . البته داشتن یک مدیر واحد در خانواده به مفهوم این نیست که سایر اعضای خانواده نقشی در مدیریت و اداره امور خانواده ندارند بلکه به این مفهوم است که مدیر خانواده نقش هماهنگ کننده بین اعضای خانواده را دارد و صرفاً در تصمیم گیری های اساسی که اعضاء خانواده می بایست تابع نظرات مدیر خانواده باشد و در سایر موارد تصمیمات تعامل محور باشد.۳- اصل تقسیم کار :یکی دیگر از اصول مدیریت در خانواده اصل تقسیم کار می باشد . اصل تقسیم کار به این مفهوم است که هر کس در خانواده متناسب با نقش و توان خود مسئولیتی را بپذیرد و همگام با سایر اعضای خانواده به منظور تحقق اهداف و برنامه های خانواده ایفای نقش نماید . یکی از مزیت مهم اصل تقسیم کار در این است که از هر کس متناسب با مسئولیتی که بعهده او گذاشته شده انتظار می رود که وظایف خود را به نحو احسن انجام داده و پاسخگوی سایر اعضای خانواده باشد و این احساس که همه مسئولیت ها بر دوش یک نفر باشد و سایرین وظیفه ای در قبال خانواده نداشته باشد . کاهش یافته و حس و روحیه تعاون و همکاری در خانواده جایگزین حس عدم مسئولیت پذیری گردد .۴- اصل مشورت :یکی از اصول مهم و اساسی در مدیریت خانواده اصل مشورت و

تبادل نظر در بین اعضای خانواده می باشد . هر یک از اعضای خانواده متناسب با ظرفیت و توانایی های خود همچنین متناسب باشد مکانی و زمانی وظیفه دارد که در پیشبرد اهـداف خانواده بحث و تبادل نظر نموده و هم از تجارب سایر اعضای خانواده در تصـمیم گیری ها بهره مند باشد و هم خود با توجه به تجارب خود سایر اعضای خانواده را در تصـمیم گیری ها بهره مند سازند . کاربرد این اصل در مدیریت خانواده موجب حس تفاهم و همدلی خانواده می گردد و خانواده احساس هویت و ارزشـمندی بیشتری می یابد و میزان مشارکت و همکاری اعضاء در پیشبرد اهـداف خانواده افزایش می یابـد .۵- اصل برنامه ریزی :یکی دیگر از اصول مـدیریتی خـانواده اصـل برنـامه ریزی می باشـد . منظور از اصـل برنـامه ریزی این است که مـدیریت خانواده برای پیشبرد اهـداف خانواده می بایست متناسب با منابع موجود در خانواده برنامه ریزی و نیازهایی را بر اساس سلسـله مراتب نیازها و ترتیب تقـدم هر کدام از نیازها اولویت بنـدی نمایـد . اصـل برنـامه ریزی موجب ایجـاد تعـادل درخواسـتهای منطقی خـانواده می گردد و خـانواده را در رسیـدن به اهـداف از پیش تعیین شده رهنمود می سازد .۶- اصل نظم و انضـباط :شایـد به جرات بتوانیم بگوئیم که یکی از اصول مدیریت در خانواده وجود نظم و انضـباط دقیق و منطقی در بین تک تک اعضای خانواده در انجام وظایف و تکالیف محوله می باشـد . چنانچه بدون وجود نظم و انضـباط در خانواده هر سـعی و تلاشی قرین موفقیت نخواهد بود . بنابراین لازمه پیشبرد اهداف و برنامه ها وجود نظم و انضـباط حاکم بر فضای خانواده می باشـد و این مهم بعهده مدیریت خانواده می باشد که با ایجاد نظم و انضـباط و نظارت بر فعـالیت های اعضای خانواده به حـداکثر نتیجه مطلوب برسـد .۷- اصـل تصـمیم گیری :یکی دیگر از اصول مـدیریت خانواده اصـل تصـمیم گیری است . لازمه تصـمیم گیری در اداره امور خـانه این است که مـدیر خـانواده پیرامون موضوع یـا مسئله که قرار اسـت دربـاره آن تصـمیم گیری شود اطلاعـات لازم را کسب نموده و پس از جمع آوری اطلاعـات کافی و لازم در مورد آن موضوع، با تبادل نظر بین اعضای خانواده و بحث و بررسی منطقی بر اساس اطلاعات موجود ، اقدام به تصمیم گیری نماید.

http://noorportal.net/۳۹۴/۷۵۰/۷۷۱/۵۸۲۸.aspx*

مدیریت خانواده؛ برنامه ای مدون برای زندگی

دکتر علی حاتمی

اسلام به عنوان مکتبی انسـان سـاز بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این نهاد مقـدس را کانون تربیت، مهد مؤدت و رحمت می شـمرد. لـذا سـعادت و شـقاوت جـامعه انسـانی را منوط به صـلاح و فسـاد این بنا می دانـد و هـدف از تشـکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سـکون و آرامش بر می شـمارد. انسان ها در خانواده به هویت و رشـد شخصـیتی دست می یابنـد و در خـانواده هـای سالم و رشـید به تکامل معنوی و اخلاقی نایل می شونـد. لـذا خانواده عامل کمال بخشی، سکونت، آرامش و بالندگی به اعضا خویش است که در تحولات اساسی جوامع نقش عمده ای ایفا می کنند.با توجه به اهمیت خـانواده در زنـدگی اجتمـاعی جوامع پیشـرفته و اهمیتی که در نظام اجتماعی اسـلام دارد، بررسـی آن از نظر علمی امری ضـروری است. مدیر خانواده عنوانی برای میلیون ها زن و بعضـی از مردان در سرتاسر دنیاست.مدیریت خانواده یک فعالیت و کار تمام وقت است اما در کشور ما هنوز این فعالیت به صورت علمی تبیین نشده و حوزه آن ناشناخته است. لذا خانواده ها، به علت عـدم اطلاع از حوزه عملیات و مسـئولیت های خود، برنامه مدون و علمی برای زندگی ندارند، از این رو در صدد هستیم به بررسـی علمی ابعاد مـدیریت خانواده بپردازیم تا زن و شوهر به عنوان اسـتوانه های خانواده با بهره گیری از آن، زندگی آسوده و مرفه تری داشـته باشـند و فرزندان بهتری به جامعه تحویل دهند تا مسیر پیشرفت را فراهم نمایند.مدیریت خانواده یک فعالیت و کار تمام وقت است اما در کشور ما هنوز این فعالیت به صورت علمی تبیین نشده و حوزه آن ناشـناخته است. لذا خانواده ها، به علت عدم اطلاع از حوزه عملیات و مسئولیت های خود، برنامه مدون و علمی برای زندگی ندارند.مدیریت خانواده از تشکیل خانواده زوج اول شروع

می شود و بعداً به فرزندان نیز تسری می یابد.نظام مدیریت خانواده ممکن است به صورت پدرسالاری، مادرسالاری یا فرزندسالاری باشد یا در خانواده تمامی اعضاء در نظام تصمیم گیری نقش داشته باشند.اصول مدیریت در خانواده- برنامه ریزی زندگی براساس اهدافی که شرع ، علم، اخلاق و عقل حکم می کند.- برنامه ها باید جنبه های مختلف اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی را در بر گیرند.- اجرای اصل فعالیت هر عضو خانواده به اندازه توان و استفاده از هر عضو به اندازه نیاز.- احترام به بزرگترها و توجه به کوچکترها.- ایجاد محیط و شرایط مناسب به منظور دستیابی به یک همکاری چند جانبه بین افراد خانواده.- توزیع عادلانه وظایف بین افراد و آموزش فرزندان برای انجام بهتر کارها به جای انجام آن صرفاً توسط پدر یا مادر.- توزیع عادلانه منابع مالی خانواده بین اعضاء خانواده به ویژه پدر یا مادر به طوری که زنان خانه دار نیز از درآمد سهم مساوی دارند.در زندگی شخصی و خانوادگی خود برنامه سیستمی داشته باشید یعنی وقت و امکانات را برای کارکردن، تفریح، مطالعه، عبادت و استراحت تقسیم کنید.شیوه مدیریت خانوادهدر قرون متوالی ، شیوه های متعددی برای اداره خانواده ها شکل گرفته ولی بهترین شیوه اداره خانواده «مدیریت مشارکتی» است که در آن همه اعضاء خانواده در وضع قوانین و اداره خانواده مشارکت دارند و با انگیزه قوی آن را اجرا می نمایند. کودکان و نوجوانان نیز در حکم انسان صاحب عقل و بینش در سرنوشت خود مؤثرند.۲۰ درصد درآمد خانواده را به صورت سرمایه گذاری پس انداز، ۱۴ درصد آن را صرف هزینه خوراکی و ۶۶ درصد آن را صرف هزینه غیر خوراکی مثل مسکن، آموزش، پوشاک و رفاه عمومی نمایید.ویژگی های مدیریت خانواده کارآمد و مناسبتمامی اعضای خانواده از الگوهای مشخص زندگی استفاده می کنند که جنبه علمی و شرعی دارند.تمامی اعضای خانواده در مسیر توسعه قرار دارند و امکانات بین فرزندان عادلانه توزیع می شود.یاد گیری و یاد دهی بین اعضای خانواده رایج است و به افکار جدید اهمیت داده می شود.الگوی مشخص زندگی یک خانواده-۲۰ درصد درآمد خانواده را به صورت سرمایه گذاری پس انداز، ۱۴ درصد آن را صرف هزینه خوراکی و ۶۶ درصد آن را صرف هزینه غیر خوراکی مثل مسکن، آموزش، پوشاک و رفاه عمومی نمایید.- بهترین ساعات خواب در شب بین ساعت ۱۰ تا ۶ صبح است.- حداقل ۲۰ دقیقه از وقت خود را روزانه صرف مطالعه یا آموزش نمایید.- روزانه حداقل ۶ ساعت و حداکثر ۱۰ ساعت کار مفید انجام دهید.- سالیانه حداقل یک بار برای انجام تفریحات سالم به مرخصی ۱۰ روزه بروید.- در هر شرایط زندگی، از تجزیه و تحلیل موقعیت خانواده خود غافل نباشید.- در زندگی شخصی و خانوادگی خود برنامه سیستمی داشته باشید یعنی وقت و امکانات را برای کارکردن، تفریح، مطالعه، عبادت و استراحت تقسیم کنید.

* http://www.tebyan.net/index.aspx?pid=۱۱۴۵۱

نقش ایمان در تحکیم بنیاد خانواده

خانواده ، یک واحد کوچک اجتماعی است که با پیمان ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود و با تولد فرزندان،توسعه و استحکام می‌یابد. جوامع بزرگتر نیز از همین واحدهای کوچک تشکیل می‌شوند. بشر از آغاز، زندگی خانوادگی را به عنوان بهترین نوع زندگی برگزیده و در همه زمان‌ها و مکان‌ها بدان پایبند بوده و هست. این نوع زندگی ، از امتیازات انسان محسوب می‌شود و فوائد گوناگونیدارد، از جمله اینکه زن و مرد را از پریشانی و بی هدفی نجات می‌دهد و به خانواده وابسته و دلگرم می‌سازد وآنها از نعمت انس و مودت بهره مند می‌شوند .وابستگی کودکان، نوجوانان و جوانان نیز به خانواده،فوائد زیادی را در بردارد؛ چرا که از انواع مفاسد اخلاقی، اجتماعی، انحرافات جنسی ، ارتکاب جنایت، بزهکاری و اعتیاد ،بیشتر مصونمیمانند.بنابراین ، سلامت و سعادت جامعه ، تا حد زیادی، به وضع خانواده‌هاو کیفیت روابط بین زن و شوهر و والدین و فرزندان بستگی دارد. هر چه روابط بهتر و سالم تر، باشد زندگی شیرین‌تر و با صفاتری دارند وارتباط صمیمانه تری با خانواده برقرار می کنندو از خطر انحراف مصونیت پیدا می کنند.هدف از ازدواجدر اسلام ،یعنی ایجادانس و محبت و صفا درخانواده ،خانه‌ای که در آن صفا و محبت نباشد

از هم گسیخته است و ویرانه . حتی می توان گفت که زندانی بیش نیست.معیار در انتخاب همسراسلامدر جهت تحقق اهداف ازدواج و تحکیم بنیاد خانواده ، بر دو امر تاکید دارد: یکی ایمان و دیگری اخلاق ، و به کسانی که قصد ازدواج دارند توصیه می‌کند که دین و اخلاق همسر خود را منظور بدارند.مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و در امر ازدواج با او مشورت نمود، آن حضرت فرمود: «با زنان دیندار ازدواج کن تا خیر فراوانی نصیب تو شود» . (۱)علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «سودی بهتر از زن صالح و شایسته نصیب انسان نمی‌شود، زنی که شوهرش را خشنود می‌سازد و در غیاب او،از خودش و زندگی شوهرش نگهداری می‌کند» . (۲)پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر کسی از دختر شما خواستگاری کرد و دین و اخلاقش را پسندید،با اووصلت ایجاد کنید و گرنه فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود می‌آید» . (۳)برای حسن رابطه بین زن و شوهر و بقاء و استحکام بنیاد خانواده ، و برای جلوگیری از اختلافات خانوادگی و وقوع طلاق، بهترین وسیله رعایت ارزش‌های اخلاقی است و در این رابطه توصیه‌های فراوانی شده است.اسلام،ازدواج را پیمانی مقدس می‌داند که بین زن و مرد، به اعتبار این که دو انسان هستند بسته می‌شود و مهمترین هدفش،تامین نیازهای انسانی، آرامش و سکون و انس زن و مرد به یکدیگر است؛حتی تولید و پرورش فرزندان را نیز، در راه تامین هدف عالی انسانی محسوب می‌دارد.قرآن کریم در این رابطه می گوید: «و از نشانه‌های خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی بیافرید تابا تمایلبه سوی آنان آرامش بیابید، و در میان شما محبت و دلسوزی قرار داد . همانا که در این موضوع برای اندیشمندان نشانه‌هایی است»(روم/۲۱)در آیه مذکور،انس و آرامش خانوادگی به عنوان ثمره ازدواج معرفی شده است. در پیمان مقدس ازدواج ، زن و مرد با تمام وجود به سوییکدیگر جذب وبا هممتحد و یک دل می‌شوندو در تمام ابعاد زندگی،در خدمت یکدیگر قرار می گیرند. مأنوس، همفکر،هم راز و یک هدف می‌شوند.در آیه مذکور، زندگی خانوادگی،بر دو پایه نیرومند مودت و رحمت استوار گشته است.یکی از پایه‌های ازدواج،مودت و علاقه زن و شوهر نسبت به یکدیگر است. زن و شوهر خوبی‌ها و نقاط مثبت یکدیگر را مورد توجه قرار می‌دهند و از صمیم قلبیکدیگر را دوست می‌دارند. هر یک از آنان، دیگری را نعمتی ارزشمند از جانب خدا و وسیله انس و الفت ، آرامش و دلگرمی و شریک زندگی می‌شمارد و از این نعمت بزرگ قدردانی و سپاسگزاری می کند.پایه دیگر ازدواج،که در آیه به آن اشارتشده" رحمت "یعنی مهربانی و دلسوزی است ، هر گاه یکی از زوجین به نقصان و ضعف و نیازی در همسرش مواجه شد ، همدلانه فکر می کند ، او فکرکند که همسرش یک انسان است و انسان بی نقص نیست. چنان که خود نیز بی عیب نمی باشد.پس با نرمی و مدارا و از روی مهربانی و دلسوزی،نقص او را در صورت امکان برطرفمیسازد و در صورت عدم امکان ،او را با همان حال می‌پذیرد. نقصانش را نادیده می گیرد و به زندگی ادامه می‌دهد. لازمه رحمت و دلسوزی ، این است که چنانچهفرد خیر و صلاح خود را می‌خواهد،در همه حال خواسته‌ها و تمایلات همسرش را منظور بدارد، هر چه را برای خود می‌خواهد برای او نیز بخواهد و همواره به فکر تامین سعادت، آسایش وآرامش او نیز باشد.قرآن مجید در این رابطه،تعبیر بسیار جالبی دارد و زن و شوهر را چنین توصیف می کند:«زنان برای شما لباس هستند و شما نیز برای آنان لباس هستید» (بقره/۱۸۷)لباس،مجموع بدن انسان را با همه کمالات، نواقص، خوبی‌ها، بدی‌ها، زیبایی‌ها و زشتی‌ها در بر می‌گیردواز سرما و گرما و خطر حفظ می‌کند . بر زیبایی‌هایش می‌افزاید و عیوبش را می‌پوشاند. لباس نزدیکترین اشیاء نسبت به انسان است و از جمله نیازهای اولیه به شمار می‌رود. زن و شوهر نیز، نسبت به یکدیگر باید همانند لباس باشند ، همدیگر را با همه نواقص و کمالات بپذیرند. حافظ و نگهبان و آرامش بخش یکدیگر باشند. بر زیبایی‌های هم بیفزایند و عیوب هم را بپوشانند و رازدار و محرم اسرار باشند.اسلام،در مورد روابط بین زن و شوهر و زندگی خانوادگی چنین می‌اندیشد و آن را بر چنین پایه‌هایی استوار ساخته است. تشکیل چنین خانواده‌هایی در خور انسان است و سعادت جسمانی، نفسانی، دنیوی و اخروی او را تامین می کند. اگر بنیاد خانواده بر پایه‌های ایمان و محبت استوار گردد،کانون خانواده گرم و با صفا می‌شود و از کشمکش‌ها ، و اختلافات و طلاق و فروپاشی جلوگیری می کند.پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « کاملترین مردم

از جهت ایمان،کسی است که اخلاقش خوب تر باشد، و بهترین شما کسانی هستند که نسبت به همسران خود خوش رفتارتر باشند .» (۴)امام سجاد علیه السلام فرمود: «حق همسرت این است که بدانیخدای متعال او را وسیله آرامش و انس تو قرار داده و بدانی که او نعمتی است از جانب خدا برای تو، پس او را گرامی بدار و با وی مدارا کن،گرچه تو نیز بر او حقی بزرگ داری، اما باید نسبت به او دلسوز و مهربان باشی . باید خوراک و پوشاک او را تامین کنی و اشتباهات و لغزش‌هایش را ببخشی » (۷)حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: « جهاد زن در این است که خوب شوهرداری کند» . (۸)اسلام عنایت ویژه‌ای به اخلاق دارد و رعایت ارزش‌های اخلاقی را برای سلامت خانواده و تحکیم بنیانآن ضروری و لازم می‌داند.به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم تزلزل بنیاد خانواده، بی‌توجهی به مسائل اخلاقی است و برای حل این مشکل بزرگ که خانواده را در معرض تهدید جدی قرار داده ، چاره‌ای جز احیای ارزش‌های اخلاقی به ویژه اخلاق خانواده نداریم.پی‌نوشت‌ها:۱-وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص۲.۵۰- همان، ص۳.۳۹- همان ،، ص۴.۷۷- بحارالانوار، ج ۷۱، ص۵.۳۸۹- همان ، ج ۷۴، ص ۵.

http://www.tebyan.net/social/house_family*

علت یابی و راهیابی مسائل خانوادگی

نکته اول:نخستین نکته این است که انجام دادن هر کاری به مهارت و دانش نیاز دارد . یعنی برای یک همسر توانا شدن،باید دانائی ها ، دانش ها و مهارت های لازم را کسب کرد . از این رو توصیه می شود با مطالعه کتاب های مربوط به تعلیم و تربیت ، روان شناسی خانواده و آئین همسرداری و با شرکت در جلسه های آموزش خانواده به دانش و مهارت خود بیفزائید .نکته دوم:خانواده یک نهاد اصلی و ویژه جامعه است و برقراری روابط انسانی سالم و درست میان اعضای خانواده مهمترین عامل سلامتآن است . سعی کنید با همدلی ، همفکری ، همکاری و هماهنگی،روابط سالمی را میان اعضای خانواده خود برقرار نمایید .نکته سوم:در ارزیابی روابط زناشویی ، هر یک از زوج ها باید بداند که همسر او نزدیکترین و محرم ترین فرد است ، لذا توصیه می شود به همسرتان به عنوان نیمه تن ، حامی و پشتیبان نگاه کنید و تلاش نمایید وی را خوشبخت کنید .نکته چهارم :زن و شوهر با یادگیری مهارت های ارتباطی و به کار بستن آنها می توانند روابط خود را بهبود بخشند ، متحول سازند و در فضایی سرشار از حُسن تفاهم و حُسن نظر به حل و فصل مسائل خود بپردازند . برخی از این مهارت ها عبارتند از : فعالانه به حرف های یکدیگر گوش کردن ، تشریک مساعی و مشورت کردن ، به عقاید یکدیگر احترام گذاشتن ، پذیرفتن یکدیگر و نظایر آن .نکته پنجم :تحکیم روابط زناشویی ، علاقه به داشتن یک ارتباط سالم ، ایجاد یک کانون گرم و صمیمی و نایل شدن به تفاهم ، مسئولیت همه اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر است . ازاین رو می توان گفت که حل مسائل زناشویی و خانوادگی مستلزم کوشش همه جانبه اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر است .نکته ششم :وقتی در زندگی ، اختلاف نظر و یا سوء تفاهمی بروز می کند ، به جای سرزنش کردن یکدیگر و تفسیر نادرست ، به شناسایی مسئله ، علت یابی و سرانجام راهیابی آن بپردازید . اگر چه باید اعتراف کرد که گاهی اوقات شناسایی مسئله واقعی، مشکل اصلی و یافتن علت ها و ریشه ها دشوار است . زیرا آنچه که روی پرده است متفاوت می باشد و شناخت ریشه های اصلی مسئله،کاری ماهرانه و پرپیچ و خم است که کمک و مشاوره افراد متخصص را طلب می کند .نکته هفتم :لازمهایجادِ حفظ و استمرار روابط زناشویی سالم ، داشتن تعهد ، وفاداری ، اعتقاد ، انصافو صمیمیت ، پذیرش متقابل ، سعه صدر متقابل، تفاهم متقابل و اعتماد متقابل است . پس با رعایت این اصول نسبت به همسرتان احساس مسئولیت کنید و خانوادهرا بهفضایی سرشار از امنیت روانی و عاطفیتبدیل نمایید .نکته هشتم:مهمترین عامل پدید آمدن مسائل و مشکلات زناشویی ، سوء ارتباطات و سوء تفاهمات است . بنابراین زن و شوهر هریک به سهم خود مسئولیت دارند که از به وجود آمدنآنهاپیشگیری

کننـد و در اولین فرصت ممکن به حـل و فصـل آنهـا بپردازنـد . زیرا سوءتفاهمـات و سوءارتباطات به صورت یک فراینـد مخرب و پیشـرونده عمل می کننـد . گاهی یک سوء تفاهم یا یک سوء ارتباط کوچک مانند یک گلوله برفی به تدریج به یک بهمن بزرگ تبدیل می شود و بنیاد زندگی را متلاشی می سازد . برای مثال ممکن است که کسی در ارتباط با سکوت همسرش بگوید : وقتی او سکـوت می کنـد ، معنـایش ایـن است که مرا دوست نـدارد . در حـالی که ممکن استسکوتاو معـانی گونـاگون داشـته باشـد .نکته نهم:مورد تأیید واقع شدن ، مورد محبت و توجه قرار گرفتن،از نیازهای اساسـی انسان است . سعی کنید در روابط زناشویی به نوعی و به طریقی رفتارهای مطلوب همسـرتان را مورد توجه قرار دهید و تأیید کنید . همسر شما باید بفهمد که برای او ارزش قائل هستید . خـاصه آن که تشویق، تأییـد و بیـان نکات مثبت بایـد به طور آشـکار و یا در جمع باشـد و تـذکر نکات منفی و انتقاد بایـد به طور محرمانه و در تنهایی صورت گیرد .نکته دهم:لازمه ایجاد و حفظ روابط سالم ، این است که طرفین برای خصوصـیات ، علاقه مندی ها و نیازمنـدی های یکـدیگر ارزش قائل شونـد . از این رو سـعی کنید در روابط کلامی ، غیر کلامی ، عاطفی و اقدام ها و تصـمیم گیری ها به رفتار، افکار و به نیازها و خواسته های همسـرتان توجه کنیـد . حساسیت نشان دهید و پاسخ مناسب بدهید (بی تفاوت نباشـید) . بنـابراین اگر زن یـا شـوهری گفت : همسـر من به فکر من نیست ، من برای او ارزشـی نـدارم ، او سـرش به کـار خـودش مشـغول است و .... ، این امر زنگ خطر محسوب می شود .نکته یازدهم:یادتان باشد که مسـئله یک طرفه و شـیوه برخورد با مسئله ، طرف دیگر است . به جای انتخاب روش پرخاشـگرانه ، خشونت آمیز و بدبینانه ، بهتر است روش مسالمت آمیز ، صـمیمانه و خوش بینانه را انتخاب کرد . اگر رفتاری برای شـما مبهم است ، ساده ترین راه این است که از همسـرتان سوال کنیـد : هدف شـما از انجام این کـار چیست ؟ ، منظور شـما از این حرف چیست ؟ ، چرا این طور رفتـار می کنی ؟ ، چه طور شـد که این طور عمـل کردی ؟ و نظـایر آن .نکته دوازدهم:گـاهی بین زن و شوهر پیام هایی رد و بـدل می شود که به درستی درک نمی گردد؛ زیرا برخی از پیام ها مبهم هسـتند و هرکس می تواندآنها را به گونه ای مثبت یا منفی تفسـیر کند . یا این که اصولاً برخی از پیام ها دارای چندین مفهوم هستند . بنابراین گیرنده پیام بایداز فرستنده پیام به وضوح و صراحت سئوال کند که منظورش از پیام مورد نظر یا موضوع بحث شده چه بوده است ؟یا از او بخواهد که توضیـح بیشتری دهد تا رفع اشـکال و ابهام شود .نکته سـیزدهم:در اکثر موارد زن و شوهر با زبان واحـدی با یکـدیگر سـخن می گوینـد ، اما آنچه که یکی می گویـد و آنچه که دیگری می شـنود ، اغلب متفاوت است و در نتیجه مشـکلات ارتباطی را به دنبال می آورد . لذا توصـیه می شود هم زن و هم شوهر دیدگاه خود را در مورد مسـئله یا مشکل مورد نظر به زبان ساده و صادقانه بیان کننـد . در این باره باید یادآور شد که خشونت را نباید با خشونت پاسخ گفت ، بلکهدر برابرخشونتباید سکوت کرد و بعداً در موقعیت مناسب دیگری درباره مسـئله مورد نظر به بحث و گفت وگو پرداخت .نکته چهاردهم:در اکثر مواقع ، زوج هایی که مشـکلات ارتباطی دارنـد ، دچار مشـکل شـناختی ، طرز قضاوت کردن (پیش داوری) و دیـدن اشـکالات به جای نقاط مثبت می شونـد . به بیان دیگر این گونه زوج ها کسانی هسـتند که وقتی با لیوانی که تا نیمه پُر از آب است روبرو می شوند ، اغلب به نیمه خالی توجه می کنند .نکته پانزدهم :سعی کنید با نگرش مثبت نسبت به یکدیگر و با مشورت کردن و هماهنگی ، امور زنـدگی خـانوادگی ، تعلیم و تربیت فرزنـدان ، فعـالیت هـای اجتمـاعی، اوقـات فراغت و چگونگی صـرف آن ، دیـد و بازدیـدهای خانوادگی و نظایر آن را تنظیم و برنامه ریزی کنیـد .نکته شانزدهم :در هر فرصتی که پیش می آیـد سـعی کنیـد با همسـر و اعضای خـانواده تـان ارتبـاط کلامـی برقرار کنیـد و به گفت و گوهـای خانوادگی بپردازیـد . شایان ذکر است که زنها از صـحبت کردن با همسـرشان اسـتفاده می کنند . بنابراین توصـیه می شود شوهران فعالانه به صـحبت های همسـران خود گوش کنند و واکنش مناسب نشـان دهنـد . چنانکه شوهر یا زن در شـرایط خاصـی نتوانـد به صـحبت های همسـرش گوش کنـد ، بایـد این موضوع را صادقانه و صمیمـانه مطرح و تقاضـا کندوصـحبت کردن دربـاره آن موضوع را به فرصت دیگری موکولنمایـد. در هر حـال از پیش آمـدن این حـالت جلوگیری کنیـد که همسرشـما فکر کنـد و احساس نمایـد که شـما مشـغول کار و فعالیت خودتان هستیـد و به حرف های او

گوش نمی کنیـد و توجه نداریـد.نکته هفـدهم:زن و شوهر بایـد هر چه بیشتر با یکدیگر ارتباط کلامی و عاطفی برقرار کنند و سوء تفاهمات و سوء ارتباطات را هر چه زودتر شناسایی ، رفع و اصلاح کنند . نکته حائز اهمیت این است که زن و شوهر باید خود رأساً برای حل مشـکلات زناشویی- خانوادگی اقـدام کننـد و پیش از آن که موضوع را بافرد دیگری در میان گذارنـد، به منزله دو انسان عاقل و بالغ مسئله را منصـفانه بین خود حل و فصل کنند و اجازه ندهند دیگران در این امر مداخلهنمایند .نکته هجدهم:زن و شوهر بایـد مشـخص کننـد که از یکـدیگر چه انتظاراتی دارنـد ؟ آنها بایـد گاه گاهی در یک فضای محرمانه ، محبت آمیز و صـمیمانه به ارزیـابی رفتـار و روابـط یکـدیگر بپردازنـد و از یکـدیگر سـؤال کننـد : آیا از من راضـی هستی ؟ آیا من توانسـته ام انتظارات تو را پاسـخگو باشم ؟ نسبت به من چه احساسی داری ؟ و نظایر آن . زن و شوهر نباید تصور کنند که این انتظارات و احساسات به قدری روشن و گویا هستند که نیازی به طرح و بیان آنها نیست. بنابراین شوهر نسبت به زن و زن نسبت به شوهر باید احساسات، عواطف و انتظارات خود را در میان گـذارد و به طور آشـکار ابراز کنـد و برای بهبود روابط خود تلاش نمایـد . زن و شوهر باید از یکدیگر سؤال کنند : چه باید کردتا روابطمان بهتر و بانشاط ترگردد ؟نکته نوزدهم:در رویارویی با مسائل و مشـکلات زناشویی همواره باید انصاف داشت . به بیان دیگر خود را در وضـعیت طرف مقابل قرار دادن ، قبول مسـئولیت خود و شناخت انتظارات متقابل ، قدم اول در حل و فصل اختلافات زناشویی است .نکته بیسـتم:راه حل عمده مسائل و مشـکلات زناشویی ، اصـلاح نگرش و شـیوه برخورد و تصـحیح انتظـارات براساس توان و وسع یکـدیگر است . لـذا توصـیه می شود زمان مشخصـی را در روز یا در هفته برای گفت وگو دربـاره مسائـل و مشـکلات و روشن کردن انتظـارات از یکـدیگر و به اصـطلاح درد دل کردن اختصـاص دهیـد .نکته بیست و یکم :داشـتن نگرش های آرمان گرایانه و شاعرانه نسبت به ازدواج و روابط زناشویی از سویی و ازدواج هایی که بر اساس هوی و هوس ، جـاذبه هـای مالی یا زیبایی صورت می گیرد از دیگر سو ، زوج ها را بیشتر با سوء تفاهم ها ، تضادها و ... روبه رو می سازد و این گونه پیونـدها به زودی به سـستی می گرایـد . علت اصـلی چنین مشـکلاتی این است که طرفین از یکـدیگر انتظارات غیر واقع بینانه دارنـد و این امر نیز به برداشت های نادرست از یکـدیگر و سـرانجام به ارتباطات نامطلوب ختم می شود .نکته بیست و دوم:براساس سوء ظن و گمـان بـد و حـدس نـادرست نمی توان زنـدگی کرد و ارتبـاط سالم برقرار نمود . اگر موضوع و یا مسئله ای ذهن زن و شوهر را به خود مشـغول کرده است . باید آن را به صراحت و صادقانه مطرح کرد و درستی یا نادرستی اش را مورد بررسی قرار داد . برای مثـال ، امروز خسـته به نظر می رسـی ، چرا؟ چه طور شـد که این حرف را زدیویـا این کار را کردی ؟ پسـهمواره زن و شوهر بایـد یکـدیگر را به صبر و بردباری و اخلاص و توکل توصـیه کنند .نکته بیست و سوم:زن و شوهر هر دو موظف هسـتند زمینه های بروز سوء تفاهمـات و سوءظن هـا را از بین ببرنـد و حتی الامکان از انجام رفتارهایی که موجب بروزاین مسائل می شود ، خودداری کننـد .نکته بیست و چهارم :گاه زن و شوهر از یک مسئله واحـد دو برداشت کاملاً متفاوت دارند. اما آنهارا با یکدیگر مطرح نمی کننـد و یـا نمی خواهنـد که این برداشت هـای متفـاوت را درک کننـد و در نتیجه،بروز یک مسـئله ساده ممکن است به یک بحران تبـدیل شود . لـذا زن و شوهر بایـد سـعی کننـد که برداشت هـای یکـدیگر از مسـئله را جویا شونـد و بفهمنـد . برای شـناخت ریشـه اختلافات زناشویی باید با روان شناسی زن و یا روان شناسی مرد آشنا شد و دریافت که زن یا مرد به چه اموری بها می دهند و نظام ارزش های آنان چگونه است ؟ به طور معمول زن به وابسته بودن ، کسب امنیت عاطفی و مورد حمایت واقع شدن اهمیت می دهد . در حـالی که مرد می خواهـد مسـتقل و خود مختـار باشـد و برای آزادی عمـل ارزش قائـل است . چـاره کـار این است که در این شرایط زن و شوهر از خود انعطاف نشان دهنـد و به آگاهی برسـند .نکته بیست و پنجم:لازمه ایجادِ حفظ و اسـتمرار روابط زناشویی سالم و بانشاط این است که فضای خانواده،سالم و آرامش بخش باشد و زن و شوهر از مسـخره کردن یکدیگر و گفتن سخنان طعنه آمیز و دو پهلو پرهیز کنند .نکته بیست و شـشم:به جای در نظر گرفتن خصوصیات منفی بهتر است ویژگی های مثبت یکدیگر را در نظر بگیریم و به آنهـا توجه کنیم . بنـابراین از پوزخنـد زدن ، مسـخره کردن ، متلك گفتن ، تحقیر کردن ، سـرزنش کردن و به رخ

کشیدن یکدیگر باید اجتناب کرد . این گونه رفتارهای نامطلوب موجب افزایش مقاومت های روانی در طرف مقابل می شود و ادامه زندگی زناشویی و ارتباط را دشوار و فاجعه آمیز می کند .نکته بیست و هفتم:اساس یک ارتباط سالم و بانشاط مثبت فکر کردن است . در زندگی شخصی ، خانوادگی و زناشویی همواره سعی کنید به مثبت ها ، موهبت ها و نعمت هایی که در اختیار دارید بیندیشید ، نه به آن اموری که در اختیار ندارید . برای مثال برخورداری از سلامت ، داشتن فرزند و داشتن روابطسالم ورضایت بخش از نعمت هایی است که در اختیار دارید و باید شاکر درگاه الهی باشید .نکته بیست و هشتم:گذشت و عفو عنصر اصلی استمرار و استحکام پیوند زناشویی از سوی هر یک از زوج هاست . لذا از خطاهای یکدیگر بگذرید و خطاهای همدیگر را تحمل کنید . این نکته به ویژه در مورد شوهران توصیه شده است که با زنان خود با نیکی و مهربانی معاشرت کنید و از بی عدالتی و خشونت بپرهیزید .نکته بیست و نهم:زن و شوهر می توانند با یادآوری برخی ایام مانند روز تولد ، سالگرد ازدواج و نظایر آن و دادن هدیه هایی هر چند کوچک (مثلاً یک شاخه گل) به طور نمادی یا سمبلیک ، عشق و علاقه و توجه خود را نسبت به یکدیگر بروز دهند .نکته سی ام:زن و شوهر موظفند خود را در برابر یکدیگر آراسته و پاکیزه و جالب توجه نگه دارند و از پریشانی و وضع نامرتب اجتناب کنند .نکته سی و یکم:از آن جا که نفس انسانی خوپذیر است لذا در انتخاب دوست و برقراری روابط دوستانه و یا معاشرت های خانوادگی با زوج های دیگر دقت کنید . توصیه می شود زن و شوهر هر دو معیارهایی را با توافق یکدیگر مشخص کنند و بر اساسآنها به گزینش دوست و برقراری این گونه روابط اقدام نمایند .نکته سی و دوم:در روابط زناشویی سالم ، نه باید مردسالاری حاکم باشد و نه زن سالاری . به بیان دیگر اصولاً رابطه سلطه گرانه و سلطه پذیرانه چه از طرف زن و چه از طرف شوهر برای کانون گرم خانواده آفت بزرگی به شمار می آید .نکته سی و سوم:خطای یکدیگر را در حضور فرزندان یاافراد دیگر مانند دوستان،آشنایان و بستگان بازگو نکنید و همواره احترام یکدیگر رانگه دارید . همچنین سعی کنید اهمیت احترام به بزرگترها و پدر یا مادر را همواره به فرزندان خود یادآوری کنید .نکته سی و چهارم:مسئله اصلی این است که تفاوت های فردی وجود دارد و زوج ها نباید یکدیگر را با فرد دیگری مقایسه کنند . نکته حائز اهمیت این است که زوج ها باید حاضر شوند این تفاوت ها را درک کنند و اختلافات زناشویی را در یک فضای محرمانه و صمیمانه مطرح کنند و معتقد باشند که می شود و می توان به تفاهم رسید و یک ارتباط سالم برقرار کرد.نکته سی و پنجم:تشویق و ابراز تشکر از رفتارهای مطلوب همسر ، تأثیر بسزایی در تکرار و استمرار آن رفتارها دارد و انگیزه تکرار آن رفتارها ا بیشتر می کند . او یاد می گیرد که پس همسر من این رفتار را دوست دارد و برای خوشایند او باید آن را تکرار کنم .نکته سی و ششم:سعی کنید مورد یا موارد سوء تفاهم یا مسائل مورد اختلاف را هر چه زودتر و هر چه صریح تر مطرح کنید و به حل و فصل آنها بپردازید . از پیش داوری ، تعمیم های نادرست و غیرمنطقی و شکل گیری افکار منفی پرهیز کنید . برای مثال اگر همسر شما یک بار بدقولی کرده است به او نگویید : تو همیشه بدقولی می کنی ! در حالی که ممکن است همسر شما این بار قولش را فراموش کرده باشد و یا علت خاصی داشته باشد .نکته سی و هفتم:گاه عملی نشدن قول ها و قرارها ، چه پیش از ازدواج و چه پس ازآن از طرف زن یا شوهر به دل شکستگی، سلب اعتماد و احساس فریب خوردگی منجر می شود. بنابراین سعی کنید حتی الامکان به قول های داده شده عمل کنید و احساس مسئولیت خود را در قول و عمل نشان دهید .نکته سی و هشتم:از نسبت دادن القاب و زدن برچسب های ناگوار و نامطلوب به یکدیگر مانند : بدقول ، بی احساس ، نامهربان ، بی عاطفه ، لجباز ، بی انصاف ، زورگو ، خودخواه و نظایر آن پرهیز کنید .نکته سی و نهم:لازمه ایجاد ، تداوم و حفظ روابط زناشویی سالم ، انعطاف پذیری در رویارویی با تقاضاها و درخواست های همسرتان می باشد . آشفتگی روابط زن و شوهر به افسردگی و اضطراب در یکی از آنها و یا هر دوی آنها منجر می شود و در نتیجه بر شدت مشکلات موجود می افزاید . گاهی اوقات افسردگی و عصبانیت زن یا شوهر به علت اختلال در کار سیستم عصبی یا غدد درون ریز به ویژه غده تیروئید است . بنابراین توصیه می شود در اولین فرصت به پزشک متخصص مراجعه کنید.نکته چهلم :سخن آخر این که برای ایجاد ، حفظ و

استمرار یک رابطه زناشویی سالم ، موفق و باطراوت باید هر یک از زوج ها (چه زن و چه شوهر) تلاش کند ، بیندیشد ، وقت بگذارد ، احساس مسئولیت کند و موانع برقراری ارتباط سالم را از میان بردارد و در مقابل به عوامل کمک کننده برقراری ارتباطسالم توجه نماید و عمل کند .

موانع خلاقیت در محیط خانواده

۱- تأکید بیش ازحد والدین برهوش و حافظه کودکبسیاری از والدین ، ناآگاهانه کودک خود را فقط با هدف تقویت مهارت های حافظه ای و انباشتن ذهن وی از اطلاعات عمومی ، تربیت وهدایت می کنند و برای حافظه و هوش کودک اهمیتی بیش از حد قائل می شوند. این گروه از والدین بدون در نظر گرفتن این اصل تربیتی مهم که تنها اطلاعات عمومی و داشتن حافظه قوی برای تکامل و رشد فکری و باروری استعدادهای کودک کافی نیست ، با اصل قراردادن هوش وحافظه کودک، از پرورش سایر تواتمندی های ذهنی و روانی کودک خود ، که مهم ترین آنها تفکر خلاق است ، غافل می مانند.۲- ایجاد رقابت میان کودکانرقابت میان کودکان معمولاً وقتی پدید می آید که :الف) نوعی ارزیابی و رتبه بندی توسط والدین وجود داشته باشد.ب) پاداش یا جایزه ای در میان باشد . به طور معمول اگر کودکان احساس کنند که کار آنها توسط والدین مورد ارزش گذاری قرار خواهد گرفت یا به بهترین کارجایزه یا پاداش داده خواهد شد، بیشتر از آن که به انجام بهترآن کار بیندیشند ، به کسب آن جایزه فکر می کنند . ضمن این که گاهی این رقابت ها به ستیزه جویی میان کودکان تبدیل می شود و سبب می گردد تا آنها نتوانند از توانایی ها و استعدادهای واقعی خود استفاده کنند.۳- تأکید افراطی بر جنسیت کودکتأکید زیاد بر جنسیت کودک و تمایز قائل شدن زیاد میان دختر و پسر یکی از موانع مهم رشد خلاقیت کودکان در برخی از خانواده هاست . در برخی از فرهنگ ها بسیاری از دختران و پسرانی که از تفکر خلاق برخوردارند ، به سبب ملزم شدن به رعایت پاره ای مقررات وهنجارهای از پیش تعیین شده وهمچنین به دلیل قرار گرفتن در نقش های قالبی که فرهنگ و محیط بر آنها تحمیل کرده ، علایق و تمایلات خلاقانه ی خود را سرکوب می کنند و در نتیجه به تدریج دچار تعارض شده ، خلاقیت آنها از بین می رود.۴- قرار دادن قوانین خشک و دست و پا گیر در منزلبسیاری از والدین برای کودکان خود قوانین و مقررات خشک ومحدود کننده ای نظیر مقدار ساعت های درس خواندن در روز ، رأس ساعت معین خوابیدن ، استفاده از لوازم خاص و... قرار می دهند . پدید آوردن چنین شرایطی در منزل و اصرار و پافشاری بر رعایت آنها از جانب کودکان ، سبب می شود کودک تدریجاً به قالبی و تکراری رفتار کردن عادت کند . باید توجه داشت که افکار و رفتارهای کلیشه ای و تکراری نقطه متضاد خلاقیت است .۵- عدم آشنایی والدین با مفهوم واقعی خلاقیتعدم آگاهی و شناخت برخی والدین از فرایند رشد خلاقیت در کودکان و مطالعه نکردن آنها در این زمینه ، سبب می شود هیچ گاه نتوانند برای پرورش و شکوفایی خلاقیت کودک خود برنامه ریزی و اقدام صحیحی نمایند و به این ترتیب ناخواسته سبب می شوند استعدادهای خلاق کودکشان به هدر رود.۶- انتقاد مکرر از رفتارهای کودکپیامبر اکرم (ص) در حدیثی درباره وظایف والدین نسبت به فرزندان می فرمایند " : یقبل مَیسوره و یتَجاوز عَن مَعسوره و لا یرهُقُه " آنچه را کودک در توان داشته و انجام داده از او بپذیرد ، کار طاقت فرسا و سنگین از او نخواهید و او را به گناه و طغیان وادار نکنید .ارزیابی پی درپی رفتارهای کودک و زیر ذره بین قرار دادن و انتقاد از کارهای او در خانواده ؛ آزادی ، امنیت خاطر و اعتماد به نفس کودک را مختل می سازد و ترس از اشتباه را در وی تقویت می کند . این ترس چنانچه درکودک حالت مرضی پیدا کند ، جرئت ابراز هرگونه اندیشه ی جدید یا انجام کارهایی را که درعین خلاق بودن ، احتمال وجود اشتباه نیز در آنها وجود دارد، در کودک از بین می برد و به این ترتیب خلاقیت کودک که لازمه اش داشتنآزادی و امنیت خاطر در محیط خانواده و خطر پذیری وعدم ترس از اشتباه است ، با مانع رو به رو می گردد.۷- بیهوده شمردن تخیلات کودکتخیل کودک اساس خلاقیت اوست و چنانچه تخیلات و رؤیاهای کودک با بی توجهی ،

تمسخر یا بیهوده انگاشتن از جانب والـدین رو به رو شود، در واقع سرچشـمه خلاقیت اوخشـکانده شـده است.محکوم کردن خیال پردازی کودک و وادار نمودن او به واقع بینی درخـانواده شـیوه ای کاملاً ـ اشـتباه است و برای بـذر حسـاس خلاقیت کودک ، آفتی مهلک محسوب می شود.۸- عدم شناسایی علائق درونی کودکبسیاری از کودکان خصوصاً درسنین پایین ، از علائق و کشش های خود نسبت به موضوعات و پدیـد ه های پیرامون اطلاع روشـنی ندارنـد یا این که نمی تواننـد آن را به زبان بیاورند. این موضوع از موارد بسیار حساس به شـما ر می رود که باید ازهمان دوران کودکی مورد توجه والدین قرار گیرد. خانواده هایی که نسـبت به این مسئله بی تفاوت اند و سعی نمی کنند انگیزه ها و موضوعات مورد علاقه کودک خود را شناسایی و کشف کنند ، ناخواسته فرصت هـای زیـادی را برای رشـد خلاـقیت کودک از وی سـلب می کننـد.۹- عـدم وجـود حس شـوخ طبعی درمحیـط منزلشـوخ طبعی از شـاخص هـای مهم خلاـقیت به شـما ر می رود و وجود حس شوخی و شوخ طبعی در فضای خانواده بسیار حائز اهمیت است ، زیرا مستقیماً به رشد خلاقیت کودک کمک می کند . اما در خانواده هایی که فضای زندگی آنها خشک ، رسمی و جدی است ، زمینه ای برای بروز حس شوخ طبعی کودک به وجود نمی آید و در نتیجه در چنین محیطی بسیاری از کشش های خلاقانه کودک پنهان می ماند.۱۰- تحمیل نقش بزرگسال به کودکبسـیاری از والـدین علاقه مندنـد که کودک آنها سـریعاً رشـد کنـد و کودکی خود را پشت سـر بگـذارد . آنهـا گـاهی برای تسـریع این امر سـعی می کننـد بـا کودک خود هماننـد بزرگسالان رفتار کننـد و به تبع آن از کودک خود توقع ایفـای نقش هـایی بزرگ تر از محـدوده سـنی آنهـا را دارنـد . تحمیـل نقش های کاذب بزرگسالی به کودکان ، روند رشد اجتماعی آنان را مختل می سازد وسـبب پدید آمدن رفتار های نا به هنجار و تصـنعی در آنها می شود و همین امر باعث از بین رفتن بسیاری از استعدادهای خلاق دوران کودکی می گردد.به تخیل کودکان خود پروبال بدهید، آن وقت است که از پرواز بلند آنها شگفت زده خواهید شد . * http://www.tebyan.net/social/house_family

مدیریت خانواده بر رفتار فرزندان در شرایط آزمون

نویسنده: معصومه عباسی/ کارشناس مشاوره و راهنمایی

«والـدین، خانواده ها و اولیای مدرسه محیط خانواده و مدرسه رادر زمان امتحانات نباید به گونه ای تغییر و تحول دهند که غیرعادی به نظر برسـد، چرا که غیرعـادی کردن محیـط استرس، اضـطراب و دلهره برای بچه ها به وجود می آورد. ضـمن آن که دانش آموز تصور می کند حادثه بسـیار مهمی رخ خواهد داد، بنابراین باید برای مقابله با شـکست های احتمالی خود را آماده کند، درحالی که با این روش ها انگیزه و علاقه در او ایجاد نمی شود چرا که خود را برای مقابله و رویارویی با امتحان مسلـح می کند، بهترین شرایط آن است که امتحـان را در ذهن دانش آموز به عنوان همراه و نجـات دهنـده درونی کنیم. هر چقـدر محیط را به گونه ای ویژه تغییر دهیم درون بچه را متلاـطم و به هم ریخته می کنیم، ضـمن آن که ممکن است رفتـار والـدین و معلمان در تغییر دادن محیط به ویژه محیـط خـانه موجب شود بچه هـا توان خود را کمـتر از میزان واقعی آن بداننـد و به تبع آن اعتمـاد به نفس خود را از دست بدهنـد. امتحانات که از راه می رسـد بسـیاری از خانواده ها سـعی می کنند برخی از برنامه های خود از قبیل مهمانی رفتن و مهمانی دادن را متوقف کننـد تـا شـرایط خـانه برای درس خوانـدن و امتحان دادن بچه ها مهیا شود، در حـالی که مهمانی رفتن خانواده ها و توجه به تغـذیه بچه هـا از جمله مسـائلی است که همـواره بایـد از سوی خـانواده هـا مـدیریت شود، در غیر این صورت نـتیجه مخرب در پی خواهد داشت. بنابراین رفتار برخی از خانواده ها در روزهای امتحان که نسبت به این مسائل توجه ویژه ای نشان می دهند نادرسـت است. البته باید رفع برخی از نیازهای دانش آموزان همچون خرید کردن را هم که می توان به روزهای پس از امتحان موکول کرد، متنـاسب بـا سن و سـال و شـرایط روحی دانش آموزان به آنها تفهیم کرد. بایـد بـدانیم آزمون و امتحان از جمله مباحثی است که به سنجش و افزایش یادگیری کمک می کنـد، ولی متاسـفانه ما در نظام آموزشـی خود به بعد سـنجش امتحان بیشتر توجه می کنیم تا

ابعاد دیگر آن. البته شرایط و نحوه برگزاری آزمون به عنوان ابزار یادگیری اصولی علمی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد.* روزنامه ایران

مدیریت خانواده و خانه

، روش آزاد منشانه با حضور اعضای خانواده است. استفاده از این روش موجب می شود که:* در مورد امور خانه، بین اعضای خانواده مشورت صورت گیرد و هریک از اعضای سعی می کنند به سخنان هم گوش دهند و حرفهای یکدیگر را درک کنند. همه افراد خانواده به تناسب موقعیت، شرایط و امکانات خویش، به اظهارنظر در امورخانه و دخالت در اداره آن بپردازند.* خانواده دارای هدف های ارزشمندی است و کوشش های اعضای به ویژه رئیس خانواده معمولاً در راستای این اهداف صورت می گیرد.* در این خانواده به جای مردسالاری یا زن سالاری حق سالاری حاکم است.* بر روابط افراد در خانواده و انجام امور، مقرراتی حاکم است که مورد قبول اعضا بوده و لذا انضباط خاصی در خانواده دیده می شود.* بین اعضای خانواده به تناسب موقعیت و امکانات تقسیم کار صورت می گیرد و هر فرد در مقابل کاری که دارد، احساس مسوولیت می کند.* اساس اداره خانواده و روابط اعضا باهم، اقتصاد خانواده، استفاده از تفریحات سالم و برنامه ریزی در جهت اوقات فراغت، متکی بر یک روش عقلانی است.* در این خانواده، رئیس خانواده سعی می کند اعضا را با حقوق و تکالیف خود آشنا سازد و در ادای این حقوق تلاش لازم به عمل می آید.* رئیس خانواده به نیازهای اعضا آگاهی دارد و سعی دارد ترتیبی دهد که نیازها و تمنیات افراد در حدلازم ارضا گردد.* در این خانواده، زن و شوهر یکدیگر را دوست دارند و برای هم ارزش قائل هستند.منبع : پارس نایس www.parsnice.com

مدیریت مصرف در خانواده

محسن بهشتی پور

نیمی از خانواده های ایرانی به دلیل نداشتن مدیریت اقتصادی در دخل و خرج خانوار، با مشکلات مالی روبه رو هستند. این در حالی است که تحقیقات آماری نشان می دهد مدیریت اقتصادی در خانوار بیش از ۵ درصد مشکلات مالی را کاهش می دهد. عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، با اشاره به این مطلب به گزارشگر ما گفت: در تعریف مدیریت اقتصادی خانواده، هر خانواده سازمان و بنگاه اقتصادی کوچکی تلقی شده است که نیاز به مدیریت بر منابع دارد که به بخش های مدیریت اقتصادی شرایط عادی، شرایط غیر عادی و بحرانی تقسیم بندی می شود. همان طور که در خانواده، والدین باید مدیریت عاطفی، روانی و اجتماعی را برای ایجاد روابط دوستانه و رسیدن به تکامل اعضای خانواده بر عهده گیرند و اعمال کنند، در بحث هزینه کردن و ایجاد تعادل بین دخل و خرج نیز نیاز به مدیریت است؛ اهمیت مدیریت منابع اقتصادی در خانواده تا آنجاست که مدیریت صحیح در این بخش می تواند منجر به تحکیم بنیان خانواده و کاهش تنش ها و مشکلات خانوادگی شود. مدیریت مالی خانواده باید با چه کسی باشد؟ معمولا مشارکت پدر و مادر در این امر منجر به موفقیت خانواده در امور مالی و کاهش مشکلات اقتصادی می شود اما بسیاری از جامعه شناسان بر این اعتقادند که زنان به دلیل دقت نظر در اداره کردن امور مالی خانواده، از موفقیت بیشتری برخوردارند.مدیریت اقتصادی خانواده در شرایط عادی باید بر اساس میزان درآمدهای هر یک از اعضای خانواده و هزینه ها تنظیم شود، و در این میان خانواده هایی موفق ترند که در این فرمول جایی را نیز برای پس انداز و به اصطلاح « روز مبادا» در نظر بگیرند، چرا که به اعتقاد کارشناسان برابری هزینه ها و درآمد نشان از این دارد که خانواده بر اساس شرایط حال تصمیم گیری کرده است؛ اما اگر در مدیریت اقتصادی جایی نیز برای پس انداز در نظر گرفته شود، نشان از آینده نگری خانواده دارد که معمولا این گونه خانواده ها کمتر دچار مشکلات مالی و اقتصادی می شوند و در مشکلات و پیشامدهای غیر منتظره مستاصل نمی شوند. در شرایط

غیر عادی و بحرانی که هزینه های خانواده به دلایل مختلف از جمله بیماری، بیکاری و... بیش از درآمد می شود، مدیریت بحرانی می تواند پیامدها و مشکلات ناشی از این حادثه یا واقعه را کاهش دهد.در این وضعیت خانواده هایی که آینده نگری را پیشه خود کرده اند، راحت تر از بحران می گذرند و آن دسته از خانواده هایی که پس اندازی نداشته اند با مشکلات بسیاری روبه رو می شوند. این خانواده ها اغلب به شدت دچار مشکلات مالی می شوند.بنابراین در علم اقتصاد خانواده، مدیریت باید همراه با آینده نگری و پرهیز از هزینه های اضافی باشد.وی همچنین گفت: در حال حاضر به دلیل گسترش پدیده تجمل گرایی، مخارج اضافه، نداشتن قناعت و صرفه جویی و تبعیت از الگوهای مصرف اسراف گونه، تنها نیمی از خانواده های ایرانی مدیریت اقتصادی را در خانواده خود اعمال می کنند و نیمی از آن ها نیز به دلیل نداشتن مدیریت بر دخل و خرجشان با مشکلات مالی روبه رو می شوند. درست است که تورم در جامعه بالاست و هر روز هزینه های کالای ضروری، مسکن و... افزایش می یابد، اما با رعایت مدیریت اقتصادی می توان تا حدودی از بار مشکلات کاست.بنا به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، صرفه جویی، قناعت و پرهیز از تجمل گرایی و چشم و هم چشمی از ملزومات اجرای مدیریت مالی است. با این حال باید در نظر داشته باشیم خانواده هایی که دارای درآمد نیستند و خانواده هایی که به هر دلیلی سرپرست آن ها بیکار است شامل این امر نمی شوند؛ چرا که آن ها دخلی ندارند که بخواهند آن را مدیریت کنند. یکی از مباحثی که در حال حاضر مطرح می شود این است که افزایش قیمت ها و هزینه های سرسام آور زندگی، آرامش را از خانواده ها سلب کرده است و باوجودی که پدر و مادر دو یا سه شیفت کار می کنند، نمی توانند از پس هزینه ها برآیند.به اعتقاد من این افراد دچار نقص در مدیریت خانواده هستند و فرهنگ قناعت و صرفه جویی در این خانواده ها بسیار کمرنگ است. با مدیریت اقتصادی و مالی بر درآمدهای خانوار همراه با صرفه جویی و پیشه کردن قناعت و فرهنگ سازی در زمینه «به آن چه داریم، راضی باشیم»، آرامش، شادابی و نشاط در خانواده حاکم می شود. چرا که دیده شده است بسیاری از خانواده های مرفه باوجود در اختیار داشتن امکانات مالی، افسرده، مضطرب و از هم گسیخته هستند. بنابراین با تلفیق مدیریت اقتصادی خانواده با آموزه های دینی مثل پرهیز از اسراف و پیشه کردن صرفه جویی و قناعت می توان به آرامش دست یافت. جامعه ما در حال حاضر با شتاب به سوی تجمل گرایی و مصرف زدگی که هزینه های خانوار را افزایش داده است، پیش می رود. آمارها نشان می دهد ۸ �درصد هزینه های زاید و سربار خانوار ناشی از تجمل گرایی و چشم و هم چشمی است. بنابراین در اقتصاد خانواده باید براساس داشته ها و درآمدها برای هزینه ها برنامه ریزی کرد و نه براساس خواسته ها؛ این مسئله مهم ترین اصل در مدیریت اقتصادی خانواده است.

خانه خود را «خوب» مدیریت کنیم

مدیریت خانه، کاری تمام وقت است. متأسفانه در کشور ما این فعالیت هنوز به صورت علمی شناخته نشده است.مدیریت خانواده کاری مستمر است که از والدین به خانواده و فرزندان تسری پیدا می کند. درباره مدیریت خانه سلسله مباحثی مطرح است که به بخشی از آنها اشاره می شود.الف) اصول مدیریت در خانواده- برنامه ریزی زندگی براساس اهدافی که شرع، عرف، اخلاق و عقل حکم می کند.- در نظر گرفتن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برنامه ها.- اجرای اصل فعالیت هر عضو خانواده به اندازه ی توان و استفاده هر عضو به اندازه نیاز.- احترام به بزرگترها و توجه به کوچکترها.- ایجاد محیطی مناسب به منظور دستیابی به همکاری چندجانبه میان افراد خانواده.- تقسیم عادلانه ی کارها میان افراد خانواده.- توزیع وظایف خانه میان افراد و آموزش فرزندان برای انجام بهتر کارها به جای انجام آن کار به وسیله پدر یا مادر.ب) شیوه مدیریت خانوادهطی دو قرن گذشته، علاوه بر شیوه ی مدیریت سنتی، شیوه مدیریت مشارکتی نیز مورد استفاده قرار گرفته که نتایج خوبی داشته است.وجود قوانین برای ایجاد انضباط در جوامع و گروه های انسانی لازم است. ولی در خانواده هایی که قوانین بدون مشارکت اتخاذ می شود، همیشه اعضاء این

قوانین را تحمیلی تلقی می کنند. اگر مردم و گروه ها در وضع قوانین دخالت داشته باشند، آن را بهتر درک کرده، با انگیزه ی قوی تری در اجرای آن می کوشند و با دیده احترام به آن می نگرند.در خانواده های جدید، کودکان و نوجوانان، حکم انسان صاحب عقل و احساس را دارند. وقتی به افراد خانواده این فرصت داده شود که در تدوین قوانین و خط مشی خانواده مشارکت داشته باشند، آنان احساس بهتری نسبت به خود خواهند داشت.ج) جلسات خانوادگیبه منظور اجرای یک روش مدیریت مشارکتی، لازم است خانواده ها به صورت مرتب جلسات خانوادگی داشته باشند. این جلسه ها یک گردهمایی منظم و برنامه ریزی شده با شرکت همه ی افراد خانواده است تا در آن اعضا:* حرف ها و دردو دل های یکدیگر را بشنوند.* کارهای خانه را بین یکدیگر تقسیم کنند.* شکایات خود را عرضه کنند.* اختلاف ها را برطرف کنند.* راه های جدیدی برای حل مشکلات خانواده ارائه کنند.د) مقررات شورای خانوادهمقررات این شورا می تواند شامل این موارد باشد:* همه افراد خانواده در شورا حق اظهار نظر دارند.* همه افراد خانواده در تصمیم گیری شریک هستند.* ریاست این شورا باید دوره ای و در اختیار افراد بالغ باشد.* پدر، مادر و فرزندان بزرگتر، ریاست آن را به ترتیب برعهده دارند.* شورا باید دستور کار داشته باشد و برنامه های آن از قبل نوشته شده باشد.* جلسات شورا باید به طور مداوم تشکیل شود.* در مواقع اضطراری، جلسات فوق العاده تشکیل شود.* حکم شورا باید برای همه افراد خانواده لازم الاجرا باشد.و) اجزای برنامه ریزی در خانوادهاساسی ترین موضوع در تشکیل و بقای یک خانواده، داشتن هدف مشخص است. هدف نقطه ای است که کوشش ها برای رسیدن به آن صورت می گیرد. هدف های یک خانواده در درازمدت، ادامه ی نسل و تعالی اعضاء از لحاظ مادی و معنوی است. خانواده در راه رسیدن به این اهداف اصلی، هدف های فرعی و مقطعی دیگری از قبیل تربیت، آموزش و انتخاب همسر خوب و شغل مناسب برای فرزندان را نیز مدنظر قرار می دهد.فعالیت های اقتصادی به منظور کسب درآمد کافی برای گذران زندگی فعلی و داشتن پس انداز برای ایام پیری، از جمله هدف های مادی محسوب می شود. در فرآیند دستیابی به این اهداف ، خانواده باید از اصول خاص که در جامعه دارای ارزش و احترام است، پیروی کند.منبع : ایران - با تغییر و تلخیص

آموزش مدیریت مالی کودکان و نوجوانان

آموزش مدیریت مالی کودکان و نوجوانان حسن حاجی زاده اناری

آموزش مسائل مالی به فرزندان و پرورش عادات مالی خوب در آنها دارای مزایای بلند مدت بوده و تلا شی ارزنده به شمار میآید. بی توجهی والدین در این باره می تواند پیامدهایی ناخوشایند برای آتیه فرزندان به همراه داشته باشد. متاسفانه برخی والدین در آموزش مسائل مالی به فرزندان خود کوتاهی می کنند زیرا فکر می کنند که اساسا حرف زدن راجع به پول به فرزندان درست نیست یا برای این کار وقت و پول کافی دراختیار ندارند. والدین صرف نظر از هر سطحی از درآمد وظیفه دارند فرزندان رابا پول و مسائل پیرامون آن آشنا سازند.آموزش مسائل مالی به کودکان و نوجوانان تنها به آماده کردن آنها برای بازار کار و اشتغال یا آموزش پس انداز پول به آنها محدود نمی شود. ما به عنوان والدین باید به فرزندان خود کمک کنیم تا معانی مثبت و منفی پول را درک کنند. این که آنها صرفا به پول علا قه داشته باشند کافی نیست بلکه باید به آنها آموخت که برای به دست آوردنش باید تلا ش کنند. والدین و فرزندان باید احساسات و عقاید خود را راجع به پول بیان کنند تا بتوانند در این مورد به یک نظر واحد برسند. برخی پدر و مادرها احساس و نظرخوبی راجع به پول ندارند. این موضوع بعضا از تجربیات ناخوشایند و باورهای خانوادگی غلط خود آنها ناشی می شود. به هر حال آموزش مسائل مالی به فرزندان مستلزم داشتن یک رویه و نگرش واحد راجع به پول است.برای آموزش مسائل مالی به کودکان و نوجوانان باید در چارچوب ذهنی آنها بیندیشیم و عمل کنیم. بچه ها برای فهم موضوعات مالی نیازمند شبیه سازی، مثال عینی، تمرین و ... هستند.آنها دقیقا می خواهند بدانند که چطور باید مثل آدم بزرگ ها عمل کنند. هر

وقت پول در میآوریم، پول جابه جا می کنیم، پول خرج می کنیم، پولی رابه کاری اختصاص می دهیم، پولی به کسی می بخشیم، از کسی پول قرض می کنیم، همه و همه فرصت هایی هستند که با استفاده از آنها می توانیم به بچه های خود نحوه عملکرد پول و شیوه تصمیم گیری مالی را بیاموزیم. فقط به خاطر داشته باشیم که درآموزش مسائل مالی به فرزندان باید از دیکته کردن چیزها، جهت دادن، نقد کردن بی مورد اجتناب کرد و در عوض به آنها اجازه داد تا به روش کودکانه آزمون و خطا به مسائل پی ببرند.اولین و مهمترین گام برای این منظور آشنا ساختن فرزندان با مفاهیم عمده مالی اعم از کسب درآمد، خرج کردن، پس انداز، قرض کردن و بخشیدن است.البته درک مفاهیمی چون قرض کردن و بخشیدن برای کودکان کم سن و سال به ویژه آنهایی که تازه شروع به حرف زدن می کنند دشوار است زیرا آنها هنوز قادر به انجام محاسبات مالی و درک مسائل از زاویه های متفاوت نیستند. بنابراین، بهتر است والدین با آموزش سه مفهوم اول آغاز کنند. یادگیری درست مهارت های مالی در کودکان و نوجوانان نیازمند گذر زمان است. در ادامه، معنایی کلی و قاعده هر یک از این مفاهیم را توضیح می دهیم و راهنمایی هایی را برای سهولت کاروالدین ارائه می کنیم.کسب درآمد- درآمد یا کسب درآمد به روش پول درآوردن گفته می شود. برای کسب درآمد و پول درآوردن راه های زیادی وجود دارد. فرزندان ما می توانند از میان راه های درست و مشروع راهیبرای خود انتخاب کنند. خرده فروشی، کمک به پدر و مادر ولو به طور مقطعی، خرید سهام، ارائه خدمات کوچک به تناسب توانایی و از این قبیل. برای کسب درآمد هیچ راهی بر دیگری برتری ذاتی ندارد و مهم رضایت فرد و مشروع بودن آن است. ما به عنوان والدین باید به فرزندانمان بیاموزیم کار کردن شرافتمندانه برای کسب درآمد (با در نظر گرفتن محدودیت های سنی) به هیچ وجه عار نیست ولو این که راهمان به ظاهر راهی پیش پا افتاده و کوچک باشد. بنابراین، باید فرزندان را از سنین پایین با مفهوم کسب درآمد مانوس کنیم. فرآیند کسب درآمد و پول درآوردن مشروع همراه با برنامه ریزی درست، موضوعی نیست که فرزندانمان بخواهند به بعد از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه، هنگام تشکیل زندگی مشترک و... به آن فکر کنند. آشنایی عملی فرزندان با کسب درآمد آزادی، قدرشناسی، استقلا ل مالی، استانداردها و عادات شغلی درست، شیوه های ارزیابی مشاغل، مسوولیت پذیری و رابطه میان پول، زمان، مهارت و انرژی را به آنها می آموزد. برای این منظور لا‌ـزم است والدین به نکات زیر توجه کنند:- برای تقویت روحیه مسوولیت پذیری، در کارهای خانه به فرزندان خود وظایفی را بدون پرداخت اجرت محول کنید. این وظایف ارتباطی با وظایفی که در قبالش به آنها پول می پردازید ندارد.- اگر فرزندتان در بیرون از خانه صاحب شغلی است درباره شرایط کاری، مسوولیت و سمت شغلی، خطرات و مشکلا ت مالی مربوط به آن شغل، انتظارات تان از نحوه استفاده از درآمد و کمکی که می توانید برای بهبود شغلش ارائه دهید با وی گفت وگو کنید (برای مثال رساندن وی به محل کار در روزهای بارانی.)- به فرزندتان کمک کنید که کلیه درآمدها و هزینه های خود را به طور منظم در یک دفترچه یادداشت درج کنند. نقطه سربه سر - نقطه ای که هزینه ها با درآمدها برابر می شود - را به وی بیاموزید.- سعی کنید فرزندانتان را در حین اشتغال دائما حمایت کنید و به یک باره از حمایت وی دست نکشید.- زمانی که به کسب درآمد اختصاص داده می شود باید از زمان فراغت و تفریح، مطالعه، انجام تکالیف مدرسه یا وظایف خانه جدا باشد. برای مثال، فرزندان نباید کار و کسب درآمد را بهانه ای برای فرار از درس و تحصیل یا برعکس تحصیلا ت را بهانه ای برای فرار از کسب درآمد و مسوولیت های خانگی قرار دهند.خرج کردن - خرج کردن یا هزینه کردن به شیوه استفاده فرزندان از پول و درآمد اطلا ق می شود. فرزندان ما روش های مختلفی برای خرج کردن پول خود انتخاب می کنند. خریدن البسه و پوشاک، وسایل تفریح و سرگرمی، کتاب، رفتن به مسافرت و... خرج کردن به فرزندان ما تفاوت بین خواسته ها و نیازها، فرصت مقایسه و انتخاب گزینه های مختلف، نحوه تصمیم گیری و پذیرش مسوولیت این تصمیمات و نحوه محاسبه را می آموزد. در مورد نحوه خرج کردن فرزندان به نکات زیر توجه کنید:- به فرزندان خود اجازه دهید تا اشتباه کردن و پیامدهای ناشی از آن را عملا تجربه کنند. مطمئن باشید فرزندانتان می دانند که شما نیز در زندگی مرتکب اشتباهاتی شده اید. اشتباه کردن ناپسند

نیست بلکه تکرار اشتباهات و درس نیاموختن از آن ناپسندتر است. - معیارهایی همچون کیفیت بالاتر، سهولت دسترسی، قیمت مناسب و دیگر معیارهای مقایسه و گزینش را به فرزندان خود بیاموزید. فکر نکنید که آنها خود از این مفاهیم و اصطلاحات سر در می آورند.- به فرزندان خود اجازه دهید که بدانند شما همیشه نمی توانید آنچه را که دلتان می خواهد بخرید. این موضوع را می توانید هنگام خرید های خیابانی به او بیاموزید.- هنگام تصمیم گیری مالی سعی کنید یک تصویر مالی جامع در ذهن او ترسیم کنید. برای مثال، به وی بیاموزید که رفتن به سینما فقط شامل پرداخت بهای بلیط فیلم نیست، بلکه برای این منظور شما متحمل هزینه های دیگری از جمله بنزین ماشین ، تنقلات و خوراکی، نوشیدنی ها و از همه مهم تر وقت و انرژی نیز می شوند. این کار به آنها کمک می کند به هنگام تصمیم گیری مالی آگاهانه تر عمل کنند.- درباره پول و مسائل مالی با او حرف بزنید. حتی آنها را در بحث ها و تصمیم گیری های مالی خانواده البته به مقتضای سن و میزان درکشان دخالت دهید. با این کار آنها احساس ارزشمندی و احترام می کنند و پول و امور مربوط به آن را تابو قلمداد نمی کنند.پس انداز کردن - پس انداز به پولی گفته می شود که بچه ها برای استفاده از آن در آینده کنار می گذارند. با پس انداز کردن، فرزندان ما یاد می گیرند که برای تامین خواسته ها و نیازهای آینده خود باید از خواسته های غیرضروری امروز خود چشم پوشی کرد. آنها می آموزند که در اولویت بندی ها باید اول به خودشان پرداخت کنند. نتیجه برنامه ریزی امروز آنها رضایت خاطر در آینده می باشد. آنها یاد می گیرند که بین هزینه کردن و درآمد کسب کردن رابطه متقابل وجود دارد و در نهایت آنها با نحوه پس انداز برنامه ریزی شده و منظم برای اهداف مختلف آشنا می شوند. متداول ترین شیوه پس انداز بچه ها تهیه قلک است. آنها معمولا قسمتی از پول تو جیبی، عیدی و هدایای نقدی خود را در یک قلک مخصوص جمع آوری می کنند و در مواقع نیاز از آنها استفاده می کنند. هر چند که این کار آنها نیاز به مدیریت و هدایت والدین دارد. در مورد پس انداز فرزندان به نکات زیر باید توجه کرد:- تفاوت بین پس انداز کوتاه مدت و پس انداز بلند مدت را برای فرزندان خود تشریح کرده و آنها را در تنظیم اهداف بلند مدت و کوتاه مدت پس انداز یاری کنید. آنها باید بیاموزند برای نیازها و خواسته های روزمره و موارد ضروری پیش بینی نشده در آینده چگونه باید پس انداز کنند. سعی کنید فرق بین نیازهای ضروری و اولیه و نیازهای غیرضروری و ثانویه انسان را برای آنها توضیح دهید. آنها را راهنمایی کنید که برای پس انداز از چه زمانی شروع کنند، چه مبلغی را پس انداز کنند، کجا پس انداز کنند، چه موقع باید از پس انداز خود برداشت کنند و...- آنها را راهنمایی کنید تا با ثبت مبالغ پس انداز دائما از میزان موجودی پس انداز خود آگاه باشند.- به آنها بیاموزید به پس انداز خود پایبند باشند. برداشت بی مورد و برنامه ریزی نشده از پس انداز برای مصارف و نیازهای غیرضروری در صورت تبدیل شدن به عادت، اهداف پس انداز فرزندانمان را دچار مشکل می کند. برای جلوگیری از این کار به آنها کمک کنید تا به دقت موارد برداشت و مصرف پول پس انداز شده خود را تنظیم و یادداشت کنند.برای ترغیب فرزندانتان به پس انداز از جوایز غیرنقدی استفاده کنید. درک مزایای پس انداز برای بچه های کم سن و سال دشوار است. تشویق ها می تواند تا اندازه زیادی برای پس انداز بلند مدت آنها یک قوت قلب به شمار آید. برای مثال، سالیانه میزان پس انداز آنها را با همدیگر کنترل کنید. این کار می تواند نوعی تجدید روحیه برای آنها باشد.قرض کردن- قرض کردن یا قرض گرفتن به این معناست که فرزندان می توانند پولی را برای رفع نیازهای امروز خود از کسی گرفته و بعدها در موعد مشخص به آنها برگردانند. البته فرزندان ما در عمل کمتر به قرض گرفتن متوسل می شوند. کسب درآمد و پس انداز بهترین روش های تامین نیاز های فرزندان است و عمل قرض گرفتن نباید برای آنها تبدیل به یک عادت شود. برعکس، آنها باید به لحاظ استطاعت مالی به سطحی برسند که برای تامین نیاز هم سن و سالا ن خود به آنها پول قرض بدهند.هر چند، قرض گرفتن آنها را با هزینه های قرض گرفتن، ساختار و اصول قرض گرفتن، پیامدهای خریدهای امروز و پرداخت های فردا، زمان مناسب این کار، ضرورت بازپرداخت پول قرض گرفته شده و محدودیت های مالی آشنا می کند. در این مورد به نکات زیر توجه کنید:اگر فرزندانتان از شما درخواست قرض کردند حتما توانایی آنها را در

بازپرداخت پول در نظر بگیرید. هرگز بیش از حد توان به او پول قرض ندهید. سعی کنید میزان واقعی نیاز مالی او را ارزیابی کنید. ممکن است فرزندان ما درست نتوانند مبلغ مورد نیاز واقعی خود را تشخیص دهند و به کمک ما نیاز داشته باشند.قرض گرفتن باید در مواقع ضرورت و اضطرار و برای تامین بخشی از وجوه کلی مورد نیاز انجام شود. به فرزندان خود بیاموزید که نیازهای خود را از طریق کسب درآمد، پس انداز و سرمایه گذاری تامین کنند.هر مبلغی به فرزند خود قرض می دهید، طی یک قرارداد کتبی شرایط و زمان بازپرداخت آن را مشخص کنید. با این کار تعهد پذیری و پایبندی به تعهدات را به آنها می آموزید.روش های صرفه جویی در هزینه ها و مخارج را به او بیاموزید تا به جای قرض کردن از مبالغ صرفه جویی شده برای تامین و خریداری مایحتاج خود استفاده کنند.بخشیدن- بخشش یا بخشیدن، به این معناست که فرزندان ما بخشی از داشته های خود را با دیگران- به ویژه افراد فقیر و نیازمند- سهیم شوند. بخشش به عنوان یک صفت پسندیده انسانی می تواند نقش قابل توجهی در رشد معنوی فرزندان ما ایفا کند. بخشش به فرزندان ما میآموزد چگونه با کمک به دیگران، در خود و همنوعان خود احساس شادی و رضایتمندی واقعی بیافرینند. بخشش فراتر از همه چیز یک از خود گذشتگی است. باید به فرزندان خود بیاموزیم بخشش درست و به جا نه تنها به معنای از دست دادن چیزی نیست، بلکه با برخورداری از ثواب الهی و کسب یک فضیلت انسانی ارزشمند، در واقع به دست آوردن بالا ترین ارزش ها قلمداد می شود. البته درک چنین مفهومی شاید برای فرزندان ما دشوار باشد. اما با رعایت محدودیت های سنی و جوانب امر می توان به تدریج این خصلت پسندیده را در فرزندان پرورش داد. در خصوص بخشش لا زم است والدین به نکات زیر توجه کنند:به فرزندان خود بیاموزیم که بخشش فقط شامل دادن پول به دیگران نیست، بلکه آنها می توانند از دانش و اطلا عات، وقت، مهارت، لوازم قابل استفاده غیر ضروری و حتی شادی و لبخند خود نیز به دیگران ببخشند.شیوه درست بخشش اعم از رعایت کامل جوانب اخلا قی، تمییز میان نیازمندان واقعی از نیازمندان غیرواقعی و شناخت موارد به جا و نا به جای بخشش را به فرزندان آموزش دهیم.با مصادیق عینی و عمل، بخشیدن را به بچه های خود بیاموزید نه گفتار و پندآموزی صرف.چنانچه زمینه مناسبی برای انجام کارهای خیریه برای فرزندان خود پیدا کردید می توانید آنها را در این فعالیت ها مشارکت دهید. میزان مشارکت مهم نیست، بلکه نفس عمل ارزشمند است.شاید درک مصادیق بخشش معنوی و فرهنگی برای فرزندان دشوار باشد، سعی کنید به آنها در این رابطه کمک کنید.آنها را نسبت به بخشش های بی حساب و کتاب و نا به جا آگاه کنید.سرمایه گذاری- آموزش مفهوم درستی از سرمایه گذاری و کسب سود می بایست با ظرافت بیشتری صورت پذیرد و شاید برای برخی سنین پایین این موضوع به سادگی جا نیفتد. تشریح نحوه عمل حساب های سرمایه گذاری بانک ها یا خرید تعدادی سهام از بورس و توضیح نحوه کسب سود حاصل از آن، می تواند به تدریج درک درستی از مفهوم سرمایه گذاری را برای آنان ایجاد کند.*مردم سالاری

مدیریت خانه تکانی

رادیو البرز

مدیریت خانه تکانیاز آنجائی که تمام روزهای اسفند، سهم یک خانواده برای خانه تکانی است، هیچ دلیل ندارد که تمام کارهای خانه فقط در چند روز توسط زن خانه انجام گیرد. یک برنامه زمان‌بندی شده می‌تواند کارها را به‌گونه‌ای مساوی بین تمام افراد در طول یک ماه تقسیم کند. کارهای آشپزخانه برای یک روز، کمدها برای یک روز، پنجره‌ها برای یک روز و ... یادتان باشد که شما یک آدم معمولی هستید، نه یک سوپر من! ... جالب اینجاست که خودتان هم خیلی وقت‌ها می‌ایستید و از کاری که انجام داده‌اید تعجب می کنید. عیبی ندارد اگر مثلاً دستتان از شب تا صبح درد بگیرد و مهره‌های کمر تان تیر بکشد، اما بد نیست بدانید که منشاء بیشتر دردهای مزمن دوران میانسالی و کهنسالی حاصل همین کارهای سخت و طاقت‌فرسات. آرتروز ها، جابه‌جایی مهره‌ها و کشیدگی عضلات، می‌تواند عوارض همین روش‌های کار کردن نادرست باشد.مدیریت خانه‌تکانی، کارهای کوچک و

تزئینات به عهده شما، اما نصب پرده و جابه‌جایی کمد و فرش و وسایل بزرگ باشد به‌عهدهٔ همسر تان، او می‌تواند هر شب یکی از این جابه‌جایی‌ها را انجام دهد. توجه داشته باشید که در خانه تکانی، از کمک همه اعضای خانواده حتی کودکان نیز بهره بگیرید و آنها را به نوعی در این کار سهیم کنید. این کار، علاوه بر تقویت حس همیاری و اعتماد به نفس، نشاط حاصل از فرارسیدن سال جدید را نیز در آنها دوچندان خواهد کرد. خانه تکانی و آرامش روحییکی از نکات بسیار مثبت خانه تکانی این است که روح و روان آدمی را تحت تأثیر قرار می‌دهد چرا که نمی‌توان اثر مثبت نو شدن وسایل و تمیزی خانه را بر روحیه افراد انکار کرد. بنا به گفته روانشناسان، نظافت و نظم دادن به وسایل، به‌ویژه تغییر رنگ‌ها و ایجاد تنوع در دکور خانه تأثیر مثبتی بر روحیه انسان‌ها دارد و زندگی را از یکنواختی خارج می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد مردم از افسردگی رنج می‌برند، لذا تنوع و تمیزی محیط اطراف در پیشگیری از خمودگی و افسردگی بسیار تأثیرگذار است. http://www.radioalborz.com/norooz/khanehtekani/modiriat.aspx*

شایسته سالاری در مدیریت خانه و خانواده

خلیل آقاخانی

در نوشتار حاضر نویسنده با بررسی مفهوم عزت و ذلت از بعد لغوی و معنوی و طرح دیدگاه قرآن درباره آن، به موضوع زن ذلیلی و مردذلیلی اشاره کرده و موارد درست و خطای آن را مورد کنکاش قرار داده است که با هم آن را ازنظر می گذرانیم. مذمت ذلت پذیری اصولاً ازنظر اسلام و قرآن، انسان مؤمن می بایست به دور از هرگونه ذلت و خواری باشد و زندگی خویش را برمدار عزت، سامان دهی کند؛ زیرا ازنظر قرآن، عزت از آن خدا و پیامبر و مؤمنان است. (منافقون آیه ۸) از این رو، ذلت وخواری هم برای مرد نارواست و هم برای زن مؤمن حرام است که خود را ذلیل و خوار گرداند. شاید بسیاری از مردم در تطبیق مصداق ره به اشتباه و خطا برند؛ زیرا برخی از ایشان فروتنی و تواضع را با ذلت یکسان تلقی می کنند و گذشت و فروتنی و عفو از سوی هریک از طرفین را مصداقی از ذلت و خواری برمی شمارند و عزت را در تکبر و غرور و مجازات و مقابله به مثل حتی در حق مؤمنان و خانواده می دانند. درحالی که این گونه نیست و عزت را می بایست در امور دیگری جست؛ چنان که مصداق مفاهیمی چون ذلت و خواری را نباید در فروتنی و عفو و گذشت جستجو کرد. معنا و مفهوم ذلت و عزت واژه ذلت را باید دربرابر عزت معنا کرد. در کاربردهای عربی به زمین نرم و سست ذل گفته می شود چنان که به زمین سخت و دشوار، زمین عزاز گفته اند. راغب اصفهانی ذل را به کسره ذال را به معنای نرمی و سستی ای می داند که پس از سختی و دشواری حاصل شود. درحقیقت از نظر وی ذلت به نوعی خاص از خواری گفته می شود که بی قهر و غلبه حاصل شود. (مفردات راغب اصفهانی ذیل واژه ذل) نویسنده فروق اللغه می نویسد: فرق تذلل و ذل در این است که تذلل فعل موصوف و به معنای داخل کردن خود در خواری و پذیرش آن است و ذلیل مفعول به از ذل به معنای خواری است که از سوی کسی وارد شود هرچند که لفظ آن فاعل است. براین اساس انسانی که تذلل می ورزد مدح و ستایش می شود ولی کسی که ذلیل و خوار می شود مورد نکوهش و سرزنش قرار می گیرد. اما فرق میان تواضع و تذلل آن است که تذلل اظهار عجز از مقاومت در برابر کسی است که متذلل به او ناظر است درحالی که در تواضع اظهار قدرت کسی است که تواضع و فروتنی می کند چه مقابل صاحب قدرت باشد یا نباشد. تذلل اظهار عجز و ناتوانی در برابر دیگری است؛ چون مقابل قاهر و غالب است. (معجم الفروق اللغه ص ۲۲۰ و ۵۷۴و ۲۱۵) به هرحال، ذلت، به معنای نرمی و خواری و کوچکی در برابر کسی است که او برتر و عالی است، چنان که عزت، به معنای تفوق و استعلانسبت به دیگری است که در مرتبه پایین تر و پست تر است. بنابراین عزت و ذلت امری واقعی و حقیقی هستند. در کاربردهای قرآنی عزت به معنای کسی است که در برابر هرکسی و هرچیزی مقاوم و شکست ناپذیر است و دارای قدرت و توانایی است که مقهور و مغلوب نمی شود؛ زیرا عزاز به زمینی گفته می شود که

آب بر آن مسلط نمی شود. (مفردات راغب اصفهانی ذیل واژه و نیز فی ظلال القرآن ج ۱ و ۴ ص ۲۹۳۱) هر مؤمنی از زن و مرد می بایست دارای عزت نفس بوده و از ذلت کراهت داشته باشد. عزت نفس، حالتی است که شخص خود را چنان می شمارد که در برابر ظلم و ستم کوتاه نمی آید و حقی را می جوید و با مخالفان آن به شدت برخورد می کند. اسلام کوشیده است با ایجاد عزت و شرافت انسانی در میان پیروان خویش و آشنا کردن افراد با ارزش های خود، در آنان روح عزت نفس و احساس مقبولیت و ارزش برانگیزاند و آنان را با اراده های مصمم و نشاط جسمی و روانی به سوی اهداف عالی بکشاند تا با چیرگی و غلبه بر دشواری ها و مشکلات مسیر زندگی، به بیش ترین دستاوردها نائل شوند. هرگونه ظلم پذیری و تن دادن به تجاوزات دیگری، بیانگر فقدان حالت عزت نفس در انسان است. انسانی که ظلم به حقوق خویش را می پذیرد و به مقابله با آن برنمی خیزد، انسانی ذلیل است و لذا اسلام برای جلوگیری از ذلت مؤمن، خواهان مبارزه با هرگونه ظلم پذیری است تا عزت نفس را در وی تقویت کند. ناگفته نماند که میان عزت نفس و تصورات آدمی درباره خود نوعی ارتباط تنگاتنگ وجود دارد؛ هرچه آدمی خود را ناتوان تر احساس کند ازعزت نفس (همان اعتماد به نفس در روان شناسی) کم تری برخوردار است و احساس قدرت و توانمندی، موجب می شود تا عزت نفس در شخص تقویت شود و بروز پیدا کند. از این رو، بازسازی بینش و نگرش مؤمن در دستور کار قرآن و پیامبر(ص) قرار گرفت تا با بازسازی بینش و نگرش توحیدی و افزایش عزت نفس ایشان آنان را در برابر فشارهای بیرونی و ستمگری ها بیمه کند و مقاومت را در ایشان افزایش دهد. از این رو قرآن عزت را تنها از آن مؤمنان و پیامبر می شمارد؛ زیرا منشا عزت را خداوند می داند (فاطر آیه ۱۰) و چون مؤمنان ارتباط نزدیکی با خدا دارند، ازعزت خداوندی بهره مند می شوند. براین اساس زن ذلیلی و یا مردذلیلی اگر به مفهوم پذیرش ظلم از سوی مرد و یا زن باشد امری نکوهیده و زشت است و خداوند و شریعت اسلامی هرگز به هیچ وجه، ذلت و خواری را برای هیچ یک از مردان و زنان ونمی پذیرد و خواهان عزت برای آنان است. اما ناگفته نماند که در تحلیل عمومی مردم از رفتارهای زن و شوهر تفسیری نادرست از ذلت و عزت ارائه شده است؛ ازاین رو می توان تحلیل مردم را غلط و خطا و از باب اشتباه در تطبیق یا اشتباه در مفهوم دانست. به این معنا که مفهوم عزت و ذلت را به درستی درک نکرده اند و یا این که مواردی که در حوزه مصداق مفهوم فروتنی و عفو و گذشت و احسان و نیکی است را در حوزه مفهومی ذلت برده و آن را مصداقی از ذلت دانسته اند؛ چنان که تکبر و زورگویی و ظلم را مصداقی از عزت دانسته اند و این گونه دچار اشتباه و خطا در مفهوم و یا مصداق شده اند. براین اساس می توان گفت که عزت نفس مرد به آن نیست که حقوق زن را نادیده گیرد و به ظلم و ستم بپردازد؛ چنان که عفو وگذشت هریک از مرد و زن و احسان و نیکوکاری نسبت به دیگری به معنای ذلت و خواری نیست. از این رو می توان گفت که بسیاری از مردم در تطبیق ذلت و عزت راه به خطا برده اند و اموری را در رفتارهای اجتماعی به ویژه د رحوزه روابط خانوادگی ذلت دانسته اند که اصولاً در حوزه ذلت و خواری وارد نمی شود. زن ذلیلی از توهم تا حقیقت چنان که گفته شد ذلت به معنای خواری است و ذلیل کسی است که عزت خویش را نادیده گیرد و رفتاری دور از شان ومقام و منزلت انجام دهد. اما در روابط خانوادگی با توجه به این که مبنای اسلامی و قرآنی در ایجاد و بقای آن، برپایه احسان و نیکوکاری گذاشته شده و عشق و محبت، عناصر پیونددهنده زن و شوهر می باشد، برخی ها این گونه رفتارها را به دور از مقام و شان مردی دانسته و گذشت و عفو و پذیرش مدیریت محیط خانه توسط زن را مصداقی از زن ذلیلی به شمار می آورند. این درحالی است که اگر بخواهیم، زن ذلیلی و مرد ذلیلی واقعی را تفسیر و تبیین کنیم می بایست گفت که آن عبارت از رفتارهایی است که بنیاد خانواده را سست می کند و زمینه را برای خروج هر یک از طرفین به سوی فجور و تعدی و تجاوز به حقوق دیگری، فراهم می آورد. اگر هدف از ایجاد خانه و خانواده دست یابی به آرامش است که هست، باید پذیرفت که بی احسان و گذشت و عفو چنین امری شدنی نیست. در برخی از خانواده ها زنان از توانایی عقلی و مدیریت بهتر و قوی تری برخوردار هستند و باید در این مسیر آنان را مدیریت بخشید و سخنان عقلانی و عقلایی آنها را ملاک عمل قرار داد. اما از آن جایی که احساسات و عواطف در زنان قوی تر

است کم تر به مسایل عقلانی و عقلایی توجه می کنند از این رو، در بسیاری از موارد این مرد است که می بایست مدیریت کیان خانواده را به دست گیرد. بر این پایه، می توان گفت که هم مردسالاری و هم زن سالاری، امری کلی نیست و باید براساس شرایط و مقتضیات، حکم کرد. درحقیقت در مدیریت هر چیزی، اصل، همان شایسته سالاری است. البته اصل نخست چنان که قرآن بیان می دارد آن است که مردان بهتر می توانند مدیریت کلان اقتصادی و امور دیگر خانواده را به دست گیرند و بر پایه عقلانیت (ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان) در مسیر کمالی خود و خانواده عمل و حرکت کنند؛ زیرا شرایط فیزیکی و ضعف عواطف و احساسات، به ایشان توان آن را می دهد که ضمن حفظ حریم خانه و خانواده از هرگونه تعرضات عرضی و مالی و جانی، براساس عقل تصمیم گیری کنند و این مسئله در حوزه بیرون از خانواده و معاملات اقتصادی کلان، خود را بروز و ظهور می دهد. البته وجود زنانی موفق در امور بیرون از خانه و مسایل اقتصادی کلان دلیل نمی شود تا آن را نسبت به همه زنان تعمیم و گسترش داد، چنان که نمی شود اصل شایسته سالاری مرد برای این امور را کلی دانست؛ زیرا مردانی نیز هستند که نسبت به همسر خویش اگر سنجیده شوند، مردانی احساسی و عاطفی هستند و در امور عقلانی و عقلی کم تر رشد یافته اند. به هر حال اگر مردی بی توجه به توانایی های همسر و یا خودش در مسیری غیر از هدف و مقصد و مقصود خانواده و اصول تشکیلی آن گام بردارد می توان گفت زن ذلیل است و اجازه داده است که زنی بدون داشتن شایستگی، مدیریت خانه و خانواده را در دست گیرد و خانه را به سوی آشوب و بحران های روحی و روانی و تکاملی سوق دهد. فقدان اعتماد به نفس، عامل بحران هویت اصولاکسانی که از اعتماد به نفس قوی برخوردار نیستند دچار بحران هویتی شده و نمی توانند مسئولیت های خویش را به درستی انجام دهند. این دسته از مردان حتی برای زنانی که نقش زن سالاری را در خانواده به عهده می گیرند غیرقابل پذیرش هستند و زنانی که اقدام به مدیریت می کنند و خود برخی از رفتارهای مردسالارانه را به نمایش می گذارند از این مسئله رنج می برند که چرا همسرشان نمی تواند مسئولیت مردی خویش را به درستی انجام دهد و مسئولیت خویش را به دوش طرف مقابل می افکند؟ البته هستند زنانی که خوی مردانگی داشته و نسبت به همسر خویش از اعتماد به نفس بیش تری برخوردارند و توانایی های بیش تری از جهت ذاتی و یا اکتسابی دارند و بهتر می توانند حتی امور اقتصادی بیرون خانه را بگردانند. این ضعف و سستی در برخی ازمردان برای انجام مسئولیت های خویش و نیز توانایی همسر در انجام آن موجب می شود که نقش ها گاهی جابه جا شود. دو نوع زن ذلیلی به سخن دیگر دو نوع زن ذلیلی رامی توان تصویر و ترسیم کرد: زن ذلیلی توهمی که به سبب رفتارهای محبت آمیز و عاطفی و احساسی از سوی مردان برای حفظ کرامت و حرمت خانواده انجام می گیرد که این مسئله به هیچ وجه به معنی زن ذلیلی نیست و صرفا یک توهم است و زن ذلیلی واقعی که به سبب ناتوانی مرد در انجام مسئولیت های خود و قدرت و توانایی زن در انجام مسئولیت های زندگی بروز و ظهور می کند. به نظر می رسد که در زن ذلیلی واقعی یا نوع دوم نوعی اختلال در انجام مسئولیت ها از سوی یک عضو خانواده به وجود می آید و اگر مرد به درستی از انجام مسئولیت های خویش برآید چنین حالتی پیش نمی آید. برای تصحیح بینش و نگرش مردم نسبت به این رفتار و داوری اجتماعی بهتر آن است که هر یک از زن و شوهر نسبت به یک دیگر سنجیده شوند؛ زیرا اگر همین مرد در کنار زنی دیگر قرار گیرد شاید از نظر عاطفی، قوی تر باشد و از نظر مدیریتی سست عنصرتر جلوه کند؛ درحالی که در کنار همسر خویش مردی قوی و با اراده و مدیری موفق نشان می دهد. بنابراین نمی توان با توجه به خصوصیات و روحیات خود حکمی را نسبت به خانواده دیگری داشت. و لذا داوری را می بایست به دور از این ملاک ها و معیارها انجام داد و به خود همسران و توانایی های شخصی آنان مراجعه کرد. پس نمی توان گفت که مدیریت یافتن زنی به معنای زن ذلیلی است و مدیریت داشتن مردان به معنای اقتدار و عزت است؛ زیرا اگر عزت و اقتداری نتواند مدیریت شایسته پدید آورد و اهداف خانه و خانواده را تحقق بخشد، عزتی پوچ و بیهوده است.*روزنامه کیهان

زنان و مدیریت

طیبه غلامزاده – مدرس دانشگاه پیام نور مرکز بافق

مقدمه نقش مدیر خانه و مقام اجتماعی زنان در طول تاریخ و تنگناهای فرهنگی آنان همواره بحث انگیز بوده است. زنان گاهی به عنوان مادر، محبوب مرد و قبله گاه مردان نامی مورد ستایش و قداست قرار گرفتند و گاهی مورد بی مهری و حتی جسارت و اهانت واقع شدند.

در هر جامعه سالم بشری زنان بدون شک می توانند و در بعضی از اعصار نشان داده اند که توانسته اند مانند مردان در صحنه های علم، ادب و پژوهش، تحول آفرین و مسئولیت پذیر باشند. هم چنانکه خداوند از نفخه روح بلندش در مردان دمید، زنان هم عیناً بطور مساوی با جلوه روح الهی مزین شدند. خداوند تبعیضی بین زن و مرد قایل نشده و رسیدن به حکمت فاضله و قدرت بالغه برای هر دو جنس یکسان است. در دوران حیات پیامبر اسلام (ص) رستاخیزی فرهنگی در تجدید حیات اجتماعی و رجعتی دوباره به سنتهای مثبت و اصیل و احیای نقش اجتماعی زنان آغاز شد. اما این حرکت، دیری نپائید که به افول و سستی گرایید از طرفی در کلیه دوره های تاریخی کشور ایران نیز نابرابری جنسی در همه عرصه های اجتماعی وجود داشته است. در دوران معاصر نیز علی رغم تلاشهایی که در جهت توسعه مشارکت زنان در فعالیتهای اجتماعی، صورت گرفته به دلیل نگرشهای حاکم برنخبگان و مدیران و ساختارهای موجود و فقدان کار تئوریک و منسجم در این زمینه به وضعیت قابل قبولی دست نیافته ایم. حتی پس از گذشت دو دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز در رسانه ها و کتابهای درسی نقشهای بالاتر اجتماعی مختص مردان بوده و وظیفه زنان تنها، خدمت به اعضای خانواده است.جایگاه زنان در مدیریت : هرچند قرنهای متمادی شاهد حاکمیت نگرش مردسالار در شیوه اداره جوامع بشری بوده ایم. اما این شیوه مدیریتی در سالهای پایانی هزاره دوم میلادی به تدریج رو به افول و بی رنگ شدن گذاشت. اگر هر کشوری در مسابقه جهانی توسعه و پیشرفت، که با بهره گیری از فکر و توانائیهای افرادی شایسته براساس حاکمیت تز«شایسته سالاری» بخواهد قواعد قدیمی مدیریت مردسالار را مورد امعان نظر قرار دهد و نسبت به توانائی های بارز نیمی از جامعه خود اغماض کند و از زنان در حد تبلیغات استفاده کند. دیر یا زود با شکافی اساسی هم در درون جوامع و هم بین خود و دیگران مواجه خواهد شد. در انجام همزمان چند کار، توأم با مدیریت دشوار امور خانوادگی، صداقت، خستگی ناپذیری و تعهد آنان در به پایان رساندن هر کاری و دهها ویژگی دیگر، از مشخصات بارز زنان است که می تواند به عنوان عامل تکمیل کننده، در مدیریت زنان عمل کند. (کدیور، ۱۳۸۰،ص۱۳۸) توزیع شغلهای مختلف در کشورهای دنیا نشان می دهد هیچ چیزی ذاتاً زنانه یا مردانه در شغلهای مختلف وجود ندارد و آنچه به چشم می خورد فقط " کلیشه های جنسیتی "Your browser may not support display of this imageاست که به شغلهای گوناگون نسبت داده شده و آن نیز از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در آمریکا، شغلهای پرستاری و مددکاری اجتماعی شغلهای زنانه است و در روسیه، پزشکی، در کشور ایران براساس اطلاعات موجود و همچنین تفکر غالب در جامعه، شغل معلمی، زنانه است. برخی از شغلها حتی با حضور فعال زنان، هنوز هم مردانه تلقی می شوند مانند کشاورزی، همین واقعیت در مورد گروههای فعالیت وجود دارد و در همه کشورها لزوماً مدیریت،یک کار مردانه نیست.(مطالعات زنان ،۱۳۷۷،ص۲۷۷) ولی به هر حال، بحث «عدم صلاحیت» زنان برای احراز مشاغل مدیریت ارشد به علت عدم تحمل فشار، روزبروز بیشتر مطرح می گردد. یک نمونه آن، تحقیقی است که در سال ۱۹۹۴ در انگلستان انجام شد.Gender stereo typing-۱.Your browser may not support display of this image

در این تحقیق، عنوان شد که برای اولین بار در طی ۴۰ سال گذشته تعداد زنان مدیر در انگلستان کاهش یافته است.دلیلی که اظهار شد این بود که زنان دریافته اند که کار به عنوان یک مدیر به همراه اداره امور منزل، فشار آفرین است. هرچند هیچ مدرکی برای تأئید این نظریه ارائه نشده است. ولی این عقیده را که زنان مدیر تحت فشار زیادی هستند تقویت کرده است.آنچه که به عنوان عدم

مهارت، تفاوت مهارتها یا عدم توانایی در مقابله با فشار گفته می شود در واقع از آنجا ناشی می شود که «مدیران مرد» به عنوان یک «هنجار» یا نمونه قبول شده به حساب می آیند و «مدیران زن» به عنوان «دیگری» یا «غیرعادی». پیش فرض این است که استعداد مدیریت در وجود افراد به ودیعه گذاشته شده است و زنان به دلایل مختلف، از این موهبت برخوردار نیستند و یا شایستگیهای دیگری دارند. اسطوره های سازمانی، تفاوت در رفتار مدیریت را ناشی از جنسیت مدیر می دانند ولی برای اثبات این امر دلیلی وجود ندارد. چنین افسانه هایی برای زنان کاملاً گیج کننده است، هم در ارتباط با نیازهای آموزشی و هم در نیل به پستهای مدیریت ارشد. (آموس،۱۳۷۹،ص۲۹) در طی تحقیقی که برروی مدیران زن (آموزشی) صورت گرفته است، تفاوتی بین روش مردان و زنان از نظر کارکردهای مدیریتی دیده نشده است. زنان اغلب به خاطر نظرات کلیشه ای در مشاغل پایین تری هستند و تفاوتهای زیستی یا جسمی، بین زنان و مردان بعنوان توجیهی در عدم حمایت از زنان به کار می رود. به هر حال از نظر تاریخی شمار مردان در مدیریت بیشتر از زنان بوده است. ولی امروزه شمار زنان نیز در حال افزایش است. «الکساندر» در طی تحقیقی که از سال ۸۷-۱۹۸۶ برروی ۱۱۹ نفر از دانشجویان مدیریت بازرگانی انجام داد به این نتیجه رسید که «نگرشها هنوز هم در کل می پذیرند که مردان برای نقشهای مدیریتی، شایسته تر از زنان هست(wentling۱۹۹۶)جنسیت و سبک رهبری ولی سؤالی که اینجا مطرح می شود این است که آیا زنان روشی متفاوت از مردان در مدیریت از خودشان نشان می دهند؟ این پرسش هم برای مدافعان حقوق زنان و هم برای علم مدیریت سؤال جالبی است. فمینیستها در غرب در تبیین تفاوت الگویی که زنان و مردان را در مدیریت یکسان می بیند و الگویی که زن را مساوی ولی متفاوت از مرد می نگرد بحث کرده اند. برای مثال دسته ای از محققان اشاره می کنند که زنان الگویی مشابه مردان دارند به نحوی که در روش مدیریت یکسان هستند. عده ای از محققان آشکارا به وجود نقاط ضعف در زنان اشاره می کنند آنها توصیه می کنند که مدیریت عالی باید از برخوردهای احساسی در مواقع بحرانی پرهیز کند و دشمنی و مخالفت خود را مؤدبانه و با هوشیاری ابراز کند و اجازه دهد که : قضاوت صحیح، ابتکار، استقامت، عزم و درستی تصمیم و آینده نگری وی را هدایت کند. اینها کیفیتهای مدیریتی است اما یک زن باید دارای کیفیت های دیگری نیز باشد با فکری روشن، مشخص و مناسب در تصمیم گیری شرکت کند. منابع و شواهد زیادی در ارتباط با کیفیت خاص مدیریت زنان در زمینه درک مستقیم، قضاوت و مهارتهای فردی آنها وجود دارد. زنان نسبت به مردان دارای مهارت بیشتری در حل مناقشات بوده و توجه بیشتری به روابط دارند و از نیروی حمایت، مراقبت و صبر و بخشش بیشتری برخوردارند. مردان، با قدرت، رهبری می کنند ولی زنان با تشویق و متقاعد ساختن دیگران رهبری می کنند. (احمدی، ۱۳۷۶،ص۲۰) مردان سبک مدیریتی هرمی و سلسله مراتبی را بکار می برند و اغلب سبکهای مدیریت زنان را بد تعبیرمی کنند‌درحالیکه سبک مدیریت زنان نیز می تواند صحیح باشد.(Johnson,GailDean,۱۹۹۷, ۵) در سالهای اخیر، سبک خاص رهبری از نوع قدرت بدنی، پرخاشگرانه و هدایتی به سبکی با این مشخصات تغییر جهت داده است: سبک ترغیبی، اطلاع دهنده، کمک دهنده و حساس نسبت به نیازها و واکنشهای انسانی، این تغییر (از نیرو به ترغیب و تشویق) برای زنان، ایده آل است چرا که سبک آنها با تشویق و ترغیب سازگار است. قدرت رهبری زنان در حوزه های انسانی مانند: بردباری، درک و فهم، همدردی، مشورت، آموزش و مهربانی قرار دارد. یعنی آنچه که شایستگی آنها را برای مسئولیت پذیری افزایش می دهد نکته دیگر اینکه اکنون مردان، توان رهبری زنان را ارزیابی می کنند و در مورد اینکه به زنان موقعیتهای رهبری بدهند یا نه، تصمیم می گیرند بنابراین اگر زنان بخواهند پذیرفته شوند و به عنوان رئیس یا رهبر، ارتقاء یابند باید مردان را متقاعد سازند که آنها قادرند مسئولیتهای اداری را مانند مردان انجام دهند. مردان معتقدند که زنان امتیازات خاصی می خواهند. همچنین معتقدند که زنان کارمندان موقتی هستند با وجود این واقعیت که یک زن که برای موقعیت رهبری یا نظارت در نظر گرفته می شود می تواند حداقل، موفقیتی در شغلش کسب کند و آن را به طور جدی انجام دهد. این یک نوع نگرش متعصبانه است که زنان با آن مواجه هستند و باید آمادگی تحمل آن را داشته باشند اگر می خواهند رهبران اثربخشی

باشند. یک نگرش نابجا یا ناعادلانه از واقعیت مسئله (توان رهبری زنان) چیزی کم نمی کند که این مانع باید برطرف گردد. از آنجا که زنان می توانند همه نوع سطوح رهبری را با نتایج خوب انجام دهند سازمانهای مرد محور و خود زنان باید مشترکاً برای ارزیابی واقع بینانه توان رهبری زنان اقدام کنند. (Killiaan ۱۹۹۹, ۱۴۵) بعضی از محققان و نویسندگان این دیدگاه را ارائه داده اند که زنان دارای صفات و رفتارهای اکتسابی خاصی هستند که آنان را برای اعمال سبک رهبری از نوع متمرکز برمردم، مستعد می سازد. در نتیجه زنانی که مسئولیت رهبری گروههای شغلی را به عهده دارند غالباً از سبک مشارکتی استفاده می کنند و طی آن اختیار خود را به افراد تحت نظارت خود تفویض کرده و موجبات رشد و پرورش آنان را فراهم می آورند. براین اساس، مردان تمایل دارند بیشتر از سبک رهبری کنترل و نیز شیوه هایی که به رهبری نظامی شباهت دارد استفاده کنند. زنان مدیریت مشارکتی را از آن جهت بیش از مردان طبیعی تلقی می کنند که با اعمال این نوع رهبری، امکان تعامل با مردم برای آنان بیشتر است و این نوع عمل متقابل اجتماعی را نیز راحت تر می توانند انجام دهند به علاوه گفته می شود که حساسیت طبیعی زنان نسبت به مردم این برتری را ـ در مقایسه با مردان ـ به آنان می دهد که اعضای گروه را برای مشارکت در تصمیم گیریها، تشویق کنند. براین اساس خانم «پائولا فورمن» مدیرعامل شرکت بین المللی تبلیغاتی "ساچی و ساچی "می گوید: «زنان اهمیت روابط را در زندگی خود بسیار زود می آموزند، روابط دوستانه و صمیمت در محیط کار تا بدان حد برای ما اهمیت دارد که نمی توان آن را حتی در شرایط سخت و دشوار اقتصادی نیز فراموش کرد. مدیریت مبتنی بر فرمان دادن و کنترل نمی تواند در امور بازرگانی و تجارت اثربخش باشد. آنچه امروزه موجبات رشد و ترقی سازمانها را فراهم می کند خلاقیت و نوآوری است و نمی توان به افراد فرمان داد که خلاق و نوآور باشند» اگر پذیرفته شود که بطور کلی در سبک رهبری ترجیحی زنان و مردان، تفاوتهایی وجود دارد. بنابراین بهتر است زنان در سازمانهایی به پستهای مدیریت گمارده شوند که براساس مشارکت و تفویض اختیار اداره می شوند. هرچند ممکن است این نتیجه گیری که «زنان بیش از مردان به طور طبیعی نسبت به سبکهای رهبری مشورتی، اجماعی و مردمی و مردان بیش از زنان نسبت به سبکهای رهبری آمرانه گرایش یا تمایل دارند» درست باشد.ولی این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که بسیاری از مردان در عمل به این نتیجه می رسند که رهبری آمرانه، مناسب تر است. (ساعتچی، ۱۳۷۷،ص ۷۵) عدم توان در برخوردهای قهرآمیز، جدی ترین نکته ای است که علیه مدیریت زنان عنوان شده است. این نکته به صورت خاص برتوان مدیریتی تکیه دارد و مدعی است که بانوان به صورت فطری فاقد روحیه لازم برای ورود در مخاطرات هستند و تمایل دارند در محیطهای آرام و دور از برخوردها فعالیت نمایند. در مسایل مخاطره آمیز در جستجوی پناه برمی آیند و از برخورد مستقیم با خطر می گریزند. این روحیه متناسب با کار کارشناسی است و در کارهای مدیریتی توان ورود در مخاطره و پذیرش ریسک از جمله توانائیهای اصلی مدیران است. فقدان روحیه مخاطره پذیری به معنی عدم توانائی مسئولیت مدیریتی است باید توجه کرد که مدیران فعلی دیگر در موقعیت تاخت و تازهای جسورانه نیستند. مدیریت امروزی برتوان افکار و اندیشه ها بیش از قدرت اعمال زور و خشونت جسمی تکیه دارد. حتی در محیطهای کارگری نیز سرپرستان به طرف تخصص و کارایی حرفه ای گرایش دارند تا قدرت بدنی. در مدیریت میانی و عالی مسأله بسیار روشن است. قدرت تفکر و خلاقیت، قدرت بیان و ارتباط و قدرت سازماندهی، سازنده موفقیت هستند. گفته می شود که درگیریها، مخاصمه ها و کشمکش ها هنوز وجود دارند. صورت و روش عوض شده است ولیکن محتوا همان است و باقی است. در شرایط خصومت آلوده اداری نیز زنان تحمل ایستادن و جنگیدن به معنی امروزی را ندارند و طالب شرایط امن و امان هستند. بدیهی است دوران موفقیت رفتار تهاجمی به سرآمده است. و ذلت پذیری و انفعال، روش مدیران موفق نیست. حد تعادلی از رفتار لازم است، که همان رفتار با جرأت و مراقبت است. در مطا لعه فرهنگهای کاری ملل مختلف «هافستد» رفتار خودخواهانه و منفعت طلبی شخصی را بدون توجه به اثر آن بردیگران رفتار مردانه نامیده و در مقابل رفتار با توجه به دیگران مراقبت از حدود و منافع دیگران و منفعت طلبی جمعی را رفتار زنانه نامیده است. بنابراین زنان نیز با استفاده از روشهای مؤثر رفتاری می توانند مدیران

موفق و کارآمدی باشند. (متقالچی، ۱۳۷۶،ص۵۶) همچنین این فرض که نگرش زنان نسبت به کارشان، متفاوت از نگرش مردان است یک فرض دیر پاست. اما یافته های تحقیقی آن را تأئید نمی کند. بریف و الیور[1]در سال ۱۹۷۶ مدیران زن و مرد را مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند که تفاوت معنی داری در انگیزه کار کردن زنان و مردان وجود ندارد. یافته های بعدی نیز این امر را تأئید کرد. آنچنانکه زنان عمدتاً متعهد و جاه طلب بودند و انگیزه پیشرفت داشتند. بعلاوه اکثریت زنان احساس نمی کردند که حرفه شان مانع پیشرفت آنهاست بلکه عوامل دیگری مانند فرزند و نگرشهای دیگران را معرفی کردند. (Ledwirh.Colgan,۱۹۹۶, ۹۶) به گفته هافستد در برخی از جوامع به مردان و زنان «کارها و پستهای سازمانی متفاوتی داده می شود و در برخی دیگر رفتار مردم نسبت به دیگران (از نظر نوع جنس) متفاوت است». این محقق مدعی است که در بعضی از جوامع بین زن و مرد تفاوت قائل می شوند و در نتیجه توزیع پستهای سازمانی به گونه ای است که به مردها نقشهای کلیدی داده می شود. آنان حاکم بر سازمان هستند و زنان بیشتر کارهای خدماتی انجام می دهند و نقش مراقبتی یا نگهداری را ایفاء می کنند. جامعه ای را که این محقق آن را جامعه مردسالاری می نامد به گونه ای است که مردها حق ابراز وجود دارند و صاحب پول، اموال و دارائیها می باشند. در این جوامع مسئله رعایت حق دیگران چندان جدی گرفته نمی شود. ولی برعکس، در جامعه ای که وی آن را جامعه زن سالاری می نامد به مسئله روابط توجه زیادی می شود و در مجموع موضوع کیفیت زندگی و رعایت حقوق دیگران اهمیت زیادی دارد. در جامعه زن سالاری اعضای جامعه به مسئله روابط انسانی و کیفیت زندگی اهمیت می دهند و می کوشند تا به دیگران کمک کنند و برای حفظ محیط زیست هم اهمیت بسیاری قائلند. (رابینز،۱۳۷۴، ص۱۰۸)جنسیت و فرهنگ سازمان فرهنگ سازمانی متشکل از ارزشها، هنجارها، زبانها و رسوماتی است که تصورات اجتماعی شکل گرفته از زنان و مردان را منعکس می کند و روابط خاص قدرت را در بین اعضاء یک سازمان مطابق عضویت جنسی شان تعریف می کند. و از طریق یکسری از قوانین (آشکار و ناآشکار) که مضمونهای جنسی مربوط به رفتارهای مناسب زنان و مردان را در قالب بافت سازمانی تعریف می کند عمل می کند. و با بیان اینکه چه کسی چه کاری را در سازمان باید انجام دهد، نظم هنجاری را در فرهنگ جنسی سازمان بیان می کند. مطالعه یک فرهنگ به معنی بررسی «نمادها، اعتقادات و الگوهای رفتاری یادگرفته شده، تولید و ایجاد شده توسط افرادی است که انرژی و کارشان را به زندگی یک سازمان اختصاص می دهند». بنابراین مطالعه فرهنگهای جنسی به معنی توجه به این امر است که چگونه اعضاء یک سازمان، نمادها، عقاید و الگوهای رفتاری مربوط به عضویت جنسی را بدست می آورند و سپس تولید و بازسازی می کنند.بنابراین رویکرد فرهنگی به ما کمک می کند که ببینیم چگونه نگرشها و رفتارها درمجموعه های سازمانی از طریق نمادهای مختلف مثل زبان، ارزشها، تصورات از جهان، هنجارها و رسوم، ساخته و بهم پیوسته شده یا تغییر و تضعیف یافته است. زنانی که وارد فرهنگهای سازمانی مردانه می شوند با قوانین سختی مواجه می شوند که این قوانین مضامین جنسی را از نقش شان و یک نظم نمادین از جنسیت را در آنهایی که مردان غالبند بیان می دارد. شاید زنان تلاش می کنند که با ورود به این سازمانها و پذیرش یک موقعیت سنتی مردانه، نظم جنسی نمادین ایجاد کنند. بسیاری از توضیحات مرسوم در مورد مسئله تبعیض دیگر قادر به توضیح کامل این پدیده نیست. مخصوصاً تئوریهای اقتصادی در این زمینه ضعیف عمل می کنند. مثل الگوی نئوکلاسیک – که تبعیض را بعنوان محصول طبیعی توزیع متفاوت سرمایه انسانی در نظر می گیرد. یعنی سرمایه گذاریهای متفاوت برای زنان و مردان در امر آموزش و پرورش، در ادبیات استعاره های مختلفی وجود دارد که زنانی را که وارد مجموعه ها یا مشاغل مرد محور می شوند اینگونه توصیف می کنند : زنان بعنوان مهمانان ناخوانده یا بیگانه، زنان بعنوان سربازان یا مسافران. اینها برخی از تصورات از زنان بعنوان افراد بیگانه در فرهنگهای مختلف است. عدم تعادل جنسی همچنین با پذیرش رسومی که رنگ تفاوت به خود می گیرد ایجاد می شود. «پذیرش به عنوان یک مهندس در ازاء نفی هویت جنسی».به طور کلی سه دسته از قوانین وجود دارد که در تشکیل سقف شیشه ای موثر است و ممکن است در هر سازمانی یافت شود.۱- شرایط

ضروری : قوانینی برای هر کس : نخستین گروه قوانین که ممکن است شرایط ضروری نیز نامیده شوند. درون یک سازمان مورد احترام می باشند. دامنه کاربرد این قوانین ظاهراً جنسی نیست زیرا برای زنان و مردان به طور برابر به کار می روند. هم زنان و هم مردان ملزم به تعهد به سازمان می باشند مثل ساعات طولانی کار که قراردادشان آنها را به انجام آن ملزم می کند و اولویت دادن به کار، بیش از خانواده شان.۲- دستورالعملها : رفتار کردن مانند مردان :دومین گروه قوانین، مجموعه ای از رفتارهایی را که زنان برای دستیابی به موفقیت باید انجام دهند پیشنهاد می کند. این قوانین، تجویزی هستند. زیرا آنها اقدامات ضروری برای دستیابی زنان به اهدافشان را مشخص می کنند و مجموعه ای از پیشنهادات را که در پی ایجاد تصویری از وظایف زنانه نزدیک به نوع ایده آل مردانه است، تشکیل می دهند. بنابراین این قوانین به طور نامعلومی جنسی است.۳- تاکتیک ها : پذیرفتن موقعیت زنان :دسته سوم قوانین که تاکتیک ها نامیده می شوند. نگرشها و رفتارهایی هستند که بطور مؤثری توسط زنان برای ایجاد و حمایت از موقعیت شان در سازمانها، وضع شده است. بنابراین آنها نه حکم سازمانی هستند و نه دستورالعملهایی برای موفقیت، بلکه فهرست صحیحی از اقداماتی هستند که زنان برای بقاء خود اجرا می کنند. این گروه از قوانین به زنان توصیه می کنند که به سرعت به یک شغل مبادرت نکنند و از رقابت مستقیم با مردان اجتناب کنند و روابط را بر مناسبات برابر قرار دهند و با کاردانی درصدد به دست آوردن آنچه که بهتر است باشند.در پایان می توان گفت که فرهنگهای سازمانی جنسیت گرا نیستند. بلکه آنها، مجموعه ها، وظایف و رفتارهای خاص مردان و زنانی را که در آنها کار می کنند تعریف می کنند. و مجموعه ای از تعاملات تقریباً سلسله مراتبی مبتنی برتقسیم کار جنسی و انتظارات جنسیتی را در بردارند. (Cheradi . Poggio۲۰۰۰, ۲۴۵-۲۵۶)Your browser may not support display of this image.در مجموع چنین به نظر می رسد که زنان بیش از مردان، مسایل مربوط به فرهنگ سازمانی را عامل عقب ماندگی خود می دانند. آنها معتقدند که اولین مانع پیشرفت زنان، فرهنگ سازمانی است. زنان مدعی اند که برخلاف ادعای مدیران مرد، در ورود به جرگه مدیریت امکان و فرصت مساوی وجود ندارد و موانع زنان بیش از مردان است. براساس این دیدگاه، زنان از خود نقشی ندارند بلکه موانع نامرئی جلو ارتقاء آنها را می گیرد. در این شرایط دو راه حل مطرح می شود: نخست اینکه فرهنگ سازمان را متحول کنیم که این کار مستلزم برخورد فعال و منظم است. «روزنر۲» می گوید : «فرهنگ سازمان باید تغییر کند. افراد در بالا باید به تغییر متعهد باشند و آن باید یک تعهد طولانی مدت باشد.» این راه حل با روش قرار دادن زنان در مسیر رهبری و حل خود به خود مشکل با گذشت زمان، سازگار نیست. راه دوم این است که زنان، خود را با فرهنگ موجود سازگار کنند. این همان شیوه ای است که بیشتر مدیران زن برگزیده و دنبال کرده اند. برخی از زنان موفق با پیشی گرفتن از مردان، راه خود را به سوی موفقیت هموار کرده اند. این راه ممکن است برای پاره ای از زنان کارآمد بوده باشد و آنان توانسته باشند با اوضاع نامناسب کنار بیایند. اما برای زنان باهوش نسل آینده که آرزوی مقامهای بزرگ و مدیریت را در سر می پرورانند این راه حل، مناسب به نظر نمی رسد. از نظر کارشناسان مختلف، سازمانها وقتی به حداکثر بهره برداری می رسند که بتوانند فرهنگ شرکت را براساس نیازهای روزانه و مختلف کارکنان متحول کنند. اثر این کار بسیار بیشتر از روش کنار آمدن زنان با فرهنگ سازمان است. (زمانی وامینی، ۱۳۷۹،ص۴۸) اما چرا به جای آنکه مردان این شرایط را تغییر دهندزنان بایدخود را با سیاستهای سازمانی تطبیق دهند؟. پاسخ آسان است چون فرهنگ سازمانی را مردها پایه ریزی می کنند. اما به هر حال هر چه تعداد زنان در سازمانها بیشتر شود. تغییرات اجتناب ناپذیر خواهد شد. بنابراین در آینده چنین سیاستهایی دیگر وجود نخواهد داشت. (دانال ولین ام بروکس،۱۳۸۱،ص۲۲۶) در سازمانهایی که زنان در آن حضور ندارند یا تعداد کمی از زنان در پستهای صاحب قدرت حضور دارند جنسیت ممکن است برجسته تر باشد. که برای زنانی که در طبقه پائین تر سازمانی قرار دارند نتایج منفی دارد. در چنین سازمانهایی در حالیکه مردان منابع را در اختیار دارند تا حد زیادی علاقه و انگیزه ای به خنثی کردن رفتار جنس مدار خود ندارند. «ایلی۳» این وضعیت را با بیان اینکه «کمیابی زنان در پستهای بالا به طور ناخوشایندی برسرنوشت زنان دیگر در سازمان

تأثیرمی گذارد، نشان می دهد. همچنین چندین محقق دیگر براین اندیشه تأکید داشتند که نفوذ مردان در پستهای بالا ممکن است به ادامه کاهش کارکنان زن کمک کند.((Hultin&Szulkin, ۱۹۹۹, ۴۵۷-۵۸.«بارون[1]» مدعی است که کلیشه های جنسی که ریشه در ترتیبات و دستورالعملهای سازمانی دارند به نوبه خود به نتایج نابرابری بازار کار کمک می کند. شواهد تجربی نشان می دهد که اقدامات تبعیض آمیز که در جریان تشکیل یک سازمان رایج هستند. با تأثیر برچگونگی تعریف پستها، کارمندیابی و ارزشگذاری و اینکه این اقدامات در ساختار سازمان گنجانده شده و رسمیت یافته، تداوم می یابد. پس موانع ساختاری و اداری را نیز میتوان در کنار بسیاری از موانع دیگر مطرح کرد. بعبارتی ساختار و تشکیلات و ماهیت هرسازمان به نحوی برحضور زنان در مدیریت آن سازمان تأثیر گذار است. حال این تأثیر ممکن است در سازمانی کمرنگ تر و در سازمانی دیگر پررنگ تر باشد. به این معنی که در سازمانهایی که از حساسیت شغلی زیادی برخوردارند و تأثیر تعیین کننده ای برسرنوشت جامعه و سازمانهای دیگر دارند ترجیح داده می شود از نیروی کار مردان به خصوص در سطوح عالی و پست های کلیدی استفاده شود. و این همان نگاه تبعیض آمیزی است ک ریشه در ساختار و ماهیت سازمان دارد. با توجه به اهمیت روزافزون مدیریت منابع انسانی و نقش تعیین کننده آن در انتخاب و انتصاب نیروی کار سازمان می توان گفت پرسنل نیروی استخدامی، بایستی اصل شایسته گزینی را سرلوحه برنامه های استخدامی خود قرار داده و شایسته ترین افراد را بدون در نظر گرفتن جنسیت آنها، برگزینند.

فهرست منابع:۱-«زن و مدیریت» جمیله کدیور، پیام زن، ۱۳۸۰۲-زن، دانشگاه، فردای بهتر. (مطالعات زنان ۱)، مجموعه مقالات و گزارشهای کنگره زن. ۱۳۷۷۳-«آموزش مدیریت برای زنان» پائولین آموس. ویلسون. سرور اعظم وزیری تازه های مدیریت، شماره ۱۷. ۱۳۸۰

Wentling – Rose – Mary. " Astudy of the career development -۴and Aspirations of woman in Middle management "Human – Resource – development – Quarterly ۷(۳). Fall ۱۹۹۶ , p ۲۵۳-۷۰ johnson. Gall dean. Has management gone soft? Yes – and it works women in۵ business , may / jun ۹۷ . vol. ۴۹ , p۳۲ . gp. ۲c ray a . killian the working women : amale manager " s viwe-۶american management association , inc , ۱۹۹۷

۷- جایگاه مدیریت، شایستگی یا جنسیت؟ محمود ساعتچی، حقوق زنان، ش ۵، ۱۳۷۷۸- مشارکت زنان در چالش های اجتماعی و عرصه های مدیریت، مهتاب متقالچی، تدبیر، ش ۸۰، ۱۳۷۶

sue led wirh and fiona colgan. Women in organization۱۹۹۸ london۹ -

۱۰-رابینز، استیفن، مدیریت رفتار سازمانی، ج ا. علی پارسائیان، سیدمحمد اعرابی، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ ۱۳۷۴

۱۱ - recreating Silvia Gherardi and BarBara poggio." Greating and Gender order in organizations" journal of world Business / ۳۶ (۳) /۲۰۰۱ ۲۴۵-۲۵۶.

۱۲-« فاصله بین زنان و مردان در کارهای اجرایی و مدیریتی» پریسا زمانی، فضل ا ...امینی، تدبیر، ش ۱۰۹، ۱۳۷۹۱۳-دانا ال. ولین ام . بروکس، هفت راز زنان موفق، غلامعلی معوا، تهران؛ خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول ۱۳۸۱

Mia Hultin – Ryszard Szulkin. "Wages and unequal Access to۱۴Organizational power."- Administrative Science Quarterly, (۱۹۹۹): ۴۵۳-۴۷۲

مدیریت خانواده اسلامی

گذران امور خانواده ـ که مؤسسهای کوچک ولی بسیار مهم است ـ باید تابع ضوابط و تحت نظر مدیر و گردانندهای باشد که امر

مسئولیت آن را بر عهده میگیرد. در اسلام توصیه شده است که حتی اگر دو تن به سفر میروند یکی از آنان باید امر مدیریت این سفر را بر عهده گیرد. خانواده نیز لااقل متشکل از دو تن است: زن و مرد، البته بعدها فرزندان و گاهی دیگر افراد هم به آن اضافه میشوند. شک نیست که در چنین وضع و شرایطی مسئولیت، مشترک میشود و هر عضو به تناسب شرایط و موقعیت خاص خود عهده‌دار وظیفه‌ای میگردد. خط مدیریتاداره و مؤسسه خانواده در عین وجود اعضا و کارکنان، نیازمند مدیر است و اسلام این مدیریت کلی و اجرای ضوابط لازم را به عهده‌مردان گذشته است، زیرا هم، امر نفقه و تأمین هزینه‌های لازم را به عهده دارد و هم در عرصه‌ی حیات اجتماعی ظاهر و بارز است و به رموز و شرایط جریانات آگاهتر است. خط مدیریت بر اساس هوس نبوده و دلخواه او نیست، چرا که او عبد خداوند است و پیش از پدید آمدنش، خداوند ضوابط حقی را برای انجام وظایف بندگان مقرر کرده است. او از یک سو منبع اجرای ضوابط را باید از خداوند بگیرد و از سوی دیگر مراقب باشد که با حق رو در رو نگردد.حضرت علی (ع) در وصف بندگان محبوب خدا میفرماید: نوای پر فروغ برای او درخشیدن گرفته که روشنگر شاهراه توحید است و در پرتو آن، راه پیموده میشود؛ و به طبع اداره‌ی امور زندگی بر اساس آن خط روشن تعقیب گردد.(۱)در وادی مسئولیتدر امور ازدواج، ظاهراً بحث از عهد و پیمان و قرارداد زندگی بین دو فرد است، ولی حق این است که در رأس، این مثلث خدا دارد که حکمش بر هر دو نافذ است و حلیت ازدواج و روابط بر اساس حکم اوست، و بدینسان مسئولیت اداره خانواده، مسئولیتی خدایی است و اگر در آن سستی و کاستیای باشد، طرف حسابرسی خداوند است.زن و فرزند در واقع تحت سرپرستی مرد و زیر دست او هستند و در رابطه با زیردستان سخن عامی از حضرت علی(ع) است که میفرمود: بخشی از حقی که بر توست حفظ و نگهداری تو از خود، و تلاش تو در نظارت سازنده بر زیردستان است که آن چه از آن به تو میرسد، برتر از آن است که از نیروی تو در این راه سرمایه‌گذاری میشود.(۲)البته بنده‌ی محبوب خدا به هنگامی که قدم در راهی مینهد، سعی دارد، آن راه برای او روشن باشد؛ او باید بررسی و تحقیق کند که خداوند در حفظ و پاسداری اعضای زیردست، از او چه خواسته است و چه تکلیفی برای او معین نموده است و این بررسی برای کشف و شناخت بخشی از وظیفه و مسئولیت مدیریتی است و امام در این زمینه فرمود: مآلاندیشی قبل از انجام کار، مایه‌ی ایمنی از پشیمانی است.با توکل به خدا انجام دهدر انجام وظیفه‌ای که برای هر کس معین شده، خود باید بیندیشد و جوانب کار را در نظر گیرد و در نهایت آن را به مرحله‌ی اجرا رساند. مدیر یک مؤسسه‌ی تجاری یا اداری، مسئول اقدامات خویش است و دیگران نمیتوانند، در کار و حیطه‌ی مسئولیت او چون و چرا کنند. البته این سخن بدان معنا نیست که او استبداد به خرج دهد و هر گونه که خواست عمل کند. در مواردی مشورت لازم است. اما جمعبندی، تصمیمگیری و اجرا به عهده اوست که قرآن میفرماید: آنچه خود تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده. (۳)در امر خانواده نیز مسئولیت به همین گونه است. زن در کارهای خانه، خود شخصاً تصمیم میگیرد و مرد نیز همین طور. مرد در رابطه با مسئولیت زنان تابع است و زن نیز در مسئولیت مردان باید تابع باشد.عدم تحمیل به زنشک نیست که اداره‌ی امور زندگی، در مواردی نیازمند به کمکرسانی دیگران و به خصوص زن خانواده است. کمکخواهی از او اشکالی ندارد اما تحمیل کار بر زنان و یا واگذاری امور شاق به آنان مورد نهی است. طبع لطیف و جسم ظریف او توانایی انجام کارهای سنگین را ندارد.از حضرت علی(ع) نقل است که بار سنگین مسئولیت خود را بر زنان بار نکنید(۴)توزیع وظایف:وظایف در اسلام، چه در عرصه‌ی جامعه، و چه در اداره، یا خانواده توزیع شده است. تکلیف زمامدار و تکلیف یک کارمند مشخص است. یک مدیر خوب باید وظایف و اعمالی را با توجه به توان و نیروی هر فرد تقسیم کند که امکان بازخواست فرد باشد. همانگونه که پیامبر(ص) فاطمه زهرا(س) را به خانه علی(ع) برد و تکلیف هر کدام را بر اساس خواست فاطمه(س) روشن کرد. وظایف داخل خانه بر عهده‌ی فاطمه(س) شد و بیرون آن به عهده‌ی علی(ع). حتی در محیط خانه اگر پسران و دختران در حد توانایی خود قادر به کاری هستند، باید برایشان وظیفه‌ای معین شود. در واگذاری وظیفه، باید افراد را به گونه‌ای تربیت کرد که در آن از هیچ اقدام مقتضیای فروگذار ننمایند و در راه و کار آن از هیچ هدف نیک و ارزنده‌ای دست

برندارند که این وصف بندگان محبوب خداست.عدم تضییع حقمدیریت خانواده اسلامی با تصویری که از خانواده و اهمیت آن ارائه دادیم و با یادآوری این نکته که آنان امانت خداوند در دست یکدیگرند، و هم با توجه به این امر که وظایف اعضای خانواده از سوی خداوند برای انسانها معین شده است؛ باید گفت که وظیفه سنگین، سهلانگاری در آن نوعی تضییع حق و نادیده گرفتن حکم و فرمان خداوند است. حضرت علی (ع) میفرمایند: برای آدمی این گناه کافی است که افراد زیر دست را ضایع و تباه سازد (و یا حق آنان را نادیده گیرد) زیرا بر اثر آن، چیزی را که اعضای خانواده باید داشته باشند، از آنان سلب کردهایم. و اصل این است که مدیر خانواده دارای وسعت دید و نظر باشد و در امر اداره و مسئولیت، او حتی خود را در رنج و زحمت اندازد تا زیردستان در راحتی و آسایش باشند که بندهی پرهیزگار بر اساس تصویر حضرت علی (ع)، کسی است که از وجودش در رنج است و مردم از او در آسایش هستند در انتخاب همسر، اصالت و نجابت خانوادگی، کفویت و مسائل ژنتیکی را نیز باید در نظر داشت. ژنها به عنوان عوامل انتقال صفات از نسلی به نسل دیگرند که در برخی روایات به تلویح بدان اشاره شده است. در روایتی از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است:«بنگر فرزند خود را در کجا قرار می‌دهی؛ زیرا رگ (ژن) تأثیر خود را باقی می‌گذارد.»در این زمینه به روایت جالب دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم توجه می‌کنیم که می‌فرمایند:برای انتخاب همسر، تحقیق و بررسی و شناخت برادران و خواهران کسی که می‌خواهد از او خواستگاری کند، خود یک معیار و ملاک می‌تواند باشد؛ چه این که همسران همانند برادران و خواهران خویش فرزند می‌آورند.مسأله کفویت نیز این چنین مورد توجّه قرار گرفته است:«در گزینش همسر برای خود، محلّ مناسب انتخاب کنید و از اشخاص هم‌شأن خود زن بگیرید و به آنان زن بدهید.»خواستگاری از دختران شایسته و واجد شرایط فامیل ـ در لسان برخی از روایات ـ در شمار یک اولویت است، چنان که در این روایت آمده است:«النّاکح فی قومه کالمُعْشب فی داره» (آن که از خاندان خویش زن گیرد، چنان است که در خانه خویش علف چیند.)از مهم‌ترین معیارهای انتخاب همسر، دین‌داری اوست، در روایاتی که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سایر ائمه اطهار علیهم‌السلام به یادگار مانده، می‌توان بهترین ملاک‌ها و معیارهای انتخاب را به دست آورد و در پرتو آن رهنمودهای والا و ارجمند، زندگی سعادتمندانه‌ای پی ریخت. در ذیل، برخی از آن روایات را به عنوان راهکارهایی بس ارزشمند به خانواده‌های مؤمن تقدیم می‌کنیم:۱. زن را برای چهار چیز گیرند: مال، شرف، جمال و دین.«و تو زن دین‌دار بجوی.»۲. اگر کسی به خواستگاری (دختر) شما آمد که از دینداری و امانت‌داری او راضی هستید، به او زن دهید...»۴. تربیت فرزندخانواده، نقش مهم و مؤثری در تربیت فرزند ایفا می‌کند. شخصیتِ آدمی عمدتاً در سنین کودکی و از طریق امر و نهی‌های والدین و دیگر اعضای خانواده شکل می‌گیرد. به طور کلّی والدین، فرزندان خود را با آموزش مستقیم و غیر مستقیم تربیت می‌کنند. فرزندان، بسیاری از الگوهای رفتاری، خصوصیات اخلاقی، انگیزه‌ها و نگرش‌ها و ارزش‌های والدین خود را از طریق فرایندهای تقلید و همانندسازی کسب کرده و زمان بسیاری را برای مشاهده رفتار والدین و الگوبرداری از آن صرف می‌کنند. هنگامی که والدین، با اشتیاق، تعهد و قاطعیت معقولی به وظایف خویش روی می‌آورند، کودکان تمایل پیدا می‌کنند که خود را با این جنبه از منش آنان وفق دهند.اصولاً کودکان موجوداتی پاک و خداجوی هستند. محیط مناسب خانواده می‌تواند این فطرت توحیدی را در آنان بارور و شکوفا سازد؛ در حالی که محیط نامناسب، سدّی در برابر رشد و تعالی آنان خواهد بود و یا موجب رشد معیوب، منحرف یا یک بُعدی آنان خواهد شد. شاکله وجودی انسان و اساس خصوصیات اخلاقی وی از ابتدای کودکی ـ به خصوص در سال‌های اولیه عمر ـ در خانواده پی‌ریزی می‌شود. علاقه فراوان به فراگیری و انعطاف‌پذیری عمیق در برابر تأثیرات رفتار و عکس‌العمل‌های والدین و اطرافیان، ویژه مرحله خردسالی و قبل از ورود به مکتب است. به همین دلیل، همه معلومات، عادت‌ها، عکس‌العمل‌ها و ویژگی‌های اخلاقی‌ای که در این دوران تحصیل می‌گردد، به طور ریشه‌دار و مستحکم و عمیق، در روح کودک باقی مانده و بنای اصلی شخصیت و سازمان و شاکله وجودی او را تشکیل می‌دهد و بر اساس آن، شخصیت او شکل می‌گیرد. اعضای بزرگ‌تر

خانواده‌ها ـ به ویژه پدران محترم و مادران گرانقدر ـ مسئولیت دارند که با طرح ارزش‌های والای اخلاقی در قالب قصه‌ها و داستان‌ها و مثل‌هایی از تاریخ زندگی ائمه معصومین علیهم‌السلام و بزرگان و با زبانی ساده و دلنشین، کودک را با پاکی‌ها، صداقت‌ها، رشادت‌ها، کرامت‌ها، ایثارها و گذشت‌ها آشنا ساخته و روح و روان او را صیقل دهند. کودکان از همان اولین سال‌های زندگی خود دارای استعداد قابل توجهی برای مشاهده، یادگیری و الگوسازی هستند. پدر و مادر آگاه، باید اولین تقلیدها و همانندسازی‌های مثبت فرزند خود را به فال نیک بگیرند و او را در مسیر مطلوب، هدایت و تشویق کنند.در متون اسلامی ما نقل شده است: زمانی که پیامبر اسلام صلی‌اللهعلیه‌وآله‌وسلم به سجده می‌رفتند، امام حسن و امام حسین علیهماالسلام بازی‌کنان سوار بر دوش رسول اللّه صلی‌اللهعلیه‌وآله‌وسلم می‌شدند و آن بزرگوار به قدری سجده خود را طولانی می‌کرد که آنان خسته شده، پایین بیایند. ای کاش ما نیز در رفتار و گفتار خود، کودکان را جذب کنیم تا آنان نیز به اخلاق و دین علاقه‌مند شوند! در هر حال، پدر و مادر باید توجه داشته باشند که اولین الگوهای فرزندان هستند و اگر آنان در وظایف دینی صادق و جدی باشند فرزندان خود را نیز می‌توانند دینی بار بیاورند. این نکته نیز در خور توجه است که هر چه پدر و مادر در تربیت مذهبی فرزندان خود هماهنگ‌تر باشند و کسانی که با کودک سر و کار دارند هماهنگ عمل کنند، رشد گرایش‌های اخلاقی و مذهبی در کودکان و نوجوانان سریع‌تر خواهد بود. هماهنگی بعدی باید میان خانه و مکتب و سرانجام مطلوب‌ترین نتیجه، هنگامی حاصل خواهد شد که خانواده، مکتب و فرهنگ اجتماعی با یکدیگر هماهنگ باشند و انتظارات‌شان از کودکان و نوجوانان نیز هماهنگ، واقع‌بینانه و در حدّ توان کودک یا نوجوان باشد.یکی از آموزه‌های تربیتی در «سیره نبوی» توزیع عادلانه محبت بین فرزندان است! در این باره روایاتی از آن حضرت نقل شده است از جمله:«اعدلوا بین اولادکم کما تحبّون ان یعدلوا بینکم فی البرّ و اللطف» (بین فرزندانتان به عدالت رفتار کنید، چنان که می‌خواهید [مردم و فرزندان] در نیکی و لطف، با شما به عدالت رفتار کنند.)نقل است شخصی که دو فرزند پسر داشت، در حضور حضرت یکی را بوسید و به دیگری توجهی نکرد، پیامبر با نگرانی به او فرمود: چرا میان دو فرزندت فرق گذاشتی!؟۲۸ و در کلامی گهربار فرمود:«انّ اللّه تعالی یحبّ ان تعدلوا بین اولادکم حتّی فی القُبل۲۹؛ خداوند دوست دارد که میان فرزندان خود حتّی در بوسیدن آنها، به عدالت رفتار کنید».یکی دیگر از مواردی که غربیان و به اصطلاح حافظان حقوق بشر و حامیان حقوق زن به عنوان پایمال شدن حقوق زن در جامعه ما به آن پرداخته و آن را ناشی از شریعت اسلام و احکام آن میدانند، محصور بودن زن در چارچوب خانه و عدم اجازه کار به زن است. آنان به دلیل عدم آشنایی با حقوق زن در اسلام و رفتار سنتی عده کثیری از مردم ما، چنین برداشتی داشته و از آن علیه اسلام استفاده مینمایند.آنچه در توضیح این مسئله باید عنوان نمود، این است که در جامعه ما با وجود اسلامی بودن آن، تمام رفتار مردم، ریشه در اسلام ندارد، بلکه برخی از این رفتارها به آداب و رسوم قبایل و سنتهایی باز میگردد، که تنها ارتباط مختصری با اسلام داشته و بیشتر ناشی از کجفهمی مردم عوام از دستورات اسلامی است.چنانکه قبلاً ـ هم گفتیم از دیدگاه اسلام زن و مرد از شخصیت انسانی و حقیقت وجودی یکسانی بهرهمندند و از این حیث تفاوتی با یکدیگر ندارند، لیکن از نظر تواناییها و استعدادها یکسان آفریده نشدهاند و به همین دلیل حقوق و تکالیف یکسانی نخواهند داشت. سرّ این تفاوت نیز در نوشتههای گذشته در ضرورت جذب و تسخیر متقابل این دو صنف به عنوان عامل اساسی تشکیل هسته اولیه زندگی اجتماعی انسان یعنی خانواده دانسته شد.باید گفت اسلام از آنجایی که کاملترین دین و یا به تعبیر دیگر بینقصترین برنامه زندگی ابنای بشر با در نظر داشت فلسفه خلقت انسان میباشد و واضع آن، آفریننده جهان و جهانیان و آگاه به اسرار خلقت است، به تقسیم کار در جامعه بین زن و مرد و با توجه به تواناییها و استعدادها پرداخته است.مطابق تعلیمات قرآن، در این تقسیم کار، مسئولیت امرار معاش و مدیریت خانواده بر عهده مرد و امور پرورشی و عاطفی آن بر عهده زن قرار داده شده است. البته باید اشاره کرد که از نظر اسلام هیچ یک از این مسئولیتها نشانه کمال و تقرب به خدا و فخر معنوی نیست.پیرامون این موضوع گاهی برخی از آیه ۳۴ سوره مبارکه نساء استفاده نموده و از مسئولیت مرد در خانواده به قیومیت مرد بر زن تعبیر مینمایند. ولی باید

گفت، این تعبیر با آنچه در قرآن کریم آمده منطبق نیست. شریعت اسلامی مرد را قیم زن نمیداند و زن را موجودی مستقل، دارای شخصیت و مسئولیت قانونی دانسته و اگر سخن از مدیریت خانواده و مسئولیت امرار معاش به میان میآید، این موضوع محدود به روابط زن و شوهر در خانواده است و به روابط سایر زنان و مردان غیر از این رابطه ـ به طور مثال رابطه مادر و پسر یا رابطه برادر و خواهر ـ سرایت نمینماید.اگر در این آیهی مبارکه از سوره نساء گفته میشود که «مردان را بر زنان تسلط و نگهبانی است، به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته است و هم به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زنان نفقه دهند.» بحث از فضل و برتری نیست، بلکه آیه به پرداخت نفقه زن توسط مرد اشاره دارد.این موضوع نیز مرتبط با همان تفاوتهای فیزیکی و جسمی است که قبلاًـ به عنوان دلیل بر تفاوتهای حقوق و تکالیف مطرح گردید. به عبارتی توانایی مرد در مسایل اجتماعی و اقتصادی و کوشش برای تحصیل مال و تأمین مایحتاج منزل بیشتر است و چون مسئول تأمین هزینه زندگی خانوادگی مرد است، سرپرستی خانواده نیز با اوست. البته این مسئولیت یک کار اجرایی و وظیفهای است که بر عهده مرد گذاشته شدهو فضیلتی برای مرد نیست. در این آیه قرآن کریم به زنفرمان داده نشده است که تو در فرمان مرد هستی بلکه به مرد میگوید، تو سرپرستی زن و خانوادهات را بر عهده داری و به این معنا نیست که زن اسیر مرد است و او نمیتواند به دلخواه خود عمل نماید. مدیریت و سرپرستی خانواده مانند مدیریت در هر جامعه و دستگاهی، صرف یک مسئولیت اجرایی است و از نظر بهرهمندی از فضیلتها و ارزشهای انسانی، ممکن است کسی که تحت سرپرستی است از سرپرست خود برتر و نزد خدا مقربتر باشد.واگذاری این مسئولیت به مرد نه به خاطر برتر بودن گوهر مرد نسبت به زن، بلکه به علت استعداد و تواناییهای روحی و جسمی او نسبت به این وظیفه است.در کنار این استعدادها بهرهگیری از دو عنصر محوری علم و عقل توسط مرد نیز ضروری است، زیرا از نظر اسلام مهمترین شرط سرپرستی در خانواده یا اجتماع، عمل کردن سرپرست بر اساس علم و عدالت میباشد. با این حال قوام داشتن شوهر نسبت به زن یک قاعده آمره و تخلفناپذیر نبوده و در صورتی که زن استقلال اقتصادی داشته باشد و بتواند امور خود را شخصاً اداره و تدبیر و از حیثیت خود حراست کند، میتواند در ضمن عقد نکاح به عنوان شرط، قوامیت مرد را محدود نماید. قومیت از نظر اسلام اختصاص به گوهر مرد ندارد، قوامیت مرد نسبت به زن فقط در روابط زوجین جاری است و خارج از این رابطه ممکن است، زن نسبت به مرد قوامیت داشته باشد، مثلاً به موجب احکام اسلامی اطاعت فرزند از پدر و مادر واجب است. بنابراین اگر مادر پسر خود را امر به کاری نماید یا از آن نهی کند، پسر مؤظف به اطاعت از امر و نهی اوست.کار کردن زن در بیرون از خانه نیز نفی نشده است. چنانچه زن مسلمان قادر به فعالیت در بیرون از خانه البته بدون مزاحمت در زندگی خانوادگی و با رعایت انجام وظیفه محوله که مهمترین آن ایجاد مهر و محبت در بین اعضای خانواده است باشد، میتواند به آن نیز بپردازد.این موارد در صورتی که منافی با اخلاق اسلامی نباشد و کاری را که زن در بیرون انجام میدهد، از نظر شئون خانوادگی با خانواده وی سازگاری داشته باشد(۱) هیچ کسی ـ از دیدگاه اسلام ـ حق نهی وی را ندارد. چرا که زن شخصیت کاملی است و اهلیت تصمیمگیری در امور خود را دارد و از لحاظ اقتصادی نیز می‌تواند استقلال داشته باشد.نکته دیگری را که اینجا باید به آن اشاره نمود، این است که زن تابع بیچون و چرای مرد نیست و اگر بحث از سرپرستی و قوامیت مرد به میان میآید، دستورات مرد در چهارچوبه اوامر الهی نافذ است و چنانچه مرد خارج از این محدوده بخواهد در خانواده اقدام و اعمال مدیریت نماید، برای همسرش تکلیفی نسبت به اطاعت و همراهی نخواهد بود.علم، عدالت و تقوا شرایط اساسی مدیریت و سرپرستی در شریعت اسلامی است که باید توسط مرد در اجرای وظیفهاش مورد توجه قرار بگیرد. در مقابل وظیفه سرپرستی و اداره خانواده که بر عهده مرد گذاشته شده، زن عهدهدار شئون پرورش و تربیت و تربیت عاطفی و تلطیففضای زندگی خانوادگی است که از عهده مرد خارج است.در کل میتوان گفت که زن از نظر اسلام در خانواده که زیر بنای جامعه است دارای دو وظیفه است؛ یکی این که سازنده مجدد شخصیت، توانایی و کارایی مفید مرد است که به گفته ویل دورانت، زن از آنجایی که مرد خیالی و سرگردان را به مرد فداکار و پایبند به خانه و کودکان خود تبدیل میسازد،

حامل حفظ و بقای نوع است و دیگری این که رسالت مادری را بر عهده دارد که بنا بر این رسالت، نقش اصولی و زیربنایی در جامعه را ایفا نموده و انسانساز است.زن از آغاز تشکیل نطفه در رحم به راستی پرورشدهنده فرزند تا دوران مکتب است. در دوران بعد از آن نیز اگر چه فرزندان استقلال میابند، ولی با آن هم، همواره تا واپسین لحظات حیات مادر تحت تأثیر وی قرار دارند.مؤثرترین این دوران نیز دوران شیرخوارگی و کودکی است که همه ابعاد شخصیت کودک در آغوش گرم مادر شکل میگیرد و کودک به آنجا میرسد که باید برسد و این دوران است که میتواند تفسیر گفتار بسیار زیبای پیامبر اکرم(ص) باشد که «الجنه تحت اقدام الامهات» هم به واقع سعادت انسان بستگی به عملکرد مادران دارد.با این اوصاف سئوالی که طرح میشود این است که آیا تساوی و یکسانی در حقوق و تکالیف زن و مرد که غرب و حقوق بشر ساخته است و فکر آنها، مدعی آن است، به زن اجازه خواهد داد که مسئولیت واقعی خود را در جامعه ایفا نماید؟پاورقی۱ـ نهجالبلاغه، خطبه ۲۱۰، بند ۲.۱ـ نهجالبلاغه، نامهی ۵۹، بند ۳.۴ـ سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.۱ـ رعایت شأن در اسلام از مهمترین مسایل است که از آن به مروت یاد میشود.پی‌نوشت‌ها۱. تقریر پیامبر(ص) و یا ائمه(ع) یعنی کسی کاری انجام دهد و آن بزرگواران ـ در شرایط عادی، نبودن ضیق وقت و به دور از ترس و تقیه و مأیوس نبودن از تأثیر ـ بر کار او صحّه گذارند. ر.ک: اصول الفقه، ج ۲، ص ۶۶. *http://noorportal.net/۳۹۴/۷۵۰/۷۵۱/۱۳۱۵۱.aspx

نشانه های خانواده خوشبخت

وَ مِن ءَایَتِهِ أَن خَلَقَ لَکُم مِّن أَنفُسِکُم أَزوَجاً لِّتَسکُنُوا إِلَیهَا وَ جَعَلَ بَینَکُم مَّوَدَّةً وَ رَحمَةً إِنَّ فِی ذَلِکَ لَأَیتٍ لِّقَومٍ یَتَفَکَّرُونَ و از نشانه های او خدا این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید ، و میانتان دوستی و رحمت نهاد . آری ، در این (نعمت) برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است. (سوره روم آیه ۲۱)

طبیعی ترین شکل خانواده ، این است که هیچ عاملی جز مرگ نتواند پیوند زناشویی را بگسلد و میان زن و شوهر جدایی بیفکند . کوشش مصلحان جامعه – مخصوصاً پیامبران خدا – این بوده است که نظام خانواده ، یک نظام مستحکم و پایدار باشد و هیچ عاملی نتواند این کانون سعادت را متلاشی گرداند . به هر حال خانواده ی خوشبخت نشانه هایی دارد که ما دراینجا به چند نمونه ی آن اشاره می کنیم . امید است که خانواده ی شما نیز برخوردار از این نشانه ها باشد. ۱ – در بین اعضای خانواده جمله " به من چه یا به تو چه " رد و بدل نمی شود، چرا که اعضا به گفتگو و مشورت منطقی اعتقاد دارند و احساس مسئولیت می کنند. ۲ – افراد به یکدیگر اعتماد دارند و از این اعتماد سوء استفاده نمی کنند و اعتماد را یکی از پایدارترین ویژگی ازدواج موفق و خانواده موفق می دانند. ۳ – تا جایی که امکان دارد با هم هستند و در مهمانی ها یا کارهای مربوط به خانواده تنها نمی روند. همدلی، همکاری، همفکری، هماهنگی را بقای خانواده خوشبخت می دانند. ۴ – با هم اتحاد دارند و در مسائل مختلف ، با گفتگو و مشورت به تفاهم می رسند و سعی می کنند اگر سوء تفاهم به وجود آمد، آن را در درون خود بدون این که کسی بفهمد حل کنند.۵ – به سلیقه ها و عقاید یکدیگر آگاه بوده و به آن احترام گذاشته و عمل می کنند.۶ – نسبت به هم شرم مسموم ندارند یعنی خواسته های طبیعی خودشان را بدون نگرانی یا خشونت ابراز می کنند.۷ – به حریم یکدیگر احترام گذاشته و از حدود مشخص شده خود فراتر نمی روند. ۸ – نگران سلامت روحی و جسمی یکدیگر بوده و از هم مراقبت می کنند . اگر چنانچه مشکلی به وجود آید ، سعی وافر در حل مشکل را دارند. ۹ – در بیشتر اوقات لحظات خوشی را که با یکدیگر بوده اند مرور می کنند؛ دنبال خاطرات تلخ نیستند، دوست دارند همیشه در خوشی، شادی و نشاط زندگی کنند.۱۰ – برای فامیل ها و همسایه های خود اهمیت قائل اند و پذیرای فامیل یکدیگر هستند. ۱۱ – از امور مالی یکدیگر خبر دارند و چیزی را از یکدیگر پنهان نمی کنند . صرفه جویی و پس انداز کردن جزء برنامه های اقتصادی خانواده های خوشبخت است.۱۲ – برای رشد یکدیگر تلاش کرده و زمینه پیشرفت خانواده را

فراهم می کنند. ۱۳ – افراد به هم افقی نگاه می کنند نه عمودی . یعنی هیچ کس خود را برتر از دیگری و در مقام قدرت نمی بیند. دیکتاتوری ، زور و قدرت طلبی حاکم نیست. ۱۴ – همه اعضا احساس برنده بودن، موفق بودن، امید داشتن می کنند و خودشان را در زندگی برنده می دانند.۱۵ – در کنار هم احساس امنیت و آرامش می کنند نه ترس و اضطراب یا تنش و درگیری. ۱۶ – علاقه، عشق، محبت، صفا و یکدلی خود را هم در رفتار و هم در گفتار به یکدیگر ابراز می کنند. ۱۷ – از یکدیگر انتظار بیجا و توقع نامناسب ندارند.۱۸ – اگر مشکلی پیش بیاید به راه حل فکر می کنند و به دنبال مقصر و گناهکار نمی گردند. دست به علت یابی و ریشه یابی آن مشکل می زنند و راه حل منطقی ارائه می دهند.۱۹ هریک از طرفین پیوسته به فکر خوشحال نمودن و راضی نگه داشتن یکدیگر هستند .۲۰ – زن و شوهر به خاطر همدیگر زندگی می کنند : اول خود بعد دیگران. زندگی آنها به خاطر بچه ها یا ترس از طلاق و حرف مردم نیست.۲۱ – زن و مرد می توانند هر روز به دنیای اختصاصی یکدیگر نزدیکتر شوند، کار به مسائل خصوصی و زندگی دیگران ندارند.۲۲ – با درخواست های یکدیگر برخوردهای مثبت و منطقی دارند. ۲۳ – زن و مرد در کنار یکدیگر هستند نه رو در رو و رقیب یکدیگر، بلکه رفیق هم هستند و واکنش منفی از خود نشان نمی دهند. ۲۴ – خانواده های خوشبخت تلاش دارند که بچه های خوب و خوشبختی نیز به جامعه تحویل دهند.

*http://lifestyle.parsgooya.ir

دانش خانواده

دکتر حسین محمودیان – دکتر محمد رضا شرفی دکترسهیلا خوش بین – دکتراحمد احمدی

تلخیص : حسن حجتی نشر : سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

گردآوری و تلخیص : حسن حجتی دوره کاردانی رشته روابط عمومی و همکاری نشر طوبی «به نام قادر دانا» مقدمه : کتاب دانش خانواده که در دست خواننده ارجمند است، تلاش دارد راه های تشکیل یک خانواده تندرست با معنویت و اخلاق اسلامی را در عین حال با داشتن فرزندانی محدود ، که بتوان آنها را در عالی ترین سطح ممکن آموزش داد ، نشان دهد ، در جهت نیل به این هدف مهمّ و مقدّس مطالب را به چهار بخش اصلی تقسیم نموده که عبارتند از : الف) بخش جمعیت شناسی از آن جهت که معلوم شود افزایش بی رویّه و نابسامان فرزندان در یک خانواده چه نتایج و تبعات زیانباری برای کل جمعیت کشور خواهد داشت و در برابر ، پیدایش سامانمند و محاسبه شدهٔ فرزند چه تأثیر سودمندی برای سراسر کشور دارد . ب) بخش تنظیم خانواده که در واقع مکانیسم شیوه های عملی درست و بهداشتی کنترل و تنظیم خانواده را می‌آموزد. ج) بخش مربوط به اخلاق و رفتار و معاشرت اعضای خانواده با یکدیگر که موجب آسایش و آرامش جسمی ، روحی ، مادی و معنوی آنها است . د) بخش کوتاهی که استحباب مؤکد ازدواج و داشتن فرزند از دیدگاه اسلام را بیان می کند، اما در عین حال نشان می دهد که تنظیم خانواده و پیشگیری از نظر اسلام مجاز است . جمعیت و جمعیت شناسی : ۱ (دکتر حسین محمودیان) هر انسان عضو یک جمعیت خاص است و عوامل جمعیتی بر بسیاری از جنبه های زندگی او از مکانی که در آن زندگی می کند تا قیمتی که برای خرید کالاهای مورد نیاز خود می پردازد تاثیر می گذارد . تاریخ ، تاثیر شرایط جمعیتی بر زندگی و متقابلاً تاثیر پذیری از آن را نشان داده است . جنگلها بخش مهمی از جمعیت را از بین بردند ، نبود بهداشت ، دارو، آلودگی های مختلف ، سبب مرگ و میرهای فراوان در زمانهای مختلف شده است تغییر در شیوهٔ زندگی انسانها در عصرهای گوناگون، شناسایی جمعیت انسانی ، چگونگی تغییرات آنها در طول زمان، و تعامل این تغییرات با سایر عوامل مربوط به زندگی انسان از اهمیت بسیاری برخوردار است . در یک عبارت بسیار ساده، جمعیت انسانی « مجموعه ای از انسانها است که در یک منطقه ی معین (روستا، شهر ، استان ، کشور و ...) در قالب خانواده یا خانوار زندگی می کنند» تقسیم بندی انواع جمعیت ، تابع عوامل گوناگونی است . اگر تأکید بر قلمرو زندگی فرد باشد به دو دسته

: جمعیت حاضر و جمعیت قانونی تقسیم می شود ، جمعیت حاضر ، افرادی که در یک زمان خاص در یک مکان معین زندگی می کنند و جمعیت قانونی، افرادی که قانوناً وابسته به یک منطقه خاص هستند . اگر بر جابجایی جمعیتی بین مناطق تاکید شود ، مفاهیم جمعیت باز و بسته مطرح می گردد . در جمعیت باز، ورود سایر افراد به این جمعیت ، همچنین خروج افراد آن جمعیت به سایر جمعیت ها امکان پذیر است ، اما در جمعیت بسته هیچ جا به جایی جمعیتی صورت نمی گیرد . فصل اول علم جمعیت شناسی : جمعیت شناسی علم مطالعه جمعیتهای انسانی است ، تعاریف متعددی از این علم ارائه شده است . به عبارت ساده مطالعه علمی اندازه ، ترکیب و توزیع منطقه ای جمعیتهای انسانی و تغییرات این عوامل با توجه به سه فرایند: زاد و ولد ، مرگ و میر ، مهاجرت ، در حوزه علم جمعیت شناسی قرار می گیرد . جمعیت های انسانی از دو جهت ، ساختاری و حرکات زمانی و مکانی مورد پژوهش قرار می گیرند . ساختارهای جمعیتی با توجه به عوامل مهمی نظیر : حجم ، شکل توزیع، سن ، جنس، فعالیت و اشتغال ، سواد و آموزش ، خانواده و خانوار، ازدواج ، طلاق ، قومیت و نژاد ، مورد بررسی قرار می گیرند. در حال حاضر دو قطب بزرگ جمعیتی یعنی چین و هند بیش از ۳/۱ جمعیت جهان (۳/۲ میلیارد نفر) را در خود جای داده اند . کشورهای دارای منابع طبیعی و اقتصادی فراوان و جمعیت کم ، سعی بر آن دارند تا با اعمال سیاستهای موافق با مهاجر پذیری بهره وری از منابع خود را به حداکثر برسانند. در عوض کشورهای دارای نیروی کار مازاد و اقتصاد ضعیف به دنبال صادرات نیروی کار هستند . درداخل یک کشور نیز تمرکز جمعیت در مناطق خاص ، تمرکز را به همراه خواهد داشت و تحقق توسعه همه جانبه و پایدار را با مشکل مواجه خواهد ساخت . حرکات جمعیت در سه مبحث زاد و ولد ، مرگ و میر و مهاجرت مورد مطالعه قرار می گیرد . ساده ترین راه اندازه گیری زاد و ولد، به دست آوردن میزان خام موالید است که نسبت موالید یک سال تقویمی یک منطقه را به میانگین جمعیت آن منطقه در همان سال ، به ازای هزار نفر نشان می دهد . ۱۰۰۰× = میزان خام موالید با توجه به شرایط اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی بهداشتی و محیطی در جوامع مختلف ، میزان موالید در آن جوامع متفاوت است. میزان های بالای موالید به کشورهای آفریقایی تعلق دارد، میزان های پایین به کشورهای اروپایی. مرگ و میر بر خلاف تولد، موجب کاهش تعداد جمعیت شده و دارای یک اثر کاهشی است بر خلاف زاد و ولد و مرگ و میر که موجبات حرکت را در طول زمان را فراهم می کنند مهاجرت یا جابجایی جمعیتی ، شکل توزیع جمعیت را در مکان تغییر می دهد . انقلاب صنعتی در قرن ۱۷ میلادی و کشف سرزمینهای جدید و توسعه نظام اقتصاد صنعتی، جابه جایی جمعیتی را چه در بین کشورها چه در داخل کشورها تحت تأثیر قرار داده . ۱۰۰×

= میزان خام مرگ و میر رشد جمعیت : میزان رشد ، حاصل تفاضل میزان موالید و میزان مرگ و میر می باشد و از آنجا که این رشد نتیجه حرکات طبیعی (تولد و مرگ) جمعیت است به میزان رشد طبیعی معروف است : میزان مرگ و میر - میزان موالید = میزان رشد طبیعی مرگ و میر موجب کاهش جمعیت شده و مهاجرت توزیع مکانی جمعیت را تغییر می دهد . افزایش مهاجرپذیری در مقایسه با مهاجر فرستی ، جمعیت موجود در مکان مبدأ را افزایش می دهد . اگر مرگ و میر بر موالید فزونی یابد ، رشد منفی و جمعیت از لحاظ عددی کاهش می یابد این در حالی است که میزان مهاجرت خالص صفر یا منفی باشد . فصل دوم تغییرات جمعیت در جهان و ایران: جمعیت جهان از ۲ میلیارد نفر در سال ۱۹۲۰ به بیش از ۶ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ افزایش یافت . این درحالی است که جمعیت جهان در فاصله ۰-۱۶۵۰ تنها ۲ برابر شده بود . انتظار می رود جهان در سال ۲۰۵۰ جمعیتی بیش از ۹ میلیارد نفر را در خود جای بدهد . این افزایش فزاینده بر اثر کاهش چشمگیر مرگ و میر بعد از انقلاب صنعتی روی داده است . به موازات کاهش میزان مرگ و میر در کشورهای توسعه یافته،میزان موالید نیز با اندک تأخر زمانی شروع به کاهش کرد . در نتیجه میزان رشد جمعیت بعد از مدتی کاهش یافت . هر چند بر اثر اشاعه فنّاوری و امکانات بهداشتی ، مرگ و میر در کشورهای در حال توسعه نیز کاهش یافت ، اما تداوم میزان موالید بالا، رشد جمعیتی را برای یک دوره طولانی در حد نسبتاً بالایی نگاه داشته است . سهم بیشتر کشورهای در حال توسعه از جمعیت جهان ، اثرگذاری بیشتری را درمیزان رشدجمعیت در اثر افزایش جمعیت

جهان به همراه داشته است . توزیع جمعیت در قاره ها متعادل نیست ، آسیا بیشترین جمعیت را در خود جای داده است و سهم قاره اقیانوسیه از جمعیت جهان در کمترین حد قرار دارد . جمعیت فعلی قاره های آمریکا و اقیانوسیه مرهون مهاجرت افراد از سایر قاره ها است . به علت پایین رشد جمعیت در اروپا سهم این قاره از جمعیت جهان در حال کاهش می باشد. تنها قاره افریقاست که با رشد بالای جمعیتی در حال افزودن سهم خود در جهان است . ایران هجدهمین (۱۸) کشور پرجمعیت دنیاست . افزایش قابل توجه رشد جمعیت ایران طی ۱۰۰ سال گذشته رخ داده است . رشد سالانه جمعیت ایران از ۶/۰ درصد در سال ۱۲۸۰ به حدود ۴ درصد در فاصله ۱۳۵۵–۱۳۶۵ افزایش یافت . بعد از آن رشد جمعیت کاهش یافت و در حال حاضر در حدود ۲/۱ درصد برآورد می شود . جمعیت کشور دارای ساختاری جوان بوده در حدود ۳۳ درصد از جمعیت گروه سنی ۰–۱۴ قرار دارند میانگین سن ازدواج برای مردان حدود ۲۶ سال و برای زنان در حدود ۲۱ سال است رواج ازدواج در حد نسبتاً بالایی است و تنها کمتر از ۲ درصد از افراد ۴۵–۴۹ ساله هرگز ازدواج نکرده اند . میزان مرگ و میر خام ۱۰ در هزار و امید زندگی در بدو تولد حدود ۷۰ سال است . میزان باروری کل از ۳/۶ فرزند در فاصله ۱۳۶۱–۱۳۶۳ به حدود ۲فرزند در سال ۱۳۷۹ کاهش یافته است . با فرض کاهش بیشتر میزان رشد جمعیت ، کشور ایران باید جمعیتی کمتر از ۸۵ میلیون نفر را در سال ۲۰۲۵ را در خود جای دهد . فصل سوم جمعیت و توسعه پایدار : با وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و دگر گونی اقتصادی و اجتماعی متعاقب آن، رابطه جمعیت و توسعه شکل پیچیده تری به خود گرفت . اولین و مهم ترین تاثیر ، کاهش اساسی مرگ و میر است. بهبود کشاورزی صنعتی شدن ، بهبود حمل و نقل ،انجام اصلاحات اجتماعی ، گسترش بهداشت عمومی و فردی و توسعه علم پزشکی نقش عمده ای را در این کاهش ایفا کردند . تاثیر جمعیت بر توسعه جمعیت می تواند به عنوان یک عامل مستقل تاثیراتی بر رشد اقتصادی ، نیروی انسانی عرضه منابع ، محیط زیست و بهداشت و سلامتی بگذارد . رشد اقتصادی جنبه کمّی توسعه اقتصادی را بیان می کند . تعداد بالای جمعیت به طور ساده می تواند به تعداد بیشتر نیروی کار منجر شود که البته در شرایط خاص دچار تغییرات می شود . بقای جمعیت نیازمند وجود بعضی از منابع ضروری ، نظیر زمین ، مواد غذایی ، مواد معدنی ، مواد انرژی‌زاست . از آن جا که این منابع همیشه به وفور یافت نمی شوند ایجاد یک رابطه مناسب بین جمعیت و چگونگی مصرف این منابع هدف عمده اقتصاددانان و برنامه ریزان است . کاهش وسعت مناطق آباد تنها نتیجه غیرقابل استفاده شدن زمینها براثر عوامل طبیعی نیست گسترش شهرها ، ایجاد جاده ها و مراکز صنعتی و تجاری نیز در این امر سهم بسزایی دارند . هرچند فناوری در افزایش تولید مواد غذایی سهم داشته است ، اما حفظ رشد مواد غذایی هماهنگ با میزان رشد جمعیت میسر نشده است . تولید جهانی غلات در فاصله سال های ۱۹۶۱ و ۱۹۸۹ دو برابر شده آمار رشد آن در دهه ۱۹۸۰ قابل توجه نبود. جمعیت محیط زیست در حال حاضر یکی از نگرانی های عمده جوامع بشری حفظ محیط زیست است . آسیبهای فراوانی در دهه های اخیر به محیط زیست وارد شده است ، یکی از عوامل مهم این آسیب رسانی افزایش جمعیت جهان است . در دوره ماقبل صنعتی به علت پایین بودن سطح فناوری و دانش پزشکی تغییر در تعداد عددی جمعیت ها تا حد زیادی تابع عوامل طبیعی و زیستی بود، نظیر سیل ، زلزله ، نوسان درجه حرارت ، خشکسالی و اپیدمیهای بزرگ گاهی جمعیت را تا مرحله انقراض پیش می برند اما با وقوع انقلاب صنعتی و ایجاد امکانات جدید کنترل بسیاری از بلایای طبیعی فراهم آمد ، این امکان منجر به افزایش جمعیت ، احداث کارخانه ها ، گسترش راهها ، افزایش شهر نشینی و استفاده فزاینده از سوخت های فسیلی و مواد شیمیایی همراه بود. رابطه بین محیط زیست و انسان را به نفع انسان تغییر داد و غلبه انسان بر طبیعت را آشکار کرد . افزایش تولید گازهای گلخانه ای (سی – اف – سی ها ،متان ،CO_2) که بر اثر استفاده از سوختهای فسیلی، فعالیتهای کشاورزی ، (گندزدایی شالیزارها) فعالیتهای صنعتی حاصل می شود موجب گرم شدن کره زمین (از طریق عدم انعکاس گرمای خورشید و حفظ آن در جو) شده است . کاهش جنگلها ،ذوب شدن یخهای قطبی و در نتیجه گسترش اقیانوسها ،گسترش بیابانها ،کم آبی از آثار گرم شدن زمین است . همچنین تأثیر منفی این گازها بر لایه ازن باعث نازک شدن آن و درنتیجه ورود اشعه های خطرناک

خورشیدی به زمین و ایجاد بیماری هایی نظیر سرطان پوست و اختلال در تولید محصولات می شود . تنظیم رابطه جمعیت با محیط زیست فقط از طریق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار امکان پذیر است . فشار مضاعف جمعیت بر محیط زیست در مراحل اولیه توسعه و انتقال جمعیتی (با رشد جمعیت بالا) بیشتر است. در مراحل بعدی ،توسعه اقتصادی و اجتماعی خود موجبات تعدیل رشد جمعیت و استفاده پایدار از منابع و محیط زیست را فراهم می سازد . جمعیت و بهداشت با افزایش رشد جمعیت ناشی از توسعه ، نیاز به خدمات و امکانات بهداشتی و پزشکی بیشتری برای متعادل نگه داشتن نسبت جمعیت به این نوع خدمات و امکانات ضروری است ، چگونگی حفظ این تعادل بر حسب نوع توسعه جوامع متفاوت است . در جوامع توسعه یافته به لحاظ هماهنگی بیشتر بین توسعه اقتصادی و تغییرات جمعیتی حفظ تعادل فوق بهتر انجام گرفته است در جوامع در حال توسعه به علت رشد بالای جمعیت امکان آماده سازی تسهیلات بهداشتی فراهم نشده است . جدول ۲–۳ میزان ۵ شاخص بهداشتی و جمعیتی در کشورهای منتخب جهان در سال ۲۰۰۳ کشورها میزان باروری کل میزان مرگ و میر مادران (درصد هزار تولد) میزان مرگ و میر اطفال دسترسی به آب آشامیدنی سالم (درصد) میزان استفاده از وسائل جلوگیری از حاملگی اتیوپی ۱۴/۶ ۱۱۹۳ ۱۰۰ ۲۳ ۸ موزامبیک ۶۳/۵ ۹۳۶ ۱۲۲ ۵۴ ۶ برزیل ۲۱/۲ ۲۷۷ ۳۸ ۸۷ ۷۷ ایران ۳۳/۲ ۷۶ ۳۳ ۹۳ ۷۳ اندونزی ۳۵/۲ ۲۲۶ ۴۲ ۷۸ ۵۷ کانادا ۴۸/۱ ۷ ۵ ۱۰۰ ۷۵ سوئد ۶۴/۱ ۴ ۳ ۱۰۰ ۷۸ افزایش بیماریهای مزمن و غیر واگیردار نظیر انواع سرطان ها در دنیای جدید و آسیب پذیری بیشتر افراد سالمند در مقابل آنها مشکل جدیدی را در مورد سلامت جمعیت ها پیش آورده است . فصل چهارم سیاستهای جمعیتی: هدف این فصل شرح سیاستهای جمعیتی با توجه به ماهیت ، زمینه های ظهور ، انواع و گستردگی آنهاست. هیچ تعریف کاملاً پذیرفته شده و عمومی از سیاست جمعیتی وجود ندارد در واقع اهداف و راهکارهای برنامه ریزی شده در سطح محلی ، ملی و بین المللی در جهت تاثیر گذاری بر عوامل مرتبط با جمعیت (اندازه، رشد ، توزیع و ترکیب جمعیت) تحت عنوان سیاستهای جمعیتی نامیده می شود این سیاستها به انواع مختلفی تقسیم می شوند از نظر اجرا ، سیاستها می توانند به سیاستهای مستقیم و غیر مستقیم تقسیم شوند به لحاظ ماهیت سیاستهای جمعیتی به سیاستهای کمی و کیفی تقسیم می شوند . سیاستهای جمعیتی برای هماهنگ کردن تعادل بین تغییرات عوامل جمعیتی و تغییرات سایر عوامل طراحی می شوند، بنابراین یک سیاست جمعیتی زمانی تدوین می شود که مشکل جمعیتی وجود داشته باشد و هدف سیاست، انجام مداخله برای رفع این مشکل است ، راهکارهای سیاستی در گذشته عمدتاً در سطوح کلان و نظری بوده و کمتر به مرحله عمل رسیده است . هریک از حوزه های جمعیتی دارای سیاستهای مربوط به خود است . دولتها سعی می کنند تا با اجرای سیاستهای جمعیتی ، تغییر عوامل جمعیتی را در حوزه های متفاوت تحت تاثیر قرار دهند . رای کنترل رشد جمعیت، سیاستهایی نظیر کنترل موالید و تنظیم خانواده اعمال می شود ، کشورهای ناراضی از وضعیت توزیع جمعیت با کنترل مهاجرت های داخلی و خارجی و با توزیع جمعیت به مقابله با آن می پردازند . با توجه به اهمیت رشد جمعیت جهان ، سیاستهای مرتبط با زاد و ولد و باروری توجه بیشتری به خود جلب کرده است . علیرغم کاهش چشم گیر رشد جمعیت در ایران ،چالشهایی در زمینه های بهداشت باروری ، حفظ محیط زیست، موقعیت زنان، شهر نشینی، توزیع نابرابر جمعیت وامکانات و بهداشت و آموزش همگانی وجود دارد . تقویت سیاستهای موجود و تدوین سیاستهای تکمیل کننده امکان مقابله با این چالشها را فراهم می سازد . نظام اخلاق خانواده ۲ (دکتر محمدرضا شرفی) مقدمه : نگاهی گذرا به آنچه در اطرافمان می گذرد، ما را بر می انگیزد تا میان خانواده امروز و دیروز، مقایسه ای داشته باشیم . برخی از ویژگی های عصر حاضر که فرد، خانواده و جامعه اثر می گذارند ، عبارتند از ؛ پیچیدگی روزافزون زندگی، اشتغال بیش از حد والدین ، وجود نقشهای مضاعف مادر ، جابه جایی ها و مهاجرتهای پی در پی که ریشه گرفتن آدمی را در محله و شهر دشوار می سازد و نیز تبدیل شدن خانه ها به خوابگاه ها، همگی نمادهایی از خانواده درحال دگرگونی است . در حالی که در گذشته ، حیات بشری از روندی آرام برخوردار بود . اتکا به معنویت به منزله داربست وجودی، آدمی را در برابر روزمرگی و درون

تهی شدن، محافظت نموده معنای خاص به زندگی می بخشد . هویت نیز در بستر معنویت ، رشد می یابد. انتظار منطقی از مبحث « خانواده و دانش زندگی» این است که به ما یاری دهد تا بهتر و فهمیده تر از گذشته بتوانیم با اطرافیان، ارتباط انسانی برقرار کنیم و این زمانی امکان پذیر خواهد بود که ساختار خانواده را به درستی بشناسیم و با بررسی تطبیقی تیپ شناسی خانواده ، جایگاه خود را بیابیم و بدانیم به کدام نوع خانواده تعلق داریم . فصل اول مبانی و اهداف خانواده: در نظر بسیاری از مردم، خانواده به منزله واحد اجتماعی (social unit) است که شامل یک زوج متأهل و فرزندانشان است . در تعریف دیگری از راجرز خانواده چنین توصیف شده است : خانواده نظامی نیمه بسته است که نقش ارتباطات داخلی را ایفا می کند، مرداک نیز در تعریف خانواده می نویسد : خانواده یک گروه اجتماعی است که اعضای آن به وسیله دودمان، ازدواج یا فرزند خواندگی با یکدیگر پیوند برقرار می کنند و نیز کسانی که در زندگی با هم از تشریک مساعی در تامین درآمد ، اقتصاد زندگی و نگهداری از فرزندان برخوردار هستند . جایگاه و منزلت خانواده بررسی جایگاه خانواده از ۴ منظر یا رویکرد قابل ملاحظه است : الف) خانواده، ساختاری در برابر جامعه: که رابطه خانواده و جامعه از جنبه ارگانیکی و کارکردی آن مورد توجه می باشد . ب) خانواده عامل انتقال فرهنگی، در این رویکرد، خانواده به لحاظ ایجاد پیوند میان نسلها می تواند میراثهای فرهنگی خود را به نسل های بعدی منتقل کند . ج) خانواده عامل تکوین هویت: تشکیل خانواده به منزله تکوین بخشی از هویت فرد می باشد که با عنوان هویت خانوادگی آن را از سایر ابعاد هویت متمایز می کنیم . د) خانواده عامل توسعه فرهنگی: هر فرهنگی برای تداوم حیات خود نیازمند نوعی توسعه و گسترش از طریق پیامها، عناصر و مؤلفه های متنوع خویش است . خانواده بستر مساعدی برای چنین منظوری است. تیپهای خانواده خانواده ها از حیث کیفیت روابط درونی و میزان استحکام آنها می توان به ۴ تیپ تقسیم نمود که هریک ویژگی ها ، کارکردها و تاثیرات خاص خود را داراست این تیپها عبارتند از: الف) خانواده متلاشی ب) خانواده متزلزل ج) خانواده متعادل د) خانواده متعالی گسیختگی خانوادگی را می توان این طور تعریف کرد: شکستن واحد خانوادگی یا تجزیه برخی از نقشهای اجتماعی به علت آنکه یک یا چند تن از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود آنطور که باید و شاید بر نیامده اند . در خانواده های متعادل اصطلاحاتی نظیر خانواده به هنجار، متوازن و موفق نیز یاد می شود در این تیپ خانواده هر فرد در موقعیت واقعی خویش است، عواطف و مسئولیتها و امتیازات به طور عادلانه میان افراد توزیع می شود . امنیت و جذابیت مکفی برای افراد وجود دارد، مدیریت متکی بر روابط انسانی و برخوردار از مشورت و هماهنگی با افراد اعمال می شود . در خانواده متعالی ، نه تنها مشکلات مورد بررسی قرار می گیرد و تلاش برای حل آنها می شود ، بلکه ظرفیتها و استعدادهای افراد تا مرز خودشکوفایی مورد استفاده قرار می گیرد . در این نوع خانواده، تفسیر و تعبیر وقایع و رویدادهای زندگی خوش بینانه است ، هر شکست ، یک تجربه و فرصتی برای ارزیابی موقعیت در نیل به پیروزی تلقی می شود . اهداف تشکیل خانواده از دیدگاه یونگ : هدف زندگی، یافتن توفیق و جایی در جهان است . از دیدگاه اسلام هدف زندگی نیل به سر حد کمال و بالندگی است . برخی هدفهای تشکیل خانواده اجمالاً عبارتند از: ۱- تحقق جامعه سالم ۲- تداوم نسل ۳- تامین نیازهای اساسی ۴- تربیت اجتماعی نسل ۵- حداست ایمان ۶- جمال اجتماعی ۷- رشد و بالندگی ازدواج موقعیتی را برای زن و مرد مهیا می کند تا در پرتو زندگی مشترک بتوانند اولاً به بخش قابل توجهی از نیازهای حیاتی خود برسند، مثل غریزه جنسی ، آن هم در محیطی سالم پاک و مشروع ، با تکیه بر آرامش به دست آمده از آن قادر خواهند بود مسئولیتها و وظایفشان را انجام دهند و هم چنین به تامین نیازهای روانی خود اهتمام ورزند. از اهداف دیگر تشکیل خانواده پرورش فرزندان سالم و شایسته است ، تربیت اجتماعی ، یکی از مؤلفه هایی است که تحقق آن نیاز به محیط مساعد دارد و خانواده اولین نهاد تربیتی است که شرایط لازم برای این مؤلفه را داراست . نکته قابل ذکر دیگر این است که در تداوم زندگی مشترک زن و مرد باید به نقش همسر در بالندگی خویش توجه داشته باشند و این واقعیت را نیز به او اظهار نمایند . فصل دوم روشهای ایجاد خانواده سالم : ابتدا اینکه معیارها و ضابطه های همسر گزینی را مورد بازنگری قرار دهیم . زیرا هیچ انتخابی همانند

همسر گزینی از آثار و پیامدهای به درازای یک عمر و ادامه نسل برخوردار نیست . در گام دوم برای تحقق خانواده سالم، ضرورت دارد به تبیین شویه هـای تثبیت ، اسـتحکام و مودت در خانواده پرداخته شود و راهکارهای عملی در این زمینه مورد توجه قرار گیرد و در سومین گام وظایف والـدین نسبت به فرزنـدان تبیین شود . در حقیقت بازشناسـی حقوق فرزنـدان انگیزه ای است تا والـدین با مسئولیت شناسـی تؤام بـا آگاهی بتواننـد به تربیت نسل صالـح و شایسـته اقـدام کننـد . معیارهای همسـر گزینی ، تنوع و پیچیـدگی معیارها ، بعضاً پدیده همسـر گزینی را با دشواری مواجه می کند ، با این حال شناخت معیارها و میزان اهمیت آنها تا حدودی از این دشواری می کاهد. ۱- معیارهای روان شناختی ، دراین بخش موضوعاتی همچون شخصیت فرد ، ساختار آن ، تیپ شخصیتی مثل ، درونگر، برونگرا ، صـفات شخصـیتی (متـانت، وقار) رویکردهای شخصـیتی (مثبت گرا، منفی گرا ، واقع گرا مورد بررسـی قرار می گیرد، هـدف این بررسـی یـافتن فصـل مشترک یـا مشـابهت هـا میـان زن و مرد است. ۲- معیارهـای زیبـا شـناختی ، وجود زیبایی و جـذابیت به تنهایی نمی توانـد برای تشـکیل زندگی کفایت کند زیرا زندگی مشترک ، وظایف و به تبع آن دشواریهایی دارد که با تأکیـد بر زیبایی نمی توان از عهـده آن بر آمـد لـذا زیبایی و جـذابیت برای پیوند زن و مرد نقطه شـروع مناسـی است و لیکن شـرط کافی محسوب نمی شود . ۳- معیارهای علمی و فرهنگی : عواملی هم چون میزان تحصیلات، مدارج علمی ، اندوخته های فرهنگی زن و مرد و نیز آشـنایی به فنـاوری ومهارتهـای جدیـد و روزآمـد ، بعنوان بخشـی از ملاکهـای ازدواج مورد تأمل جوانان است . ۴- معیارهـای تکوین رشـد : موضوع دیگر ، مسأله سن ازدواج ، سن زوجین و اینکه چه سـنی برای دختران وپسـران مناسب تر است و همچنین اختلاف سن زوجین است . «هـاری اورسـتریت» معتقـد است که هر فرد از دو سن واقعی و روانی برخوردار است منظور از سن واقعی سن تقویمی بر مبنـای سـال تولـد و فاصله آن تا زمان حاضـر و سن روانی یا سن عقلی به معنای وجود ویژگی هایی نظیر میزان پختگی، درک زندگی ، احساس مسـئولیت و داشتن هدف مشخص می باشد . مثلاً ممکن است فردی سن واقعی اش ۲۵ سال و سن روانی اش ۳۰ سال باشد برای تشـکیل خانواده احراز و تحقق رشد فکری یا همان سن عقلی مقدم بر سن واقعی است . بهترین سن ازدواج محدودهٔ جوانی که بین سالهای ۱۹ تا ۲۵ تا ۳۰ را در بر می گیرد است . وجود فاصله سنی حدوداً ۳ تا ۶ سال نیز طبیعی است، ارشدیت سن مرد ، نسبت به زن زمینه مساعدی را فراهم می کند تا وی از تجربه ، پختگی و درایت بیشتری برخوردار باشد و بتوانند زندگی را به نحو شایسته ای هدایت کند البته این هدف زمانی محقق می شود که مرد از مشورت و هم فکری و هم اندیشی زن بهره گیرد و خود را از این مهم بی نیاز ندانـد، اگر زن و مرد هم سن باشـند و یا حتی زن به مرد ارشـدیت نمی داشته باشد . در صورتی که در حالت اول موجب رقابت میان آنان نشود و در حالت دوم به تضـعیف مـدیریت مرد منجر نگردد سـبب عـدم موفقیت یک زنـدگی نمی شود . ۵- معیارهـای مـادی و اقتصـادی : یکی از ملاکهای مورد نظر همسـران ، ارزیابی موقعیت مالی و اقتصادی طرف مقابـل به ویژه توانمنـدی مـادی مرد است . زیرا از یـک سو او مـدیر زنـدگی و مسـئول تامین معیشت خانواده است و از سوی دیگر برخی از زنان ، ضـریب امنیت زنـدگی خود را بر مبنای توانایی اقتصادی همسـران ، تنظیم می کننـد و لـذا مایلنـد که از همان آغاز مرد از بنیه مالی خوبی برخوردار باشد تا احساس ایمنی بیشتری داشـته باشند و همچنین برای برخی مردان ، وضعیت مالی زن و خـانواده اش نیز حائز اهمیت است . مسائل رفاهی و مادی با وجود تاثیرات فراوان نبایـد به یک هـدف زنـدگی تبـدیل شود شایسـته است که جوانـان بـا یقین به وعـده پروردگـار به انگیزه محـدودیت اقتصـادی ، ازدواج را به تـأخیر نینـدازنـد و اطمینان به لطف الهی داشـته باشـند که فرمود: « ... اگر از نیازمنـدان و مسـتمندان باشـند ، خدا از فضل خود بی نیازشان سازد» تشـکیل خانواده عالی ترین پیونـد دو انسـان یـا به عبارتی اتصال دو روح یا دو شخصـیت است لـذا رویکرد صـرفاً اقتصادی به این پیونـد آسـیب می رسانـد. در روایتی رسول اکرم (ص) می فرماید : «هرکس تنها به منظور مال ، زنی را به همسـری انتخاب کند، خداوند او را به همان مال وا می گذارد» و در روایتی دیگر فرمود: « مال زن موجب طغیان او می شود» ۶- معیارهای اخلاقی و دینی: ملاک دیگری که برای بسیاری از دختران و پسـران در همسـرگزینی ، اهمیت خاصی دارد . شاخصهای اخلاقی و دینی است . واقعیت این است که فرد دین باور در

نگاه دیگران ، یعنی کسانی که دارای درجه ای از خودساختگی ، رفتار اطمینان بخش و پایبندی به ارزشهای اخلاقی باشد. در برخی از فرمایشات رسول اکرم (ص) آمده است که : « همیشه در ازدواج همسر با ایمان انتخاب کنید» از بررسی روایات و احادیث چنین استنباط می شود که تنها ملاکی که به طور مطلق و در همه موارد به آن تأکید شده است مقوله دین و امیان است و معلوم می شود که وجود این عامل نوعی تضمین برای داوم ، بقا و تفاهم زندگی مشترک است در روایتی آمده است « دختر را به ازدواج فرد با ایمان در آورید، زیرا اگر دختر را دوست داشته باشد به او محبت و نیکی خواهد کرد و اگر او را دوست نداشته باشد به او ظلم نخواهد کرد » شیوه های تثبیت و استحکام مودت در خانواده یکی از معیارهای ارزیابی موفقیت همسران در زندگی ، وجود رابطه مبتنی بر « مودت و رحمت» در مناسبات آنان است . در کلام الهی آمده است : و از نشانه های (لطف) اوست که همسری از جنس خودتان آفرید تا در کنار او به آرامش برسید و میان شما (رشته های) مودت و رحمت نیز ایجاد کرد . شیوه های تحکیم و تقویت مودت در زندگی به ترتیب زیر است : ۱- ارتقاء ارتباطات انسانی : ارتباط کلامی، هنر خوب شنیدن که از مهارتهای مهم در مناسبات زناشویی است . ۲- تبادل عاطفی پایدار : « راه سالم پیوند با جهان، راه عشق است» ابراز محبت، تبلور نیروی محبت است . لازمه ی محبت به کسی ابراز آن است و این امر سبب کامیابی بیشتر در زندگی زوجین است . غلبه بر خودشیفتگی مقدمه ای برای رسیدن به مرز « شخصیت از خود فرا رونده» است . ۳- همدلی : زوجهای جوان پس از پیوند زناشویی ، به تدریج خود را در برابر مسائل متنوع، گسترده و جدی می بینند . مسائلی که به تنهایی قادر به حل آنها نیستند . ولی وحدت و همفکری زوجین ، توان آنها را در غلبه بر مسائل و مشکلات مضاعف می کند زیرا هریک از منظر خاصی به مسائل زندگی می نگرد و لذا امکان دستیابی آنها به یک دید جامع، بیشتر می شود ، همدلی دریچه ای برای خروج فشارهای درونی یا برون ریزی هیجانی است و بیان دردها، موجب تصفیه روح و روان و تداوم زندگی می شود . ۴- ارتقاء سطح ارزش شخصی : نیاز به احترام و تکرم منزلت از دیگر نیازهای افراد در زندگی مشترک است که تامین آن به فرد احساس بهتری می بخشد زیرا هریک از زوجین به شدت مایل است نزد همسرش از احترام و جایگاه رفیعی برخوردار باشد و نتیجه چنین وضعی، ایجاد احساس دل بستگی به زندگی علاوه بر افزایش انگیزش و کارآمدی ، بر توان و قابلیت فرد برای مواجهه با مشکلات نیز می افزاید و فرجام آن پایداری و قوام زندگی مشترک می باشد . ۵- مثبت گرایی . مثبت نگری : یکی از نشانه های سلامت روان، رویکرد مثبت و سازنده به هستی است . چنین رویکردی زمینه ای برای گرایش و برخورد مثبت با جهان محسوب می شود تحقق این معنا در روابط زوجین از اهمیت بیشتری برخوردار است زیرا آنان مایلند که : - از نظر همسر نسبت به خود آگاه شوند. - این نظر، مثبت ، سازنده و ارزشمند باشد . - با اطمینان از رویکرد مثبت همه ، احساس امنیت می کنند . - شاهد استمرار چنین رویکردی باشند . در یک پژوهش تربیتی مشخص شد که عامل اصلی بدرفتاریها و ناسازگاری های خانوادگی ، عامل دلسردی است . ۶- رغبت شناسی: در روابط همسران، تامین علائق اصولی یک دیگر، موجب رضایت خاطر آنها می شود و بر شادکامی زندگی می افزاید . ۷- وسعت نظر: منظور از وسعت نظر، داشتن ویژگی هایی نظیر بلند نظری، بزرگواری ، گذشت است نقش این عامل در مناسبات همسران، به لحاظ ارتباط نزدیک و مستمر آنان تعیین کننده است به منظور تحقق وسعت نظر ، عمل به توصیه های زیر پیشنهاد می شود . - در زندگی به مسائل جزئی و پیش پا افتاده نباید چندان اهمیت داده شود تا بر روند دوستی همسران اثر نامطلوبی بر جای نهد . - در مسائل اخلاقی به ویژه غیرت نسبت به همسر، از حد اعتدال نباید فراتر رفت ، زیرا غیرت بی جا زمینه ساز برخی آسیبهای اخلاقی و اجتماعی می شود . چنین مضمونی در بخشی از سفارشات حضرت امیر (ع) خطاب به امام حسن (ع) نیز آمده است . - در صورت عذر خواهی فرد از خطایش، باید پوزش پذیر بود و دیگر گذشته اش را به روی او نیاورد و مجدداً فرصتی به او بخشید . - خویشتنداری در مواجهه با مشکلات زندگی، بدیهی است فردی که از ظرفیت روحی و روانی بالا-یی برخوردار باشد ، خود را نمی بازد و می تواند اعتماد همسرش را نیز نسبت به خود افزایش دهد . وظایف والدین نسبت به فرزندان معرفت نسبت به وظایفی که در قبال فرزند دارند

موجب احساس مسئولیت در این زمینه می شود عمل به این وظایف و تلاش برای هماهنگ ساختن فعالیتهای تربیتی والدین با یکدیگر ، سبب تضمین موفقیت آنان می شود . وظایف زوجین قبل از تولد مهمترین عامل در این زمینه مراقبتهای مربوط به انعقاد نطفه و نیز دوران بارداری است . در دوران بارداری رعایت چند نکته توصیه می شود : ۱- حمایت عاطفی و پشتیبانی روحی و فکری مرد از زن. ۲- ایجاد محیطی امن از حیث فیزیکی و روانی در خانواده ۳- مراقبت زن از جهت روحی و روانی زن از خویش و پرهیز از استرس ۴- تامین شادکامی زن ، پرهیز از غم ، اندوه و افسردگی ۵- ارتقاء روحیه معنوی زن از طریق ارتباط با خدا ۶- تقویت سلامت جسمی زن از طریق برنامه های ورزشی، بهداشتی و غذایی مطلوب ۷- ابراز علاقه مرد به داشتن فرزند و هماهنگی احساسی و عاطفی با زن در دوران انتظار تولد فرزند. پس از تولد حقوق خاصی به او تعلق می گیرد : انتخاب نام نیک و شایسته – تغذیه صحیح در دوران رشد – تامین سلامت جسمی و روانی و دادن انگیزه به او برای ادامه زندگی – تربیت مطلوب که شامل ابعاد بدنی – عاطفی – عقلانی ، اجتماعی و اخلاقی یا دینی است و هریک عوامل و شیوه های خاصی را در بر می گیرد . همچنین کشف علایق و استعدادها و نیازهای فرزندان در جهت رشد و برطرف کردن ضعفها و کاستی ها موثر است که در راستای رسیدن به این مهم نیاز به آموزش در زمینه های مختلف است . حق فرزند از منظر امام سجاد (ع) « حق فرزندت این است که بدانی، او قسمتی از وجود توست و جزئی از درخت هستی تو به شمار می رود در این جهان ، خوبی و بدی او با تو ارتباط پیدا می کند ، تو درباره آنچه نسبت به او مسئولیت پذیر شده ای مورد سؤال قرار خواهی گرفت از نظر : ۱- تربیت و آداب آموزی ۲- دلالت کردن به خداشناسی ۳- یاری دادن او در راه حق و این وظایف را به در طریق، یکی عمل خودت و دیگری راهنمای و آموزشی که به او ارائه خواهی کرد ادامه کنی (بنابراین بایستی او را دردوستی خدا و اطاعت از او ،کمک کنی و مسائل ایمان و پاکی او را در حدود امکان فراهم سازی) عمل تو در باره چنین باشد که یقین داری ، اگر در این راه کمترین زحمتی به خود می دهی ، پاداش کافی خواهد داشت و اگر کمترین کوتاهی نمایی دقیقاً مورد مواخذه ، سلامت و مجازات قرار خواهی گرفت در رابطه خود با او ، طوری رفتار کن که نزد خدا مغرور نباشی، در بر پا داری او ، سرپرستی شایسته داشته باشی و در راه اصلاح نواقص او از تواناییهای خود او کمک بگیر و در این راه پناهی ، جز خدا نیست . فصل سوم ازدواج های دانشجویی در چندسال اخیر ازدواج دانشجویی روند رو به رشد نسبتاً موفقی داشته است به لحاظ هم پوشی دوره دانشجویی با بخشی از سالهای آغازین جوانی می توان این ازدواجها را پیوندهای آغاز جوانی تلقی کرد. برخی از فرصتهای مثبت و سازنده ازدواجهای مذکور اجمالاً عبارتند از : ۱- طولانی کردن جوانی : اندیشه پایدار ساختن جوانی از دیرباز ذهن انسانها را به خود مشغول ساخته یکی از پاسخهای قابل قبول، حفظ شور و نشاط سالهای جوانی است که منجر به تداوم آن در سالهای بعد می شود . ازدواج دانشجویی ، پیوند به موقعی است که از همان زمان آغاز با شور و نشاط ویژه ای همراه است و زمینه ای برای بهره گیری بیشتر از سرمایه روحی مهیا می کند . زوجهای دانشجو، در مقایسه با دختران و پسران مجرّدی که غالباً تنهایی را تجربه می کنند، فرصت انس و الفت با همسر جوانی می یابند که علاوه بر خروج از دایره تنهایی ، معنا و مفهوم جدیدی نیز در زندگی شان پیدا می کنند و معنا جویی ، مقدمه ای برای شور و نشاط بیشتر جوانی و بهانه ای برای مقابله در برابر مشکلات زندگی است . ۲- تعدیل انتظارات متقابل : بدیهی است اتکاء نظام خانواده بر بنیادهایی همچون ساده زیستی، کم توقعی ،قناعت و روح بزرگواری و ارزش گرائی ،فرصتی می آفریند تا زوجهای دانشجو، سطح زندگی و روابط مشترک را به الگوی خانواده متعالی ارتقاء بخشند . نکته قابل توجه اینکه معنای حقیقی « زهد» از نگاه حضرت امیر (ع) ،« برداشت کم و بازدهی زیاد» تعبیر شده است . ۳- کاهش فاصله نسلها : یکی از مواهب ازدواج دانشجویی ،تنظیم طبیعی فاصله سنی والدین و فرزندان است زوجهای جوانی که در آغاز زندگی مشترک، صاحب فرزند و به تعبیر دیگر امانت دار حق تعالی می شوند ، از این فرصت بهره مند خواهند شد که فاصله سنی قابل قبولی با فرزندانشان پیدا کنند و این امر در تفاهم میان دو نسل (والدین و فرزندان) اثرمطلوبی دارد . طولانی شدن فاصله سنی زیاد ،ابتدا ممکن است به گسست نسلها و در ادامه به تضاد

نسلها بیانجامد. ۴- افزایش سطح انگیزش: ازدواج رویداد مثبتی است که در کنار همه مواهب و آثار ارزشمند آن بر شدت و تنوع انگیزه های زوجین می افزاید و هریک در صدد بر می آیند تا با افزایش کارآمدی و قابلیت خود، زندگی مشترک را در مسیر موفقی قرار دهند . ازدواج در سالهای آغازین جوانی بیش از سایر ازدواج ها ،انگیزه های زوجین را تحت تاثیر قرار می دهد زیرا جوانی ، دوره مهم و بی نظیری در زندگی است که فرد خود را قادر می بیند به چالشهای زندگی پاسخ دهد و از میدان مبارزه، عقب نشینی نکند . درحقیقت،جوان ،زندگی را فرایندی طولانی و مداوم ازمبارزات کوچک و بزرگ می بیند و به لحاظ غرور و عزت نفس تن به شکست نمی دهد. ۵- آرامش روحی به موقع: اگر آرامش روحی ، پیامد منطقی وطبیعی ازدواج محسوب می شود ولیکن در ازدواج های دانشجویی آرامش مورد نظر به موقع حاصل می شود، زیرا زوجین در آغاز بهار زندگی همسر انتخاب کرده و قادرند از حداکثر شور و نشاط جوانی ، بهره گیرند . اگر چه ازدواج در سالهای بعد نیز آرامش به همراه خواهد داشت اما زمان فرصت محدود تری برای زوجین باقی می ماند تا از برکات آرامش به دست آمده بهره گیرند . آسیب ها و محدودیت ها : رویکرد به مزیتهای ازدواج دانشجویی ،ما را نباید از پاره ای محدودیتها یا تهدیدها، غافل کند اگر چه محدودیتهای این امر ، سهم ناچیزی در مقایسه با مزایای آن دارد ولیکن شایسته است که نگاهی جامع بر هر دو جنبه آن داشته باشیم . برخی از این محدویت ها عبارتند از : ۱- انتخاب شتاب زده جوانی سرشار از احساس و عواطف است ولی از جهاتی می تواند در تصمیم گیری های مهم زندگی و ازجمله ازدواج ،تاثیر نا مطلوبی گذارد . بعنوان مثال جوانانی که شیفته زیبایی و جمال اند ،زمانی که در معرض برخی جلوه ها و جاذبه ها قرار می گیرند ،بلافاصله تحت تاثیر واقع شده احساس و عاطفه را مبنایی برای تصمیم جدی قرار می دهند لذا دانشجویان باید مزایای و معایب احتمالی را درنظر گرفته و ملاحظه کنند که در یک ارزشیابی صحیح، غلبه بر کدامیک از این دو است و در صورت تردید با مراکز مشاوره تماس گرفته و با استفاده از تجربه و تخصص مشاورین خانواده به یک انتخاب صحیح برسند . ۲- انگیزه های ناکارآمد در بازشناسی انگیزه برخی از دانشجویان عامل فرار از تنهایی و ایجاد هم صحبتی به چشم می خورد که البته می تواند شرط لازم باشد ولی کافی نیست. دانش جویان به ویژه جوانان شهرستانی ، باید ازدواج را پدیده ای مهمتر و اساسی تر از (رفع تنهایی) تلقی کنند، وظایف و کارکردهای زندگی مشترک سنگین تر از آن است که صرفاً با اتکاء بر یک انگیزه، بتوان آنها را به انجام رساند و متقابلاً ظرفیتها و توانمندیهای طرفین باید بسی بیشتر از یک احساس هم صحبتی در نظر گرفته شود تا ازدواج موفقی پدید آید . ۳- مقایسه های محنت زا یکی از آفاتی که زوج دانشجو و زندگی مشترک آنان را تهدید می کند . ترتیب دادن مقایسه ها میان همسر و دیگران است . به مرور زمان این مقایسه ها آثاری نظیر برودت عاطفی، رنجش و بی تفاوتی در رفتار یکی از همسران یا هر دو ظاهر می شود . واقعیت این است که برخی زوجهای دانشجو به لحاظ موقعیت کلاس و عرصه های همکاری نزدیک میان دانشجویان در کارهای عملی نظیر آزمایشگاه ، کارگاه فعالیتهای گروهی و نظایر آنها با افرادی از جنس مخالف ، خواه ناخواه آشنا شده و خصوصیات مثبت علمی ، آموزشی ، اجتماعی و سایر فعالیتهای آنان، آگاه می شوند و طرف مورد نظر را با همسرشان مقایسه می کنند و چون همه یا بخشی از مزایای مورد نظر را در همسرشان نمی بینند به نقطه ای می‌رسند که شریک زندگیشان از چشم می افتد و همیشه در حسرت فرد مورد نظر به سر می برند و همین امر زمینه انجماد عاطفی را میان زوجهای جوان مهیا می سازد . بهداشت باروری و تنظیم خانواده ۳ (دکتر سهیلا خوش بین) فصل اول سلامت و بهداشت باروری سلامت به معنای رفاه کامل جسمی ، روانی و اجتماعی است ، نه فقط نبود بیماری یا ناتوانی و این موضوع یکی از حقوق اساسی بشر محسوب می شود . بهداشت باروری و اجزاء آن تاکید روز افزون روی سلامت مادر و کودک به عنوان هدفهای اصلی برنامه های تنظیم خانواده باعث شده که دامنه فعالیتهای این برنامه در سالهای اخیر بیش از پیش گسترش یابد . در حال حاضر در ایران بهداشت باروری در حیطه مراقبتهای اولیه بهداشتی خدمات زیر را ارائه می دهد: الف) مشاوره، اطلاع رسانی، آموزش ، ارتباطات در زمینه مراقبتهای اولیه بهداشتی ب) مراقبتهای نوزاد به ویژه تغذیه با شیر مادر ج)مراقبتهای کودکان و ترویج تغذیه

سالم دوره کودکی د) خدمات مربوط به مراقبتهای قبل و بعد از زایمان ، زایمان ، ایمن و مطمئن هـ) مراقبتهای بهداشتی زنان مشتمل بر پیشگیری و درمان مناسب نازائی، جلوگیری از سقط جنین و درمان عوارض آن ، پیشگیری و درمان مناسب بیماریهای مقاربتی از جمله ایدز، کنترل و درمان سرطانهای پستان و دستگاههای تولید مثل و) خدمات تنظیم خانواده ز) مراقبتهای بهداشتی سالمندان که در حال طراحی و ادغام در نظام ارائه خدمات است . بهداشت کودک در کاهش میزان مرگ و میر کودکان در همه جا پیشرفتهای مهمی حاصل شده است . بقای کودکان وابسته زمان گذاری تولد و فاصله گذاری بین فرزندان ، تعداد زایمانها و بهداشت و سلامت باروری مادران دارد. الف) هدفها • بهبود و ترویج سلامت کودک • بهبود تغذیه کودک • ترویج تغذیه با شیر مادر همه کشورها باید برنامه هایی را در جهت کاهش بیمارهای دوران کودکی به ویژه بیماریهای عفونی و انگلی و جلوگیری از سوء تغذیه کودکان به ویژه دختر بچه ها، از طریق اقداماتی در راستای ریشه کنی فقر و تضمین محیط بهداشتی برای کودک و اشاعه اطلاعات مربوط به بهداشت و تغذیه در اولویت کاری خود قرار دهند . ارائه اطلاعات و آموزش به والدین درباره مراقبت از کودک نیز اهمیت بسیاری دارد . جلوگیری از بیماری های مقاربتی از جمله ایدز موارد بیماریهای مقاربتی در سراسر جهان زیاد و در حال افزایش است .این شرایط با شیوع آلودگی به ویروس نقص سیستم ایمنی انسان (HIV) بطور قابل ملاحظه ای بدتر شده است . شیوع این بیماریهای مقاربت از مالاریا بیشتر است . وضعیت نامساعد اقتصادی و اجتماعی زنان یک عامل تاثیر گذار بر این مشکل است . بهداشت زنان و مادری سالم در بسیاری از کشورهای درحال توسعه ، عوارض مربوط به دوران بارداری و زایمان از علل اصلی مرگ و میرهای زنان در سنین باروری به شمار می روند . ۹۹ درصد این مرگها در کشورهای در حال توسعه اتفاق می افتد ، توجه بیشتر به نیازهای بهداشت باروری زنان جوان از طریق پیشگیری از بارداریهای برنامه ریزی نشده که نتیجه آن سقط جنین های غیربهداشتی و نامطمئن است می تواند قسمت اعظمی از بیماریها و مرگ مادران را کاهش دهد. برنامه های تغذیه ای برای مادران در طول دوران بارداری و شیردهی ، پیشگیری از توسل بی رویه به سزارین و مقابله با فوریتهای مامایی ، آموزش تنظیم خانواده پس از زایمان، آموزش مادران و توجه آنها به بهداشت خود و کودک، می تواند راهکارهای موثری برای داشتن مادرانی سالم و جامعه ای سالم و پر نشاط باشد . هم چنین توجه به بهداشت و سلامت میانسالان و سالمندان با هدف پیشگیری، غربالگری و درمان بیماریهای اولویت داراست . زنان در اکثر جوامع چون طولانی تر از مردان عمر می کنند ، بیشترین جمعیت سالخورده را تشکیل می دهند و آسیب پذیر تر هستند . آثار اقتصادی و اجتماعی ، پدیده پیر شدن جمعیت چالشهایی را برای همه جوامع به وجود آورده است . تغییر در ساختار سنی باعث شده که بسیاری از کشورها به بازنگری سیاستهای موجود پرداخته تلاش ویژه ای را در جهت شناخت بهترین راه کمک به مردم سالخورده با توجه به نیازهای آنان آغاز کنند. – در نظر گرفتن شمار و نسبت فزاینده افراد سالخورده در کل جمعیت طی برنامه ریزی های طولانی مدت و کوتاه مدت – حمایت از مردم سالخورده از طریق تشویق خانواده های چند نسلی و ارائه خدمات طولانی مدت برای مردم سالخورده – ایجاد تسهیلات لازم در زمینه مشارکت افراد سالخورده در جامعه با هدف افزایش خوداتکایی آنان در زمینه زندگی سالم، فعال و سازنده – استفاده بهینه از مهارتها و قابلیتهای افراد سالخورده در راستای بهینه سازی جامعه – استفاده از همکاری سازمانهای غیر دولتی و بخش خصوصی جهت استقرار نظامهای رسمی و غیر رسمی فصل دوم تنظیم خانواده تنظیم خانواده براساس تعریف سازمان بهداشت جهانی، یعنی برنامه ریزی زوجین برای دستیابی به اهداف باروری به صورت آگاهانه، مسئولانه و داوطلبانه ، که به منظور ارتقای تندرستی و بهزیستی خانواده انجام می گیرد تنظیم خانواده مترادف با تحدید موالید نیست . « تحدید موالید» یعنی محدود ساختن داوطلبانه تعداد فرزندان و تقاضای داشتن خانواده ای کوچکتر در مقایسه با نسل پیشین که معمولاً به عنوان یک سیاست دولتی اعمال می شود . اهمیت و ضرورت تنظیم خانواده از اثرات مهم تنظیم خانواده: به زنان کمک می کند تا از خود در مقابل حاملگی های نا خواسته محافظت کنند؛ از طریق فاصله گذاری مناسب بین تولدها باعث نجات جان کودکان می شود . رعایت مقررات تنظیم

خانواده به مردان نیز امکان می دهد تا بتوانند به طور شایسته ای از خانواده خود مراقبت کنند. زوجها با داشتن فرزند کمتر قادرند امکانات آموزشی ، پرورشی ، بهداشتی و غذایی بهتری برای فرزندان خود فراهم کنند. هم چنین تنظیم خانواده به توسعه ملل کمک می کند . در جوامعی که دختران فرزند کمتری در مقایسه با مادرانشان داشته اند . بهبود وضعیت اقتصادی سیر سریعتری را طی کرده است . اگر خانواده ها در آینده فرزندان کمتری داشته باشند از دو برابر شدن جمعیت کره زمین طی ۵۰ سال آینده جلوگیری می شود . جمعیت مناسب در آینده تقاضای مناسب برای استفاده از منابع طبیعی از قبیل آب و خاک قابل کشت را به دنبال خواهد داشت . بنابراین با کاهش رشد جمعیت هر فرد در آینده فرصت بهتر و بیشتری برای ساختن یک زندگی مناسب و خوب خواهد داشت . فصل سوم برنامه کشوری برای تنظیم خانواده برنامه های تنظیم خانواده بر مبنای چهار محور به شرح زیر است که جمعیت های مرتبط با برنامه را در سه مرحله قبل ، حین و بعد از ازدواج پوشش می دهد : الف) آموزش ب) مشاوره ج) تامین ، توزیع و ارائه روشهای متنوع پیشگیری از بارداری د) تحقیقات و مطالعات هـ) نظارت ، پایش و ارزشیابی آموزش دادن به زوجین متقاضی استفاده از تنظیم خانواده یعنی زنان ۱۵-۴۹ ساله و کلیه مردان ، از طریق خانه های بهداشت، برنامه های صدا و سیما، درج مقالات آموزشی در مطبوعات امکان پذیر خواهد بود که با هدف ارتقاء سطح آگاهی جامعه و با تأکید بر نوجوانان و جوانان در زمینه نقش جمعیت در توسعه پایدار می باشد . ازدواج و پیشگیری در اسلام در اسلام ازدواج به خودی خود و ذاتاً عمل مستحبی است که فراوان بر آن تأکید شده است گرچه ممکن است به لحاظ امور عارضی ، واجب یا حرام شود ، چنان که اگر کسی ببیند با ازدواج نکردن مرتکب حرام می شود، ازدواج برای او واجب و اگر یقین کند که نمی تواند حقوق واجب همسر داری را رعایت کند ، برای وی حرام خواهد بود بر همین اساس رسول اکرم (ص) فرموده اند : کسی که از بیم تنگدستی ازدواج نکند به خدای عزوجل گمان بد برده است . یکی از نتایج مهم ازدواج ؛ علاوه بر حفظ عفاف و ایجاد آرامش و آسایش و ... داشتن فرزند است که در آیات و روایات فراوان به آن اشاره شده است . درست است که یکی از اهداف اصلی ازدواج ، داشتن فرزند است و شاید کمتر کسی باشد که این خواست فطری را در نظر نداشته باشد ، برخی روایات را هم دیدیم. اما در اسلام نیز داشتن فرزند منوط به بر خوردار بودن از شرایط لازم و کافی است . مهم تر از داشتن فرزند ، برآمدن از پس تربیت اوست و همچنین تأمین نیازهای روحی ، جسمی ، مادی و معنوی او می باشد . اسلام با در نظر گرفتن تمام ابعاد وجودی یک انسان و آگاه بودن از شرایط و مشکلات وی راهنمای کاملی در همه زمینه های زندگی بشر است . پایان

اصول مبانی مددکاری اجتماعی

۰۷:۰۸

اصول مبانی مددکاری اجتماعیدکتر مری . دابلیومانیت - دکتر خوزه . بی اشفورد

مدد کار اجتماعی به عنوان یک عامل ارتباطی بین مدد جو و منابع و امکانات موجود در جامعه فعالیت می کند غالباً مهمترین خدمتی که مددکار ارائه می دهد ، این است که به مددجویان دریافتن منابع مورد نیاز خود کمک کند ، اگر چه مددکار در جریان انجام این وظیفه و خدمت ممکن است اعتبار و اهمیت یک روان درمانگر را احساس نکند . ترجمه : خدیجه السادات غنی آبادی

تلخیص: محسن نورائی فهرست مطالبعنوان صفحهمقدمهمددکاری اجتماعی و حرفه های وابستهتحلیل مقایسه ایانتخاب حرفه : تفاوت بین حرفه هاتخصص پیش نیاز صلاحیت است جامعه شناسان و مددکار اجتماعیمشاوران و مددکاران اجتماعیوکلا و مددکاران اجتماعیشناخت مددکاری اجتماعیمقدمه ای بر مددکاری اجتماعیمددکاری اجتماعی چیست ؟کارکردهای مددکاری اجتماعیمسایل فردی و موضوعات اجتماعیمنابع محیطی سیستم کنش متقابلنقش های مددکار اجتماعیرابطهیاری دهندهآموزش دهندهمدل جامع نگر سئوالات تشخیصیمدلهای مددکاری اجتماعیمددکاری فردی جامع نگر یا

کل گرامددکاری اجتماعی و ارتباطات انسانیاهمیت ارتباطات فرآیند مشکل گشایی مقدمه :ارتباطات متقابل از جمله ارکان اساسی زندگی اجتماعی بوده و هست و خواهد بود . در واقع نمی توان هیچ نوع تشکل اجتماعی در نظر مجسم کرد که افراد یا اعضای آن با یکدیگر ارتباط نداشته باشند . اما ناگفته پیداست که این ارتباطات همواره مشابه یا یکسان نیستند ، بلکه نوسانهای چندی دارند که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد :ارتباطات یکطرفه ، ارتباطات دو طرفه ، ارتباطات انفرادی ، ارتباطات گروهی و ارتباطات دورانی .دراین ارتباطات حالات کاملاً متفاوت زیر به چشم می خورد : ۱- فقط یکی از طرفین ارتباط از آن سود می برد .۲- طرفین ارتباط متقابلاً از آن نفع می برند .۳- یکی از طرفین ارتباط متضرر می شود .۴- طرفین ارتباط متضرر می شوند .از سوی دیگر ، هرگاه دلیل یا دلایل برقراری ارتباطات انسانی را مورد توجه قرار دهیم ، به این نتیجه می رسیم که شیوه های مراجعه افراد به یکدیگر تابع وضعیتهای زیر است :۱- شخص الف با شخص ب با یک گروه ارتباط مستقیم برقرار می کند .۲- شخص الف با شخص ب با یک گروه ارتباط غیر مستقیم برقرار کند .۳- ارتباطات برقرار شده ارادی است .۴- ارتباطات برقرار شده اجباری است .در مدد کاری اجتماعی به فرستنده پیام مددکار و به گیرنده پیام مددجو می گویند . هرگاه مددجو به مددکار مراجعه کند و مطالبی را با او در میان بگذارد ، جای فرستنده و گیرنده پیام عوض می شود . در مددکاری اجتماعی ارتباطات افراد از نوع دورانی است یعنی طرفین ارتباط بطور مرتب اطلاعاتی را مبادله می کنند تا بتوانند تصمیمات بهتری و حساب شده نفری را اتخاذ کنند . بنابراین در گفت و شنودهای آنان ، مرتباً جای فرستنده و گیرنده پیام عوض می شود تا در نهایت از این تبادل اطلاعات ، راه حل یا راه حل هایی برای مسئله یا مسایلی که بوجود آمده پیدا شود . به این جابه جایی و تبادل رای و اطلاعات بازخورد گفته می شود و هدف آن است که تصمیمات نهایی بر اساس دقیق ترین نتایج گفت و شنودها اتخاذ شود . در کشور ما نیز همانند دیگر کشورها و جوامع بشری مددکاری اجتماعی بصورت عملی همواره وجود داشته ، اما این امر بیشتر جنبه پند و اندرز داشته و بطور معمول نسل مسن تر یا افراد دارای تجربه های زیادتر در نقش ارشادی ظاهر می شده اند .مددکاری اجتماعی و حرفه های وابسته :تحلیل مقایسه ای : بیش از همه « یاریگران حرفه ای » از مددکاران اجتماعی انتظار می رود هنگام کار با افراد تاثیر محیط را بسیار با اهمیت تلقی کنند . آنها در هنگام کار با افراد می بایست هم بافت اجتماعی کلان و هم محیط خرد و بلاواسطه را در نظر بگیرند . امروزه به همان اندازه که توانایی جامعه برای تولید و تامین نیازهای مادی افزایش می یابد توانایی افراد برای کسب رضایت و خشنودی کاهش پیدا می کند .انتخاب حرفه : تفاوت بین حرفه ها «کارکرد متفاون به آمادگی های آموزشی متفاوت نیاز دارد » به عنوان یک دانشجوی داوطلب حرفه مددکاری اجتماعی شاید ، ندانید که چگونه انتخاب شما با انتخابهای دیگران تفاوت دارد . در میان حرفه های خدمات انسانی طولانی ترین دوره آموزشی یا کار آموزی مخصوص روانپزشکان است . زیرا ابتدا دوره عمومی طب را تمام و سپس یک دوره سه یا چهارساله تخصصی روانپزشکان را می گذرانند . در مقابل آنان کارکنان بومی یا محلی هستند که از طریق یادگیری ضمن خدمت کارآموزی می کنند . بهترین مثال برای یادگیری ضمن خدمت مشاوران مواد مخدر و معتادین به الکل هستند که کارآموزی اولیه آنان بر پایه درمان برای رفع مشکلات ناشی از اعتیاد به مواد مخدر یا الکل است . مددکاران بایستی انعطاف پذیر بوده ، مشتاق انجام وظایفی باشند که در درمان موفقیت آمیزه کرده مددجویان بسیار مهم است .تخصص پیش نیاز صلاحیت است هر حرفه ویژگیهای خاص خود را دارد ولی با حرفه های دیگر در زمینه وظایف و دانش نیز دارای همپوشی است . مددکارانی که علاقمند یا متخصص در مهارتها و دانش دیگر حرفه ها باشند بدون تردید خارج از محدوده حرفه ای و قانونی خود عمل می نمایند . که این امر می تواند به دو صورت به مددجویان ضرر رساند : ۱- مددکار تخصص لازم را نداشته ۲- مددجو از تخصصی که مددکار باید در کارش داشته باشد بهره مند نگردد .جامعه شناسان و مددکاران اجتماعی هدف اصلی و عمده جامعه شناسان توسعه و آزمایش نظریه های مربوط به پدیده های اجتماعی است ، در حالی که هدف اولیه و اساسی مددکاری حل مشکلات انسان است . مددکاران سعی در شناخت و درک مددجو یا جامعه ، ارزیابی مناسب و مداخله دارند با این

هدف که به حل مشکل و تغییر مددجو کمک نمایند .روانپزشکان و مددکاران اجتماعیبر خلاف تفاوت حوزه عمل جامعه شناسان و مددکاران اجتماعی ، مددکاران و روانپزشکان معمولاً ـ در یک محل با یکدیگر کار می کنند . محل کار آنان موسسه های بهداشتی و درمانی نظیر بیمارستانهای روانی ، بیمارستانهای عمومی و زندان است .بعضی از نقشهایی آنان عهده دارند از جمله : مشاوره ، درمانگری – تسهیل کننده گروه یا مدیریت تداخل در کار یکدیگر محسوب نمی شود . اما بسیار مهم است که مددکاران از نقش منحصر به فرد خود آگاه بود ، بصورت یکی از اعضای غیر پزشک تیم پزشکی درنیایندمشاوران و مددکاران اجتماعی مشاوران هم وجود مشترکی با روانپزشکان و مددکاران اجتماعی دارند . اغلب مشاوران مانند مددکاران دارای مجوز رسمی نیستند . حرفه روان شناسی و روانپزشکی به دلیل داشتن مجوز تحت مقررات و قواعدی است از نظر علمی ، یکی از مزایای داشتن مجوز مشخص بودن مرزهای حرفه است . معمولاً مددکاران و مشاوران مدرسه را با یکدیگر اشتباه می گیرند . مشاوران مدرسه اکثراً دارای مدرک کارشناسی علوم تربیتی دارند و بیشتر مدارس مرفه دانش آموزان را تشویق می کنند نا در دو زمینه مهم تحصیلی و شغلی از مشاوره کمک بگیرند و بر عکس دانش آموزانی را به مددکار مدرسه ارجاع می دهند که رفتار آنان در کلاس درس مشکل آفرین شناخته شده است .وکلا و مددکاران اجتماعیوکلا و مددکاران هر دو در نقش مدافع برای مددجو ظاهر می شوند اما تعریف هر یک از دو حرفه از مدافعه ، مبین تفاوتهای مهم و اساسی حرفه ای است . دفاع حقوقی روشن و واضح است وکلا باید در چهارچوب سیستم حقوقی به هر طریقی در جهت پیشبرد و دفاع از موقعیت مراجع خود تلاش نمایند . مسئولیت مددکار در زمینه مدافعه به لحاظ سنتی مشخص نیست . از دیرباز فرض بر این بوده که مدافعه یا خدماتی از این قبیل در مددکاری اجتماعی بواسطه مسئولیت مددکاران اجتماعهی در ایجاد تعادل بین منافع اجتماع و مددجو با محدودیتهایی مواجه بوده است .مددکاران اجتماعی موظف اند که مددجویان را در انجام وظایف زندگی روزانه از قبیل تنظیم بودجه ، خرید پوشاک و غذا رعایت بهداشت فردی ، مصرف دارو ، حضور به موقع در وقت قرار و یافتن مسکن کمک نمایند .شناخت مددکاری اجتماعی(مقدمه ای بر مددکار اجتماعی)برای مددکاری اجتماعی علاقه مند به فعالیت های میدانی ، دروسی خاص تنظیم شده که اهم موضوعات درس آن شامل : چگونگی سازماندهی ولگردان خیابانی و تبدیل آنها به یک تیم بستکتبال ، چگونگی استفاده از زمین های بازی به عنوان وسیله ای برای پیشگیری از بزهکاری نوجوانان ، چگونگی تبدیل مجرمین بالقوه به افراد درستکار ، چگونگی بررسی مسایل مربوط به تبعیض ، بی خانمانی و خانواده های متلاشی شده و نظایر آن .مددکاری اجتماعی چیست ؟سایمونز ، تعریفی جامع از مددکاری اجتماعی به این شرح ارائه داده است : « اجتماعی » از این جهت که بیانگر علاقه مندی و توجه این حرفه به آن دسته از نیروهای اجتماعی است که در شکل گیری زندگی افراد تاثیر دارند ، « کار » برای جداساختن فعالیتهای جانبی و سرگرم کننده بانوان نیکوکاری که برای انجام امور خیریه و دستگیری از مستمندان به مجله های فقرنشین می روند از اقدامات متخصصانی که فعالیتهای شان منظم ، مسئولانه و منضبط است .کارکردهای مددکاری اجتماعی کارکرد به معنای نوعی عمل یا فعالیت مناسب هر فرد یا شیئی است هدفی که فرد یا شیئی برای آن موجودیت یافته با توجه به این تعریف ، مددکاری اجتماعی جزئی از ساختار اجتماعی گسترده تر محسوب می گردد ، این اجتماع بزرگتر ، مددکاری اجتماعی را موظف به انجام وظایف خاص کارکردی می کند به گونه ای که در کارکردهای اجتماعی تاثیر مثبت بگذارند .فعالیتهای مددکاری اجتماعی متضمن یک یا چند کارکرد اجتماعی زیر است :۱- کمک به افراد در جهت استفاده بیشتر و موثر تر از توانایی حل مشکل و قابلیت سازگاری خود .۲- ایجاد رابطه اولیه بین افراد و سیستم های منابع و امکانات .۳- تسهیلات کنش های متقابل ، اصلاح و تغییر و ایجاد روابط جدید بین افراد و سیستم های منابع اجتماعی .۴- تسهیل کنش های متقابل ، اصلاح و تغییر و ایجاد روابط بین افراد در درون سیستم های منابع .۵- کمک به توسعه ، اصلاح و تغییر خط منشی اجتماعی .۶- توزیع منابع و امکانات مادی . ۷- ایفای نقش به عنوان عوامل کنترل اجتماعی .مسائل فردی و موضوعات اجتماعی به نظر سی . رایت میلز مسایل فردی و موضوعات اجتماعی همانند دو روی سکه هستند . وی

مسایل فردی را مشکلات می داند که به لحاظ منش فردی را به موازات شکل گیری ارتباط های بلاواسطه وی با دیگران پدید می آید . میلز مسایل را مشکلات می داند که فراسوی فرد رفته بازتاب اجتماعی به عنوان یک کل و شیوه های کنش متقابل و همپوش نهاد های اجتماعی است . از دیرباز مدد کاران اجتماعی علاقمند دخالت در مشکلات انسان با توجه به موقیت های اجتماعی آنان بوده اند مشکلات را چه به عنوان مسایل فردی و چه به عنوان موضوعات اجتماعی در نظر بگیریم ایجاد تغییرات به ایدئولوژی برتر توسعه و پیشرفت دانش و منابع و امکانات موجود بستگی دارد لازم است مددکاران اجتماعی به علل ساختاری مشکلاتی که موجب درد و رنج موردم محروم است توجه کنند به عقیده لوم مشکلاتی که عقلیت ها به خود به موسسه های اجتماعی می آورند مشکلات ساختاری هستند به عنوان مثال سیاهان از نظر اشتغال در وضعی نا برابر قرار دارند یا کمتر از سفید پوستان شاغل هستند اگر چه مشکل می تواند اساس و پایه ساختاری داشته باشد لاکن به هر حال افسردگی فردی را که ایجاد می کند می بایست درمان گردد .برای مدد کاران اجتماعی سوالات مربوط به مسایل فردی و موضوعات اجتماعی دست مایه اصلی ارزیابی مشکلات است .منابع محیطی سیستم کنش متقابلهدف مداخله های مدد کاران اجتماعی بیشتر در جهت حل مشکلات کل جامعه است تا توانبخشی تک تک قربانیان مشکلات اجتماعی مدد کاران اجتماعی کنش متقابل بین افراد و محیط را به سود هر دو مورد توجه قرار می دهند در حرفه مدد کاری اجتماعی محیط شامل تمام متغیر های موثر در مشکل مورد نظر است یعنی متغیر های فیزیکی اجتماعی فرهنگی و بین فردی یکجا لحاظ می شود مری ریچموند در نوشته های اولیه خود بر اهمیت محیط تاکید بسیار می نماید . وی در کتاب مدد کاری اجتماعی می نویسد : آن دسته از مدد کاران فردی که تصویر روشن و دقیقی از روابط مدد جویان خود با دوستان و همکاران و غیره را دارند درک بهتری از مشکلات آنان را به دست می آورند . گاه محیط زندکی مدد جویی خاص بسیار بزرگ و مسئله ساز است در این صورت مدد کار باید توجه خود را محدود به جنبه هایی از محیط مدد جو سازد که در اربطه با مشکل مطرح شده است . ارزیابی محیط زندگی مدد جویان متفاوت بوده به موقعیت زندگی نیاز های فردی توانایی ها منابع و فرستهای آن بستگی دارد .نقش های مدد کار اجتماعی نقش مجموعه رفتاری است که انتظار می رود فرد در موقعیتی معین از خود ظاهر سازد .در مفهوم جامعه شناختی نقش کوششی شده است تا چگونگی برقراری ارتباط افراد با یکدیگر شرح داده شود . جرج هربرت مید چگونگی رشد بشر را ضمن فرآیند های اجتماعی و ارتباطات تحلیل نموده است . او تاکید دارد که افراد را نمی توان بدون درک بافت اجتماعی که در آن زندگی می کنند ، شناخت . در مدد کاری اجتماعی ، نقش ها موجب کارکرد های گوناگون می شود . نقش ها الگوی جامع و کاملی را برای رفتار و نگرش ها بوجود آورده ، استراتژیهای خاصی را برای رویارویی با موقعیت هایی که دایماً تکرار می شود ، تجویز می کند . برای مثال ، در حال حاضر نقش مدافع برای مدد کاران اجتماعی به هنگام رویارویی با برخی از مشکلات با اهمیت تلقی می گردد . تعریف نقش در مدد کاری اجتماعی فرایندی انعطاف پذیر ، و قابل تغییر است تا مدد کار بتواند از عهده رسالتی که جامعه بر دوش کارکنان این حرفه برای مقابله با مشکلات و وظایف اجتماعی گذارد ، برآید .رابطهدر این نقش مدد کار اجتماعی به عنوان یک عامل ارتباطی بین مدد جو و منابع و امکانات موجود در جامعه فعالیت می کند غالباً مهمترین خدمتی که مددکار ارائه می دهد ، این است که به مددجویان دریافتن منابع مورد نیاز خود کمک کند ، اگر چه مددکار در جریان انجام این وظیفه و خدمت ممکن است اعتبار و اهمیت یک روان درمانگر را احساس نکند .پیدا کردن سرپناه برای زنی که مورد ضرب و شتم واقع شده ، کمک به یک نفر در انجام تشریفات اداری به منظور دریافت کمک دولتی ، یا مساعدت به یک خانواده برای برخورداری از مراقبتهای رفاهی جهت بیماری عضوی از اعضای خانواده که مبتلا به درد مزمن است ، نمونه هایی از نقش مددکار به عنوان یک رابطه تلقی می شود .(یاری دهنده) یاری دهنده نقشی عجین شده را حرفه مددکاری اجتماعی است . یاری دهنده کسی است که به مددجویان کمک می کند تا توانایی ها و نیروهای درونی خود را برای ایجاد تغییر مطلوب یا نیل به هدفهای از پیش تعیین شده بکار گیرند . مددکار اجتماعی در نقش یاری دهنده موظف است با تشویق ، حمایت و

اطمینان بخشیدن بیشتر به مددجو در موقعیت پیش آمده ، تغییر مورد نظر را در او ایجاد نماید . ریشه مشکل مددجو چه فردی و چه محیطی باشد مددکار باید مددجو را برای پیدا کردن تواناییهای درونی خود برای اصلاح رفتارش یاری دهد .(آموزش دهنده) مددکار همواره متوجه تقویت توانایی های مددجو برای ایجاد تغییرات موثر در موقعیت مشکل است ، بدین لحاظ این نقش مشابه نقش یاری دهنده است . مددکار در نقش آموزش دهنده اطلاعات و منابع بیشتری را در رابطه با موقعیت به مددجو معرفی می کند . از دیرباز آموزش را وسیله ای موثر در ارتقای مقام و پایگاه اجتماعی دانسته اند . از جمله آموزشهایی که مددکار باید به مددجو بیاموزد آموزش مهارتهایی چون برقراری ارتباط با دیگران یا آماده کردن والدین برای ایفای نقشی موثر را در بر می گیرد ، آماده ساختن مددجو یا گروه مددجویان تا از نظر سیاسی موثر واقع شوند و غیره .مدل جامع نگر مدل عبارتست از نمونه یا الگویی برای تشریح ، تحلیل و تدوین و تنظیم واقعیتی که معرفی می کند مدل ها را می توان به دو صورت ذهنی یا دقیق و عینی ارائه نمود .سئوالات تشخیصی مدلهای مددکاری اجتماعی :۱- آیا این مدل مرا متوجه همه افراد درگیر در موقعیت مساله ساز می کند ؟۲- آیا این مدل عوامل محیطی موثر بر مشکل را در بر می گیرد ؟۳- با بکار گیری این مدل ، آیا می دانم نقطه شروع کجا است ؟و غیره .....مددکاری فردی جامع نگر یا کل گرامددکار جامع نگر کار را با این فرض شروع نمی کند که علت بیکاری فقدان انگیزش است . مشکل فرد بیکار نداشتن شغل و درآمد است و چه بسا که موانع مختلفی بر سر راه اشتغال فرد بیکار وجود داشته باشد . برای بررسی موفقیت آمیز مشکل ، مددکار و فرد بیکار باید با شماری از مشکلات مقابله نمایند . هدف موثر عمل جامع نگر نه تنها اشتغال فرد بیکار است بلکه سعی می کند که وی در شکل دادن محیط زندگی خود مشارکت فعال داشته باشد . علاوه بر حل مشکلات فعلی او ، مددکار اجتماعی مهارتهای لازم را برای حل مشکلاتی که در آینده با آنها مواجه می شود ، ایجاد می کند .مددکاری اجتماعی و ارتباطات انسانیمددکار اجتماعی باید از نظر جسمانی ، عاطفی و عقلانی آمادگی لازم را داشته باشد تا بتواند از مفهوم « خود» به عنوان ابزاری مثبت برای تغییر استفاده نماید . مهمترین ویژگی نوع بشر ، زندگی توام با برقراری ارتباط با دیگران است .مددکاری اجتماعی از آغاز به اهمیت کنش متقابل انسانها پی برده ، سعی داشته از مفهوم رابطه به طریقی سنجیده و آگاهانه به نفع افرادی که در خدمت آنان است استفاده کند . مددکاران اجتماعی در حین کار با افراد بسیاری ارتباط برقرار می کنند . در جریان کمک به مددحو ، چه بسا لازم می آید که مددکار اجتماعی با صاحبخانه ، معلم ، کارفرما ، پزشک ، سیاستمدار ، پلیس ، مدیربرنامه ، شبکه همسایگان ، گورههای مختلف جامعه یا متخصصان دیرگ تماس برقرار نماید .رابطه مددکاری اجتماعی در برقراری این قبیل تماسها در قالب عوامل و عناصر متعارف ، یعنی عواملی صورت می گیرد که به ماهیت تکلیف و وظیفه ای که باید به بهترین نحو انجام پذیرد ، مربوط می شود . اهمیت رابطه مددکاری اجتماعی به دلیل تبیین دقیق اجزای کلیدی این رابطه ، منجر به گفتگوها و نوشته های بیشمار شده است . عمده ترین متغیرهای شناخته شده در ارتباطات مددکاری عبارتند از : از علاقه مندی به امور دیگران ، تعهد ، پذیرش ، توجه مثبت ، همدلی ، اقتدار ، اخلاص ، همخوانی و هدف مداری .احتمالاً علاقه مندی به امور دیگران مهمترین انگیزه برای ورود به این حرفه است . تعهد مددکار را در سراسر زندگی حرفه ای خود مورد آزمایش قرار می دهد ، منظور از پذیرش و توجه مثبت ، احترام ، علاقه مندی و توجه مددکار به بهرورزی و بهزیستی مددجو است . همدلی به معنای همدردی نیست به عنوان یک انسان ، غالباً نسبت به وضع ناگوار مددجو احساس همدردی می کنیم . اقتدار جزء دیگری از ارتباطات حرفه مددکاری است مددکار کم تجربه ممکن است که گاه نگران این مسأله باشد که مددجویان مسن تر یا دارای تحصیلات بیشتر او را به عنوان قدرتی که می تواند به حل مساله یا مشکل آنها کمک نماید، نپذیرند . مددکار باید توجه کند که اقتدار دارای دو جزء مهم است :۱- مجوزی که جامعه برای اجرای اینگونه وظایف به مددکار داده است .۲- دانش ، ارزشها و مهارتهای حرفه ای مددکار ، اخلاص یعنی دل دادن و درگیر شدن مددکار با جرفه برای توجه صادقانه مددجو برای بهرورزی و بهزیستی انسان همخوانی رابطه ای نزدیک با اخلاص و همدلی دارد . همکاری مددجو در فرایند تغییر بعید به نظر می

رسد مگر اینکه مددجو احساس نماید در تعریف مشکل مقادیری توافق و همخوانی بین او و مددکار وجود دارد . هدف مداری آخرین جزء کلیدی است . رابطه حرفه ای نیز باید بازتاب فرایند تغییر هدف دار باشد . در حقیقت نفس هدف مدت استمرار ارتباط را مشخص میکند اهمیت ارتباطات اهمیت ارتباطات برای عملکرد موفق ، به تحقیق اثبات شده است . باید متوجه اجزای اصلی و مهم ارتباطات بود . تکنیکهای مددکاری اجتماعی به آسانی قابل تدریس و کاملاً قابل فهم است . ولی این سهولت و وضوح در مورد ارتباطات اجتماعی صادق نیست . روابط اجتماعی بخش عمده و مهم مساله ای است که آن را هنر مددکاری می دانند .در حال حاضرمسلم گردیده که همدلی ، روابط صمیمانه و اخلاص به نتایج موفقیت آمیز منجر می گردد .فرایند مشکل گشاییفرایند حل مشکل به مراتب با مراحلی تقسیم شده است :۱- تعریف مشکل : در این مرحله مددکار و مددجو مشکل را شناسایی نموده درباره اینکه چه چیزی باید تغییر کند ، به توافق می رسند .تعریف هدف : در این مرحله ، مددکار و مددجو متفقاً تغییرات مورد نظر را مشخص می کنند و به عنوان مثال : چه بسا نوجوانی که در زمینه نوع فعالیتهای اجتماعی با والدینش در تعارض است از مددکار درخواست می کند که بین او و الدینش به منظور کسب امتیازاتی میانجی شود . در این حالت مددکار مجاز به تلاش برای نیل به هدف مذکور نیست ، مگر آنکه بر اساس ارزیابی حرفه ای ، این نوع مداخله را در جهت خیر و صلاح مددجو تشخیص دهد .۳- جستجوی راه حل : در این مرحله مددکار موظف است با استعانت از یافته های تحقیقات و دانش نظری خود درباره رفتار فردی و محیطی ، منابع موجود در جامعه ، خط مشی ها و روشها ، و نیز سیستم های موجود دریابد که چرا مشکل رفتاری بوجود آمده و چه تغییراتی باید رخ دهد .غالباً مددکار در مرحله جستجوی راه حل ، با مقاومتهایی از جانب مددجو ، موسسه های مربوط ، مدارس ، جامعه و یا حتی خانواده مددجو روبرو می شود . این مرحله را جستجوی راه حل نامیده اند ، زیرا تاکید بر ملاکهای خاصی دارد که به مددکار در انتخاب مناسب ترین مداخله کمک می کند . یعنی مداخله ای را که احتمال می رود بیشترین موفقیت را در کار با مددجو خاص و مشکل خاص به همراه آورد مشخص می سازد . احتمال موفقیت بیشتر در این مرحله منوط به آن است که مددکار اجتماعی اساس کار را بر یافته های تجربی ناشی از فعالیت و عمل خود قرار دهد .منابع:نام کتاب : اصول و مبانی مددکاری اجتماعی اثر دکتر مری — دابیلو مافت- دکتر خوزه بی اشفوردمترجم : خدیجه السادات غنی آبادیناشر : موسسه انتشارات آوای نورتیراژ: ۳۰۰۰ نسخهنوبت : چاپ دوم - ۱۳۷۹چاپ : بهارستانلیتوگرافی: پرتو شمس

قیمومت یا سرپرستی خانواده

سرپرستی خانواده یک نهاد کوچک امّا اساسی در جامعه انسانی است. این اجتماع کوچک،بسان یک اجتماع بزرگ با مسائل مختلف اقتصادی،تربیتی وفرهنگی روبروست، از این رو موضوع سرپرستی این نهاد مهم وچگونگی ادارهٔ آن موضوعی است که به لحاظ دینی،حقوقی وجامعه شناختی جایگاه ویژه‌ای یافته است.

ضرورت وجود سرپرستبه حکم عقل،هر اجتماعی می‌بایست دارای سرپرست ومدیری باشد تا با ایجاد نظم وثبات وهماهنگی بین اجزاء،آن را به سوی هدف مورد نظر هدایت کند.خانواده نیز که خود اجتماعی متشکل از حداقل دو عضو است براساس اهداف معینی تشکیل شده است که تأمین آن نیازمند مدیریت وسرپرستی است.اسلام وتعیین سرپرستدین اسلام،بنیان خانواده را بر محور مودّت ورحمت وتفاهم ومشارکت زوجین بنا کرده است.امّا به جهت لزوم پرهیز از تشتّت واختلاف اقدام به تعیین سرپرست نموده واین مسؤلیت را به جهت ویژگی‌های موجود برعهده مرد گذاشته شده است. در آیات وروایات متعددی به سرپرستی مرد در خانواده تصریح شده است:«الرِّجَالُ قَوَّمُونَ عَلَى النِّسَآءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَآ أَنفَقُواْ مِنْ أَمْوَلِهِمْ »(نساء/۳۴)«مردان سرپرست زنان هستند بدلیل آنکه خداوند برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری داده ونیز از اموال خویش به عنوان نفقه به همسر خود می‌پردازند.»قیّم به کسی گفته می‌شود که عهده‌دار امور فرد دیگری قرار بگیرد.(۱) قیومت مرد به زن در حوزه خانوادگی

است نـه در حـوزه اجتمـاعی یعنی این حکم مربـوط به زن وشـوهر است نه متعلـق به مردان وزنـان جـامعه.« وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِی عَلَیْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَهٌ وَاللَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ »(بقره/۲۲۸)«برای زنان حقوقی شاسته است همانند وظیفه‌ای که بر عهدهٔ آنهاست ولی مردان را بر زنان مرتبتی است وخداونـد با عزّت و حکیم است.»این آیه اجمالاً یک نوع برتری را برای مرد در حوزه خانوادگی ثـابت می کنـد.مجاهـد وقتاده گفته‌انـد معنای درجه عبارت است از حق اطاعت،حق اسـتمتاع،زیادتی رشادت مرد و جهاد(۲)در میان روایـات نیز دسـته‌ای بـه سـرپرستی مرد در خـانواده ومـدیریت زن در امـور منزل دلالـت داشـته ودسـته دیگر روایـات آثـار وحـدود سرپرستی مرد را بیان کرده‌انـد از جمله اینکه رسول اکرم می‌فرمایـد:«مرد نسبت به اهل وعیال خود، سـرپرست ومسئول است و زن نسبت به خانه شوهر سـرپرست ومسئول است.»(۳)امام صادق (ع) می‌فرمایـد:«از خوشـبختی مرد آن است که سـرپرست خانواده‌اش باشد.»(۴)سـرپرستی مرد، عـدالت یا تبعیض‌منتقدان حقوق اسـلامی،سـرپرستی مرد را نقض آشـکاری بر اصل تساوی حقوق زن مرد دانسته وآن را ناشـی از نگاه باطل اصالت مرد وفرعیت زن می‌دانند در پاسخ می گوییم:الف) قیم بودن مرد نسبت به زن، سرپرستی مرد نسبت به خانواده خویش است واساساً به معنای برتری جنس مرد نسبت به جنس زن نیست.ب) سرپرستی یک امر نشانهٔ کمال و برتری نیست بلکه مسئولیت اجرایی ناشـی از تقسیم کار است چنانکه یک سازمان یا نهاد افرادی به عنوان مدیرند واین جایگاه‌یش از آنکه حق باشـد یـک مسئولیت است و ابـداً نشانـهٔ برتری معنوی نیست.ج) توانایی مرد در مسائل اجتماعی واقتصادی بیشتر از زن است وتوانمندی زن در مسائل مربوط به درون خانه بیشتر از مرد استّ.د) سرپرستی مرد به عنوان فرمانروایی مطلق در خانواده نیست بلکه قیام برای اداره زنـدگی وپـذیرش مسـئولیت است که حـدود و اختیارات آن معین است.ه) سـرپرستی مرد به عنوان اصل تخلف ناپذیر نیست زیرا در صورتی که زن اسـتقلال اقتصادی وصلاحیت اداره زندگی را داشته باشد می‌توان ضمن عقد ازدواج در حدود آن تصـرف نموده ویا اصل این حق را برای خود منظور نماید.آثار سـرپرستی مرد۱. لزوم اطاعت زن از شوهردر روایات بسیاری به لزوم اطـاعت زن از شـوهر خـویش در محـدودهٔ سـرپرستی مرد (امـور مربـوطه بـه او) وهمچنیـن فضـیلت آن تصـریح شـده اسـت. همـان‌طوری که سـرپرستی مرد کمـال معنـوی به شـمار نمی‌آیـد اطـاعت زن نیز نقص وکم‌ارزش محسوب نمی‌شود.ملاـک کرامت انسـان از نگاه خـدای سـبحان تقوا وپرهیزگاری اوست وهر کـدام از زن وشوهر وظیفه خود را به درستی انجام دهـد تقوای او فزونتر خواهـد بود. رسول خـدا (ص) در فضـیلت همسـران مطیع فرمودنـد:«بهترین زنـان آنهـایی هسـتند که نگـاه بر آنان شوهر را خشـنود سـازد،چون درخواستی نمایـد اطـاعت کننـد واگر غـایب باشـد ثروت وآبروی او را حفظ نماینـد.»(۵)۲. خروج زن از منزل بـه اذن شوهرامـام صادق (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) فرمودنـد:«یکی از حقوق مرد بر عهـده زن آن است که بـدون اجازه شوهر از منزل خارج نشود»(۶)توضیح این‌که این گونه روایـات هیـچ گـاه دلالـت بر حبس زن در خـانه وجلوگیری از حضور اجتماعی او نـدارند ضمن اینکه معنـای روایت این نیست که زن بایـد برای هر بـار خروج از منزل اجـازه بگیرد بلکه اذن کلی کـافی است، علاوه بر این خروج زن از منزل برای ادای حقوق الهی ماننـد انجـام حـج واجب یـا تولّی وتبری بـدون اجـازه شوهر جـایز نیست.عـده‌ای از فقهـاء معتقدنـد حرمت خروج زن از منزل در صورتی است که با حقوق شوهر منافات داشـته باشـد.(۷)در مقابل برخی از فقهاء برآننـد که حرمت خروج زن بدون رضایت شوهر مطلق است.(۸)۳- تنبیه زن ناشـزهدر یکی از آیات قرآن کریم تنبیه زن ناشزه توسط شوهر با شرایـط خـاص مجاز شـمرده شـده است.« وَالَّتِی تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهجُرُوهُنَّ فِی الْمَضَاجِعِ وَاضْـرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَکُمْ فَلَا تَبْغُواْ عَلَیْهِنَّ سَبِیلاًـ إِنَّ اللَّهَ کَانَ عَلِیًّا کَبِیرًا »(نساء/۳۴)«آن عـده از همسـران شـما که بیم نافرمـانی آنان می‌رود موعظه نماییـد. سپس [در صورت تکرار] بستر خود را از آنان جـدا کنیـد سپس [و در صورت تکرار] آنان را تنبیه کنیـد اما در صورتی که اطاعت کردند راه ظلم را در پیش نگیریـد»آیه کریمه تنبیه زن ناشـزه را پس از مراحـل موعظه وجـدا کردن بسـتر اجمالاًـ جـایز می‌دارنـد. در روایـات معصومین که مبین آیات قرآن است مقصود از زدن زن،تنبیه او با خرجی ندادن است ودر برخی دیگر از روایات تنبیه زن مشروط به عـدم صـدمه بر آنان شده است.سـیره عملی و گفتار معصومین (علیهم‌السـلام) بیانگر آن است که زدن همسـر مغایر اخلاق وعواطف

حاکم بر خانواده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند:«چگونه شما مردان، همسران خود را کتک می‌زنید و[شب هنگام] او را در آغوش می گیرد وشرم نمی کنید»(۹)همچنین فرمودند:«هر مردی به زنش صدمه وارد کند خداوند به نگهبان آتش دستور می‌دهد که بر گونهٔ او هفتاد تازیانه آتشین زنند.»۴- اذن شوهر در تصرفات مالی زنزن نیز مانند مرد حق هرگونه معامله مالی وبخشش وصدقه از مال خود را دارد وبه عبارت دیگر دارای استقلال اقتصادی است.الّا اینکه در برخی تصرفات به منظور حفظ انسجام خانواده اذن شوهر را لازم دانسته‌اند.به عنوان نمونه برخی از فقهاء نذر زن را حتی در مورد اموال خود منوط به اذن شوهر می کنند (۱۰) ونیز اجماع فقهاء امامیه به آن است که سوگند زن مشروط به اذن ورضای شوهر است.(۱۱)۵- اذن شوهر بر اعمال مستحبی زنفقهاء عظام در مورد روزه مستحبی زن آراء مختلفی دارندامّا در مورد اعتکاف زن، اذن شوهر را لازم می‌دانند ودر مورد حج مستحبی او غالباً به لزوم رضایت شوهر فتوا داده‌اند.(۱۲)۶- لزوم پرداخت نفقه زن توسط مردبر مرد خانواده لازم است خرجی همسر وفرزندان خود را به نحو شایسته پرداخت نماید.نفقه همسر شامل غذا،پوشاک، مسکن ودارو می‌شود برخی فقهاء لوازم زینتی وهمهٔ احتیاجات ضروری زن را جزء نفقه می‌دانند.۷- ولایت بر فرزندانمرد خانواده بر اموال فرزندان نابالغ همچنین بر کارهای آنان حق سرپرستی دارد همچنین رضایت او در ازدواج فرزند دختر لازم است.۸- تمکین جنسی زن در برابر شوهراز آیات وروایات فراوانی چنین استفاده می‌شود که هر یک از زن وشوهر نسبت به دیگری حق جنسی دارند امّا الزام زن به رعایت حق جنسی شوهر بسیار بیشتر است.در قرآن کریم آمده است:« نِسَآؤُکُمْ حَرْثٌ لَّکُمْ فَأْتُواْ حَرْثَکُمْ أَنَّی شِئْتُمْ وَ قَدِّمُواْ لِأَنفُسِکُمْ وَ اتَّقُواْ اللَّهَ وَ اعْلَمُواْ أَنَّکُم مُّلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ »(بقره/۲۲۳)«زنان شما کشتزار شما هستند هر جا که خواستید به کشتزار خود درآیید وکاری کنید توشه آخرت فراهم نمایید واز خداوند بترسید وبدانید که او را ملاقات خواهید کرد [ودر این مورد] مؤمنان را بشارت بده.»همچنین در روایات بسیاری به اهمیت وضرروت اجابت زن به هنگام تقاضای جنسی مرد تصریح شد. و در برخی روایات حدود و آداب آن بیان شده است. هنگامی که زن از تمکین جنسی خودداری کند نفقه او ساقط می‌شود.۹- لزوم حسن معاشرتیکی از اصول حاکم در روابط همسران، معاشرت نیکو است. این اصل اخلاقی ریشه در قرآن کریم دارد آنجا که می‌فرماید:« وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِن کَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَی أَن تَکْرَهُواْ شَیْئًا وَیَجْعَلَ اللَّهُ فِیهِ خَیْرًا کَثِیرًا »(نساء/۱۹)«با همسرانتان به نیکی رفتار کنید و اگر کراهت از آن دارید (بدانید)چه بسیار از چیزی کراهت دارید حال آنکه خداوند در آن خیر زیادی قرار داده است.»البته این حکم اخلاقی، اختصاصی به مرد ندارد ولی از آنجائی که الزاماتی که پیش از این برای زن بیان شد خود مصداقی از حسن معاشرت زن است. مستقلاً آن را ذکر نکردیم.از جمله مصادیق حسن معاشرت می‌توان به داشتن صداقت،احترام به زن،محبت نسبت به او، مدارا و نرمخویی ونیز کم توقعی اشاره کرد.پی نوشت۱) تفسیرالمیزان، ترجمه چاپ بنیاد علی وفرهنگی علامه طباطبایی ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۵۰۷.۲) شیخ طبرسی،مجمع البیان،ج ۲،ص ۵۷۵.۳) وسائل الشیعهٔ،چ بیروت،ج ۵۱،ص ۲۵۱،ب ۲۱،ح ۷.۴) مستدرک الوسائل،ج ۱۴،ص ۲۴۸، ب ۶۳،ح ۱۶۶۱۲.۵) ر.ک،ابوالفتوح رازی،تفسیر کبیر،ج ۱،ص ۷۶.۶) وسائل الشیعه،ج ۱۴،ص ۱۱۱،ح۱.۷) سیدابوالقاسم خویی،منهاج العالمین،انتشارات مهر،۱۴۱۰ ق،ج ۲، ص ۲۸۹.۸) روح الله الموسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲،ص ۳۰۳.۹) الطبقات الکبری،ج ۸، ص ۲۰۵.۱۰)تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۱۷.م ۳۱۱)ر.ک: عروهٔ الوثقی،ج ۲، ص ۷۸.۱۲)ر.ک: عروهٔ الوثقی، ج ۲، ص ۷۸.

http://www.shamimm.ir/Shamimm_new/Ketabkhaneh/Maghalat/ghayomiat.aspx*

چهار کلید موفقیت در کسب و کار خانوادگی

کسب وکارهای خانوادگی نقش مهمی را در اقتصاد کشورها ایفا می کند. بخش قابل توجهی از کسب وکارهای موجود بر پایه مدیریت یا مالکیت خانوادگی استوار است، به طوری که حدود نیمی از تولید ناخالص ملی از طریق این کسب وکارها تامین می شود. اما تصور و باور اکثر ما از کسب وکار خانوادگی چیست؟ بسیاری از کسب وکارهای خانوادگی، بخش عمده ای از هویت

خانواده ها را تشکیل می دهد. رونق و شکوفایی چنین کسب وکارهایی، رشد و ترقی خانواده را در پی خواهد داشت. از طرفی برخی از این کسب وکارها زمانی شکوفا خواهند شد که توسط اعضای یک خانواده اداره شود.آنچه باعث حفظ و رونق کسب وکار خانوادگی می شود، آموختن این مطلب است که چگونه با کسانی که به آنها علاقه و ارتباط عاطفی داریم، فعالیت شغلی سالمی داشته باشیم. شاید این کار ساده به نظر برسد، چه چیز بهتر از اینکه شما با کسانی کار کنید که آنها را به خوبی می شناسید و به آنها علاقه قلبی دارید، اما در واقع این کار چندان هم ساده نیست. کلید ۱- درک و پذیرش ارتباطات درونی بین نقش های خانوادگی و نقش های شغلی آنچه به راستی کسب وکار خانوادگی را منحصر به فرد می کند وجود این ارتباطات درونی بین نقش های شغلی و خانوادگی است، یعنی رابطه ای که به طور معمول و در کسب وکارهای غیرخانوادگی یافت نمی شود. درک این ارتباطات درونی را می توان شاه کلید سالم سازی کسب وکار خانوادگی دانست. «نقش» بخشی از فرآیند کسب وکار خانوادگی است که انجام آن بر عهده فرد خاصی قرار می گیرد. در کسب وکارهای خانوادگی با سه نقش اصلی مواجه هستیم؛ نقش خانوادگی (پدر، مادر، پسر، برادرزاده، دایی یا خویشاوند سببی)، نقش مالکیت (شریک و سهامدار) و نقش شغلی (مدیر، کارمند یا کارگر).این امکان وجود دارد که نقش ها با گذشت زمان تغییر یابند و افراد از نقش های متضادی برخوردار شوند که این مورد باعث بروز اختلالاتی در روند کار می شود. برای مثال، «پدر» در یک کسب وکار خانوادگی ممکن است مالک، رئیس، پدر و همسر باشد. فرزندان نیز ممکن است از نقش های متعدد و متضادی برخوردار باشند؛ دختر، کارگر، دختر رئیس و مالک بالقوه کسب وکار. وقتی رئیس در محل کار دستوری صادر کند، گاهی برای کارگران آسان نیست که به وی به عنوان رئیس نگاه کنند نه یک «پدر بهانه گیر». و از طرفی برای رئیس دشوار خواهد بود که به راحتی کارگر را به عنوان کارگر مدنظر قرار دهد نه به عنوان فرزندی چموش که از خواسته های والدین سرپیچی می کند. روش ساده ای که با استفاده از آن می توان این رفتارهای متقابل را مجسم کرد، به کارگیری رویکرد سیستمی است. نگرش سیستمی درک روشنی از تاثیر متقابل سه سیستم فرعی خانواده، مالکیت و کسب وکار را بریکدیگر و برمحیط، ارائه می دهد. توجه به این نکات بسیار مهم است که تغییرات در هر جزء از سیستم، کل سیستم را تحت تاثیر قرار می دهد و همچنین افراد حاضر در هر سیستم از اهداف و انتظارات متفاوتی برخوردار هستند.برای مثال، زمانی که افراد در نقش «عضوی از خانواده» به کسب وکار می نگرند، کسب وکار را به عنوان بخش مهمی از هویت خانوادگی، میراث آینده و منبع تأمین نیاز های مالی برای رفع احتیاجات معمول زندگی در نظر دارند. از سوی دیگر، اگر ایشان حرفه شان را دلیل پیوند خود با کسب وکار دانسته و در نقش «عضوی شاغل» به کسب وکار بنگرند، تمایل خواهند داشت تا کسب وکار را وسیله ای برای توسعه شغلی و موفقیت های اقتصادی مد نظر قرار دهند. و سرانجام، سهامداران یعنی افراد در نقش «مالک»، عمدتاً به کسب وکار به عنوان ابزاری برای سرمایه گذاری و کسب منفعتی رضایت بخش توجه نشان می دهند.هر چند پی بردن به عملکرد نقش های متضاد در کسب وکار خانوادگی، به تنهایی قادر به رفع تضادها نیست اما می تواند ما را در درک و فهم چگونگی رخ دادن آنها یاری رساند. درک چنین موضوعی، ما را قادر می سازد تا به این تضادها توجه کافی کرده و آنها را به نفع خانواده و کسب وکار حل و فصل کنیم. کلید ۲- پرداختن به کسب وکار خانوادگی به عنوان یک کسب وکار جدی و رسمی باید باور داشت که کسب وکار خانوادگی یک فعالیت جدی و رسمی است نه تفنن و سرگرمی. این بدین معنا نیست که شما نمی توانید یا نباید ارتباطی عاطفی با کسب وکار و فعالیت های مربوط به آن برقرار کنید، بلکه موضوع اصلی این است که برای تامین هزینه ها و حفظ فعالیت، به کسب وکاری سودآور و موفقیت آمیز نیاز است. آنچه واضح است، شما برای کسب درآمد به تاسیس یک کسب وکار می پردازید نه برای سرگرمی، اما اگر چنین نیست، اطمینان داشته باشید که کسب وکارتان هرگز بیش از یک سال دوام نخواهد آورد. از دیگر نکاتی که برای ثمربخشی و سلامت هر چه بیشتر کسب وکار باید به یاد داشت، بهره مندی و استخدام کارمندان غیرخویشاوند و خارج از خانواده است. ایشان جزء حیاتی اکثر کسب وکارهای خانوادگی هستند. بسیار مهم

است که ایشان را به صورت شایسته در تصمیمات دخالت دهید. درباره فرصت هایی که ایشان در کسب وکار شما ایجاد می کنند، صادق باشید، از آنها به نحوی شایسته قدردانی کنید و به ایشان پاداشی که انجامش برایتان میسر نیست، وعده ندهید. فرصت های یادگیری و کارآموزی را برای تمامی کارمندان و سهامداران فراهم کنید تا بتوانید توان علمی و عملی منابع انسانی سازمان را در حداکثر کارایی حفظ کنید. به عنوان یک راهکار عالی برای ارتقای افق دید افراد شاغل در کسب وکار خانوادگی، می توان امکانی فراهم آورد تا ایشان در دوره های آموزشی و کارآموزی مفید شرکت کنند. این جلسات حرفه ای فرصت های کارآموزی و آموزشی وسیعی را فراهم می آورد، برنامه ای که اغلب در سازمان های بازرگانی و صنعتی مورد استقبال واقع می شود.لازم است شما همسر خود را نیز به درک و فهم بهتر کسب وکار ترغیب کنید. نیاز است که امکان شرکت در کارگاه های آموزشی و جلسات حرفه ای برای وی نیز فراهم شود. همسر شما حتی اگر در کسب وکار حضور فعالی نداشته باشد، باز هم نقشی حیاتی در کسب وکار خانوادگی تان ایفا می کند. در صورتی که وی به درک بهتری از کسب وکار دست یابد، می تواند به عنوان همراهی دلسوز و شایسته برای شما در مسیر موفقیت شغلی و خانوادگی ایفای نقش کند. و چه بسا در آینده ای نه چندان دور، همسر شما قادر خواهد بود به واسطه اشتغال یا سرمایه گذاری و مالکیت در کسب وکار، به طور فعال در کسب وکار مشارکت کند. برای تمامی افراد وابسته به کسب وکار خانوادگی، شرح شغل واضحی تهیه کنید. هرگز مپندارید که فرزندتان قادر است ذهن شما را بخواند و پی به انتظارات شما ببرد، حتی اگر شما زمان زیادی را صرف کار مشترک کرده باشید. لازم است شما و افراد شاغل در کسب وکار در جلساتی درباره وظایف شغلی، انتظاراتتان و اهدافتان بحث کرده و برای پیگیری بهتر آنها را مکتوب کنید. به طور مداوم درباره این موضوعات بحث و گفت وگو کنید و در مواقع لازم، انتظارات و اهداف خود را تعدیل و اصلاح کنید. کلید ۳- برنامه ریزی برای آینده کسب وکار خانوادگی بسیار واضح و قابل درک است که در بطن یک مدل سیستمی کسب وکار خانوادگی، خانواده و کسب وکار را نمی توان از هم مجزا کرد. بنابراین زمانی که برای هر یک از آنها برنامه ریزی کنید، ناگزیر برای دیگری نیز برنامه ریزی کرده اید، بدون توجه به اینکه قصد چنین کاری را داشته اید یا نه. به منظور دستیابی به شیوه های مفید برنامه ریزی، از دو مهارت زیر استفاده کنید؛ ۱- اهداف و مقاصد عملکرد کسب وکارتان را مشخص کرده و توسعه دهید. ۲- مهارت گفت وگوی موثر را برقرار کرده و پرورش دهید. توجه داشته باشید که گفت وگوی موثر شامل حرف های قابل بیان و حرف های غیرقابل بیان است. اولین گام در برنامه ریزی توجه و دقت به چشم انداز و ماموریت عنوان شده در بیانیه تان است. دانستن این موضوع که قصد دارید در آینده در چه جایگاهی قرار گیرید، مستلزم تعیین اهداف و مقاصد قابل اندازه گیری و تهیه برنامه ای عملی است. این کار برای تمام اعضای خانواده مفید خواهد بود. می توانید جلسات خانوادگی خود را روی این موارد متمرکز کنید. اگر شما یک خانواده پرجمعیت دارید، اعضای خانواده را به گروه های کوچک تقسیم کرده و هر گروه را به بررسی و فعالیت بخش خاصی از برنامه تشویق کرده و نتایج حاصله از هر گروه را برای دستیابی به برنامه ای کامل، با هم تلفیق کنید. کلید ۴- بهره مندی از نصایح و مشاوره های حرفه ای آنچنان که تصور می کنید، شما در دنیا یکه و تنها نیستید؛ امروزه منابع و مراجع بسیاری با موضوع کسب وکار وجود دارد. برگ برنده، شناخت مرجع شایسته و مراجعه به آن است. از مطالعه غافل نشوید، چرا که ابتدایی ترین مراجع برای افزایش آگاهی و به روزماندن، کتاب ها و نشریات است. از دیگر منابع بالقوه اطلاعات و مشاوره می توان به موارد زیر اشاره کرد؛ ۱- دوستان و آشنایان، اقوام، اعضای خانواده و همکاران شغلی ۲- مراجع خدماتی حرفه ای همچون حسابداران، بانکداران، وکلا، مشاورین مالی، نمایندگی های بیمه و مشاورین کسب وکار ۳- آژانس های توسعه، اساتید دانشگاه ها، اعضای سازمان های دولتی مختلف و اتحادیه های صنفی این موارد تنها بخشی از منابع متنوع و گسترده اطلاعاتی است که می تواند شما را در رشد و موفقیت کسب و کار یاری کند. همچنین برای انتخاب مشاوری مناسب موارد زیر را مد نظر قرار دهید؛ ۱- به مشاورین مختلف مراجعه کنید ۲- قبل از استخدام مشاور، با وی مصاحبه کنید. ۳- از مشاورین درخواست کنید تا فهرستی از

منابع اطلاعاتی مناسب را در اختیار شما قرار دهند. ۴- مطمئن شوید که مشاور مورد نظر از مهارت های فنی لازم برخوردار است. ۵- از دستمزدها و حق مشاوره ها اطلاع کسب کنید. اصلی ترین معیار در انتخاب مشاور مناسب، میزان توانایی وی در درک کامل وضعیت ویژه کسب وکار خانوادگی است. برخی مشاورین بر این باورند که در مورد حفظ کسب وکار خانوادگی، «بهترین راه حل» را می دانند. آنها چنین می اندیشند که بهترین راه برای حفظ و رونق کسب وکار خانوادگی، خروج خانواده از فضای کسب وکار است. هرچند این راهکار در برخی شرایط صحیح به نظر می رسد، اما همواره بهترین راه حل نیست. شما به مشاوری نیاز دارید که نه تنها بر موضوعات فنی کار تخصصی اش مسلط باشد، بلکه نقش های درونی کسب وکار خانوادگی را نیز به خوبی درک کند. شما به مشاوری نیاز دارید که شما و خانواده تان را در مورد روش های صحیح روبه رو شدن و تصمیم گیری درباره موارد مهم کسب وکار، راهنمایی کنید، نه مشاوری که تنها برای فعالیت های شما و به جای شما تصمیم گیری می کند. *http://tehrandata.com/vbforum/archive/index.php/t-۲۰۹۹۹.html

پیامبر و اقتصاد خانواده

مقدّمه :یکی از مباحث کلیدی، شناخت سیرهٔ اقتصادی معصومان۸ است که در این میان، چگونگی کسب در آمد و هزینه کردن آن در زندگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛

لذا این موضوع را در سیرهٔ فردی و خانوادگی پیامبر صلی الله علیه و آله مورد بررسی قرار می‌دهیم.الف. منابع درآمدی حضرتزندگی ۶۳ سالهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله را اگر به سه دورهٔ « کودکی و نوجوانی » ، «تشکیل خانواده» و «پیامبری و «حکومت» تقسیم کنیم، منبع تأمین مخارج زندگی حضرت ، بدین قرار خواهد بود :۱. ارث پدری و حمایت مالی عمویش ابوطالب ۷البته آن حضرت در این سنین، گوسفندان خود و عشیره‌اش را به چراگاه می‌برد و به امر «چوپانی» اشتغال داشت، و زمانی هم همراه عمویش و نیز در کاروان تجاری خدیجه ۳ به کار «تجارت» مشغول شد.[۱]۲. ثروت همسرش حضرت خدیجه۳در دورهٔ جاهلیت ، حضرت خدیجه ۳ –بانوی ثروتمند قریش – کاروان های متعدّدی به مناطق گوناگون می‌فرستاد. وی بعد از ازدواج با حضرت محمّد ۹تمام دارایی خود را به ایشان بخشید و آن حضرت هم تا پایان عمرش از حمایت های معنوی و مادّی امّ‌المؤمنین خدیجه ۳ستایش و تجلیل می‌کرد.[۲]۳. خمسبر اساس حکم قرآنی (انفال/۴۱) یک پنجم سود خالص درآمد سالیانه و امور دیگر– با شرایط ویژهٔ فقهی – به خداوند، پیامبر و سادات نیازمند، تعلّق دارد که البته حضرت از حقّ خدادادی اش (سهم معصوم ۷) هم کمتر استفادهٔ شخصی می‌برد.۴. غنائم جنگیپیامبر ۹هم در « غزوات» بسان یک رزمندهٔ معمولی، از غنائم جنگی سهم می‌برد.۵. بیت المالدر هنگام تقسیم درآمد حکومتی، پیامبر صلی الله علیه و آله همچون یک شهروند جامعهٔ اسلامی و به طور مساوات، سهمیهٔ خود و خانواده‌اش را جدا می‌کرد؛ گرچه باز هم در مواقعی سهم خود را به «نیازمندان» اختصاص می‌داد.[۳]۶. هدایااصحاب و برخی از سران قبائل و رؤسای کشورها (مثل: پادشاه حبشه و قیصر روم) هدایای گوناگونی به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله تقدیم می‌کردند.[۴] و یا به میزبانی آن حضرت، مفتخر می‌شدند؛ چنان که آن حضرت می‌فرمود: - اگر شانهٔ گوسفندی به من هدیه دهند، می‌پذیرم و اگر دعوتم کنند، اجابت می‌کنم.[۵ –] اگر مؤمنی به خوردن یک ذراع گوسفند دعوتم کند، می‌پذیرم .... و اگر مشرک یا منافقی شتری بکشد و دعوتم کند، قبول نمی‌کنم.....[۶]حال، ممکن است این پرسش مطرح شود:« میراث مادّی و مالی حضرت، چه موارد و مبالغی بوده است؟» امام صادق۷ در این زمینه می‌فرماید :«وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرد، از خود دینار، درهم، غلام، کنیز، گوسفند و شتری به جا نگذاشت مگر شتر سواری خود را. و چون به رحمت الهی واصل شد، زرهش نزدیک یهودی – از یهودیان مدینه – برای بیست صاع جو، که برای نفقهٔ خانواده‌اش از او قرض گرفته بود، در گرو بود.»[۷]ب : هزینهٔ زندگی حضرتپیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در طول زندگی پر برکتش – برای رفع نیازهای اوّلیهٔ خود و خانواده‌اش – از

کم ترین امکانات بهره‌مند بود «و کان خفیف المؤنهٔ»[۸] به برخی از این موارد، گذرا می‌پردازیم.خوراکدر گفتار برخی از امامان: و صحابه آمده است که:پیامبر صلی الله علیه و آله هرگز نان گندم نخورد و از نان جوین هم هرگز به اندازهٔ سیر شدن، تناول نکرد.[۹]سه شب پشت سر هم از نان جوین سیراب نشد.[۱۰]حضرت از هر نوع غذایی که خدا برایش حلال کرده بود، با خانواده و خدمتکارانش می‌خورد[۱۱].خرما و آب، بیش ترین خوراکش بود..[۱۲].و کان۹ یعصّب الحجر علی بطنه من الجوع ....؛ پیامبر ۹ گاهی از شدّت گرسنگی، بر شکم خود سنگ می‌بست . هر طعامی برایش حاضر می‌کردند، می‌خورد ....[۱۳]ابن عباس می گوید:«چه بسا پیامبر صلی الله علیه و آله چند شب گرسنه می‌ماندو برای آن حضرت و خانواده‌اش غذای شب پیدا نمی شد...»[۱۴]آن حضرت خود نیز می‌فرمود:« یک ماه چنان سپری شد که من و بلال، جز چیزی که زیر بغل بلال نهان می‌شد] و می آورد[، غذایی نداشتیم.»[۱۵]امام باقر۷ در هنگام بیان«خوراک سادهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله » چنین می‌فرماید :« ... البته من نمی گویم که پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی]برای خوردن[پیدا نمی‌کرد؛ بلکه گاهی به یک مرد، صد شتر می‌بخشید. پس اگر آن حضرت دلش می‌خواست بخورد، هر اینه می‌توانست بخورد.»امام باقر۷ در ادامه بیان می‌کند که : جبرئیل۷سه بار، کلید گنج های زمین را به پیشگاه رسول خدا۹ تقدیم کرد؛ امّا حضرت از پذیرفتن آنها خودداری نمود تا همواره در برابر پروردگارش، فروتنی و تواضع داشته باشد.[۱۶]پوشاکدر خوراک و پوشاک، از غلام‌ها و کنیزان خود، برتری نمی‌جست.[۱۷]حضرت می‌فرمود :«من تا هنگام مرگ، از پنج چیز دست برنمی‌دارم ... پوشیدن لباس پشمینه و ....»[۱۸]جنس لباس حضرت، از پنبه بود و در حال ضرورت، از لباس پشمی و موئی استفاده می‌کرد.[۱۹]عبای کهنهٔ وصله داری داشت که گاهی آن را به تن می‌کرد و می‌فرمود:«إنّما أنا عبد ألبس کما یلبس العبد؛ من، بنده‌ام و همچون]لباس[بندگان میی‌پوشم.» [۲۰]حضرت به ابوذر می‌فرمود: من، لباس خشن و زبر می پوشم.»[۲۱]مسکنبعد از ورود پیامبر ۹به مدینه، آن حضرت به مدّت هفت ماه در خانهٔ ابوایوب انصاری زندگی کرد و پس از اتمام ساخت مسجد و خانه‌های اطراف آن، تا هنگام رحلت در همان خانه‌های مسجدش سکونت داشت.[۲۲]در روایتی آمده است:« پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رحلت کرد، در حالتی که خشتی روی خشتی نگذاشت.»[۲۳]اثاثیه و غیرهوسائل زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و همسرانش هم بسیار محدود و ساده بود؛ به گونه‌ای که اصحاب و حتّی دشمنان ، دچار شگفتی شده بودند[۲۴]. در روایات می‌خوانیم:بالش و تشکی از پوست داشت که با لیف خرما پر شده بود....[۲۵]گاهی آن حضرت روی حصیر –بدون فرش – می‌خوابید.[۲۶]زیرانداز حضرت، یک عبا و متکّایش از پوست و بار آن از لیف خرما بود.[۲۷]سوخت منزلش، شاخه‌های درخت خرما بود.[۲۸]حضرت بر انواع مرکب ها (شتر، اسب و قاطر) و بیش تر بر الاغ – بی‌پالان – سوار می‌شد.[۲۹] یعنی ارزان‌ترین وسیلهٔ نقلیهٔ آن روز.خرید منزلحضرت خود، مایحتاج زندگی‌اش را از بازار تهیه می‌کرد و به سوی خانواده‌اش حمل می‌نمود،[۳۰] و در این باره می‌فرمود:«لا أشتری شیئاً لیس عندی ثمنه؛ چیزی که پول و قیمت آن را ندارم، نمی‌خرم.»[۳۱]البته پیامبر صلی الله علیه و آله در برخی از موارد، برای رفع نیازهای ضروری دیگران یا خانواده‌اش از اصحاب و گاهی از یهودیان، پول قرض می‌گرفت. لذا پیش از رحلت به وصی و جانشین خود، امام علی علیه السلام سفارش کرد که قرض و بدهی‌هایش را بپردازد.[۳۲]همسران پیامبر ۹ پس از جنگ بنی قریضه – که غنیمت سرشاری نصیب رزمندگان و حکومت اسلامی شده بود – از آن حضرت درخواست خرجی بیشتر و امکاناتی شدند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله با ردّ تقاضاهای آنان ، یادآور شد:«من، رهبر اسلام و مسلمانان هستم و باید زندگی بسیار عادی و ساده‌ای داشته باشم تا بینوایان و مستمندان ، احساس حقارت و پستی نکنند.»متأسّفانه « امّهات مؤمنین» بر درخواست های خود، پافشاری کردند و قلب رسول الله۹ را آزردند .... لذا آن حضرت به مدّت یک ماه از همسرانش کناره گیری کرد. سرانجام آیاتی (احزاب / ۲۸–۳۱) نازل شد، مبنی بر این که:ای بانوان پیامبر! اگر زندگی پر زرق و برق دنیا را می‌خواهید ، می‌توانید از حضرت جدا شوید؛ امّا به خدا ، پیامبر و پاداش‌های بزرگ الهی در قیامت علاقه دارید، پس به همین زندگی ساده و افتخار آمیز نبوی ، قانع و راضی باشید.[۳۳]ج) زهد نبویدر متون اسلامی – به ویژه در مباحث اخلاقی،

عرفـانی – موضوعی به نام «زهـد» و «زاهـد» بیان شـده است. که متأسـفانه برداشت نادرست از آن به عمل آمـده و در گفتار و رفتار برخی از مسـلمانان ، مشاهده می‌شود و آن، ترک دنیـا و بسـنده کردن به امور نـاچیز مادّی است ! و حال آن که در احادیث و سیرهٔ معصومـان: «زهـد، به معنای عـدم دلبسـتگی به دنیا و مظاهر مادّی آن است.»ممکن است عـدّه‌ای برداشت ناصـحیح خود را به سیرهٔ عملی پیـامبر صـلی الله علیه و آله و امام علی علیه السـلام اسـتناد بدهنـد؛ لـذا در مقام پاسـخ ، می گوییم:اوضاع نا به سامان زنـدگی اقتصادی مسـلمانان صدر اسـلام و نیز سرپرستی حکومت اسلامی، ایجاب می کرد که این دو بزرگوار، از کم ترین امکانـات مـالی (خوراک، پوشاک، مسـکن و غیره) اسـتفاده کننـد؛ امّا بعـد از سپری شدن آن دوره و پیدایی رفاه نسبی – مثلاً در عصـر زندگی امام صادق۷ – معصومـان : هم به قـدر کفاف، از خوراک و پوشاک بهتری ، برخوردار بودنـد.[۳۴]و جالب است بدانیم که پیامبر صـلی الله علیه و آله مفهوم حقیقی «زهد» را این گونه بیان فرموده است:«الزّهادهٔ فی الدّنیا لیست بتحریم الحلال ....؛ زهد داشتن در دنیا، به این نیست که حلال را بر خود حرام کنی یا مال خود را تلف سازی؛ بلکه زهد، این است،که به آنچه در دست داری، بیشتر از آنچه نزد خـداست ، اعتماد نداشـته باشـی .....»[۳۵]امام علی علیه السـلام در ضـمن پرسـش و پاسخ با یک یهودی و تاییـد زهـد عیسـی۷ فرمود:«و محمّد ۹ أزهد الانبیاء ...؛ ولیکن حضـرت محمّد۹ از همـهٔ پیامبران زاهد تر بود. زیرا وی کنیزها و همسـرانی داشت؛ با این حال ، هیچ وقت سفره‌ای که در آن طعامی باقی مانده باشد، برچیده نشد و هرگز نان گندم نخورد و از نان جوین هم سه شـبانه روز متوالی سیر نشد.»[۳۶]و نیز در روایتی می‌خوانیم که :«و کان رسول الله۹ لاینظر الی ما یستحسن من الدّنیا؛ پیامبر صلی الله علیه و آله به متاع دنیا، که موجب دلبسـتگی و شـیفتگی [مردم] است، نظر نمی‌افکند.»[۳۷]د) سـرای ضیافتهر روز، افراد زیادی به محضر پیامبر صلی الله علیـه و آلـه شـرفیاب می‌شدنـد و نیازهـای مـادّی و معنـوی خـود را مطرح می کردنـد؛ در این میان طبقهٔ مستضـعف، چشـم امیـدشان به پیـامبر رحمت و محبّت بود و آن حضـرت نیز بیشتر بـا این گروه نشـست و برخـاست داشت و همواره بـا دیـدهٔ احترام و تکریم به آنان می‌نگریست.[۳۸] امام صادق۷ در توصـیف پیامبر صلی الله علیه و آله و «راز مزاح» حضرت با اصحاب، می‌فرماید:«از رأفت و مهر پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که با یارانش «مزاح» می کرد تا عظمت و ابّهتش، دل آنها را نگیرد و بتوانند به او نگاه کرده و حوائج خود را بازگویند.»[۳۹]سیرهٔ رسول خدا۹ بـا اربـاب رجوع – به ویژه نیازمنـدان – چنین بود:- هر کس برای حاجتی نزدش می‌آمـد، چه آزاد و چه غلاـم و کنیز، جهت رفع گرفتـاری‌اش اقدام می کرد.[۴۰]- هر گاه مشـغول نماز بود و کسـی کنارش می‌نشـست ، نمـاز خـود را بـا تخفیـف و اختصـار بـه پایـان می‌رسانـد و بـه سـوی آن شـخص برمی گشـت و می‌پرسید:«ایا حاجتی داری؟»[۴۱]- هرگز در پاسـخ به درخواست محرومان واژهٔ «نه» را به کار نبرد؛ بلکه اگر چیزی (غـذا ، لباس و پول) نزدش بود، عطا می کرد و گر نه با مهربانی می‌فرمود:«خدا برساند؛ ان شاء الله جور می‌شود.»آن حضرت در این باره می‌فرماید:«من سئلنا لم ندّخر عنه شیئاً نجـده؛ هر کس از ما درخواستی بکند، اگر چیزی داشتیم، از وی دریغ نخواهیم کرد.»[۴۲]«لو کان لی مثل اُحد ذهباً ...؛ اگر به انـدازهٔ کوه اُحـد «طلا» داشـته باشم، دوست دارم پس از سه روز چیزی از آن به نزد من نباشد، مگر مقداری که برای قرضـی ذخیره کرده باشم.[۴۳]جالب است بدانیم که:رسول خدا۹ هرگـاه پول و غـذایی نزدش نبود، بیشتر از هر جایی دیگر، نیازمنـدان را به خانهٔ امـام علی علیه السـلام می فرسـتاد و اهـل بیت: نیز آنان را به نیکی پـذیرا می‌شدند.[۴۴]و نکتـهٔ دیگر، این که:اصـحاب در اوقاتی از شبانه روز، به خانهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و ناهار و شام می‌خوردند و دیر وقت به خانه های خود برمی گشتند و حضرت نیز از شرم و حیا ، به آنان چیزی نمی‌فرمود . این مسأله، باعث می‌شد که پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده‌اش از استراحت و کارهای خود بازبماننـد؛ لذا با نزول ایه‌ای (احزاب /۵۳) این موضوع به مسـلمانان یادآوری شد.[۴۵]عایشه می گوید:روزی گوسفندی ذبح کردیم و پیامبر صلی الله علیه و آله تمام قسمت‌های گوشت را به دیگران انفاق نمود و تنها کتفی از گوسفند باقی ماند؛ لذا به پیامبر صلی الله علیه و آله گفتم: از گوشت گوسـفند فقط کتف آن باقی ماند! حضرت فرمود:«هر آنچه انفاق کردیم، باقی است غیر ازاین کتف .»[۴۶]امام صادق۷ می‌فرمایـد :ویژگی پیامبر صـلی الله علیه و آله چنین بود که : هر کس از وی چیزی از مال دنیا می‌خواست،

به او عطا می‌کرد. لذا یک روز، زنی فرزندش را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و گفت: برو و از حضرت کمکی بخواه و اگر فرمود :« چیزی نزدم نیست.»بگو: پیراهنت را به من بـده . وقتی پسر، خدمت رسول خدا۹ آمد و پیراهن را درخواست کرد، حضرت لباسش را درآورد و به او بخشید....[۴۷].مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و «کمک مالی» درخواست کرد، حضرت فرمود: «فعلاًـ نزد من چیزی نیست؛ ولیکن بـا من بیا تـا اگر چیزی به مـا رسید، به تو بـدهیم.»عمربن خطّاب گفت : ای پیامبر! همانا خداونـد که شما را به چیزی که قـدرت آن را ندارید، مکلّف نکرده است. پیامبر ۹ سخن عمر خوشـش نیامـد؛ در این موقع، مرد نیازمند عرض کرد: انفاق کن و به جهت کمی، از صاحب عرش نترس [زیرا خداوند، مقدار کم را هم قبول می‌کند].رسول خدا۹ از این سخن خوشش آمد و تبسّم کرد و آثار خوشحالی در چهره‌اش نمایان شد[۴۸].در یکی از روزهای بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله – که به رحلت حضرت انجامید – رسول خدا۹ وارد مسجد شد و خبر فرارسیدن مرگ خود را به مردم اعلام کرد و سپس فرمود:« اگر به کسی وعده داده‌ام ، آماده‌ام که انجام دهم و هر کس از من طلبی دارد، بگوید تـا بپردازم.»در این هنگام، مردی برخاست و عرض کرد : چندی پیش، به من وعده دادید که اگر ازدواج کنم، مبلغی به من کمک خواهید نمود.پیامبر صلی الله علیه و آله فوراً به «فضل بن عباس» دستور داد تا آن مقدار پول را به وی بپردازد....[۴۹]سفره نیایشاکنون زیبنده است با نیایش های پیامبر صلی الله علیه و آله آشنا شده و برای گشایش در زندگی دست، نیاز به درگاه بی نیاز بگشاییم:- اللّهم اجعل أوسع رزقک علی عند کبر سنّی و انقطاع عمری ؛ خدایا! روزی مرا به هنگام پیری و پایان زندگی‌ام، وسعت ببخش.[۵۰]- اللّهمّ اغفرلی ذنبی و وسّع لی فی داری و بارک لی فی رزقی ؛ خدایا ! گناهم را بیامرز ، خانه‌ام را وسعت بده و رزقم را افزون کن.[۵۱]اللهم انّی أعوذ بک من الکفر و الفقر؛ خدایا! از کفر و فقر، به تو پناه می‌برم.[۵۲] رسول اکرم صلی الله علیه و آله در دعاهای دیگرش نیز از اموری به درگاه الهی پناهنده می‌شود؛ همچون : ناتوانی، تنبلی، مستمندی، قرض، تنگ دستی و چیرگی قرض.[۵۳]و مطلب قابل توّجه، این ادعیه است که :- أسألک القصد فی الفقر و الغنی؛ خدایا! میانه روی در حال تهی دستی و ثروت را، از تو درخواست می‌کنم.[۵۴]- اللّهمّ إنّی أعوذ بک ... من شّر فتنة الغنی و أعوذ بک من فتنة الفقر؛ خدایا! به درگاهت پناه می‌برم ... از بـدی بلا و آزمایش ثروت ، و به تو پناهنده می‌شوم از آزمایش و بلیهٔ فقر. [۵۵][۱] . ر. ک: معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی دشتی، ج۱، ص ۴۳۰، ج۴، ص ۲۸۳.[۲] . ر .ک، همان، ج۵، ص ۱۰۰–۱۰۲.[۳] . با رجوع به زندگی و سیرهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توان نمونه‌های فراوانی در این زمینه، یافت.[۴] . ر.ک. آثار الصّادقین، صادق احسانبخش، ج۲۸، ص ۱۹۶و۱۹۷،ح۴۶–۵۲، ص۲۰۱–۲۰۷، ح ،۹، ۱۰، ۱۱، ۱۸، ۴، نشر صادقین، رشت، اوّل، ۱۳۷۵ ش.[۵] . رهنمای انسانیت (سیری دیگر در نهج الفصاحه)، مرتضی تنکابنی، ص ۱۲۶، ش۴۶، دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، اوّل ۱۳۷۴ش.[۶] . سنن النبی ۹ علامه طباطبایی، ص ۱۹۰، ش ۲۱۳، ترجمه محمد هادی فقهی، انتشارات اسلامیه، تهران، ۱۳۵۴ش.[۷] . بحارالانوار، ج۱۶، ص ۲۱۹، ح۸؛ مروارید آفرینش، سید مجتبی برهانی، ص ۲۳۹ و ۲۴۰ ، انتشارات بیت الاحزان، قم، اوّل، ۱۳۸۴ش.[۸] .سنن النبی۹ ، ص ۴۱.[۹] . همان، ص ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۵، ۱۷۷.[۱۰] . همان، ص۱۶۱. البته بر اساس برخی روایات(ص ۱۸۲ و ۱۸۳، ش ۱۹۲–۱۹۰) آن حضرت هرگز سه روز متوالی، نان گندم نخورد و از آن به مقدار سیر شدن، استفاده نکرد.[۱۱] .همان، ص ۱۶۶ و ۱۷۲.[۱۲] .همان، ص ۱۷۲.[۱۳] . همان، ص ۷۳،[۱۴] . همان،ص ۱۸۱[۱۵] . رهنمای انسانیت، ص ۱۲۵، ش ۴۱،[۱۶] . سنن النبی۹ ، ص ۱۸۲ ئ ۱۸۳ و مشابه آن، ص ۳۰.[۱۷] . همان، ص ۷۵.[۱۸] . ر. ک: همان، ص ۱۳۱– ۱۳۳ و ۱۲۶.[۱۹] . همان،ص۴۲.[۲۰] . همان، ص ۱۲۱.[۲۱] . همان ، ص ۱۳۱.[۲۲] . ر.ک: تاریخ تحقیقی اسلام، محمد هادی یوسفی غروی، ج۲، ص ۱۹۴–۱۹۶، ۲۰۶ و ۲۰۷، ترجمه حسین علی عربی، مؤسّسهٔ آموزشی پرورشی امام خمینی (ره)، قم، اوّل، ۱۳۸۲ ش.[۲۳] .سنن النبی۹ ص ۱۳۵؛ مروارید آفرینش، ص ۳۳۶.[۲۴] . اخلاق انبیاء ص ۴۳۵ محمّد مهدی تاج لنگرودی« واعظ» تهران، اوّل، ۱۳۷۰ ش. داستانها و درسهایی از زندگی پیامبر اسلام۹ ، ص ۱۹۷–۱۹۹.[۲۵] . سنن النبی۹، ص ۱۲۳و ۱۴۳.[۲۶] . همان، ص ۱۲۳و۱۴۰.[۲۷] . همان، ص ۱۴۰.[۲۸] . همان، ص ۱۷۵.[۲۹] . همان،ص ۴۱، ۷۴، ۱۳۱، ۳۰۶.[۳۰] . همان، ص ۴۱.[۳۱]

. رهنمـای انسـانیت، ص ۲۴۴، ش ۲[۳۲] . ر. ك: الحکـم الزّاهره، علیرضـا صـابری یزدی، ج۱، ص ۱۶۴، ترجمهٔ محّمـد انصاری محلاتی، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، اول، ۱۳۷۲ش. و ج۲، ص ۱۰۶، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، اول، ۱۳۷۳ ش.[۳۳] .داستانهای تفسیر نمونه، سید مهدی شمس الدّین، ص ۳۹۵و۳۹۶، انتشارات قـدس، قم، اول، ۱۳۷۲ش؛ داستانها و درسـهایی از زندگی پیامبر اسلام۹، مرتضـی نظری، ص ۱۰۶و۱۰۷، دفتر نشـر فرهنگ اسـلامی، تهران، هشتم، ۱۳۸۵ش.[۳۴] .فرازهایی برجسته از سیرهٔ امامان شیعه:، محمّـد تقی عبدوس – محمد محمدی اشـتهاردی، ج۱، ص ۲۳۵–۲۴۵، دفتر تبلیغات اسـلامی، قم، ۱۳۷۲ش.[۳۵] . راهنمای انسانیت، ص ۳۵۹، ش۸.[۳۶] . سنن النبی۹ ص ۱۶۱.[۳۷] . همان، ص ۷۱، ش۴۲.[۳۸] . در منابع تاریخی، روائی و تفسیری، مصادیق زیـادی از «ارتباط صـمیمی پیامبر صـلی الله علیه و آله با مسـتمندان» وجود دارد.[۳۹] . سنن النبی۹، ص ۶۰ و ۶۱.[۴۰] . همان، ص ۷۵.[۴۱] .همان، ص ۷۶.[۴۲] . همان، ص۴۵، ۴۷، ۱۸۳، ۳۰۵.[۴۳] . همان، ص۸۱.[۴۴] .رهنمای انسانیت، ص ۱۲۶و ۱۲۷، ش ۵۱ و ۶۸.[۴۵] . ر.ك: داستانهای تفسیر نمونه، ص ۳۰۶و ۳۰۷؛ منابع دیگر.[۴۶] . ر.ك: تفاسیر؛ همانند تفسیر نمونه، ج۱۷، ص ۳۹۶–۴۰۰.[۴۷] . داستانها و درسـهایی از زندگی پیامبر اسلام۹، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.[۴۸] . اخلاق انبیاء، ص ۴۴۶.[۴۹] . همـان، ص ۴۴۸ و ۴۴۹.[۵۰] . داستانها و درسـهایی از زندگی پیامبر اسلام۹، ۲۴۶ و ۲۴۷.[۵۱] . ر.ك: رهنمـای انسانیت، ص ۲۸۵–۲۹۰.[۵۲] . ر.ك: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵–۲۹۰.[۵۳] . ر.ك: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵–۲۹۰.[۵۴] . ر.ك: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵–۲۹۰.[۵۵] . ر.ك: رهنمای انسانیت، ص ۲۸۵–۲۹۰.اقامت گاه‌ها و سفرهای رسول اکرم صلی الله علیه و آلهغلامرضا گلی زوارهمولود ملکوتی‌در هفـدهم ربیع الاـول سال ۵۷۰م. (عـام الفیـل) خورشـید درخشـان پیـامبر اعظم در خـانه‌ای واقع در پشت کوه صـفا طلوع کرد. برخی گفته‌انـد: آن حضـرت در شـعب ابی‌طـالب در خانه محمـد بن یوسف متولـد گردیـد. این خانه مبارك را رسول خـدا۹ به عقیـل بن ابی‌طالب بخشـید.به هر حـال این نـوزاد تنهـا سه روز شیر مـادر خـورد و پس از آن ثویبه و حلیمه به افتخـار دایگی او نایـل شدنـد. حضـرت محمد ۹ مـدت پنـج سـال در میـان قـبیله بنی‌سـعد بـه سـر برد و رشـد و نمـو کرد. بـه برکت وجـود پیـامبر، عشـایری که از خشـکسالی و مشـکلات دامـداری رنـج می‌بردنـد، مشاهـده کردنـد که «خیر و برکت» به سویشـان آمـده است و گوسـفندان پرشـیر شده‌انـد.برادران رضـاعی آن حضـرت هر روز دام‌هـا را برای چرانیـدن به صـحراهای اطراف می‌بردنـد؛ یـک روز پیامبر هم با اجازه حلیمه سـعدیه بـا برادرانش همراه شـد و در حوالی قبیله به چوپانی مشـغول گردیـد و این، کاری بود که رسولان قبلی هم انجام داده بودنـد. پیامبر در آغاز پنج سالگی، همچو مردان طایفه سعد، فصـیح و رسا سـخن می‌گفت و چون لب به گفتار می‌گشود، کلامش شمرده و سنجیده بود.۱ایـام کودکی‌در پایان پنـج سالگی حلیمه سـعدیه، محمـد را با خود برداشت و به مکه برد و به دست مادرش آمنه سپرد. این کودك با وجود آنکه چنـدین بار مکه را دیـده بود، کمتر فرصت یافته بود که در آن زنـدگی کند؛ لذا با فضای این شهر مقـدس و مبـارك بیشتر مأنوس شـد. مادرش از جوانی و مهربانی پـدرش (عبـدالله) سـخن می‌گفت و کنیزشان ام ایمن ـ که نام اصـلی‌اش برکه و اصـلاً حبشـی بود ـ نیز برای محمـد قصه‌هـا می‌گفت. او یـک روز در لابه لای داسـتان‌هایی که برای آن طفل بیان می‌کرد، به وی مژده داد که قرار است بـا مادرش به یثرب برونـد.سـرانجام محمـد، مادر و ام‌ایمن سوار بر شتر با انـدك توشه‌ای، در حالی که ابوطالب آنها را بـدرقه می‌کرد، به سوی یثرب حرکت کردنـد. او در این سـفر از مشاهده کوه‌ها، صـحراها، قبیله‌ها و دیگر دیـدنی‌های راه، نکته‌ها آموخت و پس از چهارده روز به یثرب گام نهاد. آمنه او را برای دیـدار دایی‌های خویش ـ که بنی عدی بن نجار بودنـد ـ به این شـهر برد و در دارالنابغه اقامت گزیدنـد. در آنجا مرقد عبدالله (پدر محمد) قرار داشت. آمنه بر سـر مزار شویش خاطرات گذشته را از ذهن خویش گذرانید و از چگونگی رحلت او و برای کودکش سخن گفت.توقف آنان در مدینه به حدود یک ماه رسـید. رسول اکرم بعدها وقتی به رسالت مبعوث گردید و به مدینه هجرت نمود، آن سـفر کوتاه را به یاد داشت و چون چشمان مبـارکش به برج محلّه بنی النّجـار افتـاد، فرمود: «یـادم هست که بـا پسـر دایی‌هـایم، پرنـدگان بالاـی برج را پرواز می‌دادیم و به بال گشودن هایشـان می‌نگریستیم». و نیز فرمود: «بـا مـادرم به دارالنـابغه فرود آمـدیم و من شـنا کردن را در چـاه بزرگ آب بنی‌النّجـار

آموختم». در همـان ایـام گروهی از یهودیـان پیامبر را که دیدنـد، قـدری در سیمایش خیره شدنـد و چون نام مبارکش را از امّایمن پرسیدند و او پیامبر را معرفی کرد، آنان گفتند: این پسر، پیامبر این امت است و این شهر، محلّ هجرت اوست.۲پس از چندی برای بـازگشت مهیـا شدنـد. مشک‌هـای آب، ره‌توشه‌هـا، لباس‌هـا و روانـدازها را بـار یک شتر کردنـد و ام‌ایمن هم بر آن سوار شـد و بر مرکب دیگر، پیامبر و مادرش سوار شدنـد.محمـد در طول راه دریافت که مادرش آرامش و نشاط قبل را نـدارد. نخست تصور کرد که به دلیـل مشاهـده قبر پـدر این تألّم و کسالت به او دست داده است، اما به زودی فهمیـد که مادر به شـدت بیمار است و هر لحظه حالش وخیم‌تر می‌گردد. آنها به روستایی به نام «ابواء»، میان راه مکه و مـدینه، توقف نمودنـد تا شب را سپری کنند. در این هنگام، دیگر چشمان آمنه فروغی نداشت و با وجود آنکه حدود سی سال داشت، چهره‌اش شکسته و پژمرده به نظر می‌رسید. صبح روز بعد آمنه، پسرش را به سینه خود چسبانید و دستان کوچکش را در دست‌های بی‌رمق خود اندکی فشرد و سپس جاودانه فروخفت. با کمک اهالی ابواء، آمنه در قبرستان کوچک این روستا دفن شد و محمد و امّایمن با اندوهی عمیق به راه خود ادامه دادند.ام‌ایمن در حیات آمنه و پس از مرگش، عهده‌دار پرستاری رسول خدا بود. و گویند: چون پیامبر در «عمره حدیبیه» از ابواء عبور می‌کرد، کنار مزار مـادرش آمـد و آن را تعمیر کرد و آن‌گـاه گریست. چون سبب گریه او را پرسیدند، فرمود: «بر او رحمتم آمـد و گریستم، و خداوند بخشنده و مهربان است.»۳ پس از درگـذشت آمنه، عبـدالمطلب، محمـد و ام‌ایمن را به خانه خود آورد. در این حال، پیامبر شش سال و سه ماه داشت. او به نوه‌اش بسیار مهر می‌ورزید؛ چنان که در خصوص پسرانش چنین عطوفتی را نشان نمی‌داد. معمولاً در سایه خانه کعبه تشکچه‌ای می‌گسترانیدند و عبدالمطلب بر آن می‌نشست و هیچ یک از پسران به احترام پدر جلو نمی‌رفتند ولی پیامبر که در آن موقع کودک بود، روی تشکچه می‌نشست. اما عموهایش در صدد بودند وی را دور سازند؛ عبدالمطلب که مراقب اوضاع بود، می‌گفت: «فرزنـدم را آزاد بگذاریـد که برایش منزلت خاصـی است». روزی که محمد هشت سال و هشت ماه و هشت روز داشت، عبـدالمطلب وفـات یـافت. پس از وفـات عبـدالمطلب، ابوطـالب دست پیـامبر را گرفت و او را با خویش به خانه برد.۴به سوی شام‌پیامبر مورد توجه ابوطالب بود و لحظه‌ای از وی جـدا نمی‌شد و همسرش فاطمه دختر اسد بن هاشم نیز از محمد پرستاری می‌کرد و او همـان بانویی است که به قول رسول اکرم، کودکانش را گرسنه می‌گـذاشت تا او را سیر کنـد و آنان را گردآلود رها می‌نمود تا پیامبر را بشوید و بیاراید.رسول خدا۹ دوازده ساله و به نقلی سیزده ساله بود که همراه عموی خود ابوطالب که با کاروان قریش برای تجارت به شام می‌رفت، رهسپار این قلمرو گردید. این سفر در دهم ربیع الاول سال دوازدهم (سیزدهم) واقعه فیل روی داد. مسافرت مـذکور برای محمد بسیار جالب بود. او علاوه بر اینکه از سرزمین‌هایی با تمدن‌های کهن چون وادی القری، مدین و دیـار ثمود دیـدن می‌کرد، به مناظر و چشم انـدازهای سرسبز سرزمین سوریه نیز می‌نگریست. از جمله این نواحی شهری بود به نام بُصریَ در منطقه حوران در نود کیلومتری دمشق. راهبی سالیـان متمـادی درون صومعه خویش در این آبـادی مشغول عبادت بود و مسیحیان منطقه به دیـدنش می‌رفتنـد. او به هنگـام عبور کاروان‌هـا، از محـلّ اقـامت خود بیرون می‌آمـد و بـا افرادی از آنـان دیـدار می‌نمود.۵ آن راهب که «بحیرا» نـام داشت و از قـبیله عبـدالقیس و دانایـان کیش مسیحی بـود، به سوی کـاروانی رفت که حضـرت محمد ۹ در آن بود. آنـان جلوی صومعه اطراق کرده بودنـد. لحظاتی بعـد، بحیرا خود را به ابوطالب و پیامبر رسانیـد. از ابوطالب نام طفل را پرسیـد، او می‌گویـد: محمد فرزند عبدالله و آمنه است که هر دو از دنیا رفته‌اند. بحیرا می‌پرسد: نام دیگری ندارد؟ او جواب می‌دهـد: چرا، مادرش وی را «احمـد» نامیـده است. بحیرا که چشم از محمـد بر نمی‌دارد، از وی می‌پرسد: چند سال داری؟ و از چه قبیله‌ای هستی؟ پیامبر می‌فرماید: دوازده سال دارم و از قریش هستم. در ادامه راهب او را به لات و عزّی ،که نام دو بت معروف مکه بود، سوگنـد می‌دهـد که به آنچه می‌پرسد، درست پاسخ دهد. حضـرت می‌فرماید: مرا به آنان سوگند مده که از این دو بت بیزارم. من به خـدای یگـانه ایمـان دارم. راهب در می‌یابـد که او، همـان پیـامبر موعود است. به ابوطـالب می‌گویـد: نـام برادرزاده‌ات را در کتاب‌های مقـدس گذشـتگان خوانـده‌ام، نشانه‌هایش را هم می‌دانم. او برگزیده و پیامبر خدا و آخرین فرستاده آسـمانی است. باید

مراقب باشی تا دشمنان و به ویژه یهودیان به وی گزندی نرسانند.مورّخان نقل کرده‌اند: رسول خدا در کنار درختی خشکیده ایستاده بود که به کرامت آن بزرگوار، ابری بر قامتش سایه افکند و بارانی بارید و ناگهان درخت سبز شد و میوه آورد. بحیرا، این معجزه را تأیید کرد و دست‌های حضرت را بوسید و گفت: اگر زمان بعثت شما را دریابم، ایمان خواهم آورد.۶از چوپانی تا تجارت‌حضرت محمد ۹ اگرچه در سنین نوجوانی به سر می‌برد، اما نمی‌توانست در برابر مشکلات اقتصادی عمویش بی‌تفاوت باشد و چون ابوطالب وی را در تأمین هزینه خانواده مصمم دید، بر خلاف میل درونی تعدادی گوسفند و چند شتر در اختیارش نهاد تا به چرا ببرد. رفته رفته دیگر عموها دام‌های خود را به آن نوجوان می‌سپردند و بدین ترتیب او دیگر باری بر دوش عمویش نبود؛ چرا که مزدی در ازای این کار دریافت می‌کرد. قلمروی که پیامبر در آن به چوپانی روی آورد، «قراریط» نام دارد که مکانی است در بیابان‌های اطراف مکه. شبانی، مزایای دیگری برای محمد داشت: به سر بردن در خلوت بی‌آلایش صحرا، دور بودن از آلودگی‌های شرك و نفاق و در آن سکوت و آرامش مجالی برای این نوجوان فراهم ساخت تا به تفکر و اندیشه بپردازد.۷در آنجا پیامبر اکرم برای نخستین بار با عمار بن یاسر آشنا شد؛ نوجوانی که رمه اربابش عمرو بن هشام (ابوجهل) و برخی دیگر از مردان تیره بنی مخزوم را برای چرا به دشت می‌آورد. عمار بسیار شیفته اخلاق و رفتار پیامبر شد. روزی عمار گفت: ای امین! شنیده‌ام در فخ چراگاه خوبی است، آیا نمی‌خواهی گله‌هایمان را آنجا ببریم؟ پیامبر پذیرفت. روز بعد، هنگامی که عمار با گله‌اش به آنجا رفت، امین را دید که پیش از وی آنجا رسیده بود، اما رمه‌اش را از ورود به چراگاه باز می‌داشت. عمار با تعجب پرسید: چرا چنین کردی؟ محمد فرمود: قرارمان بر این بود که هردو باهم به این منطقه بیاییم؛ از این رو، نخواستم در این کار بر تو پیشی گیرم.چوپانان، گله‌های خود را به پیامبر می‌سپردند تا در شهر مکه به گشت و گذاری بپردازند. هنگامی که نوبت به پیامبر می‌رسید تا به این دیار برود، از رفتن امتناع می‌نمود و می‌فرمود: به صلاح من نیست در شب نشینی‌های مکه حضور یابم و اوقات خویش را این گونه تلف کنم.۸محمد، بیست و پنج ساله بود که ابوطالب به او پیشنهاد کرد تا در کاروان تجارتی «خدیجه بنت خویلد» مشغول به کار شود. از این رو، خدیجه به جای غلامش، این بار سرپرستی کاروان را به محمد سپرد و اجرت کار او را دو برابر مقدار معمولی تعیین کرد. این سفر نیز علاوه بر فواید اقتصادی، برای پیامبر این امکان را فراهم آورد که بار دیگر به سیاحت بپردازد و آداب و رسوم متفاوت مردمان مسیر را از نظر بگذراند و تجربه‌هایی را بیندوزد و نگرش خویش را عمق ببخشد. در سراسر این راه نسبتاً طولانی که آسمان آفتابی بود و گرما هم شدت می‌گرفت، دو موجود آسمانی (فرشته) بر بالای سر محمد به پرواز در می‌آمدند تا رنج گرما، او را آزار ندهد.چون کاروان در دامنه تپه‌ای که دیر بحیرای راهب بر آن قرار داشت، بار افکند، پیامبر فرمود: وقتی دوازده ساله بودم، در اینجا مردی مهربان از صومعه بیرون آمد و گفت و گوهایی با من داشت. نمی‌دانم او در قید حیات است یا خیر.در این حال، شخصی پاسخ داد که وی مرده است. محمد، نام آن شخص را پرسید: جواب داد: من نسطور و جانشین بحیرا در همین دیر هستم. او ماجرای ملاقاتش را با شما برایم گفته بود و در کتاب‌هایی خوانده‌ام که به زودی به پیامبری مبعوث خواهید شد.در شام، هنگام فروش کالاها، حضرت محمد۹ با دلسوزی و همت و کوشش با خریداران به مذاکره پرداخت و چندین برابر دفعات قبل سود برد. میسره، غلام خدیجه می‌گوید: در شگفتم از این مرد که هم قاطع بود و هم کارگزار و هم کارگر. او تدبیر، مناعت طبع، فروتنی و شکیبایی را با هم جمع نموده بود!در خانه خدیجه‌وقتی کاروان بازگشت، خدیجه از تلاش موفقیت‌آمیز پیامبر با خبر شد و میسره غلام او، از رفتار و اخلاق محمد گفت. محبوبیت پیامبر نزد این زن مضاعف شد؛ تا آنجا که به امین مکه پیشنهاد ازدواج داد و پیامبر نیز پذیرفت و همان سال این پیوند پاك صورت گرفت. در این هنگام، خدیجه چهل ساله بود و پسر و دختری از دو شوهر قبلی خود داشت.۹از این پس، رهبر بزرگ‌ترین نهضت جهانی و گرامی‌ترین رهبر الهی در خانه خدیجه، زندگی جدیدی را آغاز کرد؛ منزلی که از چند جهت هنوز حائز اهمیت و ارزش تاریخی است.۱. تداعی کننده حساس‌ترین فرازهای تاریخ صدر اسلام؛۲. جایگاه نزول وحی بر پیامبر اکرم؛۳. زنده کننده فداکاری‌های نخستین بانوی مسلمان؛

یعنی خدیجه؛۴. زادگاه شریف‌ترین بانوان جهان؛ یعنی حضرت فاطمه زهرا۳.از غار حرا تا شعب ابی‌طالب‌گرایش‌های معنوی و برخی رویدادهای حیرت‌انگیز، پیامبر را به خلوت‌گزینی، تفکر و راز و نیاز با خداوند تشویق می‌نمود. به همین دلیل، پیامبر اکرم۹ معمولاً در هر سال یک ماه در غار حرا به عبادت می‌پرداخت. این غار در کوهی به همین عنوان در شمال مکه و مشرف به آن قرار دارد. همین کوه بود که زیر پای پیامبر لرزید و رسول خدا خطاب بدان فرمود: آرام گیر که بر روی تو نیست، مگر پیامبری و صدیقی و شهیدی. پیامبر پس از تمام شدن دوران اعتکاف در غار حرا و پیش از آنکه به خانه برود، کنار کعبه می‌آمد و هفت دور یا بیشتر طواف می‌کرد و آن‌گاه به منزل می‌رفت. در سالی که او به مقام نبوت رسید، ماه رمضان را پیامبر در این غار به سر برد تا آنکه فرشته وحی نازل شد و به فرمان خداوند، او را به عنوان آخرین فرستاده الهی مبعوث نمود. پس از آنکه جبرئیل مأموریت خویش را انجام داد، پیامبر از کوه حرا پایین آمد و راهی خانه خدیجه شد.۱۰در دوره سه ساله دعوت سرّی پیامبر خانه ارقم بن ابی‌ارقم، به عنوان یکی از نخستین پایگاه‌های تشکیلاتی مسلمانان صدر اسلام به شمار آمد؛ زیرا در آغاز عصر رسالت، پیامبر و پیروانش به منظور پنهان نگاه داشتن ایمان خود از مشرکان مکه، به یکی از دره‌های اطراف این شهر می‌شتافتند و در آنجا فریضه نماز را به جای می‌آوردند.مشرکان مکه در نخستین شب از سال هفتم بعثت در صدد بر آمدند تا پیامبر و پیروانش را با شدت هرچه تمام‌تر در تنگناهای اقتصادی قرار دهند. از این رو، ابوطالب که یگانه حامی پیامبر بود، از همه خویشاوندان و فرزندان بنی‌هاشم دعوت کرد تا به یاری پیامبر برخیزند و دستور داد همه فامیل از مکه به سوی دره‌ای که در ارتفاعات اطراف قرار داشت، کوچ کنند. این دره که به «شعب ابوطالب» موسوم بود، دارای خانه‌های محقّر و سایبان‌های مختصری بود. همچنین وی برای جلوگیری از هجوم دشمنان به مسلمانان، نگهبان‌های ورزیده‌ای را در بلندی‌های اطراف آن درّه مستقر نمود. جامعه نوپای اسلام به همراه رهبر بزرگ خود، در این مکان، سخت‌ترین رنج‌ها را تحمل کردند و در تمام ایام محاصره اقتصادی که سه سال طول کشید، فقط در ماه‌های حرام اجازه داشتند از شعب بیرون آیند و در بازار مکه به داد و ستد مختصری مشغول گردند.۱۱هجرتی به عرش و ملکوتپس از پایان این فشار فرساینده، پیامبر به خانه آمد و تلاش‌های تبلیغی و رسالت سترگ خویش را پی گرفت. اما در یکی از شب‌ها که آن حضرت در خانه «ام هانی» به سر می‌برد و می‌خواست پس از عبادت به استراحت بپردازد، ناگهان فرشته وحی آمد و گفت: امشب با هم سفر دور و درازی در پیش داریم. بدین گونه رسول اکرم سفری آسمانی، ملکوتی و معنوی را از منزل بانویی مؤمن؛ یعنی امّ هانی آغاز کرد. پیامبر در این سفر حقایق بسیاری را مشاهده کرد و از مراکز عذاب و رحمت (دوزخ و بهشت) دیدن کرد و به سدرة المنتهی رسید و چون این مسیر پایان پذیرفت، او به خانه امّ هانی بازگشت.۱۲توقفی در طایف‌طایف، یکی از شهرهای خوش‌آب و هوا و حاصلخیز حجاز به شمار می‌رود که در جنوب شرقی مکه و در حدود ۷۵ کیلومتری آن قرار دارد. پیامبر در صدد بر آمد تا چند صباحی از محیط اختناق مکه به جای دیگری برود؛ از این روی، شهر طایف را برگزید و به تنهایی یا همراه زید بن حارثه به آنجا رفت و پس از ورود با سران قبایل ملاقات نمود و آیین اسلام را برایشان تشریح کرد و از آنان خواست به سوی «توحید» گرایش یابند، ولی سخنان پیامبر در این افراد اثر نبخشید و اشراف «ثقیف» افراد ولگرد و ساده لوح را بر ضدّ پیامبر تحریک کردند و آن حضرت ناگزیر شد تا طایف را ترک کند. او تصمیم گرفت چند روزی در آبادی نخله، بین طایف و مکه، به سر برد. او سپس به محلی به نام حرّا رفت. در آنجا او شخصی به مکه فرستاد تا از مطعم بن عدی، که از بزرگان مکه بود، برای حضرت امانی بخواهد. آن مرد پذیرفت. مطعم با اینکه بت پرست بود، اجازه داد که حضرت محمد وارد خانه‌اش گردد و افزود: من و فرزندانم جانش را حفظ می‌کنیم. نبی اکرم وارد مکه گردید و یکسره راه منزل مطعم را پیش گرفت و شب را در آنجا به سر برد. صبح، مطعم عرض کرد: اکنون که شما در پناه من هستید، باید قریش از این مطلب آگاه شوند و برای اعلام آن، لازم است تا مسجدالحرام همراه ما باشید. پیامبر قبول کرد و آماده حرکت شد. مطعم دستور داد تا فرزندانش مسلّح شوند و همراه محمد وارد مسجد گردند. ورود آنان به این مکان مقدس چنان بود که حتی ابوسفیان از مشاهده این منظره دگرگون شد و از تعرّض به خاتم

پیامبران اجتناب کرد. و چون رسول خـدا طواف خویش را به پایان رسانیـد و به منزل خود رفت، آنان هم پراکنـده شدند. در جنگ «بدر» که قریش با تلفات سنگین و دادن اسیران فراوان، از مسلمانان شکست سختی خوردند، پیامبر به یاد مطعم افتاد و فرمود: اگر زنده بود و از من تقاضا می‌کرد تا همه اسیران را آزاد کنم و یا به او ببخشم، خواست او را رد نمی‌کردم.۱۳مهاجرتی سرنوشت سازبا شدت گرفتن آزار و فشارها بر مسلمانان، پیامبر۹ حضرت علی۷ را در مکه به جای خویش گماشت و این شهر را به قصد «یثرب» ترک کرد و در پرتو عنایات الهی به غار ثور رفت. این غار در جنوب مکه درست رو به روی مدینه قرار داشت.ازرقی در اخبار مکه می‌گوید: چون پیامبر وارد این غار شد، کوه ثور ایشان را فراگرفت و به سخن درآمد و گفت: یا محمد! به سوی من آی که پیش از تو، هفتاد پیامبر را پناه داده‌ام. وقتی پیامبر وارد غار شد، آرامشی در وجودش پدید آمد. عنکبوتی بر دهانه غار تار تنید و آن را مسدود کرد و کبوتری هم فرود آمد و در آنجا لانه ساخت و تخم ریزی کرد. مشرکین که در تعقیب پیامبر بودند، چون تار عنکبوت و آشیانه کبوتر را دیدند، گمان کردند کسی در غار نیست و از این رو، از همان جا مسیر خود را تغییر دادند و رفتند. آن حضرت، سه شبانه روز در این مکان اقامت داشت و عده‌ای از جمله حضرت علی۷ به محضرش شرفیاب می‌شدند و چوپانی هم شب‌ها مسیر گوسفندان را به گونه‌ای قرار می‌داد که از نزدیکی غار عبور کننـد تا پیامبر از شیر آنها استفاده کند. در سومین روز، پیامبر از علی۷ خواست تا مرکبی برای او تهیه کنـد و هجرتی بزرگ را آغاز نماید. امیرمؤمنان۷ سه شتر را همراه با راهنمای معتبری به نام اریقط در شب چهارم به سوی غار فرستاد. بـدین ترتیب، رسول خـدا پس از طی منازلی عازم دهکـده قبا شـد. آن حضـرت و همراهانش برای اینکه دشمنان متوجه مسیر آنها نشونـد، به ناچار روزها به استراحت می‌پرداختنـد و شب‌ها حرکت می‌کردنـد. این هجرت بزرگ، مبدأ تاریخ مسلمانان گردید.۱۴در دهکـده قباقبا در دو فرسخی مدینه و مرکز قبیله «بنی عمرو بن عوف» بود. پیامبر روز دوشـنبه دوازدهـم ربیـع الاـول وارد ایـن آبـادی گردیـد. در آن موقع او ۵۳ سال داشت و سیزده سال از بعثت گذشـته بود.رسول‌خدا۹ در خانه کلثوم بن هدم، که بزرگ قبیله مزبور بود، فرود آمد و سپس به خانه سعید بن خیثمه رفت و برخی گفته‌اند: خانه دوم محل ملاقات پیامبر با مردم بود. گروهی از مهاجر و انصار که در انتظار نبی اکرم بودند، همراه آن حضرت در آنجا توقف داشتند. علی۷ که در مکه بود، در این منطقه به پیامبر پیوست. پیامبر از دوازدهم تا پانزدهم ربیع الاول در محله قبیله بنی عمرو بن عوف اقامت گزیـد و روز جمعه به محله بنی سالم بن عوف نقل مکان کرد و «نماز جمعه» را در مسجدی که ته دره‌ای بود، اقامه داشت. در قبا، پیامبر مسجدی را بنا کرد که هم اکنون آثارش باقی است. این، همان مکانی است که به تعبیر قرآن، اساس آن بر تقوا بنیان نهاده شده است... .۱۵در منزل ابوایوب‌پیامبر تصمیم گرفت روز شنبه ۱۷ ربیع الاول یا عصر جمعه ۱۶ ربیع الاول به مدینه برود. وقتی اصحاب رسول خدا از این ماجرا با خبر شدند، در اول بیابان شهر که سنگلاخی بود، ایستادند و برای ورود ایشان لحظه شماری کردند. اما وقتی گرمای هوا شدت گرفت، همه به خانه‌های خود رفتند و پیامبر موقعی رسید که مردم از محل ورودی مدینه رفته بودنـد. عـده‌ای از آن حضـرت می‌خواهنـد تا در محله آنها اقامت کنـد، اما پیامبر می‌فرماید که هر جا شترش زانو زد، در همان محله می‌مانـد. مردم بـا شگفتی می‌بیننـد که شتر در محله بنی مالک بن نجـار زانو می‌زنـد. در این هنگـام، پیامبر فرود آمـد و مادر ابوایوب انصاری (خالـد بن زیـد) خورجین آن حضـرت را برمی‌دارد و به خانه خود می‌برد. پیامبر هم میهمان او می‌شود و مدتی در آنجـا اقامت می‌گزینـد تا به ساخت مسجد بپردازد و برای فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی برنامه ریزی کنـد. ابوایوب می‌گویـد: وقتی پیامبر به خانه‌ام آمـد، در طبقه پایین اقامت گزید و من همراه خانواده بالا بودیم. عرض کردم: ای فرستاده الهی! خوش نمی‌دارم من بر فراز بـاشم و شـما در طبقه زیرین. پیـامبر فرمود: برای من و آنهـا که به ملاقـاتم می‌آینـد، بهتر است در همان طبقه پایین بمانیم.در اولین فرصت، پیـامبر فرمان می‌دهـد بر همان موضـعی که شتر آرام گرفت، مسجدی ساخته شود و خود نیز در بنای مسجد شـرکت نمود. آن حضـرت از ۱۶ ربیع الاول تا صـفر سال بعـد، که مسجد و حجره‌های آن ساخته شـد، در خانه ابوایوب اقامت داشت. خانه جدید پیامبر نیز در کنار این مکان عبادی در نظر گرفته شد.۱۶مسجد النبی هم اکنون مهم‌ترین و مقدس‌ترین مکان مدینه است.یکی

از خانه‌هایی که در مـدینه و در همسایگی مسجد قرار داشت، محل زندگی حضـرت علی۷ و فاطمه زهرا۳ بـود. رسول اکرم به این خـانه رفت و آمـد داشت. عنـایت ایشان به چنین منزلی، فراتر از رابطه خویشاونـدی بود و گویی جـدایی ناپـذیری قرآن از عترت، و سنت از اهل بیت را به اثبات می‌رسانید. حتی موقعی که رسول خدا از سوی خداوند مأمور گردید تا دربی را که از خانه‌ها به مسجد مـدینه باز می‌گردیـد، مسـدود کنـد، در خانه امیرمؤمنان را از این قاعـده مسـتثنا دانست و در خطبه‌ای تأکید کرد: بازماندن این در و بسـته شدن دیگر درها، دسـتوری الهی بوده است، نه تصمیم شخص من.۱۷سفرهای نظامی و سوق الجیشـی‌پیامبر اکرم به منظور دفع دشـمنان، سـرکوبی متجـاوزان و خنـثی کردن توطئه‌هـای مخالفـان، مسافرت‌هـای دیگری هـم داشـت کـه در ذیـل، بـدان‌ها اشـاره می‌گردد:۱. پیامبر در هشـتم ماه رمضان سال دوم هجرت، عبدالله بن ام مکتوم را برای نماز جانشین خود و ابولبابه را به جای خویش در امور سیاسی قرار داد و همراه ۳۱۳ نفر به ناحیه بدر ـ واقع در بین مکه و مدینه ـ آمد. بین نیروهای اسـلام و مشرکان مکه در آنجا نبردی در گرفت که بر خلاـف کم بودن قوا و تجهیزات مسـلمین، برق پیروزی در اردوگاه مسـلمانان درخشـید و رزمنـدگان اسـلام پیروز شدند.۱۸۲. چـون پیـامبر متـوجه می‌گردد ابوسـفیان در صـدد است تعرضـی به اطراف مـدینه کنـد، ابولبـابه را به اداره مـدینه می‌گمـارد و بـا سپاهی به تعقیب مهاجمـان می‌پردازد و تا هشت منزلی مـدینه در منطقه‌ای به نام قَرقَرهٔ الکُدر پیش می‌رود که افراد ابوسـفیان می‌گریزنـد و برای سـبک کردن بـار خود، کیسه هـایی از خرمای به روغن عجین شـده را بر زمین فرومی‌افکننـد. به همین دلیل، این نبرد را «سویق» گفته‌اند.۱۹۳. به پیامبر گزارش می‌رسـد جمعیتی انبوه از قبیله بنی سُـلَیم در آبادی بُحران از بخش فرع، در اطراف مـدینه متمرکز شده‌اند. آن حضـرت ابن مکتوم را به اداره شـهر می‌گمارد و در رأس سپاهی سیصد نفری پیش می‌رود تا به «بُحران» می‌رسـد و بـدون اینکه درگیری پیش آید، مأموریت جنگی خود را به پایان می‌رساند.۲۰۴. در سال سوم هجرت، مشرکان مکه آهنـگ لشکرکشی به جـانب مـدینه را می‌کننـد و در زمین‌هـای کشـاورزی وطـاء، واقع در احـد تـا جُرف و عرصه، شـتران و اسب‌هـای خود را رهـا می‌کننـد و محصولاـت آنجـا را که به مسـلمانان تعلق دارد، از بین می‌برنـد. پیـامبر پس از ارزیابی موقعیت و امکانات نظامی دشـمن و مشورت با اصـحاب، عازم میـدان نبرد می‌شود و دسـتور می‌دهد سپاهش در ناحیه‌ای به نام «شـیخان» اردو بزنند و چون دشـمنان پیش می‌آیند، سپاه اسلام در احد اردو می‌زند. پیامبر تکیه سپاه را به کوهستان احد قرار می‌دهد و روی آن را به مـدینه می‌نهد؛ به طوری که کوه عَیَنَین در سـمت چپ سـپاه قرار می‌گیرد. اگر چه در مراحلی حساس از این غزوه، پیروزی از آن پیامبر و یارانش بود، ولی چون محافظان شـکاف کوه احـد برای به دست آوردن غنیمت موضع خود را رها می‌کنند، در این جنگ، مسـلمانان با شکست مواجه می‌شوند۲۱ و عـده‌ای از رزمنـدگان، از جمله عموی پیـامبر، به شـهادت می‌رسـند و خود رسول اکرم از ناحیه سر و صورت زخمی می‌گردد.۵. در هشتم شوال و سی و دومین ماه هجرت، پیامبر با وجود آنکه مجروح بود، با اصحاب خود به سوی حمرا الأسـد که در ده میلی مـدینه بود، رفت تا به تعقیب دشـمنان بپردازد و نقشه آنان را در یورش به مدینه خنثی کند. این مسافرت جنگی پنـج روز طول کشـید و در سـفر مذکور، عبدالله بن ام مکتوم جانشـین پیامبر در مدینه بود.۶. به پیامبر خبر رسـید دو تیره بنی محارب و بنی ثعلبه از غطفان، بر ضد اسـلام در حال گردآوری سـلاح و سـرباز برای تسـخیر مدینه هستند. پیامبر و یاران از یـک سلسـله پستی‌هـا و بلنـدی‌هایی عبور کردنـد که بسـان پیراهنی وصـله دار نمایـان بود. به همین دلیـل این غزوه را «ذات الرقـاع» می‌گوینـد. در هر حـال، نیروهـای مسلمان بـه رهـبری رسـول اکرم در سـرزمین نجـد و حـوالی قلمرو دشـمن فرود آمـد که به دلیل مقاومت، جانفشانی‌ها و فداکاری‌های مسلمانان، دشمن عقب نشینی کرد و به کوه‌های اطراف پناهنده شد.۲۲۷. پس از غائله احزاب و درهم شکسـته شـدن نقشه‌های مزورانه یهودیان، پیامبر لازم دید قبیله بنی لحیان را ادب کند؛ زیرا تیره‌هایی از این طایفه در حادثه ناگوار رجیع، سپاه تبلیغی اسـلام را کشـته بودند. لذا آن حضـرت در ماه پنجم از سال ششم هجرت، ابن ام مکتوم را در مدینه جای خود گمارد و با رعایت تاکتیک جنگی، از راهی غیر عادی در «غران» که سـرزمین بنی لحیان بود، فرود آمد، اما دشمن دچار رعب گردید و به ارتفاعات اطراف گریخت.۲۳۸. عُیینـهٔ بن حصن فزاری، به کمـک افرادی از قبیله غطفان گله شتری را که در چراگاهی

به نام غابه که در ناحیه شام بود و چراگاه مدینه به حساب می‌آمد، به غارت برد. نگهبان آن را کشت و زن مسلمانی را اسیر کرد و همراه خود برد. پیامبر وقتی از این ماجرا خبردار شد، عده‌ای را به فرماندهی اسامهٔ بن زید به تعقیب غارتگران فرستاد و خود نیز به دنبالشان حرکت کرد. در نبردی مختصر، مسلمانان پیروز شدند و دشمن به سرزمین غطفان پناه برد و پیامبر یک شبانه روز در ذی قرد به سر برد.۲۴۹. به مدینه گزارش رسید: حارث بن ابی ضرار، رئیس قبیله بنی المصطلق که تیره‌ای از قبیله خزاعه هستند و با قریش هم‌جوار بودند، در صدد جمع آوری سلاح و نیرو و محاصره مدینه است. پیامبر تصمیم گرفت این توطئه را در نطفه خفه کند. لذا با یاران خود به سوی محل استقرار این قبیله حرکت کرد و درکنار چاه «مُرَیسیع» با آنان رو به رو گردید. در نبرد بین مسلمانان و این گروه طغیانگر، پیروزی نصیب سپاه اسلام شد.۲۵۱۰. دهکده خیبر در شمال مدینه و در حدود ۱۸۰ کیلومتری آن قرار دارد و قبل از بعثت نبی اکرم، یهودیان دژهای استواری در آن ساخته بودند. ساکنین این منطقه، هم خود خطرساز بودند و هم بت پرستان و مشرکان را علیه مسلمانان تحریک می‌کردند. لذا ضرورت داشت قدرت خیبریان در هم شکسته شود. از این رو، پیامبر در سال هفتم هجرت به همراه ۱۶۰۰ سرباز به سوی این دژ حرکت نمود. نخستین بار، تمام نقاط حساس و راه‌هایی که به قلعه‌های هفت‌گانه خیبر منتهی می‌شد، به وسیله نیروهای پیامبر فتح شد و ارتباط دژها نیز با هم قطع گردید و سنگرهای یهود، یکی پس از دیگری فرو ریخت. حضرت علی۷ از سوی پیامبر مأمور شد تا قوای یهود را در هم بشکند. سرانجام این کانون خطر از هم فرو ریخت و پیروزی نصیب مسلمانان گردید. بدین گونه یهودیان در خیبر، وادی القری و تیماء در هم شکسته شدند؛ ولی سرزمین «فدک» که در حوالی خیبر و ۱۴۰ کیلومتری مدینه قرار داشت، بدون درگیری نظامی و از طریق صلح به دست مسلمانان افتاد که با این وضع این قلمرو (فدک) متعلق به شخص پیامبر و امام پس از اوست. بر این اساس بود که پیامبر، فدک را به دختر خود فاطمه۳ بخشید.۲۶۱۱. در اوایل سال هشتم هجرت که در غالب نقاط حجاز، امنیت نسبی پدید آمد و ندای توحید به دیگر نقاط گسترش یافت و دیگر یهودیان، مسلمین را تهدید نمی‌کردند، پیامبر مصمم گردید دعوت خود را متوجه مرزنشینان شام کند؛ اما اولین سفیر پیامبر در دهکده «موته» دستگیر و به وسیله حاکم شامات کشته شد و مقارن این رویداد، حادثه اسفناک دیگری رخ داد و سپاه پانزده نفری تبلیغ هم در سرزمین ذات اطلاح به وسیله اهالی این منطقه به طرز فجیعی به قتل رسیدند. از این رو، پیامبر فرمان جهاد صادر کرد و سه هزار از سربازان اسلام، به سوی مناطق مذکور روانه شدند. پیامبر تا ناحیه‌ای به نام ثنیهٔ الوداع این مبارزان را مشایعت نمود و سپس به مدینه بازگشت. جعفر بن ابی طالب فرمانده کل قوا، زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه معاون یکم و دوم بودند. هر دو سپاه در موته گرد آمدند، اما چون فرماندهان کشته شدند، سپاهیان اسلام عقب نشینی کردند.۲۷۱۲. به رسول اکرم گزارش دادند: در وادی یابس، هزاران نفر با هم متحد شده‌اند تا قوای اسلام را درهم بکوبند. لشکر اسلام با توصیه موکد پیامبر به سوی قبیله بنی سلیم رهسپار گردید. چون افراد مزبور در نقاطی کوهستانی و سنگلاخ می‌زیستند، وقتی نیروهای مسلمان خواستند به سوی دره محل اقامتشان سرازیر گردند، با مقاومت آنان مواجه شدند و چون فرماندهان اول و دوم شکست خوردند، از سوی پیامبر، حضرت علی۷ مأمور این کار گردید که به دلیل فداکاری‌های آن حضرت، دشمنان در هم کوبیده شدند و با به جای گذاشتن غنائم فراوان، فرار کردند.۲۸۱۳. پیامبر اکرم در سال ششم هجرت که برای انجام «مراسم عمره» عازم مکه بود، برای تأمین امنیت مسلمانان، با مشرکان مکه «صلح حدیبیه» را امضا نمودند. مسلمانان پس از امضای این پیمان نامه، می‌توانستند یک سال پس از این قرارداد، به مکه بروند و بعد از سه روز اقامت و انجام عمره، شهر مکه را ترک گویند. به همین دلیل، آن حضرت در سال هفتم هجری همراه دو هزار نفر، با شتری مخصوص وارد مکه شد. فریاد لبیک این جمعیت، اهل مکه را تحت تأثیر قرار داد و در آنها انعطاف خاصی در برابر مسلمانان، به وجود آورد. اتحاد همراهان پیامبر نیز در دل مخالفان، رعب و هراس پدید آورد. پیامبر با سوار بر شتر، خانه خدا را زیارت کرد و از آن پس، میان دو کوه صفا و مروه هروله‌کنان مشغول سعی گردید که مسلمانان هم پیروی کردند. آن حضرت بعد از فراغت از سعی، شتران را ذبح کرد و با کوتاه کردن موس سر از حالت احرام در آمد. پس از پایان این مراسم، پیامبر

مکه را ترک نمود.در سال هشتم هجرت، پیامبر مردی به نام ابورهم غفاری را نماینده خود در مدینه قرار داد و در نزدیکی این شهر از سپاه خود سان دیـد تـا برای فتح مکه به سوی این دیار روانه شونـد. در مرّ الظهران واقع در چنـد کیلومتری مکه، پیامبر با کمال مهارت اردوی ده هزار نفری را تا حوالی مکه، رهبری نمود؛ در حالی که جاسوسان مشرکان از این حرکت آگاهی نداشتند. در این منطقه سربازان به دستور پیامبر در نقاط مرتفع آتش افروختنـد تـا در دل دشمن رعب افکننـد... . سرانجام مکه بـدون مقاومت و خونریزی فتح شد و نیروهای اسلام وارد شهر شدند. پیامبر لحظاتی در خیمه‌ای در نقطه‌ای به نام حجون استراحت نمود، سپس برای زیارت و طواف خانه خدا، رهسپار مسجدالحرام گردیـد و در ضمن طواف، بت‌ها را در هم شکست و خانه کعبه از آثار کفر و شرک پاک گشت. آن گاه عفو عمومی اعلام شـد.۲۹۱۴. در سال هشتم هجرت پیامبر تصمیم گرفت مکه را به قصد سرزمین‌های «هوازن» و «ثقیف» ترک گویـد. پس معاذ بن جبل را به عنوان معلم دینی مردم گمارد و حکومت شهر مکه را به عُتّاب بن اُسَید سپرد. سپاهی دوازده هزار نفری، حضرت را همراهی می‌کردند. ارتش اسلام شب را در دهانه دره حُنین به استراحت پرداخت، غافل از آنکه دشمنان در پشت سنگ‌ها و صخره‌ها و شکاف کوه‌ها و نقاط مرتفع مخفی شده‌انـد. در این حال، هنوز هوا کاملاً روشن نشده بود که صدای پرتاب تیرها و فریاد مردان جنگجوی دشمن، مسلمانان را حیرت زده کرد. این یورش غافلگیرانه، مسلمین را سراسیمه کرد و عـده‌ای بی‌اختیار از منطقه گریختنـد و با بی‌نظمی خود، زمینه‌های ضعف نیروهای خودی را فراهم کردنـد. ناگهان فریاد فرحزای پیامبر، قوت قلبی به قوای اسلام داد و «غیرت دینی» و حمیّت آنان برانگیخته شـد و افراد گریخته با نـدامت به سوی پیامبر بازگشتند و صفوف خود را فشرده ساختنـد. این تـدبیر نظامی، موجب گردیـد جوانان هوازن و جنگجویان ثقیف، خانواده و احشام و اموال خود را ترک کننـد و با برجای نهادن تلفات زیاد به سوی نواحی اوطاس، نخله و دژهای طایف بگریزنـد.۳۰۱۵. قبیله ثقیف که در نبرد حنین بر ضد اسلام و مسلمین جنگیـد، پس از شکست شدید از مسلمانان، به طایف پناهنده گردید. پیامبر برای تکمیل پیروزی و تعقیب فراریان نبرد قبلی، رهسپار شهر طایف شد و در مسیر خود دژ مالک (آتش افروز جنگ حنین) را با خاک یکسان نمود. سپس آن حضرت و همراهان، قلعه طایف را محاصره کردند و نبرد بین طرفین شدت گرفت. با توجه به اینکه در سپاه اسلام خستگی دیـده می‌شد و ماه شوال سپری می‌گردید و ذی‌قعده که ماه حرام بود، فرا می‌رسید و موسم حج نزدیک بود، پیامبر اجازه نداد محاصره طایف طولانی شود و همراه نیروها به جعِرّانه که محلّ حفاظت غنائم جنگی و اسیران بود، حرکت کرد۳۱۱۶. در میان حِجر و شام، در سرزمین کنونی سوریه، قلعه استواری به نام تبوک وجود داشت که در اختیار رومیان مسیحی بود. استقرار گروهی از سربازان روم در نوار مرزی شام، به گوش پیامبر رسید و لـذا مصمم شد با لشکری بزرگ، نیرنگ متجاوزین را خنثی کنـد. سپاه اسلام در مسیر مـدینه تـا تبوک بـا مشقت‌های زیادی رو به رو شـد. از این جهت، به «جیش العسرهٔ» معروف گردیـد. نیروهای مسلمان در آغاز ماه شعبان سال نهم هجرت به سرزمین تبوک گام نهادند، اما اثری از اجتماع و قوای روم ندیدند. گویی آنان پس از شنیدن خبر اعزام سپاهیان اسلام، دچار هراس شده و صلاح دیده‌اند به سرزمین خود باز گردند. اما از آنجا که امکان داشت فرمانروایان محلی به حمایت از ارتش روم برخیزنـد و در آینـده برای مسلمانان خطر ساز شونـد، پیامبر با آنان پیمان «عـدم تعرض» منعقد نمود.سفر تبوک، قدرت نظامی اسلام را به نمایش گذاشت و به دشمنان نشان داد که نیروهای مسلمان می‌توانند با بزرگ‌ترین ابرقـدرت‌های جهان به مقابله برخیزند. از این جهت، اندیشه عصیانگری برخی قبایل فتنه‌گر، حداقل برای مدتی از ذهن آنان بیرون رفت. مـدت اقامت پیامبر در تبوک، بیست روز به درازا کشید و سپس ایشان به مـدینه بازگشت.۳۲از واپسین سفر تا رحلت‌آخرین سفر پیامبر در یازدهمین ماه سال اسلامی؛ یعنی ذی‌قعده و در سال دهم هجرت صورت گرفت. آن حضرت در بیست و ششم این ماه، ابودجانه را در مدینه جانشین خود کرد و به سوی مکه رهسپار شد و در ذوالحلیفه، در نقطه‌ای که مسجد شجره قرار دارد، احرام بست. آن حضرت در اوایل ذی‌حجه وارد مکه شـد و مراسم حج را به جای آورد. این سفر مقدس و تاریخی را که در آن پیامبر «مناسک حج» را به طور کامل به مردم آموخت، حج بلاغ، حج اسلام و حج وداع نامیده‌اند. آن حضرت تصمیم گرفت

مکه را به عزم مدینه ترک گوید، اما وقتی کاروان به سرزمین رابغ، در سه میلی جُحفه رسید، در هیجدهم ذی‌حجه امین وحی در نقطه‌ای به نام «غدیرخم» فرود آمد و امر خطیری را به عهده پیامبر نهاد. از این رو، رسول خدا دستور داد تا همه همراهان توقف کنند و بازماندگان برسند. آن گاه او خطبه‌ای ایراد کرد و سپس افزود: «من کنتُ مولاه فهذا علی مولاه» و بدین گونه آن حضرت، جانشین راستین خود را که امیرمؤمنان علی علیه السلام بود، به حاضران که حدود ۱۲۰ هزار نفر بودند، معرفی کرد.۳۳سرانجام آن حضرت پس از انجام این مأموریت سترگ، به مدینه آمد و در بستر بیماری قرار گرفت. آن عصاره آفرینش و اسوه شایسته و رحمت عالمیان در بیست و هشتم صفر (نیم روز دوشنبه) سال ۲۳ بعثت و ۱۳ هجرت، به سوی عرشیان کوچ نمود و پیکر پاکش در همان حجره‌ای که درگذشته بود، به خاک سپرده شد.پی‌نوشت‌ها:۱. نهایهٔ الارب فی فنون الادب، شهاب الدین احمد نویری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج ۱، ص ۸۸ و ۸۹.۲. طبقات، ابن سعد، (ترجمه)، ج ۱، ص ۱۶؛ تاریخ پیامبر اسلام، ص ۵۹.۳. نهایهٔ الارب، ج ۱، ص ۹۴؛ سیرهٔ الحلبیه، ج ۱، ص ۱۲۵.۴. تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، ص ۳۴۸.۵. همان، ص ۳۶۹؛ نهایهٔ الارب، ج ۱، ص ۹۵.۶. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۱۹۱؛ مروج الذهب، ج ۱، ص ۸۹.۷. معصوم نخست، محمد صادق موسوی گرمارودی، ص ۷۲.۸. تاریخ اسلام، دکتر علی اکبر فیاض، ص ۶۴ به نقل از الخمیس، ج ۱، ص ۲۴، سیرهٔالحلبیه، ج ۱، ص ۱۲۶.۹. سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۰۴؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۹؛ فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۹۷.۱۰. سیره ابن هشامج ۱، ص ۲۳۶؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳؛ نهایهٔالارب، ج ۱، ص ۱۶۹.۱۱. تفصیل این ماجرا در فصل بیست کتاب فروغ ابدیت، آیهٔالله سبحانی، آمده است.۱۲. مشروح ماجرای معراج را در کتب تفسیری ذیل سوره اسراء، مطالعه فرمایید.۱۳. سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۶۱؛ طبقات، ج ۱، ص ۱۰۶؛ الکامل فی التاریخ، ج۲، ص ۶۳.۱۴. نهایهٔ الارب، ج ۱، ص ۳۱۴ و ۳۱۵؛ فروغ ابدیت، ج ۱، فصل ۲۵.۱۵. طبقات، ج۱، ص ۲۳۰؛ نهایهٔ الارب، ج۱، ص ۳۲۰؛ تحفهٔ الحرمین، نایب الصدر شیرازی، ص ۲۵۱.۱۶. السیرهٔ الحلبیه، ج ۲، ص ۲۵۱؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۹۹.۱۷. تذکرهٔ الخواص، سبط بن جوزی، ص ۴۶.۱۸. سیره ابن هشام، ج۲، ص ۷۰۸ – ۷۰۶.۱۹. المغازی، ج ۱، ص ۱۸۱.۲۰. همان، ص ۱۹۶.۲۱. همان؛ بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۱۱۱؛ الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۰۱.۲۲. فروغ ابدیت، ج۲، ص ۱۰۴.۲۳. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۵۵.۲۴ سیره ابن هشام، ج۲، ص ۲۹۵؛۲۵. همان، ص ۲۶۴؛ نهایهٔ الارب، ج۲، ص۱۴۷.۲۶. فروغ ابدیت، ج۲، ص ۲۷۱ و ۲۷۲؛ نهایهٔ الارب، ج ۲، ص ۲۳۳.۲۷. مغازی، ج۲، ص ۷۶۳ – ۷۶۰؛ سیره ابن هشام، ج۲، ص ۳۷.۲۸. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۲۸؛ فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۰۳.۲۹. فروغ ابدیت، ج۲، ص ۱۸۳، ۲۸۲، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۷، ۳۳۱ و ۳۳۸؛ نهایهٔالارب، ج ۲، ص ۲۶۵ – ۲۵۷.۳۰. مغازی، واقدی، ج ۳، ص ۶۰۲ و فصل ۵۰؛ طبقات کبری، ج ۲، ص ۱۳۷ و ۱۵۰؛ نهایهٔالارب، ج ۲، ص ۲۸۸.۳۱. سیره حلبی، ج ۳، ص ۱۳۴۳؛ سیره ابن هشام، ج ۴، ص ۱۲۶؛ بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۶۲.۳۲. طبقات، ابن سعد، ج ۲، ص ۱۶۸؛ بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۶۰.۳۳. مورخان و مفسّران متعددی از اهل تسنّن، حدیث غدیر را با مدارک زیادی در آثار خود آورده‌آند که نام سیصد و پنجاه نفر از آنان در کتاب الغدیر علامه امینی آمده است.

http://hawzah.net/hawzah/Magazines/MagArt.aspx?id=۵۲۲۱۹

راهکارهای موفقیت در اقتصاد خانواده

مهدی یاراحمدی خراسانی

اشاره :«کسب در آمد حلال» و «مدیریت هزینه ها» دو گزاره ی اساسی اقتصاد خانواده است. در متون اسلامی – به ویژه در مباحث اخلاقی – عرفانی موضوعی به نام «زهد» بیان شده است. که متأسفانه تعبیر نادرست برخی از افراد آن را مترادف ترک دنیا و بسنده کردن به امور ناچیز مادّی تعریف کرده است! و حال آن که در احادیث و سیرهٔ معصومان: «زهد، به معنای عدم دلبستگی به دنیا و مظاهر مادّی آن است ». یکی از مباحث کلیدی در زندگی، شناخت مبانی اقتصاد خانواده و پرهیز از افراط و تفریط در امور مالی و

اقتصادی است.مقـدمه:اقتصاد خانواده نقش مهمی در اقتصاد ملل مختلف دارد. بخش قابل توجهی از کسب وکارهای موجود بر پایه مـدیریت یـا مالکیت خانوادگی اسـتوار است، به طوری که حـدود نیمی از تولیـد ناخالص ملی از طریق این کسب وکارها تامین می شود. اما تصور و باور اکثر ما از اقتصاد خانواده چیست؟ شیوه ی مدیریت اقتصادی خانواده ها امروزه بخش عمده ای از هویت آنان را تشکیل می دهـد. رونق و شکوفایی اقتصـادی، رشـد و ترقی خـانواده را در پی خواهـد داشت. آنچه بـاعث حفظ و رونق اقتصاد خـانواده هـا و به تبع آن اقتصـاد کشورها می گردد، آموختن این مطلب است که چگونه با کسانی که به آنها علاقه و ارتباط عاطفی داریم، ارتباطـات مـالی سـالم و منـاسبی داشـته باشیم. شایـد این کـار ساده به نظر برسـد اما در واقع چنـدان هم ساده نیست. اقتصاد خـانواده و مـدیریت آن:آنچه به راستی اقتصـاد خـانواده را منحصـر به فرد می کنـد وجود ارتباطـات درونی بین نقش هـای شـغلی و خانوادگی است، یعنی رابطه ای که به طور معمول و در غیر از مباحث اقتصادی خانواده یافت نمی شود. درک این ارتباطات درونی را می توان شاه کلیـد سالم سازی اقتصاد خانواده دانست. نگرش سیسـتمی درک روشـنی از تاثیر متقابل دو سیسـتم فرعی خانواده و اقتصـاد را بریکـدیگر و برمحیـط ارائه می دهـد. بایـد بـاور داشت که اقتصـاد خـانواده یـک فعالیت جـدی و رسـمی است نه تفنن و سرگرمی. این بـدین معنا نیست که شـما نمی توانیـد یا نباید ارتباطی عاطفی با فعالیت های مربوط اقتصاد برقرار کنید، بلکه موضوع اصـلی این است که برای تـامین هزینه هـا ، به اقتصـادی حلال، سودآور و موفقیت آمیز نیاز است. مهمترین نکته در اقتصاد خانوار و مدیریت اقتصادی خانواده بی شک دستیابی به الگوی صـحیح مصـرف (برای مدیریت هزینه ها) و برقراری سیستم درآمدی مناسب و حلال (برای مدیریت درآمد) است. مدیریت اقتصادی خانواده در شـرایط عادی باید بر اساس میزان درآمدهای هر یک از اعضای خانواده و هزینه ها تنظیم شود. همان طور که در خانواده، والـدین بایـد مـدیریت عاطفی، روانی و اجتماعی را اعمال کنند، در بحث هزینه کردن و ایجاد تعادل بین دخل و خرج نیز نیاز به مـدیریت است.هر خانواده بنگاه اقتصادی کوچکی تلقی شده است که نیاز به مـدیریت بر منـابع دارد. صـرفه جویی، قنـاعت و پرهیز از تجمـل گرایی و چشم و هم چشـمی از ملزومات اجرای مـدیریت اقتصادی خـانواده هـا و تضـمین کننـده ی موفقیت آن است. راهکارهـای موفقیت در اقتصـاد خـانواده:اگر بخواهیم اقتصاد خانواده خود را بر مبنای اصول دینی و علمی دوام و قوام بخشـیم می بایست به راهکارهای زیر توجه داشته باشـیم: ۱- برنامه ریزی برای آینده اقتصاد خانواده: بی شک برنامه ریزی برای آینده ی زندگی در تمامی خانواده ها مطرح است. در بطن یک مدل سیسـتمی اقتصاد خانواده، خـانواده و اقتصـاد آن را نمی توان از هم مجزا کرد. بنابراین زمانی که برای هر یک از آنها برنامه ریزی می کنیم، ناگزیریم دیگری را نیز مدنظر قرار دهیم. توجه به نیازهای آتی خانواده و همچنین شناخت فرصت ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده در این راستا اهمیت دارد.این کـار برای تمـام اعضـای خـانواده مفیـد خواهـد بود. می توان جلسات خانوادگی را روی این موارد متمرکز کرد. ۲- انجام مشاوره های اقتصادی: بعضاً خانواده ها در مـدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیسـتند. و یا این که با مسائل و مشـکلاتی مواجه می شونـد که به تنهـائی از عهـده ی آنـان برنمی آینـد. امروزه منـابع و مراجع بسـیاری با موضوع اقتصاد خانواده وجود دارد. برگ برنـده، شـناخت مرجع شایسـته و مراجعه به آن و کسب مشـاوره صـحیح است. از منـابع بـالقوه اطلاعات و مشاوره می توان به موارد زیر اشـاره کرد: دوسـتان و آشـنایان، اقوام، اعضای خانواده، همکاران شـغلی و ... .۳- افزایش سـطح دانش اقتصادی خانواده: ابتدایی ترین مرجع برای افزایش سطح دانش و آگاهی و به روزماندن، کتاب ها و نشریات است. ارائه آموزش های لازم به فرزندان و ارتقـا سـطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می توانـد زمینه ی خوبی برای تصـمیم گیری های صـحیح اقتصادی باشـد.۴- روحیه همکاری بین اعضای خانواده: تعامل مناسب بین اعضای خانواده و همچنین اولویت بندی نیازهای اقتصادی سـبب تقویت و سـلامت اقتصاد خانواده می گردد.۵- توجه به آموزه های دینی: ترویج مسائل اقتصاد اسلامی و دینی در خانواده و پرهیز از روحیه ی اسراف و تبذیر می تواند اقتصاد خانواده را قوام بخشد.۶- پرداخت خمس و زکات و وجوهات شرعی: یکی از مهمترین آسیب های اقتصاد خـانواده غافـل شـدن از این دو واجب دینی است. بی شـک در دین مبین اسـلام برکاتی در قالب رعایت این دو مهم برای خانوارها

وجود دارد.جایگاه فرزندان در اقتصاد خانواده: نقش کودکان و فرزندان به عنوان یکی از مصرف کنندگان عمده در خانوده ها از یک سو و همچنین جایگاه آنان در آتیه اقتصاد خانواده ها از سوی دیگر لزوم توجه به آموزش صحیح و هدایت آنان را ایجاب می نماید. با رهبری صحیح و بجا در اقتصاد خانواده، خصوصیات جمع گرایی، صداقت، دلسوزی، صرفه‌جویی، مسئولیت‌پذیری و دیگر خصوصیات مثبت رشد و پرورش می‌یابد.بایدهای شناختی فرزندان از اقتصاد خانواده:همان طور که ذکر شد هدایت فرزندان در مسیر شناخت مسائل، مشکلات، کمبود ها و محدودیت های اقتصادی خانواده ها می تواند در اصلاح رفتار مالی و همچنین واقعیت نگری آنان نقش مهمی ایفا نماید. در این راستا مبانی شناختی زیر بعنوان مسائل اساسی اقتصاد خانواده در ارتباط با فرزندان نقل می گردد:۱ـ محل کار والدین: بچه‌ها باید از محل کار والدین، حرفه آنان و سختی های شغل‌شان آگاهی داشته باشند.۲ـ همکاران: بهتر است والدین فرزندان خود را با برخی از همکاران‌شان آشنا کنند.۳ـ اهمیت خانه داری: بچه‌ها باید اهمیت وظایف، کار و زحمات خانه‌داری را بدانند و به آن احترام بگذارند. بچه‌ها باید بدانند که کارهای خانه به زحمت و تلاش فراوان نیاز دارد.۴ـ احتیاجات عمومی و مشترک: فرزندان باید احتیاجات عمومی و مشترک خانواده مانند فرش، رادیو، تلویزیون، کتاب و ... را تشخیص داده و یاد بگیرند از بعضی نیازهای خود جهت رفع نیازهای دیگر اعضای خانواده صرف نظر نمایند.۵ـ بودجه خانواده: بهتر است بچه‌ها با بودجه خانواده آشنا باشند و از مقدار حقوق و یا دستمزد والدین خود آگاهی یابند.۶ـ پرهیز از غرور در هنگام رفاه: نباید به بچه‌ها اجازه داد که اگر وضع مالی خانواده رضایت‌بخش است خود ببالند. در خانواده‌هایی که از رفاه نسبی بیشتری برخوردارند، بهتر است پول‌ها صرف نیازهای عمومی خانواده بشود. به عنوان مثال خرید کتاب بهتر از خریدن لباس اضافی است.۷ـ روحیه تلاش و کوشش: فرزندان باید بدانند که انسان‌ها در سایه ی تلاش و کوشش بیشتر برای معاش حلال و بهبود زندگی احساس غرور می‌کنند تا در پول اضافی و ثروتی که بدون دردسر به دست آمده است. ۸– صبر در تنگدستی: در هنگام تنگدستی خانواده باید روحیه صبر، بردباری و تلاش در راه آینده‌ای بهتر، گذشت و مساعدت را تبلیغ و پرورش داد. والدین هرگز نباید در مقابل بچه‌ها از وضع زندگی خود بنالند و یا شکایت کنند. بر عکس آنها باید خود را خوشبخت نشان بدهند و برای بهبود معیشت خانواده تلاش کنند و روزهای بهتری را برای خود و خانواده آرزو نمایند.۹ ـ پس انداز کردن: لازم است از درآمد خانواده مبلغی برای روزهای مهم و حساس پس‌انداز شود. ۱۰– مصرف عاقلانه: فرزندان باید بیاموزند که از وسایل زندگی به طور عاقلانه‌ای استفاده نمایند و نسبت به وسایل مشترک و عمومی خانواده دلسوزی لازم را از خود نشان بدهند.۱۱ـ ملاحظه‌کاری در استفاده از وسایل: ملاحظه‌کاری جنبه خاص دلسوزی است. دلسوزی بیشتر در افکار و تصورات انسان‌ها تجلی می‌یابد اما ملاحظه‌کاری در عادات ظاهر می‌شود. بچه‌ها باید قادر باشند و یاد بگیرند بدون اینکه لوازم و وسایل خانه را کثیف کنند یا بشکنند، از آنها استفاده نمایند.۱۲ـ افزایش حس مسئولیت پذیری کودکان: نباید بچه‌ها را برای خراب کردن یا از بین بردن سهوی وسایل خود و خانواده، مجازات یا تهدید نمود. بچه‌ها باید از بی‌احتیاطی‌شان، خودشان شخصاً احساس تأسف و مسئولیت کنند.سخن پایانی:اقتصاد خانواده دو جنبه ی اساسی دارد: اول؛ مدیریت درآمد از طریق کسب روزی حلال و دوم؛ مدیریت هزینه ها از طریق دستیابی به الگوی مصرف صحیح است. تلاش کافی در جهت دستیابی به منافع اقتصادی در صورتی که با یک سری اصول همراه باشد اقتصاد خانواده را سالم و پایدار می نماید. مثلاً اگر بچه‌ها از محل عایدی خانواده خود اطلاعی نداشته باشند و عادت کنند صرفاً نیازمندی‌های خود را مرتفع سازند و به خواسته های سایر اعضای خانواده بی‌اعتنا باشند در بازه ی زمانی کوتاهی تبدیل به مصرف‌کنندگان حریصی تبدیل می شوند که بعدها می‌توانند هم برای خود و هم برای جامعه زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار بیاورند. از طرف دیگر، اگر والدین تنها در این اندیشه باشند که فرزندشان خوب بخورند، خوب بپوشند و در یک کلام همه چیز داشته باشند، در عین حالی که خود را از ضروری‌ترین چیزها محروم می سازند، ناآگاهانه توقعات فرزندان را بالا می برند. آنان از نیازهای والدین‌شان بی‌اطلاع مانده و تنها راه ارضای امیال خود را خواهند شناخت. بر این اساس شایسته است همواره در اقتصاد خانواده جایگاه مناسبی

برای آموزش و ارتقا سطح آگاهی و آمادگی فرزندان جهت مواجهه با مسائل مالی و اقتصادی در نظر گرفته شود.

خانواده درمانی

مهین کوشک آباد

مقدمه :خانواده درمانی واژه ای است که به روش های کار با خانواده های دارای مشکلات زیستی ، روانی- اجتماعی اطلاق می شود . خانواده درمانی به ویژه در جوامعی که فرهنگی خانواده – محور دارند (مانند جامعه ایران) می تواند کاربرد وسیعی داشته باشد . همچنین وضعیت جامعه ما به عنوان جامعه ای که فرآیند گذار را تجربه می کند و در آن نقش ها در حال دگرگونی هستند توجه جدی به خانواده درمانی را ضروری می سازد . مفهوم خانواده و ارزش این نهاد اجتماعی برای هر دولت و جامعه ای اساس کار تلقی می شود و هر جامعه متناسب با ارزشهای خود ابتدا به سراغ خانواده می رود تا از درون آن شهروندان آتی خویش را بپروراند این موضوع وقتی اهمیت پیدا می کند که جامعه به خاطر تحولات ساختاری و زیر بنایی به شهروندانی جدید با طرز فکری نو نیاز داشته باشد به همین دلیل است که خانواده یکی از اولین نهادهایی است که در جامعه باید تغییر کند و تغییری در آن حاصل نخواهد شد مگر از طریق درک و شناخت علمی از کارکردها با توجه به اهمیت خانواده به عنوان اولین ساختار جامعه که پایه و اساس تربیت و تعلیم فرزندان و روابط رسمی و قانونی زن و مرد به شکل یک استاندارد مشروع و مقبول در آن بنیان نهاده می شود ، اهمیت توجه و حفظ چنین ساختاری با در نظر گرفتن نقش روانی و روحی عاطفی ، اجتماعی و رفتاری آن و الگو برداری فرزندان در یک محیط عاطفی کاملا مشهود است . نظر به اینکه در جوامع امروز درباره آینده خانواده و زندگی خانوادگی عقاید و نظریات متفاوتی ابراز می شود ، بسیاری معتقدند که در آینده ای نه چندان دور خانواده به صورتی که هم اکنون وجود دارد ، از میان خواهد رفت . پیشرفت و رشد سریع تمدن ، تکنولوژی و زندگی ماشینی غالباً اثرات منفی بر نظام خانواده گذاشته و عوارض آن میزان بالای اضطراب افسردگی و... دیگر بیماریهای روحی – روانی می باشد که آمار آن رو به افزایش است . توجه به نظام خانواده و تلاش برای حفظ پایه و اساس آن در جامعه امروزی همراه با بالا بردن سطح اطلاعات و آگاهی عموم در این زمینه از امور اساسی به شمار می رود . خانواده چیست ؟ در فرهنگهای مختلف نظرات درباره ی اینکه یک خانواده چیست و ساختار آن باید چگونه باشد متفاوت بوده است و همواره در تغییر . در آمریکا خانواده ها از زمان ورود اولین سکنه به سواحل دنیای جدید پیوسته در حال تغییر و تحول بوده است . از نظر بعضی ها خانواده خویشاوندان تنی را در بر می گیرد ، در حالی که برخی دیگر بر این باورند که خانواده شامل افرادی است که با یکدیگر ارتباط عاطفی و روانی دارند و بعضی دیگر معتقدند که خانواده مجموعه ی افرادی است که در یک منزل یا یک محله زندگی می کنند در حقیقت خانواده فاقد تعریف مشخصی است و از نظر گروه های فرهنگی مختلف تعاریف متفاوتی دارد . حصول به یک اتفاق نظر درباره ی ساختار متشکله ی یک خانواده ، دشوار است در تبین تعریف یک خانواده باید هر دو رشته عوامل فراگیر و انحصاری مد نظر قرار گیرد . برخی ها خانواده را به صورت گروهی متشکل از دو یا چند نفر که از طریق تولد ازدواج و یا فرزند خواندگی با یکدیگر مرتبط شده اند و در یک منزل با هم زندگی می کنند . برخی دیگر خانواده را شامل افرادی که هرگز ازدواج نکرده اند یا ازدواج کرده ولیکن هرگز صاحب فرزندی نشده اند و یا آنهایی که ازدواجشان به طلاق یا فوت انجامیده و بالاخره طیفی از خانواده ها را که اصطلاحاً ((غیر سنتی)) خوانده می شوند در بر می گیرد . خانواده هسته ای (زن ، شوهر و فرزندان) به طور سنتی به عنوان تامین کننده اصلی امکان تربیت اجتماعی فرزندان خردسال و نوجوان و حامی سنن فرهنگی تلقی می شود همچنین خانواده هسته ای به عنوان یک گروه اجتماعی که جامعه روابط جنسی را در آن تنها در حریم و چارچوب قانون مجاز می شمارد . (گلادینگ ۱۳۸۲ ، ۲۴-۲۵) تاریخچه خانواده درمانی خانواده درمانی ثمره ی تلاش افرادی در طول تاریخچه التیام جراحت عاطفی است قدمت اولین نوشته ها

راجع به نظام یکپارچه مداوای بیماری روانی به بیش از ۲۰۰۰ سال قبل باز می گردد . خانواده درمانی قبل از سال ۱۹۴۰تاکید بر فرد ، منابع اجتماعات و روان تحلیلی است . مهارتهای تربیت فرزند زندگی خانوادگی را ارنست گروفس ، آلفرد آدلر و موسسات همتراز خانه آموزش می دادند . مشاوره ازدواج توسط آبراهام و هاناه استون ، امیلی مود ، پوپنوآغاز شد . شورای ملی روابط خانوادگی در سال ۱۹۳۸ شروع به کار کرد . ۱۹۴۹-۱۹۴۰ انجمن مشاوران ازدواج آمریکا (AAMC) در سال ۱۹۴۲ تاسیس شد میلتون اریکسون روشهای درمانی را رواج داد که بعد ها از سوی خانواده درمانی پذیرفته شد اولین اثر درباره زناشویی درمانی همزمان توسط بلا میتل من در سال ۱۹۴۸ منتشر شد . مطالعه ی خانواده های اسکیز و فرنیک توسط تئودور لیذر ولایمن و این صورت گرفت . جنگ جهانی دوم برای خانواده ها استرس به ارمغان آورد . لایحه بهداشت روانی در سال ۱۹۴۶ در کنگره آمریکا به تصویب رسید . ۱۹۵۹-۱۹۵۰ ناتان آکرمن رویکرد روان تحلیلی را برای کار کردن با خانواده ها مطرح کرد گروه گریگوری بیتسون مطالعه الگوهای ارتباط را در خانواده آغاز کردند موسسه تحقیقات روانی (MRI) توسط دان جکسون در سال ۱۹۵۹ شروع به کار کرد کارل ویته کر اولین کنفرانس را درباره ی خانواده درمانی درسی ایسلند ، ایالت جورجیا در سال ۱۹۵۵ برگزار کرد . موری بوئن پروژه NIMH را درباره مطالعه خانواده های دارای اعضای اسکیزوفرنیک آغاز کرد .۱۹۶۹-۱۹۶۰ : جی هیلی رویکردهای درمانی میلتون اریکسون را پالایش و معرفی کرد . اولین نشریه در خانواده درمانی به نام « فرآیند خانواده » منتشر شد (۱۹۶۱) شبکه ساز خانواده درمانی شروع بکار کرد (۱۹۷۶) AAMFC در سال ۱۹۷۹ به انجمن طرفدار درمانگران ازدواج و خانواده (AAMFC) تغییر نام دارد . برنامه های ارتقای پایه آن توسط دپارتمان بهداشت ، آموزش و رفاه بازبینی شد . انجمن خانواده درمانی (AFTA) در سال ۱۹۷۷ شروع بکار کرد . کتاب اضداد و اضداد متقابل توسط گروه میلان (۱۹۷۸) منتشر شد . نفوذ خانواده درمانگر خارجی در آمریکا آغاز شد . جی هیلی کتاب درمان نامتعارف (۱۹۷۳) و روان درمانی خانواده (۱۹۷۶) را منتشر کرد .۱۹۸۹-۱۹۸۰ : عضویت AAMFT به ۱۴۰۰۰ عضو افزایش یافت . نظریه پردازان فمنیست ، به رهبری راشل هار-موستین- مفروضه های خانواده درمانی را به تدریج زیر سوال بردند . بخش روان شناسی خانواده در انجمن روان شناسی آمریکا (APA) تاسیس شد (۱۹۸۴) انجمن بین المللی مشاوران ازدواج و خانواده IAMFC در انجمن مشاوره آمریکا ACA در سال ۱۹۸۶ تاسیس شد . رهبران جدیدی در خانواده درمانی ظهور کردند که بسیاری از آنها زن بودند . شیوه های تحقیق در خانواده درمانی متدوال شد و مورد بازبینی قرار گرفت . حجم انتشارات در خانواده درمانی چند برابر شد و نشریات ادواری شبکه رسانی خانواده درمانی به ۵۰۰۰۰ رسید . ویرجینیا ستیر در سال ۱۹۸۸ در گذشت. ۱۹۹۰ خانواده درمانیهای متمرکز بر راه حل دی شی زرو ا.هانلون فراگیر شدند . رشد عضویت متخصصان در AAMFA و IAMFC و AFTA و بخش ۴۳ انجمن روانشناسی آمریکا به رقم افزوده جدیدی رسید . مراقبت بهداشتی اصلاح شد و جایگاه فراهم کننده اصلی بهداشت روانی به طرز فضاینده ای اهمیت پیدا کرد . (کلادینگک ، ۱۳۸۲ ، ۱۱۱-۱۱۲)فرآیند خانواده درمانی : درمان صرف نظر از رویکرد نظریه مشاور یک فراآیند قابل پیش بینی در خانواده درمانی است (تمامی مکاتب خانواده درمانی از حیث نظری متعهد هستند که با فرآیند تعامل خانوادگی کار کنند) بر خلاف ظواهر عینی سیستمهای متفاوت خانواده درمانی از حیث عمل به یکدیگر شباهت بیشتری دارند تا به لحاظ نظریه هایی که ارائه می دهند . برای خانواده درمانگران مهم است که از روشهای فراگیر کارکردن با خانواده آگاه باشند آنها با چنین آگاهی و اشرافی می توانند با متخصصان گوناگون در ارتباط باشند . همچنین آنها بهتر می توانند به بی نظیر بودن نظریه هایی که تحت الشعاع آنها کار می کنند پی ببرند . چنین معرفتی امکان انعطاف پذیری و اتحاد با دیگران را در حرفه های یاورانه برای آنها فراهم می کند . (گلادینگک۱۳۸۲ ، ۱۱۳)منطق زیر بنایی خانواده درمانی :یک دلیل برای خانواده درمانی این باور است که اکثر مشکلات در زندگی بروز می کند و می توان در درون خانواده آنها را به بهترین نحوی مشخص کرد خانواده ها به عنوان نیروهای قدرتمندی تلقی می شوند که خواه به سود یا به زیان اعضای خانواده بر سلامت یا ناسازگار بودن خانواده به عنوان یک کلیت و

اعضایش موثر است . (گلادینگ ۱۳۸۲ ، ۸۲)رویکرد بنیادی : اصول رویکرد بنیادی زیر بنای تمام الگوهای درمان است و با عنوان خانواده درمانی استفاده می شوند که می توان آنها را به صورت ذیل خلاصه کرد : - افراد در خانواده پیوندهای نزدیک دارند و برای درک رفتارهای مشکل دار و ایجاد تغییر در آنها تمرکز در پیوندها و باورهای اعضای خانواده معتبرتر از تمرکز بر دیدگاه درمان بر یک فرد است . - افرادی که نزدیک یکدیگر زندگی می کنند الگوهای تعاملی را بنا می کنند که از زنجیره های نسبتا ثابت گفتار و رفتار ساخته شده اند . - الگوهای تعاملی ، اعتقادات و رفتار را که درمانگر مشاهده می کند و با آنها درگیر است می توان به عنوان زمینه مشکل شناخت و به صورت علت و معلول در نظر گرفت که به شکل حلقه های بازخورد عمل می کنند و میان مشکل و خانواده پیوند ایجاد می کند . - مسایل موجود در الگوهای زندگی خانوادگی غالباً مربوط به مشکلاتی در انطباق با بعضی از تاثیرات یا تغییرات محیطی هستند . رویکرد بنیادی در واکنش به تغییرات خانوادگی و اجتماعی ذاتاً در تغییر است و اصرار پیشگامان بر ملاقات همه اعضای خانواده در یک اتاق جای خود را به شناخت اهمیت این موضوع داده که درمانگر همه خانواده را در ذهن داشته باشد و بپرسد که افراد غایب در نظر افراد حاضر چگونه اند . این شامل بسیاری از افراد در شبکه اجتماعی دوستانه است که در زمانهای مختلف در ندای افکار ذهنی « گفتگوهای درونی ، یا مولفه های خود » سهیم بوده اند . این افکار را از بسیاری بافت های مختلف به وجود می آیند که بعضی از آنها با یکدیگر در رقابت هستند . اصطلاح « گفتمان » معانی مشترک رویدادها در روابط گفتمانهای اجتماعی یعنی توصیفات مشترک دیگران از ما که جنبه هایی از هویت ما را می سازد (بارنس – ص ۱۵ – ۱۷)رویکرد سیستمی : (خانواده به عنوان یک سیستم)این عقیده که خانواده یک سیستم است بر کار لود ویک برتا لانفی استوار است . برتا لانفی زیست شناسی بود که پدیده های جوهری زندگی را به صورت تمامیتهای فردی به نام « ارگانیسیم » می دید . وی ارگانیسم را به عنوان شکلی از زندگی ، مرکب از اجزاء و فرایندهای به هم وابسته ای که در تعامل متقابل با هم هستندتعریف می کنند . صاحب نظران اجتماعی بر اساس کار برتالانفی چنین استنباط کردند که تمام سیستمهای زنده ، از جمله خانواده ها طبق مجموعه اصول مشابهی عمل می کنند یعنی آنها از درون به هم مرتبط اند . بنابراین در خانواده ، اعضا پی در پی در تعامل هستند و متقابلاً بر همدیگر موثرند . وقتی در هر یک از اعضاء تغییر یا حرکتی صورت گیرد تمام جوانب خانواده متاثر می شود خانواده یک ارگانیسم زنده است سلامت و توانایی آن برای انجام وظیفه متاثر از سلامت تمامی اعضایش است . از دیدگاه سیستمها ، خانواده ها دائماً در حال تغییر و جایگزین سازی خویش هستند « تلقی خانواده به عنوان یک سیستم مستلزم تشخیص این نکته است که روابط شکل گرفته میان اعضای خانواده بیش از حد قدرتمند هستند و سرشار از میزان قابل توجهی از رفتار ، هیجان ، ارزشها و نگرشهای آدمی است (گلادینگ ۱۳۸۲ ، ۸۲- ۸۳) رویکردهای درمانی سیستمی در مقابل فردی : خانواده درمانگران در نتیجه آغاز رویکرد مشاوره سیستمی ، مداخلاتی متفاوت با متخصصان یاوری که بر افراد متمرکز می شوند به عمل می آورند ، علیت خطی فلسفه زیر بنایی اکثر مشاوره های فردی است (مثلاً الف علت ب است) خانواده درمانی بر عکس بر تفکر حلقوی استوار است (مثلاً ـ الف و ب بر رفتار یکدیگر تاثیر می گذارند) خانواده درمانی بر « چطور » و « چه چیز » متمرکز می شوند . مثلاً ـ : چطور رفتار خاصی به خانواده کمک می کند ؟ و چه چیزی باید تغییر کند ؟ سومین تفاوتی که خانواده درمانی را از رویکردهای فردی جدا می سازد فرآیند در مقابل محتوا است . در خانواده درمانی توجه قابل ملاحظه ای در کشف پویاییهای تعاملی می شود . حال اینکه در مشاوره فردی اغلب توجه به محتوای خاصی از مطلب و موضوع مربوط جلب می شود . سرانجام اینکه خانواده درمانی از همان ابتدا با موضوعات کنون – اینجایی سر وکار دارد در حالی که بیشتر مشاوره های فردی بر اطلاعات تاریخچه ای تاکید می کنند . وقایع تاریخچه ای با موقعیت هایی مرتبط اند که تحلیل این موضوعات در آن موقعیتها به ساخت شخصیت فرد منجر می شود با این حال در خانواده درمانی اکثر موارد کانون توجه بر فراهم کردن تغییر فی الفور متمرکز است . (گلادینگ ۱۳۸۲ - ۸۴) رویکرد روانپویشی : دیدگاه روانپویشی که منبعث از الگوی

روانکاوی فروید است ، تعامل نیروهای متضاد درون انسان رامبنای انگیزه ها ، تعارضات و سرچشمه ی ناراحتی و اضطراب آدمی می داند . دیدگاه اولیه فروید در خصوص اشخاص روان رنجور دیدگاهی متعلق به اروپای میانه و انسان اوایل قرن بیستم بود . بر طبق این دیدگاه روان رنجوری نتیجه ی تعارض درونی امیال یا خواسته های جنسی و پرخاشگری باوجدان کیفر دهنده و گناه ستیز است . لیکن همان گونه که سندر خاطر نشان می سازد نظریه ی روانکاوی در عین توجهی که ظاهراً به رشد شخصیت بیمار دارد عمیقاً به تعامل فرد و خانواده اش اهمیت می دهد . بااینکه فروید بر نقش کلیدی خانواده در تکوین شخصیت فرد تاکید می ورزید . متفکران براین عقیده اند که هر دو نیروی درون روانی و بین فردی به گونه ای متقابل و دو سویه عمل می کنند . بسیاری از خانواده درمانگرهای پیشگام آموزش روانکاوی دیده بودند و هنگامی که اندیشه ی سیستمی را کشف کردند آرای روانکاوی رابه صورت عقایدی کهنه و منسوخ که آسیبهای افراد بزرگسال را مستقیماً و به گونه ای خطی با تعارضات رشدی دوران کودکی پیوند می داد کنار گذاشتند . دیدگاه روانپویشی در حوزه ی خانواده به دنبال کشف نحوه ی پیوند متقابل زندگی درونی و تعارضهای درون روانی اعضای خانواده با یکدیگر و چگونگی تاثیر این امور در اختلال روانی اعضای خانواده است . چنین تلاش هایی عمدتاً تحت تاثیر نظریه ی روابط فردی بوده است نوعی درمان روانپویشی که نخستین بار در دهه ی ۱۹۵۰ در بریتانیا پا گرفت و سعی داشت تانظریه ها و روشهای درمانی درون روانی و بین فردی را بایکدیگر آشتی دهد همزمان با ارایه رویکردهای مختلفی که دیدگاه روانپویشی را منعکس می سازند و هر کدام از آنها به طور همزمان در پی شناخت و مداخله در دو سطح از پدیده های روانی هستند : اولی شامل انگیزه های ، تخیلات ، تعارضهای ناهشیار و خاطرات واپس رانده ی هر عضو است و دومی ، دنیای پیچیده تر تعامل خانوادگی و پویه های خانواده را در بر می گیرد . (گلدنبرگ ، ۱۳۸۵ – ۱۴۱، ۱۴۲) رویکرد خانواده درمانی استراتژیک : تاکید عمده خانواده درمانی استراتژیک ، انعطاف پذیری آن به عنوان ابزار مهم کار با انواع خانواده های مراجعه کننده است . کاربرد این رویکرد در درمان خانواده ها و اعضایشان که رفتارهای ناکار سازی از قبیل بهم تنیدگی ، اختلالات خوردن و سوء مصرف مواد نشان می دهند موفقیت آمیز بوده است دومین تاکید خانواده درمانی استراتژیک این است که اکثراً درمانگرانی که خارج از این رویکرد عمل می کنند ، اکنون قویاً معتقدند که تغییر واقعی در سطح فردی و دوتایی ممکن است و همیشه نیاز نیست که کل سیستم در تغییر مرتبه پایین تر درگیر شوند . تغییر اساسی را می توان بدون درگیر شدن کل سیستم در جلسات درمان ایجاد کرد . بنابراین فرصت ها برای کسب نتایج مطلوب افزایش پیدا می کند سومین تاکید خانواده درمانی استراتژیک ، تمرکز روی نوآوری و خلاقیت است . چهارمین تاکید خانواده درمانی استراتژیک سهولت استفاده از آن همراه با سایر درمانها به ویژه مکاتب خانواده درمانی ساختی و رفتاری است .دلیل دیگری که درمان استراتژیک غالبا با سایر رویکردها ترکیب می شود یکی از مروجان همکار آن یعنی جی هی لی است که در زمینه ساختی در کلینیک راهنمایی کودک در فیلادلفیا کار می کند . دلیل دیگرتمرکز خانواده درمانی رفتاری بر تعریف ، تصریح وتغییر دادن الگوهای تعاملی خاص به روشی موازی با رویکرد استراتژیک است .یک جنبه از خانواده درمانی استراتژیک که آن را ازسایر رویکرد متفاوت می سازد تمرکز آن بر یک مشکل است . این کیفیت که به ویژه در نخستین گروه MRI آشکاراست در اوایل تکامل خانواده درمانی استراتژیک آن را از سایر روشهای خانواده درمانی جدا کرد . در اصل این رویکرد به خانواده کمک می کند که در برخورد با مشکل معلوم به سرعت و با کارآمدی منابع اش را تنظیم کند . بعضی از مدل های خانواده درمانی استراتژیک از قبیل آنهایی که هی لی توصیه می کند بر فنون قدرتمند و خبره بودن درمانگر تاکید می کند . جملگی بر خلاقیت درمانگر در یافتن راه حل برای خانواده تاکید می ورزد . (گلادینگ ، ۱۳۸۲ ، ۲۸۱ -۲۸۳) رویکرد غنی سازی ارتباط رویکرد غنی سازی ارتباط رویکردی است که دیدگاههای روان تحلیلی رفتاری ارتباطات و سیستمهای خانواده را در هم ادغام می کند این دیدگاه بر اهمیت شناخت باورهای افراد درباره علت بروز مشکلات تأکید کرده و به مراجعان کمک می کند که مهارتهایی را یاد بگیرند که آنها را قادر می کند تا

مشکلات را حل کند بطور خلاصه در این برنامه درمانگر ابتدا به مراجعان کمک می کند احساس کنند درکشان کرده است و سپس به آنها کمک می کند تا مشکلاتشان را بصورت روشن تر بشناسند و سپس پی ببرند که یادگیری مهارتهای خاص به آنها کمک می کند تا با همکاری هم مشکلات را حل کنند . درمانگر و مراجع بر روی محدوده زمانی دوره عمل توافق می کند برنامه های غنی سازی ارتباط خدماتی آموزشی هستند که برای پیشبرد و غنی کردن روابط بین افراد نزدیک و صمیمی مخصوصاً افراد خانواده طراحی شده اند . هدف برنامه افزایش رضایت روانشناختی و عاطفی موجود در روابط افراد نزدیک است . این برنامه ها رفاه شناختی عاطفی شرکت کنندگان را افزایش می دهد این برنامه ها بحث و مفاهیم عقلانی و منطقی را شامل می شود و در یک سطح شناختی بر روی مفاهیم و ایده ها عمل میکنند . (نظری ، ۱۳۸۶ ، ۱۵۳ – ۱۵۴) باورهای اساسی رویکرد غنی سازی ارتباط یک باور اولیه غنی سازی ارتباط این است که فقدان درک یا درک نادرست از خود و افراد نزدیک عملکرد ما را تحلیل می برد متقابلاً درک خود و افراد نزدیک به ما کمک میکند تا بهتر عمل کنیم و یکی از اهداف اساسی رویکرد غنی سازی افزایش این درک است . بنابر رویکرد غنی سازی ارتباط ، روابط غنی روابطی هستند که در آنها افراد ظرفیت زیادی را برای درک خود ایجاد کرده اند که این درک را انتقال دهند . هدف این کار صرفاً افزایش ظرفیت درک کردن نیست بلکه استفاده از آن برای بهبود صدمات گذشته عملکردن به صورتی موثر در زمان حال و مواجح شدن با شکستهای زندگی در آینده است وقتی مهارت غنی سازی ارتباط آموزش داده شده اند به صورت بخشی دائمی از گنجینه رفتاری فرد در می آیند و در صورت لزوم می توانند مورد استفاده قرار گیرند . این رویکرد به انسانها کمک می کند فراتر از تغییر دادن موقعیت عمل کنند آنها قابلیت افراد را برای انجام کارهای متفاوت تقویتمی کنند الگوهای مهارتی رفتار بعد از یادگیری مهارتهای غنی سازی ارتباط تغییر کرده و روشهای کارآمد تر جایگزین آنها می شود . ارزش ها در رویکرد غنی سازی ارتباط : دورتی و باس تاکید می کنند که ارزشها و اخلاقیات زیر بنایی همه فعالیتهایی است که برای خانواده انجام میشود همچنین ارزشها دارای عنصری ارزیابانه هستند ، یعنی همچون اصولی برای انتخاب کردن بین حوزه های جایگزین فعالیت ، عمل می کنند . مسئولیت درمانگر این است که اعتقادات زیر بنایی رویکرد درمانی غنی سازی ارتباط را به اطلاع مراجعین برساند تا آنها بتوانند صادقانه و آزادانه مشارکت و همکاری کنند . پایه های اساسی رویکرد غنی سازی ارتباط :رویکرد غنی سازی ارتباط بر چهار پایه اساسی مبتنی است که عبارتند از : ۱- همدلی ۲- زبان و رابطه ۳- بیان عاطفی ۴- پذیرش این اصول در همه کاربردهای غنی سازی ارتباط پایدار بوده ویک هسته مرکزی را فراهم می کنند . مهارتهایی که به مراجعان آموزش داده می شود : صحبت کردن گویا (شفاف) و یا گوش دادن پذیرا .برای تبادل اطلاعات باید یک نفر بیان کننده و یک نفر دریافت کننده اطلاعات باشد و یا بر عکس اگر در یک زمان هر دو نفر بیان کندده و یا دریافت کننده باشند ممکن است هیچ ارتباطی صورت نگیرد زیرا رابطه به نتیجه صحبت وابسته است .عنصر دیگری که در تعامل ظهور می کند مهارت برگردانی است . اصل تعهد در مهارت برگردانی بیانمی کند که از افراد بخواهید بگویند احساسات شخص دیگر برای آنها چه معنایی دارد ؟ برای رسیدن به این اهداف دوگانه دو مهارت اضافی آموزش داده می شود که عبارتند : تعمیم و بقا . تعمیم به افراد کمک می کند تا مهارتهای ارتباطی را به داخل زندگی روزمره ببرند . بقا به مراعان کمک می کند تا بفهمند اگر مهارتهای ارتباطی را تمرین نکنند ، بازگشت خواهند کرد . ۵ عنصر هسته اصلی مهارتهای غنی سازی ارتباط دامی سازند : ۱- مهارت صحبت کردن گویا ۲- مهارت گوش دادن پذیرا ۳- مهارت برگردانی(درگیری تعامل)۴- مهارت تعمیم ۵- مهارت بقاء (نظری ۱۳۸۶ ، ۱۶۲ – ۱۶۴) رویکرد روانکاوی و پویه های خانواده (آکرمن)در دهه ۱۹۳۰ ناتان آکرمن در خلال جنبش راهنمایی کودکان به کار روانکاوی کودکان اشتغال داشت ، رفته رفته توجهش به خانواده جلب شد و آن را به سان واحدی اجتماعی وعاطفی دانست .آکرمن به مدت یک دهه به درمان افراد وخانواده ی آنان می پرداخت و در ۱۹۶۰ (موسسه خانواده) را درنیویورک تاسیس نمود که به مرکز اصلی درمان و آموزش خانواده درمانی در کرانه شرقی آمریکا مبدل شد .آکرمن که گاهی

اوقات پدربزرگ خانواده درمانی نامیده می شود ، خانواده را نظامی از شخصیت های در حال تعامل تصور می کند ، هر فرد خرده نظام مهمی در داخل خانواده به حساب می آید همان طور که خانواده زیر مجموعه ی جامعه است . برای درک کارکرد خانواده می بایست درون دادهای وارده از سایر منابع مختلف مورد توجه قرار گیرد: شخصیت منحصر به فرد هر عضو خانواده پویه های خانواده در انطباق با نقش ها ، تعهد خانواده در قبال مجوعه ای از ارزش های انسانی و رفتار خانواده در قالب یک واحد اجتماعی .در سطح فردی فرآیند تکوین و شکل گیری نشانه های اختلال را می توان بر حسب تعارض درون روانی ، دفاع در برابر اضطراب ناشی از آن تعارض و رشد و پدیدایی نشانه های روان رنجور درک کرد .در سطح خانوادگی ، نشانه مزبور قسمتی از یک الگلوی تعاملی تکراری و پیش بینی پذیر تلقی می شود که به خاطر ایجاد تحریف در روابط خانوادگی بر هم می زند .به نظر آکرمن ، تعادل حیاتی بیانگر قابلیت نظام خانوادگی در سازگاری با تغییر است تعادل چیزی بیش از بازگردانی نظام بر سطح تعادل قبلی یا سطح روزمره کارکرد آن به شمار می آید .رفتار بیمارگون فرد تعادل حیاتی خانواده را بر هم می زند و درهمان حال منعکس کننده ی تحریف های عاطفی در کل خانواده است .به قول آکرمن نارسایی در تکمیل کنندگی خصیصه ی نقش هایی است که اعضای مختلف خانواده در برابر یکدیگر ایفا می کنند و تغییر و رشد و نمو در داخل نظام خانواده محدود می شود .نظر آکرمن به خانواده ای که چنین اتفاقی در آن افتاده است باید کمک کرد تا « با تجارت جدید منطبق شود و به سطوح جدیدی از مکمل بودن در نقش های خانوادگی دست یابد . تعارض می تواند در چند سطح رخ دهد – در درون یکی از اعضای خانواده میان اعضای خانواده ی هسته ای میان نسل های خانواده گسترده یا میان خانواده وجامعه ی اطراف آن تعارض در هر سطحی که باشد به سراسر نظام خانواده ریشه می دواند .اگر تعارض میان اعضای خانواده وخیم شود خانواده به دسته بندیهای مخالف با یکدیگر دست می زنند و معمولاً کسی که فرق زیادی با دیگران دارد به بلاگردان یا « تو سری خور » خانواده تبدیل می شود و این شخص منزوی می شود و به خاطر مقصر شناخته شدن دوباره دسته بندیهای جدید در میان خانواده ایجاد می شود . در رویکرد درمانی گسترده ی آکرمن به شیوه ای خونسرد و طبیعی و ظاهراً خودمانی و با استفاده از مجموعه ای از مصاحبه های رسمی و دیدار های خانوادگی می کوشد یک برداشت تشخیصی راجع به روابط پویایی میان اعضای خانواده به دست آورد .او که فردی سرزنده و با اعتماد به نفس بود و از طبیعی رفتارکردن و فاش ساختن احساس هایش ترسی به دل راه نمی داد و قادر بود همین ویژگی را در خانواده به راه اندازد . طولی نمی کشید که خانواده موضوعات سکس ، پرخاشگری و وابستگی را مطرح می ساخت .همان موضوعاتی که قبلاً۔ به خاطر خطر و قدرت تهدید کنندگی شان اجتناب می کرد .در رویکرد آکرمن تشخیص و درمان درهم تنیده شده اند درمانگر به جای آنکه از یک شیوه ی رسمی و الزامی تبعیت کند به مشاهده ی جدالهای درمانی خانواده پرداخته و به واقعیتهای تاریخی ای ظاهر می شود گوش فرا می دهد . درمانگر از نقاب حفاظتی بیرونی خانواده ، توافق های سری در مورد احتراز از سخن گفتن راجع به موضوعات خاص ، شخصیت هر یک از اعضا و سازش آنان با نقش های خانوادگی و حال و هوای عاطفی خانواده آگاهی دارد . معمولاً هفته ای یکبار به مدت یک ساعت با خانواده ملاقات می شود .به اعتقاد وی درمانگر وظیفه دارد وارد فضای خانوادگی شود تعامل ها را به راه اندازد به خانواده کمک کند تا تبادل های عاطفی معناداری داشته باشد و اعضا خودشان ، خودشان را بهتر بشناسند . از جنبه ی تشخیصی آکرمن سعی می کرد جریانات عاطفی عمیق تر خانواده – ترسها . بدگمانی ها– احساسهای نومیدی و میل به انتقام را کاملاً درک کند و با استفاده از پاسخ های هیجانی شخصی حدس می زد که خانواده چه احساسی دارد به الگوهای نقش های مکمل در خانواده پی می برد و سرنخ تعارض های عمیق تر و فراگیرتر خانوادگی را پیدا می کرد . وقتی شناخت اعضای خانواده از احساسها ، افکار و اعمالشان فزونی می یافت آکرمن به آنها کمک می کرد تا از سایر الگوهای ارتباط خانوادگی آگاه شوند و بتوانند روشهای جدیدی برای کسب صمیمیت ، اشتراک نظر و همانند سازی پیدا کنند . (گلدنبرگ ، ۱۳۸۵، ۱۴۲–۱۴۹) رویکرد میلان : چهارمین تاثیر عمده بر نحوه آمیزش کار نظری و بالینی از رویکرد میلان حاصل

شـد که در دهه ۱۹۷۰ توسط چهار روانکاو ایتالیایی بنیانگـذاری شـد و آنها برای توسعه کار گروهی اصولی گرد هم آمده بودند . این رویکرد چارچوبی ارائه می کند که در آن ها می توان ادراك روان پویشی و بین نسلی را با رویکرد سیستمی در کار با خانواده هـا آمیخت . به طور خـاص رویکرد میلاـن راههـای مفیـدی برای پرداختن به سیسـتمهای معنـایی پیچیـده و غالباً متضاد که افراد به کنشهای خود نسبت می دهنـد ، ارائه کرد . این رویکرد به قـدرت سیسـتمهای اعتقـادی توجه داشت که هم افراد و هم خـانواده ها ممکـن اسـت در طـول زمـان اسـیر آنهـا باشـند یـا عامـل شـکوفایی آنهـا محسـوب شـود . این رویکرد روشـی ارائه نمـود که درك فرآینـدهای بین نسـلی ناآگاهانه که روابط خانوادگی را در طول زمان کنترل می کننـد ، را به یك رویکرد سیسـتمی در مورد تغییر قواعـد پنهان در الگوهای ارتباطی تعاملی جاری خانواده ها پیوند می دهد. روش رسـمی که رویکرد میلان برای کارگروهی و برای تفکر سیسـتمی درباره وضـعیت های دشوار بالینی به متخصـصان ارائه کرد – یعنی اسـتفاده مداوم از فرضـیات برای هدایت سوالات درمانگر ، بررسـی چرخه ای و نفوذ متقابل در فراینـد درمانی و نیز در فراینـد خانواده ، و انـدیشه بی طرفی درمانگر نسـبت به اعضـا خـانواده – همه در حوزه خـانوادگی سه نسـلی ایتالیـایی ریشه دارد به چگـونگی سازمـان یافتن هویت خانواده پیرامون معانی ای که غالباً بدون بررسـی به ارث می رسند ، می پردازد . همچنین توجه درمانگران را به اسطوره های خانوادگی به عنوان نیرویی قدرتمند در زنـدگی درونی خانواده ها بازگردانـد . تاکیـد بر زمینه سازی به عنوان عامل اصـلی در تعریف معانی موجود در الگوهای روابط خـانوادگی ، اسـتفاده از سوالات مسـتقیم و غیر مسـتقیم برای روشن کردن منظور و تحریك کنجکاوی خود اعضای خانواده درباره ماجرا تاکید بر چرخه ای بودن فرایند های نفوذ متقابل را که به وضوح از رشته جداگانه رشد کودك به وجود آمده اند ، نیز مدنظر قرار دادنـد و راهی به درمـانگران نشـان دادنـد که بـدون تحریك احساسات شخصـی در مورد سوء اسـتفاده از قـدرت و شخصـیت درمانگر ، در الگوهای پیچیده خانوادگی مداخله نمایند . همچنین لذت و فایده کار گروهی در تکامل این الگو به عنوان کمکی در کـار بـا خـانواده ها تأثیر تعیین کننـده ای داشـته است بیشترین ارزش کارگروهی هنگام کار با خانواده هایی است که قـدرت پیوند آنها بیش از آن است که یك درمانگر تنها بتوانـد میان آن ها فرق بگذارد . بهرحال ، این الگو با تشویق درمانگران به اینکه همیشـه در رابطه با وضـعیتهای دشوار بالینی چند موقعیت متفاوت را در نظر بگیرند نوعی آزادی ایجاد کرده (ریمرز ۲۰۰۰ که سهم خاصی در کمـك به درمانگران داشـته است و صـرف نظر از اینکه به یك گروه دسترسـی دارنـد یه نه ، کار مفیـدی انجام دهنـد . (بارنس ۱۳۸۳ ، ص ۶۵-۶۷) رویکرد تحلیل گروهی نظامهای باز (اسـکینر) به نظر روانکاو بریتانیایی ، ا.سی.رابین اسکینر (۱۹۸۱) ، که در مکتب ملانی کلاین آموزشـهای درمانی را دیدده است ، خانواده هایی که در طی چند نسل به وجود می آیند ، نقاط عطف تحولی مهمی دارند مادری که از رفتارهای مناسب مادرانه بهره نبرده است یا پدری که در حد رضایت بخشـی در حقش پدری نشده اسـت ، وقتی قرار باشد به ایفای نقشی بپردازد که برای آن هیچ سر مشق درونی در اختیار ندارد ، رفتارهای نا مناسب و ناهمخوانی خواهد داشـت . اسـکینر بـا ارایـه رویکرد مبتنی بر روابـط فردی معتقـد است اشـخاص بـالغی که مشـکل ارتبـاط دارنـد ، در مـورد دیگران نگرشـهای غیر واقع بینـانه ای به هم خواهنـد زد ، زیرا هنوز هم انتظارات – یا به قول اسـکینر ، نظامهای فرافکنی ای – دارنـد که در نتیجه کاستیهای دوران کودکی در آنها باقی مانده اند . وقتی چنین اشخاصـی همسـری را برمی گزینند ، این انتخاب را دست کم تا حـدودی بر اسـاس میزان « همتـایی » دو جـانبه نظامهـای فرافکنی خویش بـا همسـرشان انجـام داده انـد ، یعنی ، زوجین هر کـدام به فرافکنی هایی مجهز هسـتند که متعلق به مرحله ای است که جنبه ای از رشـد و تحول وی در خلال آن مسـدوده شده بود هر نفر به صورت ناهشیار از طریق ازدواج می خواهـد موقعیتی فراهم آورد تا بتواند به وسـیله آن تجربه گمشده اش را ارضا کند . در سـبك کـار اسـکینر ، خـانواده درمـانی مسـتلزم شـناسایی نظامهـای فرافکنی و همچنین بر طرف سازی فرافکنیها نسبت به کودکی است که حامل نشانه ، و احتمالاً بیمار آشـکار است . این فرافکنیها به زن و شوهر بازگردانـده می شونـد و در آنجا ، راه حلهای سازنـده تری جسـتجو می شود . تصـریح تبـادل پیـام و گفتگو ، کسب بینش راجع به انتظـارات نـا متنـاسب ، تغییر و اصـلاح ساختـار خـانواده ، و

آموزش مهارتهای جدید به والدین همگی قسمتی از اقدامات درمانی اسکینر به شمار می آیند . اسکینر (۱۹۸۱) به فنون درمانی خویش ، رویکرد « تحلیل گروهی نظامهای باز » می گوید . او از طریق « نوعی حایل یا ارتباط نیمه تراوا » ، صادقانه با خانواده قاطی می شود و اجازه تبادل اطلاعات شخصی میان اعضای خانواده و خویش را فراهم می سازد . به نظر او شرط اصلی آن است که درمانگر آگاهی عمیقی از هویت خویش داشته باشد هویتی آن قدر قوی که بتواند (ولو به مدتی گذرا) در برابر بر انگیختگی عاطفی توانکاه و طاقت فرسای خانوادگی که در اثر مواجهه درمانی به وجود می آید تاب بیاورد این برانگیختگی در مورد خانواده های عمیقاً مختلی که در پی برونی کردن آسیب روانی خویش هستند بسیار شدید است . برای اسکینر ، مواجهه و رویارویی درمانی فرصتی است برای رشد و بالندگی خانواده و در مانگر به خاطر آنکه در برابر مشکلات کنونی خانواده و اعضا حالت مشتاق و پذیرا دارد ، تبادلها ونظامهای فرافکنی آنان را درک می کند . در برخی موارد ممکن است بر اساس درک خود از پویه های خانواده عمل کند و حتی به ایفای نقش بلاگردان بپردازد . در چنین مواردی او هشیارانه تمامی عواطفی را که خانواده انکارشان می کند ، به نمایش می گذارد . با اینکه چنین حرکتی با احتیاط – و فقط زمانی که ائتلاف درمانی خوبی با خانواده برقرار شد – صورت می پذیرد ، تأثیر آن برای خانواده می تواند بسیار تکان دهنده باشد . اسکینر با ابراز عواطفی که اعضای خانواده با تبانی آن را انکار یا واپس رانده اند ، و با جذب نظام فرافکنی خانواده ی پریشان ، معمای غامض خانوادگی را مستقیما تجربه می کند : او با یافتن روشهای فرار خویش ، راهی را تدارک می بیند که خانواده می تواند از آن تبعیت کند . اسکینر در رویکرد درمانی بسیار پذیرای خود ، اصول و فنون نظریه روابط فردی ، تحلیل گروهی ، و یاد گیری اجتماعی (سر مشق دهی) را با هم در می آمیزد و در عین حال ، باز هم مجموعاً خانواده را نظامی در حال تکوین می داند که محتاج باز سازی است (گلدنبرگ ۱۳۸۵ ، ۱۵۶–۱۵۹) رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر روابط فردی (شارف و شارف)بی تردید ، وفاترین رویکرد خانواده درمانی به نظریه روابط فردی منبعث از یک زوج روانپزشک به نام دیوید شاف و جیل سوج شاف است که عضو « آموزشگاه عالی روانپزشکی واشینگتن » هستند . رویکرد درمانی آنان اساساً روانکاوی است : مطالب نا هشیار بیرون کشیده می شوند و مورد بررسی قرار می گیرند برای خانواده تفسیر صورت می گیرد ، به کسب بینش اهمیت داده می شود و برای دستیابی و درک و رشد بیشتر ، در احساسهای ناشی از انتقال و انتقال متقابل کند و کاو می گردد . این دونظریه پرداز مدعی هستند که « نظریه روابط فردی ، استفاده از رویکرد تحلیلی(یا روانکاوانه) نظامهای خانوادگی را میسر می سازد ، زیرا نظریه مذبور نوعی نظریه روانکاوی درون روانی است که از دیدگاه رشد بین فردی به وجود آمده است » . شارف ها ، هم چون سایر خانواده درمان گران ، خانواده را یک نظام بین فردی و مبتنی بر دانش فرمانش می دانند که در سازگاری با یک مرحله انتقال تحولی دچار مشکل شده است . یک اختلاف اساسی در کار درمان آن است که مطابق نظریه روابط فردی ، تفسیری که درمانگر برای کسب بینش درمانجو ارائه می کند ، موضوعی حیاتی است . لیکن شیوه کار آنان بی طرفانه است و به اعضای خانواده اجازه می دهند که مشکلات ناتمام خویش را به درمان گر فرافکنی کنند– مبنی بر اینکه درمانگر ناگزیر به جزء لاینفکی از نظام خانوادگی مبدل می شود – شارف ها معتقدند که می توانند بیرون از نظام خانواده حرکت کنند و لذا در موضعی قرار دارند که علاوه بر اتفاقاتی که در خانواده در حال رخ دادن است ، می توانند بگویند در درون خودشان چه اتفاقی می افتد . به عبارت دیگر آنها از پدیده انتقال استفاده می کنند : این انتقال میان اعضای خانواده اعضای خانواده و درمانگر ، و مخصوصاً میان خانواده در قالب یک گروه با درمانگر اتفاق می افتد . خانواده درمانگرهای طرفدار نظریه روابط فردی در هنگام ائتلاف درمانی با خانواده یک جو نوازشگر به وجود می آورند و اعضای خانواده در آن حال و هوا می توانند اجزای گمشده خانواده و همچنین شخصیت خودشان را باز یابند . روابط فردی مشترک خانواده ، و همچنین مرحله رشد درمانی – جنسی و نوع ساز و کارهای دفاعی که به کار می رود ، مورد ارزیابی قرار می گیرد . برای پیوند دادن اعضای خانواده به یکدیگر از این روشها استفاده می شود : مشاهده تعامل خانواده ، تشویق اعضاء به بیان دیگاههای شخصی و همچنین

توجه به دیدگاه دیگران ، کسب تاریخچه ای از « اشخاص » درونی شده از هر عضو ، و ارائه پسخوراند حاصل از مشاهدات و تفاسیر درمانگر به خانواده بعداً ، برای اینکه خانواده الگوهای خود را تغییر داده و یاد بگیرد که برخوردشان با یکدیگر متناسب با واقعیات کنونی باشد – و نه بر اساس روابط « فردی » ناهشیار متعلق به گذشته باید به آنها کمک کرد تا الگوهای تعاملی مزمن و همانند سازی های فرافکن خویش را حل و فصل کنند . توفیق درمان را با کاهش نشانه ها در بیمار معلوم نمی سنجند ، بلکه با افزایش بینش یا خود شناسی خانواده و بهبود قابلیت آنان در غلبه بر فشارهای روانی تحولی اندازه می گیرند . یک هدف بنیادی برای این قبیل درمانگران عبارت است تشویق خانواده به حمایت کردن از نیاز به دلبستگی ، فردیت ، و رشد یافتگی در اعضاء (گلدنبرگ ، ۱۳۸۵ ، ۱۵۹–۱۶۱) درمان بافت نگر اصول اخلاقی ارتباط و تراز پرداخت خانواده (بوزورمنی – نگی) رویکرد پر نفوذ دیگری در خانواده درمانی که به الگوهای پیوند چند نسلی درون خانواده عنایت دارد ، از کارهای ایوان بوزورمنی – نگی و همکارانش سر چشمه می گیرد . نگی خانواده را به عنوان یک نظام اجتماعی قبول دارد ، لیکن معتقد است که مسئولیت های خانواده های کنونی بسیار پیچیده هستند و برای کسب تصویر جامعی از کارکرد آنان باید از زنجیره تعاملهایی که میان اعضای خانواده رخ می دهند ، فراتر رفت . به نظر نگی ، الگوهای ارتباطی خانواده که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند ، کلید درک کارکرد افراد و خانواده به شمار می آیند . عنصر بنیادی روابط اعتماد است ، و بسته به قابلیت اعضای خانواده در حفظ وفاداری و ادای دین خویش هنگام بده بستانهایی که با هم دارند ، این اعتماد می تواند کاهش یا افزایش یابد درمانگر بافت نگر به جای توجه به نشانه ی رفتاری یا آسیب خانوادگی ، منابع ارتباطی را در حکم اهرمی برای تغییر خانواده می داند ؛ روابط زمانی قابل اعتماد شمرده می شوند که امکان تبادل نظر راجع به دعاوی معتبر و مسئولیت های متقابل برای اعضای خانواده فراهم آماده باشند .با اینکه کاهش فشار روانی هدف مهمی به شمار می آید ، لیکن هدف اصلی درمان بافت نگر بهبود قابلیت ارتباطی اعضای خانواده و متعادل سازی تراز پرداختهای عاطفی و تبادلات اعضای خانواده است . ویژگی خانواده های برخوردار از کارکرد کارآمد عبارت است از توانایی توافق و مذاکره بر سر نا برابری ها و خصوصاً توانایی حفظ احساس انصاف و مسئولیت در تعاملهایی که با یکدیگر دارند . با توجه به همین موضوع خانواده درمانی بافت نگر « بافت » خانواده ، به ویژه به آن دسته از پیوندهای متقابل اخلاقی و پویا –در گذشته ، حال ، و آینده – نظر دارد که خانواده ها را به هم گره می زند . معنای ضمنی « بافت » عبارت است از گریز ناپذیری از پیامدهای بین نسلی ؛ هیچ کس از عواقب ونتایج روابط خانوادگی خوب یا بد در امان نمی ماند ، و گرفتاریهای متعلق به نسلهای قبل در ساختار خانواده کنونی باقی می ماند . همین طور « بافت » تلویحاً به معنی وجود فرصت های ذاتی و درونی در روابط مهم برای تبدیل و تغییر نتایج موجود است (گلدنبرگ ، ۱۳۸۵ ، ۱۶۱–۱۶۲) نظریه و روال کار در رویکردهای تجربه نگر / انسان گرا خانواده درمانی تجربه نگر / انسان گرا ماحصل فنون پدیدار شناختی (گشتالت درمانی ، نقش گذاری روانی یا پسیکو درام ، درمان درمانجو مدار ، و جنبش گروههای رویارویی) است که در میان رویکردهای درمانی انفرادی دهه ۱۹۶۰ شهرت خاصی یافته بودند . این شگردهای درمانی به جای حمایت از یک فن خاص روشهایی به شمار می آیند که بنا به تعریف– منحصراً با یک درمانجو یا خانواده خاص جور بودند . تمامی درمانگرهای تجربه نگر / انسان گرا بر حق انتخاب ، اراده آزاد و مخصوصاً قابلیت آدمی در علیت شخصی و خود شکوفایی تاکید می ورزند . این درمانگران اشخاصی فعال و غالباً خود فاش کننده اند که احتمالاً برای کمک به درمانجو جهت نیل هر چه بیشتر به احساسات ، حسها ، تخیلات ، و تجارب درونی شخصیشان از فنون و روشهای تحریک کننده مختلفی استفاده می کنند . درمانجو در طول درمان تشویق می شود تا نسبت به اینجا واکنون ، و تجارب فعلی زندگی اش حساس باشد ؛ انکار تکانه ها و فرو نشانی عواطف ، اموری نا کارآمد و مانع رشد تلقی می شود . خانواده درمانگرهای تجربه نگر رویکرد خود را با تعارضات و الگوهای رفتاری یگانه هر خانواده متناسب می سازند ، هر چند آنها در حد امکان دقت می کنند که هیچ گونه فرض نظری از پیش تعیین شده ای را به خانواده تحمیل نکنند . درمانگرهای تجربه نگر به جای

پرده برداری از گذشته فرد ، بـا زمـان حـال سـر و کار دارنـد . تاکیـد آنان بر اینجا و اکنون و موقعیتی است که لحظه به لحظه میان درمـانگری فعـال و دلسوز و خـانواده جریـان دارد . تعاملات اعضـای خانواده بایکـدیگر و با درمانگر تشویق می شود تا کسانی که درگیر این تعاملها هسـتند بتوانند رفتارهای رشد افزاتری در خود به وجود آورند . یعنی فرصتی برای خود انگیختگی ، آزادی بیان ، و رشـد شخصـی اعضـای خـانواده ، همین تاکیـد برنفس تجربه بین فردی به جـای تکیه بر فنـون است که محرک رشـد و کمـال در رویکرد مزبور به شـمار می آیـد . (گلدنبرگ ۱۳۸۵ ، ۱۷۱–۱۷۳)رویکرد گشـتالت درمانی خانواده (کمپلر) تمامی رویکردهای خـانواده درمـانی ، کم و بیش از مـاهیتی وجودی (هستی گرا) برخوردارنـد . درمانهـای متاثر از وجود گرایی ، بیشتر نوعی نگرش برای درک رفتار انسان هسـتندتا مکتبی رسمی از روان درمانی ، و علاقه مندند جهان را همان گونه درک کنند که یکایک اعضای خـانواده و همچنین خـانواده در قالب یک کل کارکردی آن را تجربه می کننـد . این درمانها مشترکاً بر معنایی که بیمار برای وجود یابودن قایل می شود ، تکیه دارنـد. در این چارچوب فکری ، روانـدرمانی نوعی رویارویی بین دو یا چند نفر است که دائماً در حال رشـد و تحول ، تکامل ، و شـکوفا سازی توان درونی خویش اند . فنون درمان اموری بی ارزش تلقی می شوند تا بدین طریق از این که یـک نفر طرف مقابـل را به صورت یـک شـی ء مورد تجزیه و تحلیـل قرار دهـد ، جلوگیری شود . بر خلاـف این باور رایـج که درک رفتار در اثر فنون مختلف حاصل می آیـد ، درمانگرهای وجودی معتقدنـد که فنون منبعث از درک رفتار هسـتند . اگر وجود گرایی به نحوه تجربه آدمیان از وجود بلاواسـطه خویش علاقه داشـته باشد ، روانشناسـی گشـتالت بر نحوه ادراک آنان ازاین وجود تاکید می ورزد . فردریک (فریتز) پرلز با قبول تلویحات درمانی وجود گرایی به علاوه بسیاری از واژگان فنی روانشناسی گشتالت ، باعث و بانی جنبش گشتالت درمانی در ایالات متحده به شمار می آید . نقش درمانگر در گشتالت درمانی عبارت است از کمک به درمـانجو برای کسب آگـاهی از نحوه به کـارگیری نـاموثر منابع و امکانات شخصـی و نشان دادن کارهایی که باعث می شود از دست یابی به اهداف باز بمانند وظیفه درمانگر آن نیست که به درمانجو بگوید چرا آنها به این شـیوه عمل می کنند . تبیین و تفسـیر رفتار خود شکن از طریق باز سازی خاطرات گذشته یا گزارشهای تاریخچه ای ، نقشی در تغییر این الگوهای رفتاری ناموثر ندارند . گشـتالت درمـانی خـانواده کوششـی است برای ترکیب اصول و روشـهای خـانواده درمـانی و گشـتالت درمـانی به منظور کمـک به آدمیان فرا رفتن از سـطح بازیهای خود فریب ، دفاع ها ، و ظواهر متعارف . در اینجا ، هـدف هـدایت و راهنمایی آنان برای آگاهی بیشتر از احساسـها و رها سازی آنها است و فراوان اتفاق می افتد که این امر با اسـتفاده از رفتارهای صـریح شـخص درمانگر صورت پـذیرد ؛ به طور آرمـانی اعضای خانواده از تاثیرات متقابل خویش بر یکـدیگر آگاه می شونـد ، نشانه های بیمار معلوم بر طرف می گردد و خانواده روشهای جدیدی برای کار و زندگی با یکدیگر فرا می گیرد . در یک رویارویی موثر درمانی باید چهار شرط زیر برآورده شوند :۱– آگاهی روشن و صریح راجع به این که در هر لحظه از زمان « من که هستم » . این امر مستلزم آگاهی از نیازهای من در هر برهه از زمـان است .۲– شـناخت یـا ارزیـابی حساس از کسانی که من با آنها هسـتم و بافتی که این رویارویی در آن قرار دارد . ۳– پرورش و اسـتفاده از مهارتهای ظریف من به گونه ای تا حد بضاعتم بتوانم به آنچه ازاین رویارویی نیاز دارم ، دست یابم . ۴– قابلیت خاتمه دادن به رویارویی . (گلـدنبرگ ۱۳۸۵ ، ۱۸۴–۱۸۷) رویکرد مبتنی بر فرآینـد اعتبار یابی انسان (ستیر) جایگاه محوری ویرجینیا ستیر در تاریـخ جنبش خانواده درمانی موضع بی همتایی دارد ، چونکه تنها زن و یگانه مـددکار اجتماعی است که در میان روانپزشـکان مـذکر سـفید پوست به چشم می خورد . در واقع ، شاید او از اکثر همتایان مذکرش زودتر به کار با خانواده ها پرداخته باشـد . سـتیر به همراه آکرمن معمولاًـ در زمره اولین و پرجـاذبه ترین رهـبران این حوزه به شـمار می آیـد ، بـا اینکه ستیر به خاطر پیونـد آغازینش با MRI طرفـدار رویکرد پیـام رسـانی جلوه می کرد ، کـارش در اسالن که مرکزی رشـدنگر بود ، او تشویق کرد تا چهارچوب انسان گرا را به رویکرد خویش اضافه کند و شماری از فنون رشد افزا (مثلاً آگاهی حسی ، رقص ماساژ ، و فنون رویـارویی گروهی) را به منظور تحریـک احساسـها و تصـریح الگوهـای پیـام رسانی خانواده به کار گیرد . ستر (۱۹۸۶) در آخرین

تـالیفش رویکرد خود را « الگوی فراینـد اعتبـار یابی انسان » نامیـد ؛ در این رویکرد ، درمانگر و خانواده نیروی خود را به هم درمی آمیزنـد تـا فراینـد ذاتی افزایش سـلامت روان را در خـانواده به تحریـک درآورنـد .ستیر خـانواده را یـک نظـام متوازن می دانست . مخصوصاً او مایل بود « بهایی » را که نظام برای حفظ توازن کلی آن واحد «می پردازد» تعیین می کند ؛ یعنی ، او نشانه های اختلال در هر عضو را علامـتی دال بر وقفه رشـد و کمـال می دانـد که برای نظـام خانوادگی ارزش تعادلی دارد ، چرا که خانواده بایـد این انسـداد و تحریف رشـد را به شـکلی در تمامی اعضای آن به وجود آورد تا توازن آن حفظ شود . عامل مهم دیگر در رشد و کمال فرد عبارت است از مثلث روان ، بـدن ،و احساس . قسـمتهای بدن غالبا از معنایی اسـتعاری برخوردارند ، هر قسـمت معمولا ارزشـی مثبت یا منفی دارد که صاحبش ارزش آن را تعیین می کند . برخی محبوب هسـتند ، سایر قسـمتها نامحبوب اند ، و برخی را نیز باید تحریک کرد . ستیز با استفاده از عملی که آن را ضیافت اندامها می نامند ، درمانجو را ترغیب می کند تا از این اجزا آگاهی یافته و یاد بگیرد که از آن ها « به شیوه هماهنگ و یکپارچه » استفاده کند .)گلدنبرگ ، ۱۳۸۵–۱۹۳–۱۹۵ (نظریه و روال کار در رویکرد سـاخت نگر : به طور اخص ، سـادگی این نظریه دربـاره سازمان خانواده ، همراه با پژوهشـهای مسـتند و رویکردهای خاص مـداخله درمـانی که سـالوادور میتوچین و همکـاران وی کرده انـد ، بـاعث شـده است که گروه کثیری از خـانواده درمانگران طرفـدار نظریه سیسـتمها ، دیـدگاه ساختـاری را انتخـاب کننـد . خـانواده درمانی ساخت نگر به خاطر تأکیـد بر بافت خانواده در پدیـدایی مسائل و همچنین یـافتن راه حلهـای درمـان آن مشـکلات بـا رویکردهـای دیگر نظامهـای خـانواده وجه اشـتراک دارد بـا وجـود این کـاربرد استعارهای فضایی و سازمانی آن چه از لحاظ توصیـف مشـکلات و شـناسایی راه حلها چه از لحاظ تأکید بر رهنمودها و دستورات مسـتقیم و فعال درمانگر باعث منحصر به فرد بودن این رویکرد می شود . نظریه پردازان ساخت نگر بر : ۱) کلیت نظام خانواده ، ۲) تاثیر سازمانی مرتبه ای خانواده ۳) کارکرد به هم پیوسـته ی نظام های فرعی آن تاکید دارند و آنها را تعیین کننده ی اصلی بهزیستی اعضـا می دانـد . اولین هـدف درمانگران ساختاری عبارت است از تلاش فعالانه برای تغییر سازمان در خانواده ی بـدکار و تصورشان بر این است که تغییرات رفتاری فردی و همچنین کاهش نشانه ها ، به دنبال تغییر بستر تبادلات خانواده حادث خواهند شد . وقتی نقش درمانگر ساختاری آن است که شـخصاً عامل تغییر باشـند ، فعالانه با کل خانواده درگیر شود چالش هایی به راه انـدازد که تغییرات انطبـاقی را به وجودمی آورنـد و هرگـاه اعضـای خانواده بکوشـند که با پیامـدهای حاصـله کنار آینـد آنها را حمایت و رهبری کنـد . (گلدنبرگ ۱۳۸۵ ، ۲۳۳–۲۳۴) مزایـای کـارکردن بـا خانواده :مزایای بی شـماری برای کار با کل خانواده به عنوان یک واحـد به عوض فقط کسانی که در آن زنـدگی می کنند ، وجود دارد اولاً ، خانواده درمانی به متخصـصان اجازه می دهد علل را بـه صـورت حلقـوی و نیز گـاهی اوقـات « خطی » ببیننـد . مزیـت دوم خـانواده درمـانی که در کـار بـا اعضـای خـانواده و مسـایل خـانوادگی درمـان مرجـح است ، این واقعیت است که در این روش درمـان ، افراد مهم و واقعی جزیی از فراینـد هسـتند . هیچگـونه جانشـینی که ممکن است به عنوان افراد مهم در زنـدگی شـخص رفتـار کننـد یا نکننـد ، وجود نـدارد . درمانگران راساً با اشـخاص درگیر سـر و کـار دارنـد . به تعبیری ، اکثر خـانواده درمـانگران به بـازی نقش یـا شبیه سـازی نقش متکی نیسـتند . سومین مزیت به کارگیری خانواده درمانی به عنوان شـیوه درمانی مرجـح این است که در این فرآینـد تمامی اعضای خانواده پیام یکسانی را دریافت می کننـد . بـا آنهـا همزمـان در افتاده می شود تا روی مسایل با هم کار کننـد . این رویکرد ، راز و رمزها را از بین می برد و اساساً آنچه را نهـان است ، آشـکار می کنـد . نتیجه گشـایش ارتبـاط است . مزیت چهـارم در اسـتفاده از خـانواده درمانی آن است که به عنوان یک قاعده ، مختصـرتر از مشاوره فردی است . بسـیاری از خانواده درمانگران گزارش می دهند که طول مدت زمانی که آنها درگیر کار با خانواده هسـتند می تواند چند ماه باشد ، در واقع بعضی از رویکردهای خانواده درمانی ، به طور مشخص آنهایی که با خانواده درمانی استراتژیک مرتبط انـد ، روی قرار داد با خانواده مراجع برای مدت زمان محدود تأکید می کنند . وضـعیت پنجم در اسـتفاده از خـانواده درمـانی آن است که رویکردهـای به کـار رفته در کـار بـا خـانواده هـا به جـای توجه محض بر روابـط درون

شخصی به روابط بین اشخاصی توجه می کند .آخرین وضعیت خانواده درمانی بر سایر روشهای یاوری این واقعیت است که شواهد مستندی وجود دارد مبنی بر این که برخی رویکردهای مناسب شرایط خاصی هستند . (گلادینگ ۱۳۸۲، ۸۵-۸۶)به فعل درآوردن الگوهای مراوده ای خانواده : با اینکه درمانگر بایـد جایگاه رهبری خود را حفظ کنـد در عین حال بایـد از خطر این جایگاه ، یعنی خطر مرکزیت یـافتن بیش از حـد هم پرهیز کنـد خـانواده بـا روی آوردن به درمـان به دنبال کمک یک متخصص است آنها انتظار دارنـد وضع خود را برای او توصیف و از او راهنمایی بگیرنـد . درمانگر به مشاهده ی نشانه های غیر کلامی می پردازد نشانه هایی که در تأییـد یـا تضاد با گفتار خانواده است . بافت بین اشخاصـی مراوده همواره ارتباط را تقویت ، تعـدیل یا نفی می کنـد .حضور درمانگر همواره یک عامل تغییر زا است . با سوق دادن بعضـی اعضای خانواده به طرف تعامل با دیگری در یک چاچوب مشخص می توان سناریوهای خـانواده را خلق کرد . تعلیم هـا بایـد صریح باشـد . بر انگیختن گفتگوهـا نسبتاً ساده است درمانگر می تواند گوش به زنگ باشد تا یکی از اعضای خانواده راجع به دیگری شروع به صحبت کند ، آنگاه سخنگو را سوق می دهد به اینکه به عوض صحبت راجع به دیگری با خود آن فرد حرف بزند . وقتی خانواده برای اولین جلسه وارد می شود طرز نشستن آنها می تواند سر نخ اتحادهـا . ائتلافها محور بودن و یا منزوی بودن باشـد . تغییر دادن مکان اشـخاص در عین حال تکنینی برای ترغیب و تشویق گفتگو است . تغییر مکـان می توانـد یـک شیوه ی موثر در کـار روی مرزها باشـد اگر درمانگر بخواهـد مرزی ایجاد کنـد یا آن را تقویت کنـد می توانـد اعضـای زیر منظومه را به وسط اتاق بیاورد و از سایر اعضای خانواده بخواهـد که صـندلی های خود را عقب بکشـند طوری که بتواننـد ناظر باشـند ولی نتواننـد دخالت کننـد . در یک خانواده ی بهم تنیـده باید مرزها به منظور تسـهیل فردیت یـافتن اعضـای خـانواده تقویت شود . استقلال فردی را می توان با قواعـد ساده ای که به عنوان جزئی از قواعـد کلی حاکم بر واحد درمـانی اعمـال می شود حفـظ و تقویت کرد (مینوچین ، ۱۳۷۳ ، ۱۸۷-۱۹۲)خـانواده درمانی رفتار و شـناختی – رفتاری بر اساس یکی ازکامـل ترین رویکردهـای تحقیق شـده و بر کمـک به خـانواده ها یعنی نظریه یادگیری اسـتوار است . سرچشـمه این نظریه به اوایـل قرن بیسـتم بـاز می گردد . پیشگامان اولیه آن کسـانی همچون ایوان پـاولف ، جـان . ب.واتسون ،و ب.اف. اسـکینر بوده اند .خـانواده درمـانی رفتـاری دارای چهار شـکل اصـلی تعلیم رفتاری به والـدین ، زناشویی درمانی رفتاری ، درمان اختلال در عملکرد جنسی و خانواده درمانی کارکردی است . این تاکیدها غالباً از روشهای شناختی – رفتاری استفاده می کنند . همه آنها بجز رویکرد چهارم خطی هستند و بر روابط فردی یا دوتایی تاکید می ورزند . بسیاری از مداخلات مورد استفاده در خانواده درمانی رفتاری و شناختی – رفتاری همان مداخلاتی هستند که در درمان فردی به کار می روند. تقویت ، شکل دهی ، حذف کردن ، سر مشق دهی ، بازی نقش ، ایست فکری ، و خاموش سازی رایج هستند . با این حال ، جنبه های خانواده درمانی رفتاری و شناختی – رفتاری نیز شامل مواد عملی جدیدی نظیر قرار دادهای مشروط (وابستگی) ، قرار دادهای یک جانبه ، و رفتارهایی است که بر اصل رفتار نظیر اسـتوارند . در بهترین حـالت ، رویکردهـای خـانواده درمـانی رفتاری و شـناختی – رفتاری عینی برای کمک به والـدین ، زن و شوهرهـا ، و خـانواده هـا برای تغییرکردن فوراً قابـل کـاربرد هســتند . شـاخه ای از یکی از ایـن رویکردهـا ، یعنی خـانواده درمـانی کارکردی ، سیستمی است . مفاهیم اصـلی که درمان بر اساس آن اسـتوار است در حـد گسترده ای مورد تحقیق قرار گرفته انـد . از میـان تمـامی خـانواده درمانیهـا رویکردهـای خـانوادگی رفتـاری و شـناختی – رفتـاری علمی ترین آنهاست. از طرفی ، رویکردهای خـانواده درمـانی رفتاری و شـناختی – رفتاری در بیشتر اوقات هنوز هم به میزان بسـیار زیادی بر دیـد خطی و محـدود به خانواده ها تکیه می کند .این رویکردها قدر مسلم می دانند که اگر درمان برای یک واحد در خانواده و برای نشانه های مرضی مشکل به کار رود سـایر جنبه هـای خانواده نیز تغییر خواهـد کرد . منابع :

۱- بـارنس ، گیل گوریل ، (۱۳۸۳) خانواده درمانی در گـذر زمان . ترجمه . فریـده عباسـی دلـوئی(مشـهد : انتشـارات ارسطو) چاپ اول . ۲- گلادینـگ ، ساموئـل ، (۱۳۸۲) خـانواده درمـانی (تـاریخچه ، نظریه ، کـاربرد) ترجمه : فرشـاد بهـاری و همکـاران . (تهران : انتشارات تزکیه) چاپ اول . ۳- گلدنبرگ ، ایرنه–

گلدنبرگ ، هربرت ، (۱۳۸۵) خانواده درمانی . ترجمه : حمید رضا حسین شاهی برواتی و همکاران (تهران : نشر روان) چاپ دوم ۴- مینو چین ، سالوا دور (۱۳۷۳) خانواده و خانواده درمانی . ترجمه : باقر ثنائی تهران : انتشارات امیر کبیر چاپ چهارم . ۵- نظری ، محمد علی (۱۳۸۶) مبانی زوج درمانی و خانواده درمانی ، تهران : نشر علم ، چاپ اول

ازدواج و موانع آن

تحقیق میدانی؛ بررسی تأثیر ازدواج درست بر سلامت و دوام و نقش آن بر زندگی زوجین– ازدواج برای جوانان مشکل شده است– محققین: حلیمه مشکانی – زینب غفاریان فرد مقدمههدف از انتخاب این موضوع و طرح آن به علت مطرح نمودن مشکلاتی که از طرف دوستان و آشنایان می‌شنیدم که ازدواج برای جوانان مشکل شده است یا اینکه آمادگی ازدواج ندارم در صورتی که این امر نیاز همه آنها بوده اما چه می‌خواستم بدانم، علت چیست؟ با اینکه همه آنها تمایل به این امر را دارند. چرا آن را سرکوب می‌کنند، هم دختران و هم پسران از طرف هر دو قشر این امر کنار زده می‌شود و به تاخیر می‌افتد و موجب ازدواج‌ها در سنین بالا می‌شود و سنین بالا موجب افزایش توقعات همین طور تاخیر. این تاخیر تا کجا ادامه خواهد یافت؟ پس از بررسی و تحقیق مهمترین عاملی که باعث بالا۔ رفتن سن ازدواج می شود موانع اقتصادی است که در متن اصلی تحقیق به بررسی و طبقه بندی و اهداف ازدواج و ارائه راهکارها خواهیم پرداخت تا شاید تاثیر گذار باشد.بیان مسئله:زمان با رشد فیزیکی جسم, نیرومندتر می شود و سرانجام به صورت میل و غریزه جنسی, ظهور و بروز پیدا می کند. به همراه بلوغ جنسی, سایر غرایز خفته نیز در وجود جوان بیدار می شود. بلوغ, عواطف و احساسات جوان را شکوفا می کند, او را با دنیای جدیدی آشنا می سازد و جوان در خود احساس تازه ای را می بیند.غریزه جنسی, یک خواسته طبیعی است که باید به درستی و به طور صحیح به آن پاسخ داده شود, زیرا در غیر این صورت, اثرات نامطلوبی را در پی خواهد داشت. همان طور که نمی توان این خواسته طبیعی و خدادادی را نادیده انگاشت و یا آن را سرکوب کرد, چرا که باعث بروز بحران های روحی و اخلاقی در فرد می شود, همان گونه نیز نمی توان آن را بی قید و شرط و آزاد گذاشت, زیرا آدمی را به منجلاب فساد اخلاقی می کشاند و از راه صحیح زندگی خارج می کند.منطقی نیست که بگوییم این میل, تنها برای لذت جویی و هوس رانی است, چرا که غرض خداوند از ایجاد این کشش و جاذبه جنسی, علاوه بر لذت جویی زن و مرد از یک دیگر, تولید و بقای نسل, ایجاد مهر و محبت و آرامش و سکون روح و روان هریک از آنان است که با ازدواج میسر است.حال باتوجه به سئوالات زیربه روشن شدن مسئله کمک می نماییم.۱-آیاازدواج راهی برای گریزازمشکلات جوانی وتکامل شدن است؟۲-آیااگرازدواج بافکرواندیشه همراه باشد،دوام زندگی مشترک تامین خواهدکرد؟۳-آیااگردرانتخاب همسرمعیارهای اجتماعی طرفین رعایت شود،نتیجه قابل قبول بدنبال خواهدداشت؟اهمیت موضوع:سلامت جامعه در سلامت خانواده،که کوچکترین جزهمان جامعه است بایدجستجونمود.اگرجامعه ای ازآسیب های اجتماعی رنج می برد،هنوزنتوانسته سلامت خانواده راتامین نماید.تامین سلامت خانواده،بستگی به معیارهای درست درانتخاب وتشکیل اولیه هسته آن یعنی معیارهای

صحیح انتخاب همسرمیباشد. به همین دلیل برایانتخاب همسراین قدرسفارش شده است.فرضیات تحقیق:۱-ازدواج سلامت جسم وروان جوانان راتضمین می کند.۲-سلامت جامعه متکی به داشتن خانواده سالم است.۳-ازدواج راهی برای گریزازمشکلات روحی وجسمی وتکامل شخصیت است.۴-دوام زندگی مشترک بستگی به انتخاب صحیح همسردارد.اهداف تحقیقالف: هدف کلیبررسی تاثیرازدواج درست برسلامت ودوام ونقش آن بر زندگی مشترک زوجینب: اهداف جزئی۱-بررسی میزان تاثیرازدواج برسلامت جامعه۲-بررسی تاثیر ازدواج بررفع مشکلات جسمی وروحی جوانان۳-بررسی نقش انتخاب صحیح همسردردوام زندگی مشترک۴-تاثیرازدواج برآرامش روحی جوانانفصل دومادبیات تحقیق:مفهوم ازدواج ازدواج اساس و بنیان وجود موجود است و ادامه سلسله نسل انسان، امر مقدسی است که مورد تاکید و توجه اسلام و بزرگان مکتب و پیشینیان سرزمین مان بوده و هست. در دین مبین اسلام تا آن جا توصیه شده که ازدواج را عامل حفظ نیمی از ایمان می‌داند و معتقد است فردی که ازدواج می کند باید برای تحصیل نیم دیگر ایمانش بکوشد. رسم دیرین ازدواج از دیرباز در سرزمین کهن ایران وجود داشته و در میان قبایل و طوایف گوناگون، اشکال مختلفی به خود گرفته است و تغییر و دگرگونی آداب و رسوم ازدواج در طول زمان و میان افراد و جوامع مختلف به صورت عرف‌های این مرز و بوم درآمده است که باید با دید احترام و منطقی و جامع به آنها نگریست و از آن ها درس گرفت. این عرف‌ها وقتی که با رهنمودهای الهام بخش دین اسلام، عجین شد صورتی معنوی به خود گرفت و زینتش بسی فزونی یافت و تقدس بیش تری پیدا کرد. اما امروزه این رسم دیرپا و مقدس، با تحول اوضاع جهان، از جمله ماشینی شدن زندگی انسان‌ها و صنعتی شدن کشورها، از جمله کشور ما، دستخوش دگرگونی‌هایی شده است. عواملی که بررسی و شناخت همه آن‌ها به پژوهشی عمیق نیاز دارد، باعث شده است که این پدیده برای جوانان که سخن گفتن از ازدواج، بالطبع حضور آنان را می‌طلبد به صورت امری که دست یافتن به آن چندان آسان نیست، در آید. رسم و رسوم ساده و بی پیرایه روزگاران پیشین و انجام مراسم به دور از هر گونه ظاهرسازی و تجملات و فخر فروشی و در عین حال توام با عشق و محبت، به مراسمی پر خرج و صحنه نمایش قدرت و توان مادی خانواده‌ها در آمده است. این امر هشدارها و نگرانی‌های برخی از صاحب نظران عرصه دین و فرهنگ را نیز سبب شده است که مبادا این جریانات خدای نکرده به خروج آیین و سیره اسلام و پیشوایان دینی بینجامد. از طرف دیگر مشکلات عدیده اجتماعی را برای جامعه، به وجود آورده است. بی شک یکی از دل مشغولی‌های مهم جوانان جامعه ما و خانواده‌های آن‌ها ازدواج و تشکیل زندگی مستقل است که برای رسیدن به آن با مشکلات و موانعی روبه رویند که هم صحبت شدن با آن‌ها و گوش فرا دادن به حدیث دلشان تنها کاری است که از دست ما بر می‌آید. وقتی تاریخ گذشته جامعه‌مان را مطالعه می کنیم یا در فیلم‌ها و سریال‌ها و یا به روشی دیگر مشاهده می کنیم در می‌یابیم که در گذشته‌ای نه چندان دور ازدواج روند طبیعی و عادی خود را داشت و تنها شرط اصلی ازدواج رسیدن زوجین به سن بلوغ بود و در این زمان ازدواج با کمال صفا و صمیمیت و سادگی انجام می گرفت. اتفاقا چون زندگی زوج جوان با محبت و صفا و حیا از اطرافیان و احترام به بزرگان شروع می‌شد و از یک سری آلایش‌ها و ظاهرسازی‌های امروزی مبرا بود. با ثبات و مستحکم‌تر بود. اما امروزه بالا رفتن توقعات خانواده‌ها و جوانان، محدودیت امکانات رفاهی و مادی و سایر مشکلات اقتصادی و اجتماعی سبب شده است سن ازدواج بالا برود. به نظر می‌رسد که تفاوت‌های اصلی ازدواج‌های قدیم و جدید در این است که الان همگان انتظار دارند که جوانان باید زندگانی خود را با وجود تمام امکانات شروع کنند. در حالی که در گذشته چنین انتظاری که تا حدود زیادی غیر ممکن نیز هست، وجود نداشت. جوانان تمایل دارند امکانات زندگی را خودشان داشته باشند و از این لحاظ نیازمند دیگران از جمله خانواده‌های خود نباشند چرا که در حال حاضر در جامعه ما دیگر کم‌تر جوانی است که بعد از ازدواج در کنار خانواده خود زندگی کند، بلکه برای یافتن شغل و غیره مجبور است خانواده خود را ترک کند در حالی که در گذشته، پسر خانواده وقتی که ازدواج می کرد در کنار پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده باقی می‌ماند و به کار قبلی خود و خانواده‌اش ادامه می‌داد. بنابراین نیازی بر این که همه امکانات و اسباب زندگی را به

تنهایی داشته باشد، احساس نمی‌شد. اکثر جوانان جامعه مان برای ازدواج با مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی مواجهند که ازدحام جمعیت، کمبود امکانات و منابع، مسکن و غیره از دلایل این مشکلات است که این موانع باید با گذشت زمان و از طریق برنامه‌ریزی‌های میان مدتو بلند مدت برطرف شود. ولی سری دیگر از مشکلات، مشکلاتی‌اند که متاسفانه پندارهای غلط و اغراق آمیز، عادات و رسوم عادی از واقعیت موجود در جامعه، آنها را به جوانان و خانواده‌های آنها تحمیل کرده است و نمونه‌های آن در جامعه ما کم نیست. مثلا اعتقاد داشتن به این که جوانی که به خواستگاری می‌آید باید شغل مناسب و پر درآمد، ماشین، مسکن، تحصیلات بالا داشته باشد و پول زیادی نیز در مراسم عروسی خرج شود. این‌ها مشکلاتی است که می‌توان با همت و اراده جمعی و واقع‌نگری از میان برداشت و نوید زندگی با دغدغه فکری کم‌تر و انتظارات واقع بینانه‌تر همراه با محبت و صفای بیش‌تر را به جوانان داد. در این زمینه رسانه‌های ارتباط جمعی و ریش سفیدان و افراد متشخص اجتماعی می‌توانند نقش به سزائی را ایفا کنند و همواره خانواده‌ها را به ساده زیستی و عدم تجملات و تشریفات و الگو گرفتن از زندگی بزرگان دین اسلام دعوت کنند تا خانواده‌ها بر این باور برسند که خوشبختی در زندگی به خرج کردن پول زیاد، یا میریه و شیربهای بسیار بالا و مهمانی‌های پر هزینه و ... نیست و باید پذیرفت که بالاـ بودن میزان مهریه زنان، تداوم و خوشبختی زندگی را به همراه ندارد.تعریف ازدواج قراردادی است رسمی برای پذیرش یک تعهد متقابل به منظور تشکیل زندگی خانوادگی، تا طرفین ازدواج در سایه آن، در خط مسیر معین و شناخته شده‌ای از زندگی قرار گیرند. این قرارداد با رضایت و خواسته زن و شوهر و بر مبنای آزادی کامل دو طرف منعقد می‌گردد و در پرتو آن روابطی بس نزدیک بین آن دو پدید می‌آید. این قرارداد ارتباط و پیوند دو طرفه به وسیله الفاظ و عباراتی معین انجام می‌گیرد که آن را (عقد) یا (پیمان ازدواج) می‌نامیم. (اکبری، ۱۳۷۹، ۱۵)ضرورت ازدواج به طور کلی ضرورت‌های ازدواج عبارت است از: الف ـ ضرورت فردی. ب ـ ضرورت اجتماعی. ج ـ ضرورت مذهبیالف ـ ضرورت‌های فردی:۱ ـ پاسخ مثبت به فطرت: انسان به حکم فطرت، دارای غریزه جنسی است و طبیعت و فطرتش ایجاب می‌کند که ازدواج کند.۲ ـ عامل بروز استعدادها: استعدادها برای بروز و تکامل خود نیازمند محیطی امن و آرامند. ازدواج برای جوان آرامش و آسایش ایجاد می‌کند. استعدادهای او را به حرکت در می‌آورد و به او امکان می‌دهد که از آن به نیکی بهره‌وری کند.۳ ـ عامل امنیت و آسایش: اصولا ((بلوغ)) یعنی شکوفایی غریزه، چه برای پسر و چه برای دختر که همراه بحران است. ازدواج این بحران را تسکین می‌دهد، برای جوان محیط امن و آرام ایجاد می‌نماید و در سایه وجود عواطف خانوادگی، روح سرکش او مهار می‌شود.۴ ـ عامل نجات از تنهایی: به عقیده دانشمندان و فلاسفه، انسان موجودی مدنی الطبع و بالفطره اجتماعی است. از این رو محتاج پناه و یاور و یاری دلدار است. ازدواج این فایده را دارد که آدمی را از تنهایی و اعتزال نجات دهد و همدلی را در کنار او در بستر او و در آغوش او قرار دهد تا وجودش را عین وجود خود بداند و در غم و شادی و دردش شریک باشد.ب ـ ضرورت اجتماعیازدواج هر چه از یک نظر، مساله‌ای شخصی و خصوصی است، ولی از نگاهی دیگر دارای جنبه اجتماعی می‌باشد. بر این اساس، ازدواج از ارکان مدنیت راهی مطمئن برای تامین آسایش جامعه و رفاه بشریت است. سود و زیان ازدواج تنها متوجه زوجین نیست بلکه افراد اجتماع نیز به گونه‌ای از آن برخوردار می‌شوند. بی تردید، ازدواج رابطه‌ای است که زوجین را تا حد زیادی از بی بند و باری و روابط نامشروع و انحرافات اخلاقی و جنسی نگاه می‌دارد این سنت مقدس واجب مصونیت انسان از گناهان و معاصی می‌شود لذا در بعضی از روایات ازدواج وسیله حفظ نیمی از دین و در برخی از روایات، دو سوم دین بیان شده است.ج ـ ضرورت مذهبی ضرورت مذهبی ازدواج از دو جنبه قابل بررسی است: الف ـ قرآن. ب ـ سخن معصومین.الف ـ قرآن: ازدواج یکی از مهمترین و مقدس‌ترین سنت‌های اجتماعی است که در اسلام بسیار مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم می‌فرماید: از نشانه‌ها و آیات خداوندی است که برای شما از خودتان جفتی بیافرید تا در کنار او آرامش یافته و با هم انس بگیرید و میان شماست و مهربانی برقرار نموده است در این نشانه‌هایی است برای گروهی که متفکرند. (روم)ب ـ ازدواج در سخنان معصومین: تشکیل خانواده در اسلام بسیار محبوب

است، تا آن جا که هیچ سازمان و بنایی نزد خدا محبوب تر از آن نیست. لذا، پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمود: نزد خداوند هیچ بنایی محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که از طریق ازدواج آباد گردد. زیرا منافع و برکات فراوانی دارد. در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.۱ ـ عامل حفظ پاکدامنی و کسب اخلاق نیک: ازدواج از نظر اسلام وسیله‌ای برای پاکدامنی است. رسول خدا (ص) به زید بن حارثه فرمودند: ازدواج کن تا پاکدامن باشی.۲ ـ عامل تکمیل دین: ازدواج غیر از ایجاد نظم در زندگی، وسیله‌ای برای حفظ و تکمیل دین است و بسیاری از گناهان از وجود آدمی ریشه کن می‌شود و راه برای سعادتمندی او از هر سو فراهم می گردد. لذا رسول اکرم (ص) فرمودند: هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را باز یافته است.در جای دیگر فرمودند: هر کس در ابتدای جوانی ازدواج کند شیطان فریاد می کند: ای وای دو سوم دین خود را از شر من حفظ کرد.۳ ـ موجب ازدیاد نسل: پیامبر (ص) فرمودند:ازدواج کنید زیرا من به زیادتی شما نسبت به امت‌های دیگر در قیامت مباهات می کنم.۴ ـ موجب ازدیاد مسلمانان: پیامبر (ص) فرمودند:چه مانعی دارد که مومن زنی بگیرد تا خداوند فرزندی نصیبش کند که با کلمه لا اله الا الله زمین را گرانبار کند؟ و تعداد موحدین و یگانه پرستان بیشتر شود.۵ ـ موجب ازدیاد روزی: پیامبر (ص) فرمودند: روزی را به وسیله زن گرفتن زیاد کنید.پیامبر (ص) فرمود: هر کس ازدواج را از ترس فقر و تنگدستی ترک کند به خدا سوء ظن برده است زیرا خداوند می‌فرماید: اگر آنها (زن و شوهر) فقیر باشند خداوند آنها را از کرم خود بی‌نیاز می کند.۶ ـ نشانه پیروی از سنت پیامبر اکرم (ص): حضرت علی (ع) فرمودند: ازدواج کنید، ازدواج سنت پیامبر (ص) لسا آن جناب می‌فرمودند: هر که می‌خواهد از سنت من پیروی کند، بداند که ازدواج سنت من است.۷ ـ موجب جلب رضایت الهی: پیامبر (ص) فرمودند:هیچ چیز نزد خداوند محبوب‌تر از این نیست که خانه‌ای در اسلام به وسیله ازدواج آباد گردد.۸ ـ موجب کسب طهارت معنوی: پیامبر (ص) فرمودند: هر کس می‌خواهد خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند باید متاهل باشد.۹ ـ ارزش‌دهی به عبادات:ده رکعت نماز متاهل بهتر از هفتاد نمازی است که مجرد می‌خواند.(اکبری، ۱۳۷۶، ۱۶) ازدواج یک پیمان مقدس است که در میان تمام اقوام و ملل در تمام زمان‌ها و مکان‌ها وجود داشته است. ازدواج یک نیاز و خواسته طبیعی زن و مرد است و همه مکاتب سالم در جوامع بشری به ویژه مکاتب آسمانی و خاصه دین مبین اسلام بر آن صحه نهاده و پیروان خود را به ازدواج دعوت و ترغیب کرده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید هیچ بنایی در اسلام بنیانگذاری نشده است که نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج باشد بنابراین فواید بسیاری بر ازدواج مترتب است، زیرا ازدواج از فطرت آفرینش ویژه انسان‌ها مایه می گیرد. و از شروریات زندگی هر انسانی به شمار می‌آید. (تالیف استادان طرح آموزش خانواده، ۱۳۷۷، ۱۲۸)اهداف ازدواج ازدواج از ضروریات زندگی انسان به شمار می‌آید و هدفها و نیازهای بی شماری را تامین می کندو از جمله مهم‌ترین هدف‌های ازدواج می‌توان نیل به آرامش و سکون، تامین نیازهای جنسی، بقای نسل، تکمیل و تکامل، سلامت و امنیت اجتماعی و سرانجام تامین نیازهای روانی ـ اجتماعی فرد را نام برد.۱ ـ نیل به آرامش و سکون مهم‌ترین نیازی که بر اثر ازدواج تامین می‌شود نیاز به آرامش و امنیت و آسودگی است. قرار دادن زوج (همسر) برای هر فرد موجب آرامش و امنیت خاطر است و ایجاد محبت و الفت بین زن و مرد در زندگی خانوادگی نیز از نشانه‌های حکمت و رحمت پروردگار است و علی الاصول محیط خانه وسیلهآرامش روحی زن و مرد قرار داده شده است.۲ ـ تکمیل و تکامل هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست، به همین جهت پیوسته در جهت جبران نقص و کمبود خویش تلاش می کند. هنگامی که فرد در کانون زندگی مشترک قرار می‌گیرد، در سایه انس و الفت و روابط نزدیک بیشتر احساس مسئولیت می کند، استقلال می‌یابد. زندگی خویش را هدف‌دار می کند و در برخورد با مشکلات و مسائل زندگی از تعاون و کمک‌های همدیگر بهره می گیرند.۳ ـ تامین نیازهای روانی ـ اجتماعی ازدواج از نظر طبیعی برای انسان نوعی کمال محسوب می‌شود و انسان بر اساس قانون آفرینش و حکم فطرت برای تامین نیازهای مختلف روانی ـ اجتماعی خود و نیز برای بقای نسل، آرامش جسم و روان و حل مشکلات گوناگون زندگی به ازدواج نیازمند است.۴ ـ تامین نیازهای جنسی یکی از نیرومندترین غرایز انسان غریزه جنسی است که بر اثر ازدواج تامین این نیاز در مسیر

طبیعی و سالم قرار می گیرد و زن و مرد را از انحراف و گناه مصون می‌دارد بنابراین تنها وسیله طبیعی و مشروع ارضای این غریزه ازدواج و تشکیل خانواده است.(از استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۷، ۱۲۹)نظریه‌هایی در مورد ازدواجالف) جامعه شناسان بعد از تحقیقات دامنه‌داری در علل پیدایش خانواده به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل متعددی در این پدیده اصلی (ازدواج) ـ اجتماعی دخالت دارد ((برخی از جامعه شناسان از جمله برینو معتقد هستند که عوامل اقتصادی مهم‌ترین نقش را در پیدایش و ادامه خانواده بازی کرده است و دسته‌ای دیگر عوامل جنسی و روان شناسی را در این امر دخیل می‌دانند. یک نظریه جالب درباره علل زناشویی از طرف جامعه شناسان آلمانی به نام ((مولرلیر)) در کتاب ((تحول ازدواج)) اظهار شده است. سه عامل افراد را به طرف ازدواج کشانیده است که عبارت است از نیاز اقتصادی، میل به داشتن فرزند و عشق است. در جوامع اولیه علل اقتصادی اهمیت بیشتری داشته است. و حال آنکه در مدنیت‌های باستانی (زاد و ولد) و در مدنیت امروزی عشق مقام مهم‌تر را دارا بوده است.ب) برتراند راسل فیلسوف معروف انگلیسی رسما در کتاب خود فصلی تحت عنوان ازدواج تجربی (یا رفاقتی) باز کرده است. وی در این کتاب آورده است ((پیشنهاد ازدواج رفاقتی را یک محافظه کار خردمند کرده است و منظور از آن ایجاد ثباتی در روابط جنسی است وی متوجه شده که اشکال اساسی در ازدواج فقدان پول است. ضرورت پول از لحاظ اطفال احتمالی نیست بلکه از این لحاظ است که تامین معیشت از جانب زن برازنده نیست. و به این ترتیب نتیجه می گیرد که جوانان باید مبادرت به ازدواج رفاقتی کنند که از سه لحاظ با ازدواج عادی متفاوت است: اولا منظور از ازدواج تولید نسل نخواهد بود. ثانیا مادام که زن جوان فرزندی نیاورده و حامله نشده طلاق با رضایت طرفین میسر خواهد بود. ثالثا زن در صورت طلاق نستحق کمک خرجی برای خوراک خواهد بود. من هیچ تردیدی در موثر بودن پیشنهادات وی ندارم و اگر قانون آن را می‌پذیرفت تاثیر زیادی در بهبود اخلاق می کرد (مرتضی مطهری، ۱۳۸۰، ۵۲)ج) کلود لوی ـ اشتراوس در کتاب خود ((ساختارهای ابتدایی خویشاوندی)) در مورد ازدواج چنین می‌نویسد: ((رابطه جنسی مرد و زن جنبه‌ای از یک نیاز کلی است که نهاد ازدواج نمونه و موردی بارز از آن به نمایش می گذارد. ملاحظه کردیم که این نیازهای کلی با تمتع عادی، ارزشهای اجتماعی چون حیثیت فرد و حقوق و وظایف و زنان ارتباط می‌یابند. کلیت رابطه مبادله، که ازدواج را پدید می‌آورد، در واقع بین یک مرد و یک زن به این صورت که هر کدام چیزی از خود مایه بگذارد و چیزی را نیز کسب کند، قانون نمی‌پذیرد. این رابطه بین دو گروه از مردان شکل می گیرد و زن صرفا به شکل یکی از اقلام مورد مبادله نمود نمی کند. (مارتین سگالن، ۱۳۷۰، ۷۰)د) بورس کوئن در کتاب مبانی جامعه شناسی خود می‌آورد ((همسر گزینی و ازدواج با دو روش انجام می گیرد. روش اول انتخاب معمولا بر اساس عشق و علاقه استوار است و روش دوم انتخاب در اختیار خانواده هاست. برای بسیاری از جوامع ازدواج مبتنی بر عشق یک پیش نیاز طبیعی و ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می‌رسد، کارآیی زناشویی مبتنی بر عشق و علاقه این است که به جوانان کمک می کند که عواطف و محبتی را که خانواده به آنان مبذول می کرد به زندگی تازه منتقل کنند. خصوصیاتی را که فرد در همسر آینده خود به طور طبیعی جستجو می کند شامل جاذبه‌هایی مانند مشابهت سنی، مذهبی و نژادی، پایگاههای اقتصادی ـ اجتماعی، سطح تعلیم و تربیت، کششها، زیباییها و قیافه اوست. (بروس کوئن، ۱۳۷۹، ۱۷۸)چ) هانری مندارس در رابطه با نظریه خود مبتنی بر ازدواج مبادله‌ای چنین اعتقاد دارد ((کار اساسی ازدواج آن است که دو طایفه یا دو خانواده را که با هم رابطه‌ای ندارند به یکدیگر مربوط کند و در اغلب جوامع تامین این بستگی دو دودمان به عهده زنان است، زن همچون پیوندی اجتماعی است که طایفه‌های متفاوت را در جامعه‌ای واحد گرد می‌آورد و از این لحاظ در روابط اقتصادی، حتی در موارد اضطراری نیز مبادله زنان به صورت ازدواج، تنها راه حل در راه حراست از روابط اجتماعی یا التیام بخشیدن به آفات آن به شمار می‌رفته است. در صورتی که در طایفه‌ای فردی کشته می‌شود طایفه قاتل با ارائه زنی خون بها می‌داد. (ساروخانی ۱۳۸۱، ۸۷)نظریه اسلام درباره ازدواج پیامبر گرامی (ص) در امر ازدواج فرمود: ((هر که ازدواج کند نیمی یا دو سوم دین خود را به چنگ آورده است پس در بقیه پرهیز گار پیشه سازد)) و باز فرمودند: ((هیچ بنا و خانه

در نزد خدا از ازدواج کردن محبوب‌تر نیست)) همه این تاکیدات و سفارش‌ها برای این است که ازدواج یک واقعیت طبیعی و فطری انسان است. هر انسانی اگر همه نیازمندی‌های خود را برطرف کرده باشد ولی ازدواج نکرده باشد چنین انسانی بدون تردید احساس کمبود خواهد کرد و تجربه نشان داده است افرادی که ازدواج ننموده‌اند دچار ضعف اعصاب و ناتوانی و پژمردگی شده‌اند و در پرتو ازدواج سکون و آرامش و تعادل واقعی و روحی به دست می‌آید. خداوند در قرآن فرمودند: از نشانه‌های خدا این است که از جنس خودتان برای شما زنان و همسرانی آفرید تا در کنار آنان سکون و آرامش درآیند از این آیه استفاده می‌شود که تنها در پرتو ازدواج سکون و آرامش واقعی به دست می‌آید. پس زیر بنای ازدواج بر اساس یک عطش و خواست فطری انجام می‌گیرد که اگر بر خلاف آن عمل شود مشکلات و دشواری‌های فراوانی به وجود می‌آید. پس تمایلات فطری به طور طبیعی باید ارضاء شود و بهترین پاسخ برای این تمایلات همان پاسخگویی به طور طبیعی است و در امر مسائل جنسی جز ازدواج کردن راهی به طور طبیعی وجود ندارد.(مجید رشیدپور، ۱۳۶۴، ۷)موانع ازدواج امروزه آمار ازدواج به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. برخی ازدواج را آنقدر به تاخیر می‌اندازند که شور و طراوت جوانی تقریبا از میان رفته و بهترین فرصت طبیعی ازدواج پایان یافته است. البته این وضع معلول عوامل مختلفی است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم:۱ ـ مشکلات مادی و اقتصادی۲ ـ مهریه سنگین و شیربها۳ ـ جهیزیه‌های سنگین و چشم هم چشمی۴ ـ تشریفات زیاد در مراسم عقد و عروسی۵ ـ ترس از فقر و نبودن افق روشن و نداشتن امید به اداره زندگی در آینده۶ ـ طولانی شدن دوران تحصیل۷ ـ امکان ارتباط های نامشروع۸ ـ عدم اعتماد پسران و دختران جوان نسبت به یکدیگر (کیهان نیا، ۱۳۷۷، ۳۹) پای بند شدن به رسومات مرسوم و خیالی و سنگین هزینه‌های ازدواج و توقع‌های بی مورد، یکی دیگر از موانع ازدواج در اجتماع است. برآوردن آرزوهای بیجا و تشریفات زائد با هزینه‌های کمرشکن قهرا موضوع را ناممکن و دشوار ساخته است. آیا برای فراهم ساختن مخارج کمرشکن مقدمات عروسی، دست یازیدن به سرقت و چپاول و راه‌های غیر مشروع معقول و صحیح است؟ اگر عروسی و ازدواج یک مساله نظری و طبیعی و شرعی بوده باشد، قهرا مقدمات آن نیز باید شرعی و معقول باشد و لازم است این مقدمات طوری تهیه و آماده گردد که برای همگان مقدور و میسر باشد. در حالیکه رسومی که فعلا ـ در کشور ماست و هزینه ازدواج را این همه بالا ـ برده‌اند ازدواج به طور طبیعی و بدون تکلف برای اکثریت مردم غیر ممکن است و گناه بزرگ این رفتارها به گردن کسانی است که از ائمه اطهار و سیره آن بزرگواران پیروی ننموده و هوای نفسانی خود را به عنوان رسومات عرفی و ازدواج بر جامعه کنونی تحمیل می‌نمایند. امید است حکومت جمهوری اسلامی مخصوصا رسانه‌های گروهی با توجه به مسئولیت خطیر و سنگینی که در این رابطه دارند قدم‌های موثر و پیگیرانه‌ای برداشته و با تبلیغات لازم مردم را متوجه عواقب وخیم این قبیل رسوم غلط و پیرایه‌دار بنمایند. یکی دیگر از موانع ازدواج برتری طلبی و اشکال‌تراشی در مورد انتخاب همسر است. دیانت و فضائل اخلاقی و حریت و آزادی در انتخاب همسر از اصول ازدواج به شمار می‌رود. هدف‌های اقتصادی و مال‌اندوزی در انتخاب همسر، باعث انحراف در مسیر این امر مقدس است. چه بسا دخترانی هستند که حاضر نشده‌اند با افراد متدین و با اخلاق ازدواج کنند سرانجام شانس ازدواج را به کلی از دست داده‌اند و بالعکس مردان زیادی هم پیدا می‌شوند که به سراغ پیرایه‌ها و شخصیت‌ها کاذب و مادی می‌روند و نتیجه‌اش عدم موفقیت و یا ندامت و سرکوفتگی پس از انجام ازدواج است. دین مقدس اسلام تمام مومنین را نسبت به هم ((کُفو)) و همشان می‌داند. بنابراین هر مردی می‌تواند با زنان و یا دختر مومن دیگری ازدواج کند و خود رسول خدا (ص) و ائمه (ع) ما که گل سر سبد موجودات عالمند، با زنان و یا دختر مومن دیگری ازدواج کند، با زنان فقیر و حتی با زنانی که سابقه کنیزی داشته‌اند، ازدواج نموده‌اند و در عمل با سنت‌های جاهلیت و خود برتربینی مبارزه نموده و پیروان خود را نیز به این وظیفه خیر مامور ساخته‌اند. لذا پیامبر خدا زنان اغنیاء و اشراف را با مردان فقیر و یا بالعکس تزویج فرموده‌اند تا بدین طریق ریشه آن سنت‌های موهوم را بر کند، که با کمال تاسف بدتر از دوران جاهلیت در عصر ما معمول و حکمفرما شده است و نتیجه‌اش تعطیل و یا کمتر شدن آمار ازدواج و بدبینی و تحقیر دیگران و

گسترش فحشاء و انحراف اگر چه به صورت مخفی و زیر پرده ... می‌باشد.عن النبی (ص) المومنون بعضهم اکفاهُ بعضٍ.رسول خدا می‌فرمایند: تمام مومنین و اهل اسلام نسبت به همدیگر کفو و هم طراز می‌باشند و می‌توانند با همدیگر ازدواج کنند. (امینی، ابراهیم، ۳۳)سوء استفاده‌های نامشروع خودداری از ازدواج زمینه را برای روابط جنسی نامشروع و غیر قانونی فراهم می‌کند که نمونه‌های آن در کشورهایی که برای خود آمار و حسابی دارند می‌بینیم. بدیهی است کودکی که به دور از ازدواج و یا بدون خواسته والدین در اثر یک ازدواج اجباری پدید آید موجب تنفر اجتماع می‌شود و این که آینده چنین کودکانی چه خواهد شد، به خوبی معلوم نیست. خودداری از ازدواج موجب بیماری‌های وخیمی چون امراض روحی و روانی و خود ارضایی می‌شود. خودداری از ازدواج موجب از دست دادن گرمی و نشاط زندگی است. هر کس در دوران جوانی به ازدواج تن ندهد در دوران پیری با رنج تنهایی مواجه خواهد شد. خودداری از ازدواج موجب توسعه و گسترش فساد و فحشا و بی بند و باری می‌شود. زمانی که زنان و مردان در اثر عواملی تحریک گردیده و نسبت به هم عشق و جاذبه جنسی پیدا کرده‌اند قهرا به سوی فساد و انحراف گام بر می‌دارند. عوامل خطرناک آن را باید از فیلم‌های سکسی و نامناسب و عکس‌های مبتذل و شرم آور، تبلیغات گسترده دشمنان و کتاب‌ها و مجلات نامناسب و منحرف کننده آنها، اختلاط زنان با مردان در مجالس مختلف و گردشگاه‌ها از یک طرف و نارسایی تبلیغات اسلامی و نداشتن پناهگاه مناسب و جذاب و هزینه سرسام آور زندگی و مخارج ازدواج، توام با بیکاری و تورم موجود از طرف دیگر جستجو کرد. اگر مسئولین امر و افراد متعهد با نفوذ عشق و علاقه‌ای به اصلاح کشور و جوانان داشته باشند باید در ریشه‌کن کردن عوامل فصاد و ایجاد کار و کوشش و تسهیل امور زندگی ازدواج و مبارزه با استعمار فکری دشمنان و اجانب گام‌های موثر و پرتلاشی بردارند. (بابازاده، ۱۳۶۸، ۱۵۵)مشکل مالی و اقتصادی قسمت عمده این مشکل از معضلات ساختگی جامعه ماست و حقیقتا جزء مشکلات ازدواج نیست. اگر ازدواج ما بر مبنای اسلام و فطرت انسانی استوار بود این مشکل وجود خارجی نداشت یا بسیار اندک بود و کمتر جوانی پیدا می‌شد که نتواند ازدواج کند.کار و استقلال مهمترین مسئله کاهش ازدواج در جوانان ایران مسئله کار آنها می‌باشد. هجوم به ادارت دولتی مسئله لب‌ریزی ظرفیت استخدامی را پیش آورده است. اینک مدتی است که ظرفیت استخدامی دولت کم و بیش به انتها رسیده است. متاسفانه منع استخدام به جز در مواردی استثنایی به ویژه برای افراد لیسانسیه تنها راه چاره‌ای است که توانسته‌اند برای جلوگیری از انفجار تراکم استخدامی بیندیشند و زمینه کارهای تولیدی مترقی هم به مراتب کمتر از تعداد تقاضای موجود است. در این صورت جوانان برای تامین نیازهای خود تا حدود زیادی به والدین وابسته‌اند و تا زمانی که وابستگی وجود دارد نیازی به انتخاب همسر احساس نمی‌گردد. او می‌بیند که سنش رو به افزایش است و باید مستقل گردد و خود تامین کننده نیازهایش باشد، ولی با این هزینه‌های سنگین زندگی و بدون شغل چگونه می‌تواند امیدی قاطع به امنیت اقتصادی آینده خود داشته باشد (فرهنگ قومس، سال دوم، شماره ۸)مسئله مسکن تامین مسکن رویایی است که تحققش به سهولت امکان‌پذیر نیست. زناشویی و تشکیل خانواده ناچار به تامین مسکن نیازمند است و با توسعه اطلاعات بهداشتی رشد سلیقه‌های شخصی، تجمل دوستی، استقلال‌جویی فردی و تهیه مسکن مناسب یکی از مهمترین تاملات و مشکلات جوانان ماست که در تشکیل عائله با آن روبرو می‌شوند. تا کنون با مسائل جوانان را آن چنان که یافته‌ایم از دید خود مطرح ساختیم. مسائل جوانان را به طور کلی می‌توان به دو دسته اساسی تقسیم کرد، بدهکاری‌ها و طلبکاری‌ها. جوانان غالبا کمتر به بدهکاری‌های خویش به اجتماع می‌اندیشند. جوان زیاده طلب است و طلبکار، وی به مسائل خود معمولا از دریچه دید یک طلبکار می‌نگرد. بدین ترتیب از آنچه که تا کنون از نامه‌ها، پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌ها و درد دلهایی که در صفحات و ستون‌های مربوط به جراید و غیر آن بر می‌آید جوانان ما سه مسئله زیرین را مسائل و مشکلات اساسی خود در ازدواج می‌پندارند و از رنج آنها شکوه می‌کنند (نشریه فر هنگ قومس، سال دوم، شماره ۸)جهیزیه سنگین جهیزیه گاهامانعی بر سر راه ازدواج دو جوان فر اهم می‌سازد. وقتی از دختری علت تاخیر ازدواج پرسیده می‌شود در جواب می‌گوید: هنوز جهیزیه لازم را تهیه نکرده‌ام. به قول آیه الله مکارم که در

کتاب مشکلات جنسی می‌فرماید خدا از سر اجتماع ما نگذرد که این همه قید و بندها پایبند شوند و ازدواج‌ها را به تاخیر اندازند. این طور نیست که در آغاز جوانی همه اراد خانه و زندگی و همه امکانات زندگی‌شان فراهم بوده باشد، به خصوص پسرهای جوان که در ابتدای راه هستند باید بدانند که خودشان از همه جهت بی‌نیاز نیستند و نباید توقع جهیزیه سنگین از دختر را داشته باشند. جهیزیه در حدی که دو جوان بتوانند در اول زندگی مشترک نیازهای اولیه‌شان را بر طرف نمایند، برای ادامه زندگی باید دست به دست همدیگر داده و نیازهای زندگی را فراهم سازند. آن چه در ازدواج اصالت دارد مساله وجود انسان است که یکدیگر را درک کنند و به مفهوم صحیح زندگی عشق بورزند و اگر دو رکن اصلی یعنی دو انسان به آن درک صحیح داشته باشند بقیه هیچ است و اگر هم درک وجود نداشته باشد مسلما بقیه چیزها هرگز خوشبختی نمی‌آفریند، به همین دلیل دستورات عالی مذهب ما برای انجام یک ازدواج صحیح هیچ چیز را به اندازه وجود دو انسان عاقل که خواهان زندگی مشترک زناشویی می‌باشد اهمیت نمی‌دهد و بارها و بارها سفارش کرده است که ازدواج را آسان و ساده بگیرید تا جوان برای اقدام نمودن به آن بر سر راه خود مانعی مشاهده نکند و قدم در این راه بگذارد. (مظاهری، علی اکبر، ۱۳۸۱، ۴۹)تشریفات زیاد در مراسم عقد و عروسی در این جا متاسفانه تحصیل کرده‌ها از بی سوادها بدتر و امروزی‌ها از قدیمی‌ها در این مبارزه ضعیف‌تر و ناتوان‌ترند. تحصیل کرده‌های ما فکر می‌کنند هر چه بیش‌تر در مراسم عقد و عروسی تشریفات باشد و خرج‌های اضافی زیادتر باشد به آن‌ها شخصیت و آبرو می‌دهد و فکر می‌کنند که شخصیت انسان در پرتو این گونه خرج‌های اضافی می‌باشد و شاید هم بگویند که انسان یک بار داماد یا عروس می‌شود ولی این را نمی‌دانند که بسیاری از جوانان که قدرت خرج کردن زیاد و تشریفات زیاد را ندارند، پیش‌ترین ناله‌ها و شکایت‌ها و داد و فریادها به خاطر همین سنگینی بار ازدواج در ایام عروسی و عقد می‌باشد و گر نه اصل و اساس این مسئله ساده‌تر و پاکیزه‌تر و مقدس‌تر از آن است که این همه بدبختی و مانع و دردسر بر سر راه جوانان ایجاد کند و موجب شود که جوانان از ازدواج وحشت داشته باشند. باید کمی تشریفات و خرج کردن‌های اضافی در عروسی‌ها و عقدها را کم نمود. چرا که همین کاهش دادن تشریفات موجب آن می‌شود که با ذخیره نمودن پول در عروسی به بسیاری از مشکلات بعد از عروسی برسند. شروع زندگی که از روز عروسی آغاز می‌شود با سادگی باشد تا در آینده یک زندگی راحت و بی دردسر را داشته باشند. (کیهان‌نیا، ۱۳۷۷، ۵۲)ترس از فقر و نبودن افق روشن زندگی اجتماعی امروز در بسیاری از قسمت‌ها، از صورت یک زندگی طبیعی و صحیح بیرون رفته که یک نمونه از آن کاهش شدید ازدواج و روی آوردن جوانان به زندگی غیر طبیعی تجرد است. کاهش ازدواج در یک کشور و جامعه‌ای صورت نمی‌گیرد، مگر این که یک سری مشکلات و موانعی بر سر راه جوانان قرار گیرد که از جمله آن موانع، ترس از فقر می‌باشد. از امام صادق (ع) نقل شده: کسی که از ترس فقر ازدواج نکند به تحقیق که به خداوند سوء ظن برده است در صورتی که خداوند فرموده است: به لطف خود آنان را بی‌نیاز خواهد فرمود. بسیاری از جوانان به خاطر ترس از فقر از ازدواج منصرف شده و از این که نتوانند زندگی خود و همسر و فرزندان را در آینده تامین نمایند در هراسند. خداوند بارها و بارها فرمود که به افراد فقیر روزی و رحمت عنایت می‌فرماید پس نباید به خاطر فقر از ازدواج منصرف شد. (کیهان نیا، ۱۳۷۷، ۵۴) ولی گاهی برای فقر بعضی‌ها از خانواده‌ها، خودشان مانع بر سر راه ازدواج ایجاد می‌کنند. فقر خودش نمی‌تواند مانع ازدواج باشد چرا که اگر سیری در زندگی ائمه (ع) به خصوص در زندگی پیامبر اکرم (ص) داشته باشیم پیامبر یک جوان ۲۳ – ۲۴ ساله‌ای بود که از مال دنیا چیزی نداشت و با همان حال به خواستگاری خدیجه رفت. اگر بین دو جوان علاقه و محبت وجود داشت نباید اجازه داد به خاطر فقر و مشکلات مادی نتوانند با هم وصلت نمایند. اسلام به خانواده‌ها هم سفارش فرموده، به پسران و دختران جوان همسر بدهید، اگر چه فقیر باشند و ما هم رحمت و روزی خود را شامل حال آن‌ها می‌گردانیم. ما باید دست جوانان، این امیدهای آینده و نسیم طراوت‌های زندگی را بگیریم و دست آنان را در دست همدیگر قرار دهیم تا با ازدواج و وصلت، یک زندگی آبرومند و سالمی را تشکیل دهند.مشکل در انتخاب همسر یکی از مشکلاتی که بر سر راه نوجوانان و جوانان در مساله ازدواج قرار دارد

مشکل در ((انتخاب همسر)) است. یعنی دختر و پسر نمی‌دانند چه کسی را با چه معیارها و صفات و خصوصیاتی به عنوان همسر خود انتخاب کنند. (علی اکبر مظاهری، ۵۸، ۱۳۸۱)سنگ‌اندازی و اشکال‌تراشی بزرگ‌ترها و اطرافیان بر نوجوانان و جوانان دختر و پسر واجب است که به خیرخواهی و دلسوزی و صلاحدید و نظرات والدین، توجه کنند و از تجربیاتشان استفاده ببرند. ممکن است آنچه را پدر و مادر عاقل و فهمیده در خشت می‌بینند، فرزندان نوجوان در ((آینه)) نبینند. اما بعضی از موارد ـ متاسفانه ـ پدر و مادرانی و بزرگ‌ترها و اطرافیانی یافت می‌شوند که یا از روی خودخواهی و هوای نفس، و یا از روی جهل و نادانی، تیشه به ریشه فرزندانشان و نوجوانان می‌زنند و با کج سلیقگی و بهانه‌های خلاف عقل و شرع و اعمال نظرهای غلط و دخالت‌های بیجا بر سر راه آنان ((سنگ‌اندازی)) می‌کنند و باعث بدبختی و تباهی‌شان می‌شوند.وجود برادران و خواهران بزرگ‌تر بعضی خانواده‌ها به خاطر داشتن این عقیده که با وجود داشتن خواهر و برادر بزرگ‌تر در خانواده افراد کوچک‌تر باید منتظر بمانند تا بعد از ازدواج فرزندان بزرگ‌تر خانواده ازدواج کنند ازدواج جوانانشان را به تاخیر می‌اندازند. (علی اکبر مظاهری، ۱۳۸۱، ۵۸)بی تفاوتی والدین ازدواج و حقوق اعضای خانواده یکی از دستورات حیاتبخش اسلام مسأله مشورت و تبادل نظر است. این امر حیاتی انسانها را از گرفتار شدن به ضررهای مختلف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و نظامی ... مانع شده و راه کمال‌یابی و پیشرفت را به صاحبان خود باز می‌کند و لذا می‌بینیم برای دستیابی به پیروزیها و زندگی بهتر و جلوگیری از ضررها و مشکلات اجتماعی و غیره در سطوح مختلف جهانی و کشوری و اداری افراد صاحبنظر دور هم جمع می‌شوند و به تبادل نظر می‌پردازند. بنابراین جوانان عزیز اسلام باید بدانند که موضوع ازدواج در شخصیت و افکار و سرنوشت آنان فوق العاده اثر می‌گذارد و از این مسأله نباید بی‌توجهی بگذرند بلکه لازم است در اینگونه موارد از افکار پخته والدین و تجربه‌های پرارزش آنان استفاده نموده تا علاوه بر پیش گیری از گرفتار شدن و تحمل ضررهای مختلف از شخصیت والدین نیز با طرح مشورت و نظرخواهی تجلیل کرده باشیم. دین مقدس اسلام علاوه بر دعوت به مشورت در امور مهم اجتماعی و غیره اجازه و نظر پدر و پدرپدر را در ازدواج دختران و دوشیزگان شرط دانسته و بدون اطلاع و رضایت آنان عقد را نیز صحیح نمی‌داند. پدران و مادران زحمات فراوانی را در مورد فرزندان خود متحمل شده‌اند و لذا بر فرزندان لازم است در اینگونه موارد آنچنان باشند که والدین آنان زحمتها را فراموش کرده و عاشق اولاد خود باشند اما اگر والدین از آتش درونی فرزندان خود غفلت نمایند و شعله‌های فروزان غریزه جنسی آنان را نادیده بگیرند به موقع با ازدواج آنان موافقت ننمایند و در تهیه مقدمات این امر مقدس بی تفاوت باشند در این صورت ولایت و اجازه آنان از نظر شرعی و عرفی ساقط می‌گردد و جوانان باید در این صورت در مورد ازدواج خود تصمیم بگیرند زیرا هر گونه درنگ کردن در اینگونه موارد باعث گرفتاری و سرکوفتگی و مبتلا شده به گناه و انحراف اخلاقی و جنسی خواهد بود و پدر و مادر نیز شریک جرم می‌باشند. (مجمع البیان ج۷ ص ۱۴۰) چه بسیارند پدران و مادرانی که کوچکترین توجهی به غریزه جنسی فرزندان خود نمی‌کنند و نیازمندی آنان را به زناشویی نادیده می‌گیرند و در صورت اظهار فرزندان آنان را ملامت و سرزنش می‌کنند گویا به نظر آنان سرزنش و بی‌تفاوتی درمان غریزه جنسی است اینگونه والدین باید دوران جوانی خود را متذکر باشند که چگونه با این غریزه حیاتی دست و پنجه نرم می‌کردند و بدانند که هم‌اکنون بچه‌های آنان نیز همینطورند. نتیجه اینکه اگر والدین مانع ازدواج فرزندان خود شدند در اینصورت نظر آنان محترم نمی‌باشد. (علی اکبر بابا زاده- مرکز تحقیقات و انتشارات بدر) (بابازاده، ۱۳۶۸، ۱۵۸) چاپ اولادامه تحصیلات علمی انتخاب همسر عامل دیگری تأخیر ازدواج می‌شود ادامه تحصیلات دبیرستانی یا پیش‌دانشگاهی است. متأسفانه در جامعه ما این عمل خوب و پسندیده مسائل ناپسند و زیانبار و گاهی فاجعه آمیزی را به دنبال خود آورده است و این به خاطر اصل موضوع یعنی ادامه تحصیلات نیست بلکه ناشی از اشتباهات و کج‌سلیقگی‌های خود ماست اصل مشکل این است که دختران و پسران تحصیل کردن را با ازدواج و پذیرفتن مسئولیت زندگی مشترک مغایر و غیر عملی می‌دانند باید به این نکته توجه داشته باشند که با عقب انداختن ازدواج ممکن است دچار ناراحتیهای روحی و جسمی شوند و پس از گذراندن آن مراحل دیگر سلامتی و شادابی و حوصله نداشته

باشند که زندگی سعادتمندانه‌ای تشکیل دهند و از آن لذت ببرند. دختر تصور می‌کند که ازدواج مانع درس خواندن می‌باشد زیرا بعد از ازدواج باید همسرداری کند و فرصت برای درس خواندن نخواهد داشت خانواده دختر و پسر نیز همین عقیده را دارند در نتیجه اوضاع چنین شده که سنین ازدواج بالا رفته، پسران و دختران بر خلاف میل طبیعی ملزم می‌دانند که ازدواج را تاپایان دوره تحصیلات به تأخیر بیندازد و مخصوصا در شهرهای بزرگ. با اینکه تحت شدیدترین فشارهای نیروی غریزه جنسی قرار می گیرند چون ادامه تحصیل را برای آینده خود سرنوشت ساز می‌دانند ناچارند فشارهای غریزه جنسی را تحمل کنند. به هر حال غریزه جنسی یک واقعیت است اگر از طریق مشروع ارضاء نشد بیم آن می‌رود از طریق غیر مجاز خود را آشکار سازد. نابهنجاریها و طغیانها، مفاسد اخلاقی انحرافات جنسی، ولگردیها، چشم‌چرانی‌ها، بعضی بیماریهای جسمانی و روانی در بین جوانان دیده می‌شود معلول تأخیر ازدواج و عدم دسترسی به ارضاء مشروع است. مشکلات اخلاقی و اجتماعی جوانان بر اندیشمندان پوشیده نیست و مسئولین را به وحشت انداخته و در پی چاره‌جویی هستند، توصیه می‌کنند برای جوانان تفریحگاه سالم، کتابخانه، پارک و ... تهیه کنید و به این وسیله اوقات فراغت آنها را سرگرم سازید و اشغال کنید تا به انحراف و گناه کشیده نشوند با این اقدامات تا حدی می‌توان جلو مفاسد اخلاقی را گرفت لیکن هیچکدام اینها نمی‌توانند پاسخگوی نیاز طبیعی و خواسته غریزه جنسی باشد و با سرگرمی و بهانه نمی‌شود آن را از مسیر طبیعی منحرف ساخت چنانکه گرسنگی و تشنگی را بوسیله سرگرمی نمی‌توان بر طرف ساخت. دختر و پسر دانشجو یا دانش‌آموز می‌توانند با مقدمات ساده و کم خرج و بدون تشریفات نامزد شوند و عقد شرعی و قانونی کنند و رسما همسر یکدیگر شوند اما عروسی عرفی را به تأخیر بیندازد و به تحصیلات ادامه دهند تا در فرصتی مناسب ازدواج کنند در این صورت از انحرافات و زیانهای مجرد بودن در امان خواهند ماند و از آرامش و فایده‌های همسرداری بهره‌مند خواهند شد. مسئولین کشور و مراکز آموزشی نیز می‌توانند به دانش‌آموزان و دانشجویان وام ازدواج بدهند و خوابگاه و سایر امکانات را بر ایشان فراهم سازند مرکز خیریه نیز می‌توانند به صورت وام ازدواج یا بلاعوض وجوهی را در اختیار اینگونه افراد قرار دهند و خانواده دختر و پسر تفاهم کرده زندگی ساده و باصفایی را بر ایشان تنظیم نمایند در خاتمه به جوانان توصیه می‌شود که خود را در این راه پیشقدم شوند و نیاز طبیعی خویش را بدون خجالت با خانواده شان در میان بگذارند و از آنان بخواهند که وسیله ازدواج ساده را بر ایشان فراهم سازند. (علی اکبر بابا زاده – موانع ازدواج)تحلیل روان‌شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در انحرافات اخلاقی جوانان نیاز جنسی، بخش جدایی ناپذیر ماهیت زیستی، روانی و اجتماعی آدمی را تشکیل می‌دهد و روشن است که کیفیت ارضای این نقش بسیار مهمی در سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه دارد بر اساس آموزه‌های دینی، اگر این نیاز به صورت شرعی و معقول (ازدواج) و در زمان مناسب ارضا شود، باعث آرامش خاطر، رشد شخصیت و نیز استمرار حیات بشر می‌شود، و اگر امکان ارضای صحیح آن فراهم نیاید به صورت انحرافات جنسی و بی‌بند و باری‌های اخلاقی نمودار خواهد شد. در سال اخیر، آمارها منحنی‌های روبه‌رشد و مشابهی را در زمینه انحرافات و بی‌بند و باری‌های اخلاقی در میان جوانان نشان می‌دهند. این رشد غیر طبیعی و هماهنگ می‌تواند حاکی از عوامل ساختاری همانند باشد. به طور قطع نمی‌توان یک عامل را علت انحرافات اخلاقی و بی‌بندو باری جنسی جوانان دانست؛ در بیشتر موارد، ترکیبی از چند عامل وجود دارند. با این وجود، برخی مطالعات عوامل خاصی را به عنوان عوامل مؤثر در میزان بروز بی‌بندوباری جنسی جوانان شناسایی کرده‌اند. در این مقاله سعی شده است این ایده توضیح داده شود که بی‌بندوباری‌های جنسی و انحرافات اخلاقی جوانان تا حد زیادی ناشی از فراهم نبودن شرایط ازدواج برای جوانان یا به تعبیر دقیق‌تر، افزایش سن ازدواج است. این مقاله، ابتدا هنجار دینی سن ازدواج و عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج را مورد بررسی قرار می‌دهد. سپس به رابطه، افزایش سن ازدواج با انحرافات اخلاقی و جنسی می‌پردازد و در پایان، برای مقابله با انحرافات اخلاقی و رسیدگی به مشکل ازدواج راهکارهایی را ارائه می‌دهد.افزایش سن ازدواج؛ مسئله اجتماعی همان گونه که بیان شد، هدف اصلی این تحقیق وارسی و آزمون این فرضیه است که بالا ـ رفتن سن ازدواج باعث افزایش نرخ انحرافات اخلاقی و

بی‌بندوباری‌های جنسی در میان جوانان شده است. بدین منظور، ابتدا باید نشان دهیم که سن ازدواج در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. اولین گام، تعریف شاخصی برای اندازه‌گیری سن ازدواج است و گام بعدی، تعیین هنجار در این زمینه؛ چرا که صرف نشان دادن افزایش یا کاهش سن ازدواج بدون تعیین هنجار، معنای خاصی در بر نخواهد داشت.الف. مقیاس‌های اندازه‌گیری سن ازدواج در مطالعات کلان نگر (macroscopic) مهم‌ترین شاخصی که در دست رس پژوهشگران قرار دارد، تحقیقات تجربی و نظر سنجی‌های انجام شده در زمینه‌های مورد نظر است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، متوسط سن برای ازدواج جوانان در دهه‌های اخیر افزایش یافته است. به عنوان مثال، پژوهشی در این خصوص حاکی از آن است که میانگین سن ازدواج در ایران برای پسران در سال‌های ۱۳۵۴، ۲۵ سال بوده است، در حالی که بعد از آن (به جز در سال ۱۳۶۵) این روند افزایش داشته است. این تحقیق نشان داده است سن ازدواج دختران از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۰ به طور مداوم سیری صعودی داشته است.تحقیقاتی چند که جنبه نظرسنجی دارند نیز افزایش سن ازدواج را نشان داده‌اند. نظر سنجی‌های انجام شده اخیر در تهران حاکی از آنند که جوانان پسر سن ایده‌آل برای ازدواج را بالای ۲۶ سال می‌دانند. این امر بالا رفتن سن ازدواج را نسبت به فضای جامعه، که معمولاـ ازدواج‌ها زیر ۲۰ سال انجام می‌شده، نشان می‌دهد. سن ازدواج برای دختران در این تحقیق، ۲۱ تا ۲۵ سال گزارش شده است. به یقین، اگر تحقیق دیگری در این زمینه انجام شود، رشد بیشتری را نشان خواهد داد. علاوه بر مطالعات نظام مند، مورد پژوهی‌ها و یافته‌های بالینی نیز نشان می‌دهند که امروزه جوانان دیرتر ازدواج می‌کنند. تحقیقات تجربی، میانگین اجتماعی را مبنای قضاوت درباره افزایش یا کاهش نرخ سن ازدواج در نظر می‌گیرند. اما با تفحص در آموزه‌های دینی به الگوهای دیگری برمی‌خوریم که بر اساس آن‌ها می‌توان درباره افزایش یا کاهش سن ازدواج قضاوت نمود.ب. هنجار دینی سن ازدواج ازدواج و تأسیس کانون زندگی مشترک خانوادگی یکی از بهترین و مهم‌ترین رسوم اجتماعی انسان‌هاست که از فطرت و آفرینش ویژه آن‌ها مایه می‌گیرد. این نیاز که به صورت فطری در انسان به ودیعت نهاده شده، تا زمان ظهور جوانه‌های بلوغ، همچنان دوران آرام و بی‌تحرکی را پشت سر می‌گذارد. اما به مجرد شروع دوران نوجوانی، زمان بیداری آن فرا می‌رسد و آرام آرام تمامی وجود نوجوانان را در بر می‌گیرد و به یکی از پرقدرت‌ترین نیازهای وی تبدیل می‌شود. اگر این نیاز به موقع و به طور صحیح پاسخ داده شود، زمینه سلامت و بهداشت روانی انسان فراهم می‌گردد. از این رو، در آیات و روایات به اهمیت ازدواج و نیز زمان مناسب آن تصریح و تأکید شده است. در قرآن کریم گرچه «سن» خاص و معینی برای ازدواج بیان نشده، ولی از واژگانی همچون «بلوغ»، «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» می‌توان به نحوی سن بلوغ و ازدواج را به دست آورد. شاید رساترین آیه در تعیین سن ازدواج، این آیه شریفه باشد: (وابتلوا الیتامی حتی اذا بلغوا النکاح فان انستم منهم رشدا فادفعوا الیهم أموالهم) (نساء: ۶)؛ یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح) همسر گزینی) تمایل پیدا کنند. اگر آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید، اموالشان را به آنان بدهید. «بلوغ نکاح» در زمانی است که قدرت بر ازدواج پیدا کنند. شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد، «معنای بلوغ نکاح آن است که به مرحله توانایی بر همخوابگی و تولید نسل برسند.» در تفسیر مراغی آمده است: بلوغ نکاح رسیدن به سنی است که استعداد و آمادگی ازدواج حاصل شود. نوجوان در این حالت میل پیدا می‌کند همسر و سرپرست خانواده باشد. از موارد یاد شده استفاده می‌شود که معیار سن ازدواج از نظر قرآن، احساس نیاز به ازدواج، توانایی همخوابگی، قدرت تولید نسل و رسیدن به حد رشد، یعنی توانایی بر تشخیص مصلحت خویش، است. در روایات بدون آنکه به سن خاصی اشاره شود، ترغیب به ازدواج در آغاز جوانی شده است. در مجموع، از روایات استفاده می‌شود که سن پایه برای ازدواج بعد از بلوغ است و اگر شخص احساس نیاز کند، به گونه‌ای که ترک آن موجب گناه شود، ازدواج در این سن واجب می‌گردد. سن ازدواج بر اساس سیره معصومان (علیهم السلام): بر اساس شواهد تاریخی، ازدواج امامان (علیهم السلام) در سنین پیش از ۲۰ سالگی بوده است. این بزرگواران در مورد فرزندانشان نیز همین شیوه را داشتند و نوعا قبل از ۲۰ سالگی زمینه ازدواج آنان را فراهم می‌نمودند. از آن رو

که عمل و سیره معصومان (علیهم السلام) برای ما الگو و حجت است، در تعیین سن ازدواج نیز می‌توانیم سیره آن بزرگواران را به عنوان یک هنجار دینی در نظر بگیریم. ما چه فرم اجتماعی را ملاک قرار دهیم و چه سیره و عمل معصومان را، در هر دو صورت، سن ازدواج افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، سن ازدواج تفاوت معناداری یافته است.عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج مسئله مشکلات و موانع ازدواج از یک سو و آرزوها، ایده‌آل‌ها و تصویری که دختران و پسران از آینده و زندگی مشترک خود دارند، از سوی دیگر، موجب گردیده که جوانان به آسانی تن به ازدواج ندهند. عوامل بسیاری در افزایش سن ازدواج جوانان مؤثرند که برخی از آن‌ها واقعی و برخی دیگر ساخته و پرداخته خود ما می‌باشند. این عوامل عبارتند از: تحول در الگوهای رفتاری در دهه‌های اخیر، تحول جدی در الگوهای رفتاری خانواده‌ها به وجود آمده است. تغییر در الگوی مصرف، نوع پوشاک، مسکن، سطح انتظارات خانواده‌ها و توجه به آراسته بودن ظاهری موجب گردیده که مفهوم زندگی به طور کلی دگرگون شود. امروزه «رفاه» از مهم‌ترین مسائلی است که خانواده‌ها توجه بیشتری بدان مبذول می‌دارند. در حالی که در ۴، ۵ دهه قبل مفهوم «رفاه» کمتر جایی در زندگی افراد داشت. جوان در جستوجو و تلاش برای رسیدن به شکلی از زندگی است که رهیافت واقعی جامعه است، اما از سوی دیگر، فرصت‌ها و امکانات مساوی برای دست‌یابی به این شرایط وجود ندارد. بسیاری از جوانان با این استدلال که تأمین هزینه‌های عقد و عروسی، تهیه منزل و اسباب و لوازم زندگی بسیار سخت است و نمی‌توان از عهده مخارج آینده زندگی برآمد و آبرومند زندگی کرد، بر خلاف میل باطنی از ازدواج به موقع خودداری می‌ورزند. در پژوهشی که به منظور بررسی نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی اهواز نسبت به ازدواج انجام شده، بیش از ٪۵۲ دختران تمایل به ازدواج از خود نشان داده‌اند، اما ٪۲۵/۳ از همین دانشجویان مشکلات مالی را از موانع ازدواج ذکر کرده‌اند. ۱۱ تعداد این قبیل افراد نسبتا زیاد است و شاید برخی، به ویژه پسران، ناچار می‌شوند تا پایان عصر مجرد زندگی کنند.۲- ادامه تحصیلات و تحول موقعیت زنان دومین عاملی که موجب افزایش سن ازدواج شده، گرایش به ادامه تحصیلات در بین جوانان است. اغلب پسران و دختران علاقه دارند تحصیلات خود را تا لیسانس و بالاتر ادامه دهند. امروزه تلقی و برداشت جوانان این است که ازدواج فرصت ادامه تحصیل را از آنان سلب می‌نماید. به ویژه تحول موقعیت اجتماعی زنان و گرایش آن‌ها به تحصیلات عالی موجب شده که سن ازدواج افزایش پیدا کند. دختران چنین فکر می‌کنند که بعد از ازدواج به دلیل مسئولیت همسری و یا مادری نمی‌توانند درس بخوانند. خانواده دختر و پسر نیز همین عقیده را دارند و غالبا حاضر نیستند درباره ازدواج فرزندانشان در حال تحصیل اقدام کنند.۳- اعتقاد به داشتن زندگی آزاد برخی بر این باورند که ازدواج باعث ایجاد محدودیت در بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنان می‌شود؛ از این رو، ترجیح می‌دهند به شکل مجرد و آزاد زندگی کنند. این گرایش نه تنها در بین پسران وجود دارد، بلکه برخی از دختران آن نیز ازدواج را نوعی محدودیت و موجب سلب آزادی‌های فردی خود می‌دانند. شاید بیشتر افرادی که ازدواج را عامل محدود کننده آزادی‌های فردی می‌دانند، فلسفه و حقیقت ازدواج را به خوبی درک نکرده و طرفدار آزادی به معنای غربی آن باشند، اما در این میان افرادی هم هستند که با وجود گرایش مذهبی قوی، آسایش، آرامش، خودسازی و سیر و سلوک معنوی را در داشتن نوعی زندگی می‌دانند که در آن قید و بندهای زناشویی و زندگی مشترک وجود نداشته باشد. برخی نیز فرزنددار شدن را مانع رشد اجتماعی مطلوب و کار و تحصیل خود می‌دانند، از این رو، حاضر نمی‌شوند ازدواج کنند.۴- فراهم بودن زمینه ارضای نامشروع به نظر می‌رسد بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخلاقی رابطه‌ای دو سویه برقرار باشد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند روابط آزاد بین دختر و پسر و امکان تمتع و ارضای جنسی، نیاز به ازدواج را در جوانان کم‌رنگ کرده است. در تحقیقی که مشکلات و موانع ازدواج و به ویژه دختران مورد بررسی قرار گرفته، به این نکته اشاره شده که برخی جوانان برای ارضای غرایز طبیعی خود به ارتباط با جنس مخالف بسنده می‌کنند و در نتیجه، وجود زمینه‌های انحرافی و روابط آزاد دختر و پسر را به عنوان یکی از عوامل افزایش سن ازدواج برشمرده است. ۱۳ بنابراین، روابط آزاد دختر و پسر و امکان بهره‌گیری جنسی از طریق غیر ازدواج که در عین حال،

مسئولیت چندانی بر عهده فرد نمی گذارد، خود یکی از عوامل افزایش سن ازدواج است. ازدواج مهمترین قدمی است که یک فرد و زندگی برمی‌دارد این قدم ممکن است تمام زندگی شخص را از نو بسازد یا خراب کند، ممکن است وجود شخصیت شما را بنا کند یا متلاشی سازد. ازدواج پیوند دو شخصیت است با حفظ نسبت نسبی استقلال از یک زن و شوهر برای همکاری مقابل نه از بین بردن یک شخصیت به خاطر تکمیل خواسته‌های دیگری. ازدواج قراردادی است رسمی، برای پذیرش یک تعهد متقابل جهت زندگی خانوادگی، که آدمی در خط سیر شخصی از زندگی قرار می گیرد. (روانشناسی ازدواج) محمدرضا دژکام (۱۳۸۱) (-----) ازدواج را خبری که تمام افکار آدمی را به خود مشغول می‌دارد تعریف می کند. (کارسون) ازدواج را فرایندی از ----- متقابل بین یک مرد و یک زن میداند که با تحقق بخشیدن به برخی شرایط قانونی بر پا داشتن مراسمی برگزاری زناشویی انجام می گیرد. طبق قانون هندیان، ازدواج یک رسم دینی است نه یک قرار داد و این امر در گذشته غیر قابل فسخ بوده. (بل دورانت) می گوید (ازدواج‌های به خاطر سود و مصالح هنوز هم به جای مانده است و در بسیاری از کشورها پدر و مادر دختر خود را به کسی میدهند، استعداد پولدار شدن داشته باشد. در دین مسیحیت شرط عقد دایم تنها میان یک مرد و یک زن، حتما باید در تعریف زناشویی و ازدواج قید شود. بر اساس آخرین تحقیقات روان‌شناسی، مفهوم جدید ازدواج با توجه به حفظ نسبی استقلال شخصیت زن و شوهر و امکان رشد و تعالی نیازمندی‌های مشروع و متقابل هر یک از آنها تکوین یافته است روانشناسی ازدواج محمد رضا دژکام ۱۳۸۱ دیدگاه روان شناسی: ازدواج عملی است بر اهمیت که احتیاج به روح و جسم سالم، فداکار، قدرت خلاقیت صرف نیرو، شجاعت، اندیشه، توانایی دارد. (روانشناسی ازدواج) (محمدرضا دژکام ۱۳۸۱)تکنیک‌های خاصی تحقیق۱- دوست دارید در بین بچه‌های کلاس در مورد موضع درسی با چه کسانی همگروه شوید به ترتیب اولویت ۲- شما دوست ندارید با چه کسی همگروه باشید به ترتیب اولویت۳- حدس می‌زنید چه کسی یا کسانی را انتخاب کنند.۴- حدس می‌زنید چه کسانی دوست ندارند با شما همگروه باشند؟فصل سومروش تحقیق:دراین پروژه ازروش کتابخانه ای استفاده گردیده است.ابتدامطالب موردنیازازطریق اینترنت وکتب موجود وپایان نامه های دانشجویی تهیه گردید،وسپس مطالب تکراری وغیرضروری ازمیان مطالب موجودحذف گردید.آن گاه مطالب مفید وضروری انتخاب گردید ودراین پروژه ازآنها استفاده گردید.پس ازحمع آوری اطلاعات اولیه ازطریق پرسشنامه به بررسی وکنترل اطلاعات پرداخته صحت وسقم آن رامشخص نمودیم.شیوه جمع آوری اطلاعات برای دستیابی به نتایج مطالعات تحقیقی و ارزشیابی، ابتدا لازم است معیارهایی تدوین شود که چنین نتایجی براساس آن قرار داشته باشد و به دست آوردن اندازه گیری از این معیارها امکان پذیر است. در این تحقیق ابزار اندازه گیری ما پرسشنامه شخصیتی SCL۹۰ است. روش آماریجهت تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده و برای تایید یا رد فرضیه های تحقیق از آزمون T گروه های مستقل یعنی مقایسه دو میانگین مستقل استفاده شد. لازم به ذکر است که تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفتجامعه آماریکلیه کسانی که به طورتصادفی موردپرسش قرارگرفته اندوبه سئوالات پاسخ کامل داده اند،می باشند. فصل چهارمتجزیه وتحلیل داده ها:هدف در این تحقیق، بررسی موانع ازدواج جوانان و ارایه راهکارهایی برای رفع این موانع می‌باشد.جهت بررسی دقیق‌تر و شناخت صحیح از موانع موجود برای ازدواج نمونه‌ای ۵۰ تایی از بین جوانان ۱۸ تا ۳۴ ساله به صورت تصادفی ساده انتخاب کرده‌ایم و پرسشنامه‌ای ۳۰ سؤالی به همراه برخی مشخصات فردی جهت اخذ نظریات ایشان تهیه و تکمیل شده است.پس از جمع آوری اطلاعات توسط پرسشنامه، اطلاعات کدگذاری و وار نرم‌افزار spss شده و گزارشات توصیفی و تحلیلی از آن استخراج شده است. نمودارهای مختلف آماری نیز توسط نرم‌افزار Excel رسم شده‌اند. حال به بررسی نتایج تحقیق می‌پردازیم:در نمونه مورد بررسی ملاحظه گردید که میانگین سن افراد حدود ۲۴ سال و انحراف معیار سن آنها حدود ۵/۴ سال گزارش می‌شود. سایر شاخص‌های آماری مربوط به سن افراد در جدول زیر گزارش شده است:شاخص (سال) میانه مد واریانس بیشترین کمترین دامنه تغییراتمقدار شاخص ۲۴ ۲۸ ۸/۱۹ ۳۴ ۱۸ ۱۶با توجه به جدول فوق ملاحظه

می گردد، بیشترین افراد دارای سن ۲۸ سال و اختلاف بین مسن‌ترین و جوان‌ترین فرد ۱۶ سال می‌باشد و بیانگر این نکته است که سن ازدواج بالا رفته و در این تحقیق کلیه دامنه سنی در معرض ازدواج مورد بررسی قرار گرفته است. وضعیت توزیع جنسی افراد در نمونه مورد بررسی در جدول ذیل آمده است: فراوانی درصدمرد ۲۷ ۵۵/۱زن ۲۲ ۹/۴۴ ملاحظه می‌شود توزیع جنسی افراد در نمونه مورد مطالعه به طور متعادل انتخاب شده است و نتایج تحقیق می‌تواند به گونه‌ای مجزا بدون تأثیر از نوع جنسیت افراد پاسخگو باشد. توجه داریم که یک نفر وضعیت جنسیت خود را مشخص نکرده است.جدول توزیع فراوانی وضعیت تأهل افراد در نمونه مورد بررسیوضعیت تأهل فراوانی درصدمجرد ۳۸ ۷۶متأهل ۱۲ ۲۴در این تحقیق ۷۶ درصد افراد مجرد و ۲۴ درصد متأهل بوده‌اند.جدول توزیع فراوانی وضعیت اشتغال افراد پاسخگو در نمونه مورد بررسیوضعیت اشتغال فراوانی درصدمحصل ۹ ۱۸دانشجو ۱۰ ۲۰کارمند ۱۰ ۲۰آزاد ۲۰ ۴۰سایر مشاغل ۱ ۲ملاحظه می گردد بیشتر افراد در نمونه تحت بررسی دارای شغل آزاد (۴۰ درصد کل افراد) می‌باشند و پس از آن مشاغل کارمند و دانشجو (با ۲۰ درصد کل افراد) دیگر مشاغل دارای بیشترین فراوانی در نمونه تحت بررسی می‌باشند.جهت بررسی دقیق‌تر در سؤال فوق جدول (توافقی) ذیل را داریم:جدول توزیع فراوانی وضعیت اشتغال با توجه به وضعیت تأهل افراد در نمونه مورد بررسیوضعیت اشتغال محصل دانشجو کارمند آزاد سایر مشاغل فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصدوضعیت تأهل مجرد ۸ ۲۱/۱ ۹ ۲۳/۷ ۷ ۱۸/۴ ۱۳ ۳۴/۲ ۱ ۲/۶ متأهل ۱ ۸/۳ ۱ ۸/۳ ۳ ۲۵ ۷ ۵۸/۳ ۰ ۰با توجه به جدول ملاحظه می‌شود بیشترین افراد مجرد، دارای شغل آزاد (با ۳۴/۲ درصد) بوده‌اند و پس از آن دانشجویان و محصلان دارای بیشترین فراوانی می‌باشند (به ترتیب با ۲۳/۷ و ۲۱/۱ درصد).همچنین بین افراد متأهل نیز، شغل آزاد دارای بیشترین فراوانی می‌باشد. (با ۵۸/۳ درصد)جدول توزیع فراوانی میزان تحصیلات افراد در نمونه مورد بررسیمقاطع تحصیلی فراوانی درصدابتدایی و راهنمایی ۱۱ ۲۲دیپلم ۲۳ ۴۶کارشناسی ۱۵ ۳۰بالاتر از کارشناسی ۱ ۲ ملاحظه می‌شود افراد با میزان تحصیلات در سطح دیپلم (۴۶ درصد) دارای بیشترین فراوانی و افراد با میزان تحصیلات بالاتر از کارشناسی (۲ درصد) دارای کمتری فراوانی در نمونه تحت مطالعه می‌باشند.ضمن آن که در مجموع ۶۸ درصد افراد (بیش از نیمی از افراد) دارای میزان تحصیلات دیپلم و کمتر از دیپلم می‌باشند و تنها ۳۲ درصد دارای میزان تحصیلات کارشناس و بالاتر از آن می‌باشند.در جدول ذیل به طور کلی در بررسی پاسخ سؤالات ۱ تا ۱۳ می‌پردازیم:جدول توزیع فراوانی پاسخ افراد به سؤالات یک تا ۱۳ در نمونه مورد بررسیپاسخ سؤالشماره سؤال خیلی زیاد زیاد متوسط کم خیلی کم فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد فراوانی درصد۱ ۸ ۱۶ ۱۱ ۲۲ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴۲ ۱۴ ۲۸ ۱۳ ۲۶ ۱۱ ۲۲ ۷ ۱۴ ۵ ۱۰۳ ۱۹ ۳۸ ۱۰ ۲۰ ۱۳ ۲۶ ۶ ۱۲ ۲ ۴۴ ۱۳ ۲۶ ۶ ۱۲ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴۵ ۸ ۱۶ ۹ ۱۸ ۸ ۱۶ ۹ ۱۸ ۱۶ ۳۲۶ ۱۰ ۲۰ ۹ ۱۸ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۷ ۱۴۷ ۱۱ ۲۲ ۴ ۸ ۱۹ ۳۸ ۹ ۱۸ ۷ ۱۴۸ ۱۱ ۲۲ ۱۳ ۲۶ ۱۰ ۲۰ ۱۳ ۲۶ ۳ ۶۹ ۲۴ ۴۸ ۱۹ ۳۸ ۵ ۱۰ ۲ ۴ ۰ ۰۱۰ ۱۸ ۳۶ ۱۱ ۲۲ ۱۴ ۲۸ ۴ ۸ ۳ ۶۱۱ ۱۸ ۳۶ ۱۹ ۳۸ ۹ ۱۸ ۳ ۶ ۱ ۲۱۲ ۱۰ ۲۰ ۴۰ ۲۵ ۵۰ ۳ ۶ ۱ ۲ ۱ ۲۱۳ ۹ ۱۸ ۱۱ ۲۲ ۱۵ ۳۰ ۹ ۱۸ ۶ ۱۲ حال به بررسی پاسخ سؤالات با توجه به جدول فوق می‌پردازیم:سؤال یک: حدود ۶۰ درصد افراد پاسخ متوسط و بالاتر را به اثرگذاری میزان مهریه، اقوام و نزدیکان در تصمیم گیری برای ازدواج داده‌اند و این می‌تواند به عنوان یکی از موانع و مشکلات اساسی در ازدواج مطرح باشد.سؤال دو: حدود ۷۶ درصد افراد پاسخگو، جواب متوسط و بالاتر به این سؤال داده‌اند. بدان معنی که رسیدن به مدارج علمی بالاتر می‌تواند یکی از اهداف آنها در هنگام تصمیم گیری برای ازدواج باشد.سؤال سه: ۸۴ درصد افراد به میزان متوسط و بالاتر معتقدند، باورهای اعتقادی و عدم تطابق بین میزان اعتقادات ایشان و شرایط موجود، سبب تأخیر در ازدواج

می‌شود.سؤال چهار: پاسخ به این سؤال به صورت متعادل بین گزینه‌ها توزیع شده و به همین دلیل شرایط اقتصادی نمی‌تواند عامل مؤثری در تزلزل برای تصمیم‌گیری در ازدواج باشد.سؤال پنج: ۶۶ درصد افراد پاسخ متوسط و پایین‌تر به این سؤال داده‌اند و رعایت مراتب سنی در بین اعضاء خانواده برای ازدواج را ضروری نمی‌دانند.سؤال شش: با توجه به نتایج امکانات مادی و مهریه سنگین و... ملاـکی برای ازدواج پاسخگویان نبوده است.سؤال هفت: با توجه به نتایج مراسم تجملی و تشریفات نمی‌تواند عاملی جهت بروز مشکل در امر ازدواج شود.سؤال هشت: ۶۸ درصد افراد معتقدند سردرگمی و نداشتن اعتماد به نفس در انتخاب همسر در حد متوسط و بالاتر به عنوان عاملی مشکل‌آفرین در امر ازدواج است.سؤال نه: افراد پاسخگو در حد متوسط و بالاتر ۹۶ درصد معتقدند که برخورداری از مسکن مناسب می‌تواند به عنوان مشکلی در هنگام ازدواج مطرح شود.سؤال ۱۰: میزان تحصیلات طرف مقابل در هنگام ازدواج با ۹۳ درصد در حد متوسط و بالاتر به نظر پاسخگویان می‌تواند به عنوان عاملی مهم در انتخاب همسر به عنوان ملاک باشند.سؤال ۱۱: به نظر پاسخگویان این سؤال در حد ۹۲ درصد در سطح متوسط و بالاـتر عامل مهمی در هنگام انتخاب همسر می‌باشد.سؤال ۱۲: شغل مناسب در حد ۹۶ درصد و در سطح متوسط و بالاتر به عنوان عامل مهمی در هنگام ازدواج می‌باشد.سؤال ۱۳: این سؤال نمی‌تواند به عنوان عاملی اثرگذار در تصمیم‌گیری برای ازدواج باشد.فصل پنجم:جمع بندی پژوهشها و نتیجه گیری نکته بسیار مهمی که باید به آن تأکید فراوانی داشته باشیم این است که همواره به یاد داشته باشیم که در امر ازدواج عوامل روانشناختی تأثیر بسزایی دارد. به طوری که ثابت گردیده که در مواردی، ازدواج های موروثی با شخصیت در ارتباط می باشد. علاوه بر این موضوع در یک نگاه کلی در می یابیم که: ۱-ازدواج های اجباری تأثیرات سوء جسمانی و روانی دارد و علاوه بر این باعث انحلال کانون خانواده شده و تأثیرات سوئی بر فرزندان و جامعه می گذارد. ۲- حتی نشان داده شده که ازدواج به عنوان تعیین کننده رفتاری و روانی – اجتماعی طول عمر محسوب می شود. ۳- والدین باید سعی نمایند از بن بستازدواج های تحمیلی رهایی یابند. ۴ – باید توجه داشت که روابط قهر و غضب بین زوجین و شرایط خصم آمیز خانوادگی که در آن عوامل شخصیتی موثرند در سازگاری کودکان در خلل زندگی زناشویی مؤثر است به طوری که باید اظهار داشت حتی در دوران بزرگسالی موجب تعارض در سطوح صمیمیت و دلبستگی به والدین نیز می شود و همان طور که پژوهش ها نشان داده موجب خدشه دار شدن روابط کودک – والدین می شود. پرسشنامهپاسخگوی محترم پرسشنامه‌ای که در اختیار شماست یک تحقیق دانشجویی به منظور شناخت مشکلات و موانع ازدواج جوانان می‌باشد. در این پرسشنامه درجه، نام و نام خانوادگی شما الزامی نیست. از شما درخواست می‌شود در ارایه اطلاعات خود صادقانه ما را یاری فرمایید. قبلاً از همکاری شما متشکریم.سن: جنسیت: مرد( ) زن( )وضعیت تأهل: مجرد( ) متأهل( )وضعیت شغلی: محصل( ) دانشجو( ) کارمند( ) آزاد( ) سایر موارد( )میزان تحصیلات شما: خواندن و نوشتن( ) ابتدایی و راهنمایی( ) دیپلم( ) کارشناسی( ) بالاتر( )۱- آیا تا چه اندازه توجه به درخواست مهریه اقوام و نزدیکان در ازدواج شما تأثیر دارد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۲- آیا ادامه تحصیل و رسیدن به مدارج بالاـ در تصمیم به ازدواج شما مؤثر است؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۳- آیا میزان اعتقاد مذهبی و مؤمن به باورهای اعتقادی بودن در تأخیر ازدواج مؤثر است؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۴- آیا تا چه میزان وجود فقر مادی در ازدواج باعث تزلزل در تصمیم به امر ازدواج در شما شده است؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۵- تا چه اندازه به این عقیده که «ابتدا باید خواهران و برادران بزرگتر ازدواج کنند تا نوبت به بقیه برسد» پایبند هستید؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۶- تا چه اندازه وجود امکانات مادی و عواملی چون هزینه سنگین، مهریه بالا... در امر ازدواج شما ملاک بوده است؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۷- آیا میزان پایبندی شما به گرفتن مراسم‌های تجملی و با تشریفات تا چه اندازه با ملاک‌های شما در امر ازدواج هم خوانی دارد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۸- سردرگمی و نداشتن اعتماد به نفس تا چه میزان توانسته در امر انتخاب همسر برای شما

مشکل آفرین باشد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۹- آیا برخوردار بودن از مسکن مناسب تا چه حد می‌تواند در تصمیم‌گیری شما در انتخاب همسر و در نهایت ازدواج تأثیرگذار می‌باشد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۱۰- میزان تحصیلات فرد مورد نظری که قصد ازدواج با او را دارید تا چه اندازه برای شما مهم است؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۱۱- آیا تا چه اندازه ملاک‌هایی چون «هم سطح بودن تحصیلات، داشتن شغلی مناسب، داشتن امکانات مالی و رفاهی و...» در انتخاب همسر شما مهم است؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۱۲- تا چه اندازه دارا بودن شغل مناسب و یا پردرآمد در تصمیم شما برای ازدواج از اهمیت برخوردار استخیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( )۱۳- آیا تا چه میزان رسیدن به تحصیلات در سطح بالا در تأخیر ازدواج تأثیر دارد؟خیلی زیاد( ) زیاد( ) متوسط( ) کم( ) خیلی کم( ) منابع:(نشریه: راه مردم، مشکلات ازدواج حدیث بی پایان، ۱۶/۸/۷۸)۱- اسناد الحاقی به اعلا میهٔ حقوق بشر . ۲ –فرید ریک انگلس– منشأ خانواده ودولت ۳- ویل دورانت – تاریخ تمدن . ۴- قرآن سوره نشاء .۵- جرجی زیدان –تاریخ تمدن اسلام ۱ـ اصول کافی, ج۵, ص۳۲۸, حدیث۲. ۲ـ بحارالانوار, ج۱۰۳, ص ۲۲۰. ۳ـ روم(۳۰) آیه ۲۱. ۴ـ اصول کافی, همان, ص۴۰۱, حدیث۱. ۵ ـ مستدرک الوسائل, ج۲, ص۵۳۱, حدیث۲۱. ـ ابراهیمی ، اختر ، بررسی و شناخت خانواده . کتابچه علمی شماره ۹ ، تهران : کمیته انتشارات دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران ، ۱۳۶۶ . ـ ابراهیمی ، اختر . ارتباط درمانی و الگوهای ارتباطی در خانواده . تهران : چاپ اتحاد ، ۱۳۷۱ . ـ امینی ، ابراهیم ، انتخاب همسر . تهران : انتشارات انجمن اولیاء و مربیان پاییز ، ۱۳۷۴ . ـ پرسا ، شهلا ، صدمات و تنبیهات وارده بر اطفال . کتابچه علمی شماره ۱۲ ، تهران : کمیته انتشارات دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ایران . ۱۳۷۶ . ـ تامسون ، تامسون ، ژنتیک در پزشکی . ترجمه محمد مهعدی اصلانی و حمیدرضا اصلانی . تهران : انتشارات دانش پژوه ، ۱۳۷۱ .

آموزش مهارت های زندگی ونقش مشاوره

محمد قمی فر

آدمی در مسیر تکاملی خود مالک منابع و وسائلی برای زندگی مؤثر است ، اوست که می‌تواند خود را در زمان حال تجربه کند و گذشته و آینده را از طریق به یاد آوردن و پیش بینی وقایع به تجربه در آورد. خداوند متعال نیز آدمی را آگاه و مسئول آفریده است تا بتواند از طریق آگاهی های خود ، قادر به انتخاب باشد و مسئولیت رفتارهای نهان و آشکار خود را بپذیرد تا توانائی آن را بدست آورد که پاسخهای مناسبی به محرک های درونی و بیرونی خود ارائه نماید و بعنوان موجودی متکامل شامل جسم ، هیجانات، افکار ، احساسات و ادراکات در محیطی مناسب به اصلاح و تعادل رفتار خود بکوشد و خود را به شکوفائی برساند (۱) آدمی با سرمایه های وجودی خویش می تواند احساسات ، افکار ، هیجانات و اداراکات خود را تحلیل و بررسی نماید و مطلوب ترین راه را برای ادامه حیات برگزیند.برای دستیابی او به فضائل ، موانع ، دردها و رنج ها مورد توجه قرار می گیرند ، اگر آدمی بتواند بر مشکلات خود فائق آید و از سدهای پیش راه بگذرد ، نگهداری و پایداری فضیلت‌های بدست آمده را آسان از دست نمی دهد و چنانچه فرزندان ما به این حکمت زیبا در کسب فضائل آگاه شوند قطعاً در بردباری و شکیبائی ها استوارتر خواهند بود. نقش مشاور نیز در این مسیر تکاملی نقشی حساس و مؤثر است ، آگاه کردن آدمی به چگونگی مقابله و مبارزه با مشکلات ، پشتوانه قرار گرفتن وی در جهت تقویت روحیه ها و بالا بردن ظرفیت های احساسی و روانی انسانها از نکات ممتاز کارکرد او در کسب فضائل است و تلاش های او در جهت تقویت خود باوری ، اعتماد بنفس و استقلال زمینه های تکامل و تقرب آدمی را به منبع والای پاکیها فراهم خواهد نمود.تعریف مهارتهای زندگی مهارتهای زندگی عبارتند از مجموعه ای از توانائی ها که زمینه سازگاری و رفتار مثبت و مفید را فراهم می آورند ، این توانائی ها فرد را قادر می سازند که مسئولیت های نقش اجتماعی خود را

بپذیرد و بدون لطمه زدن به خود و دیگران با خواست ها ، انتظارات و مشکلات روزانه ، به ویژه در روابط بین فردی به شکل مؤثری روبرو شود (۲) انسان در تعاملات حیاتی خود با محیط اجتماعی واجد صفاتی خاص می شود ، مهمترین تأثیراتی که محیط زندگی بر رفتار بجای می گذارد از طریق احساسات و عواطف است و همین ها است که بصورتی نگرش آدمی را تحت تأثیر قرار داده ، تغییراتی اساسی را رقم خواهد زد و نهایتاً در این تعاملات است که آدمی تجربیاتی را کسب می کند و پس از تکرار و تمرین رفتارها ، مهارت هائی را بوجود می آورد. پژوهشگران معتقدند تعدادی از مهارت های کسب شده پایه فعالیت های مربوط به ارتقای بهداشت روان را سبب خواهد شد. تأثیر مثبت مهارتهای زندگی مهارتهای زندگی شخص را قادر می سازند تا دانش ، نگرش و ارزش های وجودی خود را به توانائی های واقعی و عینی تبدیل کند تا بتواند از این توانائی ها در استفاده صحیح تر نیروهای خود بهره گیرد و زندگی مثبت و شادابی را برای خود فراهم سازد. شخصی که از مهارتهای زندگی در مراوده و ارتباط با دیگران کمک می گیرد به احراز موفقیت‌های ذیل نائل خواهد شد الف : قدرت تحمل نسبت به نظرات مختلف و احساس امنیت نسبت به گفتار دیگران ب : انجام بموقع کار با توجه به شرایط زمان و مکان ج : برنامه ریزی و کوشش در امور مفید و دوری از هر کار بی فایده د : راز داری و کنترل گفتار هـ : برداشت واقع بینانه از جهان و عبرت آموزی از وقایع تاریخ گذشته (۳) و : تقویت خود پنداره و اتکاء به نفس ز : استفاده از ظرفیت ها و کنش های هوش همچنین مهارتهای زندگی اثر مناسبی در جهت کاهش آسیب های فردی و اجتماعی خواهند داشت و با ایجاد نگرش های اصولی و علمی در انتخاب بهترین شیوه در انجام بهینه هر فعالیت نقش مؤثر خود را اثبات خواهند نمود. انواع مهارت های زندگی در معرفی انواع مهارت های زندگی که در ساختار شخصیتی انسانها مشاهده و در عملکرد آدمی نقش های ارزنده ای بجای می گذارد در این مقاله به اختصار سخن گفته خواهد شد ، تعداد و تنوع این مهارت ها در دیدگاههای متفاوت و جوامع مختلف قابل بررسی است ، هدف اصلی ما بررسی نقش سازنده مشاوره در چگونگی ایجاد مهارت های زندگی و گزینش بهینه آن است که می تواند تحول عظیمی را در ساختار زندگی انسان بوجود آورد. تعدادی از مهارت های زندگی بشرح ذیل ارائه خواهد شد. ۱-تصمیم گیری ۲- حل مسئله ۳- تفکر خلاق ۴- تفکر انتقادی ۵- روابط مؤثر اجتماعی ۶- خودشناسی ۷- همدلی ۸- انعطاف پذیری (۴) ۱-تصمیم گیری انسان به عنوان یک موجود برخوردار از تعقل به مطلوب ترین روش ها در دستیابی به هدف توجه می کند لذا می خواهد در شرایط اطمینان کامل تصمیم گیری نماید. امروزه ایجاد مهارت در تصمیم گیری بعنوان یکی از پایه ای ترین مهارت های زندگی بشمار می آید ، زیرا زندگی در جوامع پیشرفته ، گسترش ارتباطات اجتماعی و افزایش انتخاب ها را فرا راه اقشار مختلف خاصه جوانان قرار داده است ، انتخاب رشته تحصیلی ، شغل و همسر از جمله موارد مهم تصمیم گیری هستند . تصمیمات صحیح وعقلائی در این موقعیت ها نتیجه‌ای مؤثر در زندگی فرد بجای خواهند گذاشت و از تعارضات و تنش های روانی فرد خواهند کاست . هر چند تصمیم گیریهای غیر منطقی و نادرست باعث اضطراب و ایجاد افسردگی خواهد شد ولی تصمیم گیری عاقلانه آینده ای روشن را بوجود خواهد آورد و اطمینان و آرامش ویژه ای را به زندگی فرد هدیه خواهد نمود در این صورت است که نقش مشاوره و هدایت های مشاور می تواند بعنوان عنصر آگاهی ونیروی پشتیبان یاری دهنده وی بسوی تصمیم گیری صحیح و اصولی باشد . هر گاه برای تصمیم گیری مطلوب به توانائی های خاص از جمله افزایش خودآگاهی ، درک ارزش های فردی و خانوادگی ، مهارت های انتخاب هدف و روابط مطلوب بینی فردی و... نیاز باشد و تصمیم گیرنده واجد اطلاعات لازم، موقعیت مناسب و قدرت استنتاج مناسب نباشد نیاز به مشاوره در صدر امور قرار می گیرد . دادن اطلاعات مفید و مناسب ، خارج کردن فرد از تأثیرات والقاآت نامناسب اجتماعی، دوستان و خانواده و زمینه سازی یک موقعیت ویژه برای تصمیم گیری مستدل ، کافی و مناسب از توانمندیهای یک مشاور در چنین مواقعی است . حضور مشاور بعنوان یک راهنمای مطلع باعث می شود که اطلاعات و دانسته های لازم را در اختیار تصمیم گیرنده قرار دهد ، نتایج احتمالی هر فعالیت را با تکیه بر تجربه های متفاوت افراد، پیش بینی نماید ، فرد را در فضائی واقعی و حقیقی قرار

دهد و با حضور دلگرم کننده خود از اثرات تنش زای لحظه های بحرانی کاسته و محیط آرامی را برای تصمیم گیری عاقلانه افراد فراهم آورد بدیهی است تصمیم گیری در چنین موقعیتی مقرون به صواب و دارای نتیجه مناسب‌تری خواهد بود که در مجموع تصمیم گیرنده از شک و دو دلی رها شده و انتخابگر راهی خواهد شد که تا اندازه ای به نتایج و تبعات انتخاب خود ، آگاه و مقدمات لازم برای برخورد با موقعیت های حاصل از تصمیم گیری خویش را تمهید خواهد نمود ، این توان جز در سایه اعتماد و یاری گرفتن از مشاوران آگاه و دلسوز میسر نخواهد شد . ۲-حل مسئله حل مشکلات فراروی انسان تأثیر سازنده ای در ایجاد اعتماد بنفس و کسب آرامش آدمی دارد و به انسان نیروئی ویژه و انگیزه ای مناسب برای مواجهه سازنده با مشکلات هدیه می نماید . حل مسئله که بقول اندیشمندان در بالاترین سطح فعالیت های شناختی انسان قرار دارد (۵) نیازمند یک سلسله فعالیت های تخصصی و داشتن بسیاری از توانمندیهای شخصیتی است، برخی مسائل رو در روی آدمی دارای راه حل های واضح هستند و بعضی راه حلهای زیاد روشنی ندارند . راه حل های ساده متأثر از تجربیات و دانسته های قبلی آدمی است اما آن دسته از مسائل که به سادگی قابل حل نیستند مؤید آن است که یافتن راه حل در حوزه دانش و تجربه فرد نیست لذا باید اطلاعات جدیدی فراهم آید مفهوم صحیح مشکل ارائه شود و به حل مشکل بصورت عمیق نگریسته شود و یا اینکه از اطلاعات پیشین در ترکیبی تازه و متناسب با موقعیت جدید بهره گرفته شود . تلاش برای رسیدن به هدف از مسیرهای خاص و یافتن بهترین راه حل و استفاده از راهبردهای حل مسئله چاره کار در مسائلی است که راه حل زیاد روشنی ندارند . در حل مشکلات و معضلاتی که در حوزه دانش آدمی قرار نمی گیرد ، نقش مشاوره از جایگاه خاصی برخوردار است ، هنگامی که مشاور فرد را در جهت حل مسئله ای یاری و هدایت می‌نماید . ابتدا ، زمینه های مناسب برای درک و فهم سئوال یا مسئله را فراهم می آورد و به مراجع خود کمک می کند تا اطلاعات لازم برای حل مشکل را از طریق مجاری مناسب کسب نمایند و قادر شوند که اطلاعات اصلی و کمکی را از اطلاعات حاشیه ای که یاریگر او نیستند جدا سازد . آنگاه باید فرد ترغیب شود تا به راه حل های متفاوت بیندیشد وبرای هر راه حل نتیجه نهائی آن را پیش بینی نماید ، انتخاب بهترین روش حل مسئله و بازبینی فعالیت پسندیده حل مسئله از دیگر اقدامات مراجع در حل بهینه مشکلات است با نگاهی جامع به فعالیت های فوق و بررسی جایگاه مشاوره به این نتیجه مهم می‌رسیم که وجود مشاورانی آگاه و مجرب در جهت یاری کردن به انسانهای دارای مشکل ، ضرورت تام خواهد داشت ، آنان همواره در صدد آن هستند که فضائی فراهم آورند که فرد مبتکر و مستقل اندیش بار آید ، از قید محدودیت ها رهایی یابد و در حل مسائل زندگی خود موفق باشد . ۳-تفکر خلاق خلاقیت پدیده ای عمومی است که به درجات مختلف نزد همه افراد وجود دارد ، لذا باید به هر فرد کمک کرد تا با خودشناسی لازم ، اطمینان و اعتماد بنفس به این موقعیت نائل آید . غنی بودن محیط آموزش و پرورش ، توسعه اطلاعات و افزایش سرعت واکنش افراد نسبت به انگیزه های محیطی نیز بر کیفیت خلاقیت خواهد افزود به تعبیری خاص اگر بتوانیم قدرت تصمیم گیری و مهارت حل مسئله را بگونه ای تلفیق و تقویت نمائیم به حصول تفکر خلاق کمک نموده ایم و زمینه های لازم برای پرورش خلاقیت را فراهم آورده ایم قدرت تفکر خلاق از نگاه آدمی به فراسوی تجارب و خارج کردن خود از بن بست ها و محدودیت‌ها ریشه می گیرد و فرد را از حالت خشک و قالبی گذشته به سوی اندیشه های آزاد و ارائه نظریه های متفاوت سوق می دهد و نهایتاً موقعیتی بوجود می آورد که انعطاف ، اصالت و روانی را در افکار و اعمال آدمی بوجود می آورد در ایجاد تفکر خلاق هم جایگاه مشاور از اهمیت خاصی برخوردار است . مشاور با آموزش های لازم و ایجاد نگرش ویژه ای ، در روش کار و انتظارات محیط آموزشی ، تغییرات کلی بوجود می آورد و با ایجاد اعتماد بنفس ، نوآوری ، آزاد اندیشی و نظایر آن و آموزش تفاوت های فردی عقیده و نظر جدیدی را فرا راه مراجعان قرار خواهد داد مشاور این عقیده را که خلاقیت ذاتی است و فقط عده محدودی از آن برخوردارند را کنار می گذارد و این واقعیت را که عده معدودی از خلاقیت بیشتری برخوردارند ولی بقیه نیز می توانند در صورت پرورش مطلوب ، از خلاقیت مناسب بهره مند شوند ، را به دیگران تفهیم خواهد نمود . مشاور راهکار و

راهبردهای لازم برای کسب اطلاعات و معلومات را در اختیار فرد می‌گذارد یعنی می کوشد محیط مساعدی برای بروز خلاقیت فرد را فراهم آورد . ۴-تفکر انتقادی تفکر راهی برای معنادار کردن روابط بین رخدادها ، مفاهیم ، اصول و اشیاء است و تفکر انتقادی هم اندیشیدن درباره شیوه تفکر خود است ، به تعبیری مهارت تحلیل عینی اطلاعات و تجارب را تفکر انتقادی معرفی کرده اند در تفکر انتقادی عوامل مؤثر بر رفتارها و نگرش ها ابتدا مشخص شده و مورد ارزشیابی قرار می گیرد و سعی می شود از مهارت های تفکر بالاترین استفاده مفید صورت گیرد در مجموع این نوع تفکر بهره گیری از راهبردها و مهارت های شناختی به منظور بالا بردن بازده مطلوب رفتارها است واجدین این نوع تفکر دارای شفافیت مواضع ، تصحیح نگرش ها و کاهش فشار ناشی از تعارضات و باورهای تحمیلی هستند نقش مشاوره در این نوع تفکر وضوح بیشتری دارد ، هرگاه فرد از دریافت مبهم موضوعات در رنج باشد ، مشاور مواضع متفاوت را معرفی و در ارائه و تبیین نگرش های صحیح توانمندی های خود را به ثبوت خواهد رساند و نقاط ضعف و قوت مسائل را بازگو خواهد نمود ، همچنین در مواقع متأثر شدن فرد از فشارهای همسالان ، رسانه ها و ارزش های محیطی با پشتوانه قرار دادن فرد و آگاهی مراجع در کاهش فشارهای پیرامونی آدمی نقش مؤثری ایفا خواهد نمود در واقع مشاور ، تسهیل کننده تفکر انتقادی است زیرا اوست که با اشراف نسبتاً جامعی بر مسائل و پدیده ها و بدور از هر گونه منفعت طلبی و ترس از موقعیت‌های خود ساخته ، عناصر اصلی تحلیل و بررسی قضایا را کنار هم قرار می دهد و به مراجع کمک می کند تا از دریچه او به حوادث نظاره کند و سپس تصمیم گیری معقول و عالمانه ای داشته باشد ، بدیهی است ره آورد چنین موقعیتی حتماً نمود هائی از موفقیت خواهد بود ۵-روابط مؤثر اجتماعی رفتار اجتماعی مؤثر و موفق بدون ارتباط های صمیمی و دوستانه غیر ممکن و بعید بنظر می رسد ، قدرت برقراری و حفظ ارتباطات انسانی در بهداشت روان افراد ، رفتارهای اجتماعی اشخاص تأثیر بسزائی دارد . یکی از عوامل مهم ارتباط بین فردی ، توانائی یا ناتوانی شخص در ابراز وجود است و ابراز وجود باعث گرفتن حق خود و ابراز عقاید و احساسات و افکار خویش بطور مستقیم و صادقانه است به نحوی ، که در این حق خواهی و تکاپو برای رسیدن به خواسته های خود ، حقوق دیگران نیز محترم شمرده شود . نقش مشاوره در این موقعیت از آن جهت مهم تلقی می شود که با هدایت مشاوران - شخص قادر به تشخیص حقوق و منافع خود می شود تا براساس آن عمل کند - بدون ترس و واهمه و بدون اضطراب بر حق خود پای فشارد - بتواند احساسات و عواطف واقعی خود را بیان کند -و در همه حال بدون فراموش کردن حق دیگران به مطالبه حق خود اقدام نماید فردی که تحت تأثیر تعلیمات عالمانه و آموزش های مناسب مشاور قرار می گیرد قادر به برقراری روابط مؤثر اجتماعی خواهد شد زیرا در سطوح بالاتر این ارتباط ها -افراد احساسات خود را نسبت به یکدیگر براحتی ابراز می کنند -علاقه مند به حضور مأنوس خود در کنار یکدیگر خواهند بود -به رغبت ها ، نیازها و علایق دوستان توجه خواهند نمود تا رابطه گرم تری بین آنان بوجود آید و روابط آنان دوام بیشتری یابد و این موفقیت جز در سایه همکاریهای مشاوران امکانپذیر نخواهد بود . ۶-خود شناسی معرفی خودشناسی بعنوان یکی از مهارت های زندگی قابل تأمل است ، اکثر مکاتب و روش های مشاوره ای و روان درمانی در مباحث روان شناختی و حتی پیش از آنها مکاتب الهی به ویژه اسلام ، افراد را به تدبر در خویشتن فرا خوانده اند از آنجا که خودشناسی مقدمه ارتباط مؤثر با دیگران است و هر انسانی نیازمند حفظ و تقویت عزت نفس خویشتن است و تخریب عزت نفس در هر فرد موجب احساس حقارت و در نتیجه اضطراب خواهد شد لازم است به انگیزه بسیاری از رفتارها توجه نمائیم . پی بردن به انگیزه های اصلی رفتارها نیز نیازمند خودشناسی و بررسی زوایای وجود است ، پس لازم است در جهت خودشناسی نیز از استوانه های متفکر و عالمی کمک بگیریم تا ما را به اعماق امیال و خواسته های خود آگاه نموده و به توانمندیهای خود آگاه شویم .با فهم حقیقی توانمندیها ، احساس حقارت در آدمی از بین خواهد رفت و زمینه های بروز اضطراب مرضی خواهد خشکید در چنین حالتی اعتماد بنفس حاصل از توان موجود ، آدمی را به واکنش و برخوردهای اصولی با موقعیت های جدید امیدوار خواهد ساخت و در طی همین تعاملات زمینه های رشد و تعالی بوجود خواهد آمد اگر بپذیریم که عدم استفاده از توانمندیهای

آدمی ناشی از عدم آگاهی اوست به جایگاه مشاوره و اطلاعاتی که در جهت بهینه سازی رفتار از طرف آنان در اختیار مراجع گذاشته خواهد شد آگاه شده و باز هم نقش مهم مشاوره را مؤثر خواهیم یافت .۷-همدلی تلاش برای فهم موقعیت زندگی دیگران و زمینه سازی برای پذیرش خود در میان دیگران بخشی از مهارت همدلی است هرجا که به همیا ری و مشارکت افراد نیاز باشد ، همدلی موتور محرکه این حرکات خواهد شد و کارآئی رفتارها را مضاعف خواهد نمود .افراد تنها در زمانی می توانند به همدیگر کمک کنند که عواطف و تجربه های دیگران را دریابند ، دوستانی که در روابط خود با دیگران احساس رشد می کنند هنگامی به این امر واقف خواهند شد که بدانند دوستشان چه احساساتی دارد . هرگاه عضوی از جامعه انتظار آن داشته باشد که دیگران او را با تمام ویژگی ها و خصلت ها بپذیرند ، خودش هم باید قادر به فهم عقاید ، باورها و احساس دیگران باشد .متأسفانه نداشتن مهارت در همدلی و توجه نکردن به مجموعه فضای شناختی و عاطفی دیگران سرچشمه بدفهمی های فردی و بدتر از آن خصومت های نژادی است ، فقدان همدلی در نوجوانان باعث متوسل شدن به روش های انحرافی بیان خویشتن می شود بگونه‌ای که گاهی در تضاد با ارزش های اجتماعی و فرهنگی قرار می گیرد . در مقوله همدلی نقش مشاوره بارز خواهد بود ، مشاور با بیان واقعی موقعیت ها به همیاری و مشارکت افراد بعنوان زمینه های رشد اجتماعی اقدام می نماید ، در متعادل کردن عواطف نقش مؤثری دارد ، افراد را حساس به کسب تجارب مختلف می نماید و به فرد کمک می کند تا با روش بررسی و تحلیل زوایای متفاوت ذهن در فهم عقاید موفق باشد ، باورها را به ثبوت برساند ، انگیزه های مناسب رفتاری را فراهم آورد ، در شناخت دیگران پیشقدم شود و با تکیه بر استعداد و توانمندیهای خود به ارتباط مؤثرتر افراد کمک نماید و این همه جز به یاری و کمک مشاورین دلسوز میسر نخواهد شد . ۸-انعطاف پذیری دوره جوانی و نوجوانی دوره جوشش هیجانات آدمی است ، آنان باید راههای تشخیص هیجان را در خود و دیگران بیاموزند و روش های مقابله با هیجانات و کاهش تأثیرات این پدیده را در رفتار تمرین نمایند . خشم ، اندوه ، نفرت ، پرخاش و ... در صورتیکه کنترل نشوند بهداشت روانی را به طور جدی تهدید می کنند کنار آمدن با این فشارهای روانی نمونه ای از مهارت های زندگی بشمار می روند (۶) زندگی کردن در جوامع صنعتی و توسعه یافته و محیط های پرتراکم شهری نیازمند تصمیم گیریهای بیشماری در امر تحصیل شغل ، ازدواج و دهها متغیر دیگر است و فرد را در فشار روانی قرار می دهد ، تداوم این فشارها فرد را از حالت طبیعی و تعادل خارج می سازد .یأس ، نا امیدی ، اضطراب مزمن و افسردگی از نتایج قرار گرفتن در محیط های پرتنش و پرفشار است که در این مقوله هم نقش مشاوره در درجه اول قرار دارد . مشاور به فرد کمک می کند تا منابع و زمینه های فشار روانی را شناسائی کند تا پس از شناخت راههای اثرگذاری بر فشارهای روانی در کنترل آثار مخرب این نیروها موفق باشد .از طرفی مشاور راهنمای فرد خواهد شد تا در صورت عدم مقابله با فشارها بتواند در محیط زندگی خود تغییر بوجود آورد و برخی از منابع فشار را از خود دور سازد ، صبر ، حوصله ، پذیرش ابتلائات و آزمایشات ، همگی از ابزارهای ایجاد انعطاف و تحمل در آدمی خواهند بود و مشاور از این ابزارها استفاده لازم را خواهد داشت و اهتمام او در جهت متعادل کردن مراجعین است که به سهم خود کاری ارزشمند و مقرون به صواب خواهد بود . نتیجه گیری در مجموع یادگیری موفقیت آمیز مهارتهای زندگی احساس یادگیرنده را در مورد خود و دیگران تحت تأثیر قرار می دهد و علاوه بر آن با تغییراتی که کسب این مهارت در افراد بوجود می آورد برداشت و نگرش دیگران را هم تحت تأثیر قرار می دهد ، یادگیری مهارت های زندگی در دوران نوجوانی و جوانی اثرات نسبتاً پایداری بر ساخت شخصیت آنان خواهد داشت ، رفتارهای تحصیلی آنان را مؤثر، آینده نگری آنان را مثبت و انگیزه کاری آنان را مضاعف خواهد نمود . بنابراین مهارتهای زندگی الف : یکی از عوامل گسترش بهداشت روانی است . ب : ظرفیت ها و کنش های هوش را ارتقاء می بخشد . ج : از رفتارهای خشونت آمیز و مخرب فرد جلوگیری می نماید .د: تقویت خودپنداره و اتکاء به نفس را سبب خواهد شد .هـ : آسیب های فردی و اجتماعی را از بین خواهد برد . و : دانش و نگرش واقعی را فرا راه آدمی قرار خواهد داد . ز : ارتباطات اجتماعی آدمی را گسترش خواهد داد .ح : قدرت تفکر خلاق و انتقادی را در

افراد بوجود خواهد آورد .ط : زمینه ساز ابراز وجود و کسب خودشناسی خواهد بود .و نهایتاً آینده پر ثمری را فرا راه جوانان و فردائی پرافتخار را برای دین و میهن اسلامیمان فراهم خواهد آورد. اختصاص پست مشاوره در مدارس متوسطه گامی ارزشمند در جهت این تکاپوشناسی است و تاکنون نتایج پر ثمری را به نظام آموزش و پرورش کشور عزیزمان ارائه داده است ، امید است که مسئولین نظام تعلیم و تربیت در اختصاص چنین جایگاهی برای مدارس راهنمائی هم پیشقدم شوند ان شاء ا ... پی نوشت ها ۱-برداشتی از ماهیت انسان در دیدگاه نظریه پردازان گشتالتی ، نظریه های مشاوره ، لوئیس شیلینگ ترجمه سیده خدیجه آرین ،صفحه ۲۲۴ ، تهران : انتشارات اطلاعات ،۱۳۷۲ ۲-مهارتهای زندگی ، فرهاد طارمیان و دیگران ،چاپ سوم ، صفحه ۲۱ ، تهران ، مؤسسه فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۷۹ ۳-اصول بهداشت روانی ، سید ابوالقاسم حسینی ، چاپ دوم ،صفحه ۴۳ ، مشهد ، انتشارات دانشگاه مشهد ،۱۲۶۳ ۴-منبع شماره ۲ صفحه ۲۳ ۵-روان شناسی پرورشی ،علی اکبر سیف ، چاپ هفتم ص ۵۱۴ . تهران ، مؤسسه انتشارات آگاه ، ۱۳۷۱ ۶-کنار آمدن با فشار های ناشی از هیجانات بصورت مثبت همان انعطاف پذیری است و جزء مکانیسم های روانی بشمار می رود که بصورت ارادی و خود آگاه صورت می گیرد و تکیه بر آموزش های فردی دارد . منابع و مأخذ ۱-آقا زاده ، محرم مقدمات مهارتهای مطالعه و پژوهش ، چاپ اول ، تهران : مؤسسه فرهنگی منادی تربیت ، ۱۳۷۹ ۲-حسینی ، سید ابوالقاسم ،اصول بهداشت روانی ،چاپ دوم ، مشهد : انتشارات دانشگاه مشهد ،۱۳۶۳ ۳-سیف ،علی اکبر ،روان شناسی پرورشی ، چاپ هفتم . تهران : انتشارات آگاه ، ۱۳۷۱ ۴-شعاری نژاد ، علی اکبر فعالیت های اجتماعی و گروهی ،چاپ دوم . تهران : مؤسسه فرهنگی منادی تربیت ،۱۳۸۰ ۵-شیلینگ ، لوئیس ، نظریه های مشاوره ، ترجمه سیده خدیجه آرین ، تهران انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲ ۶-طارمیان فرهاد و دیگران ، مهارتهای زندگی ،چاپ سوم ، تهران : مؤسسه فرهنگی منادی تربیت ، ۱۳۷۹

عملکرد نظام خانواده و بهداشت روانی اعضای خانواده

دکتر اشرف السادات موسوی

چکیدههدف: این پژوهش به منظور بررسی تأثیر عملکرد نظام خانواده بر بهداشت روانی اعضای خانواده (پدر، مادر و فرزندان) صورت گرفته است. روش: جامعه آماری پژوهش، خانوادههای مهاجر ایرانی و افغانی در کشور انگلستان بودند. مجموعا ۴۵ خانواده (پدر، مادر و یک جوان ۲۰-۱۵ ساله خانواده) مورد بررسی قرار گرفتند. برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه بالینی با خانواده، پرسشنامه سلامت عمومی، پرسشنامه افسردگی بک، پرسشنامه ارزیابی همبستگی و انعطاف پذیری خانواده و پرسشنامه محیط خانواده استفاده شد. داده های پژوهش به کمک روشهای آمار توصیفی و تحلیل واریانس یکطرفه تجزیه و تحلیل شدند. یافته ها: نتایج نشان داد که عملکرد کلی نظام خانواده های «سالم» و «پریشان» کارآمد بوده وتفاوت چندانی با یکدیگر ندارند، ولی عملکرد خانواده های «افسرده» در مقایسه با دو گروه دیگر ناکارآمدتر بوده است.خانواده های «افسرده» از همبستگی و انعطاف پذیری کمتری برخوردار بوده و اعضاء ارتباط کمتری با یکدیگر داشتند. درخانواده های «افسرده» قدرت به طور نامتعادل بین پدر و مادر تقسیم میشد و ائتلاف والد- فرزند بیشتر به چشم میخورد. والدین خانواده های افسرده در تربیت فرزندان ناهماهنگ بوده، از زندگی زناشویی رضایت کمتری داشتند و رابطه جوانان و والدین دوستانه و رضایت بخش نبوداعتیادتعریف اختلالات مربوط به اعتیاد یا مبتنی بر کمیت، فراوانی و یا شدت رفتارهای مواد جویانه از طرف بیمار می‌باشد و یا اینکه اصطلاح "مصرف غیر قانونی مواد" مبنای تعریف اختلالات مربوط به اعتیاد قرار می‌گیرد.امروزه در محافل دانشگاهی به جای اعتیاد از وابستگی به مواد (substance dependence) نام برده می‌شود، هر چند که در میان مردم این بیماری "اعتیاد" و خود بیمار به عنوان معتاد شناخته شده است.بیمار وابسته به مواد علیرغم تجربه مشکلات متعدد ناشی از مصرف مواد قادر بر قطع مصرف آن نیست. مصرف

مواد یـک الگوی رفتـاری ناسازگـارانه و بیمار گونه است که بروز علائم رفتاری، روانی، شـناختی و جسـمی به اختلالهای بالینی در فرد مصـرف کننده منجر می‌شود. این اختلالها عبارتند از:۱- ایجاد تحمل: بیمار در دفعات بعدی مصـرف مواد برای رسیدن به سطح قبلی روانی و جسـمانی ناشـی از اثر مواد بایـد مقادیر بیشتری از آن را مصـرف کند.۲- بروز علائم ترک: عـدم مصـرف مواد علائم جسـمانی و روانی ترک مانند بیقراری، اضطراب، بیخوابی، درد عضلات، اسهال و استفراغ ظاهر می‌شود.۳- تمایل بعدی: هوس، در بیشتر بیماران پس از قطع مصـرف مواد وجود دارد ولی بیمار قادر به کنترل هوس و ترک مصـرف این کار نمی‌باشـد.۴- بیمار برای تهیه مواد، هزینه، وقت و سرمایه‌های دیگران و خانواده را مصرف می‌کند.۵- درپی استمرار مصرف مواد با تغییرات روانی و رفتاری در بیمـار، مشـارکت وی در فعالیتهـای خانوادگی، اجتماعی، تفریحی و شـغلی کاسته می‌شود.۶- علیرغم آگـاهی بیمـار از عوارض جسمانی و روانی مصرف مواد، بیمار قادر به عدم استفاده از آن نمی‌باشد. در تعریف علمی برای اینکه فردی را بیمار وابسته به مواد بـدانیم لازم است حـداقل ۱۲ مـاه الگوی مسـتمر مصـرف مواد را داشـته باشـد.موضوعـات مطرح‌شـده در بالا نکات آموزشـی برای بیمـاران، خانواده آنان و همه افراد جامعه به‌ویژه جوانان است. همه بایـد این نکات را بداننـد، و بداننـد که حتی یک‌بار مصـرف هم ممکن است فرد را به‌سوی این همه مشـکل بکشاند.سوء مصـرف مواد (substance abuse)در مقابل بیماران "وابسته" کسانی هسـتند که اقدام به مصـرف می‌کنند ولی با مشخصاتی که در بالا برای بیماران وابسته به مواد ذکر شد مطابقت ندارند. در این گروه شـدت مصـرف به حدی نمی‌باشد که وابسته تلقی شوند. این گروه از بیماران بارها و به طور متناوب مواد مصـرف می‌کنند. الگوی مصـرف این دسـته بر خلاف گروه بالا مقاومت ناپذیر نبوده و جنبه اجباری ندارد. اما بهرحال نتایج مصـرف و مخرب مواد را در پی دارد. از این موارد می‌توان غیبت از مـدرسه، محل کار، درگیری با همکاران و دوسـتان، عدم انجام تعهدات اجتماعی و خانوادگی، بی توجهی به فرزنـدان و خانواده و... را نام برد. الگوی مصـرف به هر گونه‌ای که باشد می‌تواند با مخاطرات فیزیکی مانند مصـرف مـواد هنگـام راننـدگی و خطرهـای فراوان بـه دنبـال آن همراه گردد. به‌خـاطر داشــته باشـیم یک‌بـار مصـرف ممکـن اسـت مـوجب سوءمصرف یا مصرف تفریحی شود و مصرف تفریحی موجب مصرف دائم و اعتیاد شده و خطر بعدی اعتیاد مصرف تزریقی و ایدز است.علل و عوامل مؤثر بر اعتیاداعتیاد یک بیماری زیست شـناختی، روانشـناختی و اجتماعی است. عوامل متعددی در سبب شناسی سوء مصـرف و اعتیاد مؤثر هستند که در تعامل با یکدیگر منجر به شروع مصرف و سپس اعتیاد می‌شوند. عوامل مؤثر بر فرد، محیط فرد و عوامل اجتماعی، عوامل در هم بافته‌ای هسـتند که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. آشـنایی با عوامل زمینه ساز مسـتعد کننده بروز اعتیـاد و نیز عوامـل محـافظت کننـده در مقابل آن از دو جهت ضـرورت دارد:۱- شـناسایی افراد در معرض خطر اعتیـاد و اقـدامهای پیشـگیرانه لازم برای آنان؛۲- انتخـاب نوع درمـان و اقـدامهای خـدماتی، حمـایتی و مشـاوره‌ای لازم برای معتـادان.عوامـل مخاطره آمیزعوامـل مخاطره آمیز مصـرف مواد شامل عوامل فردی، عوامل بین فردی و محیطی و عوامل اجتماعی است.۱- از عوامل مخاطره آمیز فردی می‌توان به دوره نوجوانی، اسـتعداد ارثی، صـفات شخصـیتی، اختلالات روانی، نگرش مثبت به مواد و موقعیتهای پر خطر اشـاره نمود. ۲- از بیـن عوامـل مخـاطره آمیز بین فردی و محیطی نیز می‌تـوان عوامـل مربـوط به خـانواده، دوسـتان، مـدرسه و محل سکونت را نام برد. ۳- از میان عوامل مخاطره آمیز اجتماعی نیز به عواملی چون فقدان قوانین و مقررات جدی ضد مواد مخدر، بازار مواد، مصـرف مواد به عنوان هنجـار اجتمـاعی، کمبود فعالیتهـای جـایگزین، کمبود امکانـات حمـایتی، مشاوره‌ای و درمانی، توسـعه صنعتی، محرومیت اجتمـاعی ـ اقتصـادی اشـاره نمود.درمـان اعتیـاد۱- مرحلــه سـم زدایی (detoxification)نخستین گـام برای بیمـارانی است که وارد برنامه‌هـای درمـان و توانبخشـی ترک مواد مخـدر می‌شونـد. سـاده‌ترین راه برای سم زدایی درمـان علامـتی بیماران به صورت سرپایی با داروهای مسکن، آرام بخش و خواب آور می‌باشد. ۲- مداخله‌های غیر داروییبا توجه به اینکه اعتیاد به مواد مخـدر یـک بیماری مزمن و عود کننـده است و عوامل و شـرایط زیستی و روانی ـ اجتماعی منجر به گرایش مجـدد به مصـرف مواد مخدر پس از تکمیل دوره درمانی می‌شود ضـروری است که مراکز درمان اعتیادپس از تکمیل دوره سم زدایی برای مدتی که

احتمـال عود اعتیـاد زیـاد است ارتباط مراجعان با مراکز درمانی را حفظ نماینـد. مطالعات مختلف نشان داده است که میزان عود در معتادان به الکل و مواد مخدر بسیار بالا است و سه چهارم افرادی که دوره درمان را کامل نموده‌اند در فاصله یکسال پس از تکمیل درمان عود مجدد داشـته‌اند. درمانهای غیر دارویی با هدف مداخله‌هایی مانند تغییر نگرشهای نادرست فرد معتاد، آموزش مهارتهای لازم برای مقابله با عوارض جسـمی و روانی ترک و تحمل بهتر آنها و مـداخله در محیط بیمار با درگیر نمودن خانواده در راسـتای درمان بیمار و ایجاد یک شبکه اجتماعی حمایت از وی و در نهایت کمک در جهت یادگیری مهارتهای شناختی و حرفه‌ای لازم در پیدا کردن شغل مناسب و قابل قبول وی و یا انجام بهتر وظایف شـغلی خود می‌باشد. سـرانجام بازگشت به جامعه به عنوان یک فرد عادی و بهره گیری از یک زنـدگی معمول با لـذات واقعی آن است. بیمار و خانواده به‌خاطر داشته باشـند که قادر نیسـتند به تنهایی این‌همه کار انجام دهند. روانپزشک، پزشـکان عمومی آموزش‌دیده، روانشـناسان بالینی، مشاوران، مددکاران و پرسـتاران متخصص در این رشته لازم است حتماً در کار درمان همراه نظارت داشته باشند.

اخلاق در خانواده

برای مطالعه بیشتر ۱- آئین زناشویی/ دیل کارنگی، ترجمه فروغ سمرقندی، چاپ دوم ۱۳۷۶ ۲- آئین همسرداری یا اخلاق خانواده. / امینی، ابراهیم ۳- آداب زناشوئی: از خواسـتگاری تا فرزندداری از دیدگاه قرآن و عترت/ نجفی دولت‌آبادی، حسـین ۴- آموزش زناشویی/ فرمایش، نصرا... ۵- آنالیز تصمیم گیری در ازدواج بهینه/ افتخاری، احمد ۶- اخلاق در خانه، ج ۱/ استاد حسین مظاهری، چاپ ۷، سال ۷۹ ۷- ازدواج اسـلامی/ تهانوی، اشـرفعلی ۸- ازدواج دوم/ هیمـن، سـوزی ۹- ازدواج و زنـدگی موفق/ کاویـان‌پور، احمد ۱۰- اعتماد در زناشویی/ اسپرینگ، مایکل ۱۱- انسـان، بلوغ، ازدواج/ وست هایمر، روث ۱۲- ای همیشگی‌ترین با من بمان/ کوییلیام، سوزان ۱۳- بررسـی تطبیقی مشکلات ازدواج/ محمد صادق مهدوی، انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی ۱۴- بلوغ... عروسی/ زمانی وجدانی، مصطفی ۱۵- بلوغ و ازدواج/ آدولفوس مـک فادن، برنارد ۱۶- بهداشت ازدواج: از انتخاب همسـر تا اولین فرزند/ رضایی شیرپاک، خسرو ۱۷- بهشت جوانان یا آنچه باید یک زن و مرد بداند/ محمدی نیا، اسداله ۱۸- بهشت خانواده؛ هفتاد درس در روابـط زنـاشویی: عنوان روی جلـد بهشت خـانواده:همـاهنگی عقل و فطرت، کتاب و سـنت در مسائل زوجیت، زن داری. شوهر داری /مصـطفوی، جـواد ۱۹- پیونـد دو قلـب: راهنمـای ازدواج و زنـاشوئی در مکتـب اسـلام/ پـاکزاد مهـدی ۲۰- جلوه‌هـای همای سعادت/ نعیمی، مریم ۲۱- جوان و ازدواج/ صـادقی، عطیه ۲۲- جوان و تشـکیل خانواده/ اسـتادان طرح جامع آموزش خانواده ۲۳- جهـان بهترین مشـاور ازدواج/ شـاهپرویزی، شاهرخ ۲۴- حـدیث ازدواج و خـانواده/ کریمی، محمـدعلی ۲۵- حقـوق زن در دوران ازدواج چیست؟ عنـوان روی جلـد: آیـا می‌دانیـد: حقـوق زن در دوران ازدواج چیسـت؟/ عراقی، عزت ا... ۲۶- خـانواده به منزله ساختـاری درمقابـل جامعه/ محمـد صادق مهـدوی، مرکز نشردانشـگاهی ۲۷- خـانواده و مسائـل همسـران جـوان/ قـائمی، علی ۲۸- دانستنی‌های زناشویی/ روبن، دیوید ۲۹- دانسـتنی های قبل از ازدواج و بعد از ازدواج / عقیلی / مهناز ۳۰- دانستنی‌های لازم‌جنسی و زنـاشویی برای یک زن و مرد/ جعفریه، مجتبی ۳۱- در پناه یکدیگر/ کوئیلیام، سوزان ۳۲- در جستجوی همسر/ طالعی‌نیا، محسن ۳۳- درس‌های خوشـبختی برای زوج‌های جوان/ رحیمی ۳۴- دفاع از حقوق زن، مشـهد/ محمد حکیمی، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای‌اسلامی. ۳۵- رابطه همسـران: راهنمایی برای زوج‌ها و مشاوران امور خانواده/ هامفریز، کیت ۳۶- راز شاد زیستن و نشاط کامـل در (ازدواج موفق) (زنـان بداننـد، دختران بخواننـد)/مورگان، مارابل ۳۷- راه مبـارزه با مشـکلات زناشویی/ زمانی وجـدانی، مصطفی ۳۸- راهنمـای ازدواج و طلاـق: بـا طرح مسائـل تربیتی، اخلاـقی/ عطـاردی کرمـانی، عباس ۳۹- راهنمـای مسائل جنسـی و زناشویی/ یاربخت، شهریار ۴۰- راهنمای همسران جوان/ سادات، محمدعلی ۴۱- راه‌های ساده برای زندگی سعادتمند/ ارورا، دیویا ۴۲- روابـط صـلح‌آمیز زن و مرد: آشتی بـا جنس مخـالف/ گری، جـان ۴۳- روان‌شناسـی زنـاشویی/ نجاتی، حسن ۴۴- روش برای

عاشقانه زیستن/ ادواردز، دیل ۴۵- روش‌های پیشرفته روابط زناشویی/ گری، جان ۴۶- رویکردی نوین در روابط خانواده/ عزت السادات میرخانی: تهران: سفیر صبح ۴۷- زناشویی راز خوشبختی/ کاظمی خلخالی، زین‌العابدین ۴۸- زن امروز، مرد دیروز: تحلیلی بر اختلافات زناشویی/ کیهان‌نیا، اصغر ۴۹- شناخت و درمان اختلاف‌های زناشویی (زناشویی - درمانی)/ برنستاین، مارسی‌تی ۵۰- شوک بعد از ازدواج/ هین، دالما ۵۱- شیوه همسرداری/ فضل ا...، محمدحسین ۵۲- طلوع آشنایی: اهمیت و مراحل آشنایی طرفین، قبل از ازدواج/ رفیعی موحد، مهدی ۵۳- عشق و جلوه‌های جوانی (هشدار به جوانان)/ شفیعی، حسن ۵۴- عیبم مکن، دوستم بدار/ هودسن، پت ۵۵- غذای روح برای زن‌ها و شوهرها/ چینی، عباس و... (و دیگران) ۵۶- قبل از تنهایی/ باسکونر، کریستینا ۵۷- گفتنی‌های ازدواج: بررسی زندگی زناشویی/ نوروزی، علی ۵۸- مریخی‌ها و ونوسی‌ها در عشق/ گری، جان ۵۹- مریخی‌ها و ونوسی‌ها: شروع دوباره/ گری، جان ۶۰- مریخی‌ها و ونوسی‌ها و آغازی دیگر/ گری، جان ۶۱- مسائل ازدواج و حقوِ خانواده/ بابازاده، علی‌اکبر ۶۲- مشاور ازدواج/ مصلحی، زیبنده ۶۳- مشاوره ازدواج/ طاهری نخست، حمیدرضا ۶۴- مشاوره ازدواج، قبل، حین و بعد از ازدواج، راهنمای عملی تشکیل و تداوم خانواده/اسلامی‌نسب بجنوردی، علی ۶۵- مشاوره و ازدواج و خانواده/ حسینی، مهدی ۶۶- نه گامی جلوتر، نه گامی عقب‌تر همسرم! در کنار من باش/ رابینسون، جاناتان ۶۷- هنر زن بودن/ مورگان، مارابل ۶۸- یکروح در دو بدن، یا، زن و شوهر/ میر سعسعانی، محمدتقی بخش دوم تکنیک‌ها و راههای ورود به قلب همسر از نظر روحی و روانی با وجود این که بین زن و مرد وجوه مشترکی وجود دارد، اما تفاوت‌هایی از نظرساختاری و روانی نیز دارند که اگر این تفاوت‌ها را بشناسیم و درک کنیم به یک نوع تفاهمو زندگی شاداب و پرنشاط خواهیم رسید، و از زندگی خود لذت خواهیم برد و از سلامتی روانی برخوردار خواهیم شد. الف: تفاوت‌های ساختاری و روانی و روحی زنان و مردان ۱ـ آقایان سکوت را دوست دارند، به خصوص هنگام خستگی و گرفتاری، و زنان گفتگوو مذاکره را دوست دارند. لذا مرد باید هنر مذاکره و گفتگو را یاد بگیرد و زن نیز به سکوت‌و سکون مرد بها بدهد. به خصوص هنگام ورود مرد به خانه، منظور آقایان از گفتگو جنبه‌اخذ اطلاعات است، اما خانم‌ها منظورشان از مذاکره این است که آنرا لذت بخش و آرامش‌بخش و موجب تخلیه روانی خود می‌دانند، لذا توصیه می‌شود که حداقل روزانه مردها ۲۰دقیقه با همسران خود صحبت کنند، آن‌هم دوستانه و در مکان و زمان مناسب. ۲ـ آقایان معمولاً ـ کلی‌نگر و زنان جزئی نگر هستند: زنان به جزئیات زندگی و رفتاری با دقت نگاه می کنند و در حافظه خود جای می‌دهندکه باید مردها متوجه این نگرش باشند و شخصیت زنان را دریابند، و زنان هم نبایدحساسیت به مسائل جزئی و رفتار کوچک داشته باشند. ۳ـ اظهار نظر دیگران برای خانم‌ها بسیار مهمتر است تا برای مردان. ۴ـ مردان با گفتن" دوستت دارم "در قلب زن نفوذ پیدا می کنند، و زنان با گفتن کلمات‌مردانه" چون در سایه تو آرامش می گیرم "در قلب مردان نفوذ پیدا می کنند. ۵ـ در مردان ویروس عشق از راه چشم به قلب وارد می‌شود، اما در زنان عشق مرضی‌است که ویروس آن از راه گوش وارد قلب می‌شود. برای مردها آنچه که می‌بینند مهم‌است، ولی برای زنان آنچه که می‌شنوند. پیام‌های بصری برای آقایان و پیامهای سمعی‌برای خانم‌ها اهمیت دارد. ۶ـ خانم‌ها در ابتدای زندگی بسیار فداکارند، اما به‌تدریج به سمت خودخواهی و خودرأیی حرکت می کنند اما مردان برعکس. ۷ـ مردها بیشتر به روابط جنسی اهمیت می‌دهند، ولی زنان بیشتر به روابط عاطفی‌اهمیت می‌دهند. لذا زنان باید هنر کام‌بخشی مردان را داشته باشند و مردان نیز به عواطف‌زنان پاسخ بدهند و نیازهای روحی و عاطفی و روانی زنان را تأمین کنند. ۸ـ مردان هدف‌گرا هستند و زنان رابطه‌گرا. ۹ـ برای خانم‌ها جذابیت اجتماعی آقایان، و برای آقایان جذابیت جسمانی خانم‌ها مهم‌است. (گفتاری، اندیشه) ۱۰ـ مردها شبیه آناناس هستند که ظاهر خشن و درونی نرم و شیرین دارند و زنان مثل‌پیازند که لایه لایه‌اند و دارای رفتار تموّجی، خیلی متغیرند، گاهی خوشحال، گاهی ناراحت، چاق، لاغر، زشت، زیبا و... . مردها ثبات روحی بیشتری دارند، ولی زنان غالباً ثبات روحی و روانی ندارند. اصول بهداشت روانی ۱ـ خویشتن پذیری: «خودمان را همان گونه که هستیم بپذیریم و دوست بداریم» تاپذیرش دیگران برای ما آسان شود. ۲ـ پذیرش بدون قید و شرط، اجتناب از داوری دربارهٔ این که

کیست و جهان را چگونه‌می‌بینـد، زیرا تـا چیزی را نپـذیریم نمی‌توانیم آن را تغییر دهیم، عـدم سرکوبی احساسـات دیگران ۳ـ هنر برقراری ارتباط ۴ـ عشق و امید در سر داشتن ۵ـ نگرش مثبت ۶ـ مهارت زندگی کردن و سازش ۷ـ گوش دادن به حرف دیگران ۸ـ همدلی ۹ـ کاری کنیم که دیگران احساس اهمیت کنند نه احساس حقارت ۱۰ـ تخلیه احساسات منفی ۱۱ـ تایید و تحسین ۱۲ـ درک و دیدن خوبی‌ها ۱۳ـ با هـدف زندگی کردن ۱۴ـ ضـرورت تغییر و تنوّع ۱۵ـ یاری دادن به زنـدگی و ... راه‌های رسـیدن به آرامش دوازده نکته زیر، شیوهٔ برخورد صحیح با فشارهای روانی (استرس) را به ما می‌آموزد. با رعایت و بکارگیری این روش‌ها، می‌توانیم به آرامش پایدارتری دست یابیم: ۱ـ تمرکز فکر روی موضوع آرامش‌بخش. ۲ـ کاهش سرعت تنفس. ۳ـ پناه بردن به دامان طبیعت. ۴ـ شـوخ طبعی ۵ـ خنثی کردن اظهـارات منفی بـا بیان مثبت. ۶ـ پیاده‌روی. ۷ـ عادت به عفو و بخشـش. ۸ـ شـنیدن موسیقی آرام. ۹ـ خـواب راحـت و آرام. ۱۰ـ تجسـم خلاـق. ۱۱ـ پـذیرفتن خویشـتن. ۱۲ـ تـوجه و توکـل بـه خداونـد. و ... منـابع و مآخـذ بهداشـت روانی(جهت مطالعه بیشتر) ـ آنچه زنان باید بدانند/ شکوهیان، افرا ـ بهترین شدن (ترجمه میرهاشـمی، سیدتقی)، انتشارات ققنوس/ وتیلی، دنیس(۱۳۷۵). ـ بهـداشت روانی بـارداری و زایمـان/ نصیری، محمـود ـ بهـداشت روانی خـانواده، نشر خیـام، ۱۳۶۹، تبریز/ ابراهیمی، داوود. ـ بهـداشت روانی زنـان/ کـارلسون، کـارن ـ پاتریک فانینگ دکتر کیم پالگ، (ترجمه قراچه داغی مهـدی)، چاپ اوّل، زمستان۱۳۷۹، تهران: اسـرار دانش/ دکتر ماتیومک کی. ـ چگونه همدیگر را دوست بداریم، (ترجمه آرزو سـلیمی‌زاده)، چاپ اول ۱۳۷۷،انتشارات وزارت ارشاد/ دکتر پل هاک. ـ خانواده درمانی پایه/ بارکر، فیلیپ ـ رشـد شخصـیت و بهـداشت روانی، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسـلامی ایران،چاپ سوم، ۱۳۷۰ تهران/ نظیری، سیما. ـ روان درمانی برای همه/ پوربافر، ایرج ـ روان‌شناسی زن، بررسـی علـل افسردگی و راه‌های اقتـدار بخشـیدن به خویش/فرانکل، لوئیس ـ رهایی از تنش (ترجمه طباطبایی حاج حسینی)، تهران: انتشارات مرواریـد (تاریخ‌انتشار به زبان اصـلی ۱۹۹۲)/ نیومن، جـان (۱۳۷۷). ـ زنـان، جنون و پزشـکی/ راسـل، دنیز ـ زن در آئینه جمال و جلال/ جواد آملی. ـ زنـدگی با عشق چه زیباست، (ترجمه تمـدن، توراندخت) تهران: انتشارات یاسـمن/بوسـکالیا، لئو (۱۳۷۵). ـ زنـدگی شـاد (ترجمه قراچه داغی، مهـدی) تهران: ناشـر مترجم/ چاپیـان، مـاری(۱۳۷۲). ـ عشـق، معجزه، درمـان (ترجمه تمدن، توراندخت) تهران: نشر آمین/ سیگل، برنی(۱۳۷۳). ـ عشق هرگز کافی نیست (ترجمه قراچه داغی، مهدی)، تهران: انتشارات ارین کـار ونیونـد/ بک، ارون تی (۱۳۷۵). ـ عظمت خود را دریابیـد (ترجمه آل یاسـین، محمـدرضا) تهران: ناشـر مترجم/ دایر،وین (۱۳۷۳). ـ غـذای روح برای زن‌هـا و شوهرهـا، (ترجمـه چینی عبـاس)، اصـغر انـدرودی، تهران:نشـر البرز، ۱۳۷۹/ جـک کانفیلـد و دیگران. ـ فلسـفهٔ حجاب، مطهری مرتضی. ـ مردان مریخی، زنان ونوسی ترجمه عدیلی اشرف، تهران: علم، ۱۳۷۸/ دکتر جان‌گری. ـ موفقیتهـای کلیـدی (ترجمـه توتونچیـان، محمـود) تهران: نشـر آمین/ ترسـی، براین(۱۳۷۵). ـ مهر بـورزیم، زنـدگی کنیـم، تازه‌هـای بهداشت روانی – چاپ اوّل/ رنجبر راد، ذبیح ا.... ـ نظام حقوقی زن در اسـلام، استاد مطهری و کتاب فلسفه حجاب. ـ نقش بهداشت روان در ازدواج، تهران: گفتگـو، ۱۳۸۰، چـاپ اول/ دکتر حسین‌عسـگری. ـ هفت عـادت خوب، ترجمه ملکی سوسن، تهران: مادر، ۱۳۷۹/ استفان کاوی. ـ هنر شادمانگی (ترجمه حمیدرفیعی، محمدعلی) کتابسرای تندیس/ لاما، دالایی(۱۳۷۹

خــــانــــــواده حیثیت ملــی

۸ ، ۱۶:۴۰ خــانـــواده حیثیت ملی از آن هنگـام که خـدا زن را از آسـمان عشق نـازل کرد و مرد را در زمین عقـل مبعوث، تـا آن زمان که مقـدر شـد راز حکمت آمیز اشتیاق بین این دو از پرده سـکوت بیرون افتـد تا هر دو بتوانند در جذبهٔ زوجیت خواسـتار نیمهٔ دیگر خود شونـد و به سـکون رسـند، پاسـخ این جـذبه در مـدار انسانی، یک سـنت نبوی نامیـده شـد. و در مـدار سایر پدیـده ها از کوچک تا بزرگ و از ذرات تا کرات یک سـنت الهی نام گرفت سـنتی که در آن همهٔ پدیده ها در حلقهٔ زوجیت بهم الحاق یافتند و خدای مهربان در محضـر تکوین با کریمهٔ «سبحان الذی خلق الازواج کلها» [۱]خطبـهٔ زوجیت آنها را خواند و البته مثل همهٔ نیازها

و پاسخ های دیگری که وقتی به انسان می رسد عالیترین وجه خود را می یابد، نکاح و زوجیت نیز در عرصهٔ انسانی اهداف و مقاصد والای انسان را می یابد که این موضوع در نخستین پیوند آسمانی مشهود است چنانکه در روایت است وقتی آدم و حوا این دو توّاب تبعیدی در زمین قرار گرفتند به ناگاه آدم در خود حس غریبی یافت که مثل صاعقه از وجودش عبور کرد و در قلبش جرقه زد بی‌فاصله لب به سخن گشود و گفت: پروردگارا در برابر خود کسی را می‌بینم که از او انسی در خود احساس می کنم و خدایش می فرماید: آیا بودن در کنار او را می پسندی؟ و آدم عرض می کند بله پروردگارا و خدایش می فرماید: او حواست او را از من بخواه...اگر چه در این فراز، لطیفهٔ دیگری علاوه بر میل زوجیت نهفته است و آن اینکه نیاز، فقر است و اظهار نیاز، فقر بالاتر و خدا اظهار نیاز که فقر بالاتر از نیاز است را بر حوا نپسندید و نیاز او را در صدف صبر و انتظار، مکنون خواست تا آدم با اظهار نیاز و خواستاری، صدف صبر و عصمت حوا را دق الباب کند و به انتظار پاسخ اش بنشیند و این آغاز تشکیل خانواده در نخستین جامعه انسانی است خانواده ای که با فخر در فرشتگاه عرش، تاج «کرمنا بنی آدم» را دریافت نمود تا در آن نسلی در امتداد خط کرامت بپروراند، خانواده ای که باید هم در آن جسم انسان تولد یابد و هم روح انسانی. بی تردید تحقق همین موضوع، بزرگترین و مهمترین کارکرد خانواده است. در واقع خانواده تنهاترین مسیر مشروع و پذیرفته برای تولد شخص انسان و بهترین محل، برای تولد شخصیت انسانی است. محلی است برای تحقق رسالت پر ارجِ وقت گیرِ پیچیدهٔ و ثمردهی به نام تربیت و چون این واقعه عظیم در روح آدمی باید اتفاق بیافتد، لذا شناختن ویژگی ها و خصوصیات روح، ما را در روشها و راههای تربیت بطور حتم یاری می کند و چون روح ماهیتاً لطیفه ای عرشی و رحمانی است، پس جبرائیل جبر نمی تواند تا عرش اراده و اختیار آن عروج کند و به همین دلیل روح، ایمان پذیر است نه فرمان پذیر. لذا باید ضمن اینکه از جبرها و بایدها در اجرا و استواری قوانین و مقرراتی که جامعه را به آداب مناسب عادت می دهد استفاده کنیم، باید از اِعمال روشهای نامتناسب و نابهنجار نیز بشدت پرهیز نمائیم. از این روی زمینه سازی برای ایجاد فضای فرهنگی که در آن «بایدها» به طور نامریی و غیر محسوس تبدیل به جو و رویه می گردد، یک امر اجتناب ناپذیر است که با همسو کردن والدهای خانوادگی و اجتماعی بخصوص در موضوع رسانه به دستاوردهای بزرگی می توان دست یافت و زمینه استحکام خانواده را در دوام و دادن محصول های متعادل و متعالی فراهم آورد. امروز در برابر هجوم جهانی گری که با هدف در نوردیدن همه مرزهای فرهنگی ـ تاریخی ملتها طراحی شده، خانواده مهمترین سنگری است که هم می تواند تبدیل به فرصت شود و در برابر هجوم عالمانه! استعمار فرهنگی بایستد و هم می تواند تبدیل به تهدید شود و افکار و آراء مهاجمان را در محیط خانه در نوع نگرش و روش تربیتی اش بکار بندد و حاصلش تربیت جوانانی باشد که بی‌هویت و بی عزت، مقلد و شیدای بیگانگان شود، خانواده مخزن خوبی برای فرهنگ هر کشوری است که فرو پاشاندن آن، در واقع غارت همه کشور و همهٔ منابع انسانی آن است. البته از این موضوع جامعه غرب مستثناء نیست که خواسته و ناخواسته جامعه غربی و خانواده در غرب خود اولین قربانگاه، تئوریها و نظر گاههای اومانیستی ست. تأمل در جمله آقای فرانسوا دوسینکلی رئیس مرکز مطالعات خانواده در فرانسه به وضوح این مطلب را نشان می‌دهد او در مصاحبه ای با روزنامه لوموند فرانسه می گوید: ما از بیست سال پیش کار خانواده را تمام شده اعلام کردیم دیگر برای تشکیل خانواده ازدواج یک امر حتمی نیست بلکه ازدواج یکی از راههای تشکیل خانواده است...لیبرالیسم که دستگاه اجرایی کردن نظرگاههای اومانیستی، در عرصه فرهنگ و سیاست و اقتصاد می باشد با طرح عملی این شعار که انسان همه چیز را می تواند در عرصه فکر و اندیشه انتخاب کند حتی مذهب را و همه چیز را می تواند در عرصه رفتار و عمل نشان دهد، الا مذهب را، به یک استبداد پیچیده و پنهان نائل شده است که در برابر خود هیچ اقلیتی را برنمی تابد، لذا نفی نفرات مذهبی و نظرات مذهب در میان امواج تبلیغاتی دمکراسی چنان به آسانی صورت می گیرد که جای حتی یک پرسش را هم نگذاشته، و حاصل این نحوه اداره و استیلاـ در جهان آن می شود که هیچگاه انسان مثل امروز مقتدر و مسلط نبوده و هیچگاه نیز انسانیت و عدالت و صلح مثل امروز غربت زده و غارت شده نبوده است. جوانان غیر از آنکه در جای جای جوامع در معرض

هجوم هنجار شده لیبرالیسم اخلاقی و آزادی هایی از نوع حیواناتند، تنها مأمن و پناهگاهشان که خانواده است نیز خود گرفتار این بلیه ویرانگر انسان عصر تکنولوژی شده است و عملاً سلامت و رشد معنوی جوانان، کار بسیار دشوار و پر مانعی گردیده است، تا جائیکه در آمریکا که مهد لیبرالیسم سیاسی فرهنگی اقتصادی است و همهٔ عوامل در خدمت افسار گسیختگی انسان از لجام انسانیت است بیشترین صدمه، بر جامعه جوانانش وارد شده که اشاره به یک نمونه مؤید این مطلب است. در موضوع بررسی علل افت تحصیلی در جامعه شهری آمریکا یک تحقیق انجام شده در سال ۱۹۴۵ میلادی عواملی چون عدم دقت بچه ها به درس معلم، حرف زدن بچه ها در سر کلاس درس، و از جای بلند شدن و آدامس جویدن در کلاسها، در افت تحصیلی مؤثر بوده است در حالیکه وقتی با تحقیق انجام شده در سال ۱۹۹۵ در جامعه شهری آمریکا در موضوع افت تحصیلی مقایسه می شود عواملی چون داشتن اسلحه گرم و سرد در پسران و بارداری و سقط جنین در دختران مهمتر شناخته شده و معلوم می‌گردد که اولین قربانی آن نظرگاهها خود جوانان غربی هستند که به طرز رقت باری آزادی های جنسی و ارتباطات آزاد، وضعیت خانواده را مختل و به تبع آن فرزندان را نیز منحط نموده است. امروز غرب استکباری علیرغم تکنولوژی قدرتمند و اقتصاد ثروتمندش در بعد سیاست خارجی بدلیل روح سلطه طلبی وخوی تجاوز کارانه اش مورد نفرت مظلومین و عدالت خواهان عالم است و در بعد سیاست داخلی اش با معضلات مهم فرهنگی، خانواده های ویران ، جوانان سرگردان و بحران هویت نسل جوان مواجه است و چون سرچشمه های این معضلات را که خود آفریده، به خوبی می‌شناسد، لذا در برنامه‌ها و سیاست کلی به موضوع تقویت معنویت و حمایت از تشکیل خانواده می‌پردازد اما بحران آنقدر عمیق است که طناب تشویق و حمایت نمی تواند خیل جوانان را از چاه دهها سال بی بند و باری هنجار شده و روابط آزاد پذیرفته، بیرون آورد لذا در خبرها می خوانید که مثلاً در کشوری مثل سوئد برای جلوگیری از پیرساختی جمعیت جامعه، سیاست تشویقی اعلام می‌نمایند که اگر یک دختر و پسر با ثبت قانونی با هم ازدواج کنند و به مدت ۳ سال یکدیگر را تحمل کنند، دولت ضمن اینکه از سایر تسهیلات تشکیل خانواده آنها را برخوردار می کند تا هجده سالگی هزینه و مخارج فرزند آنها را متقبل می شود. ولی باز هم خبری از استقبال جوانان رها شده در روابط آزاد و بی بند و باری های فردی و اجتماعی نیست. البته حذف خانواده به نفع روابط جنسی آزاد واقعیت تلخی است که الوین تافلر فرستنده موج سوم! آنرا برای جوامع صنعتی غرب و آنها که می خواهند راه غرب را ولو در جغرافیای شرق طی کنند ضرورتی تاریخی و بی بازگشت می‌داند، لذا هر آنچه تحت عنوان سیاستهای تشویقی آنهم ولادت نه ازدواج، همچون کاهش مالیتها، تخفیف استفاده از وسایل نقلیه عمومی، پرداخت حق اولاد تا سن ۱۸ سالگی، زایمان رایگان، پرداخت حقوق والدینی که در سالهای اولیه از فرزندشان نگهداری می کنند و سایر کمکهای اجتماعی اعمال کردند هیچکدام نتوانسته جوانانی که در مراتع هوسرانی به تمتع مشغولند را به ازدواج بکشاند و همه اینها تعالیم تیره اندیشان روشنفکرنمایی است که ازدواج را یک فحشا قانونی دانسته اند. و یا همچون آقای راسل که تئوری پرداز اخلاق نوین در غرب است و رسماً اعلام می کند که: زن و مرد نه تنها قبل از ازدواج باید از معاشرتهای لذت بخش آزادانه جنسی بهره مند باشند بلکه ازدواج نیز نباید مانعی در این راه به شمار آید زیرا فلسفه ازدواج و انتخاب همسر قانونی، اطمینان پدر است به پدری خود، نسبت به فرزندی که از زن معینی بدنیا می‌آید؛ این اطمینان را با بکار بستن داروهای ضد بارداری که مخصوصاً پیشرفت طب امروز آنها را به بشر ارزانی داشته است می توان بدست آورد، بنابراین هر یک از زن و مرد می توانند علاوه بر همسر قانونی عشاق و معشوقه های فراوانی داشته باشند، زن مکلف است در رابطه با عشاق خود از داروهای «ضدبارداری» استفاده کند و مانع پیدایش فرزند گردد ولی هرگاه تصمیم گرفت که صاحب فرزند گردد الزاماً باید از همسر قانونی خود استفاده کند. [۲] و باز در ادامه می گوید: «کسانی که مانند من معتقدند که روابط جنسی فقط هنگامی مسئله اجتماعی محسوب می شود که طفلی بوجود آید، باید مثل من این دو نتیجه را بگیرند: اولاً عشق بدون بچه آزاد است و ثانیاً ایجاد اطفال باید تحت مقرراتی شدیدتر از آنچه امروز هست قرار بگیرد.» [۳]بهر حال اصول اخلاق جنسی در غرب که بر اساس اخلاق نوین، برداشتی اومانیستی از

اراده تمایلات و اختیارات انسان طراحی شده، مبتنی بر سه اصل است که هر کدام از این اصول بخشی از فروپاشی اخلاقی و فرومایگی رفتاری انسان در غرب را عهده دار است اصولی که می گوید:۱- آزادی را جز آزادی نمی تواند محدود کند؛ ۲- سعادت بشر در گرو پرورش همهٔ استعدادهاست و ناراحتی های روحی ناشی از آشفتگی غرایز بلاخص غریزه جنسی است؛ ۳- آتش میل و رغبت در اثر منع و محدودیت فزونی می گیرد و برای انصراف دائم از توجه به امور جنسی راه صحیح این است که هر گونه قید و ممنوعیتی را در این راه از جلوی پایش برداریم.کارکرد اجتماعی حاکمیت یافتن اخلاق نوین با اصول مطروحه آن می شود، که زبان آمار و ارقام، زبان رسوایی بشر امروز می گردد با نگاهی به آمار و ارقام، حجم این خسران و رسوایی بهتر احساس می شود. در نروژ ۹۰٪ از دختران که کمتر از ۱۸ سال ازدواج می کنند حامله اند. [۴]در سوئد ۴۰٪ از کودکان از مادران بدون شوهر زاده شده اند. [۵]در آمریکا طبق آمار سال ۱۹۹۱ در برابر هر نوزادی که متولد می شود ۳۳۹ سقط جنین صورت می گیرد. [۶] امروز افزایش سرسام آور خانواده های تک والدینی به یک نگرانی عمومی تبدیل شده است. ۹۰٪ در فرانسه و ۹۳٪ در دانمارک فرزندان تک والد با مادر زندگی می کنند. [۷]آیا غرب با این بن بست انکار ناپذیر و با این سرنوشت گریزناپذیر، راهی را برای دفاع از آراء و اندیشه و تئوری هایی که او را به این وضع رقت بار رسانده است دارد و آیا شرق با این همه شواهد و قرائن، توجیهی برای جهل و غفلت خود دارد که ورود آن آراء و افکار را پذیرا و یا زمینه سازی حاکمیت و سیطره آنها را در سیاستها و برنامه های کلان داشته باشد. کشورهای غربی در انتقال دادن کامیابی های جنسی از کانون خانوادگی به محیط اجتماعی بیداد کرده اند و جریمه اش را هم می دهند، فریاد متفکرینشان بلند است [۸] ازدواج و تشکیل کانون خانوادگی، ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است، سعادت نسلهای آینده بستگی کامل دارد بوضع اجتماعی خانوادگی. [۹] می بینید که بقول استاد شهید مرتضی مطهری کار غرب در فلسفه اجتماعی به هذیان و پریشان گویی رسیده است وقت آن است که غرب مانند همه زمانهای دیگر با همهٔ تقدمی که در علوم و صنایع دارد فلسفه زندگی را از شرق بیاموزد. [۱۰]ما باید با حاکم کردن فرهنگ عفاف و حجاب در روابط و باور اجتماعی و در عمق رفتار و باور فردی، در صحیح ترین پاسخ به نیازهای جنسی و روانی جوانان که تشکیل خانواده است به عنوان یک فریضه ملی بنگریم و با اهتمام ملی برای تشکیل آسان و سعادتمند آن بکوشیم. جامعه ما با مبانی دینی بسیار روشن و شفاف و اصول مترقی قانون اساسی و مردمان با تعهد به فرامین الهی، خیلی طبیعی است که حرکت کلی حیات فردی و اجتماعی اش به سمت حیات طیبه باشد و بهترین و کوتاهترین راه وصول آن نیز خانواده است ولی مع الاسف کار جدی برای آن صورت نگرفته، اگر وجوهی که برای از میدان به در کردن تهاجم فرهنگی و به میدان آوردن توسعه سیاسی و ... صرف شد صرف سه امر مهم تشکیل ـ تحکیم ـ و تعالی خانواده می شد آنوقت ما وضع بسیار بهتری می داشتیم. اگر به جمعیت شصت میلیونی ایران که از ۵/۱۲ میلیون خانواده شکل یافته است و در آن بیش از هیجده میلیون جوان آماده به ازدواج وجود دارد نظر افکنیم خواهیم دید تغافل در برابر نیاز این خیل عظیم و تساهل در برابر گزینه سازی های غرب زده گان، ما را در آینده با چه معضلی مواجه خواهد ساخت و چقدر باعث تأسف است که ببینیم در جامعهٔ ما که جوانش مشکل تشکیل خانواده دارد، برای تنظیم خانواده اش! انواع و اقسام روشها و توضیحات و توجیهات را آنهم تحت عنوان یک واحد درسی اجباری در دانشگاه و عمدتاً با کلاسهای مختلط دختر و پسر طراحی شده است، این نوع آموزشها برای جوامعی که روابط آزاد در آن پذیرفته شده است طراحی گردیده که در روابط آزاد جلوی باروری های آزاد و ناخواسته گرفته شود. آیا برای جامعه ما که فقط این موضوع در قالب خانواده میسر و مشروع و پذیرفته شده است واحد مباحث نظری تنظیم خانواده لازم تر است یا مباحث نظری تشکیل خانواده؟!بهر حال با بیداری و راه اندازی یک موج عظیم ملی ـ فرهنگی ضمن اینکه باید مجاری توطئه های برنامه ریزی شده که به نظر نگارنده سرچشمه های تهاجم فرهنگی است مسدود شود، در ساحتهای مختلف باید برای آن، اصول و سیاستها را تعریف، و مراحل اجرایی و عملیاتی آن نیز به صورت کمی و قابل لمس طراحی شود، که ما در این مجال در دو ساحت فرهنگی و اقتصادی به عناوین جزئی تر خواهیم پرداخت.

ساحت فرهنگی:- - ایجاد میل و رغبت بیشتر در جوانان به امر ازدواج؛- - ایجاد امید و نشاط و روح سختکوشی و استقامت؛- - ارائه ملاکهای صحیح انتخاب همسر؛- - خواستنی کردن و ترجیح دادن اصل زندگی بر دکور زندگی؛- - ایجاد زمینه فرهنگی جهت ازدواج جوانان و اسکان مدت دار دختر و پسر در خانه والدین تا ایجاد زمینه عملی جهت آغاز زندگی مشترک؛- - گذاشتن حرمت و احترام اجتماعی به متأهلین جوان؛- - پایین آوردن سطح مهریه، جهیزیه و ولیمه به منظور آسان سازی ازدواج؛- - ارائه خدمات فرهنگی ارزان و یا رایگان به متأهلین جوان؛- - محکم کردن و مصوب کردن قوانین و مقررات حفظ خانواده و حفظ حقوق زن؛- - کمکهای فکری از طریق سایت های رایانه ای، مجلات، ایجاد خطوط تلفنی ویژه جهت مشاوره و گفتگو برای ازدواج و . . .؛ - - ارائه الگوهای قابل احساس و در دسترس به عنوان ازدواجهای آسان و سعادتمند؛ - - استفاده از جذابیت های بصری و هنری در فیلمها به منظور طرح ازدواج آسان و سعادتمند و ارائه الگوهای موفق. ساحت اقتصادی:- - اعطای وام های طویل المدت بدون مقررات یأس آور و دست و پاگیر برای ازدواج؛- - انبوه سازی خانه های استیجاری زیر ۵۰ متر برای زوجهای جوان؛- - اولویت استفاده از وامهای تولیدی و خدماتی برای متأهلین جوان؛- - امکان استفاده از خانه های اجاره ای دوره ای برای متأهلین جوان؛- - ایجاد صندوق قرض الحسنه مردمی ازدواج جوانان؛- - ارائه خدمات تسهیلاتی در استفاده از وسائل نقلیه عمومی ویژه زوجهای جوان؛- - اقدام حمایتی همه سازمانها ـ وزارتخانه ها و نهادها برای ازدواج فرزندان جوان پرسنل و شاغلین آن سازمان؛- - اولویت استخدام برای متأهلین جوان؛- - تصویب مرخصی پنج روزه استحقاقی ویژه ازدواج جوانان؛- - ایجاد و حمایت از صندوق های تعاونی فامیلی جهت حمایت ازدواجهای جوانان در فامیل. بی تردید یک اقدام ملی و مستمر در ساحتهای فرهنگی و اقتصادی ما را در کمک به ازدواج جوانانمان موفق خواهد کرد و با حاکمیت بخشیدن به روح پاکی و عفاف خواهی، زمینه گسترش روابط سالم اجتماعی و مناسبات درست انسانی را فراهم خواهد کرد که پدیدار شدن روح تعفف و خویشتن داری و پایدار شدن فرهنگ عفاف در جامعه ما، غیر از آنکه یک نیاز انسانی است، یک حیثیت ملی با وجهٔ دینی و تاریخی است.

تأثیر اعتیاد بر خانواده

و افزایش بدرفتاری با کودکانمزگان بنگر

در دنیای مدرن امروز ، برای شروع هر کاری نیاز به تخصص ، صلاحیت و ارائه مدرک علمی قابل قبول است . احتمالاً تنها جایی که تخصص ، صلاحیت و دانش جدی گرفته نمی شود فرزندداری است . والدین ، مسئول بناگذاری یک گروه هسته ای هستند که از گستره فامیلی جدا می شود اما ارتباط خود را با اقوام و آشنایان حفظ می کنند . والدین که خود کودکان خانواده های دیروز بودند ، بدون آنکه آموزش کافی ببینند ، دوره های لازم را طی کنند و نیازی به ارائه شواهدی مبنی بر آمادگی عملی و روانی برای فرزند پروری داشته باشند فرزندانی به دنیامی آورند . آنها به کودکان خود کمک می کنند تا به دنیای بزرگسالی وارد شوند ، مهارتها را آموزش می دهند ، حدو مرزی برای کودکان و نوجوانان خود تعیین می کنند و جهان واقعی را در اندازه های کنترل پذیر به آنها ارائه می کنند . با بزرگ شدن فرزندان ، والدین در مراحل همسر گزینی به فرزندان جوان خود کمک می کنند و به تدریج نقش پدر بزرگ و مادر بزرگ را ایفاء می نمایند . فرزندان جدیدی متولد می شوند و نسل قدیمی می میرد یا به حاشیه خانواده رانده می شود . به این ترتیب خانواده با تمام مشکلات و شادکامی هایش برقرار می ماند . هر مشکل و نابهنجاری در ساختار چند نسلی خانواده ، تأثیر مستقیمی بر کودکان دارد . مخرب ترین معضل خانواده اعتیاد است . گاهی والدین به مصرف مواد مخدر می پردازند و گاهی نسل سوم یعنی پدر بزرگ و یا مادر بزرگ خانواده معتاد هستند . کودکان به شیوه های متفاوتی با هر نسل ارتباط دارند و از اعتیاد آنها تأثیر می پذیرند . کودکان والدین معتاد و الکلی در خانه ای بزرگ می شوند که فضای آن

توأم با بـدرفتاری ، طرد و بی توجهی است . برخی از این کودکان از همان ابتـدا با سـندرم الکلی جنین متولـد می شونـد . در موارد دیگر ، والـدین یا یکی از آنها بعـد از تولد کودک شروع به مصرف مواد می کنند و پیامدهای آن وارد چهره شاخص خانواده می شود .وقتی که پـدربزرگ یا مادربزرگ معتاد است . والـدین نمی تواننـد به سـهولت ارتباط فرزنـد خود را با آنان قطع کننـد و مانع تشکیل ارتبـاطی آسیب زا بـا معتـادین شونـد . گـاهی تصور می شودکه بـا مرگ عضو معتاد و پیر خانواده ،مشکل ایجاد شـده نیز خواهـد مرد . اما شواهـد نشا»می دهنـد که گاهی پـدر یا مادر بعـد از مرگ والدین معتاد خود دچار استرس شدید و آشـفتگی های خانوادگی می گردد و خود شروع به مصرف مواد مخـدر می نماید .اعتیاد چگونه سیمای خانواده را تغییر می دهد ؟مواد مخدر و الکـل مـوادی هسـتند کـه منجر بـه تغییرات اساسـی در تفکر ، رفتـار و عواطـف افراد می شونـد .پرخاشـگری : تحقیقـات مربـوط به پرخاشـگری نشان داده انـد که مصـرف مواد مخـدر تنها به دلیل ترکیبات سـمی خود شاخص خطر در خانواده نیسـتند ، بلکه به این علت خطرناک هستند که عوامل خطر ساز دیگر را تشدید می کنند . در حالی که احتمال خشونت و بدرفتاری با کودکان به خودی خود نیز بالاـ است ، مصـرف مواد مخـدر می توانـد بـا تقلیـل قـدرت کنترل ، کـاهش بـازداری هـای فردی و اجتمـاعی و اختلال در قضاوت این خطر را به چنـد برابر افزایش دهـد . تخریب حافظه و توجه : اغلب حافظه و توجه معتادان به شـدت مختل می شود و بی توجهی آنان نسبت به کودکان افزایش می یابد . در این خانواده ها ، هم نیازهای جسمی و هم نیازهای عاطفی و شناختی کودکانبه شـدت مـورد غفلت قرار می گیرد . تحقیقـات مختلف نشـان داده انـد که کودکـان والـدین معتـاد ، نسبت به کودکـان دیگر تـأخیر شنـاختی قابـل ملاـحظه ای نشان می دهنـد . روابط جنسـی : روابط جنسـی معتادان نیز دچار اختلال و دگرگونی می گردد . کاهش عملکرد جنسـی و از دست رفتن موقتی بـازداری هـای متعـارف اجتمـاعی در لحظه مصـرف مواد و الکل ، احتمال تجاوز به عنف را افزایش می دهـد . این در حـالی است که معتادان تمایل دارنـد اعمال خلاف عنف خود را به این دلیل که تحت تأثیر مواد مخـدر یا الکـل بوده انـد ، تبرئه نماینـد . خلق : مواد مخـدر خلق افراد را تغییر می دهـد و منجر به افزایش افسـردگی ، اضـطراب و پارانویا می گردد . این مشـکلات خلقی تمـام اعضا خانواده را در بر می گیرد . در خانواده ای که یک عضو ، معتاد به مواد مخـدر است ، افراد دیگر در معرض بیشترین خطر ابتلاء به اختلالات روانی قرار دارنـد .خواب / بیـداری : الگوهای خواب و بیداری ، الگوهای خوردن و ویژگی شخصـیتی افراد در هنگام مصرف مواد کاملا "دگرگون می شوند . کودکان پدران معتاد دارای دو تصویر از پدر هستند . یـک پـدر هشـیار ، عاقـل ، بـدرفتار و آسـیب رسان و یک پـدر مست و مخمور بی تفاوت و حتی محبت کننـده . کودکان از هر دو تصویر می هراسـند و از هر دو آزار می بیننـد . اعتیاد چقـدر دوام دارد ؟ پاسخ به این سؤال آسان نیست . یک والد در نهایت اعتیاد خـود را کنـترل می کنـد و دیگری همچنـان بـه اعتیـاد خـود ادامه می دهـد . یکفرد برای تمـام عمر ترک می کنـد امـا افسـردگی و اضـطراب ، هشـیاری کوتـاه مـدت فرد دیگر را در هم می شـکند و اعتیـاد باز میگردد . وقتی که اعتیاد مانـدگار می شود ، کودکان ،والـدین یگـدیگر و یا والدین خود می شوند . خانواده که بر اثر مرگ ، سانحه و جنایت های ناشـی از اعتیاد ،فشارهای مضاعفی را تحمل می کنـد همچنان به اعتیاد خود ادامه می دهـد . به تدریـج ، خانواده نه تنها فراموش می کنـد که تمام رنج ها ناشـی ار اعتیاد است بلکه فقط بر رنـج های خود تمرکز می کنـد و مقـدار مصـرف افزایش می یابـد . در این مرحله ، خانواده با روشـهای متنوعی ، کودکان را مجبور به پذیرش این نابهنجاری می کند . انکار عمومی ترین الگوی این خانواده هاست . شدت پرخاشگری ، بدرفتاری ، برونریزی ، فراراز منزل ، دیر کردن و تـأخیر در بـازگشت به منزل و فعـالیت هـای جنسـی نابهنجـار کودکـان و نوجوانـان از طرف والـدین معتاد انکار می شود . کودکان یاد می گیرنـد که اعتیاد والـد خود را انکار کننـد و والـدین نیز مشـکلات رفتاری و هیجانی کودکان خود را که بازتاب اعتیاد آنهاست ندیده می گیرند . در برخی از موارد والدین معتاد از عهده نگهداری فرزندان خود بر نی آینـد و آنها را به پـدر و مادربزرگ می سپارند . این والـدین قـدیمی که در اثر تربیت غلط ، فرزنـدان خود را به طرف اعتیاد سوق داده بودنـد ، همین روش را دربارۀتربیت نوه های خود نیز به کار می گیرنـد و زمینه بروز پدیـده اعتیاد را در آنها فراهم می کننـد .

گاهی والـدین دارای والـدین معتاد هسـتند . آنها از کودکی اعتیاد والـدین خود را یاد گرفته انـد . به تدریـج به طرف مصـرف مواد رانـده شدنـد و بنا به دلایل بیشـماری از اعتراف به مشـکل خود و تقاضای کمک سـر باز زدند و اکنون افزایش مصـرف و یا شـروع اعتیـاد فرزنـدان خود را نیز انکار می کننـد و تمام رفتارها را نادیـده می گیرنـد . به این ترتیب فرزنـدان نیز به انکار اعتیاد والـدین و خودشان عادت می کنند . والدین معتاد در مواجهه با مشـکلات رفتاری فرزندان خود ، گاهی از روش های خشـنی اسـتفاده کنند و در زمان دیگر تمام مشکلات کودکان و نوجوانان تازه معتاد خود را ندیده می گیرند . روش های حل مسئله در خانواده های دارای عضو معتـاد دارای ویژگی های خاصـی است .راه حل ها دارای کانون کوتاه مـدت و محدودنـد و در بلنـد مـدت کارآیی ندارنـد . مثلا "پدر برای آنکه از تأثیر اعتیاد خود بر فرزندان بکاهد ،در هنگام مصـرف مواد کودک بزرگتر را مسـئول کودکان کوچکتر می کند تا شاهد مصـرف مواد نباشـند و آن را یاد نگیرند . این روش در کوتاه مدت مفید است اما دربلند مدت مشکلات بیشتری ایجاد می کنـد . راه حـل هـا در موارد و مواقع عادی موجب می شونـد که ساختارها در جای مناسب خود قرار داشـته باشـند اما در هنگام بحران از هم می گسـلند . به همین دلیل است که در فضای خانواده های معتاد سطح بالایی از تنش و هیجانات ناگهان رها شونده و پراکنده را احساس می کنیم .راه حل ها معمولا"به شدت واکنشـی هستند و بار هیجانی زیادی به همراه دارند . الگوی ساختاری این خـانواده ها با هرج و مرج و تـداوم آشـفتگی مشـخص می شود . جریان عادی و روزمره دارای ثبات متعارف نیست . کودکان زمان خواب و بیـداری ثابتی ندارنـد . زمان صـرف غـذا ، انجام تکالیف و دیگر فعالیت ها هیچ نظمی ندارند . عادت های جاری خانواده حفظ نمی شونـد . یک شب شام را با هم صـرف می کننـد و در شب دیگر مجبورند از هم فاصـله بگیرند چون والد معتاد به تازگی مواد مصـرف کرده و یـا مواد به او نرسـیده است . یـک شب ، نوجوان بایـد تحت نظـارت پـدر و مـادر باشـد و در شب دیگر حامی خواهر و برادران دیگر خود و یـا ساقی پـدر مخمورش باشـد . تشـریفات مـذهبی مورد سوء اسـتفاده قرا رمی گیرنـد . مثلا "پـدر در جشن ها و اعیاد به مصـرف مواد می پردازد و مرز بین زشتی اعتیاد و اعیاد ملی و مذهبی برای کودک مبهم و غیر قابل درک میشود . ارتباطات خانواده های معتاد نیز دچار اختلال و دگرگونی می شود . وقتی که پدر یا مادر به تازگی مواد مصرف کرده است بسیار با محبت و نرم تلقی می شود . اعضاء خانواده در یک وابستگی مضاعف نسبت به هم قرار می گیرند . مثلا "زن یا شوهر معتاد خود می مانـد زیرا معتقـد است او سـرانجام از این مشـکل خلاص خواهـد شد . همه چیز در هاله یک امیدواری کاذب و یا یک ناامیدی هولنـاک قرار دارد . گـاهی اعضـاء اعتیـاد اعضـاء دیگر را تسـریع می کننـد . به عنوان مثال پـدر می دانـد که مادر بعـد از نوشـیدن مقـداری الکل آرامتر می شود ، پس همیشه قبل از بیان یک مشـکل حاد او را تشویق می کنـد که مقـداری الکل بنوشـد . ارتباطات اسـکیزوفرنیک گونه رشـد می یابند . خانواده به کودکان آموزش می دهد که به کسـی اعتماد نکنند و در مورد بدرفتاری والدین ، ناکـامی خودشـان ، خشونت و اعتیـاد حرفی نزننـد . پـدر یـا مادر معتاد قادر به تشـخیص و کنترل عواطف خود نیست . بنابراین نمی توانـد این مهـارت را به کودک خود بیاموزد . او به فرزنـد خود می آموزد که احساسات خود را انکار و سـرکوب کنـد . در نهایت کودکـان والـدین معتـاد در سـنین نوجوانی تمایل به مصـرف مواد پیـدا می کننـد و این واقعه با توجه به سـیمای خانوادگی آنها غیر طبیعی تلقی نمی شود . نوجوانی که شاهد اعتیاد پدر خود است برای آرام نگهداشـتن خود شـروع به مصرف سیگار و... می نماید و این آغاز اعتیاد است . گاهی نوجوان معتاد نمی شود بلکه شـروع به خریـد و فروش مواد می کند . او بدینوسـیله احساس می کند بر موادی که او را گرفتار پـدر و مادر معتاد کرده است کنترل کامل دارد . والـدین معتاد احتمالا "مدیریت مالی ، انضـباط ، مهارتهای خانه داری و کنترل استرس را ندارند و از طرف جامعه نیز طرد می شوند . این وضـعیت ، مشکلات کودکان آنها را بیشتر می کند . چه باید کرد ؟ اعتیاد در طی نسل ها منتقل می شود . والدین ، تعارضات حل نشده خود را به فرزندان انتقال می دهند . جامعه ، پدر یـا مـادر معتـاد را به عنوان والـدین شـکست خورده و ناموفق برچسب می زنـد و تحمل آنها را برای ترک کاهش می دهـد . اما این چرخه معیوب قابل شکسـتن و بازسازی است .درمان دارویی و پزشـکی برای ایجاد یک دوره هشـیاری هر چنـد کوتاه مدت بسیار

مفید است . قبل از گسستن وابستگی جسمی به مواد مخدر ، امکان شکستن وابستگی روانشناختی وجود ندارد . چه بسا که فرد در همین دوره هشیاری به تعارضات زیر بنایی خود بینش پیدا کند و فعالانه خواستار تغییر و درمان شود .درمان های فردی برای آغاز تغییر در پویایی های درونی عملکردهای نارسا ، تصحیح و تکمیل مهارت های ناقص و آشکار کردن مسائل مشکل ساز زیربنایی خانواده بسیار مفید است . خانواده درمانی برای مرمت قید و بندهای از هم گسسته ، یادگیری روش های جدید برای نزدیک یا دور شدن از دیگران ، شناسایی امکان مقاومت در برابر درمان و تصفیه تشریفات و جشن های ملی ، خانوادگی و مذهبی و پاک کردن آنها از مواد مخدر و الکل دارای نتایج درمانی زیادی است درمان معتادان مستلزم شناخت انواع ساخت های خانواده است . همچنین ، باید فعالیت های زوجی خانواده ،تحصیلات و مسائل اقتصادی را به درستی مورد توجه قرار داد .

بهداشت پیش از ازدواج

دکتر سید محمدجواد پریزاده، طلعت خدیوزاده

واژه های کلیدی ازدواج، مشاوره قبل از ازدواج، ارتباط سالم، مشاوره ژنتیکیان مسئله ازدواج عامل بوجود آمدن خانواده، تکثیر و بقای نسل انسان است و در ادیان توحیدی و بویژه دین مبین اسلام از قداستی ویژه برخوردار است و اگر با شرایط لازم و آگاهی کافی صورت گیرد اثرات مهمی بر سلامت افراد و اجتماع می گذارد. سلامت جسمی، روانی و اجتماعی زوج های جوان با سلامت خانواده و ایجاد نسل سالم ارتباط دارد. از طرفی پیشگیری از بسیاری از مشکلات بهداشتی نظیر رشد بی رویه جمعیت و تولد کودکان ناهنجار را می توان با برنامه ریزی صحیح از دوران قبل از ازدواج شروع نمود، شرایط لازم برای ازدواج رسیدن به بلوغ اجتماعی، انگیزش و داشتن اطلاعات است. ازدواج رابطه ای بسیار نزدیک و طولانی را بین زن و مرد ایجاد می کند درصورتی که ارتباط سالم و موثر بین زن و مرد بوجود نیاید بقای آن با مشکل مواجه می شود. شناخت مراحل ایجاد ارتباط سالم و عوامل موثر بر آن به درک پاتولوژی ازدواج و پیشگیری از مشکلات آن کمک می کند. از موارد لازم در خدمات آموزش و مشاوره قبل از ازدواج آموزش روشهای تنظیم خانواده است. بررسی سلامت زوجین و درمان بیماریها و بکارگرفتن تدابیر لازم نیز در تولد فرزندان سالم و داشتن خانواده ای سالم نقش دارد و پیش از ازدواج باید مورد توجه قرار گیرد. مشاوره ژنتیک برای افراد بیمار و افرادی که در معرض یک اختلال ارثی هستند و آگاهی دادن زوجین نسبت به احتمال بوجود آمدن یا انتقال بیماری به فرزندان و کمک به آنان برای تصمیم گیری قبل از ازدواج ضروری است. ازدواج، قراردادی اجتماعی است که باعث بوجود آوردن یک کانون خانوادگی برای زندگی و تکثیر و بقاء نسل انسان از طریق بوجود آوردن اولاد و تعلیم و تربیت آنان مطابق با هنجارهای خانوادگی و فرهنگی می شود. در دین مبین اسلام قداست و اهمیت تشکیل خانواده مورد تاکید قرار گرفته است به حدی که ازدواج بعنوان محبوب ترین بنیاد نزد خداوند ذکر شده است و حتی در قرآن مجید، تشکیل خانواده را مایه تامین آرامش روان و احساس امنیت و سرچشمه ظهور مودّت و رحمت دانسته و آن را جزو آیات الهی معرفی نموده است. ازدواج سبب برقراری منظم فعالیت جنسی بهداشتی و سالم می شود و از فعالیت های جنسی نامشروع که سبب آسیب های اجتماعی دیگر مانند فحشاء و بیماری های مقاربتی می گردد، جلوگیری می کند. ازدواج یک رابطه بسیار نزدیک و طولانی را بین زن و مرد ایجاد می کند. در صورتیکه ارتباط سالم و موثر بین زن و مرد بوجود نیاید، بقاء آن با مشکل مواجه می شود. برای اینکه ازدواج بنای مستحکمی داشته باشد، باید بر اساس توافق طرفین و بررسی خانواده های آنان صورت گیرد. لازمه این امر است که طرفین معیارهای مناسبی برای انتخاب همسر تعیین نمایند و به بررسی و مشورت با دیگران جهت آگاهی از ویژگی های فرد مقابل و تطابق آن با معیارهای خود بپردازند. از طرفی زوجهای جوان، آینده سازان هر کشوری هستند و سلامت جامعه در گرو تامین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنان است. ریشه بسیاری از مشکلات عمده بهداشتی نظیر رشد بی رویه جمعیت، مرگ و میر مادران و کودکان و

ناهنجارهای ژنتیکی و غیره را باید در دوران قبل از ازدواج و قبل از بارداری جستجو کرد و پیشگیری از بروز مشکلات ذکرشده را باید با برنامه ریزی صحیح از دوران قبل از ازدواج شروع نمود.طرح آموزش های قبل از ازدواج در سال ۱۳۷۰ در کشور به تصویب رسیده و به استان ها ابلاغ شد. بدنبال آن در کلیه استان ها کلینیک مشاوره قبل از ازدواج دایر گردید و مسئولان دفاتر عقد ازدواج موظف شدند که صیغه عقد جهت افراد در شرف ازدواج را تنها در صورتی جاری نمایند که طرفین گواهی تندرستی مبنی بر انجام آزمایش ها و گذراندن دوره آموزشی را ارائه دهند. این طرح درحال حاضر در بسیاری از استان ها درحال اجرا می باشد. هدف از اجرای این برنامه، ارتقاء سطح آگاهی زوجین در زمینه اخلاق اسلامی، احکام و حقوق متقابل آنان، ارتقاء سطح آگاهی زوجین در خصوص اهمیت و ضرورت کنترل جمعیت و روش های مختلف پیشگیری از بارداری، ارتقاء سطح آگاهی زوجین در مورد بهداشت روانی و اصول و مهارت های ارتباطی، ارتقاء سطح آگاهی آنان در خصوص پیشگیری از بیماری ها و آشنایی آنان با واحدهای ارائه دهنده خدمات بهداشتی ـ درمانی بوده است. مطالعه سولیوان (Sulivan) در سال ۱۹۹۷ نشان داد که شرکت در کلاس های مشاوره قبل از ازدواج، خطر اختلال عملکرد ازدواج را کاهش می دهد. همسران شرکت کننده در این کلاس ها ریسک کمتری را برای مواجهه با مشکلات زناشویی داشتند و سرانجام ازدواج در آنها بهتر بود. اسچوما (Schumma) در سال ۱۹۹۸ با پژوهش خود نشان داد که انجام مشاوره قبل از ازدواج با افزایش میزان رضایت از ازدواج همراه است و زوجین تجربه مشاوره را به عنوان یک تجربه خوشایند و رضایتبخش عنوان می نمایند. جهت ارائه آموزش و مشاوره موفق به زوجین آماده ازدواج، شناخت دلایل مبادرت افراد به ازدواج، آمادگی های لازم برای ازدواج عوامل موثر در برقراری ارتباطات و تداوم آن ضروری است. بدیهی است که کسب آمادگی برای ازدواج از شرایط لازم برای ازدواج است. از دیدگاه روانشناسان زمانی فرد آماده ازدواج است که سه ویژگی ذیل را دارا باشد:۱ ـ رسیدن به بلوغ اجتماعی (۲ (Social Maturation ـ انگیزش (۳ (Motivation ـ داشتن اطلاعات (۱(Information ـ رسیدن به بلوغ اجتماعی هر انسانی سه مرحله از بلوغ را طی می کند. بلوغ جسمانی، بلوغ روانی و بلوغ اجتماعی. بلوغ جسمانی عبارت است از آغاز تغییر در سطح هورمون های جنسی که باعث تغییرات جسمی و روانی می شود وتحت تاثیر عواملی نظیر آب و هوا، شرایط اقلیمی، وراثت و تغذیه و غیره می باشد. بلوغ روانی عمدتا ۳ تا ۴ سال پس از بلوغ جسمانی اتفاق می افتد. نوجوانان در این مرحله دارای ثبات و آرامش نسبی روانی هستند. در این مرحله با تسلط نسبی روان بر جسم حالت خود شیفتگی و بروز عشق های رمانتیک افزایش می یابد. بلوغ اجتماعی آخرین مرحله بلوغ است که حدود ۴– ۳ سال پس از بلوغ روانی ایجاد می شود. در این مرحله احساس مسئولیت نسبت به دیگران، غلبه بر احساس، علاقه به ازدواج و برقراری روابط عمیق و پایدار در فرد بوجود می آید.۲ـ انگیزش برای ازدواج موفق لازم است و ازدواج بدون انگیزه، ازدواجی تحمیلی است.۳ـ داشتن اطلاعات آگاهی از علایق، توانمندی ها و نواقص خود، آگاهی از ساختار روانی زن و مرد که می تواند به تفاهم و درک متقابل کمک نماید و داشتن اطلاعات در مورد نقش ها و وظایف خود در زندگی مشترک به شروع یک زندگی موفق، کمک می کند. آگاهی زوجین از آنچه باعث تحکیم یا تخریب ارتباط در زندگی زناشویی می شود، به موفقیت آنان در زندگی مشترک کمک می کند. همانگونه که ذکر شد ازدواج یک رابطه بسیار نزدیک و طولانی را بین زن و مرد ایجاد می کند و در صورتیکه ارتباط سالم و موثر بین زن ومرد بوجود نیاید بقاء آن با مشکل مواجه می شود بنابراین مشاوران، کارکنان بهداشتی و زوجین باید از آنچه بر کیفیت این ارتباط تاثیر می گذارد آگاه باشند. شناخت مراحل ارتباط و عوامل مثبت و منفی که بر آن تاثیر می گذارند در دستیابی به موفقیت در زندگی مشترک لازم است.مراحل ارتباط از نظر جرج لوینگر (George Levinger) هر ارتباط سالم مراحلی را طی می کند و در هر مرحله عواملی وجود دارند که تاثیر مثبت یا منفی بر ارتباط دارند. وی مدل ABCDE را برای تشریح مراحل ارتباط در مرد و زن ارائه نموده است. A : جذب شدن (Attraction) وقتی اتفاق می افتد که دو نفر از وجود هم آگاه شده و یکدیگر را جاذب و مورد پسند می یابند. این آگاهی

ممکن است اتفاقی یا از طریق اعضای خانواده، همکاران، همسایگان یا سایر افراد باشد. اکثر افراد ترجیح می دهند همسرانی که از نظر ظواهر فیزیکی همسان هستند ازدواج کنند. شباهت در نگرش ها و شخصیت ممکن است اختلاف در جاذبه فیزیکی را تعدیل کند. B: ساختن(Building) بدنبال جذب پیش می آید. جذب ممکن است منجر به ایجاد انگیزه برای ساختن ارتباط شود. در همه فرهنگ ها افراد معمولاً تمایل دارند افراد دیگری که از نظر نژاد، قومیت، سن، سطح تحصیلات و مذهب تقریبا مشابه خود آنها هستند را به عنوان همسر انتخاب کنند. این افراد معمولاً در جامعه اطراف خود آنها زندگی می کنند. البته استثناهایی نیز وجود دارد. شباهت نگرش ها و تجربه های قبلی از عوامل کلیدی در جذب و برقراری روابط پایدار است. مردمی که زمینه قبلی یکسانی دارند، به احتمال زیاد دارای نگرش های یکسانی نیز هستند، از طرفی در مرحله انتخاب و تصمیم برای شروع زندگی محققین توجه به ویژگی ها و موارد ذیل را ضروری می دانند : ۱ـ تشابه شخصیتی که عدم توجه به آن منجر به بروز مشکلات فراوانی در زندگی خواهد شد. ۲ـ سلامت روانی و جسمی، در صورت وجود بیماری باید بعد از درمان و انجام اقدامات لازم، ازدواج صورت پذیرد. ۳ـ خانواده، شرایط اقتصادی، اجتماعی، تحصیلی خانواده ها تقریبا مشابه باشد و نظرات بزرگان خانواده مورد توجه قرار گیرد. ۴ـ خصوصیات ظاهری گرچه ملاک منطقی برای ازدواج نیست ولی در کنار سایر ویژگی ها می تواند در تداوم زندگی نقش داشته باشد. ۵ـ استقلال مالی : زوجین باید حداقل امکانات اقتصادی را در اختیار داشته باشند. مرد باید شغل مناسبی داشته باشد و از لحاظ مالی خودکفا باشد. ۶ـ خلق (Mood) : فرد مناسب برای ازدواج باید خلق طبیعی داشته باشد. ۷ـ ازدواج فامیلی، ازدواج های فامیلی باید با احتیاط صورت گیرد. عمده ترین علت آن امکان بروز اختلالات ژنتیکی در فرزندان است. در صورت لزوم انجام مشاوره ژنتیکی و بررسی های دقیق ضروری است.۸ـ سن : سن ازدواج در شرایط جغرافیایی و اقلیمی مختلف متفاوت است. تفاوت سنی مناسب بین زوجین در مطالعات مختلف بین ۲ تا ۵ سال توصیه شده است. توجه به این نکته ضروری است که انتخاب همسر هیچگاه نباید بر اساس دلسوزی و ترحم صورت گیرد. عوامل عمده ای که در ساختن و تحکیم ارتباط موثرند برقراری ارتباط عاطفی مناسب و صمیمیت(Intimacy) است. صمیمیت شامل احساس وابستگی عاطفی و تمایل به برقراری ارتباط و تقسیم تجربیات و مشارکت دادن و سهیم کردن دیگران در احساسات و افکار خصوصی فرد می باشد. ارتباط جنسی داشتن به معنی ارتباط عاطفی داشتن نیست. گاهی مردان یا زنان، بیشترین ارتباط صمیمی خود را با دوستان خود برقرار می کنند نه با همسران خود. از عواملی که به صمیمیت و برقراری ارتباط عاطفی کمک می کند این است که فرد خود را بشناسد، خود را دوست داشته باشد. برای خود ارزش قائل باشد، قادر به تشخیص نیازها و احساسات خصوصی خود باشد و با آزادی عمل، آنها را با شریک زندگی خود تقسیم کند. اگر وابستگی عاطفی ابتدایی متقابلا پاسخ داده شود، احساس دوست داشتن عمیق تر می شود و این وابستگی ممکن است ادامه یابد تا طرفین به یکدیگر اعتماد و اطمینان بیشتری پیدا کنند و ارتباط صمیمی آنان گسترش یابد. به طور معمول مردان به اندازه زنان مایل به دادن اطلاعات در باره خودشان یا احساساتشان نیستند. اعتماد و احترام(Trust and caring) باعث ایجاد احساس امنیت در زوجین می شود. اعتماد معمولاً تدریجی ایجاد می شود. احترام گذاشتن، یک پیوند عاطفی را ایجاد می کند و باعث افزایش صمیمیت می شود. صداقت (Honesty) هسته اصلی صمیمیت را تشکیل می دهد. بدون داشتن صداقت، افراد فقط ظاهر همدیگر را می بینند. برای ایجاد صمیمیت لازم نیست فرد مانند یک "کتاب باز" عمل نماید. بیان برخی از تجربیات مثل روابط جنسی قبلی ممکن است باعث تخریب روابط بشود. صمیمیت در ارتباط لازم است ولی کافی نیست. داشتن تعهد(Commitment) نیز لازم است. افراد باید متعهد باشند تا بر مشکلات فائق آیند، نه اینکه به محض مشاهده علامتی از مشکل، میدان را خالی کنند. روانشناسی به نام استرنبرگ عشق بالغ یا عشق کامل را دارای سه جزء واضح توصیف کرده است: ۱ـ صمیمیت یا احساس عاطفی نزدیک بودن به فرد دیگر و سهیم کردن وی در احساسات و افکار خصوصی خود ۲ـ دلباختگی (Passionate)یا انتظارات جنسی ۳ـ تصمیم و تعهد، یعنی فرد تصمیم داشته باشد به عشق پای بند بماند و متعهد به

نگهداری ارتباط در هر شرایطی باشد. وی عشق را به عنوان یک مثلث، مفهوم سازی کرده است. هر قله بیانگر یکی از اجزای عشق است. عشقی که در آن هر سه جزء درتعادل مساوی هستند به شکل یک مثلث با سه ضلع مساوی نشان داده شده است. اگر هر یک از زوجین سطوح همسانی از دلباختگی، صمیمیت و تعهد را نشان دهند، آنها در این ابعاد یکسان هستند. وقتی زوجین در این ابعاد همسان نباشند. ارتباط در معرض زوال است (شکل شماره ۱). شکل ۱ ـ زمانی زوجین با یکدیگر همسان هستند که سطوح نسبتا یکسانی از نظر دلباختگی، صمیمیت و تعهد داشته باشندالف) همسان سازی کاملا موثر ب) همسان سازی خوب، زوجین در سه جزء تا حدی مشابه هستند.ج) غیر همسان، تفاوت های شدید بین زوجین در سه جزء وجود دارد. به طور مثال وقتی یکی از زوجین انتظارات جنسی بیشتر و یا تعهد طولانی مدت را می خواهد و فرد دیگر مایل به آن نیست این وضعیت پیش می آید. مطابق با مدل استرنبرگ میزان های متفاوت این اجزاء در ترکیب با یکدیگر، منجر به ایجاد انواع مختلف ارتباطات بین زوجین، می شود. به طور مثال وقتی رابطه دارای اجزاء دلباختگی و صمیمیت است اما تعهد در آن وجود ندارد تبدیل عشق رویا گونه (Romantic Love) می شود عشق رویا گونه ممکن است بتدریج ضعیف شود و از بین برود یا ممکن است به عشق کامل تبدیل شود و به یک ازدواج پایدار و زندگی مشترک طولانی منجر شود که هر سه جزء عشق در آن وجود داشته باشد. از طرفی وقتی صمیمیت و تعهد قوی هستند اما دلباختگی وجود ندارد یا کم است این رابطه مثل یک دوستی طولانی مدت است. عشق کامل که متشکل از هر سه جزء است مطلوب است اما سخت بدست می آید. برخی از زوجین روابطشان به حدی گسترش می یابد که خود را "ما" می بینند نه "من"، لوینگر در بیان این احساس عبارت "یکی شدن" (Mutuality) را بکار می برد. توسعه این ارتباط دو طرفه، تداوم و تعمیق روابط را بدنبال دارد. در ارتباط احترام آمیز یک تعادل برنامه ریزی شده بین حفظ فردیت (Individuality) و یکی شدن وجود دارد. احساس یکی شدن صحیح و سالم استقلال فردی زوجین را از بین نمی برد، زوجین در حین ارتباط احترام آمیز و سالم، آزاد هستند تا خودشان باشند و هیچیک سعی نمی کند بر دیگری تسلط یابد یا در شخصیت دیگری غرق شود. در ارتباط غیر صحیح و دچار مشکل، معمولا استقلال فردی یکی از زوجین توسط دیگری پایمال می شود. C : تداوم (Continuity) از عواملی که باعث تداوم ارتباط می شود آن است که زوجین از ارتباط با یکدیگر احساس رضایت کنند جستجوی روش هایی برای ایجاد تنوع و حفظ علایق و حفظ احترام و فعالیت هایی که رابطه را عمیق تر کند در تداوم زندگی مشترک نقش دارند. آنچه که رابطه را به زوال و نابودی می کشاند عمدتا شامل احساس خسته شدن، جرّوبحث بر سر مسائل بی اهمیت فراموش کردن یا نادیده گرفتن مسائل مهم، ارضاء نشدن یا احساس نامتوازن بودن روابط می باشد.D : زوال (Deterioration)، زوجینی که برای حفظ و بهبود رابطه تلاش می کنند ممکن است با یکدیگر ارتباط قوی تری پیدا کنند. وقتی با اختلاف، برخورد مناسبی نشود، می تواند منجر به زوال و در صورت تشدید منجر به قطع ارتباط شود. زوجین می توانند با این مشکل به شکل فعال یا غیرفعال برخورد نمایند. برخورد فعال در برگیرنده مراحلی است که باعث تقویت رابطه می شود. مثل به بحث گذاشتن اختلافات، کمک گرفتن از مشاوران و سایرین، واکنش منفی شامل انتظار برای بهبود یا خاتمه یافتن ارتباط به صورت خود بخودی است. معمولا ارتباطات به صورت خود بخودی بهبود نمی یابد. حفظ ارتباط خوب نیاز به زمان و تلاش دارد. E : خاتمه (Ending) برخی از زوج ها از تبدیل روابط رو به زوال خود به ختم ارتباط، با تلاش پیشگیری می کنند. آنها زمانی این تلاش را انجام می دهند که به حفظ ارتباط علاقه دارند و یا عقیده دارند که قادر به غلبه بر مشکل خود خواهند بود. وقتی زوجین رضایت ناچیزی از زندگی دارند ممکن است ارتباط خاتمه یابد. وقتی افراد شدیدا ناسازگار هستند یا تلاش هایی که به منظور بهبود روابط ایجاد می شود به شکست بیانجامد، خاتمه روابط ممکن است شانسی برای زندگی با فرد سالم دیگری باشد. وقتی زوجین بدنبال حل اختلاف باشند، گاهی با کمک یک مشاوره مشکلات موجود قابل حل می باشد. از مواردی که قبل از ازدواج باید مورد توجه قرارگیرد و جزو اهداف برنامه های آموزش و مشاوره قبل از ازدواج نیز هست آشنایی زوجین با روش های مختلف پیشگیری از بارداری است. برای

پیشگیری از بارداری و نحوه فاصله گذاری بین فرزندان و تنظیم دلخواه ابعاد زندگی باید به زوجین آماده برای ازدواج آگاهی های لازم داده شود. بایـد به زوجین تفهیم شود که آمادگی برای ازدواج به معنی آمادگی برای پـدر ومادر شدن نیست در ابتدای شـروع فعـالیت جنسـی زوجین معمولاـ آگـاهی لاـزم در ارتبـاط بـا بهـداشت باروری را ندارنـد و برای اسـتفاده از روش های پیشـگیری از بـارداری از آمـادگی لازم برخوردار نیسـتند. وقوع بارداری در صورتی که زوجین از نظر اقتصادی، اجتماعی و روانی آمادگی لازم برای پذیرش آن را نداشته باشند ممکن است منجر به مشکلات قابل توجهی در زندگی شود. از طرفی کنترل رشد بی رویه جمعیت در کشور تا حـد زیادی بسـتگی به آگاهی و نگرش و رفتار این افراد دارد و یکی از بهترین و مناسب ترین فرصت ها برای آموزش آنان موقعیت قبل از ازدواج است. استفاده از کاندوم و قرص های ترکیبی پیشگیری از بارداری روش های مناسبی برای زوجین در چنـد سـال اول زنـدگی زناشویی است. آشـنایی زوجین با انواع روش های پیشـگیری و آگاهی آنان از مراکز ارائه دهنـده خـدمات تنظیم خـانواده ضـروری است. آموزش هـای لاـزم دراین زمینه و نیز آموزش هـای لاـزم در مورد پیشـگیری از ابتلاء به سـرخجه در بـارداری و ایمن سازی علیه سـرخجه و لزوم انجام واکسیناسـیون کزاز، نیز راه های انتقال و پیشـگیری از بیماری های مقاربتی، لزوم انجام معاینات دوره ای پسـتان و آزمایش پاپ اسـمیر در کلاس های آموزشـی که بدین منظور در مراکز بهداشت دایر می باشد، به زوجین داده می شود. یکی از اهداف مهم آموزش و مشاوره قبل از ازدواج پیشـگیری از بیماری ها است. سـلامت جسـمی و روانی زوجین در موفقیت ازدواج، تولـد فرزندان سالم و داشـتن خانواده ای سالم نقش دارد. ارزیابی های لازم در این زمینه لازم است قبل از ازدواج مدنظر قرار گیرد. در حال حاضـر انجام بررسـی های ذیل در کشور، قبل از ازدواج ضروری است. انجام تست VDRL به منظور شـناسایی سـیفیلیس جهت مردان، این ازدواج برای خـانم هـا در ازدواج اول صورت نمی گیرد. آزمـایش کامـل ادرار جهت مردان که‌به منظور تشـخیص موارد اعتیاد صورت می گیرد، بررسـی از نظر سل و انجام تست توبرکولین در مناطقی که سل از شیوع بالاـئی برخوردار است، تزریق یـک نوبت واکسن توام بزرگسالاـن و آموزش در مورد نحوه تکمیـل برنـامه واکسیناسـیون که از راه های عمده حذف کزاز نوزادی است. انجام آزمایش خون به منظور تشـخیص موارد ناقل تالاسـمی از آنجاکه هیچ زمان قطعی برای مبتلایـان به اختلالاـت ژنتیکی و کروموزومی وجود نـدارد، خـدمات مشـاوره ژنتیک نقش مهمی را در کاهش این بیماریها ایفا می کنـد. بهترین زمـان انجـام مشاوره ژنتیک قبل از ازدواج است. در مشاوره ژنتیک بیماران و خانواده هایی که در معرض یک اختلال ارثی قرار دارند، نسبت به نتایج آن بیماری، احتمال بوجود آمدن یا انتقال بیماری به فرزندان و راه های پیشگیری از آن آگاهی پیدا می کنند. (هارپر۱۹۹۶، به نقـل از تامپسون ۱۳۷۳). امروزه با پیشـرفت امکانات بهداشتی، بیماری های ناشـی از عوامل محیطی مثل عفونت و سوء تغـذیه کـاهش یـافته و معلولیت و مرگ ناشـی از بیمـاری هـای ارثی توجه بیشـتری را به خود جلب کرده است. طبق مطالعات ۳۰٪ کودکـان بسـتری در بیمارسـتان هـا و ۵۰ـ۴۰٪ از مـوارد مرگ کودکـان، ناشـی از عوامـل ارثی و ناهنجـاری هـای مادرزادی است که نشانگر اهمیت شـناخت این بیماری ها می باشد. مواردی که لازم است دختر و پسر جهت مشاوره ژنتیک ارجاع داده شونـد شامل وجود اختلال ارثی شـناخته شده یا مشـکوک در خانواده،تماس قطعی یا مشـکوک با مواد تراتوژن، عقب ماندگی عقلی یکی از زوجین یا یکی از اعضای خانواده آنها، متعلق بودن به جمعیتی که اختلال ژنتیکی خاصی در آن ها شایع است ازدواج های فامیلی و داشتن اختلال ژنتیکی خاص یا نقایص هنگام تولد می باشد.در مشاوره ژنتیک، سه اصل عمده عبارتند از : ۱ـ شناخت بیماری ۲ـ آشـنایی بـا طرق انتقـال بیمـاری و احتمـال بروز اختلال ۳ـ شـناسائی افراد در معرض خطر. در مشـاوره ژنتیـک تشـخیص بیماری از اهمیت زیادی برخوردار است. تشخیص با گرفتن تاریخچه بیماری در خانواده، معاینه و در صورت لزوم انجام تست های آزمایشـگاهی، بیوشـیمیایی و سیتوژنتیک داده می شود. رسم شجره نامه (Pedigree) به تشـخیص بیماری کمک می کند. شجره نامه خلاصه ای از مجموعه خصایص ارثی اعضاء یک خانواده است که روی کاغـذ ثبت می شود. در افراد خویشاونـد بـدلیل تشابه ژنی، امکـان بروز بیمارهای ارثی افزایش می یابـد. این امر در خویشاونـدان نزدیک بیشتر دیـده می شود. میزان ژن های مشترک به

درجه خویشاوندی بستگی دارد. احتمال تشابه ژنی در خواهران و برادران ۵۰٪، بین هر فرد با اقوام درجه ۲ یعنی عمو، خاله، دایی، عمه خود ۲۵٪ و بین فرد با فرزندان اقوام درجه ۲ خود، برابر ۵/۱۲ درصد می باشد.پس از تشخیص میزان خطر بروز بیماری در فرزندان زوجینی که ناقل بیماری تشخیص داده شده اند محاسبه می شود و در مورد طبیعت بیماری، روش های درمانی، حمایت های اجتماعی موجود و روش های پیشگیری از بروز بیماری با زوجین صحبت می شود. در مشاوره ژنتیک، اطلاعات لازم به زوجین داده می شود و به آنها کمک می شود تا خودشان آگاهانه و مسئولانه تصمیم گیری نمایند. چون آنها باید تصمیماتی را اتخاذ کنند که مجبور هستند با پیامدهای آن در بقیه دوران عمرشان زندگی کنند. در مشاوره ژنتیک کارکنان بهداشتی نقش شناسایی ارجاع، آموزش و حمایت را بعهده دارند و کلیه افرادی که نیاز به مشاوره تخصصی دارند باید به متخصص ژنتیک ارجاع داده شوند.با توجه به لزوم آموزش ها و خدمات مشاوره ای قبل از ازدواج در سلامت و تداوم ازدواج و اهمیت داشتن نسلی سالم و حفظ سلامت خانواده و ارتقاء کیفیت زندگی در صورتیکه زوجین آموزش ها و مشاوره لازم را دریافت نکرده باشند باید در اولین فرصت پس از ازدواج این خدمات به آن ها ارائه شود.خلاصه‌ازدواج قراردادی اجتماعی است که باعث بوجود آوردن یک کانون خانوادگی برای زندگی و تکثیر و بقاء نسل انسان از طریق بوجود آوردن اولاد و تعلیم و تربیت آنان مطابق با هنجارهای خانوادگی و فرهنگی می شود. در دین مبین اسلام قداست و اهمیت تشکیل خانواده مورد تاکید قرار گرفته است به حدی که ازدواج بعنوان محبوب ترین بنیاد نزد خداوند ذکر شده است. ازدواج یک رابطه بسیار نزدیک و طولانی را بین زن و مرد ایجاد می کند. در صورتیکه ارتباط سالم و موثر بین زن و مرد بوجود نیاید، بقاء آن با مشکل مواجه می شود. برای اینکه ازدواج بنای مستحکمی داشته باشد، باید بر اساس توافق طرفین و بررسی خانواده های آنان صورت گیرد. لازمه این امراست که طرفین معیارهای مناسبی برای انتخاب همسر تعیین نمایند و به بررسی و مشورت با دیگران جهت آگاهی از ویژگیهای فرد مقابل و تطابق آن با معیارهای خود بپردازند. از طرفی زوج های جوان آینده سازان هر کشوری هستند و سلامت جامعه در گرو تامین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنان است. ریشه بسیاری از مشکلات عمده بهداشتی نظیر رشد بی رویه جمعیت،مرگ و میرمادران و کودکان و ناهنجارهای ژنتیکی و غیره را باید در دوران قبل از ازدواج و قبل از بارداری جستجو کرد. پیشگیری از بروز مشکلات ذکرشده را باید با برنامه ریزی صحیح از دوران قبل از ازدواج شروع نمود.منابع ۱ـ مرندی، ع؛ عزیزی، ف : سلامت در جمهوری اسلامی ایران. وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، سال ۱۳۷۹، ص ۱۲۱ ۲ـ حسینی، م : مشاوره ازدواج و خانواده، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۷. ۳ـ تامپسون، ژنتیک در پزشکی، ترجمه دکتر فرهاد رحمت خواه، چاپ اول، انتشارات شهرآب، ۱۳۷۳ ۴ـ پارک ا. جی، پارک ک، درسنامه پیشگیری و پزشکی اجتماعی، روشهای اپیدمیولوژی و آمارهای بهداشتی. ترجمه دکتر حسین شجاعی تهرانی، جلد اول، چاپ چهارم، ۱۳۷۶. ۵ـ قرآن مجید، سوره روم، آیه ۲۱ (وَ مِن آیاتِهِ اَن خَلَقَ لَکُم مِن اَنفُسِکُم اَزواجاً لِتَسکُنوُا اِلَیها وَ جَعَلَ بَینَکُم مَوَدَّةً وَ رَحمةً اِنَّ فی ذلِکَ لآیاتٍ لِقوم یَتَفَکَّرون. ۶) Nevid JS, Rathus SA. Rubenstein HR. "Healthy relationship" in Health in the new pp:۲۰۱ _۲۲۱. ۷) Schumma. WR "Premarital counseling and marital satisfaction among wives of military service members. J sex Marital ۱۹۹۸ ۲۴(۱):۲۱-۹. ۸) Sulivan KT Brodury TN. Are Premarital prevention programs reaching couples at risk for marital dysfunction? J Counselt Clin Psychol. ۱۹۹۷ ۶۵ (۱):۲۴ –۳۰

چهل نکته درخانواده

خانواده اگر با معیارهای درست عقلی و دینی تشکیل شود ، کانون مهر و محبت ، سازندگی و انرژی زایی می شود . ولی واقعیت هایی موجود در جامعه ممکن است سوالاتی در اذهان ایجاد کند که به دنبال پاسخ آن باشیم . سوالاتی از جمله :چرا ازدواج ها و

پیوندها به جدایی می انجامد؟چرا پیوندهای عاشقانه بعد از ازدواج گسسته می شود و فرو می پاشد؟چرا بعضی از زوج ها با یکدیگر همدلی و همفکری دارند و برخی ندارند؟چرا زنان و شوهرانی که با هم تفاهم دارند، پس از مدتی به عدم تفاهم می رسند؟چگونه می شود زنان و شوهرانی که مدعی بودند نمی توانند با یکدیگر زندگی کنند، پس از چندی توانسته اند به خوبی با هم زندگی کنند؟چرا اکثر روان شناسان راه اصلی حل و فصل مسائل زناشویی را رسیدن به تفاهم و برقراری ارتباط انسانی ذکر می کنند و از سویی، برخی از مردم راه اصلی حل و فصل مسائل زناشویی را عشق ورزیدن ذکر کرده اند؟ حال آن که باید دانست عشق شرط لازم است، اما به تنهایی کافی نیست.دوست عزیز۴۰ نکته زیر می تواند پاسخی برای شما و همه زوج های جوان و نیز کسانی که در مرحله تصمیم گیری برای ازدواج یا در آستانه ازدواج قرار دارند، مفید و موثر باشد:۱- با مطالعه کتب مربوط به انتخاب همسر، آیین همسرداری، چگونگی ایجاد ارتباط با دیگران و نیز شرکت در جلسه های آموزش خانواده دانش و مهارت خود را در این زمینه افزایش دهید.۲- با همدلی، همفکری، همکاری و مشورت با یکدیگر در باره مسائل مختلف میان اعضای خانواده روابط سالم پدید آورید. ۳- هر یک از زوجین دیگری را نزدیک ترین و محرم ترین فرد بداند و او را نیمه تن، حامی و پشتیبان خود تلقی کند. ۴- با یادگیری مهارت های ارتباطی نظیر فعالانه به حرف های یکدیگر گوش کردن، احترام به نظرها و عقاید یکدیگر و تشریک مساعی و مشورت کردن روابط خود را بهبود بخشید. ۵- بکوشید، با ایجاد کانونی گرم و صمیمی، تمام اعضای خانواده به ویژه زن و شوهر مسوولیت رسیدن به تفاهم را پذیرا شوند. تا که از جانب معشوق نباشد کششی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد۶- هنگام اختلاف نظر یا سوء تفاهم، به جای سرزنش کردن یکدیگر یا تفسیر نادرست، به شناسایی مساله و یافتن راه حل آن بپردازید و در صورت لزوم کمک و مشاوره افراد با تجربه و متخصص را جلب کنید.۷- برای رسیدن به امنیت روانی و عاطفی در روابط زناشویی داشتن صداقت، پذیرش، سعه صدر، انصاف و اعتماد متقابل را اصل اول قرار دهید.۸- در صورت به وجود آمدن هر گونه سوء تفاهم و سوء برداشت، در نخستین فرصت ممکن به حل و فصل آن بپردازید تا به فرآیندی مخرب و پیشرونده تبدیل نشود.۹- به هر طریق ممکن رفتارهای مطلوب همسرتان را مورد توجه و تایید قرار دهید: به گونه ای که همسرتان بفهمد برایش ارزش قائل هستید. ۱۰- تشویق و تایید و بیان نکات مثبت به طور آشکار یا در جمع باشد و تذکر نکات منفی و انتقاد به طور محرمانه و در تنهایی صورت گیرد.۱۱- برای خصوصیات و نیازمندی های یکدیگر ارزش قائل شوید و در روابط کلامی، عاطفی، اقدام ها و تصمیم گیری ها به افکار و خواسته های همسرتان توجه کنید.۱۲- اگر رفتار خاصی برای شما مبهم است، ساده ترین راه این است که از همسرتان هدف وعلت آن رفتار را بپرسید و با روش مسالمت آمیز، صمیمانه و خوش بینانه موضوع را روشن کنید.۱۳- خشونت همسرتان را با خشونت پاسخ ندهید. خشونت را با سکوت پاسخ گویید و در موقعیتی مناسب در باره مساله مورد نظر به بحث و گفت و گو بپردازید. ۱۴- بکوشید در سراسر زندگی، به خصوص در روابط بین خود و همسرتان، به جای هر گونه پیش داوری یا مشاهده اشکالات و ضعف ها نقاط مثبت و قوت را ببینید: به عبارت دیگر، به جای توجه به نیمه خالی لیوان به نیمه پر آن توجه کنید.۱۵- سعی کنید در برنامه ریزی برای فعالیت های اجتماعی، اوقات فراغت، دید و بازدیدهای خانوادگی و نظایر آن به مشورت کردن با یکدیگر بپردازید و از یک جانبه نگری بپرهیزید. ۱۶- در هر فرصتی که پیش می آید، با همسر و اعضای خانواده تان ارتباط کلامی و عاطفی برقرار کنید. شایان ذکر است زن ها از صحبت کردن با همسرشان بیش تر لذت می برند. بنابراین، مردان باید فعالانه به سخنان همسرانشان گوش کنند و واکنش مناسب نشان دهند.۱۷- اگر هر یک از زوجین در شرایط خاصی نمی تواند به سخنان همسرش گوش کند، باید صادقانه و صمیمانه این موضوع را به وی انتقال دهد، و تقاضا کند صحبت کردن در باره آن موضوع را به فرصتی دیگر واگذارد.۱۸- هر از چند گاهی زوجین در فضایی محرمانه، محبت آمیز و صمیمانه به ارزیابی رفتار و روابط یکدیگر بپردازند و از یکدیگر بپرسند، چه باید کرد تا روابطمان بهتر و با نشاط تر شود؟ ۱۹- همیشه، در رویارویی با مسائل و مشکلات خانوادگی، خود را در وضعیت طرف مقابل قرار دهید و با قبول مسوولیت خود و

شناخت انتظارات متقابل به حل و فصل اختلافات روی آورید.۲۰- در روز یا در هفته زمان مشخصی را برای گفت و گو در باره مسائل و مشکلات و به اصطلاح درد دل کردن با همسرتان اختصاص دهید.۲۱- از داشتن نگرش های آرمان گرایانه و شاعرانه در مساله ازدواج و روابط زناشویی و نیز انتظارات غیر واقع بینانه اجتناب کنید.۲۲- ارتباط زوجین باید از هر گونه سوء ظن و حدس نادرست و غیر واقع بینانه دور باشد. اگر موضوع و مساله ای ذهن یکی از زوجین را به خود مشغول کرده است، باید آن را به صراحت و صادقانه مطرح کند و درستی و نادرستی اش را با همسرش مورد بررسی قرار دهد.۲۳- هر یک از زوجین باید زمینه های بروز سوء تفاهم ها و سوء ظن ها را از بین ببرد و از رفتارهایی که موجب بروز سوء تفاهم و سوء ظن می شود، خود داری کند.۲۴- هر یک از زوجین باید بکوشد با روان شناسی همسرش آشنا شود تا بداند زن یا مرد به چه اموری بها می دهد و نظام ارزشی اش چگونه است: برای مثال معمولاً ـ زن به وابسته بودن، کسب امنیت عاطفی و مورد حمایت واقع شدن اهمیت می دهد و مردان می خواهند مستقل و خود مختار باشند و آزادی عمل را دارای ارزش می دانند.۲۵- زن و شوهر از مسخره کردن یکدیگر و گفتن سخنان طعنه آمیز و دو پهلو جدا پرهیز کنند.۲۶- از رفتارهایی نظیر متلك، تحقیر، سرزنش و به رخ کشیدن یکدیگر که موجب افزایش مقاومت های روانی در طرف مقابل است، جدا باید پرهیز شود.۲۷- در سراسر زندگی، از جمله در زندگی خانوادگی، بکوشید به نقاط مثبت، موهبت و نعمت هایی که در اختیار دارید بیندیشید نه به اموری که در اختیار ندارید. ۲۸- از خطاهای یکدیگر سریعا بگذرید و خطاهای همدیگر را تحمل کنید.۲۹- با یاد آوری برخی ایام مانند روز تولد، سالگرد ازدواج و نظایر آن و دادن هدیه هایی هر چند کوچك (مثل یك شاخه گل) به طور نمادین یا سمبلیك عشق و علاقه خود را به همسرتان اعلام کنید. ۳۰- خود را در برابر همسرتان آراسته و پاکیزه و جالب توجه نگه دارید از پریشانی و وضع نامرتب بپرهیزید.۳۱- در انتخاب دوست و برقراری روابط دوستانه و معاشرت های خانوادگی با زوج های دیگر دقت کنید و این امور را با توافق یکدیگر انجام دهید.۳۲- از هر گونه رفتاری که به مرد سالاری یا زن سالاری می انجامد، پرهیزکنید.۳۳- خطای یکدیگر را در حضور دیگران، فرزندان، آشنایان، والدین یکدیگر و ... بازگو نکنید.۳۴- هرگز همسرتان را با زن یا مرد دیگر مقایسه نکنید.۳۵- از رفتارهای مطلوب همسرتان تشکر کرده، او را تشویق کنید و انگیزه تکرار آن رفتار را بیش تر سازید.۳۶- از تصمیم های نادرست و غیر منطقی و کلی گویی های منفی و شکل گیری افکار منفی در باره همسرتان شدیداً پرهیز کنید.۳۷- حتی المقدور به قول هایی که به همسرتان داده اید عمل کنید تا به سلب اعتماد و احساس فریب خوردگی نینجامد.۳۸- از نسبت دادن القاب و زدن بر چسب های ناگوار و نامطلوب مانند بدقول، زرنگ، شلخته، کله شق، یك دنده، لجباز و خود خواه به یکدیگر پرهیز کنید.۳۹- در مواردی که غمگینی و افسردگی و یا عصبانیت زن یا شوهر شدت می یابد و احتمال اختلال در کار سیستم عصبی یا غدد دورن ریز به ویژه غده تیروئید وجود دارد، در نخستین فرصت به پزشك متخصص مراجعه کنید تا از عادی بودن ترشح غدد از جمله غده تیروئید مطمئن شوید.۴۰- برای داشتن یك زندگی با نشاط و موفق خوب بیندیشید، وقت بگذارید، احساس مسوولیت کنید، موانع ارتباط سالم را از میان بردارید و به عوامل ایجاد کننده روابط سالم توجه کنید.

چگونه برای ازدواج برنامه ریزی کنیم

؟

ازدواج آگاهانه و با برنامه، برج مراقبت زندگی است و ضرورت آن، به ویژه در این دوران که زندگی بشر از پیچیدگی خاصی برخوردار است، پوشیده نیست. ازدواج، اهداف و نیازهای بی‌شماری را برآورده می‌سازد که مهم‌ترین آن‌ها آرامش و سکون است: «وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجاً لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»؛۱ و از نشانه‌های او این است که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میان شما دوستی و رحمت نهاد.» مواردی چون نیل به آرامش و سکون،

تأمین نیازهای جنسی و حیات، بقای نسل، تکمیل شخصیت و تکامل اجتماعی، سلامت و امنیت اجتماعی و تأمین نیازهای روانی - اجتماعی در شمار مهم‌ترین اهداف ازدواج جای دارند. رسیدن به همه این اهداف به تأمل و تفکر و نیل به چنین ازدواجی به برنامه ریزی نیازمند است. این مقاله به ضرورت ازدواج می‌پردازد و سپس ۹ مؤلّفه ضروری جهت برنامه ریزی ازدواج را برمی‌شمارد؛ از آسیب‌شناسی و عناصر چهار گانه لازم یک ازدواج سخن می گوید و به بعضی مسائل مربوط به ازدواج در دوران جوانی، به ویژه، دوران تحصیل، اهتمام می‌ورزد. رسول اکرم در حدیثی زیبا می‌فرماید: ایّما شابّ تزوّج فی حداثهٔ سنه عج شیطانه یاوَیلَه عصم منی دینه؛ هر جوانی که در سنین جوانی ازدواج کند، شیطانِ [موکل بر] او فریاد می‌زند: واویلا! دین او از دسترس من حفظ شد.»۲انسان، اجتماعی‌ترین موجود زمین است و هیچ انسان سالمی نمی‌تواند بدون ارتباط با دیگران زندگی کند. آدمی ترکیبی از جسم و روان است. برخی چنان می‌پندارند که وجودشان به این جسم خاکی محدود است. در صورتی که این جسم، استراحتگاه موقتی روح شمرده می‌شود و روان آدمی به مونس و همدم و همراه نیاز دارد. اریک فروم ۳، روان شناس آلمانی، می گوید: «انسان از لحظه‌ای که به دنیا می‌آید تا آن دمی که از دنیا می‌رود، هر کاری که می کند برای رفع احساس تنهایی خویش است.»۴وقتی این تنهایی بیش‌تر شود، تکاپوی بشر برای جست‌وجوی یار و همراه فزونی می‌یابد. کامل‌ترین و جامع‌ترین نمود این جست و جو که قاعدتاً تمام زندگی فرد را تحت الشعاع قرار می‌دهد، ازدواج است. البته ازدواج امری سهل و ساده نیست. برای این امر مهم باید بسیار اندیشید و به فکر فرو رفت، نقشه‌ها کشید و مهم‌تر از همه مشورت کرد. خلاصه همه این موارد محتاج برنامه ریزی است. ضرورت برنامه ریزی در ازدواج صاحب نظران معتقدند به همان اندازه که نباید از ازدواج دچار ترس و توهم شد، به همان اندازه نیز نباید این اتفاق مهم و حیاتی را ساده پنداشت؛ زیرا ازدواج‌های بدون برنامه و مطالعه کارنامه خوبی نداشته‌اند. به همین خاطر، برای یک ازدواج موفق باید برنامه داشت. این امر به ویژه در دنیای پست مدرن امروز که از پیچیدگی خاص برخوردار است، اهمیت دو چندان پیدا می کند؛ ازدواج یک سنت دیرینه اجتماعی است؛ ادیان الاهی از مشوّقان عمده آن بوده‌اند و حتی آن را میثاق مقدس خوانده‌اند. دین مبین اسلام بر این سنت پاک و ارزشمند که سعادت جامعه را رقم می‌زند و موجب بقای نسل می گردد، بسیار تأکید ورزیده است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هیچ بنایی نزد خداوند از ازدواج محبوب‌تر نیست.»۵ این بنا به برنامه و نوعی مهندسی فکری و روحی نیاز دارد. ازدواج وتشکیل خانواده حرکت از «من» به سوی «ما» است. نیازی مقدس و طبیعی است که از فطرت و آفرینش انسان‌ها سرچشمه می گیرد و نباید آن را یک قرار داد متعارف اجتماعی تلقی کرد؛ زیرا اگر این بنیان مقدس آسیب بیند، پیامدهایی جبران‌ناپذیر دارد. در برنامه ریزی ازدواج از ۹ عامل نام برده می‌شود که در توفیق این امر مهم تأثیر بسیار دارد. این عوامل عبارت است از: ۱. نیت و اراده آگاهانه برای ایجاد خانواده و ساختن زندگی مشترک نیت تنها یک امر ذهنی نیست. این پدیده مجموعه‌ای از طراحی‌های ذهنی و عملی است که سخت‌کوشی و تلاش بهینه و کارامد بخشی از آن به شمار می‌آید. کسی که برنامه‌ای شفاف و روشن برای این امر مهم داشته باشد، استحکام و بقای این پیوند مقدس را رقم زده است. البته این نکته را هم نباید فراموش کنیم که هر گاه انسان به کاری مقدس و ارزشمند به ویژه ازدواج دست بزند، دست‌های نامرئی از آستین رحمت الاهی خارج می‌شوند و یاری اش می‌دهند. بسیاری از ازدواج‌های موفق و زوج‌های کامیاب وجود چنین امری را تأیید کرده‌اند. پس وقتی از برنامه در ازدواج سخن می گوییم، هدف آن است که این امر مهم را به زمان مبهم موکول نکنیم و در زمان‌های مناسب و نزدیک به آن، با مشاوره و رایزنی و مطالعه و کسب اطلاعات و مهم‌تر از همه تجارب دیگران، به برنامه ریزی روی آوریم. ۲. سلامت روح و جسم انسان سالم به وجود آورنده خانواده سالم است و چون اجتماع مجموعه خانواده‌ها است، وقتی سلامت روان پایه و اساس زندگی‌های مشترک باشد، بالندگی اجتماعی به ارمغان می‌آورد. سلامت جسم در مرتبه بعد است. گروهی از مردم دراثر سوانح و جنگ‌ها مشکل جسمی پیدا می کنند؛ ولی می‌توانند زندگی زناشویی بسیار متعالی تشکیل دهند. در مسأله ازدواج سلامت اندیشه و روان و خلقیات از اهمیت ویژه برخوردار است. ۳. داشتن منبع درآمد مناسب بحث تأمین برای یک

ازدواج موفق و زندگی پرخیر و برکت بسیار ضرورت دارد. مسأله اشتغال و تأمین خانواده نوعی امنیت روانی ایجاد می کند که لازمه زندگی مشترک است. دانشجویانی که به ازدواج تمایل دارند، با جد و جهد در کنار درس حرفه‌ای می‌یابند و مسأله تأمین را تا حدود زیادی حل می کنند. یاری خانواده دراین زمینه نیز از عوامل آسان کننده ازدواج است. البته در این مراحل صبر، قناعت، پذیرش وضع موجود، و تلاش برای تأمین هر چه بیش‌تر ضرورت دارد. امروزه این نکته حائز اهمیت است که حتی بسیاری از افراد توانگر جامعه که مشکل تحصیل وتأمین نداشته‌اند، در آغاز راه سال‌ها صبر و تلاش کرده‌اند تا توانسته‌اند به مرحله توانگری نائل شوند. تأمین رهاورد سال‌ها اندیشه وعمل و جد و جهد است. روان شناسان می گویند: «هر حرکت انسان بایک فکر یا تصویر ذهنی شروع می‌شود و سپس از آن جا به صورت مادی تجسم پیدا می کند. پس می‌توانیم با افکارمان و ایده‌های عملی مان زندگیمان را بسازیم؛ چرا که جایگاه اصلی قدرت و توانگری درون ما است.»۶انسان چرایی است که می‌تواند با هر چگونه‌ای بسازد. این یک شعار روان‌شناسی نیست. خلقت آدمی به گونه‌ای است که اگر بخواهد و از جمود خارج شود و منتظر نشود همیشه برایش تصمیم بگیرند، می‌تواند به مرحله تصمیم سازی برسد و مهم‌تر از آن در بحث تأمین به مرحله کارآفرینی دست یابد. جوان امروز، در مقایسه با جوان دهه‌های پیشین، از خلاقیت، مهارت، استعداد و توانگری بیش‌تر برخوردار است. از طرف دیگر، جوامع امروز از فرصت‌ها و امکانات اشتغال و تولید و فعالیت آکنده‌اند. این ما هستیم که باید به سمت کار خیز برداریم یاموقعیت آن را خلق کنیم. چه بسا لازم باشد این موقعیت را در کنار تحصیل و بانیت تشکیل زندگی مشترک فراهم سازیم. نکته مهمی که در این جا وجود دارد، بحث ازدواج و رزق است. امام (ع) می‌فرماید: «من ترک التزویج مخافهٔ الفقر فقد اساء الظن بالله عزوجل ان الله عزوجل یقول «و ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله»؛۷کسی که به خاطر ترس از فقر [و مشکلات مالی] ازدواج را ترک کند، به خداوند سوءظن پیدا کرده است؛ چون خدا می‌فرماید: و اگر فقیر باشند [و ازدواج کنند] خدا از فضل خود آن‌ها را بی نیاز می‌سازد.» ۴. سن مناسب زوج مناسب باید از جهت جسمی به بلوغ کامل رسیده باشند و از جهت روحی و روانی برای پذیرش مسؤولیت ازدواج آمادگی داشته باشند. امروزه، با عنایت به بحث تحصیل و کار و امکانات، تعریفی خاص از سن مناسب وجود ندارد؛ یعنی با لحاظ کردن بلوغ جسمی و روحی و تطبیق با شرایط زمانه، از جهت تحصیل و اشتغال و تأمین، می‌توان در خصوص ازدواج تصمیم گرفت. البته نباید فراموش کنیم که بیش از سن تقویمی، سن عقلی ضامن بقای زندگی مشترک خواهد بود. از سوی دیگر، برخی صاحب نظران دامنه سنی ویژه برای دختران و پسران ذکر کرده‌اند، برای نمونه سن مناسب آقایان جهت ازدواج را، با لحاظ شرایط فوق، بین ۲۲ – ۲۸ سال و سن مناسب خانم‌ها را بین ۱۹ – ۲۵ سال دانسته‌اند. البته هم سنی آقایان و خانم‌ها در بسیاری از موارد مثبت است و به تفاهم بالاـ در محیط خانواده می‌انجامد. امروزه شاهد بالا رفتن سن ازدواج آقایان و خانم‌ها هستیم که پدیده‌ای جالب نیست. به طوری که مرز ۳۰ – ۳۵ سال برای آقایان و ۲۵ – ۳۰ سال برای خانم‌ها عادی شده است. البته نباید شرایط اجتماعی، اشتغال و بحث تأمین را انکار کرد؛ اما همان گونه که گذشت کمک و همکاری بزرگ‌ترها و تأمین بخشی از هزینه زندگی در زمان تحصیل زوج یا زوجین و سعی و اهتمام همسر در برآوردن نیازهای خانواده و داشتن صبر، قناعت و پذیرش شرایط گذرای فعلی و ایمان و اعتقاد به رحمت خداوند از تبدیل شدن این دوره‌های بالای سنی به فرهنگ جلوگیری می کند. امروزه اصطلاح «سنین طلایی»۸ زندگی بسیار شنیده می‌شود. این دوره در ازدواج آقایان همان سنین ۲۲ – ۲۸ است و در خانم ها ۲۰ – ۲۵ سالگی. همچنین ۶ – ۱۸ سالگی را سنین طلایی یادگیری و حفظ و تکرار و ۱۸ – ۲۵ سالگی را سنین طلایی تجربه اندوزی شمرده‌اند. ۵. ثبات عاطفی داشتن ثبات عاطفی و کنترل عواطف و احساسات در امر ازدواج بسیار تعیین کننده و مهم است. حوصله و بردباری، صداقت، خلوص، بی آلایشی، مهربانی، گذشت، صمیمیت ، اعتماد، اطمینان، نظم و انضباط و همکاری، سازگاری، تعهد، سخاوت و حسن تفاهم و بالاخره انعطاف از موارد عمده ثبات عاطفی اند. جوانانی که در آستانه ازدواج و تشکیل خانواده قرار دارند، باید از حداقل ثبات برخوردار باشند؛ بتوانند خشم و شادی غیر طبیعی خود را کنترل کنند؛ با متانت و تأمل به بررسی واقعیت‌ها پردازند و هنگام قضاوت

و داوری با عقل و منطق ظاهر شوند. امروزه عقیده بر این است که در امر ازدواج باید «عقل و عاطفه» را به هم پیوند زد تا فرزندی به نام منطق صحیح و تعامل انسانی زاده شود. تحقیقات مختلف نشان می‌دهد در مجموع افراد متأهل از افراد مجرد خوشبخت‌تر و راضی‌تر، سالم‌تر و دارای وضعیت روحی واقتصادی بهترند. همچنین زنان جوان متأهل، در مقایسه با دوره تجرد خود، از فشار روانی کم‌تری برخوردارند. از سوی دیگر، کلاً ازدواج عامل تعادل عاطفی است. به شرطی که زوج‌ها در تعامل‌های خود به مؤلفه‌های آن توجه داشته باشند. جالب این است که در شرایط مساعد روحی و روانی، انسان بعد از تعادل عاطفی به تعادل روانی می‌رسد. امروزه ازدواج منبع بسیار مهم امنیت خاطر، به ویژه برای زنان، به شمار می‌آید و برای احساس مسؤولیت‌های زوجین در برابر یکدیگر جایگاهی مهم و حساس است. ازدواج برای زنان بیش‌تر جنبه عاطفی و صمیمیت وتعلق دارد. ۶ ۹. داشتن منطق و مسؤولیت پذیری برای پدید آوردن یک ازدواج موفق هرگز نباید بنیان آن را بر هوس‌های گذرا استوار کرد. یکی از معیارهای اساسی در مرحله مقدماتی ازدواج داشتن منطق و احساس مسؤولیت پذیری است که در حقیقت علاقه و رغبت برای ایجاد خانواده است و پیش شرط اساسی ازدواج موفق به شمار می‌آید. مسؤولیت پذیری نوعی اطمینان خاطر و امنیت روانی به همراه می‌آورد و از راه‌های اساسی کاهش صدمات زندگی و حیات مشترک زناشویی است. بنابراین، تا این حس در وجود جوان به ظهور نرسیده است، نمی‌تواند به سمت یک زندگی زناشویی بی دغدغه گام بردارد. پس زوج‌های جوان باید، در حدود وظایف خویش، حس مسؤولیت را در خود تقویت کنند. ۷. عشق الاهی و تحکیم بنیان خانواده در فرایند ازدواج مراحلی وجود دارد که سردار همه آن‌ها عشق و شوق به زندگی با همسر آینده است. این عشق هر چه به حقیقت و واقعیت و اصالت نزدیک‌تر باشد، خانواده از تداوم و استحکام فزون‌تر برخوردار می‌شود. وفاداری به عشق، وفاداری به همسر را به ارمغان می‌آورد که در آن احساس تکامل و تعلق خاطر و خوشبختی حاصل می‌گردد. بعضی صاحب نظران معتقدند، «عاشق بودن» شیرین‌تر از «حق داشتن» است. پس اگر در زندگی مشترک همواره بر این اصرار کنید که حق به جانب من است، عشق و گذشت را فراموش خواهید کرد. کانون خانواده مکانی برای بخشش و خوشبخت کردن طرف مقابل است نه مقابله و به دست آوردن امتیاز. عشق جاذبه و کشش قلبی انسان به سوی کمال و جمال است. زیبایی یکی از کمالات است و زیبایی مطلق خدا است. شعرا و عرفا از جذب پروانه به سوی شمع عشق راترسیم می‌کنند: بلبل به چمن زان گل رخسار نشان دید　　　　پروانه در آتش شد و اسرار عیان دید ۱۰ منصور حلاج می‌گوید: «المحبة نار تحرق ما سوی المحبوب؛ عشق آتشی است که هر آنچه جز محبوب است آتش می‌زند.» عشق لازمه زندگی است خواه زندگی زناشویی باشد و خواه عواطف و احساساتی که بین اعضای یک خانواده رد و بدل می‌شود. اگر عشق امیر باشد، هیچ مشکلی توان ایستادگی ندارد. مرحوم شریعتی می‌نویسد: «آن جا که عشق فرمان می‌دهد، محال سرتسلیم فرودمی آورد.» ۱۱دریک برنامه موفق ازدواج عشق جایگاهی ویژه دارد. عشق را باید عامل تعالی و تکامل انسان بدانیم و آن را از ارضای نیازهای معمولی ومشترک حیوانی و انسانی متمایز سازیم؛ زیرا اگر ما برای رفع نیازهای خود به چیزی یاانسانی نیازمند باشیم، این نیاز میان ما و آن شییء یا انسان نوعی وابستگی ایجاد می‌کند. این وابستگی را نباید با کشش عاشقانه یکی بدانیم. این نوعی هوای نفس به شمار می‌آید. عشق از صفات برتر ومتعالی انسانی است و بدین سبب، موجب تعالی و عفت و کمال ازدواج می‌شود. بهترین جایگاه عشق دل‌های جوان و پاک است. این پدیده، اگر با شوق زندگی و مسؤولیت پذیری و قناعت و منطق و ثبات عاطفی و انتخاب برنامه ریزی شده و صحیح همراه شود، در زندگی روشنایی می‌آفریند و در سایه لطف و رحمت الاهی زوجین به معشوق حقیقی که جمال روی خوداو است، متصل می‌گردند. عشق گل سرسبد نعمت‌های الاهی و الفبای برنامه زندگی است. ۸. قوانین ازدواج ازدواج دارای وظایف، حقوق و تکالیف است. ضرورت آشنایی جوانان باقوانین و مقرارت ازدواج بر هیچ کس پوشیده نیست. این مسأله بخشی از برنامه ازدواج است. قانون می‌گوید: وقتی زوجین به سنین تکلیف می‌رسند – یعنی از بعد جسمی به بلوغ کامل و از جهات روانی به تعادل رسیدند – آماده ازدواج، با حفظ شرایط جانبی، هستند. به منظور تعظیم سنت نبوی در امر ازدواج و زندگی سعادتمندانه در دنیای

امروز و تشکیل خانواده در ایام جوانی، زوجین باید دقیقاً با حقوق و تکالیف زناشویی از نظر شرعی، اجتماعی، قانونی و انتظارات و تعهدات و مسؤولیت‌های خود آشنا شوند. آشنایی مقدماتی با حقوق و قوانین تشکیل خانواده، در پایداری ازدواج و شیرینی و لذت زندگی بسیار مؤثر است. از جمله این حقوق، حقوق قانونی و شرعی، مهریه و حدود و اختیارات زوجین در برابر یکدیگر، تقسیم کار، حقوق زن، تعهدات اصلی و فرعی، شروط و تربیت فرزند است. ۹. بهداشت، مدیریت تحکیم خانواده از لوازم یک ازدواج موفق و برنامه ریزی شده آشنایی زوجین با بهداشت و تلاش برای حفظ و نگهداری سلامت خانواده است.کسب اطلاعات در خصوص تنظیم خانواده و توجه به برنامه‌های جمعیتی کشور، به عنوان یک خانواده بزرگ، ضرورت دارد. تعامل‌های زوجین، بهترین سن بچه دار شدن زن که بین ۲۰ - ۳۰ سالگی است و رعایت فاصله حداقل ۳ سال بین دو زایمان و رفتار مسؤولانه و آگاهانه در زندگی زناشویی بخشی از این اصول به شمار می‌آید. دنیای امروز دنیای تغییر است و زوج‌های جوان باید هر روز طریقی جدید برای بهتر شدن روابط خود بیابند. نتیجه گیری از عوامل بسیار مهم مانع ازدواج در سنین واقعی و درست، نیازهای تصنعی و غیر ضروری مانند لوکس گرایی ،تنوع‌های بیش از اندازه در خوراک و پوشاک و توهمات خیالی است. البته عوامل بازدارنده واقعی نیز وجود دارند که قابل اغماض نیستند؛ ولی قابل رفع و حل می‌نمایند؛ مانند بحث اشتغال، منبع درآمد و مسکن که در طول مقاله به آن‌ها اشاره شده است. برای از میان برداشتن این موانع، افزون بر همت فرد، تلاش بستگان و والدین نیز مؤثر و کار ساز می‌نماید. امروزه اموری چون مسکن، وسائل زندگی و حرفه و درآمد درزندگی نقش اساسی دارند وعدم یا کمبود آن‌ها می‌تواند عامل اختلاف و ناخشنودی و فروپاشی زندگی شود. پس می‌توان لوازم اصلی یک زندگی پایدار را در ۴ مورد خلاصه کرد: ۱. توکل: داشتن نیت و اراده راسخ و واقع بینانه و حساب شده جهت تشکیل زندگی ۲. تأمین: برآورده ساختن حداقل نیازهای ارضا کننده که استقلال زوجین را به همراه داشته باشد. ۳. تجهیز: امکانات لازم برای یک زندگی نسبتاً متعادل و حتی ساده ۴. تضمین: ضمانت روحی، روانی، عاطفی و برآورده کردن حداقل‌های معیشتی برای یک زندگی تعاملی و دور از مداخله و وابستگی مفرط به دیگران نباید فراموش کرد که ازدواج با تحصیل و طی مدارج عالی منافات ندارد. بسیاری از افراد موفق و متخصص جامعه در سنین جوانی و حتی در آغاز تحصیل به این مهم روی آوردند و با تحمل و تأمل و قناعت و اندیشه زندگی ای سعادتمندانه بنیان نهادند. در بسیاری موارد زندگی ساده و با قناعت سال‌های آغازین همراهی دو زوج جوان چنان شیرین است که توانگران بدان رشک می‌برند. و این مسأله به ما باز می‌گردد که: - چگونه می‌خواهیم زندگی کنیم؟ - با چه کسی می‌خواهیم ازدواج کنیم؟ - چه توقعاتی داریم؟ - چه ویژگی‌های اخلاقی وروانی داریم؟ - اساس و بنیان زندگی را بر چه چیزهایی می‌نهیم؟ یک برنامه خوب برای ازدواج حاوی مطالبی مهم است که اساس آن توکل، همت، تفاهم، و واقع بینی درزمان ازدواج است تا به مرحله منزلت متعالی متأهلان برسند. در تاریخ چنین نگاشته‌اند: «بشربن حارث» ازدواج نکرده بود. به او گفتند: مردم درباره تو حرف می‌زنندو می گویند سنت رسول خدا (ص) راترک کرده‌ای! گفت: به آن‌ها بگویید من مستحب راترک کرده، به واجب مشغولم و عبادت می‌کنم. وقتی بشر در گذشت، او را در خواب دیدند و پرسیدند: خداوند با تو چه کرد؟ گفت منازل مرا در بهشت بلند قرار داد و مقامات بسیار عالی به من عطاکرد، ولی هنوز به مقام و منزلت متأهلان نرسیده‌ام.۱۲ ازدواج فرصتی است که فرد باید در آن به سمت موفقیت‌ها شتاب گیرد؛ زیرا در ازدواج‌های موفق و با برنامه و توکل به خداوند، زوجی در کنار فرد قرار می‌گیرد که زمینه‌های رشد را فراهم می‌کند. هر چه سنین ازدواج به جوانی نزدیک‌تر باشد، این توفیقات فزون‌تر و سریع‌تر است. علی محمد علی الدخیل می‌گوید: هر کس که تاریخ را مطالعه بکند خواهد دید که: ان خلف کل رجل مؤثر امراة؛۱۳ همانا که پشت هر مرد مؤثر و ماندگار یک زن وجود دارد.» برتولت برشت، نویسنده نامدار وتحلیل‌گر، توفیقات سقراط حکیم در دوران جوانی را مدیون همسرش (اکسانتیبه) می‌داند.۱۴ سخن را با کلام امام صادق به سرانجام می‌رسانیم. آن حضرت می‌فرماید: «ان رکعتین یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل یقوم لیلهٔ و یصوم نهاره اعزب؛۱۵ دو رکعت نمازی که انسان ازدواج کرده بخواند بهتر از آن است که

انسانی شب‌هایش باعبادت و روزهایش با روزه بگذرد؛ اما ازدواج نکرده باشد.» پی نوشت: ۱.روم ():۲۱ ۲.کنزالعمال، حدیث شماره ۴۴۴۴۱ ۳. ۴ Erich fromm.جوانان و ازدواج، کیهان نیا، ص ۱۵. ۵.فصل الزواج، ناصری، یادداشت موضوعی. ۶.دانش روز مره، وین دایر، ترجمه بهارک کاظمی، ص ۷۸. ۷.همان. ۹ Disicion – taking.۸.تفسیر نورالثقلین، حویزی، ج ۳، ص ۵۹۷. ۱۰. ۱۱ Golden ages.روان‌شناسی رشد ۲، حسین لطف آبادی، ص ۲۳۵ . ۱۲.مسمط خیالی بخارایی از شیخ بهایی. ۱۳.یادداشت‌های محرم، احمد ناصری. ۱۴.همان. ۱۵.ازدواج و تربیت، سید مهدی شمس الدین، ص ۲۵ و ۲۶. ۱۶.زهیربن القین، علی محمد علی دخیل، ص ۳. (مقدمه) ۱۷.نقد و بررسی سقراط مجروح، برتولت برشت، ص ۱۸. ۱۸.بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۷.

دانشجویان ، مسئله مواد مخدر ، زمینه و شرایط خانوادگی

اشارهطرح «شیوع‌شناسی مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان»، به عنوان یک طرح پیمایشی با هدف آگاهی از ابعاد مسئله‌ی شیوع مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان، نگرش آنها نسبت به موضوع مواد مخدر، و نیز عوامل مرتبط و مؤثر بر مصرف مواد مخدر در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ اجرا شد . نمونه‌ی این طرح پیمایشی متشکل از ۵۲۳۱ نفر دانشجو (۴/۵۰ درصد زن و ۶/۴۹ درصد مرد) از ۲۱ دانشگاه تحت پوشش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. در این نوشتار گزیده‌ای از یافته‌های این پژوهش با تأکید بر عوامل مرتبط با خانواده تنظیم و ارائه می‌شود تا به مناسبت هفته‌ی بزرگداشت خانواده مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به این منظور ابتدا در بخش توصیفی، نگرش دانشجویان نسبت به مواد مخدر، تجربه‌ی مصرف مواد توسط آنان، شرایط خانوادگی و خویشاوندی آنان از نظر مصرف مواد مخدر، و مکان‌های مصرف مواد در مورد کسانی که تجربه‌ی مصرف داشته‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس در بخش تبیینی، رابطه‌ی برخی از زمینه‌ها و شرایط خانوادگی دانشجویان، به عنوان متغیر مستقل، با نگرش نسبت به مواد مخدر و تجربه‌ی مصرف آن بررسی می شود. زمینه‌ها و شرایط خانوادگی مورد بررسی عبارتند از، تحصیلات، درآمد، پایگاه اقتصادی و اجتماعی والدین، بُعد (بزرگی و کوچکی) خانواده، گسستگی خانواده از نظر فوت یا جدایی والدین، و آلودگی محیط خانواده و خویشاوندی از نظر وجود مصرف‌کنندگان مواد مخدر.تصویری‌ازگرایش‌دانشجویان‌به‌موادمخدر۱- نگرش دانشجویان نسبت به مصرف مواد مخدربه منظور سنجش نگرش دانشجویان نسبت به انواع مواد مخدر و مشروبات الکلی ونیز برخی دیدگاه هایی که درباره مصرف مواد مخدر به طور کلی وجود دارد، عبارتهایی به آنان ارائه شد و پاسخگویان موافقت یا مخالفت خود را با این عبارت ها بر اساس یک پیوستار پنج قسمتی ابراز داشتند. عبارت هایی که ناظر به نگرش افراد درباره یک ماده مخدر خاص، نگرش کلی نسبت به مصرف مواد مخدر از جمله توجیه هایی که برای مصرف این مواد بکار برده می‌شود، نحوه برخورد با معتادان و راه مبارزه با مواد مخدر، و نیز میزان شیوع مصرف در جامعه تحت همین عناوین در کنار هم قرار گرفته و یافته های پژوهش درباره آنها گزارش شده است.سیگاراکثر دانشجویان نسبت به مصرف سیگار نگرشی منفی دارند به طوری که در مجموع نزدیک به دو سوم (۶۳ درصد) از پاسخگویان با این عبارت که "سیگار کشیدن مقدمه ی مصرف مواد مخدر است و باید از آن پرهیز کرد، "موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند و فقط قریب یک پنجم (۱۸ درصد) آنها با آن مخالف یا کاملا مخالف بوده اند.حشیشاکثریت بزرگی از دانشجویان نسبت به حشیش نگرشی منفی دارند و آن را اعتیادآور می دانند به طوری که ۸۳ درصد از آنها با این نظر که حشیش اعتیادآور نیست و نباید از مصرف آن نگران بود مخالف یا کاملاً مخالف و ۸۷ درصد نیز با عبارت معکوس آن" (نباید فریب کسانی را خورد که می گویند حشیش اعتیادآور نیست) "موافق یا کاملاًـ موافق بوده اند.تریاکنگرش دانشجویان نسبت به تریاک از نگرش آنان نسبت حشیش مثبت تر است. به طوری که کمتر از دو سوم (۶۳ درصد) در مورد زیانبار بودن مصرف تریاک (به هر شکل آن) موافق یا کاملاًـ موافق بوده‌اند همچنین فقط ۵۷ درصد از آنان با این عبارت که" کسی که اراده‌اش قوی باشد با مصرف گاه به گاه تریاک معتاد نمی‌شود "ابراز

مخالفت کرده‌اند.مشروبات الکلینزدیک به نیمی (۴۶ درصد) از پاسخگویان با کم‌خطر بودن مشروبات الکلی نسبت به مواد مخدر موافق و کاملاً موافق و حدود یک چهارم (۲۶ درصد) مخالف و کاملاً مخالف بوده‌اند. با این حال، حدود ۶۵ درصد از پاسخگویان با حرام بودن نوشیدن مشروبات الکلی و مبارزه با مصرف آن موافق و بسیار موافق بوده‌اند. در مجموع به نظر می رسد نگرش دانشجویان نسبت به مشروبات الکلی اندکی مثبت تر از تریاک است. این یافته با یافته های مربوط به فراوانی مصرف تریاک و مشروبات الکلی، که حاکی از شیوع بیشتر مشروبات الکلی در بین دانشجویان است، سازگار می باشد.گرایش کلی به مواد مخدر در مجموع اکثریت بزرگی از دانشجویان نسبت به مصرف مواد مخدر نگرشی منفی داشته اند. بین ۶۴ درصد تا ۸۶ درصد پاسخگویان با عبارتهای منفی درباره مصرف مواد مخدر اظهار موافقت و تقریبا به همین میزان با عبارتهای مثبت اظهار مخالفت نموده اند:۸۶ درصد از پاسخگویان با این عبارت که" اگر جوانی مواد مخدر مصرف کند آینده شغلی و خانوادگی‌اش را نابود می کند "موافق و یا بسیار موافق بوده‌اند. ۸۳ درصد از پاسخگویان با این توجیه که" وقتی که کسی با غم و اندوه دست به گریبان است، مصرف مواد مخدر تنها چیزی است که می‌تواند او را تسکین دهد "مخالف و کاملاً مخالف بوده‌اند.۸۱ درصد با عبارت "مصرف مواد مخدر اگر به اعتیاد منجر نشود اشکالی ندارد "مخالف و کاملاً مخالف بوده‌اند.حدود ۸۰ درصد با عبارت" مصرف تفریحی و محدود مواد مخدر اشکال ندارد "مخالف و کاملاً مخالف بوده اند۷۵ درصد با این عبارت که" مواد مخدر را حتی یک بار هم نباید تجربه کرد "موافق و کاملاً موافق بوده اند. ۶۷ درصد با این نظر که" دوستی با فردی که مواد مخدر مصرف می کنند خطرناک است "موافق و کاملاً موافق بوده اند.۶۴ درصد از پاسخگویان با عبارت" کسی که مواد مخدر مصرف می کنند در بین مردم آبرو و حیثیت ندارد "موافق و کاملاً- موافق بوده اند.نگرش نسبت به معتادان و راه مبارزه با اعتیاداز نظر اکثریت بزرگی (۸۸درصد) "اعتیاد یک بیماری است که باید آنرا درمان کرد" و فقط یک اقلیت ۴۴ درصدی اظهار داشته اند که "معتادان انگل های اجتماع هستند و باید با آنان به شدت برخورد کرد. "بنابراین، با آنکه اکثریت قابل توجهی از دانشجویان نگرشی منفی نسبت به مصرف مواد مخدر دارند، نگرش آنان نسبت به فرد معتاد به عنوان یک انسان قربانی و بیمار است که باید درمان شود و نه یک انگل و مجرم که باید طرد شود.میزان شیوعنسبت کسانی که تصور می کنند "اکنون استفاده از مواد مخدر در میهمانی ها و جشنهای خانوادگی متداول شده است" بیش از کسانی است که چنین نظری ندارند به طوری که ۴۲ در صد از دانشجویان با عبارت فوق موافق و حدود ۳۰ درصد مخالف بوده اند. در عین حال نزدیک به دو سوم (۶۲ درصد) دانشجویان با فشار دوستان به عنوان عامل موثر و توجیه کننده مصرف مواد مخدر مخالف هستند و فقط اقلیت کوچکی (۱۶ درصد) با عبارت" فشار گروه دوستان برای مصرف مواد مخدر به قدری زیاد است که فرد چاره‌ای جز تسلیم شدن ندارد "موافق بوده‌اند. ۱۳ عبارت از عبارتهای موجود برای ساختن شاخص نگرش دانشجویان نسبت به مواد مخدر مورد استفاده قرار گرفتند. این عبارتها با تحلیل ضریب همبستگی داخلی و آلفای کرونباخ انتخاب شدند . مجموع نمرات گویه ها به تعداد گویه ها (۱۳) تقسیم شدند تا دامنه نمره بین ۱-۵ قرار گیرد. نمرات ۱ تا ۳۳/۲ به عنوان نگرش منفی ۳۴/۲ تا ۶۶/۳ بینابین و ۶۷/۳ تا ۵ به عنوان نگرش مثبت طبق بندی شد. این طبقه بندی نشان می دهد که سه چهارم (۷/۷۵ درصد) دانشجویان نسبت به مواد مخدر نگرش منفی دارند، فقط ۲/۱ در صد به مواد مخدر نگرش مثبت یا گرایش زیاد دارند و نزدیک یک چهارم در بین این دو گروه قرار گرفته و گرایش متوسطی به مواد مخدر دارند. این نسبت ها همان طور که انتظار می رود برای زنان و مردان دانشجو متفاوت است. نسبت زنانی که نسبت به مواد مخدر گرایش منفی دارند ۸۵ درصد است که حدود ۲۰ درصد بیش از نسبت مربوط به مردان (۶۶ درصد) است.۲- شیوع مصرف انواع مواد مخدردر این قسمت میزان مصرف سیگار، مشروبات الکلی و انواع مواد مخدر و موضوعات و مسائل مختلف دیگری همچون آخرین دفعه مصرف، اطلاع والدین، مکانهای مصرف مورد بررسی قرار می گیرند. این بررسی تصویر دقیقی از ابعاد و حدود شیوع مواد مخدر دربین دانشجویان به دست می دهد.شیوع مصرف سیگاردر پاسخ به این پرسش که "آیا تا کنون سیگار کشیده اید؟"، حدود دو سوم

(۷/۶۴ درصـد) از پاسـخگویان اظهـار داشـته انـد کـه یـک بـار هم لب به سـیگار نزده انـد، ۴/۲۱ درصـد فقـط یکی دو بـار سـیگار کشیده‌اند، ۷/۱ درصـد نیز قبلاً- سیگاری بوده‌انـد امـا در حال حاضـر ترک کرده‌انـد. بنابراین در مجموع ۸/۸۷ درصد پاسـخگویان درزمان جمع آوری اطلاعات سیگار نمی کشیده اند و ۲/۱۲ درصد باقیمانده سیگار می کشیده اند. ۳/۶ درصد کل پاسخگویان که نزدیک نیمی از افراد سیگاری را تشکیل می دهند، اظهار داشته اند که گه گاه (یکی دو سیگار در هفته) سیگار مصرف می کنند، ۴/۳ درصد سیگاری هستند اما قصد ترک آن را دارند، و ۵/۲ درصد نیز سیگاری هستند و قصد ترک هم نداشته‌اند. بنابر این اگر کسانی را که گه‌گاه سیگار می‌کشند سیگاری ندانیم، فقط ۶ درصد از دانشـجویان سیگاری هسـتند که بیش از نیمی از این افراد سیگاری هم قصد ترک کردن آن را دارند. این یافته ها حاکی از شـیوع کم مصـرف سـیگار در بین دانشـجویان است.یافته های این پژوهش در بـاره تفـاوت زنـان و مردان از نظر سـیگار کشیـدن، مطـابق بـا الگوهـای متـداول در جامعه است که بر اساس آن نسـبت کوچکی از زنان تجربه ی کشیدن سیگار دارند و یا سیگاری هستند. در اینجا فقط ۸/۰ درصد از زنان دانشجو سیگاری هستند، ۶/۱ درصـد گه گاه سیگار می کشـند و ۸۳ درصـد هرگز سـیگار نکشـیده انـد، این نسـبت ها برای مردان به ترتیب ۷/۱۰ درصد، ۹/۱۰ درصد، و۴/۴۶ است. شـیوع مصـرف مواد مخدر و مشـروبات الکلیاطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد که مصـرف مشروبات الکلی شیوع بیشتری نسـبت به مواد مخدر دارد. بطوری که در مورد مشـروبات الکلی ۸۰ درصد از پاسـخگویان اظهار داشته‌اند که تاکنون مشـروبات الکلی مصـرف نکرده‌انـد درحالی که این نسبت در مورد تریاک که شایعترین نوع مواد مخـدر است ۹۰ درصد است. به عبارت دیگر ۲۰ درصد از دانشـجویان اظهار داشـته اند دست کم یک بار مشروبات الکلی مصرف کرده اند در حالی که این نسبت برای مصـرف تریـاک به نصف (۱۰ درصـد) تقلیـل می یابـد. از نظر تکرار مصـرف نیز مشـروبات الکلی بیش از مـواد مخـدر دیگر مصـرف شده است از مجموع ۲۰ درصد پاسـخگویانی که مشـروبات الکلی مصـرف کرده‌اند نزدیک ۸ درصد (۴۰ درصد مصرف کنندگان مشـروب) بیش از ده بار مصـرف داشته اند در حالیکه نسبت افراد مصرف کننده بیش از ده بار برای تریاک فقط ۲ درصد (۲۰ درصد مصـرف کنندگان تریاک) بوده است. درباره سایر مواد مخدر، نسبت کسانی که اظهار داشته اند تجربه مصرف آن مواد را داشـته اند بسیار اندک (حد اکثر ۸/۳ درصـد) است. پس از تریاک، حشـیش، شـیره و سوخته شـیوع بیشتری در بین دانشـجویان داشته و به ترتیب توسط ۸/۳، ۳/۲ و ۲/۲ درصد دانشجویان حد اقل یک بار مصرف شده است. ماری‌جوانا در مرتبه بعدی قرار دارد و توسـط ۱/۱ درصـد دست کم یـک بـار مصـرف شـده است. میزان شـیوع سایر مواد مخـدر بسـیار نا چیز است به طوری که نسـبت کسـانی که آن مواد را دست کم یـک بـار مصـرف کرده انـد کمـتر از یـک درصـد بوده است (هروئین ۶/۰ درصـد، ال. اس. دی، کوکائین، و اکستاسی هر یک ۴/۰ درصد).تفاوت دو جنس در مصرف مواد مخدر هم کاملا بارز است. در همه ی انواغ مواد مخدر (به اسـتثنای تریاک و مشـروبات الکلی) بیش از ۹۹ درصد از زنان دانشـجو اظهار داشـته اند که اصـلا تجربه مصرف نداشته اند. در مورد تریاک و مشـروبات الکلی، زنان به ترتیب فقط ۵/۲ درصد و ۷/۷ درصد تجربه ی حداقل یک بار مصـرف داشته اند در حالی که این نسبت ها برای مردان به ترتیب ۱/۱۷ درصد و ۲/۳۲ درصد است. بنابراین، تجربه ی یک بار مصرف مردان در تریاک حدود ۷ برابر و در مشــروبات الکلی بیش از ۴ برابر زنـان است. درنتیجه، تفـاوت جنسـیتی درباره مصـرف و تجربه ی مشـروبات الکلی به مراتب کمتر از تریاک است. آخرین بار مصـرف و وابسـتگیدر پاسخ به این سؤال که " اگر مواد مخدر مصرف کرده اید، تا چه حد به آن وابسـته هستید؟"، از جمع پاسـخگویانی که مواد مخدر مصـرف کرده‌اند (۵۸۶ نفر) ۹۱ درصـد اظهار کرده اند که هیچ گونه وابسـتگی به این مواد ندارنـد، ۸/۵ درصـد خود را تا حدی وابسته دانسـته و ۱/۳ درصد نیز میزان وابسـتگی خود را زیاد دانسـته‌اند. بنابراین از نمونه ۵۲۳۱ نفره دانشجویان ۵۸۶ نفر(حدود ۱۱ درصد) مواد مخدر مصـرف می کنند و فقط ۵۲ نفر (۱ درصد) خود را وابسته به مواد مخدر می دانند که می توان آنها را معتاد به حساب آورد. اطلاعات مربوط به زمان آخرین مصرف مواد مخدر توسط دانشـجویانی که مواد مخدر را تجربه کرده اند هم نشان می دهد که شـمار اندکی از دانشجویان به مواد مخدر وابسته هستند. درباره

مشروبات الکلی و تریاک، که پر مصرف ترین ماده ی مخدر در بین دانشجویان هستند، کمتر از یک چهارم زمان آخرین مصرف خود را هفته گذشته اعلام کرده اند و سه چهارم بقیه زمان مصرف را از یک ماه تا یک سال قبل ذکر کرده اند. این امر نشان می دهد که در بین ۱۰ تا ۲۰ درصد دانشجویانی که اعلام کرده بودند مصرف تریاک یا مشروبات الکلی را تجربه کرده اند، این مصرف عمدتا جنبه تفریحی داشته و تکرر استفاده از آن بسیار پایین است. درباره‌ی مواد مخدر جدید، شمار کل کسانی که مصرف هر یک از انواع آن را تجربه کرده اند، از ۱/۱ درصد کل پاسخگویان تجاوز نمی کند ولی کسانی که مصرف نزدیکتر (هفته گذشته) آنها را تجربه کرده اند حدود نیمی (۴۹ درصد در مورد هروئین) تا دو سوم (۶۸ درصد در مورد اکستاسی) افراد تجربه کننده این مواد را تشکیل می دهد. احتمال دارد کسانی که این مواد را مصرف وتجربه می کنند، با آنکه شمارشان اندک است ولی میزان وابستگی و اعتیاد بیشتری به مصرف مواد مخدر داشته باشند.در مجموع اگر کلیه کسانی را که آخرین مصرف موادی مثل هروئین را هفته گذشته اعلام کرده اند وابسته و معتاد به مواد مخدر بدانیم، شمار این افراد حدود ۴۰ نفر خواهد شد که به شمار افرادی که خود را تاحدی و یا کاملا وابسته اعلام کرده اند (جدول ۵) نزدیک است. بنابراین بر اساس یافته های این پژوهش میزان اعتیاد و وابستگی دانشجویان به مواد مخدر حد اکثر حدود یک درصد برآورد می شود.اطلاع والدیناز کسانی که سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی مصرف کرده اند سؤال شد که آیا والدین آنان از موضوع اطلاع دارند یا خیر؟ اطلاع والدین از مصرف سیگار، مواد مخدر و مشروبات الکلی توسط فرزندانشان به ترتیب ۴/۳۰ درصد، ۶/۲۳ درصد و ۵/۵۱ درصد است. براساس این یافته ها در حالی که حدود دو سوم تا سه چهارم والدین کسانی که سیگار و مواد مخدر مصرف می کنند از این موضوع بی اطلاع هستند، فقط نیمی از والدین کسانی که مشروبات الکلی مصرف کرده اند از این موضوع بی اطلاع و نیمی دیگر با اطلاع هستند. به عبارت دیگر مواد مخدر و سیگار عمدتا پنهان و دور از چشم والدین مصرف می شود در حالی که مشروبات الکلی دست کم برای نیمی از مصرف کنندگان با اطلاع و تحت نظارت و کنترل آنان صورت می گیرد. در نتیجه می توان این گمانه را مطرح کرد که برای برخی از خانواده ها مصرف مشروبات الکلی در موقعیت های خاص رفتاری قابل قبول به حساب می آید و در نتیجه با اطلاع و احتمالا در حضور آنان انجام می شود. اطلاعات مربوط به مکان های مصرف و نوع مجالس مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی که فرد در آنها حضور داشته است این گمانه را تایید می کنند.مکان های مصرفبرای آگاهی از مکان ها و محیط مصرف مواد مخدر از پاسخگویان سؤال شد که اگر در ظرف سال گذشته مواد مخدر و مشروبات الکلی مصرف کرده اند در چه محیط و مکانی بوده است. پاسخگویان می توانستند بیش از یک گزینه پاسخ انتخاب کنند. محل‌ها و مکان های مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی شامل منزل (به تنهایی و با دوستان)، منزل دوستان، خوابگاه (به تنهایی و یا با دوستان) جشن‌ها و میهمانی‌ها (دوستانه و خانوادگی) و سفر و گردش تفریحی (با دوستان و با خانواده) است. در مورد مواد مخدر فراوانترین مکان و محیط مصرف مربوط به انواع مصرف های دوستانه است که حدود یک چهارم پاسخگویانی که تجربه مصرف مواد مخدر را دارند انواع مختلف مصرف در محیط دوستانه را ذکر کرده اند. درمجموع ۱۱۰ درصد از مجموع ۱۵۹ درصد محل و محیط مصرف مواد مخدر را دوستانه ذکر کرده اند. بعد از آن و با اختلافی بسیار قابل ملاحظه مصرف انفرادی قرار دارد که جمعا ۲۶ درصد دو گزینهٔ آن را ذکر کرده اند (تنهایی در منزل و خوابگاه به ترتیب ۱۸ درصد و ۸ درصد). مصرف مواد مخدر در محیط های خانوادگی با جمع ۲۳ درصد در موقعیت سوم قرار دارد (جشن و مهمانی و سفر به ترتیب ۱۷ درصد و ۶ درصد). محل و محیط مصرف مشروبات الکلی دانشجویان مصرف کننده با مواد مخدر تفاوت فاحشی دارد. یشترین موردی که مصرف کنندگان مطرح کرده اند جشن ها و مهمانی های خانوادگی است که با ۴۴ درصد در مرتبه اول قرار گرفته است، درحالی که این مورد برای مواد مخدر ۱۷ درصد بود و در مرتبه ششم قرار داشت. با وجود این جمع مربوط به محیط های دوستانه در مورد مشروبات الکلی (۱۷ درصد) همانند مواد مخدر بیشتر از مصرف خانوادگی (۶۵ درصد) و مصرف انفرادی (۲۸ درصد) است. مصرف مشروبات الکلی به صورت انفرادی چه

در منزل (۱۹ درصد) و چه در خوابگاه (۹ درصد) کمترین فراوانی را دارد و نسبت های آن تقریبا به همان اندازه ی نسبت های مربوط به مواد مخدر برای این دو نوع مصرف می باشد. در مجموع، با توجه به اطلاعات به دست آمده درباره محیط ها و مکان های مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی می توان نتیجه گرفت که: مصرف مشروبات الکلی در بین دانشجویان شایع تر از مواد مخدر است. در حالی که مصرف مواد مخدر در منزل با دوستان بیشترین فراوانی را دارد در مورد مشروبات الکلی بیشترین فراوانی مربوط به جشن ها و میهمانی های خانوادگی است. با وجود این، در مجموع مصارف دوستانه مشروبات الکلی همانند مصارف دوستانه مواد مخدر در مرتبه اول قرار دارد. الگوی مصرف انفرادی مواد مخدر و مشروبات الکلی (چه در منزل و چه در خوابگاه) به یک میزان است و نسبت کمی از افراد آنرا به عنوان الگوی مصرف خود معرفی کرده اند. احتمالاً این افراد کسانی هستند که یا هنجارهای غالب محیط های دوستانه و خانوادگی آنان اجازه مصرف غیر انفرادی را به آنان نمی دهد و یا وابستگی آنان زیاد است به گونه ای که علاوه بر مصارف گه‌گاه دوستانه و خانوادگی باید مصارف انفرادی هم داشته باشند. مصرف انفرادی مواد مخدر بیشتر از مصرف خانوادگی آن است درحالی که مصرف انفرادی مشروبات الکلی کمتر از مصرف خانوادگی آن است. از این یافته می توان نتیجه گرفت که مصرف مشروبات الکلی، بر خلاف مواد مخدر، در بین بیشتر خانواده های افراد مصرف کننده ی آن تا حد قابل ملاحظه ای پذیرفته شده است و بیشتر در محیط های جمعی دوستانه یا خانوادگی صورت می گیرد و کمتر جنبه ی انفرادی و پنهان دارد. پیشتر هم ملاحظه شد که حدود نیمی از والدین مصرف کنندگان مشروبات الکلی از مصرف آن توسط فرزندشان اطلاع داشتند در حالی که در مورد مواد مخدر کمتر از یک چهارم والدین از موضوع اطلاع داشتند. مصرف در محیط های خوابگاهی (چه با دوستان و چه انفرادی) برای مواد مخدر و مشروبات الکلی تقریباً به یک میزان است (به ترتیب ۳۲ و ۳۷ درصد). مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در محیط های خوابگاهی به ترتیب ۴ برابر و ۶ برابر کمتر از مصرف این مواد در محیط های غیرخوابگاهی (شامل منزل خود و دوستان، جشن ها و میهمانی ها ی خانوادگی و دوستانه، و سفرهای خانوادگی و دوستانه) است. به عبارت دیگر، با آنکه تجمع دانشجویان در محیط های خوابگاهی و گذران وقت زیاد در این محیط ها می تواند محیط مناسبی برای مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی فراهم آورد و آنها را تبدیل به مکان های بیشترین مصرف نماید، ولی عواملی مثل هنجارهای اخلاقی محیط های آموزشی، کنترل بیشتر محیط های خوابگاهی و اشتغالات آموزشی دانشجویان در این محیط ها باعث شده که بیشترین مصرف در محیط های غیرخوابگاهی صورت گیرد. به علاوه همان طور که پیشتر ملاحظه شد، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان مصرف کننده بیشتر جنبه تفریحی دارد و چون محیط های خوابگاهی محیط های تفریحی نیستند این رفتار عمدتا خارج از آنها صورت می گیرد. از این یافته ها همچنین می توان نتیجه گرفت که کلیشه های ذهنی که درباره مصرف مواد مخدر در ایام امتحانات برای غلبه بر فشارها و استرس های این ایام و شب زنده داری به منظور درس خواندن وجود دارد چندان معتبر نیست زیرا اگر چنین بود لازم بود میزان نسبت مصرف در محیط خوابگاه بیشتر باشد. ۳- آلودگی محیط (شیوع مصرف و اعتیاد دوستان و نزدیکان) سیگاری بودن اطرافیان: نتایج بدست آمده در مورد سیگاری بودن آشنایان و اطرافیان نشان می‌دهد که ۹/۲۴ درصد از پدران، ۲ درصد از مادران، ۸/۱۰ درصد از برادران و ۱/۱ درصد از خواهران پاسخگویان سیگاری بوده‌اند. بنابراین بستگان درجه اول حد اکثر یک چهارم (۲۵ درصد) از دانشجویان سیگاری هستند. به علاوه، ملاحظه می شود که در بین خانواده دانشجویان، سیگار یک کالای مصرف مردانه است که عمدتاً توسط پدران و در مرتبه بعد برادران مصرف می‌شود و در بین حداکثر ۲ درصد از خانواده های پاسخگویان زنان (مادران و دختران) سیگاری بوده اند. در مقایسه با خانواده ی دانشجویان، نسبت افراد سیگاری در بین خویشاوندان و دوستان دانشجویان بیشتر است. حدود دو سوم (۶۲ درصد) از دانشجویان اظهار داشته اند که در بین خویشاوندان نزدیک آنان فرد یا افراد سیگاری وجود دارند این نسبت برای دوستان نزدیک به حدود یک سوم (۹/۳۵ درصد) تقلیل می یابد. بنابراین، از نظر سیگاری بودن محیط دوستی دانشجویان سالمتر و

پالوده تر از محیط خویشاوندی آنان است.از نظر وجود افراد سیگاری در محیط خانواده و خویشاوندی وضع دانشجویان زن اندکی بهتر از مردان است ولی در مجموع تفاوت چندانی بین آنها وجود ندارد. این امر طبیعی است زیرا، صرف نظر از جنسیت خود فرد، در محیط خانوادگی افراد شماری مصرف کننده سیگار وجود دارد که عموماً هم مردان خانواده هستند. با وجود این، همان طور که انتظار می رود، نسبت دانشجویانی که در بین دوستان نزدیک آنها فرد سیگاری وجود دارد، در بین زنان ۹/۱۳ درصد است که از نسبت مربوط به مردان (۵/۵۶ درصد) ۴ برابر کمتر است.مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی توسط اطرافیان: بررسی اعتیاد و مصرف تفریحی مواد مخدر در بین بستگان پاسخگویان نشان می‌دهد که ۳/۴۷ درصد از دانشجویان دارای بستگانی هستند که به صورت تفریحی مواد مخدر مصرف می کنند و ۳۸ درصد دارای بستگان معتاد می باشند. نسبت دانشجویانی که در بین بستگان آنها مصرف کننده ی تفریحی و یا معتادانه مشروبات الکلی وجود دارد به ترتیب ۵۶ و ۱۹ درصد بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که مصرف تفریحی مشروبات الکلی بیش از مصرف تفریحی مواد مخدر است اما مصرف معتادانه مواد مخدر بیش از مصرف معتادانه مشروبات الکلی است. این وضعیت در مورد مصرف تفریحی و معتادانه مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دوستان پاسخگویان نیز صادق است. یعنی مصرف کننده ی تفریخی مشروبات الکلی بیش از مصرف کننده ی تفریخی مواد مخدر است و برعکس، معتاد به مواد مخدر بیش از معتاد به مشروبات الکلی است. تفاوت بین محیط دوستانه و خانوادگی در این است که میزان مصرف در بین دوستان پاسخگویان کمتر از بستگان آنها است. ۲۵ درصد از دوستان پاسخگویان بطور تفریحی و ۷/۱۳ درصد آنها بطور معتادانه‌ای مواد مخدر مصرف می‌کنند. مصرف تفریحی و معتادانه مشروبات الکلی در بین آنها به ترتیب ۸/۳۷ و ۱۱ درصد بوده است.این یافته ها نشان می دهد که محیط دوستانه ی دانشجویان از نظر وجود افراد مصرف کننده ی مواد مخدر و مشروبات الکلی سالمتر از محیط خویشاوندی آنان است. اگر محیط خانواده و خویشاوندی دانشجویان معرف محیط اجتماعی و شرایط جامعه باشد و محیط دوستانه ی آنان بازنمای محیط دانشجویی باشد، در نتیجه، می توان استدلال کرد که محیط های دانشجویی از نظر مواد مخدر سالمتر و پالوده تر از محیط های عمومی اجتماعی هستند و دانشجویان در محیط خویشاوندی بیشتر از محیط دانشجویی در معرض الگوهای رفتاری مربوط به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی قرار می گیرند. زمینه‌وشرایط‌خانوادگی‌مصرف‌موادمخدرزمینه و شرایط خانوادگی از مهمترین عوامل مؤثر بر فرایند جامعه پذیری افراد و شکل گیری الگوهای نگرشی و رفتاری آنان است. در این قسمت تأثیر برخی از ویژگی های خانواده ی پاسخگویان بر نگرش آنان نسبت به مواد مخدر و نیز بر رفتار آنان از نظر دارا بودن تجربه ی مصرف مواد مخدر بررسی می شود. نگرش به مواد مخدر، به عنوان متغیر وابسته، شامل نگرش به تریاک، مشروبات الکلی، سیگار، و نگرش کلی می باشد. در تجربه ی مصرف، تجربه ی مصرف تریاک، مشروبات الکلی و سیگار مورد نظر است. ویژگی های خانوادگی، به عنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی، به دو گروه تقسیم شده‌اند:زمینه ی خانوادگی شامل، سطح تحصیلات والدین، سطح درآمد و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانوادهشرایط خانوادگی شامل، متغیرهای اندازه (بزرگی و کوچکی) خانواده، گسستگی خانواده از نظر فوت یا جدایی والدین، و آلودگی محیط خانواده و خویشاوندی از نظر وجود مصرف کنندگان مواد مخدر.رابطه ی متغیرهای مستقل با نگرش نسبت به مواد مخدر از طریق مقایسه ی میانگین و با محاسبه ی ضریب همبستگی اتا (Eta) بررسی می شود. نگرش افراد نسبت به مواد مخدر با طیف لیکرت پنج ارزشی ساخته شده است و چون جمع نمرات بر تعداد گویه ها تقسیم شده، همه ی نمرات بین ۱ تا ۵ نوسان دارد. رابطه ی متغیرهای مستقل با تجربه ی مصرف مواد با جدول متقاطع و ضریب همبستگی کرامرز وی (Cramer's V) بررسی می شود. سطح معناداری رابطه ی همبستگی با علامت * مشخص شده است .۱- زمینه‌ی خانوادگیتحصیلات پدر هرچند که نمره ی میانگین گرایش به تریاک در بین دانشجویان دارای پدران تحصیل کرده تر کمتر است ولی این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. درنتیجه، بین سطح تحصیلات پدر و نگرش به تریاک و همچنین نگرش کلی به مواد مخدر رابطه ای وجود ندارد. بین تحصیلات

پدر و نگرش به سیگار رابطه ی مثبت ولی ضعیفی دیده می شود و نگرش دانشجویانی که دارای پدران تحصیل کرده تر هستند به سیگار اندکی مثبت تر است. سطح تحصیلات با نگرش نسبت به مشروبات الکلی رابطه‌ی مثبت و قوی‌تری دارد. درنتیجه، دانشجویان دارای پدران تحصیل‌کرده‌تر گرایش بیشتری یه مشروبات الکلی دارند.از نظر تجربه ی مصرف مواد مخدر، تفاوت قابل توجهی بین دانشجویان دارای پدران تحصیل کرده و بقیه وجود دارد. همچنین جهت تغییر در تریاک و سیگار با مشروبات الکلی متفاوت است. با افزایش سطح تحصیل پدر نسبت افرادی که تجربه ی مصرف تریاک و سیگار داشته اند کم می شود، و برعکس، نسبت کسانی که تجربه ی مصرف مشروبات الکلی داشته اند زیاد می شود، به طوری که نسبت دانشجویانی که حداقل یک بار تجربه ی مصرف تریاک داشته اند از ۸/۱۴ در صد در گروهی که تحصیلات پدرانشان پایین است به ۷/۵ درصد به در گروهی که تحصیلات پدرانشان بالا است تقلیل می یابد. میزان مصرف سیگار هم در گروه تحصیلات پایین ۱۰ درصد کمتر از گروه بالا است. در مقابل میزان تجربه ی مصرف مشروبات الکلی از ۴/۱۷ درصد در گروه پایین به ۱/۲۴ درصد در گروه بالا افزایش می یابد.درآمد خانوادهبین سطح درآمد خانواده و نگرش پاسخگویان نسبت به تریاک رابطه ای وجود ندارد ولی نگرش دانشجویانی که متعلق به خانواده های پردرآمدتر هستند نسبت به مشروبات الکلی، سیگار، و نگرش کل مثبت تر است. شدت رابطه در مورد مشروبات الکلی بیشتر است و قرزندان خانواده های پردرآمد به صورت بارزتری به مشروبات الکلی بیشتر گرایش نشان می دهند.از نظر تجربه ی مصرف، فرزندان خانواده های کم درآمد بیش از فرزندان خانواده های پردرآمد تجربه ی مصرف تریاک داشته اند (۹/۱۱ درصد در مقابل ۸/۷ درصد)، اما تجربه ی مصرف مشروبات الکلی در میان آنها کمتر از فرزندان خانواده‌های پردرآمد است (۶/۱۶ درصد در مقابل ۲/۲۹ درصد). گروه‌های مختلف درآمدی از نظر دارا بودن تجربه‌ی مصرف سیگار تفاوت چندانی ندارند. پایگاه اقتصادی اجتماعی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که پاسخگویان متعلق به پایگاه اجتماعی بالاتر نسبت به مشروبات الکلی و سیگار نگرش مثبت‌تری دارند. میانگین نمره ی نگرش دانشجویان دارای پایگاه بالا نسبت به مشروبات الکلی ۹۶/۲ است که این نسبت برای پاسخگویان متعلق به پایگاه اجتماعی پایین به ۴۴/۲ تقلیل می یابد. میانگین نمره نگرش به سیگار برای پایگاههای اجتماعی پایین و بالا به ترتیب ۸۸/۱ و ۱۳/۲ است. نگرش نسبت به تریاک با پایگاه اجتماعی رابطه‌ای ندارد. نگرش پاسخگویان متعلق به پایگاه اجتماعی متوسط به کل مواد مخدر اندکی پایین‌تر (منفی‌تر) از دو گروه دیگر بوده است (۸۸/۱ در مقابل ۹۱/۱ برای پایگاه اجتماعی پایین و ۹۶/۱ برای پایگاه اجتماعی بالا). مقایسه ی نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که عمده ترین تفاوت نگرشی دانشجویان متعلق به پایگاه های مختلف در خصوص مشروبات الکلی و سیگار است و در این موارد با ارتقاء پایگاه نگرش افراد مثبت تر می شود. از نظر تجربه ی مصرف، تجربه مصرف تریاک در پایگاه اجتماعی پایین بیشتر و برعکس، تجربه مصرف مشروبات الکلی در پایگاه بالاتر بیشتر است. درصد کسانی که حداقل یک بار مصرف تریاک را تجربه کرده‌اند در بین پاسخگویان متعلق به پایگاه پایین ۱۵ درصد و در بین پاسخگویان متعلق به پایگاه بالا ۳/۵ درصد است. درصد تجربه مصرف مشروبات الکلی در دو پایگاه پایین و بالا به ترتیب ۱/۱۶ درصد و ۵/۲۷ درصد می باشد. درصد تجربه ی مصرف حداقل یک بار سیگار در پایگاه پایین ۳/۴۰ درصد و در پایگاه بالا به ۴/۳۴ درصد تقلیل می یابد. بنابراین مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان دارای یک الگوی پایگاهی یا طبقاتی متفاوت است. در حالی که دانشجویان متعلق به پایگاه پایین گرایش بیشتری به مصرف تریاک دارند، مصرف مشروبات الکلی در بین پایگاه بالا بیشتر رواج دارد.۲- زمینه‌ی خانوادگیاندازه‌ی خانواده رابطه ی تعداد افراد خانواده با نگرش نسبت به تریاک، مشروبات الکلی و سیگار معنی‌دار است. در مورد تریاک نگرش افرادی که دارای خانواده‌های کم جمعیت‌تر بوده‌اند منفی‌تر است. (نمره نگرش افراد دارای خانواده‌ی ۵ نفر و کمتر ۳۳/۲ است در مقابل ۴۵/۲ برای افراد دارای خانواده ی ۱۰ نفره و بالاتر). در حالی که نمره نگرش افراد دارای خانواده‌های کم جمعیت نسبت به مشروبات الکلی و سیگار مثبت‌تر از سایرین است. به طوری که نمره ی نگرش دانشجویان دارای خانوادهای ۵ نفره و کمتر نسبت به مشروبات الکلی ۸۶/۲ و

برای خانواده های ۱۰ نفره و بالاتر ۴۳/۲ است. نمره نگرش نسبت به سیگار از ۰۶/۲ در بین افراد دارای خانواده‌های ۵ نفر و کمتر به ۹۲/۱ در گروه ۱۰ نفر و بالاـتر می‌رسد. بنابراین جهت رابطه ی بزرگی خانواده با نگرش به مشروبات الکلی بر عکس جهت رابطه ی آن با تریاک می باشد. همچنین شدت رابطه ی بزرگی خانواده با نگرش به مشروبات الکلی هم بیشتر است. از نظر تجربه ی مصرف، مصرف تریاک و سیگار در بین دانشجویان دارای خانواده های پرجمعیت بیشتر است و برعکس در بین دانشجویان دارای خانواده های کم جمعیت مصرف مشروبات الکلی بیشتر می باشد. نسبت دانشجویانی که حد اقل یک بار تریاک مصرف کرده اند در خانواده های بزرگ ۱/۱۸ درصد است در حالی که در خانواده های کوچک با بیش از یک سوم کاهش به ۱/۵ درصد می رسد. مصرف سیگار نیز از ۹/۴۴ درصد در خانواده های بزرگ با حدود ۱۵ درصد کاهش به ۵/۳۰ درصد در خانواده های کوچک می‌رسد. برخلاف تریاک و سیگار، تجربه ی حداقل یک بار مصرف مشروبات الکلی در خانواده های بزرگ ۹/۱۸ درصد است که با اندکی افزایش به ۲۳ درصد در خانواده های کوچک می رسد.همانطور که ملاحظه شد، متغیر اندازه یا تعداد افراد خانواده بطور معنی‌داری با متغیرهای مربوط به مواد مخدر ارتباط دارد. ارتباط اندازه خانواده با متغیرهای مربوط به مواد مخدر و مشروبات الکلی نشان دهنده دو الگوی متفاوت است. به طوری که افراد دارای خانواده‌های پرجمعیت از نگرش مثبت‌تری (در مقایسه با خانواده‌های کم جمعیت) نسبت به مواد مخدر (تریاک و سیگار) برخوردارند و بیشتر از سایرین مصرف تریاک و سیگار را تجربه کرده‌اند. در مقابل، افراد دارای خانواده‌های کم جمعیت از نگرش مثبت‌تری نسبت به مشروبات الکلی برخوردار هستند و بیشتر از سایرین تجربه ی مصرف مشروبات الکلی داشته‌اند.عادی یا ناقص بودن خانوادهنگرش پاسخگویانی که پدر و مادر آنها از هم جدا شده‌اند نسبت به همه ی مواد مخدر مثبت تر از سایر پاسخگویان است. پس از آنها نگرش کسانی که پدر یا مادر آنها فوت کرده است قرار دارد و نهایتاً کسانی که دارای خانواده‌های عادی (با ثبات) بوده‌اند منفی‌ترین نگرش را نسبت به مواد مخدر دارند. با این حال تفاوت سه گروه فقط درخصوص نگرش نسبت به تریاک معنادار است . نمره نگرش نسبت به تریاک برای دانشجویانی که دارای خانواده‌های عادی بوده‌اند ۳۶/۲ ، کسانی که پدر یا مادر آنها فوت کرده است ۴۸/۲، و کسانی که پدر و مادر آنها از هم جدا شده اند ۵۶/۲ می باشد.ازنظرتجربه مصرف، بیشترین میزان تجربه مصرف تریاک و مشروبات الکلی در گروهی است که پدر یا مادر آنها فوت کرده‌اند. تجربه مصرف تریاک این گروه ۶/۱۲ درصد است در مقایسه با ۵/۹ درصد در گروهی که والدین آنها از هم جدا شده‌اند و ۹/۸ درصد در گروهی که دارای خانواده عادی هستند. تجربه مصرف مشروبات الکلی در سه گروه فوق به ترتیب ۴/۲۲ درصد، ۶/۲۰ درصد و ۵/۱۹ درصد است. تجربه مصرف سیگار در گروهی که دارای خانواده عادی بوده‌اند ۱/۳۴ درصد، برای گروهی که پدر یا مادر آنها فوت کرده است ۹/۴۲ درصد برای گروهی که والدین آنها از هم جدا شده‌اند ۴/۴۴ درصد است.در مجموع متغیر ثبات خانوادگی تاثیر قابل توجهی بر بعضی از متغیرهای مربوط به مواد مخدر دارد. به طوری که منفی‌ترین نگرش نسبت به تریاک و کمترین تجربه ی تریاک و سیگار در گروهی است که از خانواده ی عادی برخوردار بوده‌اند. در مقابل دانشجویانی که دارای خانواده ناقص (فوت یا جدایی والدین) می باشند، به خصوص آنها که والدینشان جدا شده اند، در اکثر متغیرهای واقعی و نگرشی دارای شرایط نامساعدتری هستند. هرچند که تفاوت مشاهده شده به دلیل کوچک بودن تعداد افراد دارای والدین جداشده در مواردی معنا دارنیست.آلودگی محیط خویشاوندی بین آلودگی محیط خویشاوندی، که بر اساس وجود افراد مصرف کننده تفریحی و معتاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین خویشاوندان تعریف شده است، و نگرش به مواد مخدر رابطه ی قابل توجهی وجود دارد.میانگین نمره ی نگرش کسانی که در بین خویشاوندان آنها مصرف کننده ی تفریحی مواد، مشروب و معتاد وجود ندارد در همه ی موارد (تریاک، سیگار، مشروب و نگرش کل) کمتر از آنهایی است که در محیط خویشاوندی آنها یک یا چند نفر مصرف کننده و معتاد وجود دارد. به عنوان مثال میانگین نمره نگرش به تریاک و مشروبات الکلی در گروهی که خویشاوند مصرف کننده و معتاد ندارند به ترتیب ۲۳/۲ و ۳۴/۲ است، در حالیکه این نمره برای گروهی که در بین

خویشاوندانشان تعداد مصرف کنندگان و معتادان متوسط و زیاد است به ترتیب به ۶۹/۲ و ۰۶/۳ افزایش می یابد.از نظر تجربه‌ی مصرف هم وضع مشابهی وجود دارد. در بین دانشجویانی که شبکه خویشاوندی آنهاعاری از مصرف کننده و معتاد است، نسبت بسیار کوچکی تجربه مصرف تریاک و مشروبات الکلی داشته اند (به ترتیب ۴/۳ درصد و ۵/۵ درصد)، در صورتی که در بین دانشجویانی که تعداد زیادی مصرف کننده و معتاد در میان خویشاوندانشان وجود دارد، نسبت کسانی که تجربه‌ی مصرف داشته‌اند تا ۷ برابر افزایش می یابد و به ۷/۲۳ درصد برای تریاک و ۱/۳۸ درصد برای مشروبات الکلی می رسد. نسبت مصرف کنندگان سیگار هم از ۴/۲۰ درصد در گروه فاقد مصرف کننده و معتاد به ۵۳ درصد در گروه مقابل آنها افزایش می یابد. ضرایب همبستگی اتا و کرامرزوی هم نشان دهنده ی بیشترین شدت همبستگی بین آلودگی محیط و گرایش به مواد مخدردر مقایسه با متغیرهایی که قبلاـ بررسی شدند، می باشد.برای مقایسه اثر محیط خویشاوندی و محیط دوستانه اثر آلودگی محیط دوستانه بر گرایش به مواد مخدر هم بررسی شد. بر اساس اطلاعات جدول ۱۷ ، رابطه محیط دوستانه با گرایش به انواع مواد مخدر قوی تر از رابطه ی محیط خویشاوندی است. نسبت کسانی که محیط آلوده تری داشته اند و تریاک و مشروبات الکلی مصرف کرده اند تا بیش از ده برابر آنهایی است که در محیط دوستانه آنها مصرف کننده و معتاد وجود داشته است (۳/۳۶ درصد و ۵۹ درصد به ترتیب برای تریاک و مشروبات الکلی در مقابل ۳ درصد و ۵/۴ درصد). نسبت کسانی که تجربه مصرف سیگار داشته اند در بین افراد دارای دوستان معتاد و مصرف کننده مواد ۶۶ درصد است در حالیکه در بین افراد فاقد چنین دوستانی فقط ۵/۱۸ درصد است.بنابراین محیط خویشاوندی و دوستانه بیشترین تاثیر را بر گرایش افراد نسبت به مواد مخدر و مشروبات الکلی دارد و در این میان رابطه و تاثیر محیط دوستانه رابطه و تاثیر قوی تری است.سیگاری بودن پدربین سیگاری بودن پدر و نگرش نسبت به تریاک رابطه ای وجود ندارد. اما دانشجویانی که دارای پدران سیگاری هستند نسبت به مشروب و سیگار نگرش مثبت تری دارند. از نظر تجربه مصرف هم ، دانشجویانی که دارای پدران سیگاری هستند بیش از بقیه تجربه حداقل یک بار مصرف تریاک، مشروبات الکلی و سیگار داشته اند. این تفاوت در باره ی سیگار و تریاک ۲ تا ۴ درصد است و در مورد مشروبات الکلی به ۱۰ درصد می رسد.بنابراین اثر سیگاری بودن پدر بر گرایش به مواد مخدر و مشروبات الکلی به مراتب ضعیف‌تر از اثر آلودگی شبکه ی خویشاوندی از نظر وجود افراد مصرف کننده ی مواد مخدر و معتاد می باشد. دلیل این امر ممکن است ناشی از تفاوتی باشد که از نظر عموم خانواده‌ها بین سیگار و مواد مخدر وجود دارد. به نظر بسیاری از خانواده ها سیگار کشیدن عادت زشت و بسیار زیانباری نیست در حالیکه نگرش آنان نسبت به مواد مخدر بسیار منفی است. در نتیجه رابطه بین سیگاری بودن پدر و گرایش نسبت به مواد مخدر ضعیف است در حالی که بین وجود افراد معتاد و مصرف کننده در بین بستگان و دوستان با گرایش به مواد مخدر رابطه قابل توجهی وجود دارد.خلاصه و نتیجه‌گیرینگرش نسبت به مواد مخدریافته های این پژوهش درباره ی نگرش دانشجویان نسبت به مواد مخدر حاکی از آن است که اکثریت بزرگی از آنان نسبت به مصرف مواد مخدر نگرشی منفی داشته اند به طوری که بین ۶۴ درصد تا ۸۶ درصد پاسخگویان با عبارتهای منفی درباره مصرف مواد مخدر اظهار موافقت و تقریبا به همین میزان با عبارتهای مثبت اظهار مخالفت نموده اند. شاخص نگرش به مواد مخدر نشان می دهد که سه چهارم (۷/۷۵ درصد) دانشجویان نسبت به مواد مخدر نگرش منفی دارند، فقط ۲/۱ در صد به مواد مخدر نگرش مثبت یا گرایش زیاد دارند و نزدیک یک چهارم در بین این دو گروه قرار گرفته و گرایش متوسطی به مواد مخدر دارند. این نسبت ها همان طور که انتظار می رود برای زنان و مردان دانشجو متفاوت است. نسبت زنانی که نسبت به مواد مخدر گرایش منفی دارند ۸۵ درصد است که حدود ۲۰ درصد بیش از نسبت مربوط به مردان (۶۶ درصد) است. در عین حال، با آنکه اکثریت قابل توجهی از دانشجویان نگرشی منفی نسبت به مصرف مواد مخدر دارند، نگرش آنان نسبت به فرد معتاد به عنوان یک انسان قربانی و بیمار است که باید درمان شود و نه یک انگل و مجرم که باید طرد شود.مصرف مواد مخدراز نظر تجربه ی مصرف سیگار، با آنکه ۵۴ درصد مردان و ۱۷ درصد زنان دانشجو حداقل یک بار تجربه

ی سیگارکشیدن را دارند، فقط ۸/۰ درصد زنان و ۷/۱۰ درصد مردان سیگاری هستند. مصرف مشروبات الکلی شیوع بیشتری نسبت به مواد مخدر دارد. نزدیک به ۲۰ درصد از دانشجویان اظهار داشته اند دست کم یک بار مشروبات الکلی مصرف کرده اند در حالی که این نسبت برای مصرف تریاک به نصف (۱۰ درصد) تقلیل می یابد.میزان شیوع مواد مخدر جدید بسیار نا چیز است به طوری که نسبت کسانی که آن مواد را دست کم یک بار مصرف کرده اند کمتر از یک درصد بوده است (هروئین ۶/۰ درصد، ال. اس. دی ۴/۰ درصد، کوکائین ۴/۰ درصد و اکستاسی نیز ۴/۰ درصد).تفاوت دو جنس در مصرف مواد مخدر کاملا بارز است به طوری که تجربه ی یک بار مصرف مردان در تریاک حدود ۷ برابر و در مشروبات الکلی بیش از ۴ برابر زنان است. درنتیجه، تفاوت جنسیتی درباره مصرف و تجربه ی مشروبات الکلی به مراتب کمتر از تریاک است. بنابراین، باآنکه از نظر دیدگاه های دینی وسنتی جامعه، مشروبات الکلی، به دلیل حرمت شرعی صریح آن، از مواد مخدر به خصوص تریاک، که سنتأ به صراحت تحریم نشده است، از عدم مقبولیت بیشتری برخوردار است، تجربه ی مصرف آن در بین دانشجویان بیشتر از تریاک است. بررسی دلایل این امر مستلزم بررسی‌های بیشتری است. به علاوه، الگوی مصرف تریاک و مشروبات الکلی از نظر پایگاه اقتصادی و اجتماعی یا طبقاتی با هم متفاوت است. از نظر وابستگی به مواد مخدر، اکثریت قابل توجهی از دانشجویانی که تجربه ی مصرف مواد مخدر را دارند، گه‌گاه و تفریحی آن را مصرف می کنند. بر اساس یافته های این پژوهش، میزان اعتیاد و وابستگی دانشجویان به مواد مخدر حد اکثر حدود یک درصد برآورد می شود.مواد مخدر و سیگار عمدتا پنهان و دور از چشم والدین مصرف می شود در حالی که مشروبات الکلی دست کم برای نیمی از مصرف کنندگان با اطلاع و تحت نظارت و کنترل آنان صورت می گیرد. همچنین، مصرف انفرادی مواد مخدر بیشتر از مصرف خانوادگی آن است درحالی که مصرف انفرادی مشروبات الکلی کمتر از مصرف خانوادگی آن است. از این یافته می توان نتیجه گرفت که مصرف مشروبات الکلی، بر خلاف مواد مخدر، در بین بیشتر خانواده های افراد مصرف کننده ی آن تا حد قابل ملاحظه ای پذیرفته شده است و بیشتر در محیط های جمعی دوستانه یا خانوادگی صورت می گیرد و کمتر جنبه ی انفرادی و پنهان دارد. مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در محیط های خوابگاهی به ترتیب ۴ برابر و ۶ برابر کمتر از مصرف این مواد در محیط های غیرخوابگاهی (شامل منزل خود و دوستان، جشن ها و میهمانی ها ی خانوادگی و دوستانه، و سفرهای خانوادگی و دوستانه) است. به عبارت دیگر، با آنکه تجمع دانشجویان در محیط های خوابگاهی و گذران وقت زیاد در این محیط ها می تواند محیط مناسبی برای مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی فراهم آورد و آنها را تبدیل به مکان های بیشترین مصرف نماید، ولی عواملی مثل هنجارهای اخلاقی محیط های آموزشی، کنترل بیشتر محیط های خوابگاهی و اشتغالات آموزشی دانشجویان در این محیط ها باعث شده که بیشترین مصرف در محیط های غیرخوابگاهی صورت گیرد. به علاوه همان طور که بیشتر ملاحظه شد، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین دانشجویان مصرف کننده بیشتر جنبه تفریحی دارد و چون محیط های خوابگاهی محیط های تفریحی نیستند این رفتار عمدتا خارج از آنها صورت می گیرد.یافته های مربوط به وجود افراد سیگاری، مصرف کننده ی مواد و مشروبات الکلی و معتاد در بین دوستان و خویشاوندان دانشجویان حاکی از آن است که محیط دوستانه ی دانشجویان سالمتر از محیط خویشاوندی آنان است. اگر محیط خانواده و خویشاوندی دانشجویان معرف محیط اجتماعی و شرایط جامعه باشد و محیط دوستانه ی آنان بازنمای محیط دانشجویی باشد، در نتیجه، می توان استدلال کرد که محیط های دانشجویی از نظر مواد مخدر سالمتر و پالوده تر از محیط های عمومی اجتماعی هستند و دانشجویان در محیط خویشاوندی بیشتر از محیط دانشجویی در معرض الگوهای رفتاری مربوط به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی قرار می گیرند. نقش عوامل خانوادگی در گرایش به مواد مخدردر مجموع اطلاعات به دست آمده درباره ی رابطه ی متغیرهای مربوط به مواد مخدر با تحصیلات پدر، درآمد خانواده، و پایگاه اجتماعی اقتصادی، که از تلفیق دو متغیر پیشین با منزلت شغلی پدر خانواده ساخته شده است، حاکی از آن است که پایگاه متغیر تبیین کننده ی مهمی برای متغیرهای مربوط به مواد مخدر است و با آنها رابطه ی

معنی داری دارد. بـه علاوه، اثر پایگاه بر مصرف تریاک معکوس است ولی اثر آن بر نگرش به مشروبات الکلی و مصرف آن مستقیم است. در نتیجه، الگوی طبقاتی یا پایگاهی مصرف مواد مخدر(به خصوص تریاک) و مشروبات الکلی متفاوت است. گرایش بیشتر دانشجویان دارای پایگاه اجتماعی بالاتر به مشروبات الکلی و برعکس گرایش کمتر آنان به مصرف تریاک را ممکن است بتوان تاحدی با تقابل دو الگوی سنتی و مدرن درخصوص مواد مخدر توضیح داد. تریاک یک ماده ی مخدر است که به صورت سنتی در جامعه ی ایران وجود داشته و حساسیت سنتی و مذهبی کمتری بر علیه آن وجود دارد، در حالی که مشروبات الکلی بر اساس سنت های مذهبی جامعه به صراحت و شدت تحریم شده است. تاثیرپذیری بیشتر افراد متعلق به پایگاه های بالاتر از عناصر فرهنگی جدید باعث شده تا الگوهای مقبول فرهنگ غربی در مورد مواد مخدر و مشروبات الکلی، که بر اساس آن مصرف متعادل مشروبات الکلی امری پذیرفته شده است، تا حدی در بین آنان هم پذیرفته شود. در نتیجه، چنانچه ملاحظه شد، گرایش افراد متعلق به پایگاه بالاتر به مشروبات الکلی (نگرش و تجربه ی مصرف) بیشتر از افراد متعلق به پایگاه پایین است در حالی که در مورد تریاک این وضع وجود ندارد و حتی معکوس است.متغیر اندازه یا تعداد افراد خانواده به طور معنی‌داری با متغیرهای مربوط به مواد مخدر ارتباط دارد. ارتباط اندازه خانواده با متغیرهای مربوط به مواد مخدر و مشروبات الکلی نشان دهنده دو الگوی متفاوت است. به طوری که افراد دارای خانواده‌های پرجمعیت از نگرش مثبت‌تری (در مقایسه با خانواده‌های کم جمعیت) نسبت به مواد مخدر (تریاک و سیگار) برخوردارند و بیشتر از سایرین مصرف تریاک و سیگار را تجربه کرده‌اند. در مقابل، افراد دارای خانواده‌های کم جمعیت از نگرش مثبت‌تری نسبت به مشروبات الکلی برخوردار هستند و بیشتر از سایرین تجربه ی مصرف مشروبات الکلی داشته اند.تفاوت افراد متعلق به خانواده های پرجمعیت و کم جمعیت از نظر الگوی مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی را ممکن است بتوان ناشی از تفاوت پایگاه اقتصادی اجتماعی آنان دانست. همچنین سنتی تر بودن خانواده های پرجمعیت تر را هم می توان دلیل دیگر این تفاوت به حساب آورد. پیشتر به هنگام بررسی رابطه ی پایگاه با متغیرهای مربوط به مواد مخدر ملاحظه شد تجربه ی مصرف مواد مخدر در بین دانشجویان متعلق به پایگاه پایین بیشتر از پایگاه بالا و در مورد مشروبات الکلی عکس آن است. می توان استدلال کرد که خانواده های پرجمعیت تر سنتی تر و داری پایگاه اقتصادی اجتماعی پایین تری هستند. در نتیجه، الگوی مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی آنان هم به الگوی افراد متعلق به پایگاه پایین و سنتی تر شباهت دارد. همچنین فزونی مصرف سیگار و تریاک در بین دانشجویان متعلق به خانواده های پرجمعیت را می توان تا حدی ناشی از کمتر بودن نظارت و کنترل والدین بر فرزندان در این نوع از خانواده ها دانست. بزرگتر شدن ابعاد خانواده امکان عملی نظارت بر فرزندان را کاهش می دهد و درنتیجه احتمال گرایش به رفتاری مثل مصرف سیگار و مواد مخدر در بین فرزندان این خانواده ها بیشتر است.متغیر ثبات خانوادگی هم تاثیر قابل توجهی بر بعضی از متغیرهای مربوط به مواد مخدر دارد. به طوری که منفی‌ترین نگرش نسبت به تریاک و کمترین تجربه ی تریاک و سیگار در گروهی است که از خانواده ی عادی برخوردار بوده‌اند. در مقابل دانشجویانی که دارای خانواده ناقص (فوت یا جدایی والدین) می باشند، به خصوص آنها که والدینشان جدا شده اند، در اکثر متغیرهای واقعی و نگرشی دارای شرایط نامساعدتری هستند. هرچند که تفاوت مشاهده شده به دلیل کوچک بودن تعداد افراد دارای والدین جداشده در مواردی معنا دارنیست.سیگاری بودن پدر هم با گرایش به مواد مخدر و مشروبات الکلی (نگرش و مصرف) رابطه ای مثبت دارد. کسانی که دارای پدران سیگاری هستند گرایش بیشتری به مواد مخدر دارند. با وجود این، اثر سیگاری بودن پدر بر گرایش به مواد مخدر و مشروبات الکلی به مراتب ضعیف تر از اثر آلودگی شبکه ی خویشاوندی از نظر وجود افراد مصرف کننده ی مواد مخدر و معتاد است. دلیل این امر ممکن است ناشی از تفاوتی است که از نظر عموم خانواده ها بین سیگار و مواد مخدر وجود دارد. به نظر بسیاری از خانواده ها سیگار کشیدن عادت زشت و بسیار زیانباری نیست در حالیکه نگرش آنان نسبت به مواد مخدر بسیار منفی است.محیط خویشاوندی و دوستانه بیشترین تاثیر را بر گرایش افراد نسبت به مواد مخدر و مشروبات الکلی دارد. افرادی که

در میان دوستان و بستگانشان مصرف کننده ی مواد مخدر (شامل مشروب) و معتاد وجود دارد نگرش به مراتب مثبت تری نسبت به انواع مواد مخدر دارند و تجربه آنها در مصرف این مواد هم به مراتب بیشتر از کسانی است که محیط خانوادگی و دوستانه ی آنها عاری از افراد مصرف کننده و معتاد است. در این میان، رابطه و تاثیر منفی و بازدارنده ی محیط دوستانه بر نگرش و مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی قوی تر از تاثیر محیط خویشاوندی است. با وجود این، باید توجه داشت که ممکن است محیط خانواده و خویشاوندی اثر تعیین کننده تری داشته باشد زیرا می تواند علت اولیه برای ایجاد نگرش مثبت تر نسبت به مواد مخدر باشد و بر انتخاب دوست و شکل گیری محیط دوستانه هم تاثیر بگذارد. قبلا ملاحظه شد که محیط دوستانه دانشجویان از نظر وجود افراد مصرف کننده و معتاد به مواد مخدر و حتی از نظر وجود افراد سیگاری سالمتر از محیط خویشاوندی آنان است. در نتیجه، با آنکه شدت رابطه ی آلودگی محیط دوستانه و گرایش به مواد مخدر بیشتر از شدت رابطه ی آلودگی محیط خویشاوندی و گرایش به مواد مخدر است، گستردگی اثر محیط خویشاوندی بیشتر از محیط دوستانه و دانشجویی است. بنابراین، محیط خانوادگی هم از این نظر که متغیر اولیه اثرگذار است و می تواند منجر به شکل دادن محیط دوستانه شود و هم از این حیث که دامنه ی حضور و تاثیر آن وسیعتر و فراگیرتر است نقش تعیین کننده ای در شکل گیری الگوهای نگرشی و رفتاری دانشجویان دارد و تا زمانی که مصرف مواد مخدر در سطح جامعه و در چارچوب خانواده ها رو به گسترش باشد، احتمال تاثیرپذیری محیط های دانشجویی هم وجود دارد. با وجود این، شرایط دانشجویان به دلیل برخورداری آنان از موقعیت علمی، اجتماعی، و فرهنگی ممتازتر همواره بهتر از سایر اقشار و گروهها خواهد بود

مورد کاوی؛ فرزند سالاری

دکتر سید محمد صادق مهدوی

فصل اولکلیات ۱-۱- بیان مسئلهتغییر، ویژگی معمول و در واقع ذاتی پدیده‌های اجتماعی است. (گی روشه) با نگاهی به تاریخ حیات اجتماعی انسان، متوجه تحولات عظیم آن می‌شویم. بدیهی است که دوام و بقای این حیات مستلزم توسعه، تکامل و به‌کارگیری ابزار و تکنیک‌های جدید برای فراهم ساختن شرایط جدید و لازم جهت زندگیِ همیشه در تغییر است. حیات اجتماعی متضمن نیروهای دافع یکدیگر است. این نیروها مدام در جهت حفظ نظم اجتماعی یا بی‌نظمی و تغییر اجتماعی عمل می‌کنند. در واقع، ما در نبرد دائمی میان سازوکارهای کنترل اجتماعی، و تمایلات اجتماعی برای انحراف، تضاد و نارضایتی زندگی می‌کنیم. (Turner, ۱۹۹۴)بدین ترتیب هر پدیده یا مسئله‌ی اجتماعی را می‌توان و باید در یک فرآیند نظم و تغییر مورد توجه و بررسی قرار داد. به تبع تحولات یادشده، خانواده و مسائل مربوط به آن نیز از جمله مقولاتی است که در طول تاریخ دستخوش تحولات عظیمی در عرصه‌های مختلف از جمله ابعاد، نقش و کارکرد بوده است.می‌توان گفت که امروزه بسیاری از وظایف و نقش‌های خانواده به نهادها و سازمان‌های دیگر واگذار شده است. از جمله دستاوردهای این تحولات و جابه‌جایی نقش‌های خانواده، پیدایش وضعیت جدیدی است که در آن محور فعالیت‌ها و مسائل خانواده فرزندان شده‌اند.پژوهش حاضر به بررسی پدیده‌ای به نام «فرزندسالاری» پرداخته که ناشی از ظهور این وضعیت جدید در خانواده‌ی ایرانی و تغییر نوع نگاه به فرزندان و روش‌های تربیتی آنهاست. فرزندسالاری به عنوان یک پدیده‌ی خاص، تا آنجا که نگارنده مطالعه و بررسی کرده است، نه در آثار جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی اروپایی و نه در نوشته‌های محققان امریکایی و نه حتی در آثار اندیشمندان مسلمان، با خصوصیات و ویژگی‌هایی که در پژوهش حاضر عنوان خواهد شد به کار نرفته است. از این رو، اصطلاحی مناسب این پدیده در زبان‌های اروپایی، مانند «مادرسالاری» و «پدرسالاری»، رواج نیافته است. در نوشته‌های محققان مسلمان، بویژه همسایگان ما مثل پاکستان، ترکیه، عراق و عربستان هم اصطلاح فرزندسالاری با محتوایی که در این اثر توضیح داده خواهد شد معمول و مصطلح نیست. با این

حال، در آثار محققان مذکور، کلمات و اصطلاحاتی وجود دارد که به لحاظ مفهومی تا اندازه‌ای به این اصطلاح نزدیک است. همچنین در بخش نظری این تحقیق از آثار و نوشته‌های جامعه‌شناسان غربی استفاده شده است، اما با توجه به اینکه این نظریات به تنهایی قادر به تبیین پدیده‌ی فرزندسالاری نیستند، ترکیب و پیشنهاد جدیدی، هم درباره‌ی محتوا و هم معنای این اصطلاح ارائه خواهد شد. (مهدوی، ۱۳۸۱)تاریخ‌نگاران خانواده نشان داده‌اند که نگرش به فرزندان در دوره‌ی کودکی و وظایف والدین نسبت به آنها طی قرن‌ها تغییر کرده است. به این معنی که جهت تربیت در خانواده‌های امروزی، با جهت تربیت در خانواده‌های سنتی گذشته به‌کلی دگرگون شده است. اگر در گذشته اهداف نظام تربیتی سنتی «صداقت»، «نظافت» و «اطاعت از بزرگتر» بود، امروزه هدف نظام‌های تربیتی بار آوردن فرزندانی مطیع نیست، بلکه تربیت فرزندانی «مستقل» و «مسئولیت‌پذیر» است. این استقلال و مسئولیت‌پذیری مهمترین شاخصه و ویژگی نظام تربیتی امروزی است. (Hofer, ۱۹۹۲, ۱۴۴)این تغییر رفتار والدین با فرزندان، شخصیت خاصی را در فرزندان شکل داده است که عده‌ای از متخصصان امور اجتماعی، روان‌شناسان و کارشناسان کودک از آن با عنوان «فرزندسالاری» یا «فرزندمداری» یاد می‌کنند. (مهدوی، ۱۳۷۴)۱-۲- اهمیت مسئلهجامعه‌ی ما نیز به‌مانند بسیاری از جوامع دیگر، دستخوش تحولات و دگرگونی‌های عمیقی شده است. این تحولات با پیروزی انقلاب اسلامی بارزتر و چشمگیرتر شدند. به این معنی که کل نظام اجتماعی دستخوش تحول و دگرگونی شد و به تبع آن نظام اقتصادی، فرهنگی و سیاسی عمیقاً تغییر یافت. این تحولات، نظام ارزشی و تربیتی را هم تغییر داد.بدیهی است که توسعه و نوسازی و دگرگونی، علاوه بر شرایط مناسب و لازم، تبعاتی نیز خواهد داشت. از این رو، روابط درونی خانواده (نگرش اعضای خانواده به یکدیگر و مسائل اجتماعی و مناسبات میان اعضا) تغییرات فاحشی داشته که شناخت این تغییرات و منشأ آنها بسیار حائز اهمیت است.۱-۳- اهداف تحقیقخانواده اولین نهادی است که فرد زندگی خود را در آن شروع می‌کند و عمده‌ترین نقش را در شکل دادن به شخصیت فرد دارد. به علت مسائل و مشکلات و شاید برخی مزایای ناشی از شرایط و وضعیت جدید خانواده و مناسبات خانوادگی، لازم است تا به روش علمی و دور ماندن از پیشداوری‌های نامناسب، به بررسی یکی از مسائل مربوط به خانواده پرداخته شود تا شاید با شناخت بهتر بتوان راهکارهای مناسبی برای فراهم ساختن شرایط توسعه و پیشرفت به دست داد یا دست کم قدمی به آن سو برداشت.از این رو، قصد داریم تا به بررسی زمینه‌ها و عوامل ایجاد فرزندسالاری در نهاد خانواده بپردازیم و در صورت امکان میزان و شدت آن را نیز بسنجیم. به عبارت دیگر، به طور مشخص، پس از تعریف فرزندسالاری می‌خواهیم به سؤالات زیر پاسخ دهیم:آیا پدیده‌ای که در جامعه‌ی ما وجود دارد، همان پدیده‌ای است که در غرب به عنوان فرزندمحوری و فرزندسالاری از آن یاد شده یا پدیده‌ای است خاص جامعه‌ی ایرانی؟ اگر وجود دارد شدت آن چقدر است؟عواملی که منجر به ایجاد فرزندسالاری می‌شوند، کدامند؟فصل دومزمینه‌ی‌نظری ۲-۱- تعریف مفاهیمقبل از آنکه به تئوری‌های مورد استفاده در این تحقیق جهت تبیین موضوع بپردازیم، لازم است ابتدا به معانی و مفاهیم فرزندسالاری و تعاریف وابسته به آن پرداخته شود.۲-۱-۱- تعریف خانوادهکنفوسیوس خانواده را به عنوان «پایه‌ی دولت»، اگوست کنت آن را «واحد اجتماعی» و چارلز هورتون کولی خانواده را اولین و ایده‌آلی‌ترین مثال برای «گروه‌های نخستین» می‌دانست، گروه‌هایی که وظیفه‌ی آنها نگهداری و حمایت از موجودیت انسانی است و خالق زیباترین احساسات شناخته‌شده‌ی بشری هستند.۲-۱-۲- تعریف مفهومی ـ لغوی فرزندسالاریفرزندسالاری به مفهوم محور بودن فرزندان در خانواده است. همچنین اصطلاح «فرزندمداری» نیز برای آن به کار رفته است. برای نزدیک شدن به مقصود، می‌توان به واژه‌ها و اصطلاحاتی که به جهت کاربرد درازمدت آنها مفهوم مشخصی دارند اشاره کرد. از جمله اشراف‌سالاری، دیوان‌سالاری، پدرسالاری یا مادرسالاری. واضح است که تحت چنین عناوینی، به اهمیت، نفوذ و نقش اساسی اشراف، دیوان، پدر و یا مادر در عرصه‌های گوناگون نظر داریم و آنها را مدار و محور فعالیت می‌دانیم.۲-۱-۳- تعریف ساختاری فرزندسالاریاگر ساختار را مجموعه‌ی نقش‌ها، نوع رابطه و ترکیب آنها با هم در خانواده بدانیم، درمی‌یابیم که امروزه جایگاه، نقش و مناسبات اعضای

خانواده دچار دگرگونی شده و عناصر آن جایگاه و نقش دیگری پیدا کرده‌اند. همچنین سمت و سوی روابط و سلسله‌مراتب نیز متحول شده‌اند. پیدایش خانواده‌هایی با ساخت هسته‌ای در قرن اخیر، بستر مناسبی را برای فرزندمحوری و فرزندسالاری به وجود آورده است. حال آنکه در گذشته، به علت وجود خانواده‌هایی با ساخت گسترده و تناسب ساخت چنین خانواده‌هایی با ریش‌سفیدسالاری، اصولاً با پدیده‌ی فرزندسالاری روبه‌رو نبوده‌ایم. امروزه در خانواده‌های هسته‌ای، کاهش اقتدار پدر و افزایش حقوق مادر و همچنین همسان پنداشتن فرزندان با بزرگسالان، سنگ بنای مناسب برای پیدایش و رشد فرزندمداری و فرزندمحوری را فراهم کرده است. به طوری که فرزندان دارای اعتبار، ارزش و اهمیت بیشتری در چشم والدین شده‌اند.۲-۱-۴- تعریف کارکردی فرزندسالاریکارکرد عبارت است از وظیفه، نقش، مسئولیت یا عملکرد یک ساختار یا یک هیئت (فُرماسیون) اجتماعی که به عهده‌ی یک فرد، ساختار یا یک نهاد گذاشته شده است. مثلاً مهمترین کارکرد مدرسه عبارت است از تعلیم، تربیت، آموزش و اجتماعی کردن بچه‌ها. کارکرد خانواده تأمین نسل و اجتماعی کردن فرزندان است. خانواده‌ی فرزندسالار دارای کارکردهایی متفاوت از کارکرد خانواده‌هایی از انواع پیشین است. بدیهی است فرآیند مهم و حیاتی اجتماعی شدن، از این پدیده تأثیر می‌پذیرد و شخصیت متناسب با آن شکل می‌گیرد و به‌تدریج نظام ارزشی و هنجاری خانواده و جامعه متحول می شود.۲-۱-۵- تعریف فرزندسالاری در تحقیق حاضرفرزندسالاری ناظر به وضعیتی است که در آن محور و اساس تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و به طور کلی مجموعه‌ی امور خانواده در عرصه‌های مختلف، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، فرزندان باشند.فرزندسالاری در ایران با استقلال فکری، استقلال رفتاری و استقلال اقتصادی منافات دارد، بدین معنی که فرزندان از همه‌ی امتیازات، امکانات و مزایای خانواده برخوردارند، ولی توان تصمیم‌گیری و استقلال رفتاری را ندارند و از حیث اقتصادی هم کاملاًـ به درآمد خانواده‌ی خود وابسته‌اند.۲-۲- پیشینه‌ی تحقیقدر سال ۱۹۶۱، تحقیقی توسط گینزبرگ (Ginzberg) صورت گرفت. گینزبرگ ادعا می کند روش‌های تربیتی فرزندمدارانه زمانی به وجود آمد که نظام ارزشی والدین و رفتار آنها تغییر کرد، شیوه‌ی فکری سنتی و تربیتی متعلق به نسل گذشته کنار گذاشته شد و ارزش‌های تازه و روش‌های تازه بر روابط والدین با فرزندانشان حاکم گردید. به این معنی که فرزندان در نظام تربیتی امروزی به منزله‌ی دوست والدین تلقی می‌شوند؛ روابط بچه‌ها با والدین خیلی صمیمانه‌تر و دوستانه‌تر شده است و همشأن خود آنها محسوب می‌شوند و از منزلت یکسانی با والدین برخوردارند و والدین هم نظرات و خواسته‌های فرزندان را جدی تلقی می کنند. (نقل از مهدوی، ۱۳۸۱)در سال ۱۹۸۳، تحقیقی با عنوان «آیا فرزندان خیلی زودتر به مفهوم خود (Self Concept) دست پیدا می کنند؟» توسط وایت، اشپایزمن و کاستوس (Costos،Speisman،White ، ۱۹۸۳) انجام گرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که:دستیابی به مفهوم «خود» برای فرزندان، ۲ تا ۳ سال زودتر در مقایسه با نسل قبل حاصل می‌شود و خود این دستیابی به مفهوم خود، معلول جدایی و استقلال زودتر و زودهنگام‌تر فرزندان از والدین است. (همان)در سال ۱۹۸۳، تحقیقی با عنوان «تجددطلبی یا فردیت‌طلبی دوران کودکی» توسط «تایهر» صورت گرفت. تایهر می گوید:دوران بچگی تبدیل به دورانی شده است که فرد به‌تنهایی و آن‌طور که خودش دوست دارد، دور از دیگران، کودکی‌اش را می گذراند. بچه‌ها دوست دارند کودکی‌شان را با ابزار مدرن، زندگی مدرن، لباس مدرن و موزیک مدرن طی کنند. بچه‌ها در این سنین با نگرانی و وسواس شدید از طرف والدین خود مراقبت می‌شوند. والدین با وسواس شدیدی مراقب مسائل بهداشتی، تغذیه و رفاه بچه‌ها هستند. این را به اصطلاح «Social Uterus» یا بچه‌هایی که در «رحم اجتماعی» بزرگ می‌شوند یا به تعبیری می‌توان گفت لای پنبه بزرگ می‌شوند و کمتر با محیط و جهان واقعی آن‌طور که هست، روبه‌رو می‌شوند. (نقل از مهدوی ۱۳۸۱)در تحقیق دیگری که در سال ۱۹۸۴ توسط باکسر (Boxer) صورت پذیرفته، آمده است:درگیری والدین باعث می‌شود که بچه‌ها زودتر جدا شوند و این جدایی بهره‌ی مثبتی به نام استقلال دارد، اما بدون تبعات منفی برای فرزندان نیست و این امکان وجود دارد که رشد عاطفی آنها را با اشکالاتی مواجه کند. امروزه این شیوه‌ی تربیتی، یعنی شیوه‌ی تربیتی «فرزندمدارانه» و

«کودک‌مدارانه» بیشتر در بین اقشار متوسط معمول شده است. این روش تربیتی تازه جایگزین روش تربیتی سنتی ــ که مبتنی بر امر و نهی بود ــ شده است. پایه‌ی روش تربیتی فرزندمدارانه و کودک‌محورانه بر این استوار است که «والدین باید با فرزند خود حرف بزنند، برایش وقت بگذارند و با او بحث کنند و قانعش کنند و توضیح بدهند و امر و نهی نکنند.» روش قانع کردن، به علت آنکه مستلزم صرف وقت و انرژی زیاد و نیازمند آگاهی و شناخت وسیع والدین از مسائل مهم تربیتی است، دشوار به نظر می‌رسد و طاقت زیاد والدین را طلب می‌کند. این روش در ایران، برعکس جوامع اروپایی، پیروان چندانی نیافته است. (همان)والدین مایلند که روش تربیتی سنتی را به کار برند، چون خیلی کوتاه است، وقت و انرژی کمتری می‌گیرد و حتی بعضی‌ها هم معتقدند که بازدهی آن بهتر است. اما به هر حال، این شیوه امروزه عملاً کارکرد خود را، حداقل در جوامع غربی، از دست داده و همان روش مبتنی بر توضیح دادن و بحث کردن با بچه و بالابردن آگاهی‌های عمومی فرزندان مقبولیت پیدا کرده است. این شیوه را دوسوان (Deswaan) به‌اختصار «شیوه‌ی تربیتی عبور از مرحله‌ی آمریت و دستوردهی به مرحله‌ی بحث و قانع کردن»، یا به عبارت دیگر «با هم کنار آمدن» نامیده است؛ یعنی امر و نهی والدین و اطاعت فرزند، تبدیل شده است به صحبت کردن با او و قانع کردن‌اش. زیرا امروزه فرزندان می‌توانند از طریق بحث و گفت‌وگو نیازهای خود را ابراز کنند و به خواسته‌های خود نزد والدین مشروعیت و مقبولیت ببخشند. (Teichert، ۱۹۹۰) .«سودریک نیریده بورگ» در کتاب «جوانان در جوامع مدرن» در مقاله‌ای با عنوان «ملاحظاتی در باب موقعیت خانوادگی فرزندان» گفته است:نظام تربیتی امروزی بیشتر متوجه تربیت «شخصیت فرزند» است و به ویژگی‌های شخصیتی بچه‌ها توجه می‌کند و آنها را به رسمیت می‌شناسد. بین والدین و فرزندان اطاعت و زورگویی دیگر جایی ندارد و بچه‌های بزرگتر در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها با والدینشان شریک هستند و «رابطه‌شان با یکدیگر رابطه‌ی کاملاً افقی و دوستانه و صمیمانه است.»یونیس (Youniss) تحقیقی در سال ۱۹۸۵، با عنوان «عوامل مؤثر بر استقلال فکری کودکان» انجام داده و به این نتیجه رسیده است که:استقلال در فکر و اندیشه و رفتار، نتیجه‌ی رابطه‌ی خوب والدین و فرزندان است. به عبارت دیگر، معتقد است اگر رابطه‌ی والدین با بچه‌ها بهتر باشد، بچه‌ها زودتر به استقلال در اندیشه و حتی استقلال در مادیات و زندگی اقتصادی نایل می‌شوند. همچنین در این تحقیق بچه‌ها در پاسخ به سؤال «چگونگی ارزیابی حسن رابطه با والدین» اظهار داشته‌اند که حسن رابطه با والدین چند نکته‌ی مثبت و پرخیر و برکت برای آنها دارد. اولاًـ اینکه اگر رابطه‌شان با والدین خوب باشد، مشکلات اقتصادی‌شان کمتر می‌شود؛ به این معنی که والدین به بچه‌هایی که رابطه‌ی مناسبی با آنها دارند، بهتر کمک می‌کنند و راحت‌تر پول می‌دهند. ثانیاً عدم اطمینان بچه‌ها و نگرانی‌شان از حضور در جامعه و برخورد با مسائل مختلف بسیار کاهش پیدا می‌کند و نهایتاً حمایت‌های معنوی و مادی بیشتری از سوی والدین خود دریافت می‌کنند. با این حال، جوانان ذکر کرده‌اند که در خیلی از مواقع، برقراری رابطه‌ی خوب با والدین امکان ندارد، زیرا انتظاراتی که از بچه‌ها دارند با آنچه که بچه‌ها می‌توانند انجام دهند همیشه بر هم منطبق نیستند. والدین انتظار رفتار دیگری را دارند و بچه‌ها رفتاری را بجز آنچه که مد نظر والدین است از خودشان نشان می‌دهند و از این رو، ضمن اینکه بین والدین و فرزندان تضاد به وجود می‌آید، جدایی فرزندان از والدین هم سریع‌تر صورت می‌پذیرد. جدایی والدین از فرزندان باعث استقلال زودتر فرزندان می‌شود. (نقل از مهدوی، ۱۳۸۱)در سال ۱۹۸۸، تحقیقی در این زمینه توسط هوفمان (Hofmann) انجام شد که خلاصه‌ی تحقیق از این قرار است:خانواده‌ها بسیاری از رفتارهایشان را در جهت هماهنگی با رفتارهای بچه‌ها در مدرسه اصلاح کرده‌اند. نوجوانان امروزه خودشان زندگی اجتماعی‌شان را برنامه‌ریزی می‌کنند، در حالی که برنامه‌ریزی زندگی بچه‌ها در نظام تربیتی گذشته و در سال‌های قبل توسط والدین انجام می‌شد. (تیفکر، ۱۹۹۰)در مطالعه‌ی فند (Fend، ۱۹۸۸) نشان داده می‌شود که:قلمرو تصمیم‌گیری والدین روزبه‌روز در خانواده‌های فرزندمدار و فرزندمحور کاهش و قلمرو تصمیم‌گیری فرزندان افزایش پیدا می‌کند، یا بهتر است بگوییم که کنترل‌های خانوادگی و والدین روی بچه‌ها کاهش پیدا می‌کند، به طوری که مثلاًـ ساعت خواب و میزان تماشای تلویزیون را والدین تعیین نمی‌کنند، بلکه این خود

بچه‌ها هستند که تصمیم می‌گیرند چه ساعتی بخوابند، چند ساعت تلویزیون تماشا کنند و با کی رفت و آمد داشته باشند. در این خانواده‌ها انتظار والدین از بچه‌ها و همچنین خواسته‌ی عاطفی آنها از بچه‌ها در یک امر خلاصه می‌شود و آن این است که درس بخوانند و رفتار بچه‌های تربیت‌شده و باتشخص را از خود نشان دهند. در این نوع خانواده‌ها والدین فشار زیادی را بر خود می‌آورند تا کارآیی خودشان را بالا ببرند و دائماً در زندگی با نگرانی و ترس و دلهره دست به گریبان‌اند. (نقل از مهدوی، ۱۳۸۱)گرهارد (Gerhard، ۱۹۸۸) در یک بررسی با عنوان «روش‌های ابراز و اظهار عواطف» به این نتیجه رسیده است که:امروزه بچه‌ها حق دارند و می‌توانند عواطفشان را اظهار و ابراز کنند، در حالی که در نظام تربیتی سنتی بچه‌ها اجازه نداشتند که عواطف درونی و امیال باطنی‌شان را آن‌طوری که هست، ابراز کنند و بایستی حریم‌ها و حجاب‌ها را نگه می‌داشتند. بچه‌ها برای بیان یک مطلب باید فکر می‌کردند که آیا مجاز به مطرح کردن آن مطلب هستند و اگر مجاز هستند چگونه باید آن را بیان کنند، ولی امروزه خیلی بی‌پرده و صریح خواسته‌ها و تمایلات خود را ابراز می‌کنند. روابط والدین و فرزندان در دهه‌های اخیر از حالت رسمی بودن بیرون آمده است و فرزندان کاملاً بی‌پرده عواطف و احساسات خود را در مقابل والدین بروز می‌دهند. (همان)گینزبرگ (Ginzberg) در مقاله‌ای با عنوان «ارزش‌ها و ایده‌آل‌های جوانان امریکایی» اظهار می‌دارد:والدین تحمل زیادی در برابر خواسته‌ها و تمایلات فرزندان از خود نشان می‌دهند؛ به این معنا که اجازه می‌دهند فرزندانشان با آزادی کامل حرف‌های دل خودشان را بیان کنند. (همان)یکی دیگر از مشخصه‌های خانواده‌های فرزندمدار به نظر گینزبرگ این است که:نوع تنبیهات به‌کلی تغییر یافته و به جای تنبیه بدنی سعی شده است که با نرمی و آرامش و حوصله صحبت شود و آنها را به وجدان و باطن خودشان ارجاع دهند و از آنها بخواهند که خودشان درباره‌ی این موضوع بیندیشند و سعی کنند که راه صحیح و درست را برگزینند. به طور کلی، می‌توان گفت که امروزه الگوهای تربیتی سنتی که رکن اصلی‌اش تربیت استبدادی و نظام تربیتی مستبدانه بود و اطاعت و فرودستی را از بچه‌ها طلب می‌کرد، به‌کلی دگرگون شده و جایش را به شیوه‌ی تربیتی مدرن داده است. (همان)شولاین (Schulein ،۱۹۹۰) در تحقیق خود اظهار می‌دارد که:هر چقدر فرزندمحوری افزایش می‌یابد، به تبع آن نگرانی و ترس والدین و بخصوص مادران هم در مورد بچه‌ها مرتباً زیاد می‌شود.در سال ۱۹۹۱، انگفر (Engfer) ضمن تحقیقی در این زمینه می‌گوید:الگوهای تربیتی لیبرالیستی یا الگوهای تربیتی به اصطلاح مدرن، مبتنی است بر رد تنبیه جسمی کودک، یعنی که بچه را نباید کتک زد. در حال که در قدیم تنبیه را جزء اصول و پایه‌های تربیتی می‌دانستند و معتقد بودند که اگر می‌خواهند بچه‌ای سالم تربیت شود و درست پرورش پیدا کند، حتماً باید کتک بخورد تا آدم شود. کتک زدن فرزندان جزء اصول و ارکان نظام تربیتی گذشته بود. در حالی که امروزه اعتقاد دارند بچه نباید تنبیه جسمی شود و کتک بخورد. این کتک خوردن دارای تبعات منفی، مضر و حتی خطرناکی برای بچه‌هاست. یکی دیگر از وجوه امروزین نظام تعلیم و تربیت «اگالیتاریسم» یعنی برابری زن با مرد و برابری خردسال و کودک با بزرگسال است. در نظام تربیتی گذشته زن با مرد فرق می‌کرد، یعنی مردها کاملاً برتر و مهمتر بودند و جنس برتر را تشکیل می‌دادند و بزرگسالان با کودکان برابر نبودند و کودکان ارزش مساوی با بزرگسالان نداشتند. در این مورد برخی از جامعه‌شناسان می‌گویند کاهش موالید باعث شد که بچه‌ها اهمیت پیدا کنند و خود این اهمیت پیدا کردنشان در به وجود آمدن نظام فرزندمحورانه مؤثر بوده است. (همان)نیسن (Nissen، ۱۹۹۳) رودیکر (Rudiger) و پایکرت (Peuchert) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده‌اند که:زندگی بچه‌ها بیش از پیش از زندگی در خیابان و معابر عمومی و بازی با همسالان به زندگی در چارچوب آپارتمان یا فضای بسته‌ی نیمه‌عمومی مانند اتحادیه و باشگاه محدود می‌شود. آنها این امر را با عنوان «کودکی محصور در آپارتمان» یا «آپارتمانی کردن کودکان» نامیده‌اند. یکی از ویژگی‌های خانواده‌های فرزندمدار مرتب کردن اتاق توسط مادر یا خدمتکار است و بچه‌ها نقشی در مرتب کردن اتاق خودشان ندارند. یکی دیگر از مشخصات خانواده‌های فرزندمحور این است که بچه‌ها دارای وسایل سمعی ـ بصری از قبیل ویدئو، تلویزیون، ضبط، واکمن و چیزهای اختصاصی دیگر هستند. خلاصه اینکه والدین بچه‌ها را بسیار

حمایت می‌کنند و بچه‌ها مسئولیت کمتری در امور خانه دارند. (شل، ۱۹۹۳)... در خانواده‌های فرزندمدار هر کدام از بچه‌ها دارای یک اتاق جداگانه و خاص خودشان هستند. (فوکس و بخنر،۱۹۹۸)از دیگر مشخصه‌های خانواده‌های فرزندمدار این است که بچه‌ها از بیشترین امکانات رفاهی خانواده برخوردارند. روی این نکته هم کافمن (Kaufmann) خیلی تأکید می‌کند:در این‌گونه خانواده‌های فرزندمحور، بچه‌ها بسیار حمایت می‌شوند، در حالی که مسئولیتی که بچه‌ها در خانواده و در قبال این‌همه حمایت به عهده می‌گیرند بسیار کم است و بالاخره اینکه انتظار این بچه‌ها از والدین روزبه‌روز بیشتر می‌شود و انتظار والدین از آنها کمتر. (نقل از مهدوی، ۱۳۸۱)امروزه شیوه‌ی تربیتی والدین به صورتی است که بچه‌ها زودتر استقلال پیدا می‌کنند و روی پاهای خودشان می‌ایستند و این استقلال هم از جهت رفتاری و هم از جهت اقتصادی و هم از جهت فکری است. (آلساکر، ۱۹۹۵)در سال ۱۹۹۸، برترام (Bertram) تحقیقی در این زمینه انجام داد. او معتقد است که:رابطه‌ی پسر با مادرش به نوعی مناسبات دوستانه تبدیل شده است، بالعکس روابط پدر ـ پسر خیلی پر زد و خورد و پر کشمکش است و به همین جهت یکی از ویژگی‌های نظام فرزندمحور این است که نقش‌هایی که به عهده‌ی پدر بود کم‌کم به عهده‌ی مادر گذاشته می‌شود. اکنون خیلی از نقش‌های تربیتی به عهده‌ی مادر گذاشته شده است. یکی دیگر از مشخصه‌های نظام فرزندمحور اصرار خانواده‌ها برای هماهنگ کردن رفتار و ارزش‌های درون خانوادگی‌شان با ایجابات و الزامات نظام تربیتی و رفتاری مدرن است. به این معنی که خانواده‌ها می‌خواهند هر طوری که شده حتماً نظام تربیتی و رفتاری خانواده را با مدرسه هماهنگ کنند. به همین دلیل، تغییرات شگرفی در نحوه‌ی رفتار والدین با فرزندان به وجود آمده است. (همان)مثلاً مدرسه امروزه به عنوان یکی از ارکان تربیتی مدرن فرزندان مطرح است که در گذشته وجود نداشت. خانواده‌ها برای آنکه فرزندانشان طبق برنامه‌های مدرسه انجام تکلیف کنند و از عهده‌ی امتحانات برآیند، رفت‌وآمدهای خود را محدود می‌کنند، بچه را از کار در منزل معاف می‌کنند تا او به درسش برسد و برایش سرویس می‌گیرند که راحت‌تر به مدرسه برود و برگردد. به این ترتیب با غیبت پدر از منزل برای تأمین مخارج مدرسه، سرویس و چیزهای دیگر، مادر به جای پدر ایفای نقش می‌کند و بعضی وظایف مربوط به فرزند را به جای او انجام می‌دهد. رودیکر یکی دیگر از ویژگی‌های خانواده‌ی فرزندمحور را چنین بیان می‌کند:بین والدین و فرزندان توازن قدرت برقرار است. یعنی اینکه قدرت والدین و عرصه‌ی تصمیم‌گیری آنها کاهش پیدا کرده و سهم بچه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها افزایش یافته است و بنابراین والدین تنها افرادی نیستند که در خانواده تصمیم می‌گیرند. مدرنیسم و به طور کلی زندگی جدید، با همه‌ی پیچیدگی و با همه‌ی عناصر سازنده‌اش، باعث شده است که مناسبات زندگی و نظام ارزشی عوض شود و این تغییر مناسبات زندگی و نظام ارزشی باعث شده که زندگی جوانان و نوجوانان در داخل خانواده هم دستخوش تحول و تغییر بشود.تینکر معتقد است که امروزه اغلب جوانان و نوجوانان در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند و در شهرهای مدرن نیاز به مسکن مستقل دارند. شهر تکه‌تکه شده است و در آن قلمروهای مستقلی وجود دارد، مانند محلات مسکونی، تجاری، اداری، تفریحی و ...و این تقطیع و تفکیک شهر، قلمروها و عرصه‌های زندگی شهری باعث تقطیع زندگی جوانان شده است.این دگرگونی، تأثیر قابل ملاحظه‌ای را روی دگرگون شدن انتظارات بچه‌ها داشته و این دگرگون شدن انتظارات بچه‌ها اثر مستقیم روی انتظاراتشان از والدین گذاشته است. (همان)۲-۳- تئوری‌های تحقیقدر تحقیق حاضر، بررسی جامعه‌شناختی پدیده‌ی فرزندسالاری مد نظر بوده است، اما این موضوع هم مانند موضوعات دیگر مورد مطالعه‌ی جامعه‌شناسی به گونه‌ای است که نمی‌توان دقیقاً حوزه‌ی مطالعه را ــ بیشتر روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی بودن آن ــ مشخص کرد. از طرف دیگر، بر اساس مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده در خصوص زمینه و سوابق مطالعات موضوع، تاکنون پژوهشی درباره‌ی این پدیده به روش علمی و به طور خاص در جامعه‌شناسی صورت نگرفته است. از این رو، مناسب دیده شد که با استفاده از رویکردها و مباحث تئوریک هر دو حوزه ــ روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ــ به تبیین و توضیح مسئله پرداخته شود. بنابراین، با توجه به تعاریف فوق، سعی شده است تا بر اساس نظریه‌ها و مطالعات و فرضیات به‌دست‌آمده گامی در جهت سنجش موضوع برداشته شود.۲-۳-۱- نظریه‌های

جامعه‌شناسیهمان‌طور که قبلاً هم ذکر شد، «تغییر» شرط اساسی حیات اجتماعی است. اما تغییر، که با «نظم» دو وجه یک شبکه تلقی می شوند، با تبدیل شدن به یکدیگر و داشتن کارکردهای مناسب، در جهت فراهم ساختن شرایط مطلوب برای توسعه عمل می کنند.در نظامی که به‌تازگی در آن تغییراتی صورت گرفته است، آشفتگی حداقل به صورت دوره‌ای دیده می‌شود. با این حال، بدیهی است اگر تغییرات ایجادشده در هر نظام اجتماعی، در جهت رفع اشکال و انجام اصلاحات و معطوف به نظمی عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد، توسعه حاصل خواهد شد، در غیر این صورت چیزی جز اختلال و سوء کارکرد نخواهیم داشت. اما کنترل و حصول نظم چگونه ممکن است؟جاناتان ترنر معتقد است که:به منظور یافتن پاسخ این سؤال باید شیوه‌ی ایفای نقش مردم برای حصول کنش متقابل و همکاری را مشخص کرد. مردم باید به آنچه درست و نادرست یا ویژه و غیر ویژه است برسند. سؤال اینجاست که چگونه باید به توافق دست یابند.ترنر اضافه می‌کند:بر اساس نظریه‌ی کنش متقابل، نظم اجتماعی به واسطه‌ی فرآیندهای غیررسمی بین اشخاص ناشی می‌شود. (۲-۳-۲(Turner, ۱۹۹۴- نظریه‌ی کنش متقابل نظریه‌ی کنش متقابل مبتنی است بر یک اصل طبیعی و آن این است که: «انسان موجودی است اجتماعی.» یعنی ناگزیر از زندگی دسته‌جمعی است، و بین انسان‌هایی که به طور دسته‌جمعی زندگی می‌کنند قطعاً روابط و مناسباتی وجود دارد. جامعه‌شناسان به این روابط و مناسبات که همیشه وجود دارند، «کنش متقابل» (interaction) می‌گویند. یکی از فرایندهای حیاتی در کنش متقابل، اجتماعی شدن است. منظور از اجتماعی شدن آن است که افراد یاد بگیرند چگونه در موقعیت‌های متفاوت رفتار کنند که رفتارشان با نُرم‌های اجتماعی مطابقت داشته باشد و نابهنجار تلقی نشود. فرد در موقعیت‌های متفاوت رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهد. او وقتی در مقابل فرزند خود قرار می‌گیرد به عنوان یک پدر طرز رفتار خاصی دارد و وقتی به عنوان یک فرزند در مقابل والدین خود قرار بگیرد طرز برخورد دیگری دارد. نظریه‌ی کنش متقابل چگونگی این برخوردها و مناسبات را تعیین می‌کند و به فرد می‌گوید که در فلان شرایط چطور باید رفتار کند.گفتیم که انسان موجودی اجتماعی است. لازمه‌ی حفظ حیات اجتماعی، وجود هنجارها و ارزش‌ها و باورهای مشترک بین افراد یک اجتماع است. اگر یک رفتار خاص برای هر یک از افراد جامعه‌ی ما معانی مختلفی داشته باشد، وارد وضعیتی می‌شویم که معیاری برای سنجش رفتار و انتظارات خود نداریم و هیچ دستورالعملی در رابطه با چگونگی رفتار با یکدیگر نمی‌یابیم. مثلاً- فرض کنیم عده‌ای در یک اتاق نشسته باشند. وقتی انسان محترمی وارد می‌شود افراد می‌ایستند و همه می‌دانند که اگر کسی نایستد قصد بی‌حرمتی داشته است. به این ترتیب، ایستادن در جامعه‌ی ما یک هنجار و یک الگوی رفتاری است که احترام را نشان می‌دهد. اگر چنین قراردادهایی در یک جامعه نباشد افراد دچار سردرگمی می‌شوند و مثلاً با ورود استاد به کلاس بعضی می ایستند، بعضی می‌نشینند، بعضی (مثل ژاپنی‌ها) تعظیم می‌کنند و بعضی (همچنان که در اروپا مرسوم است) روی میز می‌کوبند. به این ترتیب، مشخص می‌شود که توافق بر حداقلی از ارزش‌ها و هنجارها لازمه‌ی حفظ زندگی اجتماعی از سردرگمی و ازهم‌پاشیدگی است. با این حال، ذهن انسان، یگانه مبنای ارزش‌های جامعه‌ای که در آن رشد می‌یابد نیست، بلکه انسان‌ها این توانایی ذهنی را دارند که پیوسته خود را با یکدیگر و موقعیت موجود تطبیق دهند و به این ترتیب معنای یک ارزش یا هنجار خاص را دریابند.حال فرایند تطبیق معانی و ارزش‌ها را در روابط و مناسبات خانواده در نظر می‌گیریم. اگر انعطاف‌پذیریِ مقولات ذهنی و فرایند تطابق معانی از طرف والدین باشد، یک جریان یک‌سویه حاصل خواهد شد که در آن فرزندان شکل‌دهنده‌ی معانی و مقولات ذهنی والدین خواهند بود. به این ترتیب، می‌بینیم که امروزه در فرایند شکل دادن معانی، فرزندان بیشتر فاعل هستند و والدین مفعول. به این معنی که امروزه فرزندان بیشتر از گذشته بر ارزش‌ها، هنجارها و الگوها و معیارهای ذهنی والدین تأثیر می‌گذارند و کمتر از سابق از ارزش‌های آنان الگو می‌پذیرند.جامعه‌شناسان معتقدند بچه در سنین کودکی بین خود و عروسکش، خود و مادرش، خود و اشیای اطرافش تمایز قائل نیست و همه‌ی اطرافش را جزئی از خود می‌بیند. بچه وقتی تصوری از خود به دست می‌آورد که خودِ مستقل را بشناسد و مهمترین کارکرد اجتماع، دادن تصویر خود به فرد است. مثلاً پدر یک خانواده،

پـدر بودن را بخشـی از خودِ خویش می‌دانـد. اینکه او پـدر است و چه پـدری است، تصویری است که خـانواده‌اش به دنبال رفتار و مناسبات او با آنان به او می‌دهـد؛ یعنی او نمی‌توانـد به‌تنهایی پدر باشد. با این مثال، مشـخص می‌شود که دیگران در شـکل گرفتن خود فرد مؤثرند.اما نکته‌ای که می‌توان در اینجا مطرح کرد که وضوح بیشتری به بحث ببخشد، مفهوم «خودِ آینه‌سان» چارلز هورتن کولی است. منظور کولی از خود آینه‌سـان همـان ظرفیـتی است که انسـان دارد تـا خود خویش را به گونه‌ای بنگرد که هر پدیـده‌ی اجتماعی دیگر را می‌بیند. این مفهوم را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:۱. این تصور که در ذهن دیگران چگونه ظاهر می‌شویم؛۲. این تصور که آنها درباره‌ی ظاهر ما چه قضاوتی می‌توانند داشته باشند؛۳. اینکه در نتیجه‌ی تصوری که از قضاوت دیگران درباره‌ی خـود داریم، احساسـی از غرور یـا سـرافکندگی را دربـاره‌ی خـویش می‌پرورانیم. (همـان، ۲۸۸)بنـابراین، هرگاه فرزنـدان در فرایند کنش‌های متقابل، احساس کنند که والدین و به طور کلی دیگران، جایگاهی بیش از حد لازم برای آنان قائلند، آن‌گاه بر اساس آن نوع تصویری که دیگران از آنان به دست می‌دهند، عمل خواهند کرد.در مناسـبات بین افراد همیشه کسانی هسـتند که هنجارفرسـت هسـتند: طرز لباس پوشیدن، تکیه‌کلام‌ها و عقاید این افراد روی بقیه تأثیر دارد؛ مثل هنرپیشه‌های بنام، ورزشکاران یا بعضی دوستان. این افراد توانایی آن را دارنـد که رفتارهای خود را برای دیگران الگوی رفتاری کنند. استرایکر نیز که از نظریه‌پردازان کنش متقابل است می افزایـد که انسان‌هـا از طریق کنش متقابـل یـاد می‌گیرنـد که دیگران انتظـار چه نوع رفتاری از آنان را دارنـد. تصویری که دیگران از فرد به او می‌دهنـد، بر کنش‌هـای او تأثیر می‌گـذارد. هرگاه فرزنـدان طی فراینـدهای کنش متقابل احساس کننـد والـدین جایگـاهی بیش از پیش برای آنـان قائلنـد، بر اساس همان نوع تصویر که به او می‌دهنـد عمل خواهنـد کرد.با نگرش هابزی می‌توان گفت انسان موجودی است که زیر سـلطه‌ی امیال پایان‌ناپـذیرش قرار دارد، لـذا نیازمند نظم بخشـیدن و کنترل امیال خویشـتن است. تعلیم و تربیت یعنی آمـوختن اطـاعت از انضـباط. (آرون، ۸۶-۸۲)بـدیهی است که عـدم اطاعت از قواعـد و عدم کنترل امیال، به از دسـت رفتـن نظـم جـامعه منجر خواهـد شـد.ویلفر دو پـارتو () در طبقه‌بنـدی عواطـف دو دسـته عواطـف را مطرح می‌کنـد:۱. خویشتن‌پرستی؛۲. جامعه‌پـذیری. (نوروزی، ۲۹)سـازش و اعتـدال میـان عواطف خویشتن‌پرسـتانه و خیر مشترک، نفع جمعی یـا رفاه عامه، لازمه‌ی حفظ حیات اجتماعی است. فرد اصولاً مایل به ارضای نیازهای خود است و لـذت را مورد توجه قرار می‌دهد. لذا اگر نظـارت و کنترلی بر رفتـار فرد نباشـد، یا بر عکس، کنش‌های متقابل اجتماعی به گونه‌ای باشـند که فرد را در توجه بیشتر به امیال و لـذات ترغیب کننـد، یـا آنها را برای او مشروع جلوه‌گر نماینـد، بـدیهی است که تعادل لازم میان این عواطف از دست می‌رود و با نوعی خویشـتن‌پرستی جـایگزین می‌شود.زیمـل در بحث درباره‌ی فرهنگ نوین آورده است:تعـداد حلقه‌های تعلقات خانوادگی فردِ نوین، از تعـداد حلقه‌های فعالیت‌های شـغلی و مذهبی او جدایند. به این معنا که هر فرد در شـبکه‌ای از حلقه‌های به‌هم‌متصل زندگی می‌کنـد. روابـط او بـا گروهـای مختلف، او را به آنان پیونـد می‌دهـد. در گذشـته این حلقه‌ها برای هر فرد فقط به یک نوع محـدود می‌شـد و آن نـوع هـم حلقه‌هـای خویشاونـدی بـود. فرد بین خویشاونـدان بزرگ می‌شـد، به مـدرسه، باشـگاه یـا کلاس‌هـای زبـان نمی‌رفت، نزد پدر حرفه‌ی او را می‌آموخت و کار آبا و اجدادی خود را پیش می‌گرفت. یعنی همکار و دوست و آشنای او خویشان او بودنـد، و در نهایت بین خویشاوندان خود ازدواج می کرد. امروزه، با گذشت زمان، حلقه‌های فعالیت‌های فرد در گروه‌های دیگر (مدرسه، دانشـگاه و...) نیز منشـعب شده است. و وابسـتگی چندگانه به انواع حلقه‌های اجتماعی به خودآگاهی بیشتر فرد منجر شده است. همین که فرد از حلقه‌ی کوچکی که شخصـیتش را در چهـارچوب محـدوده‌هایش اسیر کرده است رهایی می‌یابـد، یک نوع رهایی را درک می‌کنـد. انشـعاب حلقه‌های تعلق گروهی، یک نوع احساس یاری شـدن و آزادی را بیـدار می‌سازد. وجود شـبکه‌ی حلقه‌های اجتماعی، پیش‌شـرط پیـدایش فردگرایی است. (کوزر، ۱۳۶۸، صص ۲۶۴-۲۶۳)در جهان نوین، صورت‌های فرمانـدهی و فرمانبری نیز خصلت تازه‌ای به خود می‌گیرند. در اینجا دیگر هیچ فردی تحت چیرگی تام دیگران درنمی‌آید. فرزندان با عضویت و پیوسـتن به گروه‌هـای متعـدد دیگر، و بالاـ رفتن آگاهی‌هایشـان، از حلقه‌ی خـانواده و والـدین و تسـلط آن قـدری رهـایی می‌یابنـد.

اینجاست که نقش حلقه‌های دیگر در چگونگی کنش‌ها و شکل دادن مناسبات از اهمیت برخوردار می‌شود.تورشتاین وبلن که به بحث کالبدشکافی عادات فکری و شیوه‌های رفتار حاکم بر روابط کنشگران اجتماعی می‌پردازد، در مورد سرچشمه‌های اجتماعی رقابت در امور بشری می گوید:حرمت نفس (Self-esteem) همان بازتاب حرمتی است که دیگران برای انسان قائل می‌شوند. از این رو، اگر فرد به خاطر عدم توفیق در رقابت‌های مورد پسند جامعه، چنین حرمتی را به دست نیاورد، از فقدان حرمت نفس رنج خواهد برد. وبلن ریشه‌ی انگیزه‌ی تلاش وقفه‌ناپذیر در یک فرهنگ رقابت‌آمیز را، هراس فرد در از دست دادن حرمت نفس می‌داند. (کوزر، ۱۳۶۸، ص ۱۳۶۱)اگر فرد از سطح استاندارد لیاقت یا مالکیت‌های مادی پذیرفته‌شده در جامعه‌ی خود کم بیاورد، در چشم اعضای دیگر اجتماع احترامش را از دست می‌دهد و در احترام به خودش نیز دچار کمبود می‌شود، زیرا مبنای معمولی احترام به نفس، همان احترامی است که دیگران برای او قائل می‌شوند. مثلاً اگر خانمی دائم به شوهرش بگوید که «تو عرضه نداری پول دربیاری... فلانی را نگاه کن ببین چقدر زرنگه... تو نمی‌تونی...»، مرد نه‌تنها احترام خود را نزد دیگران از دست می‌دهد، بلکه خودش هم رفته‌رفته به این باور می‌رسد که بی‌لیاقت است و در احترام به خود نیز دچار کمبود می‌شود. بدین ترتیب، هرگاه که تملک دارایی مبنای حرمت همگانی می‌شود، ثروت رضایت خاطری برای دارنده‌ی آن ایجاد می‌کند که همان احترام به نفس خوانده می‌شود. در یک فرهنگ رقابتی که انسان‌ها ارزش خود را در مقایسه با ارزش دیگران می‌سنجند، هر کس پیوسته در تلاش است که از دیگران پیشی بگیرد تا از نظر ارزشمند بودن از دیگران کم نیاورد و تب چشم و همچشمی همگان را فرا می گیرد. به نظر وبلن:مصرف چشمگیر، تن‌آسایی چشمگیر و نمایش چشمگیر و وجود مقام‌ها، ارزش‌ها و وسایلی که عنوان بلندپایگی را با خود دارند، وسایلی هستند که انسان‌ها با آنها می کوشند تا در چشم اطرافیانشان برتر جلوه کنند و در ضمن برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل می‌شوند. (همان، ۳۶۲)اعضای هر قشری طرح زندگی قشر بالاتر از خود را سرمشق قرار می‌دهند و با تمام توان می کوشند تا آن‌گونه زندگی کنند. گرچه طبقه‌ی فقیر در جامعه‌ی نوین از نظر مادی در موقعیت بهتری نسبت به گذشتگان خود قرار دارد، اما جایگاهی که ثروت به طبقات بالاتر داده، موجب شده است که رنجی که فقرا امروزه می‌برند به مراتب بیشتر از رنجی باشد که گذشتگان می‌بردند.در واقع وبلن به محرومیت نسبی توجه کرده و قصد طرح آن را داشته است. به زعم وبلن:آنچه که انسان امروزی را به جنبش وامی‌دارد، وابستگی او به پس‌انداز و داد و ستد نیست، بلکه میل به پیشی گرفتن از دیگران، او را به تکاپو وامی‌دارد. (همان، ص ۳۶۳)تلاش انسان برای رهایی از محرومیت، بر چگونگی شکل‌گیری معانی و مناسبات و روابط (کنش متقابل) تأثیر قابل توجهی می گذارد. وقتی یک رفتار یا طرز تفکر تبدیل به ارزش شود، افراد برای دستیابی به این ارزش جدید حاضرند هزینه‌های متفاوتی را متحمل شوند و حتی دست به تغییرات اساسی در خانواده (ساختاری و نقشی) بزنند. مثلاً در گذشته فرزند و مخصوصاً پسر به منزله‌ی نان‌آور بود، چه کشاورز و دامدار و چه کاسب. پسرها از بچگی نزد پدر کار می کردند و اصولاً اینکه بچه‌ای برای خانواده‌ی خود خرج داشته باشد پذیرفته نبود. از نظر همه، بچه نیروی کار خانواده بود و بچه‌ای خوب بود که بیشتر کار کند. اما امروزه والدین حاضرند برای اینکه فرزندانشان ادامه‌ی تحصیل دهند، فشار مالی زیادی را متحمل شوند و مادر در خارج از منزل مشغول به کار شود تا از هزینه‌ی کلاس زبان بچه‌ها گرفته تا دیگر هزینه‌های بالای کلاس‌های کنکور آنان تأمین شود و در صورت امکان، او را به خارج بفرستند.۲-۳-۳- گروه مرجعبین گروه‌هایی که شخص به آنها تعلق دارد، برخی مهم‌تر از دیگر گروه‌ها هستند. اینها گروه‌هایی هستند که فرد هویت خود را بر اساس آن گروه تعریف می‌کند و معیارهای رفتاری خود را از آن گروه اخذ می کند، و به اعتبار همین تعریف است که پنداشت از خود در افراد شکل می‌گیرد.گروه‌های مرجع آنهایی هستند که فرد معیارهای آنها را به عنوان مبنای نیات مهم زندگی‌اش ارزیابی کند. (جابری، ۱۳۷۵، ص ۱۳)تصور کنید فردی با گروه همسالان خود در دانشگاه که همه تلفن همراه دارند خیلی انس گرفته است و اوقات فراغت خود را با آنان می‌گذراند. و در واقع این گروه را گروه مرجع خود کرده است. به این ترتیب، داشتن تلفن همراه برای او نیز مهم خواهد بود.همچنین از نظر مِرتن:انسان‌ها

معیارهـای دیگرانِ مهم را به منزله‌ی مبنای ارزیابی از خود به کار می‌برنـد. (همان)در اینجا بایـد اشاره کرد:چنانچه خانواده کارکرد کمتری در اجتماع داشته باشد، گروه همسالان نیرومندتر می‌شود و جای خانواده را پر می‌کند. (همان)به بیان دیگر، هر گاه و به هر نسبت فرد گروه مرجع و دیگرانِ مهم خارج از خانواده داشته باشد و در عین حال خانواده کارکرد خود را حفظ کند، حلقه‌ی اتصال و پیوستگی میان فرد با خانواده سست‌تر و با دیگر گروه‌ها محکم‌تر می‌شود.در این خصوص باید گفت:والدینی در اجتماعی کردن موفق بوده‌انـد که فرزنـدانی هم‌جهت بـا ارزش‌هـای خـود تربیت کرده باشـند. در صورت عـدم موفقیت والـدین، می‌توان گفت که فرزندان آنها در جریان نسل‌ها به جایی رسیده‌اند که با ارزش‌های آنان همسو نبوده است. (جابری، ۱۳۷۵)در خصوص گروه مرجع و دیگرانِ مهم، به نکته‌ی دیگری می‌توان اشاره کرد. افراد حساس هنگامی احساس ارزشـمندی می‌کنند که ارزیابی دیگران از آنان مثبت باشد، یعنی انعکاس ارزیابی دیگران، احساس ارزشمند بودن را در آنان بیافرینند. مثلاً اگر دیگران یک جایگاه بالای اجتماعی (مثلاًـ مـدیرکل یـک وزارتخانه) را در حـد توان و لیاقت او ارزیابی کننـد، بر اساس ارزیابی مـذکور، او نیز ارزیابی مثبت از خود را توسعه خواهد داد و بدین‌گونه شـخص متقاعد می‌شود که او واقعاً سزاوار کسب آن موضع اجتماعی مساعد بوده است و آن را حق خود می‌پندارد. (جابری، ۱۳۷۵)۲-۳-۴- نظریه‌ی نقش سنتی مادران (Mothers Traditional Role Theory)بر اساس این نظریـه، هر چقـدر مـادران وقت بیشـتری در منزل بـه سـر ببرنـد، بر آینـده‌ی فرزنـدان تـأثیر بیشـتری خواهنـد داشـت. (جـابری، ۱۳۷۵).همچنین میزان رابطه‌ی اجتماعی والـدین با کودک، بویژه مادر، در جهت‌گیری ارزشـی آنها مؤثر است. بدین ترتیب، مادران شاغـل تأثیر کمتری بر فرزنـدان خود دارنـد. به عبارت دیگر، هنگامی که مادر با عـدم حضور خود در منزل نقش خود را در فرآیند اجتماع‌پذیری فرزندان از دست می‌دهد، عاملان دیگر این نقش را ایفا می‌کنند و کارکرد خود را دارند. از این رو، هر چه والدین و فرزنـدان وقت بیشتری را در برقراری رابطه‌ی اجتماعی و صـحبت با یکـدیگر صـرف کننـد، نفوذ خانواده بر کودک بیشتر می‌شود و والـدین قـابلیت کنترل بیشتری بر نفوذ خود پیـدا می‌کننـد:از این نظر، مـادرانی که در خـارج از منزل کـار می‌کننـد، نفوذ کمتری بر کودکان خود دارند، زیرا کودک ـ بویژه در دوره‌ی رو به جوانی ـ نیاز بیشتری به ارتباط با والدین خود دارد و این در حالی اسـت که مـادر خـارج از منزل در بـازار کـار مشارکت دارد. (جابری، ۱۳۷۵)گروهی دیگر از صـاحب‌نظران آورده‌انـد که:مشارکت بیشتر مـادران در بـازار کـار، بـه منزلـه‌ی وقت کمـتر برای حضـور در منزل، بـه معنـای بی ثبـاتی بیشـتر در جامعه‌پـذیری کودکـان اسـت. (همان)اگر فرزنـدان به اولیایشان احساس نزدیکی نکننـد و آنها را محرم راز خود ندانند، اگر والـدین قادر نباشـند که بر کار بچه‌ها نظـارت داشـته باشـند، نفوذ والـدین تحلیـل خواهـد رفت. والـدینی که ساعت‌ها بیرون منزل به سر می‌برنـد، وقت کمتری را صـرف فرزنـدان می‌کننـد و اقتـدارشان در منزل و تسلطشان بر فرزنـدان زیر سؤال می‌رود. (ATONEETAL, ۱۹۹۱, p.۳۱۱)بنابراین، از آنجا که کیفیت روابط والدین ـ فرزندان عامل اصلی تعیین موفقیت فرزندان است، از این رو باید به منابع اجتماعی، یعنی جو عاطفی یـا جو اجتماعی و نحوه‌ی ارتباط و طرز برخورد افراد یک خانواده با هم توجه کرد.در این خصوص می‌توان اشاره کرد که:نظر افراد خـانواده نسـبت به هم، احساسـات و علاقه‌ی آنهـا به یکـدیگر، دخـالت یا عـدم دخالت آنها در کارهای هم و همکاری یا رقابت با همـدیگر است که نحوه‌ی ارتباطشان را نشان می‌دهـد. (جابری، ۱۳۷۵، صص ۹۷-۹۶)۲-۳-۵- شخصـیت در نظام کنشطبق نظریه‌ی آدلر:کودکان نازپرورده مردمانی می‌شوند مستبد و خودرأی، با حس اجتماعی پرورش‌نیافته و رشدنکرده. این افراد انتظار دارند که اجتمـاع خود را بـا خواهش‌هـای خودپسندانه‌ی آنها موافق کنـد و سازش دهـد. (همان، ص ۴۱۱)بـدیهی اسـت فردی که در دوران جامعه‌پـذیری و در خـانواده، پیوسـته نیازهـایش ارضا شـده باشـد، چنین تصور و انتظار دارد که والـدین نیز آن‌طور که او می‌خواهد باشند و به تعبیر دیگر، ابزاری در جهت تأمین منافع او باشند.نکته‌ی دیگری که باید در خصوص تعلیم و تربیت به آن اشاره کرد این است که آ. ساپتکو معتقـد است:کودکِ خانواده بهتر است منحصـربه‌فرد نباشد، چرا که خیلی زود مرکز توجه خانواده می‌شود... در خانواده‌ای که چنـد کودک وجود دارنـد، محبت به طور مساوی بین همه تقسیم می شود. در خانواده‌هایی که تعـداد فرزنـدان زیاد

است طفل از همان سنین کودکی به تعاون اجتماعی خو می‌گیرد. (ساپتکو، ۱۳۵۰، ص۱۲)اگر رابطه‌ی دوستانه‌ی والدین با فرزندان از حدود خود خارج شود، عمل تربیت دچار نقصان می‌گردد. بدین ترتیب، کودکان شروع به تربیت کردن والدین می‌کنند و دیگر صحبتی از اطاعت و حرف‌شنوی در بین نخواهد بود. (همان، ص ۲۵)اگر فرزند عادت کند که خواسته‌ها و احتیاجات خود را ارضا نماید و توجهی به خواسته‌ها و احتیاجات سایر اعضای خانواده نداشته باشد موجودی تک‌رو بار خواهد آمد. (همان ص ۵۵)والدینی که به بهانه‌ی معنی بخشیدن به زندگی خود یا حفظ سعادت خانوادگی هیچ چیز را از فرزندان خویش دریغ نمی‌کنند و از ترس آزردن فرزند و از دست دادن محبت وی حتی حکومت خانه را به آنان می‌سپارند، باعث می‌شوند که این قبیل کودکان با علم به تشنگی والدین به محبت کردن پیوسته، از این عطش، سوءاستفاده کنند و به صورت ستمگران مستبدی درآیند که همه‌ی افراد خانواده باید غلام حلقه‌به‌گوش آنان شوند. (حییم، ص ۱۲۹)بنجامین در کتاب «پرورش فرزند در عصر دشوار ما» آورده است:والدین به کودکان خود حرمت بسیار می‌گذارند و از آنان می‌خواهند که در پیشرفت به سوی تمدن و تکنولوژی از آنها سبقت بگیرند. اثر مستقیم چنین رفتاری این است که والدین امیال و خواسته‌های خود را تابع فرزندان قرار می‌دهند و حتی خود را کوچك و بی‌مقدار می‌دانند. (بنجامین، ۱۳۶۸، ص ۱۱۵)همچنین او معتقد است که:اعتقاد افراطی در این زمینه که کودکان ما باید آنچه را که خودمان از آن محروم بوده‌ایم به دست آورند، چنان میدانی به کودکان می‌دهد که آنها خود را حاکم بر نسل پدری خود می‌دانند. (همان، ص۱۷۴)اطاعت پدر و مادر در برابر خواسته‌ها و در واقع دستورات فرزند، او را تشویق می‌کند تا هر روز از روز پیش بیشتر احساس حاکمیت کند. (همان، ۱۷۹)در خاتمه می‌توان فرضیات و مدل ذیل را با توجه به چهارچوب تئوریکی مطرح‌شده جهت تبیین مسئله استنتاج کرد.فرضیات :۱. هرقدر والدین در مقابل فرزندان انعطاف‌پذیرتر باشند، خانواده فرزندسالارتر است.۲. هر قدر نگرش فرزندان به والدین بیشتر ابزاری باشد، خانواده فرزندسالارتر است. ۳. هر قدر فرزندان خواسته‌های خود را بیشتر بر مصالح خانواده ترجیح دهند، خانواده فرزندسالارتر است.۴. هر قدر تمکین و انتقادپذیری فرزندان از والدین کمتر باشد، خانواده فرزندسالارتر است. ۵. هر قدر میزان انتقادات فرزندان از والدین بیشتر باشد، خانواده فرزندسالارتر است. ۶. هر قدر جو خانواده سردتر باشد، خانواده فرزندسالارتر است. ۷. هر قدر والدین نسبت به آینده نگران‌تر باشند، خانواده فرزندسالارتر است. ۸. هر قدر بین ارزش‌های والدین و فرزندان ناهماهنگی بیشتر باشد، خانواده فرزندسالارتر است. ۱۱. هر قدر میزان فشارهای هنجاری بیشتر باشد، خانواده فرزندسالارتر است. ۱۲. هر قدر گروه‌های مرجع از خانواده دورتر باشند، خانواده فرزندسالارتر است. فصل سومروش تحقیق روش بررسی تجربی یک مسئله، پس از تعریف و تعیین چهارچوب نظری، ابتدا به عوامل به هم وابسته‌ی ذیل بستگی دارد:اول، اطلاعاتی درباره‌ی نمونه‌ی آماری و وضعیت و شرایط آن؛دوم، چهارچوب عملی تحقیق در ارتباط با تئوری‌ها و تعیین متغیرها و عوامل مؤثر مورد بررسی؛سوم، روش مناسب برای بررسی چهارچوب و متغیرهای فوق؛چهارم، یافتن معرف‌های مناسب برای متغیرها، بر اساس ارزش‌های حاکم بر جامعه‌ی آماری؛پنجم، تهیه‌ی تکنیک مناسب برای سنجش معرف‌ها؛ششم، تعیین حجم و شیوه‌ی اندازه‌گیری.۳-۱- مشخصات نمونه‌ی آماری و شیوه‌ی نمونه‌گیرینمونه‌ی آماری در این تحقیق، تشکیل شده است از ۹۰۳ نفر از زنان متأهلی که دارای حداقل یك فرزند در سنین ۱۳ تا ۱۸سالگی بودند. این مقدار به صورت تصادفی از میان مناطق بیست‌گانه‌ی تهران انتخاب شده و با آنان مصاحبه به عمل آمده است.۳-۲- تحقیقات مقدماتیدر این مرحله، ابتدا پرسشنامه‌ی تهیه‌شده به صورت آزمایشی مورد استفاده قرار گرفت و سپس با رفع نقاط ضعف و مشکلات آن، پرسشنامه‌ی نهایی برای سنجش موضوع تدوین شد.۳-۳- تعیین متغیرهای مورد بررسیبر اساس چهارچوب تئوریك و اطلاعات کسب‌شده در تحقیقات مقدماتی، متغیر وابسته و عوامل و متغیرهای مؤثر بر ایجاد پدیده (متغیرهای مستقل و معرف‌ها) به صورت زیر طبقه‌بندی شدند:۳-۳-۱- متغیر وابسته و معرف‌هادر اینجا مقصود ما بررسی فرزندسالاری است. بنابراین، فرزندسالاری متغیری است که تغییراتش وابسته است به تغییرات یك سری علل و عوامل، و مقصود ما این است که تأثیرات این عوامل را بر متغیر وابسته بررسی کنیم، یعنی عوامل مؤثر بر

فرزنـدسالاری و میزان تـأثیر هر یـک از عوامـل را دریـابیم. فرزنـدسالاری معرف‌هـایی دارد. خـانواده‌ای فرزنـدسالار است که شاخص‌های ذکرشده در زیر کم و بیش در مورد آن صدق کند.خانواده‌ی فرزندسالار تصـمیم گیری‌ها؛نفوذ فرزندان درفرزندان کانون توجه خانواده هستند؛ در مقابل خواسته‌های فرزندان؛فدا شدن مصالح والدین انعطاف‌پذیری والدین در مقابل فرزندان.۳-۳-۲- متغیرهای مستقل و معرف‌ها عواملی که بر میزان فرزندسالاری تأثیر می گذارند، عواملی هستند که مستقلاً تغییر می کنند و بر حسب میزانی که اختیار می کننـد، فرزنـدسالاری را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. متغیرهای مستقل از این قرارند:ابزاری نگریستن خانواده ترجیح خود (فرزند) بر تمکین و انتقادپذیری جو خانواده والدین با فرزندان میزان و نوع رابطه‌ی عملکرد خانواده در قبـال حـل مشـکلات والـدین و محرم دانسـتن آنها احسـاس نزدیکی به نگرانی از آینـده احساس تکلیـف محرومیت نسبی والدین احساس میزان یـا سـطح ارضـای نیازها هنجاری فشارهایویژگی‌های شخصـی پاسخگویان تعداد بچه‌ها تک‌فرزند شغل پدر سن پـدر تحصـیلات پدر شغـل مادر سن مـادر مـادر تحصیلات نوع مسکن مـتراژ زیربنا تعـداد اتاق‌ها اتومبیل۳-۴- تحقیقـات اصـلیپس از مصـاحبه‌ی کتبی و تحقیقـات مقـدماتی، بر اسـاس اطلاعات و تجربیات به‌دست آمـده، موضوع مورد بررسـی مجـدد قرار گرفت و به فرضـیه‌های اصـلی تجزیه شـد و سـپس برای هر یـک از فرضـیه‌ها معرف‌هـای لازم و تکنیک‌ها و شـیوه‌های مناسب برای سـنجش آنها انتخاب گردیـد و در مرحله‌ی بعد، پس از یافتن پرسشگران قابل اعتماد و آموزش آنها، تحقیقات اصـلی آغاز شد.۳-۴- استخراج نتایجاطلاعات به‌دست‌آمده ابتدا به صورت خام و بدون طبقه‌بندی در جداول مادر استخراج شد و سپس به همـان صورت وارد کـامپیوتر گردیـد تـا بـا استفاده از نرم‌افزار L ISREL، میزان برازش داده‌هـای تجربی بـا یـک مـدل ایـده‌آل و محاسبه‌ی میزان خطا در برازش مدل نظری به مدل تجربی به دست آید و همچنین با استفاده از نرم‌افزار SPSS از طریق آزمون‌های آماری، رد یا قبولی فرضیات با توجه به چهارچوب نظری طرح‌شده، مورد بررسی قرار گرفت و به کمک آزمون‌های آماری، تأثیر و تأثر هر کدام از متغیرها بر یکدیگر و بر مسئله‌ی تحقیق، توضیـح و تفسیر شد.به منظور بررسـی روابط بین متغیرها (با توجه به سطح مقیاس هر یک از آنها) آزمون‌های ذیل به کار گرفته شد:تحلیل واریانس (Anova)؛ اِتا (Eta) در سطح سنجش یک‌فاصله‌ای با متغیرهـای اسـمی یـا ترتیبی مورد اسـتفاده قرار گرفت؛ضریب همبستگی تحلیل رگرسیون چنـدمتغیری جهت اخذ همبسـتگی بین کلیه‌ی متغیرهای مسـتقل با متغیر وابسته (در سـطح سـنجش فاصـله‌ای) مورد اسـتفاده قرار گرفت.ضمناً در تمام این ضرایب آماری، سطـح معنی‌داری برای همبسـتگی متغیرها، کمتر و مساوی یک‌صـدم درصد است که از طریق آزمون t و آزمون فیشـر (آزمون‌های معنی‌دار بودن ضـرایب همبستگی) با حداقل ۹۹ درصـد اطمینان به دست می‌آید.فصل چهارمیافته‌ها در اینجا ابتدا کمیت‌های مرتبط بـا انواع متغیرها و روابط بین آنها گزارش شـده و سـپس بر اساس قضایا و فرضیـات مشـتق از رهیافت‌های عنوان‌شـده در فصل دوم، مورد تفسـیر قرار گرفته است. ابتـدا رابطه‌ی بین متغیرهای مسـتقل با ابعاد چهار گانه‌ی متغیر وابسـته مورد توجه قرار خواهـد گرفت و نهایتاً متغیر وابسـته به طور کلی با متغیرهای مسـتقل در رابطه قرار می گیرنـد.همچنین در این بخش با اسـتفاده از تحلیل «ساختارهای کوواریانسی (LISREL)» تلاش خواهـد شـد تا مـدل نظری را با مدل تجربی مورد مقایسه، و مدل اندازه گیری و ساختاری مناسـب مـورد برازش قرار گیرد.در پاسـخ به این سـؤال که «بعضـی‌ها معتقدنـد بچه‌هـا خودشـان مشـکل‌آفرین هسـتند، نظر شـما در این‌بـاره چیست؟»، ۹/۱۸ درصد از پاسخگویان کاملاً مخالف، ۹/۲۴ درصد از پاسخگویان مخالف، ۳/۲۰ درصد از پاسخگویان بی‌نظر،۲/۲۶ درصـد از پاسـخگویان موافق، ۳/۸ درصـد از پاسـخگویان کاملاًـ موافق و ۳/۱ درصـد از پاسـخگویان به این سـؤال جواب نـداده یا جواب‌هـای بی‌ربط داده‌انـد.در پاسخ به این سؤال که «عـده‌ای معتقدنـد که پـدرها و مادرها بایـد از خواسـته‌ها و نیازهای خودشان بگذرنـد و بیشتر به فکر بچه‌ها باشـند، به نظر شـما این گفته تا چه حـد صـحیح است؟»، ۶/۹ درصد از پاسـخگویان خیلی کم، ۳/۱۰ درصد از پاسخگویان کم، ۹/۳۷ درصد از پاسخگویان متوسط، ۱/۲۵ درصد زیاد، ۷/۱۶ درصد از پاسخگویان خیلی زیاد را انتخاب کرده‌اند و ۷/۰ درصـد از پاسـخگویان این سؤال را بی‌جواب گذاشـته‌اند.در پاسـخ به این سؤال که «عده‌ای می گویند برنامه‌ی خانه

باید بر اساس نظر بچه‌ها تنظیم شود، با این گفته چقدر موافقید؟» ۳/۱۷ درصد از پاسخگویان خیلی کم، ۶/۲۸ درصد از پاسخگویان کم با این گفته موافق بوده اند، ۲/۳۵ درصد از پاسخگویان در حد متوسطی،۶/۱۵ درصد از پاسخگویان زیاد با این گفته موافق بوده اند، ۰/۳ درصد از پاسخگویان خیلی زیاد با این گفته موافق بوده اند، ۳/۰ درصد از پاسخگویان جوابی به این سؤال ندادند. واکنش پاسخگویان در ارتباط با این سؤال که «پدر و مادرتان در دوران کودکی چقدر به شما توجه می‌کردند؟» به قرار زیر است: ۶/۱۴ درصد از پاسخگویان این توجه را خیلی کم، ۳/۱۷ درصد پاسخگویان کمی،۲/۳۴ درصد از والدین در حد متوسط، ۳/۲۰ درصد زیاد و ۶/۱۳ درصد پاسخگویان مقدار این توجه را در حد خیلی زیادی بیان داشته‌اند.در پاسخ به این سؤال که «شما چقدر به بچه‌ها توجه می‌کنید؟»،۳/۷ درصد پاسخگویان گفتند که کم و خیلی کم، ۳/۱۵ درصد پاسخگویان در حد متوسط و بالغ بر ۰/۷۷ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد به بچه‌های خود توجه می‌کنند و ۳/۰ درصد پاسخگویان به این سؤال جوابی نداده‌اند.در پاسخ به این سؤال که«قبلاً خود شما چقدر فرصت اظهار نظر در امور مهم خانواده را می‌یافتید؟» ۹/۲۹ درصد چنین فرصتی را خیلی کم و ۲/۲۹ از پاسخگویان این فرصت را کم دانسته‌اند.۳/۲۱ درصد هم وجود چنین فرصتی را برای خود در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. ۶/۱۹ درصد پاسخگویان در این مورد فرصت‌ها را زیاد و خیلی زیاد بیان داشته‌اند.در مقابل، وقتی سؤال می شود که «شما چقدر به فرزندانتان فرصت اظهار نظر می‌دهید؟»، ۰/۸ درصد پاسخگویان گفته‌اند که در حد کم یا خیلی کم به فرزندانشان فرصت اظهار نظر می‌دهند، ۲/۳۶ درصد پاسخگویان فراهم کردن چنین فرصتی را از ناحیه‌ی خود برای فرزندانشان در حد متوسط دانسته‌اند و ۸/۵۵ درصد پاسخگویان (بیش از نیمی) اعلام داشته‌اند که در حد زیاد و خیلی زیاد به فرزندانشان فرصت ابراز نظر می‌دهند.از پاسخگویان پرسیده شد که «در خانه‌ی شما چقدر میل و خواسته‌ی بچه‌ها در تنظیم برنامه‌ی منزل تأثیر دارد؟»، ۹/۱۴ درصد والدین نقش بچه‌ها را در تنظیم برنامه‌ی خانواده خیلی کم و کم دانسته اند. ۹/۴۱ درصد پاسخگویان این مقدار را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. همچنین به ترتیب ۲/۲۸ و ۰/۱۴ درصد والدین نقش فرزندان را در تنظیم برنامه‌های خانه در حد زیاد و خیلی زیاد دانسته‌اند. ۱ درصد پاسخگویان به این سؤال جواب نداده‌اند.نتایج نشان می‌دهند که بین شغل مادر و فرزندمداری و فرزندسالاری رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد، به این معنی که شاغل بودن مادر، خانواده را در جهت فرزندمداری و شاغل نبودن او خانواده را در جهت فرزندسالاری هدایت می‌کند. نتایج همچنین رابطه‌ی معنی‌داری بین داشتن اتومبیل و فرزندسالاری را نشان دادند، یعنی فرزندسالاری در خانواده‌هایی که دارای اتومبیل هستند، از شدت بیشتری برخوردار است.۱-۴- روش رگرسیون چندمتغیرهدر اینجا با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره به بررسی رابطه‌ی بین متغیرها می‌پردازیم تا اولاً بدانیم ترکیب چندین متغیر مستقل، چگونه بر متغیر مستقل عمل می‌کند و ثانیاً مقدار مشارکت هر یک را پیش‌بینی کنیم.در فصل پیش برای فرزندسالاری چهار بُعد تعریف کردیم، اکنون در مورد هر یک بررسی‌هایی انجام می‌دهیم.۱. نفوذ فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها، به عنوان یک بُعد از فرزندسالاریعوامل مؤثر بر نفوذ فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها : میزان توجه به بچه‌ها بچه‌ها تنظیم برنامه‌ی خانواده توسط کتک زدن مادر میزان پذیرش انتقادهای بچه‌ها از جانب والدین تقلید از کار مردم برای بچه‌ها میزان برآوردن نیازهای شما به بچه‌ها تخصیص امکانات رضایت بچه‌ها از والدین گذشت و ایثار بچه‌ها از پدر موارد انتقاد تأمین نیاز بچه‌ها وقت برای بچه‌هابا وارد کردن اولین متغیر (میزان توجه به بچه‌ها)، نتایج تحلیل‌های آماری نشان داد که از کل تغییرات مربوط به «نفوذ فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها» ۲۳۷/۰ متعلق به اولین متغیر بود. وارد کردن متغیر دوم نشان داد که ۳۱۱/۰ تغییرات «نفوذ فرزندان در تصمیم‌گیری‌ها» را متغیرهای اول و دوم (تنظیم برنامه‌ی خانواده توسط بچه‌ها) با همدیگر تبیین می‌کنند. به این ترتیب، تنظیم برنامه توسط بچه‌ها به تنهایی ۰۷۴/۰ کل تغییرات را باعث می‌شود. با وارد کردن متغیر سوم تغییرات به ۳۷۷/۰ می‌رسد. بنابراین، کتک زدن مادر به‌تنهایی ۰۶۵/۰ تغییرات را موجب می‌شود. به این ترتیب، میزان مشارکت هر متغیر در تغییرات «نفوذ فرزندان بر تصمیم‌گیری‌ها» به دست می‌آید. در تحلیل رگرسیونی از ابعاد فرزندسالاری، که به روش Enter انجام شد، متغیرهای زیر جمعاً

توانستند ۵۴۵/۰ از تغییرات «نفوذ فرزندان بر تصمیم‌گیری‌ها» را باعث شوند:برآوردن انتظارات بچه‌ها، میزان توجه به بچه‌ها، دور هم جمع شدن، گذشتن والدین از خواسته‌های خود، موارد انتقاد از پدر، میزان امید به آینده، تهیه‌ی امکانات، صرف وقت برای بچه‌ها، دادن آزادی به بچه‌ها، ترس از مادر، تقلید از کار مردم برای بچه‌ها، مواظبت بچه‌ها از والدین، احترام بچه‌ها به والدین، کتک‌زدن مادر، شکست و موفقیت مشترک، مخفی‌کاری، توجه والدین شما به شما، تمایل به مشارکت حل مشکلات غیرمالی، میزان انجام کار دلبخواه، انتقاد بچه‌ها از والدین، هم‌صحبتی، به هدف رسیدن بچه‌ها، تخصیص امکانات به بچه‌ها، سرزنش والدین، تلاش در حل مشکلات، ترس از پدر، دیدن تلویزیون، میزان برآوردن نیازهای بچه‌ها، تنظیم برنامه‌ی خانه، کتک زدن پدر، صحبت راجع به مشکلات، میزان برآوردن نیازهای شما، تأمین نیاز بچه‌ها، میزان پذیرش انتقاد بچه‌ها، حرف‌شنوی بچه‌ها، گذشت و ایثار بچه‌ها، فرصت اظهار نظر والدین به شما، رضایت بچه‌ها از والدین.۲. انعطاف‌پذیری والدین، به عنوان یک بُعد از فرزندسالاریعوامل مؤثر بر «انعطاف‌پذیری والدین» چنین است:تلاش در حل مشکلاتکتک زدن پدر انتقاد از پدرصرف وقت برای بچه‌هاصحبت راجع به مشکلاتتحلیل رگرسیونی یکی دیگر از ابعاد فرزندسالاری (انعطاف‌پذیری والدین)، شامل پنج متغیر است. وارد کردن متغیر اول (تلاش در حل مشکلات فرزندان) ۰۳۴/۰ از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله‌ی بعد، متغیرهای اول و دوم (تلاش در حل مشکلات فرزندان و کتک زدن پدر) توانستند ۰۶۷/۰ از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی نماید. پس از آن متغیرهای حاضر در مرحله‌ی دوم به همراه متغیر سوم (انتقاد از پدر) ۰۸۹/۰ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دادند و متغیر جدید به‌تنهایی ۰۲۲/۰ از تغییرات را تبیین کرد، متغیر چهارم (صرف وقت برای بچه‌ها) ۰۱۱/۰ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح داد و آخرین متغیر (صحبت راجع به مشکلات) ۰۱۰/۰ از تغییرات متغیر وابسته را بیان کرد.جدول تحلیل رگرسیونی بُعد انعطاف‌پذیری والدین، به عنوان یکی از ابعاد فرزندسالاری به روش Enter و شامل متغیرهای زیر است که جمعاً توانسته‌اند ۱۱۶/۰ از تغییرات متغیر وابسته (انعطاف‌پذیری والدین) را توضیح دهند:دور هم جمع شدن، موارد انتقاد از پدر، صرف وقت برای بچه‌ها، تلاش در حل مشکلات، ترس از پدر، انتقاد بچه‌ها والدین، کتک زدن مادر، تمایل به مشارکت، صحبت راجع به مشکلات، کتک زدن پدر، موارد انتقاد از مادر، مخفی‌کاری، هم‌صحبتی، ترس از مادر.۳. فرزندان، کانون توجه خانواده، به عنوان یک بُعد از فرزندسالاریعوامل مؤثر بر انعطاف‌پذیری والدین چنین است:رضایت بچه‌ها از والدینفرصت اظهار نظر به آنها تنظیم برنامه ی خانهتخصیص امکانات به بچه‌هاکتک زدن مادر والدین به بچه‌هاتوجهصحبت راجع به مشکلات بچه‌هاتقلید از کار مردم برایمخفی‌کاریجدول تحلیل رگرسیونی یکی دیگر از ابعاد فرزندسالاری (فرزندان کانون توجه خانواده) شامل نُه متغیر است. رضایت بچه‌ها از والدین ۳۱۶/۰ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. متغیر دوم (فرصت اظهار نظر والدین به بچه‌ها) ۰۵۵/۰ از تغییرات در متغیر وابسته را تبیین می‌کند. متغیر سوم (تنظیم برنامه‌ی خانه توسط بچه‌ها) ۰۳۸/۰ تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. متغیر چهارم (تخصیص امکانات به بچه‌ها) ۰۲۴/۰ از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند. متغیر پنجم (کتک زدن مادر) ۰۲۳/۰ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. متغیر ششم (توجه والدین به بچه‌ها) ۰۱۷/۰ تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. متغیر هفتم (صحبت راجع به مشکلات) ۰۱۰/۰ تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. متغیر هشتم (تقلید از کار مردم برای بچه‌ها) ۰۰۸/۰ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد و متغیر نهم (مخفی‌کاری) ۰۰۴/۰ از تغییرات متغیر مستقل را باعث می‌شود.جدول تحلیل رگرسیون بُعد «فرزندان، کانون توجه خانواده» که به روش Enter انجام شد شامل متغیرهای زیر است که جمعاً توانسته‌اند ۵۱۵/۰ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند:رضایت بچه‌ها از والدین، دیدن تلویزیون، میزان امید به آینده، تخصیص امکانات به بچه‌ها، میزان برآوردن نیازهای بچه‌ها، دور هم جمع شدن، مواظبت بچه‌ها از والدین، ترس از پدر، کتک زدن مادر، تلاش در حل مشکلات، مخفی‌کاری، تقلید از کار مردم برای بچه‌ها، تمایل به مشارکت، صرف وقت برای بچه‌ها، برآوردن انتظارات بچه‌ها، تنظیم برنامه‌ی خانه، هم‌صحبتی، ترس از مادر، فرصت اظهار نظر والدین به بچه‌ها، کتک زدن پدر، میزان برآوردن

نیازهای بچه‌ها، توجه والدین به بچه‌ها، صحبت راجع به مشکلات۴. فدا کردن مصالح خانواده در مقابل فرزندان، به عنوان یک بُعد از فرزنـدسالاریعوامل مـؤثر بر «فـدا کردن مصالـح خـانواده در مقابـل فرزنـدان» از ایـن قرارنـد:تمایـل به مشارکتهم‌صحبتی بچه‌هاتأمین نیازتهیه‌ی امکاناتتلاش در حل مشکلاتدیدن تلویزیون بچه‌ها از والدینمواظبتکتک زدن مادرتخصیص امکانات به بچه‌هاجـدول تحلیل رگرسیونی یکی دیگر از ابعاد متغیر (فـدا کردن مصالـح خانواده در مقابل فرزنـدان) شامل نُه متغیر است. متغیر اول تمایـل به مشـارکت است که ۱۴۳/۰ از تغییرات متغیر وابسـته را توضـیح می‌دهد. متغیر دوم (هم‌صـحبتی) ۰۴۶/۰ از تغییرات متغیر وابسـته را توضـیح می‌دهد. متغیر سوم (تأمین نیازهای بچه‌ها) ۰۳۷/۰ از تغییرات متغیر وابسـته را توضیح می‌دهد. متغیر چهارم (تهیه‌ی امکانات) ۰۲۸/۰ از تغییرات متغیر وابسـته را توضـیح می‌دهد. متغیر پنجم (تلاش در جهت حل مشکل بچه‌ها) ۰۱۳/۰ از تغییرات متغیر وابسته تبیین می کند. متغیر ششم (دیدن تلویزیون) ۰۱۲/۰ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهد. متغیر شماره‌ی هفت مواظبت بچه‌هـا از والـدین است که ۰۱۲/۰ از تغییرات متغیر وابسـته را توضـیح می‌دهد. متغیر هشـتم کتک زدن مادر است که ۰۱۱/۰ از تغییرات متغیر وابسـته را توضـیح می‌دهـد و متغیر نهـم (تخصـیص امکانـات به بچه‌هـا) ۰۰۷/۰ از تغییرات متغیر وابســته را توضـیح می‌دهـد.جدول تحلیل رگرسـیونی بُعد فدا کردن مصالح خانواده در مقابل فرزندان، به روش Enter محاسبه شده و شامل متغیرهای زیر است که جمعاً توانسته‌اند ۳۲۶/۰ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند:میزان امید به آینده، حل مشکلات غیر مالی، کتک زدن مادر، مواظبت بچه‌ها از والـدین، رضایت بچه‌ها از والـدین، تمایل به مشارکت، دور هم جمع شـدن، شـکست و موفقیت مشترک، تقلیـد از کـار مردم برای بچه‌ها، صـرف وقت برای بچه‌ها، ترس از پـدر، تهیه‌ی امکانات، سـرزنش والـدین، تلاش در حل مشـکلات، تنظیم برنـامه‌ی خـانه، ترس از مادر، هم‌صـحبتی، تأمین نیاز بچه‌ها، کتک زدن پـدر، صـحبت راجع به مشـکلات، دیـدن تلویزیون.۵. متغیر وابسته‌ی نهایی: فرزندسالاریجـدول تحلیل رگرسـیونی فرزنـدسالاری (شامل چهار بُعد بررسـی‌شده‌ی فوق) که به روش Enter محاسبه شده، دارای متغیرهایی است که در زیر آورده می‌شود و جمعاً ۶۹۳/۰ از تغییرات متغیر وابسته (فرزندسالاری) را توضیـح می‌دهـد: برآوردن انتظـارات بچه‌ها، تخصـیص امکانات به بچه‌ها، مخفی‌کاری، تلاش در حل مشـکلات، موارد انتقاد از مـادر، میزان امیـد به آینـده، دور هم جمـع شـدن، تقلیـد از کـار مردم برای بچه‌هـا، مـواظبت بچه‌هـا از والـدین، شـکست و موفقیت مشترک، صـرف وقت برای بچه‌هـا، گذشـتن والـدین از خواسـته‌های خود، انتقـاد بچه‌هـا از والـدین، ترس از مادر، تهیه‌ی امکانات، تنظیـم برنـامه‌ی خـانه، تـوجه والـدین بـه بچه‌هـا، کتـک زدن مـادر، کتـک زدن پـدر، به هـدف رسـیدن بچه‌هـا، سـرزنش والـدین، هم‌صـحبتی، میزان برآوردن نیازهـای بچه‌هـا، دیـدن تلویزیون، ترس از پـدر، تمایـل به مشـارکت، صـحبت راجع به مشـکلات، حل مشکلات غیر مالی، رضایت بچه‌ها از والدین، فرصت اظهار نظر والدین به بچه‌ها.یافته ها و نتایج نشان‌دهنده‌ی تأیید فرضیات در این تحقیق است. هرچقـدر انعطاف‌پـذیری والـدین در مقابـل فرزنـدان بیشتر باشـد تـأثیر مثبتی بر روی فرزنـدسالاری در خانواده خواهد داشت. هر چقـدر نگرش فرزنـدان به والـدین بیشتر ابزاری باشد، تأثیر مثبتی بر روی فرزندسالاری در خانواده خواهد داشت. هر قدر فرزنـدان خواسته‌های خود را بیشتر بر مصالـح خـانواده ترجیـح دهنـد، تأثیر مثبتی بر روی فرزنـدسالاری در خانواده خواهـد داشت. هرچقـدر تمکین و انتقادپـذیری فرزنـدان از والـدین کمتر باشـد، تأثیر مثبتی بر روی فرزنـدسالاری در خانواده خواهـد داشت که به ترتیب۴۴/. درصـد بر روی نفوذ فرزندان در تصـمیم گیری‌ها و ۷۹/. درصـد بر روی انعطاف‌پـذیری والدین در مقابل فرزندان که از ابعاد متغیر وابسـته‌اند تأثیرگذار است. هر چقدر انتقادات فرزندان از والدین بیشتر باشد، تأثیر مثبتی بر روی فرزندسالاری در خانواده خواهـد داشت. هر چقـدر جو خانواده سـردتر باشـد، تأثیر مثبتی بر روی فرزنـدسالاری در خانواده خواهـد داشت. هر چقـدر والدین نسبت به آینـده نگران‌تر باشـند، تـأثیر مثبتی بر روی فرزنـدسالاری در خـانواده خواهـد داشت. هر چقـدر بین ارزش‌هـای والـدین و فرزنـدان ناهماهنگی بیشتر باشـد، تأثیر مثبتی بر روی فرزنـدسالاری در خانواده خواهـد داشت. هر چقـدر والدین احساس محرومیت نسبی بیشتری داشته باشند، تأثیر مثبتی بر روی فرزندسالاری در خانواده خواهد داشت. هرچقدر میزان ارضای نیازهای فرزندان بیشتر

باشـد، تـأثیر مثبتی بر روی فرزنـدسالاری در خـانواده خواهـد داشت. هرچقـدر میزان فشـار هنجاری بیشتر باشـد، تأثیر مثبتی بر روی فرزنـدسالاری در خـانواده خواهـد داشت. تنهـا فرضـیه‌ی گروه‌هـای مرجع که هر چقـدر گروه‌هـای مرجع از خـانواده دورتر باشـند، خانواده فرزندسالارتر است تأیید نشده است. فصل پنجمپیشـنهادهادر اینجا با اسـتفاده از دسـتاوردهای نظری، تجربی و روشی، سعی می‌کنیم سؤالاتی که در ابتـدای بخش اول مطرح شد را پاسخ گوییم. ۱. آیا پدیده‌ای که در جامعه‌ی ما وجود دارد، همان پدیده‌ای است که در غرب به عنوان فرزنـدمحوری و فرزنـدسالاری از آن یـاد می‌شود؟در پاسـخ به سؤال فوق ابتـدا بایـد به ویژگی‌هـای این پدیـده در غرب توجه کرد.صـنعت، فرزندمـداری غربی، فرزنـدسالاری ایرانی روند صـنعتی شدن در جامعه‌شناسـی به عنوان نقطه‌ی عطفی محسوب می‌شود که به دنبال خود بسیاری از تغییرات ساختاری و رفتاری را دامن زده است. در اینجا بیشتر قسـمتی مورد نظر است که به «تغییرات ساختاری و کارکردی خانواده» دامن می‌زند. پیشـرفت صـنعت، پیدایش کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و نیاز به نیروی کار، نه‌تنها مهاجرت روسـتاییان به شهرها را باعث شد، بلکه زنان را هم از عرصه‌ی خانواده به محیط کار کشاند و این خود سرآغاز و نقطه‌ی عطفی در تحولات خـانواده محسـوب می‌شود، زیرا زن همیشه وظیفه‌ی خـانه‌داری و بچه‌داری را بر عهـده داشت و اصولاً کار زن در خارج از خانه کاری ناپسـند شمرده می‌شد. می‌گویند هنگامی که مردان انگلیسی می شنیدند خانم آنها متقاضی کار در یک کارگاه صـنعتی است، رگ‌های گردنشان از غیرت متورم می‌شد. از آنجایی که فرهنگ عمومی پذیرای اشـتغال زنان نبود، این کار با تأنی و به‌آرامی انجام شد تا تغییرات اساسـی در خانواده به وجود آمد که مهمترین آن غیبت زن از خانه بود.شـهرهای بزرگ که خود زاده‌ی عصر صـنعت و مهاجرت بودنـد، شیوه‌ی زنـدگی نوینی را طلب می‌کردنـد. به این معنا که خانواده‌ها به جای اینکه وابسته به زمین باشـند و به روسـتا زمینگیر، می‌بایست از قدرت تحرک و جابه‌جایی برخوردار شوند، یعنی بتوانند سـریع از جایی به جـای دیگر منتقـل شونـد. قـدرت مـانور و جابه‌جـایی و آمـادگی برای نقـل مکـان ایجـاب می‌کرد تـا خـانواده از یـک خـانواده‌ی تولیدکننـده‌ی وابسـته به زمین به صورت خـانواده‌ی مصـرف‌کننده‌ی محصولاـت کشـاورزی درآیـد، ابعـادش کوچکتر شود و حتی اثاثیه‌اش هم مختصـر باشـد، به طوری که بتوان آن را در یکی دو اتاق جا داد تا با شـیوه‌ی زنـدگی تازه سازگار شود. خلاصه اینکه زنـدگی در شـهرهای بزرگ که لازمه‌ی عصـر صـنعتی است، به نوعی جدید از خانواده نیازمند بود با ابعاد کوچکتر (تعداد فرزندان کمتر)، غیر وابسـته به زمین، و پدر و مادر شاغل در مشاغل صنعتی یا خدماتی مرتبط با صنعت.زندگی در شهرهای بزرگ و صنعتی باعث شـد تا روسـتازادگان (حـداقل نسل دوم مهاجران) به تحصـیل بپردازند و این امر باعث تحرک طبقاتی و تغییر منزلت اجتماعی آنان شد. در جامعه‌ی تازه، زن و شوهر مجبور بودند تخصصـی داشـته باشـند، زیرا در جوامع صـنعتی افرادی می‌توانند از مزایای بالا برخوردار باشـند که تحصـیلکرده و متخصـص باشـند. متخصـص بودن و شاغل بودن یعنی اینکه زن و شوهر هر دو بیرون از خانواده کـار کننـد. با کار کردن زن در بیرون از خانواده، بخش زیادی از کارکردهای سـنتی خانواده به نهادهای تازه‌تأسـیس‌یافته‌ی شـهری واگـذار شـد. این واگـذاریِ تعـدادی از کارکردهای خانواده به نهادهای تازه‌تأسـیس، باعث تغییر ساخت خانواده و ایجاد خانواده‌ی هسـته‌ای شـد. خـانواده‌ای که در آن مـادر لزومـاً حضور تمـام‌وقت نـدارد و تنهـا مربی و تنها فرد مرجع کودک به حساب نمی‌آیـد. مقتضـیات اجتمـاعی از یـک سو و تحولات و تغییراتی که بعـد از پیـدایش صـنعت در علوم و از جمله علوم انسانی به وجود آمـد از سوی دیگر، تعریفی تـازه از انسان و روابط انسانی و اصول تربیتی به وجود آورد که مهمترین آنها عبارت بود از اینکه بایـد شـیوه‌ی زنـدگی را چنـان به فرزنـدان آمـوخت که بتواننـد تفکر و تعقـل نماینـد، تصـمیم بگیرنـد و عمـل کننـد؛ یعنی تصـمیمات خود را به مرحله‌ی اجرا درآورنـد.فرزنـدسالاری به عنوان یـک پدیـده‌ی خـاص و بـا ویژگی‌هـایی که در جـامعه‌ی مـا وجود دارد، تا آنجا که نگارنـده بررسـی کرده، در آثـار جامعه‌شـناسان و روان‌شـناسان مورد مطـالعه قرار نگرفته، بـا این حال در آثار این محققان کلمات و اصـطلاحاتی وجـود دارد که تـا انـدازه‌ای به این اصـطلاح نزدیـک است.برای دانسـتن ویژگی‌هـای فرزنـدسالاری غربی لاـزم است پیش‌زمینه‌هـای آن را بررسـی کنیـم. همـان‌طور کـه پیش از ایـن ذکر شـد، بـه طـور کلی در خانواده‌هـای امروزی جهـت تربیـت با

خانواده‌های سنتی گذشته کاملاً متفاوت شده است و هدف بار آوردن فرزندانی مطیع نیست، بلکه تربیت فرزندانی مستقل و مسؤلیت‌پذیر است و این استقلال و مسؤلیت‌پذیری، مهمترین ویژگی نظام تربیتی امروز است. در جوامع غربی، برای رسیدن به این استقلال و مسؤلیت‌پذیری فرزندان، حوزه‌ی اختیارات و تصمیم‌گیری فرزندان در خانواده گسترش یافته است، فرزندان زودتر از والدین جدا می‌شوند و از ابعاد مختلف دارای استقلال هستند. شیوه‌های تربیتی هم به نحوی است که چنین روندی را تسهیل می‌کند. در جامعه‌ی ما استفاده از شیوه‌های تربیتی جدید، حوزه‌ی اختیارات فرزندان را گسترش داده است، اما منجر به استقلال فرزندان نشده است. فرزندان در بسیاری از امور خود تصمیم می‌گیرند، اما هنوز به لحاظ مادی و معنوی وابسته به حمایت‌های والدین خود هستند. بنابراین، خانواده‌ی ایرانی نه‌تنها به اهداف شیوه‌های تربیتی نوین دست نیافته‌اند، بلکه استفاده از شیوه‌های تربیتی جدید نتایج دیگری نیز به دنبال داشته است. یکی از این نتایج، فرزندسالاری است که در آن فرزندان به عناصر بسیار تأثیرگذار تبدیل شده‌اند و محور اساسی تصمیم‌گیری‌ها، فعالیت‌ها و به طور کلی مجموعه‌ی امور خانواده در عرصه‌های مختلف به طور مستقیم و غیرمستقیم هستند و امور خانواده بر اساس نیازها و خواسته‌ها و اهداف فرزندان استوار است.این پدیده در ایران با استقلال فکری، رفتاری و اقتصادی منافات دارد، به نحوی که علی‌رغم در اختیار داشتن تمامی امکانات، از توانایی افراد در حوزه‌ی کار کاسته شده است و خانواده به واسطه‌ی تأثیرگذاری متغیرهای مختلف که در ادامه‌ی این بحث خواهد آمد، خود را ملزم به حمایت از فرزندان می‌بیند. پس فرزندسالاری در ایران با فرزندمحوری در غرب حداقل در نتیجه‌ی کار متفاوت است.۲. عواملی که منجر به ایجاد فرزندسالاری می‌شوند، کدامند؟در پاسخ به سؤال دوم که چه عواملی بر روی فرزندسالاری تأثیرگذارند، باید به روش‌ها و سازوکارهایی چند اشاره کرد. از عواملی که بر فرزندسالاری تأثیرگذار بوده‌اند می‌توان به متغیرهای مستقل که در فصل سوم آورده شده است، اشاره کرد. «نگرانی از آینده» به عنوان یکی از متغیرهای مستقل به شمار می‌آید. اینکه چرا والدین از آینده نگران‌اند و بدین لحاظ به سوی فرزندسالاری پیش می‌روند و چه سازوکاری منجر به ایجاد چنین وضعیتی می‌شود را باید از یک طرف در ضعف و کمبود امکانات و ساختارهای حمایتی جامعه جست‌وجو کرد و از طرف دیگر به واسطه‌ی «احساس عدم امنیت» نسبت به آینده، والدین تمامی ابزار و امکانات را با این پیش‌فرض که کمکی در جهت پیشرفت فرزندان باشد در اختیار آنها قرار می‌دهند و کمترین مسؤلیت‌ها را به آنها واگذار می‌کنند و مصالح خود را در مقابل خواسته‌های فرزندان فدا می‌کنند تا فرزندانشان با در اختیار داشتن بهترین شرایط ــ بویژه در جامعه‌ی امروزی که تنها راه پیشرفت را تحصیل و دانشگاه تشکیل می‌دهد ــ به موفقیت دست یابند و در واقع آینده‌ی فرزندانشان تضمین شود.نگرش ابزاری به والدین ــ یعنی دیدن والدین به عنوان وسیله‌ای در جهت رفع نیازها ــ متغیر دیگری است که بیشتر حاصل اختلال در روابط حمایتی و بویژه در ساختارهای حمایتی است (حمایت‌های بهداشتی مثل بیمه یا بورسیه‌های تحصیلی و...). این ساختارها معمولاً ـ از سوی دولت‌ها به وجود می‌آیند. موضوع ساختارهای حمایتی و تأمین رفاه افراد جامعه موجب پیدایش نوعی از حکومت در زمان‌های اخیر در جامعه‌ی غربی تحت عنوان «دولت رفاه» شده است. در جامعه‌ی ما این ساختارها یا بیشتر ناقص عمل می‌کنند یا اساساً شکل نگرفته‌اند. به همین دلیل والدین به فرزندان به عنوان ابزاری نگاه می‌کنند که می‌توانند در زمان کهولت موجب رفع نیازها و مشکلات آنها شود و چنین ابزاری از دیدگاه والدین نیازمند مراقبت و رسیدگی بیش از حد است. می‌توان گفت که با ظهور ساختارهای حمایتی در جامعه، از میزان چنین نگرشی به عنوان یکی از عوامل اصلی بروز فرزندسالاری کاسته خواهد شد.احساس تکلیف در مقابل فرزندان را نیز باید با رجوع به جامعه و بررسی ساختاری این مسئله جست‌وجو کرد. اجتماع امروزی ما بسیاری از وظایفش را بر عهده‌ی خانواده و والدین گذاشته و این مسئله منجر به نوعی احساس تکلیف والدین در مقابل فرزندان شده است. اگر جامعه بتواند نقش‌هایی را که باید والدین عهده‌دار شوند انجام دهد، والدین کمتر نگران فرزندان خود خواهند بود. تقویت مدارس در جهت حضور بهتر و بیشتر فرزندان در مدارس از چنین احساسی خواهد کاست، در نتیجه، موجب کاهش فرزندسالاری خواهد شد. چنانچه مدارس مانند جوامع غربی امکانات هنری

و ورزشی را برای دانش‌آموزان فراهم آورند، بسیاری از هزینه‌هایی که امروزه خانواده‌ها به دلیل فشار هنجاری در جهت رسیدگی به چنین اموری پرداخت می‌کنند از بین خواهد رفت و از طرف دیگر، والدین به فرزندان به عنوان یک کالای لوکس و گرانبها که باید با دقت از آن مراقبت و دائم برایش هزینه کرد، نخواهند نگریست. امکان ایجاد شرایطی که فرزندان بتوانند بخشی از وقت خود را در آن مکان‌ها سپری کنند، از میزان خواسته‌های آنها می‌کاهد و روندی را موجب می‌شود که فرزندان به صورت بسیار شدید به کانون توجه خانواده تبدیل نشوند و نهایتاً از میزان فرزندسالاری کاسته شود.از جمله عوامل تأثیرگذار دیگر می‌توان به نوعی حالت گذر از شیوه‌ی تربیت سنتی به شیوه‌ی تربیت مدرن اشاره کرد که در آن خانواده‌های ایرانی به علت قرار گرفتن در شرایطی با انبوه اطلاعات و پژوهش‌های علمی در زمینه‌های تربیتی، نسبت به شیوه‌ی تربیتی که در گذشته خود آن را به صورت مستقیم تجربه کرده‌اند، به دیده‌ی شک و تردید نگاه کنند و از سوی دیگر، هنوز با به‌کارگیری شیوه‌ی تربیتی مدرن فاصله دارند و به نوعی شاید در حالت سعی و خطا به سر می‌برند. این تضاد بین شیوه‌های تربیتی گذشته و جدید و همچنین وجود بعضی خانواده‌ها که از شیوه‌های نوین پیروی می‌کنند موجب می‌شود که والدین در بقیه‌ی خانواده‌ها مایل به اعمال این روش‌ها باشند و به نوعی دچار احساس محرومیت نسبی شوند و برای رفع آن در صدد آزادی دادن و توجه به فرزندان باشند. از طرف دیگر، جایگاه ارزشی بالای فرزندان و خانه‌دار بودن مادران ایرانی، فرزندان را از یک سری تسهیلات (مرتب کردن اتاق، معاف کردن از کار در منزل و...) برخوردار می‌کند. در چنین وضعیتی، رسانه‌های جمعی می‌توانند با استفاده از متخصصان در ترویج این شیوه‌های تربیتی جدید اثرگذار باشند.در تأیید گفته‌های بالا باید به متغیر «انتقادپذیری والدین» که از ویژگی‌های روش‌های جدید تربیتی به شمار می‌آید و استفاده‌ی نادرست از آن منجر به ایجاد و بروز پدیده‌ی فرزندسالاری می‌شود اشاره کرد. گرچه یکی از ارکان اصلی در شیوه‌ی تربیتی مدرن، بحث و قانع کردن فرزندان و در واقع، نوعی عقلانی و منطقی تربیت کردن فرزندان است، اما این بُعد به واسطه‌ی حضور ابعاد دیگر در خانواده‌ها (همچون عدم استقلال در تصمیم‌گیری‌های فرزندان) کارکرد منفی داشته است. تضاد شیوه‌های تربیتی سنتی با شیوه‌های تربیتی مدرن از دیگر سو، به بروز حالت «احساس محرومیت» نسبی در والدین منجر می‌شود و والدین چنین احساسی را با توجه هر چه بیشتر فرزندان خود جبران می‌کنند که این توجه افراطی زمینه‌های بروز فرزندسالاری را فراهم می‌سازد.میزان «صمیمیت» در خانواده و روابط مثبت درون خانواده را شاید به واسطه‌ی عدم تعریف شفاف و روشن از چنین روابطی بتوان از عوامل مؤثر در زمینه‌ی ظهور فرزندسالاری به شمار آورد. در واقع، خانواده‌های ایرانی با نشان دادن محبت بیشتر به فرزندان، آنها را به نوعی حاکم بلامنازع خانواده‌ها می‌کنند و والدین را در مقابل خواسته‌های آنان تسلیم می‌نمایند. این وضعیت در نهایت شرایط فرزندسالاری را مهیا می‌کند.ویژگی‌های فرزند در خانواده‌ی فرزندسالار ۱. استفاده از امکانات رفاهی (بیشتر از والدین)؛۲. عدم همکاری در امور منزل؛۳. انجام ندادن امور شخصی و مربوط به خود؛۴. بالا بودن سطح توقع از والدین؛۵. تحکم نسبت به والدین (از طریق تهدید و دست زدن به کارهای خلاف میل آنان)؛۶. اختلاف نظر با والدین (نظر والدین را در هیچ زمینه‌ای قبول ندارد و رأی خود را همیشه درست می‌داند)؛۷. به والدین به چشم حقارت نگاه می‌کند و در ذهن خود آنها را جاهل، عقب‌مانده و بی‌اطلاع می‌داند؛۸ . ولخرج است و بی حساب و کتاب پول خرج می‌کند؛۹. به دنبال خرید چیزهایی است که تازه آمده و «مُد» شده است. منابع و مآخذمنابع فارسی- آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ۱۳۷۴، باقر پرهام، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.- چلبی، مسعود، جامعه‌شناسی نظم، ۱۳۷۵، نشر نی.- جابری، موسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان آموزش و امید به تحرک اجتماعی، ۱۳۷۵.- حییم، سلیمان، فرهنگ لغت یک جلدی، ۱۳۷۴، انتشارات فرهنگ معاصر.- ریتزر، جرج، نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محمدصادق مهدوی و همکاران، ۱۳۷۴، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.- روشه، گی، کنش اجتماعی، ۱۳۷۰، هما زنجانی‌زاده، دانشگاه فردوسی مشهد.- کوزر، لوئیس، زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی، ۱۳۶۸، محسن ثلاثی، انتشارات علمی.- مهدوی، محمدصادق، دست‌نوشته‌ی منتشر نشده، ۱۳۸۱. – مهدوی،

محمدصادق، عوامل مؤثر بر رضایت زن و شوهر، ۱۳۷۴، انتشارات مبتکران.

اختلافات خانوادگی

علل، عوامل و راه حل ها

خانواده اولین مهمترین نهاد اجتماعی انسانهاست، بسیاری از هنجارها و ناهنجاریهای جامعه مربوط به همین نهاد مقدس است. هرچه محیط خانواده سالم و امن باشد به همان اندازه در روحیه افراد و اعضای آن تاثیر مثبت گذاشته و این تاثیرات مطلوب به جامعه منتقل می‌شود . اگر محیط خانواده محیطی نامساعد و ناهنجار باشد به همان اندازه بر اخلاق اعضای خانواده تاثیر سوء گذاشته و از این طریق جامعه را نیز متاثر می کند. و بیشترین تاثیر آن بر کودکان است، زیرا شخصیت کودک متاثر از برخورد اعضای خانواده با یکدیگر رشد کرده و شکل می گیرد، و اخلاق و روحیات بزرگترهای خانواده تاثیر مستقیمی در تربیت کودک دارد.بدون شک بسیاری از مشکلات اخلاقی جامعه امروز ما ریشه در اختلافات خانوادگی دارد. آمارهای مربوط به مسایل اخلاقی نشان می دهد، اغلب افراد بدکار از نعمت خانواده سالم محروم بوده و وارث ناهنجاریهای خانوادگی هستند. همچنین کسانی که در جامعه به موفقیتهایی رسیده اند نیز موفقیتشان را مدیون خانواده سالم خویش هستند.این یک واقعیت ملموس و حقیقی است که انسانهای مصلح و موفق در خانواده های سالم و خوب پرورش می یابند. از اولین خصوصیات انبیا علیهم السلام نیز تعلق آنها به خاوندان پاک و سالم است، بگونه ای که حتی دشمنانشان نیز به پاکی خانوادگی آنها معترف بودند. نمونه های از این اعترافات را قرآن مجید ذکر کرده است:«یا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكِ بَغِيا (۲۸)» مریم«ای خواهر هارون! نه پدر تو مرد بدی بود و نه مادرت زن بدکاری»!در جوامع غربی سالهاست که بصورت برنامه ریزی شده فعالیتهای در جهت تضعیف خانواده انجام می گیرد و جوانان به بیرون آمدن از قید و بندهای خانوادگی و طغیان علیه آن تشویق می شوند. روانشناسان غربی نیز با این استدلال که تنها راه بدست آوردن شخصیت سالم و مستقل کنار گذاشتن سنتهای کهن خانوادگیست، تمام سعی و تلاش خود را در زمینه کاهش وابستگیهای خانوادگی متمرکز کرده ناد.این تفکرات تنها به جامعه غرب محدود نمانده بلکه جوامع شرقی و اسلامی را نیز تحت تاثیر قرار داده است و نتایج زیان بار آن در جامعه اسلامی کاملا به چشم می خورد؛ سردی روابط خانوادگی، افزایش آمار جرم و جنایت و سپردن سالمندان به مراکز خیریه و آسایشگاهها از نتایج این تفکرات بیمارگونه است.امروزه جواع غربی طعم تلخ همین اقدامات به ظاهر اصلاح طلبانه را می چشند و اندیشمندان غرب در صدد بازیابی و روابط سالم خانوادگی بر آمده اند و الآن به این حقیقت پی برده اند که نهاد خانواده نیرویی بازدارنده است و پایبندی به آن تاثیر زیادی در سالم سازی جامعه دارد.دین اسلام خانواده را نهاد مقدسی می داند و اعضای خانواده را به پاسداری از آن و رعایت حقوق یکدیگر تشویق و تاکید می نماید. بدون شک در سایه رعایت حقوق یکدیگر و انجام وظایف فردی است که محیط خانواده محیطی سالم و بستری مناسب برای شکل گیری جامعه ای سالم خواهد بود.البته وجود اختلاف و نارضایتی در هر جمع و گروهی کاملا طبیعی است، مخصوصا در جمع خانوادگی که منافع افراد و اعضای آن با هم گره خورده و بعضا در تضاد و اصطکاک با هم قرار می گیرد.گرچه سوء تفاهمات و اختلافات درونی در کنار وساوس شیطانی و دخالت اطرافیان از عوامل مهم اختلافات خانوادگی بشمار می آیند اما امروزه زندگی ماشینی و رقابتهای مادی از سویی و هجوم فرهگ غرب و خود محوری و فراگیرایی از سویی دیگر بیش از پیش باعث بیگانگی از هم شده و کانون خانواده را با خطرات جدی مواجه ساخته است.نظر به اهمیت اصلاح خانواده و جامعه جا دارد در زمینه ریشه یابی علل و عوامل اختلافات و راهکارهای حل آن تدابیر کارشناسانه ای اندیشیده شده، راهنمایی های لازم به جوانان داده شود. و این امر میسر نخواهد بود مگر با همکاری اندیشمندان و مصلحین جامعه با مسئولین اجتماعی.ما نیز به نوبه خود به قدر توان در این نوشتار سعی خواهیم کرد، ضمن معرفی عوامل درونی و بیرونی اختلافات و معضلات خانوادگی به چاره

جویی و پیشنهاد راهکارهای لازم بپردازیم.اهمیت ایجاد صلح و آشتیاهمیت ایجاد صلح و آشتی و بر طرف کردن کدورتها بر کسی پوشیده نیست و این عمل در فهرست وظایف انبیاء قرار دارد. برای اثبات جایگاه رفیع صلح و آشتی در اینجا ما به چند نکته بسنده می کنیم:۱- برتری اصلاح ذات البین از عبادات نفلی: یکی از دلایلی که اهمیت این عمل اجتماعی را ثابت می کند برتر بودن آن از عباداتی همچون روزه، نماز و صدقه است، در صورتیکه که عبادات مذکور از اهم عبادات در اسلام هستند، مخصوصا در مورد روزه در یک حدیث قدسی آمده است: «الصوم لی و انا اجزی به»؛ روزه برای من (الله تعالی) است و من خود پاداش آن را خواهم داد. اما با این حال ایجاد صلح و آشتی در میان انسانها برتر از آن است.۲- ترک نماز جاعت بخاطر ایجاد صلح: اهمیت نماز جماعت بحدی است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در طول مدت حیات خویش خود شخصا به اقامه آن می پرداختند و بسیاری از امور انفرادی و اجتماعی را بخاطر آن بتاخیر می انداخت و جز در موارد بیماری یا سفر هرگز اتفاق نمی افتاد که ایشان جماعت را ترک کرده باشند؛ اما فقط یکبار آن حضرت صلی الله علیه وآله وسلم در حال صحت و سلامت کامل نماز جماعت را ترک کردند که آن هم بخاطر ایجاد صلح و آشتی بود.۳- لیس الکذاب الذی ینمی خیرا: دروغ در اسلام عملی زشت و از گناهان کبیره است، اما اگر کسی برای ایجاد صلح و آشتی میان دو کس یا دو گروه، کلامی بظاهر خلاف واقع بگوید یعنی به این صورت که از انتقال مسایلی که موجب کدورت گشته و دشمنی را بیشتر می کند اجتناب کرده و در عوض به هریک از آن دو بگوید که طرف مقابل در مورد او حسن نیت دارد و به این صورت زمینه را برای صلح و آشتی فراهم آورد، از دروغگویان نخواهد بود و وعیدهای عمل زشت دروغ شامل او نخواهد شد.ایجاد اختلاف از مهمترین وظایف شیطانرسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در ادامه حدیث گذشته فرمودند: «فساد ذات البین هی الحالقهٔ»؛ اختلاف از بین برنده است. و سپس فرمودند از بین برنده دین شما است. اختلاف و درگیری واقعا از بین برنده دین و ایمان انسان است زیرا افراد را مبتلا به گناهان بیشمار دیگری همچون دروغ، تهمت، غیبت، تکبر، حسادت و غیره می نماید. در حدیث دیگری فرمودند: «اذا التقی المسلمان بسیفیهما فالقاتل و المقتول کلاهما فی النار»؛ هرگاه دو مسلمان (بخاطر تعصبات قومی و فامیلی) با یکدیگر دگیر (و کشته) شوند سر انجام هر دوی آنها آتش خواهد بود.اختلاف و درگیری که در ر جمع و قومی نکوهیده و بد است، در جمع خانوادگی بدتر است زیرا این عمل بیش از هر چیز دیگری موجب مسرت و خوشحالی شیطان می گردد.در روایتی آمده است: «ایادی شیطان پس از اینکه وظایفشان را انجام می دهند در یک گرد همایی برای انتخاب یک شیطان نمونه شرکت می کنند و هرکدام گزارش تلاشهایشان را ارائه می نمایند. در حالیکه بسیاری از آنها توانسته اند انسانهایی را مرتکب اعمال حرام و ترک فرائض و یا وادار به قتل عمد نمایند، اما در نهایت فردی به عنوان شیطان نمونه انتخاب می شود که توانسته است با وسوسه های مکرر، میان زن و شوهری اختلاف انداخته و موجب جدایی آن دو گردد. شاید یکی از دلایل مسرت بیش از حد شیطان از اختلافات خانوادگی این باشد که اختلاف و نارضایتی زن و شوهر تنها به خود آن دو محدود نمانده بلکه موجب اختلافات دیگری در میان فامیل گشته و دامنه آن وسعت پیدا می کند. و شاید به همین علت است که خداوند متعال در قرآن مجید با آیه شریفه «یا ایها الناس التقوا ربکم» ؛ ای مردم! (از عقاب و عذاب پروردگارتان بترسید.بطور مکرر زند و مرد را مورد خطاب قرار داده و آن دو را به رعایت حقوق یکدیگر توصیه و از ایجاد اختلاف بر حذر می دارد.برخی از عوامل اختلافات خانوادگی۱- ازدواج اجباری: یکی از علل اختلافات خانوادگی و شاید از مهمترین آن، ازدواجهای اجباری مخصوصا بی توجهی به رضایت دختر باشد. این امر در جوامع سنتی و عشیره ای بیش از دیگر جوامع مشهود است. قطعا دختر و پسری که بدون رضایت پدر و مادر و به زور به عقد یکدیگر در آمده باشند، ازدواجشان فرجام خوشی نخواهد داشت. زیرا عدم تفاهم از همان ابتدای ازدواج مانع خوشبختی شده و رزو به روز نیز به شدت تنفر و انزجارشان نسبت به یکدیگر افزوده می شود.ازدواج اجباری در جامعه پدر سالاری قریش و کلا عرب آن روز بسیار متداول بود، بگونه ای که کمتر دختری جرأت می کرد با رای پدر و اولیای خویش مخالفت کند و یا بدون اجازه آنها برای ازدواج با فرد مورد علاقه خویش اظهار تمایل

نماید. اغلب دختران علی رغم میل باطنی با فرد پیشنهادی اولیاء خویش ازدواج می کردند و آنرا بخشی از سرنوشت و تقدیر تاریخ خویش می دانستند.اما رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم با این رسم جاهلی به شدت مبارزه کرده و بارها ازدواجهای اجباری را بر هم زدند و والدین را متقاعد ساختند که دختر و پسر باید با عشق و علاقه قلبی ازدواج نمایند نه فقط بخاطر رضایت اولیاء.البته در اینجا لازم است به این نکته نیز اشاره کنیم که تنها عشق و تفاهم برای ایجاد زندگی سعادتمند کافی نیست و در کنار آن باید به تناسب نیز توجه شود. دختر و پسر باید از نظر سن، دیانت، فرهنگ و اخلاق با هم تناسب داشته و هم شان یکدیگر (کفو) باشند زیرا در اینصورت بهتر همدیگر را درک کرده و زندگی خوش گوارتری خواهند داشت.تفاوتهای دینی، مالی و فرهنگی اغلب موجب توهین و تحقیر یکدیگر شده و زندگی زناشویی را تلخ می نمایند: همچنین عدم تناسب سنس باعث عدم درک متقابل و سردی روابط می گردد.۲- دخالت اطرافیان: دخالتهای اطرافیان مخصوصا خانواده ها یکی از مشکلات زوجهای جوان در اوایل زندگی مشترک است. در جوامع سنتی این امر به یک معضل جدی برای خانواده ها تبدیل شده و همواره حوادث تلخی همچون خودکشی، قتل و طلاق را موجب می گردد. متاسفانه در این جوامع گاهی زوجهای جوان بدون کوچکترین اختلافی صرفا بخاطر جلب اطرافیان و بزرگان فامیل ناچارند از هم جدا شوند و در واقع زندگی آنها عرصه انتقام گیری و اشباع حس غرور بزرگترها می شود. در حالیکه این عمل نه تنها مشکلی را حل نمی نماید بلکه مشکلات لا ینحل دیگری نیز به آن اضافه می کند.نوع دیگری از دخالت، دخالت انسانهای منحرفی است که برای رسیدن به مقاصد شوم و غیر اخلاقی خویش با ایجاد سوء ظن و فتنه جویی موجب بدبینی زوجین از یکدیگر شده، موجبات جدایی آنها را فراهم می آورند، و برای این کار حتی به اعمال زشت و پستی همچون جادو و غیره نیز متوصل می شوند. چنین افرادی طبق فرموده قرآن مجید هی بهره ای در آخرت ندارند و کاملا افتخار همکاری با شیطان را دارا می باشند. « فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يفَرِّقُونَ بِهِ بَينَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيتَعَلَّمُونَ مَا يضُرُّهُمْ وَلَـا ينْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَـا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ (۱۰۲) »البقرهٔ«از ایشان چیزهایی آموختند (و در راهی از آن استفاده کردند) که بـا آن میان مرد و همسرش جدایی فی افکندند. و حال آنکه با چنین جادویی نمی توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجاهز و خواست خدا باشد و آنان قسمتهایی را فرا می گرفتند که بر ایشان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدیشان سودی نمی رساند و مسلما نمی دانستند هر کسی خریدار این گونه متاع باشد، بهره ای در آخرت نخواهد داشت».۳- عدم توجه به معنویت و دیانت:یکی از عوامل تفرقه و در گیریهای خانوادگی ضعف معنویت و دیانت است. این امر موجب خودخواهی، خود محوری و بی توجهی نسبت به وظایف زناشویی و حقوق دیگران می گردد. در این صورت فرد صرفا به منافع فردی خویش توجه داشته و نتایج و فواید اعمالش را در زندگی دنیوی خویش دنبال می کند و دلیلی نمی بیند که کاری را که ظاهرا نفعی ندارد صرفا در جهت خدمت به دیگران و نجات زندگی خانوادگی انجام دهد.قطعا دیانت هرکدام از زوجین ضمن اینکه زندگی را برای همسرش شیرین و لذت بخش می کند باعث گرمی و صمیمیت روابط زناشویی نیز می گردد. شوهر دیندار سعادت خویش را در گرو سعادت خانواده خویش می داند و بر آوردن نیازهای خانواده را از اهم واجبات خویش بحساب آورده در جهت تحقق آن تلاش می کند. همچنین زن متدین، حفاظت از اموال و آبروی شوهرش را از واجبات دینی خویش بحساب آورده همواره با شوهرش صادقانه برخورد می کند و عقایدش هرگز این اجازه را به او نمی دهد که به شوهرش خیانت کند.۴- توقعات زیاد و ناسپاسی: یکی از عواملی که باعث بروز اختلاف در خانواده می گردد، توقعاتی است که اعضای خانواده از یکدیگر دارند، در حالیکه بسیاری از این توقعات بر آورده نمی شوند و مشکل عمده اینجاست که همه به توقعاتی که از دیگران دارند توجه می کنند نه به توقعات و انتظاراتی که دیگران از آنها دارند.انسانها همواره خوبیهایی را که در حق دیگران کرده اند به یاد دارند و از اینکه در مقابل آن خوبیها پاسخی دریافت نمی کنند ناراحت شده و از بی نمک بودن دشت خویش گلایه دارند، اما در مورد کوتاهی های خود و خوبیهای دیگران چنان حضور ذهنی ندارند.وقتی در یک خانواده همه اعضای آن با چنین نگرشی اعمال همدیگر را

مورد ارزیـابی قرار دهنـد طبیعی است که همواره در میانشـان نـاراحتی و گلاـیه خواهـد بود.راه از بین بردن این گلایه ها کم کردن توقعات است. انسان بایـد توقعات و انتظاراتش را از انسانها بریده و به خالق خویش وابسـته نماید و از کسـی انتظار نداشـته باشد که خوبیها و نیکیهای او را جبران کند.نیکی را باید همواره بخاطر خود نیکی و اجر و ثوابی که دارد انجام داد نه با انتظار جبران آن، در این صورت است که شخص از نیکی کردن به دیگرا ن لذت می برد و البته زندگی بسیار لذت بخش تری نیز در قیامت در انتظار او خواهـد بـود. و همین تـوجه به ثواب اخروی زنـدگی دنیوی را نیز شـیرین و بـاطراوت می کنـد.این حقیقت را هم بایـد پـذیرفت که فراموش کردن احسانات دیگران و ناسپاسـی برای بشـر امری کاملا طبیعی است و همیشه انتظار سپاسـگزاری از آن انتظار بی حاصل خواهـد بود.عـده ای از والـدین همواره از ناسپاسـی فرزنـدانشان گلاـیه دارنـد، البته حق هم دارنـد، زیرا پر و مـادر نه تنهـا به عنوان سرپرست و بزرگ خانه بلکه بعنوان کسانی که بزرگترین حق را بر انسان دارند شایسـته تکریم و اطاعت هسـتند و اطاعت از آنها از عبادات مهم محسوب می گردد. قرآن مجیـد نیکی به والـدین را پس از ایمان به خدا بزرگترین عمل صالح قرار داده است و جوانی و سـعادت خویش را مـدیون والـدین خویش هسـتند و والدین حق دارند در پاسخ این همه ایثار و احسان انتظار سپاسـگذاری و حق شناسـی داشـته باشـند. البته این امر به تربیت فرزندان بسـتگی دارد، اگر والدین می خواهند فرزندانی حق شـناس و سپاسـگزار داشته باشـند باید آنها را همانگونه تربیت نمایند زیرا حق شناسی میوه پرورش صحیح است و نمی توان آنرا در میان افراد تربیت نیافته پیدا کرد. و البته وهله اول لازم است که والـدین خود حق شـناس باشـند، زیرا اگر فرزنـدان مشاهده کنند که والدینشان نسـبت به دیگران حق شـناس و سپاسـگزار نیسـتند بخوبی این عادت را از آنها تقلیـد کرده و در مورد خودشان عملی می سازند.۵- اختلاف سلیقه: یکی از مواردی که بهضا زنـدگی مشـرک را با مشـکل مواجه می کند، اختلاف سـلیقه است. وجود اختلاف سـلیقه در میان دو فرد امری طبیعی و مسـلم است، مخصـمصا اگر دو فرد از نظر فرهنگی و مـالی تفاوتهایی با هم داشـته باشـند. گاهی مسایلی ماننـد نسب، ثروت و سواد بهانه هایی می شونـد برای اثبات برتری و تحقیر یکدیگر؛ در دین اسـلام برای جلوگیری از مشـکلاتی که از این بابت ممکن است در راه زنـدگی مشترک قرار گیرنـد توصیه شـده که زوجین از نظر فرهنـگ، نسب و مخصوصـا دیـانت تنـاسب داشـته باشـند، اما با این حال در زنـدگی شـهری امروز تفاوتهای نسبی، فرهنگی و مالی امری اجتناب ناپـذیر است. پس نباید این تفاوتها را بهانه ای برای تلـخ کردن زنـدگی مشترک قرار داد و بایـد پـذیرفت که زن و مرد با تمام این تفاوتها و نا برابریها در حقیقت از یک سرچشـمه و نژاد هسـتند. قرآن مجیـد این حقیقت را آشـکارا اعلاـم داشـته است: «یـا ایهـا الناس التقوا ربکم الـذی خلقکم من نفس واحـدهٔ و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء» ای مردمان از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شـمار را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسـرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشـر ساخت.۶- اختلاف دیـدگاهاختلاف سـلیقه و دیـدگاه گاهی سـبب می شود که هریک از زوجین نقاط ضـعفی را در دیگری مشاهـده نماید و بسـیاری از عادات و اعمال او را ناپسند و زشت بداند. توجه به این نکته ضروری است که هر آنچه در نگاه شخص زشت جلوه کند لاـزم نیست که در حقیقت هم زشت باشـد و یـا آنچه را که انسان زیبا می پنـدارد چه بسا که در واقع زیبا نباشـد؛ بار های اتفاق می افتد که انسان ایده آلهای گذشـته خود را تغییر داده و آنها را اشـتباه بداند و چه بسا آنچه را که امروز ایده آل قرار داده روزی تغییر داده و اشتباه بداند. قرآن مجید در این مورد تعبیر زیبایی دارد انجا که می فرماید: «و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شـر لکم» و لیکن چه بسا چیزی را دوست نمی داریـد و آن چیز برای شـما نیک باشـد، و چه بسا چیزی را دوسـت داشـته باشید و آن چیز برای شما بد باشد.۷- دیـدگاه مخصوصاین طبیعی است که هرکس از دیدگاه مخصوص خودش به تجزیه و تحلیل مسایل می پردازد. یکی ممکن است چیزی را زیبا ببینـد اما دیگری بعینه همان را زشت بداند، ممکن است شخصـی که در مسـجد نشسته خیابانی را که از بغل مسجد می گذرد قناس ببیند اما دیگری که در خیابان قرار دارد خیابان را مستقیم و دیوار مسجد را قناس بداند. از این رو به تفاوت نظر و دیدگاه نباید زیاد اهمیت داد. امام مسلم در صحیح خویش روایتی نقل کرده اند که رسول

اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «ان المرء خلقت من ضلع ان تستقیم علی طریقهٔ فان استمتعت بها و بها عوج و ذهبت تقیمها کسرتها و کسرها طلاقها» همانا زن از پهلو آفریده شده که هرگز راست نمی گردد، اگر بخواهید در همان حال از آن استفاده کنید می تواند اما اگر بخواهید راستش کنید می شکنید او را و شکستن طلاق اوست.در این حدیث شریف رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم به این حقیقت اشاره کردند که هرکجی دلیل بر معیوب بودن نیست همانگونه که کج بودن پهلو عیبی نیست زیرا اگر پهلوی انسان راست می بود این زیبایی را نداشت، ضمن اینکه عمل تنفس هم بخوبی انجام نمی گرفت. همین طور بسیاری از زیباییهای شخصیت زن هم بخاطر همین کجی هاست.شاید ذکر داستانی این حقیقت را بیشتر برای ما روشن کند؛ علامه محمد تقی عثمانی در یکی از سخنرانیهایش داستان پیرزنی را نقل کرده اند که مالک عقابی بود، این پیرزن ساده لوح کج بودن منقار و چنگالهای عقاب را عیب می دانست و تصور می کرد که این کجیها ممکن است مانع راه رفتن و شکار عقاب گردد، بهمن خاطر از سر دلسوزی با قیچی منقار و جنگالهای عقاب را قطع کرد، اما با این عمل موجب نابودی عقاب بیچاره گشت. از این رو بجای تلاش بی ثمر در مورد نقاط ضعف همسر خویش، باید به نقاط قوتش توجه داشت زیرا اگر مثبت فکر شود قطعا هرکدام از زوجین نقاط قوت بیشماری در یکدیگر مشاهده خواهند نمود، و با توجه به مزیتها و زیبایی ها و صرف نظر کردن از ضعفها می توان بسیاری از درگیریها و کدورتها را از بین برد. چنانکه در حدیثی آمده است: «لا یفرك مومن مومنهٔ ان کره منها خلقا رضی منها آخر» هیچ مرد مومنی نباید از زن مومنه اش متنفر باشد زیرا اگر عادتی را از عاداتش نپسندد عادت دیگری را خواهد پسندید.۸- شفاف نبودن مسایل مالی: یکی از مسایل که می تواند زمینه ساز بسیاری از اختلافات باشد شفاف نبودن مسایل مالی در خانواده است. در بسیاری از خانواده ها اموال و دارایی های اعضای خانواده مشترك و مشاع است و افراد بخاطر صمیمیت و یا رودربایستی از شفاف کردن دخل و خرج خویش طفره می روند و حتی آنرا عیب می دانند. رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در این باره فرمودند: «تعاشروا کالاخوان تعاملوا کالاجانب» با هم همچون برادران معاشرت و همزیستی داشته باشید ولی در معاملات و داد وستد همچون بیگانگان برخورد کنید.آنچه از این فرموده گهر بار رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم استدلال می شود این است که در معاملات باید قانونمند و بدون رودربایستی عمل گردد، اگر چه معامله در میان اعضای یك خانواده باشد. در اموال مشترك لازم است سهم هر کدام از شرکاء و مقدار مصرفی هر یك مشخص و روشن باشد تا بعدا بر سر میزان مالکیت یا سود وزیان احتمالی اختلافی بروز نکند. زیرا مسایل مالی قطعا پس از گذشت زمان موجب اختلاف در میان برادران خواهد شد، حتی اگر بپذیریم که آنها اختلاف نکنند، قطعا فرزندانشان اختلاف خواهند کرد.۹- تقسیم نکردن ارث: یکی از عوامل درگیریهای خانوادگی تقسیم نکردن ارث، مخصوصا محروم کردن زنان و دختران از آن است. این مسئله اغلب موجب کدورتهای عمیق شده و تا چند نسل ادامه پیدا می کند و در مواردی موجب قتل و خونریزی نیز می گردد.در جوامع سنتی بدلیل حاکم بودن فرهنگ مرد سالاری محروم کردن زنان و دختران از ارث به فرهنگی رایج و عادی تبدیل شده و کمتر صدای اعتراض در مورد آن شنیده می شود، حتی خود دختران نیز تحت تاثیر این فرهنگ جرات مطالبه حقوق خویش را نداشته و به ناچار سکوت می کنند و بقیه ورثه که در اغلب موارد برادران و یا عموها و کل مال ترکه را تصاحب می کنند. حتی در مواردی اگر اعتراضی هم توسط زنی بشود، از آنجایی که برای او حقی قایل نیستند، توجهی به این اعتراضات نداشته و خوردن اموال او را حلال می دانند. در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «لا یحل مال امرء مسلم الا بطیب نفسه»؛ مال هیچ شخص مسلمانی بدون رضایت قلبیش برای کس دیگری حلال نیست.شاید زشت ترین و زننده ترین صحنه این ظلم بزرگ زمانی است که اموال یتیمی توسط عموها و دیگر ورثه با تاراج رفته و جلوی چشمان اشکبارش حیف و میل می شود.این عمل به حدی زشت و شنیع است که هر وجدان بیداری را متالم ساخته و عرش الهی را نیز به لرزه در می آورد.اما آیا این وجدان خوابیده انسانهای قسی القلب نیز روزی بیدار خواهد شد؟«به امید آن روز»

خانوادهٔ معاصر

دکتر شکوه نوابی‌نژاد گونه‌شناسی و مشکلات آن: خانواده، سنگ بنای جامعه بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد یکایک اعضای جامعه، نقش بنیادین دارد. تلاش در جهت استحکام خانواده و استوارسازی روابط درون این سیستم؛ زمینه را برای سلامت اخلاقی و سعادت عمومی فراهم می‌سازد. خانواده، عامل" اجتماعی کننده، "و منتقل کنندهٔ اصول اخلاقی و مهارتهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر است. خانواده می‌تواند در پرورش توانائیهای بالقوهٔ افراد از طریق مراقبتهای دوران کودکی و نوجوانی اثر بگذارد و در اوقات خوش و ناخوش برای حمایتهای عاطفی و معنوی و هرچه معنی‌دارتر کردن تجارب، ما را یاری دهد. زندگی خانوادگی، یک پدیدهٔ جهانی است، قدیمی‌ترین، اساسی‌ترین و در عین حال، بادوامترین نهاد انسانی و باارزشترین جایگاه تربیت نسل است. مراقبتهای اولیه در خانواده صورت می‌گیرد و نیازهای اساسی در آن برطرف می‌گردد. ایجاد محیطی امن و باثبات به‌ویژه برای کودکان، نیرومندترین آرزوی خانواده است. تزلزل خانواده در جهان معاصر گروهی از کارشناسان خانواده و مسائل اجتماعی به سرپرستی بری(Bray) در امریکا در سال ۱۹۸۸ پس از یک مطالعه طولی سیستماتیک طی ۹ سال به این نتیجه رسیدند که بحرانهای اجتماعی و روانی در جهان معاصر موجبات تضعیف و تزلزل و در نهایت سقوط خانواده‌ها گردیده است. اما بحران‌هائی که امروز همانند آلودگیهای هوا یک واقعیت تلخ است، همچون استرسهای رو به تزاید در زمینه‌های تحصیلی و شغلی ناشی از زندگی ماشینی و پیشرفت تکنولوژی، تغییر بنیادین در الگوهای تولید، تغییرات در شیوه‌های زندگی افراد، تورم و بحرانهای شدید اقتصادی، تبعیضهای اجتماعی، تورم جمعیت، مهاجرتهای بی‌رویه، ازدواج و شهرنشینی، کاهش ارزشهای مذهبی و اخلاقی، آزادیهای جنسی و گسترش اعتیاد در جهان امروز، نهاد مقدس خانواده را دستخوش شعله‌های وحشیانه خود گردانیده و خانواده را به ویژه در جوامع غربی، تضعیف کرده و ساختارهای تازه‌ای به وجود آورده است. این فرایند، کودکان و بزرگسالان را در معرض مشکلات جسمانی و اختلالات روانی قرار داده است. خانواده که نابسامانیهای انسان را متحمل می‌گردد، قادر است نقش عظیمی در سلامت جامعه ایفا کند و شخصیت انسان را شکل دهد. خانواده که سنگ زیرین بنای جهان ماست، امروز بیش از همیشه در معرض فشار و بحران قرار دارد. اشکال مختلف خانواده‌خانواده زیست می‌کند و تکامل می‌یابد و هزاران سال در معرض تغییرات مداوم تحولات جهان بوده است. شاید بهتر باشد به جای «خانواده» سخن از «خانواده‌ها» بگوئیم- زیرا شکل خانواده در مناطق و فرهنگهای گوناگون تغییرات شگرف‌آوری کرده است.اشکال متداول خانواده عبارتند از:۱) «خانواده هسته‌ای»: از زن و شوهر و فرزندان تشکیل یافته است. از هر ده خانواده، ۹ مورد هسته‌ای است.۲) «خانواده گسترده»: معمولاً ـ شامل بیش از دو نسل است؛ والدین، پدربزرگ و مادربزرگ و فرزندانشان و ممکن است دیگر بستگان را نیز شامل گردد. این خانواده‌ها عمدتاً در مناطق کشاورزی رایج است.۳) «خانواده مشترک»: گروهی از افراد به شکل مشترک زندگی می‌کنند. این زندگی اشتراکی از گروههای مختلف هسته‌ای تشکیل یافته است، لکن افراد در آشپزی، غذا خوردن، مراقبت از کودک و کار کردن با یکدیگر مشترک هستند. تصمیمات، جمعی اتخاذ می‌شود. مالکیت اموال و دارایی نیز اشتراکی است. در گزارش یونسکو حدود ۳۵۰ اجتماع اینچنینی در امریکای شمالی و ۵۰ اجتماع در انگلستان تخمین زده می‌شود. بحران‌اینک به نمونه‌ای از آسیبهای فراگیر که متوجه «خانواده» می‌باشند اشاره می‌شود:-۱ وصلتهای غیر رسمی: تنها در فرانسه که در این زمینه عقب‌تر از کشورهای اسکاندیناوی است، ۱۰ درصد از زوجها (حدود ۱ میلیون زوج) در دایره وصلتهای آزاد با یکدیگر زندگی می‌کنند. این درصد در پاریس و شهرهای بزرگ که متوسط سن مردان زیر ۲۵ سال است، تا ۵۰ درصد افزایش داشته است.-۲ طلاق و جدایی: میزان طلاق، شاخص درخور ملاحظه دیگری به دست می‌دهد. براین اساس مردان و زنان اروپا به مراتب کمتر از گذشته ازدواج را تحمل می‌کنند. از ۱۹۹۵ تاکنون در کشورهای شمال اروپا به استثنای ایرلند که در آن طلاق ممنوع است، طلاق سیر صعودی دارد. در بیشتر این کشورها تشریفات

طلاق را ساده‌تر کرده‌اند. هرچند، این تغییرات قانونی هنوز از تغییر در نگرش مردم نسبت به طلاق عقب‌تر است. در آمریکا سال ۱۹۸۸ براساس آمار گزارش شده، از هرسه عقد ازدواج که طی سال صورت می گرفت، بیش از یکی به طلاق می‌انجامید. در تحقیق دیگری توسط مارتین و بامپاس گزارش شده است که ۲۳ ازدواجها در امریکا در ۱۹۸۹ به طلاق انجامیده است و طلاق بزودی یک امر عادی و نه استثنأِ تلقی خواهد شد.-۳ کودکان بیرون از مدار زناشویی: با افزایش وصلتهای غیر رسمی، بر تعداد کودکانی که بیرون از مدار زناشویی، زاده می‌شوند افزوده شده است. در سال ۱۹۸۰، ۴۰ درصد از کودکان سوئدی از مادران بی‌شوهر، زاده شدند. به همین منظور اصلاحاتی در قوانین اجتماعی به سود خانواده تک والدی انجام گرفته است.در فرانسه میان سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۶ شمار این کودکان تا ۵۰ درصد افزایش داشته است. در امریکا براساس گزارش مرکز آمار ملی بهداشتی در سال ۱۹۸۹ یک میلیون کودک از مادرانی که هرگز ازدواج نکردند متولد شده است و این درصد ۶۴ برابر آمار ۱۹۸۵ در امریکا بوده است.-۴ خانواده‌های تک‌والدی: افزایش خانواده‌های تک والدی که بیشتر نتیجه طلاق است، افزایش کودکانی شده که بیرون از مدار زناشویی متولد می‌شوند. دست کم در ۹۰ درصد موارد، وظیفهٔ حضانت و پرورش فرزندان در امریکا و برخی از کشورهای اروپای شمالی به مادر واگذار می‌شود.-۵ زندگی مجرد: شکلهای دیگری از باصطلاح خانواده، وجود دارد که رده‌بندی آنها به همین‌سان دشوار است و از آنجا که نه مشمول ازدواج قانونی است و نه وصلت غیر رسمی با خانواده‌های تک‌والدی، در هیچ یک از آمار یا داده‌های جامعه‌شناسی نمی گنجد. بیشتر کشورهای اروپایی در حال حاضر باتجربه افزایش تعداد افراد، به ویژه جوانانی روبرو است که مجرد زندگی می کنند. یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که در ۱۹۸۵ در فرانسه ۲۷ درصد مردان ۳۰-۳۴ ساله و ۲۶ درصد زنان در همان گروه سنی تنها زندگی می کردند. درمقابل خانواده، آنان گرد خود، شبکه‌ای مصنوعی ساخته‌اند تا بدان وسیله از حمایتهای عاطفی و اجتماعی برای حفظ تعادل شخصی برخوردار شوند. در میان آنان، زنان و مردانی هستند که با هم زندگی نمی کنند بلکه هریک در خانه خویش اقامت دارند ولی هردو، سهمی از درآمد خود را به صندوق مشترکی می‌ریزند تا چنانچه صاحب فرزند شدند بتوانند به نوبهٔ خود به این تعهد مالی تازه، وفا کنند.-۶ همجنس‌خواهی: در مواردی اعضای همجنس با هم زندگی می کنند. تعداد اینها نیز در اکثر جوامع به دلائل مختلف فرهنگی در آمارها یا داده‌های جامعه‌شناسی نمی گنجد. به هرحال تعداد فزاینده‌ای از این باصطلاح «خانواده‌ها» (به مفهوم آماری این اصطلاح)، اعم از شخصی که تنها زندگی می کند یا دو یا چندتن همجنس با هم زندگی می کنند، انبوهی از شکلهای متعدد زندگی اجتماعی را در جوامع غربی به وجود می‌آورد. اروپاییان کمتر مایلند به قانونگذاران اجازه دهند که برای آنچه زندگی خصوصی می‌نامند همچون سقط جنین، قانون رفتاری وضع کنند.-۷ اقتصاد و اشتغال: تورم و بحرانهای شدید اقتصادی نیز ایجاب کرده است که زن و مرد ساعات بسیار طولانی را خارج از خانه در تلاش بگذرانند. در سال ۱۹۸۷، ۴۱٪ اروپاییان در یک نظرخواهی اظهار داشتند که طرفدار خانواده‌هایی هستند که در آن پدر و مادر شغلی داشته باشند. ۲۵٪ ترجیح می‌دادند که در آن فقط مرد به کار بیرون از خانه بپردازد. در تحقیقی که نویسنده روی دانشجویان انجام داده (۱۳۷۱) حدود ۶۷ درصد دانشجویان پسر به‌دلایل اقتصادی نیز طرفدار همسری بودند که دارای شغل خارج از خانه باشد. این وضع باعث شده است کاکردهای خانواده در مقایسه با گذشته محدود شود. هرچند برخی از این کارکردها همچنان در خانواده، باقی است. تداخل سازمانها و نهادهای دیگر اجتماعی در انجام این وظایف خود نیز عامل دیگری در تزلزل ساخت خانواده است. مشکلات خانواده‌تحقیقات گسترده‌ای (تی‌زل، واتسون و دیگران ۱۹۹۲-۱۹۹۵) نشان می‌دهد که رویدادهای ناراحت کننده دیگری نیز در زندگی خانواده‌ها در حال شکل‌گیری و افزایش است و زندگی را پیچیده‌تر و دشوارتر از سابق نموده است:۱) طلاق: به طور کلی بی‌ثباتی در ازدواج، در سطح جهان‌افزایش یافته است. در زمانی نه چندان دور هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و مذهبی زوجها را بر آن می‌داشت که با وجود ناشادی در زندگی زناشویی، ادامه زندگی بدهند و خانواده‌ها را از هم نپاشند. به نظر می‌رسد امروز این کنترلهای اجتماعی در بسیاری از کشورها رو به اضمحلال و سقوط است و جداشدن زن و

شوهر از یکدیگر به مراتب سهلتر از گذشته شده است. افزایش نرخ طلاق در نتیجه تغییرات دو دهه گذشته در دنیای امروز به طور چشمگیری ادامه دارد. قبل از دهه ۱۹۵۰، طلاق در خانواده‌های دارای فرزند نسبتاً غیرمعمول بود در حالی که تا سال ۱۹۸۲ در کشور امریکا از هر دو ازدواج، یکی به طلاق می‌انجامید.۲) خطر در خانه (خشونت/بهره کشی): خشونتهای خانگی علیه زنان، بالاترین آمار جنایتهای منتشر نشده است. کودکانی که به شدت تحت بهره کشی‌های جسمانی، جنسی و یا عاطفی قرار می گیرند، پیوسته در زندگی دچار افسردگی، فقدان اعتماد بنفس و احساس ارزشمندی خواهند بود. به‌طور کلی در جهان، بیشترین خشونت و بهره کشی در خانواده، توسط مرد صورت می گیرد و بیشترین قربانیان زنان و کودکان هستند. خشونت علیه زنان با اشکال مختلف صورت می گیرد که می‌تواند از حملات جسمانی تا اهانتهای روانی شامل فحاشی، مالکیت مطلق بر زن و یا تجاوز جنسی را دربرگیرد.ستمهای جسمانی اغلب همراه با خشونتهای جنسی است. گزارش اخیر سازمان ملل نشان می‌دهد که در کشورهای اوگاندا، شیلی، لهستان و ایالات متحده امریکا، خشونت علیه زنان عمدتاً تحت تأثیر الکل و مواد مخدر صورت می گیرد. در مورد بهره کشی و تجاوز نسبت به زنان و کودکان، آمار نشان می‌دهد که در امریکا ۵۳ درصد مردانی که زنان خود را کتک می‌زنند از فرزندانشان نیز بهره کشی می کنند، همچنین آمار نشان می‌دهد کودکان و نوجوانانی که دارای مادران معتاد به الکل هستند، به بزهکاری روی می‌آورند.۳) فقر: فقر، بیکاری و قرض، از عواملی است که رفاه خانواده را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. اعضای خانواده‌ها مجبور می‌شوند در جستجوی کار، خانه را ترک کنند و در شرایط ناگواری زندگی کنند، در امریکا، ثروتمندترین کشور جهان، دست کم، دوازده میلیون کودک زیر خط فقر زندگی می کنند که از این تعداد ۴۵ درصد سیاه‌پوست و ۳۹ درصد متعلق به امریکای لاتین می‌باشند. تقریباً در همهٔ موارد، فقر، توانائیهای خانواده را در تأمین نیازهای اساسی اعضأ، مورد تهدید قرار می‌دهد. علاوه بر آن بر کلیهٔ جنبه‌های زندگی خانوادگی، اثرات نامطلوبی برجای می گذارد. در نتیجه فقر، خانواده پیوسته در معرض انواع بیماریها، سوءتغذیه و محرومیت از بهداشت و آموزش و پرورش و سایر حقوق طبیعی انسانها، خواهد بود.۴) استثمار کودکان و نوجوانان: امروز در بسیاری کشورها با وجود قانون حمایت از کودکان، آنان نه در مدرسه مشغولند و نه در زمین بازی، بلکه مشغول کار کردن در وضع بد هستند. پدیده دردناک استثمار کودکان و نوجوانان حدود ۷ ساله برای روسپیگری امروز یک معضل جهانی است. در تایلند این قربانیان به‌عنوان برده به توریستهای ثروتمند فروخته می‌شوند. بیش از یک میلیون کودک در جهان به خودفروشی جنسی اجباری دچار هستند و غالباً مورد سوء استفادهٔ توریستهای غربی قرار می گیرند.۵) نوجوانان در معرض خطر: تحقیقات در ایالات متحده امریکا نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر، نرخ افت تحصیلی، بارداری و سقط جنین بین نوجوانان به شدت روبه افزایش است. نرخ بزهکاری تا ۱۳۰ درصد بین سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۸۰ افزایش یافته است. خودکشی، تصادف در جاده و قتل بین سنین ۱۵ تا ۱۹ سالگی بشدت بالا رفته است. در سراسر دنیا، مصرف مواد مخدر افزایش سریع داشته است. شیوع روابط غیرمشروع جنسی بین نوجوانان، خطر ابتلا به بیماری ایدز را هر روز بیشتر می کند. براساس آمار سازمان بهداشت جهانی حداقل نیمی از قربانیان ویروس ایدز را افراد کمتر از ۲۵ سال تشکیل می‌دهد.۶) کار شاق زن و مرد خارج از خانه: تولیدات سرمایه‌داری، نه فقط مردان را ناگزیر به اشتغال در جایگاههای مختلف شغلی می‌سازد بلکه به نیروی کار زنان در مشاغل نیز نیازمند است. بسیاری خانواده‌های شهری قادر نخواهند بود برای تأمین نیازهای افراد خانواده فقط متکی به یک درآمد باشند. از جمله پی‌آمدهای تغییر الگوهای کار در خانواده، در دهه‌های اخیر را می‌توان تک والدی، افزایش نرخ بیکاری و تغییر در نقشهای سنتی جنسی زنان و مردان در خانواده دانست. (انتشارات یونسکو ۱۹۹۳). سلامت و امنیت اجتماعی‌ازدواج و تشکیل خانواده، مطمئن‌ترین راه سلامت و امنیت جامعه است. هنگامی که مبانی خانواده مستحکم باشد و جوانان به ازدواج و تشکل خانواده بپردازند، انحطاط، سرگردانی، طغیان، تجاوز جنسی و شیوع بیماریهای خطرناک جنسی به طرز چشمگیری کاهش می‌یابند. براساس آمار سازمان بهداشت جهانی و پژوهش کانونهای اصلاح و تربیت ایران، بیشتر افرادی که به نوعی به انحراف کشیده می‌شوند از فضای گرم و عاطفی خانواده،

محروم بوده و آغوش پدر و مادر را تجربه نکرده‌اند.هرگونه تغییر مثبت یا منفی در خانواده، در جامعهٔ بزرگ انسانها نیز تأثیر مستقیم دارد. ثبات یا بی‌ثباتی خانواده مستقیماً بر جامعه تأثیرگذار است. در جوامعی که ارزشهای خانواده متزلزل گردد بی‌شک ارزشهای اخلاقی عمومی نیز سقوط خواهد کرد. خانواده، واحد اساس اجتماعی زندگی هر فرد است و آنچه بزرگسالان در جامعه عمل می‌کنند فراگرفته‌های آنان در خانواده است. براساس آخرین گزارشات ادارهٔ امور جوانان وزارت دادگستری امریکا در سال ۱۹۸۲، ۱۱۸۶۵۵ پرونده قتل و تجاوز و دزدی و حملات خشونت‌آمیز تنها به دست نوجوانان زیر ۱۸ سال به ثبت رسیده است (روزنامه کریستن ساینس مانیتور ۱۹۹۲").ادل هارل "متخصص انستیتوی امور شهری در واشنگتن در این رابطه خاطرنشان می‌کند که بر اساس مدارك موجود، این نوجوانان عمدتاً از نسل مادرانی هستند که به مواد مخدر، اعتیاد دارند و حدود ۳۰ درصد آنها دارای خانواده‌های از هم گسیخته‌اند که با پدر و مادر زندگی نمی‌کنند. به گفتهٔ هارل، نفوذ فرهنگ گانگستری در بین جوانان که محصول خانواده‌ای از هم پاشیده است از عوامل مهم افزایش جنایات در امریکاست. در پژوهشی که نویسنده در سال ۱۳۶۲ روی جوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت ایران انجام داد، ۳۹ درصد از آنها متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته و یا معتاد بوده‌اند.علی‌رغم همهٔ این بحرانهاکه ساختار خانواده را متأثر ساخته و علیرغم تغییرات ساختاری در خانواده‌ها، خانواده سنتی در مقایسه با دیگر شکلهای خانواده، مقامی برتر دارد. این وابستگی عاطفی به واحد خانواده و فرزندان، همراه با پیدایش پاره‌ای ساختارهای جدید خانواده، نشان تجدید ستایش از حریم خانه و خانواده است. جایگاه تفاهم و روابط مهرآمیز و محل تأمین نیازهای روانی - اجتماعی افراد و بستر امنیت و آسایش، خانواده است. در همه جوامع بویژه جوامع غربی که بیشترین قربانیان تضعیف جایگاه خانواده هستند، تنها وظیفه نهادی خانواده که هنوز تا حدودی پابرجاست، محبت غریزی است.آرامش جسمی - روانی، پویاییهای زندگی و رشد شخصی زن و مرد تنها در خانواده شکل می‌گیرد، هرچند ممکن است در مواردی این شکل‌گیری ناسالم و نامطلوب باشد. این عملکردهای خانواده یعنی محبت، عشق‌ورزیدن، فرزند پروری، احساس تعلق و وابستگی، به تنهایی قادر خواهد بود خانواده را بین نهادهای مختلف اجتماعی، ناهمانند و منحصر به فرد سازد. مطالعات «اداره بهداشت عمومی امریکا» در ۱۹۸۰ نشان می‌دهد که بین سلامت روانی و ازدواج، همبستگی معنی‌دار مثبتی وجود دارد. افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد در وضعیت بهتری از سلامت روانی قرار دارند، نشانه‌های نوروتیکی در مقایسه، کمتر در آنها دیده می‌شود و درصد کمتری از آنها در بیمارستانهای روانی، بستری‌اند. ازدواج و تشکیل خانواده برای انسانها یک نیاز طبیعی است که از فطرت و آفرینش ویژه آنان سرچشمه می‌گیرد و نباید آن را یک قرارداد متعارف اجتماعی تلقی نمود که در صورت عدم تحقق آن، آسیبی به نظام اجتماعی وارد نمی‌شود. بلکه برعکس هرگونه آسیب به این بنیان مقدس، پیامدهایی را درتحول ساختار کلی و نظام ارزشی و فرهنگی آن به دنبال دارد. ازدواج و تشکیل خانواده به عنوان یک میل ذاتی و طبیعی، مورد تأئید و تأکید همهٔ ادیان الهی بویژه دین مبین اسلام بوده است. اسلام همهٔ پیروان خود را به ازدواج و تشکیل خانواده ترغیب نموده است. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله می‌فرمایند: «هیچ نهادی نزد خداوند محبوبتر از ازدواج نیست.» ازدواج، ازجمله نیازهای اساسی انسان در طول تاریخ است و تضعیف آن کاملاً غیرمعقول و دور شدن از سنتهای سالم اجتماعی است.

نظام خانواده

حجت الاسلام زیبایی نژاد

قانون اساسی جمهوری اسلامی به موضوع خانواده به عنوان یک موضوع کلیدی توجه کرده و در یکی از مواد خود تصریح کرده است که کلیه قوانین کشور بایستی در جهت تقویت خانواده و دفاع از استحکام آن باشد اما تحولاتی که در دهه‌های اخیر در کشور مشاهده می‌شود، نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده که گویا ما از اهداف قانون اساسی دور شده‌ایم و در مجموع این تحولات

در مسیر کارآمد شدن خانواده قرار گیرد وما روز به روز شاهد آثار ضعف در خانواده ایرانی هستیم. البته این مسئله صرفاً یک مسئله داخلی قلمداد نمی‌شود چرا که تحولات خانواده در کشورهای مختلف این نگرانی‌ها را به وجود آورده است. در سال ۱۹۹۰ سمیناری در یونسکو در مورد آینده خانواده برگزار شده که در آن مطرح شد که ما مشکلی را نسبت به سیاست‌های دولتی داریم به طوری‌که سیاست‌های دولتی تا الآن در خدمت حمایت ازفرد قرار داشتند. یعنی می‌گوییم اقشار آسیب‌پذیر، کودان، سالمندان، زنان و... هستند و سیستم حمایتی از این اقشار همیشه فعال بوده، در صورتی‌که تاکنون سیستم حمایتی از خانواده به عنوان یک کل منسجم شکل نگرفته است. این در حالی است که سیستم حمایت از خانواده از افراد به دلیل اینکه نسبتی را بین این اقشار و خانواده برقرار نکرده است، گاهی حمایت از فرد به تضعیف خانواده منجر می‌شود. یعنی این اقدامات و تصمیمات سازماندهی شده تأثیرات منفی بر خانواده گذاشته است. این یک طرف قضیه است وطرف مقابل آن، برنامه‌ریزی‌هایی است که در دهه‌های اخیر نسبت به خانواده با قیدی خاص شده است. مانند برنامه‌هایی برای خانواده شهدا، خانواده‌های بی‌سرپرست و خانواده‌های کم بضاعت. نگاه حمایتی خانواده نیز بیشتر نگاه کمیته امدادی بوده است به طوری‌که از خانواده‌های ضعیف حمایت اقتصادی می‌شده است. ما در تحلیل علت مشکلات خانواده و آسیب‌شناسی آن در اینجا با سه برداشت مواجه هستیم. این سه برداشت در یک سطح از تحلیل قرار ندارند که به سه سطح از تحلیل در مورد مشکلات خانواده اشاره می‌کنم و در هر زمینه فقط به سر فصل‌های آن خواهم پرداخت.برداشت اول در آسیب‌شناسی خانواده، آسیب‌شناسی خانواده با نگاهی جزیی است. یعنی تک تک مشکلاتی که خانواده دارد را مورد بررسی قرار می‌دهیم. به عنوان مثال می‌گوییم از مشکلات خانواده کم شدن تمایل به ازدواج است و علل تمایل به ازدواج را تحلیل می‌کنیم. از یک طرف راه‌های ارضای جنسی خارج از خانواده توسعه پیدا کرده است که نتیجه آن ضعف تمایل به تشکیل خانواده می‌شود. از طرفی کم شدن تمایل به ازدواج ناشی از تبلیغات فرهنگی می‌شود که اهمیت تشکیل خانواده را کمرنگ نشان می‌دهد و صرفا ازدواج را به عنوان گزینه‌ای که شخص انتخاب می‌کند و یا انتخاب نمی‌کند نشان می‌دهد. علت دیگر از این موضوع می‌تواند ناشی از ترس و اضطرابی باشد که جوانان به ویژه دختران از آینده ازدواج دارند. رواج این فرهنگ‌ها که هر پسر و دختری نیاز به همسر دارند یا دختری که وارد خانه همسر می‌شود با لباس سفید می‌آید، با لباس سفید می‌رود و امثال این فرهنگ‌ها و نگاه‌ها، یک نوع آثاری دارد و نگاهی که ازدواج را هر لحظه در معرض تزلزل قرار می‌دهد آثار و پیامد دیگری دارد و تمایل به تشکیل خانواده را کم می‌کند. یکی از علت‌ها دسترسی زنان به سیستم‌های حمایتی اطمینان بخش مانند اشتغال، بیمه‌های اجتماعی و... است. زن در گذشته به خاطر اینکه برای آینده خود نیاز به حامی اقتصادی داشت، نیاز بیشتری به ازدواج می‌دید ولی امروز دولت‌ها جای آن را پر کردند و باعث کاهش این نگرانی‌ها شدند. بحث دیگر، موضوع بالا رفتن سن ازدواج است که علت‌های مختلفی دارد. یکی از علت‌های آن، نظام تحصیلی طولانی است که باعث می‌شود ازدواج را به خاطر تمام شدن دوره تحصیلی به تأخیر بیاندازند و دیگر اینکه در فرهنگ موجود، تحصیلات دختران به عنوان یک عامل مؤثر در گزینش پسران مطرح می‌شود و یا اینکه چون سیستم‌های حمایتی دولتی نیز کسانی را مورد حمایت بیشتری قرار می‌دهند که تحصیلات بالاتری داشته باشند لذا دختران به خاطر ترس از آینده به سطوح بالاتری از تحصیل فکر می‌کنند ونیز عوامل دیگری می‌تواند وجود داشته باشد مخصوصاً اینکه فرهنگ حاکم، عزت‌مندی اجتماعی را امروزه در تحصیلات می‌داند که برای دختران و سن ازدواج آن‌ها بسیار تعیین کننده است. از نگرانی‌های دیگری که وجود دارد، تغییر در شیوه همسرگزینی است. در خانواده سنتی، سیستم همسرگزینی ساده است و توسط والدین انجام می‌شود و معمولا فرزند کمتر دخالت می‌کند. در این حالت والدین معمولا گزینش همسر برای فرزند خود را در محدوده جغرافیایی محل و طایفه خود انجام می‌دهند که این امر تا حدود زیادی همسانی فرهنگی را به دنبال دارد. ولی در جوامع نوین، انتخاب هم از شکل سنتی خود خارج می‌شود و دختر و پسر همدیگر را انتخاب می‌کنند که این انتخاب یا در محیط دانشجویی است، یا محیط اشتغال و یا موارد دیگر که در این صورت همسانی فرهنگی به طور کامل رعایت

نمی‌شود و تناسب‌های خانوادگی وجود ندارد.خانم رؤیا منجم درکتاب« زن، مادر» آورده است که: برخلاف این فکر که اگر دختر و پسر خودشان همسرشان را انتخاب کنند و قبل از ازدواج مراوده زیادی باهم داشته باشند، دوام زندگی بیشتر است، تجربیات مشاوران طور دیگری را نشان می‌دهد. مشاوران به این نتیجه رسیده‌اند که ازدواج‌هایی که به روش سنتی صورت گرفته از دوام بیشتری برخوردارند. چرا که اختلافات خانوادگی معمولا از اختلافات ایدئولوژیکی وسیاسی سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه بیشتر ناشی از اختلافات فرهنگی، سلیقه‌ای و طبقه‌ای است که در مراوده‌ها و برخوردهای خانوادگی و اجتماعی بروز می‌کند و این موارد به طور ناخودآگاه بیشتر در سیستم سنتی رعایت می‌شده است. امروز جوانان بیشتر بر اساس یک نگاه انتخاب همسر می‌کنند و آرامش روانی برای تشخیص آنچه صحیح است را ندارند چرا که به طور طبیعی انتخاب بر اساس یک نگاه لحظه‌ای تحت تأثیر غرایض جنسی و یا احساسات است و فرد نمی‌تواند به صورت عقلانی نسبت به آینده تصمیم بگیرد. در این فرآیند جدید که انتخاب همسر بر اساس نگاه توسط جوانان انجام می‌شود، یک نتیجه هم خواهد داشت و آن اینکه دختر احساس می‌کند دراین فرآیند باید خودش را در معرض دید پسر قرار دهد و در نتیجه تبرجات دختران در محیط‌های عمومی زیاد می‌شود. این ناشی از نگرانی موجود دختران جهت عدم گزینش پسران است و گاهی دیده می‌شود که دختران محجبه‌ای که در محیط‌های تک جنسیتی اشتغال یا تحصیل دارند، احتمال اینکه دیرتر در مظان ازدواج قرار بگیرند بیشتر است. چرا که فرایند همسر گزینی تغییر کرده است و این هم از نگرانی‌هاست که البته خود این مسئله دوام زندگی را دچار مشکل می‌کند.بحث مهم دیگر کم شدن تعهد به ایفای نقش‌های جنسیتی است و علاوه بر آن کم شدن مهارت به ایفای آن یعنی یک مرد به عنوان سرپرست خانواده چقدر مسئولیت‌های سرپرستی را قبول دارد؟ کم کم می‌بینیم که توقع مشارکت همسر در سرپرستی خانواده و تأمین هزینه‌ها در مردان زیاد می‌شود و از طرف دیگر رفته رفته مسئولیت‌های اخلاقی و حقوقی زنان در جایگاه همسری و مادری برای زنان کمرنگ می‌شود و از طرف دیگر علاوه بر کم شدن این دغدغه‌ها و واگذاشتن مسئولیت‌ها به عهده نهادهای اجتماعی، مهارت‌های ایفای نقش‌های جنسیتی نیز کم شده است. به عنوان مثال مهارتی که پدر باید در کظم غیظ در جای لازم یا در مواجهه با بحران‌های به وجود آمده برای خانواده داشته باشد ندارد و مشکلات خانواده به سرعت مرد را متزلزل می‌کند. یا مثلا زن نه تمکین را به عنوان یک مسئولیت می‌پذیرد و نه می‌داند چگونه از موضع تمکین زندگی را اداره کند یعنی روش‌های زنانگی کردن در محیط خانواده کمرنگ شده است. فرزند سالاری به این معناست که خانواده بیشترین همت خود را بر منافع و نه مصالح فرزند معطوف می‌کند. بعضی‌ها از فرزندسالاری به: «غلبه پدر و مادری بر زن و شوهری» تعبیر می‌کنند. مسئولیت مهم زوجین مسئولیت زن و شوهری است یعنی همسر بودن مهم‌تر از مادر بودن است. اگر رابطه زن و شوهری به خوبی شکل بگیرد، ناخودآگاه فرزندان در ارتباطاتشان به همانندسازی و جذب الگوها اهتمام می‌ورزند.توجه بیش از حد به فرزندان باعث می‌شود تا ارتباط بین زن و شوهر تحت الشعاع قرار بگیرد.مشکل بعدی در خانواده، کم ظرفیتی خانواده برای حل مشکلات به وجود آمده است. آموزش‌های رسمی، اصلاً ناظر بر این موضوع نیست که چگونه قابلیت اعضای خانواده را برای حل مشکلات افزایش می‌دهد گرچه سن ازدواج در دختران و پسران بالا ـ رفته است اما آمادگی حل مشکلات در آنها دیده نمی‌شود.تأثیراتی که رسانه‌ها در فرهنگ اخلاقی مردم به وجود آورده‌اند این است که در زمینه تحریکات جنسی گروهی از خانواده‌ها به دلیل اینکه احساس می‌کنند راه‌هایی پیش روی خود دارند، در نتیجه زمینه‌های رابطه بین زن و شوهر کم و تأثیرگذار شده است.مشکلات خانواده را می‌توان از زاویه دیگری هم بررسی کنیم و بگوییم گاه معضلات خانواده ناشی از ساختارهای حاکم بر جامعه است. یعنی در برداشت اول نظرمان معطوف به این است که بعضی خانواده‌ها مشکلاتی دارند. در برداشت دوم می‌گوییم مسأله ما فقط برخی از خانواده‌ها نیست، بلکه اصولاً کلیت خانواده‌ها تضعیف شده و رفته‌رفته کارکردهای خودش را از دست می‌دهد.بنابراین مشکلات خانواده، علل عمده‌تری دارد، علت‌هایی که ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم، بر خانواده‌ها تحمیل می‌کنند. به عنوان مثال در دهه‌های اخیر در ادبیات علمی و رسانه‌های

عمومی، برخی از مفاهیم چون، فردگرایی را ترویج می‌کنند. وقتی که فردگرایی و آزادی فردی با مفهوم لیبرالیستی آن، در جامعه اسلامی ترویج شود در نتیجه فرد به خود و منافع شخصی خود توجه می‌کند. در چنین وضعیتی، ارزش‌های گروهی کم اهمیت تلقی می‌شود و منافع فرد در زاویه دید قرار می‌گیرد.اگر فردگرایی تقویت شود دیگر نمی‌توان ساختار خانواده را به شکل اولیه خود حفظ کرد.افراد خانواده به این نتیجه می‌رسند که چرا ما باید سرپرستی مرد را بپذیریم در اولین قدم همسر، خودش را در سرپرستی خانواده کنار مرد قرار می‌دهد. در مرحله بعد به این هم اکتفا می‌شود و به سمت دموکراسی در خانواده پیش می‌رویم یعنی سیستمی که پدر و مادر و فرزندان خانواده در کنار هم در یک خط افقی قرار دارند. در این مقطع پدر و مادر تنها می‌توانند به فرزندان توصیه کنند و فرزند در پذیرش نظرات والدین مختار است. در نتیجه با متحول شدن ساختار خانواده، پدر و مادر به دلیل این‌که ارزش‌ها را نمی‌توانند به فرزندان منتقل کنند، و در آن‌ها دغدغه‌های انتقال ارزش‌ها به نسل آتی کم می‌شود؛ این مسأله ناشی از تأثیر ساختارهای فرهنگی بر حیات خانواده است.اگر فرهنگ اقتصادی، مصرف‌گرایی را در جامعه تقویت کند، آثار زیادی را بر حیات خانواده ایجاد می‌کند. یعنی مدل‌های زندگی خانوادگی تغییر می‌کند به طور مثال پدر دو شغله می‌شود و یا نیاز به اشتغال زنان بیش از گذشته مطرح می‌شود و این خود معضلاتی را در پی دارد و پیامدهایی را در خانواده به جا می‌گذارد.تأثیر الگوی اشتغال، بر حیات خانواده چگونه است؟ وقتی که فضای اشتغال مردانه برای زنان با همان برنامه ساعتی طراحی می‌شود، باعث می‌شود که فشار مضاعفی برای زن در خانواده به وجود آید. در واقع پیامد این کارها مستقیماً متوجه فرزندان خانواده می‌شود. سؤال دیگری که مطرح است این است که سیاست، بر حیات خانواده چگونه تأثیر می‌گذارد؟ دولت‌ها با شعارهای انتخابی خود، برای خانواده‌ها مشکل ایجاد کرده‌اند؛ همه دولت‌ها می‌خواهند پول نفت را سر سفره مردم قرار دهند. این شعار باعث می‌شود که مطالبات عمومی بالا ـ برود در صورتیکه باید بین مطالبات و امکانات یک توازنی بر قرار باشد و دولت‌ها بیش از آنکه امکانات را تزریق کنند، سطح مطالبات را کاهش دهند. ولی متأسفانه در سیاستهای دولت این مورد مدنظر نیست.سیاست‌های دولتی در ایران و کشورهای دیگر برای توانمندسازی خانواده در حل مشکلات خود هیچ برنامه‌ای طراحی نکرده‌است بلکه صرفاً کمک‌های حمایتی را به خانواده‌ها تزریق می‌کند.به طور کلی تا الآن بحث توانمندسازی خانواده در دستور کار دولت‌ها قرار نگرفته است. متأسفانه کارشناسان در پژوهش‌های خود به معضلات ناشی از ساختارها توجه کمی کرده‌اند. در حالیکه جریان‌های خروشان فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و بویژه جهانی‌سازی در کشورهای مختلف دنیا آثار زیادی را برخانواده برجای می‌گذارند. مشکلات اصلی خانواده، مشکلاتی است که نهادهای فرهنگ‌ساز، به خصوص صدا و سیما است، اگر ما نتوانیم این نهادها را که بر خانواده تأثیرات درازمدت و عمیقی می‌گذارند، اصلاح کنیم، چگونه می‌توانیم مسایل خرد را تحلیل کنیم.بنابراین، باید تأثیراتی که مدرنیسم و ابزار و سازمان‌های مدرن بر خانواده‌ها می‌گذارند، به طور اصولی تحلیل شود. در برداشت سوم از آسیب‌شناسی خانواده می‌توان به آسیب‌های ناشی از حاکمیت« نظریه‌های علوم اجتماعی» اشاره کرد. به طور مثال خانواده در سطح خرد، مشکلات خود را با مشاوران در میان می‌گذارد. و در برنامه‌ریزی‌های عمومی و کلان خانواده باید به کارشناسان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی مراجعه شود تا نظریه‌ها و طراحی‌های مختلف را ارائه دهند. بنابراین سرنخ تمام برنامه‌ریزی ها را در بعد «فردی و اجتماعی» به کارشناسان علمی و علوم اجتماعی و روان‌شناسی، مشاوره، علوم تربیتی، اقتصاد، جامعه شناسی و ... مرتبط کرده‌ایم.البته گاهی وقت‌ها علومی که ذکر شد، می‌توانند عامل اصلی مشکلات در خانواده باشند. مثلاً مباحث روان درمانی مبتنی بر این است که اصلاً انسان به دنیا آمده که از زندگی، به معنای مادی لذت ببرد.نظریه‌های جامعه‌شناسانه، عامل اکثر مشکلات امروز در برنامه‌ریزی‌هاست. در نظریه‌های علوم اجتماعی این بحث مطرح می‌شود که آیا خانواده دارای ساختار اجتماعی یا طبیعی است؟علمای اسلامی از دیدگاه طبیعی خانواده دفاع می‌کنند که ساختار خانواده متناسب با فطرت و طبیعت انسان است و این ساختار حاکم باید پایدار بماند. نتیجه طبیعی بودن ساختار خانواده این است که احکام خانواده به طور اصولی ثابت می‌ماند اما نظریه‌های علوم اجتماعی ساختار طبیعی را

رد می‌کند و ساختار خانواده را متأثر از ساختار اجتماعی دیگری می‌دانند که تحولات اجتماعی بر روی آن مؤثر است و خانواده را متحول می‌کند و این تحولات اصلاً نگران‌کننده نیستند.نظریه‌های علوم اجتماعی عنوان می‌کنند که تحولات باید در خانواده اتفاق بیافتد و اگر شما جلوی این دگرگونی را بگیرید مشکلات به وجود می‌آید. نتیجه اینکه، تغییراتی که در دهه‌های اخیر، در خانواده شکل گرفته است از این دیدگاه غالباً نگران‌کننده نمی‌باشند.تافلر در کتاب موج سوم، ذیل مبحث خانواده عنوان می‌کند که ما امروزه اشکال متنوعی از خانواده‌های تک واحد، تک نفره، تک زیست و خانواده‌های هم جنس و ... را در جامعه می‌بینیم. وی عنوان می‌کند که به وجود آمدن این نوع از خانواده‌ها، از اقتضائات عصر فراصنعتی است. یعنی وقتی تحولات اجتماعی، شکل گرفت به صورت جبری شکل خانواده متحول می‌شود. اگر ما تغییرات جبری خانواده را بپذیریم نتیجه‌اش این است که فقط می‌توانیم آن را درک کنیم و با آن هماهنگ شویم اما نمی‌توانیم جهت حرکت آن را تغییر دهیم. در مباحث کلامی بیان شده است که تفاوت ما با اشاعره در اختیارگرایی است؛ حال آیا نباید این تفاوت، تأثیرش را بر علوم اجتماعی نمایان کند؟ در نتیجه باید مسأله خانواده را از این زاویه هم نگاه کنیم و آثار نگرش‌ها و نظریه‌های علوم اجتماعی را بر اساس الگوی دینی تحلیل کنیم.این مسائل که گفته شد، ما را به سوی ضرورت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری هدایت می‌کند. بنابراین برای هر یک از آسیب‌های خانواده باید نسخه‌های متفاوتی ارائه دهیم.

نگاهی به اهداف و آثار ازدواج در قرآن

•مفهوم ازدواج • اهداف و آثار ازدواج ۱- حفظ انساب ۲- برخورداری از سکون و آرامش ۳- حفظ نوع بشر ۴- داشتن فرزندان صالح ۵- مودت و رحمت ۶- ارضای غریزه جنسی ۷- بازداشتن از گناه ۸- توسعه رزق یکی از بناهای پر اهمیت اجتماع، ازدواج و تشکیل خانواده است در این واحد اولیه اجتماعی سنگ بنای تعلیم و تربیت نهاده می‌شود و انسان در عرصه ازدواج به آرامش و تکامل می‌رسد.در این مقاله سعی شده است که با نگاهی اجمالی به اهداف و آثار ازدواج از نظر قرآن کریم به تبیین اهمیت این سنت حسنه پرداخته شود. مطلب را با هم از نظر می‌گذرانیم: مفهوم ازدواج ازدواج، در عرف و شرع، پیمان زناشویی است که بر اساس آن، برای مرد و زن در برابر هم، تعهدات اخلاقی و حقوقی پدید می‌آید که سرپیچی (از بسیاری) از آنها، عقوبت و کیفر در پی خواهد داشت. در هر آیینی، ازدواج با قوانین و مقررات ویژه‌ای صورت می‌گیرد و اسلام به آداب و رسوم دیگر اقوام احترام گذاشته است: «لکل قوم نکاح» از پیمان زناشویی در قرآن به «نکاح» نیز تعبیر شده، و به دو معنا به کار رفته است: نیاز روح به کانون آرامش، با اهمیت‌تر از نیاز جنسی است. همسر شایسته در پیش آمدهای زندگی، راه وصول به آرامش و سعادت را نزدیک می‌کنداهداف و آثار ازدواج حکمت‌ها و آثار مهمی بر ازدواج ترتب دارد، و قرآن در آیاتی به آنها پرداخته است. در برخی موارد، هر چند زن و مرد با یکدیگر زندگی می‌کنند، اهدافی که باید در زندگی آنان حاکم باشد، از میان می‌رود و دو طرف بدون آن که بهره‌ای از زندگی مشترک ببرند، با یکدیگر زندگی می‌کنند برخی گفته‌اند: هر جا نشانه‌های الفت و حکمت‌های زوجیت چه در دنیا و چه در آخرت برقرار باشد، قرآن واژه زوجیت را به کار برده است.(روم/ ۲۱ فرقان/۷۴ زخرف/۷۰ بقره/۲۵ یس/۵۶)و هرگاه جای این نشانه‌ها و حکمت‌ها را بغض و خیانت یا تفاوت عقیده زن و مرد با یکدیگر پر می‌کند، قرآن از کلمه «امرأه» استفاده کرده است (یوسف/۳۰ تحریم/۱۰و ۱۱).همچنین آن جا که حکمت زوجیت (بقای نسل انسان) از میان برداشته می‌شود، باز قرآن واژه «امرأه» را به کار برده است (ذاریات/۲۵ مریم /۴ و ۵ آل عمران/۴۰). بدین سبب دوباره وقتی این حکمت سر برمی‌آورد و ثمره زوجیت به بار می‌نشیند، باز قرآن تعبیر را عوض کرده کلمه «زوج» را به کار می‌برد. در آیه ۴۰ آل عمران، زکریا به خدا خطاب می‌کند که همسرم نازا است: «و امرأتی عاقر»؛ ولی وقتی دعای او اجابت می‌شود، قرآن می‌فرماید: «و اصلحنا له زوجه». ۱- حفظ انساب:ازدواج و رعایت مقررات آن، نسب را حفظ می‌کند. در اسلام، حفظ نسب، پایه احکام و حقوق فراوانی

است. بعضی از احکام فقهی، بر شناخت رابطه فرزند با پدر و مادر یا بر شناخت نسبت‌های فامیلی دیگر، مبتنی است. تبعیت فرزند از پدر و مادر در کفر و اسلام، در طهارت و نجاست، در بردگی و حریت، ربابین پدر و فرزند، قصاص نشدن پدر به قتل فرزند، مقبول نبودن شهادت پسر بر ضد پدر، وجوب قضای نمازهای میت بر پسر بزرگتر، مسائل ارث، ولایت پدر و جد، حقوق طرفینی مانند حق حضانت و نفقات، عقوق والدین و اطاعت از آنها و مسائل اخلاقی مانند صله رحم، هبه به اقارب، عقیقه فرزند و مسائل فراوان دیگری، بر حفظ انساب متوقف است. و از این جا به اهمیت ازدواج و مراعات حدود آن نیز پی می‌بریم. حفظ نسب، حکمت عده زن بین دو ازدواج شمرده شده است. انتظار زن برای ازدواج دوباره پس از وفات شوهر به مدت چهار ماه و ده روز (بقره/ ۲۳۴)، عده زن به مدت سه دوره پاکی پس از طلاق (بقره/ ۲۲۸) و انتظار زن باردار برای ازدواج مجدد تا هنگام وضع حمل (طلاق/۴) همه این مقررات گویای اهمیت حفظ نسب است. حرمت ازدواج با زن شوهردار (نساء/ ۲۴)، و حرمت زنا (اسراء/۳۲) نیز برپایه حکمت حفظ نسب قرار داده شده است. ۲- برخورداری از سکون و آرامش: نیاز روح به کانون آرامش، با اهمیت‌تر از نیاز جنسی است. همسر شایسته در پیش آمدهای زندگی، راه وصول به آرامش و سعادت را نزدیک می کند: «و من ایاته أن خلق لکم من أنفسکم أزوجا لتسکنوا الیها...»، «...و جعل منها زوجها لیسکن الیها...»برخی مفسران، مقصود از لباس را در آیه ۱۸۷ بقره، سکون و آرامش دانسته‌اند؛ همان گونه که خدا شب را لباس (مایه آرامش و سکون) دانسته: «و جعلنا الیل لباس لکم و انتم لباس لهن» نیز به سکون و آرامشی که با همسر حاصل می‌شود، اشاره خواهد داشت. یکی از بناهای پر اهمیت اجتماع، ازدواج و تشکیل خانواده است در این واحد اولیه اجتماعی سنگ بنای تعلیم و تربیت نهاده می‌شود و انسان در عرصه ازدواج به آرامش و تکامل می‌رسد۳- حفظ نوع بشر:طبق بیان قرآن، ازدواج وسیله‌ای برای تولید و بقای نسل در انسان و حیوان است: «... جعل لکم من انفسکم ازواجا و من الانعام ازواجا یذروکم فیه...» گرچه جمله «یذروکم فیه» تکثیر نسل انسان را بیان داشته است، در این جهت، میان انسان و چهارپایان و گیاهان فرقی نیست. در جای دیگری می‌فرماید: پروردگار، شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را نیز از او خلق کرد، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری را پراکنده ساخت: «... و بث منهما رجالاً ـ کثیرا و نساء...». در آیه ۷۲ نحل می‌فرماید: از همسرانتان برای شما فرزندان و نوه‌ها قرار داد «... و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفده». قرآن، بقای نسل انسان و اجتماع مدنی را به ازدواج منوط می‌داند و روی آوردن به زنا و لواط را نابود کننده راه بقای نسل می‌شمارد: «و لا تقربوا الزنی انه کان فاحشه و ساء سبیلا»، «ائنکم لتأتون الرجال و تقطعون السبیل»؛ زیرا با رواج راه‌های نامشروع، رغبت به نکاح کم می‌شود؛ جاذبه‌اش از بین رفته، فقط بار تامین مسکن و نفقه و به دنیا آوردن اولاد و تربیت آنان، باقی می‌ماند. در نتیجه، آسان‌ترین راه‌های اشباع غرایز که نامشروع است، رایج می‌شود و هدف بقای نسل، رنگ می‌بازد. ۴- داشتن فرزندان صالح:یکی از خواسته‌های غریزی انسان، نیاز فطری به پدر و مادر شدن شمرده، و پاسخ به این خواسته با ازدواج و داشتن فرزند تامین می‌شود؛ زیرا اصل تولید و تکثیر، از راه‌های غیر مشروع نیز ممکن است؛ ولی در سایه ازدواج، نسلی دارای اصل و نسب پدید می‌آید. قرآن در آیاتی، فرزند را زینت زندگی دنیا شمرده که بیان‌گر رغبت انسان به داشتن فرزند و برقرار شدن رابطه پدر یا مادر و فرزند است «المال و البنون زینه الحیوه الدنیا». داشتن فرزند به صورت ثمره ازدواج، با تعبیرهای گوناگونی در قرآن آمده است. در آیه ۲۲۳ بقره از این که می‌گوید: «نساوکم حرث لکم فاتوا حرثکم انی شئتم...»، یادآور می‌شود که بکوشید از این فرصت بهره گیرید و با پرورش فرزندان صالح و شایسته که به حال دین و دنیای شما مفید باشد، اثر نیکی برای خود از پیش بفرستید. «... و قدموا لانفسکم...». در آیه ۱۸۷ بقره پس از آن که از آمیزش با همسر سخن به میان آمده است، می‌فرماید: «... و ابتغوا ما کتب الله لکم...» که به نظر بسیاری مقصود، طلب فرزند است. در موارد متعددی از قرآن، خداوند برای داشتن فرزند صالح، خوانده شده است. در آیه ۱۸۹ اعراف از قول پدر و مادر نقل می کند که عرضه می‌دارند اگر فرزند صالح نصیبشان شود، شکر گزار خواهند بود: «دعوا الله ربهما لئن اتیتنا صالحا لنکونن من الشکرین...». در چند جا، درخواست حضرت زکریا (ع) مطرح شده است که از خداوند، فرزندی که لیاقت

جانشینی او را داشته: «... فهب لی من لدنک ولیا»، و مورد رضایت پروردگار باشد: «... و اجعله رب رضیا» را خواسته است. در سوره آل عمران، پس از مشاهده شایستگی‌های مریم (ع) پروردگارش را می‌خواند: خداوندا! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای نیز به من عطا فرما: «... هب لی من لدنک ذریه طیبه انک سمیع الدعاء». ۵- مودت و رحمت:از دیگر آثار ازدواج، مودت و رحمت است: «و جعل بینکم موده و رحمه...» آن چه در آغاز زندگی مشترک بین زن و شوهر، یگانگی برقرار می کند، و اثر آن در مقام عمل ظاهر می‌شود، مودت است؛ ولی پس از گذشت زمان و رسیدن دوران ضعف و ناتوانی، رحمت جای مودت را پر می کند. رحمت و مودت به تعبیر قرآن، دو نشانه الهی و ضامن به پا ماندن بنای زندگی و تداوم وحدت است؛ البته رحمت در همان آغاز زندگی نیز در زندگی نقش دارد. گاهی زحمات و خدمات بلاعوض و ایثارگرانه بدون هیچ گونه چشم داشتی حتی گاهی با برخورد سرد از طرف مقابل، از انسان سر می‌زند. در اینجا برای حفظ نظام خانوایکی از خواسته‌های غریزی انسان، نیاز فطری به پدر و مادر شدن شمرده، و پاسخ به این خواسته با ازدواج و داشتن فرزند تامین می‌شود؛ دگی، مودت رنگ می‌بازد؛ ولی رحمت جایگزین آن می‌شود.یکی از خواسته‌های غریزی انسان، نیاز فطری به پدر و مادر شدن شمرده، و پاسخ به این خواسته با ازدواج و داشتن فرزند تامین می‌شود؛ ۶- ارضای غریزه جنسی:غریزه جنسی، نیرویی است که در زن و مرد قرار داده شده و ازدواج، وسیله‌ای مُجاز برای اطفای نیروی شهوت و پاسخی به این غریزه خدادادی است: «و الذین هم لفروجهم حفظون ¤ الا علی ازواجهم او ما ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین» در حدیث آمده است: میان لذت‌های مادی و جسمانی در دنیا و آخرت، هیچ کدام به پایه لذت زناشویی نمی‌رسد؛ سپس امام به آیه ۱۴ آل عمران استشهاد می کند که در میان شهوات گوناگون، علاقه به زن را مقدم داشته است: «زین للناس حب الشهوت من النساء و البنین و القناطیر المقنطره...» در آیه ۱۸۷ بقره می‌فرماید: خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می کردید و آمیزش با همسر را که ممنوع شده بود، انجام می‌دادید؛ بدین سبب، ممنوعیت برداشته شد: «... علم الله انکم کنتم تختانون انفسکم فتاب علیکم و عفا عنکم فالن باشروهن...». این آیه، به نیاز غریزی جنسی اشاره دارد که به رغم ممنوعیت شرعی، مردم به سوی آن کشیده می‌شوند؛ البته این امر نمی‌تواند انگیزه اصلی و هدف نهایی ازدواج باشد؛ زیرا غریزه جنسی در زن و مرد، دوره محدودی دارد و اگر غرض از ازدواج، فقط این جهت باشد، باید زوجین هنگام ناتوانی جنسی، یکدیگر را رها کنند یا زن و مردی که توانایی جنسی خویش را از دست داده‌اند، هیچ گاه پیمان زناشویی نبندند. ۷- بازداشتن از گناه:یکی از آثار ازدواج برای زن و مرد، ایجاد زمینه تقوا و دوری از گناهان است. با اشباع غریزه جنسی در زن و مرد، زمینه گناهان شهوت انگیز از میان می‌رود. این که در قرآن از کسی که ازدواج کرده، به «مُحصن و محصنه» تعبیر شده: «فاذا احصن...»، به جهت این است که زن و مرد، با ازدواج در حِصن سنگر مستحکمی قرار می گیرند و خود را حفظ می کنند تا وسوسه‌های شهوانی در آنان اثر نگذارد؛ بلکه ازدواج، زمینه گناهان دیگر را نیز از بین می‌برد؛ زیرا پذیرفتن مسئولیت تامین و تربیت اولاد، انسان را به استفاده بهینه از عمر وا می‌دارد و برای گناه و معاشرت‌های گمراه کننده جایی باقی نمی‌ماند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «من تزوج فقد احرز نصف دینه» با ازدواج، نیمی از دین صیانت می‌شود. در روایتی دیگر آمده است: بدترین مردم، کسانی‌اند که در تجرد به سر می‌برند. در تفسیر آیه ۱۸۷ بقره «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» برخی گفته‌اند: آن گونه که انسان، با لباس از سرما و گرما و حشرات و آسیب‌های جلدی، محافظت می‌شود، زن و مرد، با ازدواج، یکدیگر را از گناه حفظ می کنند. در آیه ۲۸ نساء حکمت تشریع ازدواج این گونه بیان شده است: «یرید الله ان یخفف عنکم...»؛ زیرا پیروی از شهوات و در دام گناه افتادن، برای انسان، وزانت و سنگینی می‌آورد و تشریع ازدواج و فراهم شدن امکان آن برای کسی که نمی‌تواند با زنان آزاد ازدواج کند، از فساد و گناه جلوگیری می کند و انسان از عواقب آن در امان می‌ماند و این نوعی توسعه برای انسان شمرده می‌شود. ۸- توسعه رزق:نگرانی از تنگ دستی، یکی از بهانه‌هایی است که برای گریز از ازدواج، مطرح می‌شود. قرآن، این گونه به انسان امیدواری می‌دهد: از فقر و تنگ دستی جوانان و مجردان نگران نباشید و در ازدواج آنها بکوشید چرا که اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش، آنان را بی نیاز می‌سازد: «و

انکحوا الایمی منکم و الصلحین من عبادکم و امائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله...» برخی گفته‌اند: مفاد این آیه، وعده خداوند به غنا و بی نیازی است برای کسانی که تشکیل خانواده دهند. روایاتی نیز این معنا را تایید می کند. یکی از آثار ازدواج برای زن و مرد، ایجاد زمینه تقوا و دوری از گناهان است. با اشباع غریزه جنسی در زن و مرد، زمینه گناهان شهوت انگیز از میان می‌روددر حدیثی، امام صادق (ع) ترک ازدواج به سبب ترس از گرسنگی را سوء ظن به پروردگار دانسته است؛ زیرا پس از وعده قرآن به توسعه رزق، نگرانی در این زمینه، جز بدگمانی به خدا نیست. با توجه به اینکه افرادی در جامعه، پس از ازدواج، نه تنها ثروتمند نمی‌شوند، بلکه بر فقرشان افزوده می‌شود و اگر این آیه، متضمن وعده خداوند باشد، خلف وعده لازم می‌آید و خلف وعده قبیح است، گروهی برآنند که برای وعده در این آیه باید معلق بر مشیت الهی در تقدیر گرفته شود؛ یعنی پس از ازدواج، اگر خدا بخواهد، آنان را بی نیاز می کند، چنان که در آیه ۲۸ توبه، برای وعده الهی به غنا و بی نیازی به مشیت خدا تصریح شده است: «و ان خفتم علیه فسوف یغنیکم الله من فضله ان شاء...» اشکال شده است: همان طور که غنا و بی نیازی متاهلان، به مشیت منوط است، غنا و بی نیازی مجردها و کسانی که همسر ندارند (بلکه هر پدیده‌ای) نیز به مشیت توقف دارد، پس این چه وعده‌ای است که خدا، برای ازدواج داده است؛ زیرا همان گونه که متاهل‌ها، بر اثر مشیت الهی، به دو گونه (فقیر و غنی) تقسیم می‌شوند، مجردها نیز چنین هستند و اتفاقاً این وعده درباره مجردان در قرآن آمده است: «و ان یتفرقا یغن الله کلا من سعته»... اگر وضعیتی پیش آید که زن و شوهر نتوانند با هم زندگی کنند و از هم جدا شوند، خداوند هر دو را با فضل و رحمت خود بی نیاز خواهد کرد.پاسخ اشکال آن است که بسیاری از مردم خیال می کنند، ازدواج و فراوانی عائله، سبب فقر، تجرد، سبب پس انداز و ثروت می‌شود. آیه در صدد آن است که این توهم را از دلها بزداید و غفلت از رزاق حقیقی را بردارد و به ما بفهماند که گاه، برکت و فراوانی، در مال انسان (با وجود عائله‌مند بودن) ایجاد می‌شود، و گاهی هم انسان (در عین کم عائله بودن و مجرد زیستن) هر چه می کوشد، در معیشت او پیشرفتی حاصل نمی‌شود. افزون بر آن که پذیرفتن مسئولیت تامین زن و فرزند، در او مسئولیت پدید می‌آورد. در حدیثی، امام صادق (ع) ترک ازدواج به سبب ترس از گرسنگی را سوء ظن به پروردگار دانسته استوقت را از بین نمی‌برد و از عمر خویش استفاده بهینه می کند و با کسب معاش بر عزت و اعتبار خویش می‌افزاید، بنابراین، آیه «ان یکونوا فقراء یغنهم الله» بیان می‌دارد که گاهی با ازدواج، فقر از زندگی رخت برمی‌بندد، نه آن که همیشه با ازدواج، فقر برطرف می‌شود وگرنه این آیه با آیه «و لیستعفف الذین لا یحدون نکاحا» تناقض می‌یافت. فخر رازی معتقد است که آیه «ان یکونوا فقراء یغنهم الله» در مقام وعده الهی نیست؛ بلکه مفاد آیه آن است که نباید ترس از فقر، مانع ازدواج شود؛ زیرا مال فناپذیر است و آن چه ارزش و بقا دارد، فضل خدا است که باید در پی آن بود که از انباشتن ثروت بهتر است. «قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون».

آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده

نگاه ویژه رویکردی برگرفته از فرهنگ نبوی

بیانیه تحلیلی دفتر مطالعات و تحقیقات زنانه مناسبت روز زنمردادماه ۱۳۸۵آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانوادهرویکردی برگرفته از فرهنگ نبویفهرست...۴مقدمه...۵الف. آسیب‌شناسی دفاع از حقوق زنان... ۵اول. مسئله‌شناسی‌ها... ۵دوم. شاخص سازی‌ها...۶سوم. تعاریف و مفاهیم بنیادین و کاربردی...۸م. همتا دانستن زن و مرد...۹اً. توجه به ارزش دختران و تشویق به پرورش و حمایت از آنان...۱۰ن. بیعت با زنان...۱۱م. توجه به شخصیت‌های ویژه...۱۱ت. پرورش عملی زنان...۱۵اول. تبیین نقش‌های جنسیت...۱۶دوم. توصیه به حسن ایفای نقش...۱۶سوم. حمایت از نقش‌ها...۱۹ب. آسیب‌شناسی نگاه به خانواده در ایران...۲۲اول...۲۲دوم...۳۷نتیجه گیری...۳۸منابع مقدمهتولد بانوی یگانه جهان، فاطمه زهرا۳۱ نوید بخش آغاز رستاخیزی است که‌جهانیان را به عالمی دیگر رهنمون می‌سازد؛ عالمی که به شعاع یک زن روشنی می‌یابد،به محبتش گرم می‌شود و به ولایتش

سامان و جریان می‌یابد. و زن مسلمان در سده‌ای که‌دیگران به پنداری غلط، قرن زنانش نامیده‌اند، مصمم است تا آن‌گونه که طلوع خمینی‌کبیر۱ را به آغازی بر یک تحول مبارک بدل نمود، با بازخوانی شخصیت خویش ازسنت نبوی و سیره فاطمی، بابی به جهان جدید بگشاید و به درستی محوریت زن را درقرن جدید اثبات نماید/هم‌زمانی میلاد فاطمه زهرا۳ با سال پیامبر اعظم۹، فرصتی است فرخنده که‌می‌تواند، هم‌زمان، دو نتیجه مبارک به ارمغان آورد: بازخوانی سیره نبوی به منظوربازسازی ذهنیت‌ها و بازبینی عملکردها و ایجاد نقطه آغازینی بر اتحاد امت اسلام، درموضع عینیت، بر محور آموزه‌های نبوی. تأمین این دو غرض بسته به آن است که پاسخ‌پرسش‌های اساسی خود را از متن سیره نبوی به دست آوریم و بتوانیم بر اساس آن به‌تبیینی شفاف از جایگاه و شخصیت زن، مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی وی‌و ترسیمی روشن از جایگاه و ساختار خانواده و سیاست اسلام در حمایت از تحکیم وکارآمدی خانواده دست یابیم. بدین ترتیب می‌توانیم هم به اصولی مشترک برای وفاق‌دست یابیم و هم به مقیاسی برای تحلیل واقعیت‌ها و نقد نظریه‌ها و عملکردها/در این مجال برآنیم تا با مقایسه‌ای میان »فرهنگ اسلامی و سنت نبوی« وواقعیت‌های موجود، به آسیب‌شناسی اجمالی موضوع زن و خانواده پرداخته وپرسش‌های اساسی و بایسته‌های کارشناسی را در حد اجمال و وسع مطرح سازیم/الف. آسیب‌شناسی دفاع از حقوق زنانبه برکت انقلاب اسلامی، حس خودباوری و استقلال فرهنگی در میان فرهیختگان‌شکل گرفت اما هنوز مدت زمانی باقی است تا آثار خود را در شکل ایجاد یک جریان‌بالنده، با ادبیات نظام‌مند و نخبگان کارآمد که الگویی جدید برای تحلیل و سیاستگذاری‌ارائه نمایند، برجای گذارد. جریان دفاع از حقوق زنان در کشور ما، در ضمن برخورداری‌از ویژگی‌های مثبت، همچون دیگر کشورهای اسلامی، به فقدان نگاه فعال نسبت به زن‌مبتلاست. حاکمیت نگاه انفعالی آثار خود را به در محورهای زیر برجای گذاشته است:اول. مسئله‌شناسی‌ها: مسائل و مشکلات زن مسلمان و زن ایرانی چیست؟ در پاسخ به‌این پرسش غالباً نگاه مسئله شناسانه لیبرالیستی و فمینیستی، بر ذهن جامعه کارشناسی‌ما به این شکل تأثیر می‌گذارد که مسائل خود را از دریچه نگاه دیگران تحلیل کرده واولویت‌های پژوهشی، کارشناسی و برنامه‌ای خود را نیز بر همان اساس تنظیم کنیم. دراین‌جا منتقدان هم غالباً بر سر همین مسائل، با وارد کردن تبصره و اشکال، به بحث وجدل می‌پردازند و استعداد خود را به طرح مسائل نو و باز تحلیل عینیت اجتماعی به کارنمی‌گیرند/دوم. شاخص سازی‌ها: شاخص‌های رشد و توسعه زنان چیست؟ امروزه‌شاخص‌های استاندارد جهانی که توسط نهادهای بین‌المللی ترویج و توصیه می‌شودملاک ارزیابی وضعیت زنان است و نه تنها کم‌تر می‌توان نشانی از شاخص‌های بومی درتحلیل وضعیت زنان مشاهده نمود بلکه نیاز به تنظیم چنین شاخص‌هایی نیز چندان‌احساس نمی‌شود. بر اساس همین شاخص‌هاست که کشور ما در احراز رتبه جهانی‌حمایت از زنان در برخی موارد، در رتبه ۱۵۱ از میان ۱۹۰ کشور جهان جای دارد۱ وطبیعی است که با پذیرش چنین شاخص‌هایی، احساس حقارت و خود کم‌بینی واحساس دنباله روی کشورهای غربی که حائز بهترین رتبه‌ها هستند، بر اندیشه تحلیل‌گران و مدافعان حقوق زنان حاکم شود. این در حالی است که کشورهای دارای بهترین‌رتبه‌های جهانی خود با بحران‌های وحشتناکی روبه رو می‌باشند؛ به عنوان مثال،کشورهای سوئد و نروژ با دارا بودن رتبه‌های اول با فروپاشی کامل خانواده مواجه‌اند،چنان‌که ۵۵ درصد فرزندانی که در سالیان اخیر در این دو کشور متولد شده‌اند نامشروع‌و ۶۳ درصد اهالی استکهلم دارای پیوندهای توافقی خارج از چارچوب ازدواج۲می‌باشند/سوم. تعاریف و مفاهیم بنیادین و کاربردی: تحلیل وضعیت زنان بر اساس پذیرش‌چه مفاهیم و چه تعاریفی انجام می‌شود؟ بی‌تردید می‌توان مهم‌ترین نمود نفوذ و هجوم‌فرهنگ بیگانه را در حاکمیت مفاهیم و آموزه‌های بنیادینی دانست که جهت‌گیری کلی‌علوم انسانی، ادبیات کارشناسی و گفتمان علمی را ایجاد کرده‌اند. پذیرش این حاکمیت‌به معنای پذیرش چارچوب تحلیلی است که دیگران برای ما تنظیم کرده‌اند و منازعات‌علمی را به امور جزئی، در ضمن پذیرش همان کلیات، تقلیل داده‌اند. با پذیرش مفاهیمی چون آزادی، برابری، نسبیت اخلاقی، فردگرایی و پذیرش‌تعاریف حاکم بر علوم اجتماعی، شاهد بروز چند طیف فکری هستیم: گروهی با پذیرش‌تعاریف و مفاهیم حاکم، با تمام قیود آن، در مقام تحلیل به تعارض میان یافته‌های علمی‌و

آموزه‌های دینی مواجه می‌شوند و راه حل تعارض را همراهی دین با علم، با محدودکردن دین به حیات فردی و حاکمیت نگاه علمی بر اداره جامعه می‌دانند. گروهی‌دیگر، با پذیرش اصل دخالت دین در حیات اجتماعی با طرح شعار اجتهاد در اصول، به‌قرائتی از دین توسل می‌جویند که هماهنگی بیشتری با یافته‌های علوم انسانی داشته‌باشد و گروه سوم که خود را اصول‌گرا می‌دانند، با تقلیل دین به گزاره‌های جزئی سعی برآن دارند که با نام اقتضائات و شرایط زمانی۳ گزاره‌های دینی را با ادبیات حاکم هماهنگ‌و با این روش، به گمان خویش، روزآمدی فقه را اثبات نمایند/آن‌چه گفته شد به وضوح نمایان‌گر آن است که در کشور ما حرکت دفاع از حقوق‌زنان، همچون بسیاری موضوعات دیگر، به گونه‌ای انفعالی پی‌گیری شده است؛ چنان‌که‌گروهی دیگر نیز که به مسائل زنان از سر ناچاری و فرار از انگ اتهام پرداخته‌اند، به‌انفعال افتاده‌اند. امروزه ضرورت دفاع فعال از شخصیت و حقوق زنان بیش از هر زمان دیگر احساس‌می‌شود؛ هم به این دلیل که مسائل اصلی و تأثیرگذار زنان در پشت هاله‌ای از نگرش‌های‌غلط جاهلانه و جامدانه پنهان مانده است و هم به دلیل آن‌که اصلاحاتی که با نیت دفاع‌از زنان انجام می‌شود بیش از آن که مفید باشد بر آسیب‌ها افزوده است. مقایسه شرایط‌کنونی حرکت دفاع از حقوق زنان با تحولاتی که اسلام در موضوع شخصیت و حقوق‌زنان ایجاد نمود، به خوبی نشان می‌دهد که حرکت پیامبر اسلام۹ حرکتی هدفمند وابتکاری، فعال، از سر اعتقاد و سرسختانه بوده است و در این راه هم با جاهلیت عربی‌که نمود آن را در زنده به گور کردن دختران، احساس سرشکستگی از داشتن فرزنددختر،۴ عدم برخورداری زنان از مهریه و ارث و به ارث رسیدن همسر پس از وفات‌شوهر و نیز در اشعار تغزّلی شاعران جزیرْ العرب۵ می‌توان یافت، مبارزه نمود و هم بافرهنگ وارداتی رومی که در پرستش بت‌های مؤنث و اعتقاد به تأنیث فرشتگان۶ متجلی‌می‌شد/در چنین شرایطی سیاست اسلام و حرکت پیامبر اکرم۹ در دفاع از زنان هم بر نقدصریح سنت‌های موجود استوار بود و هم بر ترسیم شخصیت و جایگاه زن. ملاحظه‌مقاومت‌هایی که از سوی برخی صحابه در مسیر این حرکت انجام می‌گرفت به خوبی‌نشان‌گر بر این واقعیت است که سیاست اسلام و حرکت پیامبر۹ مقتدرانه و از سراعتقاد شکل گرفته و در این مسیر تغییر نگرش‌ها را به عنوان یک اولویت مدّ نظر داشته واین هدف را از چند طریق دنبال نموده است:۱. همتا دانستن زن و مرد: برابری زن و مرد در انسانیت و در دستیابی به کمالات‌انسانی از اصول نگرش اسلام است که هم قرآن کریم۷، هم پیامبر اسلام۹ و هم اهل‌بیت به تبیین آن پرداخته‌اند. آیاتی از قرآن کریم به زن و مرد یکسان وعده بهشت می‌دهدو هر دو را در اقامه نماز، اعطای زکات و اصلاح جامعه اسلامی در قالب امر به معروف ونهی از منکر، مسئول می‌شمارد۸ و بر ایمان و تسلیم، صداقت، صبر، خشوع و عفت زن ومرد ارزشی یکسان می‌گذارد.۹ چنان‌که برخی آیات الهی هم بر ایذای زنان مومن و افترابه آنان برمی‌آشوبد۱۰، پیامبر را به استغفار برای زنان و مردان مؤمن فرا می‌خواند۱۱ و توبه‌آنان را قبول می‌کند.۱۲ اینها همه نشان‌گر یکسان نگری اسلام و بیان‌نگر تحولی است که‌اسلام در صدد ایجاد آن است. ترسیم چهره زنان مؤمن در قیامت که نور اعمالشان‌پیشاپیش آنان را روشن ساخته۱۳ و معرفی همسر فرعون و مریم۳ دختر عمران به عنوان‌ضرب‌المثلی برای مرد و زن مؤمن۱۴ به این معنا است که در فرهنگ اسلامی زن نیزمی‌تواند چراغی فرا راه مردان مؤمن باشد. به علاوه گفتار پیامبر۹ که زنان را همتای‌مردان شمرده است۱۵، در کناره سیره کرامت مندانه آن بزرگوار، حاکی از برابری زن ومرد در ارزشمندی است/۲. توجه به ارزش دختران و تشویق به پرورش و حمایت از آنان: شیوه پیامبر۹آن بود که هم به ارزش و جایگاه ویژه دختران در زندگی توجه دهد و به تأثیر آنان به‌عنوان مونس، اهل مدارا و نیکی، با خیر و برکت، اهل پاکیزگی و سبب طراوت زندگی‌اشاره کند۱۶؛ هم با بیان رزّاقیت خداوند، احساس سنگینی در نگهداری آنان را برطرف‌نماید؛ هم علیه سنت دخترکشی به عنوان عملی سنگدلانه بشورد؛۱۷ و هم در قالب‌عباراتی که بهترین مردم را خیرخواه‌ترین آنان در حق زنان می‌داند، اهانت به زنان رانشانی از پستی می‌شمارد و بر حمایت از دختران و زنان بهشت را پاداش قرار می‌دهد،اکرام زنان و دختران را وجهه همت مردان قرار دهد۱۸/۳. بیعت با زنان: پیامبر اکرم۹ در چند نوبت از زنان بیعت گرفته است. در بیعت‌عقبه که قبل از هجرت انجام گرفت سه زن حضور داشتند. در فتح مکه نیز قرآن کریم‌پیامبر اکرم۹ را به گرفتن بیعت از زنان، در صورت

تمایل آنان، فراخوانده است.۱۹ نکته‌جالب آن است که با وجود آن که بیعت به معنای تعهد به همکاری و تبعیت از حاکم‌اسلامی، ماهیتی سیاسی و اجتماعی دارد، در مورد زنان بیشتر رنگ و بوی اخلاقی وخانوادگی به خود گرفته است و زنان متعهد شده‌اند که برای خدا شریک قرار ندهند،خود را به دزدی و زنا آلوده نکنند، فرزندکشی نکنند، فرزند دیگران را به شوهران خودمنسوب ننمایند و درکارهای خیر با پیامبر۹ مخالفت نکنند. در این‌جا دو نکته جلب توجه می کند: اول آن که در جامعه‌ای که گاه زن را در زمره کالاـ دست به دست می کنند، سخن از بیعت زنان انقلاب فرهنگی به حساب می‌آمد ودوم آن که گویا الگوی مشارکت زنان در اصلاح جامعه، از نگاه اسلام، الگویی جنسیتی وبا محوریت عفاف و حفظ کیان خانواده است/۴. توجه به شخصیت‌های ویژه: سخنان گهربار پیامبر اکرم۹ در توصیف‌شخصیت‌های تاریخی از جمله خدیجه کبری۳، آسیه۳، مریم کبری۳ ۲۰ و به ویژه‌فاطمه۳، که رضایت و خشم خداوند را به رضایت و خشم فاطمه پیوند می‌دهد۲۱،همراه با آموزه‌های قرآنی که مریم۳ را زنی کامل، دارای عصمت و هم سخن بافرشتگان خداوند دانسته است،۲۲ نشان از آن دارد که زن می تواند تمام حجاب‌ها رادرنوردد و به قله کمالات رسد. انتخاب فاطمه۳ برای مباهله۲۳، با وجود حضورمدعیان و در نظر گرفتن وی به عنوان عنصری محوری در میان اصحاب کسأ که آیه‌تطهیر در شأن آنان فرود آمد۲۴ نیز به بهترین شکل نمایان‌گر جایگاه زن در اندیشه اسلامی‌است/۵. پرورش عملی زنان: بهترین شاهدی که بر کارآمدی برنامه‌های هر مکتب می‌توان‌ارائه داد، بررسی ابعاد شخصیتی کسانی است که براساس آموزه‌های آن پرورش‌یافته‌اند. توجه به ابعاد شخصیتی بانوانی که در مکتب تربیتی پیامبر۹ به بار نشسته ومورد تأیید ایشان نیز بوده‌اند، به ویژه آن گاه که این شخصیت‌ها به یک تن منحصرنباشند، گویای نگاه اسلام به شخصیت زن است. حمایت فاطمه۳، در دوران کودکی ونوجوانی از پیامبر اکرم۹ در مقابل مشرکان، حضور در صحنه‌های جنگ برای‌پشتیبانی از رزمندگان در زمان جوانی و ورود یک تنه وی در عرصه مبارزه با مفاسدسیاسی و انتخاب مشی مبارزه منفی به منظور نشان دادن مظلومیت اهل‌بیت۸ تا پایان‌تاریخ و توجه به حفظ معارف و علوم دینی تا آن‌جا که آن را معادل حفظ جان دو فرزندعزیزش می‌شمارد، نشان‌گر آن است که یک زن می‌تواند به گونه‌ای تربیت یابد که خودرا از حصار زمان و مکان خارج کرده و به دگرگون ساختن تاریخ بیندیشد. چنین تربیتی رادر بانوان ممتازی چون خدیجه۳، که به عنوان اولین ایمان‌آورنده به دین خاتم شناخته‌شد و توانمندی اقتصادی خود را در توسعه دین جدید به خدمت گرفت و در زینب‌کبری۳ نیز می‌یابیم. تحولات فرهنگی و اجتماعی اسلام سبب شد که در طول‌سده‌های پس از ظهور اسلام باوجود تسلط سنت‌های غلط، صدها زن راوی حدیث،فقیه، عارف، متکلم، ادیب، معلم و انسان‌ساز به صحنه آیند/از نکات پیش گفته می‌توان رویکرد اصول گرایانه به شخصیت زن را در عصر حاضرتبیین نمود. در این رویکرد هم با اشکال سنتی تحقیر زنان به ویژه در برخی مناطق‌حاشیه‌ای و روستایی کشور مقابله خواهد شد و هم با اشکال مدرن آن چه در قالب‌سوژه جنسی، چه در شکل سیاسی آن که هر زن به منزله یک برگ رأی به حساب‌می‌آید، چه در شکل تبلیغاتی آن که موضوع زن به ابزاری برای چهره شدن نهادها یاافرادی خاص بدل می‌شود و چه در شکل اقتصادی آن که حمایت از زنان بهانه‌ای برای‌جذب اعتبارات مالی از نهادهای بین‌المللی به حساب می‌آید. در نقطه مقابل نیز به طورهمزمان با نگرش‌هایی که زن را از مرز برابری انسانی و ارزشی با مرد فراتر برده و بانگرشی ذات‌گرایانه جنس برتر می‌شمارند و یا به مقام خدا بانویی ارتقا می‌دهند، مبارزه‌می‌شود/پس از دفاع از شخصیت زن به مثابه یک انسان، نوبت به تبیین هویت زن به مثابه یک‌جنس می‌رسد. اگر دیدگاه سنتی غرب تأکید بر تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و نقش‌های‌متفاوت آنان را به قیمت کم رنگ کردن بعد انسانی و ارزشمندی مشترک زن و مردمی‌دید، نظریه‌پردازان علوم انسانی در قرن بیستم دیدگاه‌های متنوعی ارائه نموده‌اند.برخی از این دیدگاه‌ها مبتنی بر پذیرش تفاوت‌های طبیعی همراه با قبول نقص درطبیعت زنانه و برخی مدافع ضرورت تفکیک نقش‌های جنسیتی با نگاهی کارکردگرایانه‌اند. اما از دهه ۱۹۶۰ نگرش‌های مبتنی بر برابری نقش‌ها رفته رفته جای‌پای خود را محکم نموده و تفاوت نقش‌ها را، همچون بسیاری تفاوت‌های روانی ورفتاری، از مقوله جنسیت‌gender)) دانستند که هیچ پایگاه طبیعی ندارد و صرفاً

معلول‌عوامل تربیتی و اجتماعی است. از این رو ضرورت اصلاح نگرش‌ها با از میان بردن‌کلیشه‌های جنسیتی به یک شعار مهم تبدیل شد و برنامه‌های توسعه نیز در کشورهااصلاح نگرش‌های جنسیتی را در دستور کار قرار داد. انکار نقش‌های جنسیتی به این‌معنا بود که اولاً ـ ساختار خانواده که بر اساس مدل عمودی و رابطه طولی پدر، مادر وفرزندان مبتنی بود و پدر را در جایگاه سرپرستی خانواده قرار می‌داد، به چالش کشیده‌شود و در قدم اول، مدل دوپله‌ای که پدر و مادر را در یک رتبه و فرزندان را در رتبه بعدقرار می‌داد و سرپرستی خانواده را علی‌السویه توزیع می‌نمود جایگزینی برای ساختارسنتی خانواده گردد و در مرحله بعد ساختار افقی دموکراسی در خانواده که تمام اعضارا در یک خط افقی هم‌رتبه قرار می‌داد پیشنهاد گردد. در نتیجه خانواده نه به عنوان‌نهادی منسجم که نیازمند رهبری متمرکز است تعریف می‌شد، نه فرزندان برای رشد وتعالی خود نیازمند نظارت والدین بودند و نه انتظار بود که پدر نقشی خاص در درون‌خانواده ایفا کند؛ چنان که در برخی کشورهای اروپایی، از جمله فرانسه و انگلستان،تأمین هزینه‌های خانواده از انحصار مرد خارج شد و مشترکاً بر عهده زن و مرد قرارگرفت.۲۵ تحولات خانواده در دهه‌های اخیر، در کشورهای مختلف، در مجموع به سمت‌فاصله گرفتن از الگوی عمودی است/نقش مادری نیز در دهه‌های اخیر به عنوان نقش انحصاری زنانه مورد چالش قرارگرفته و به ویژه از سوی فمینیست‌ها از کلیشه‌های جنسیتی قلمداد شده است که نظام‌مرد سالار برای خانه نشین کردن زنان آن را نقشی مقدس وانمود می‌کند. بنابراین دیدگاه‌تقسیم علی السویه مسئولیت مادری میان زن و مرد ضرورت می‌یابد.۲۶انکار نقش‌های جنسیتی در عرصه خصوصی)خانواده(جایی برای پذیرش تفاوت‌نقش‌ها و پی‌گیری الگوی مشارکت اجتماعی متناسب با ویژگی‌های جنسیتی باقی‌نگذاشت و شاخص‌های رشد و توسعه اجتماعی زنان نیز کاملاً ـ بر شاخص‌های مردانه‌منطبق و از جمله میزان اشتغال و احراز مناصب مدیریتی در هر کشور، بیان کننده‌وضعیت زنان آن کشور گردید.۲۷با نمودار شدن آثار پذیرش تشابه نقش‌ها و نادیده گرفتن تفاوت‌های طبیعی دو جنس‌که آثار خود را در تفاوت کارکردها آشکار می‌ساخت، جریان انتقادی نسبتاً قدرتمندی‌در جهان غرب شکل گرفته است. این جریان که بیشتر از سوی روان‌شناسان، متخصصان‌خانواده درمانی و منتقدان چپ گرائی هدایت می‌شود، به بررسی نادیده گرفته شدن‌تفاوت‌های طبیعی دو جنس پرداخته و آثار آن را بر رفتارهای زن و مرد و ارتباط میان آن‌دو به ویژه در روابط خانوادگی، بررسی می‌کند.۲۸ چنان‌که مشکلات جسمی و روانی‌زوجین را، حتی در روابط جنسی، بر اساس الگوی مبتنی بر تفاوت‌ها تحلیل می‌کند و به‌پیامد نادیده گرفتن نقش پدری و مادری و به تأثیرات ناشی از نادیده گرفتن نقش‌های‌خانگی در کنار نقش‌های اجتماعی بر فرزندان، توجه می‌کند.۲۹در کشور ما، در دو دهه اخیر، شاهد کم‌رنگ شدن توجه به نقش‌های جنسیتی وحمایت از آن هستیم. پذیرش شاخص‌های توسعه غربی در مورد زنان، کم ارزش تلقی‌شدن نقش‌های جنسیتی در فرهنگ‌سازی و در نظام آموزشی، تلاش‌هایی که به منظورحذف آثار جنسیتی از کتب درسی انجام گرفت۳۰، تشکیل دوره‌های آموزشی مدیران باشعار «جنسیت کلیشه است»، عدم توجه به حمایت از نقش‌های جنسیتی در قانون کار وطرح‌های اشتغال زایی، برخی مواد برنامه سوم و چهارم توسعه و موارد بسیار دیگر دراین راستا قابل تفسیر است/بازخوانی متون وحیانی و سیره نبوی، ضرورت توجه به تفاوت‌های تکوینی زن ومرد و تفاوت در مسئولیت‌ها و نقش‌ها را، به ویژه در شرایط کنونی که روز آمد کردن‌نقش‌های جنسیتی آثار شگرفی در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی مسلمانان برجای می‌گذارد، بیش از گذشته روشن می‌سازد. سیاست اسلام و سنت پیامبر اکرم۹ را در این رابطه در چند محور می‌توان موردمطالعه قرار داد:اول. تبیین نقش‌های جنسیتی: مهم‌ترین نقش‌های جنسیتی تصویر شده برای زنان‌همسری و مادری است و هیچ یک از فعالیت‌های زنان اهمیتی همپای این دو نقش‌نخواهد داشت. در تقسیم نقش‌ها گویا چنان مد نظر بوده است که خانه و خانواده وجهه‌اصلی همت زن باشد. تقاضای علی و فاطمه۸ از پیامبر اکرم۹ برای تقسیم‌فعالیت‌ها و احاله کارهای خانه به فاطمه۳ و کارهای بیرون از منزل به علی۳۱۷،معادل دانستن همسرداری شایسته زنان و صبر بر مشکلات ناشی از آن با جهاد مردان۳۲،بالاترین سعادت مرد مسلمان را برخورداری از همسر شایسته دانستن۳۳، بهشت را زیرقدم مادران توصیف

نمودن۳۴ و بر بـارداری، وضع حمـل و شـیردهی فرزنـدان ثواب‌های‌فراوان مقرر نمودن۳۵، نشان‌گر جایگاه نقش‌های جنسـیتی زنان است؛ همان‌گونه که‌خطاب‌های بسـیاری در ترغیب مردان به ایفای نقش‌های ویژه از جمله شرکت در جهادرسیده است/دوم. توصیه به حسن ایفای نقش: حساسیت آموزه‌های دینی به چگونگی ایفای‌نقش، متناسب با اهمیت هر نقش و میزان تأثیرگذاری آن در فرد، خانواده و اجتماع بوده‌است. بنابراین می‌توان به وجه حساسیت دین در ایفای نقش‌های مردانه در قالب‌سرپرستی جامعه و خانواده و شرکت در جهاد و نقش‌های زنانه همسری و مادری‌پی‌برد؛ به ویژه احادیث نبوی توصیه‌های بسیاری به مردان مطرح کرده‌اند که از آن جمله‌اسـت غیرت ورزی در دفـاع از خـانواده۳۶، حمـایت اقتصـادی از عـائله و توسـعه بر آنـان۳۷،تربیت صـحیح فرزنـدان و آموزش‌های مهارتی به آنان۳۸ و اهتمام به انفاق از روزی حلال۳۹.چنان‌که زنان را نیز به ایفای هرچه بهتر نقش مادری و همسری در قالب دلسوزی وعاطفه ورزی با فرزندان، رعایت عفاف، تواضع و آراستگی در مقابل همسر، انجام‌کارهای خانگی، حفظ اموال خانواده و حسن ارتباط جنسـی با همسر فرا خوانـده‌اند۴۰/سوم. حمـایت از نقش‌هـا: هر نظـام مـدیریتی که نقش‌های ویژه‌ای را مهم دانست وانتظار حسن انجام مسـئولیت‌های ویژه را داشت، به ناچار باید سیسـتم حمایت از نقش‌هارا در اشکال گوناگون چه فرهنگی و پرورشـی و چه حقوقی در نظر بگیرد. سیاست اسـلام‌که به ویژه در سنت نبوی تجلی می‌یابد، حمایت از نقش‌های جنسیتی را گاه در قالب‌مواد حقوقی۴۱ و گـاه به شـکل توصیه‌های اخلاقی و روش‌های تربیتی به منظور حمایت‌دیگران از افراد واجـد نقش دنبال می‌کند. آیات و روایاتی که احترام به والدین و تواضع وحسن سلوک با آنان را سفارش می‌کنند۴۲، حق پدر و مادر بر فرزند را به تصویرمی‌کشند۴۳، رضایت خداوند را به رضایت والدین پیوند می‌دهند۴۴، عقوق والدین راگناهی بزرگ می‌شمرند۴۵ و معاشرت بـه معروف را در روابـط خـانوادگی وظیفه شـوهرمی‌دانند۴۶، از آن جمله‌انـد. به علاـوه گـاه بـا زدن رنـگ خـدایی به حمایت‌هـای اقتصادی ومعنوی از خانواده۴۷ و یا بیان عقوبت بر ظلم و اهمال در حق عائله۴۸، افراد را به حُسن‌ایفای نقش فرا می‌خوانند و گاه از افراد می‌خواهنـد تصـمیمات طرف مقابل را در دایره‌انجام مسـئولیت بپذیرند.۴۹ملاحظه سـنت پیامبر اکرم۹ و دیگر آموزه‌هـای دینی توجه ما را به دو نکته جلب‌می‌کنـد: اول آن‌که گرچه مهم‌ترین عرصه نمود تفکیك نقش‌ها حوزه روابط خانوادگی‌است اما نباید به معنـای نادیـده گرفته شـدن تفکیـك نقش‌هـا در حوزه اجتماع تلقی شود. ازاین رو برخی آموزه‌ها به تبیین تفاوت نقش‌ها در حیات اجتمـاعی پرداخته‌انـد که عـدم‌وجوب شـرکت در جهاد و در نمازهای جمعه بر زنان از آن جمله اسـت۵۰، چنان‌که عدم‌ایفای نقش رهبری و قضـاوت نیز از آموزه‌هـای فقـاهتی است. دوم آن‌که همـواره حمـایت‌از نقش‌هـا متناسب با اهمیت نقش و ماهیت و کیفیت انتظـارات مـا از نقش تعییـن می‌شـود.از ایـن رو حمـایت از مـادری، بـه دلیـل آن‌کـه فعـالیتی عـاطفه محـور است، بیش‌تر در قالب‌حمایت‌های عاطفی به تصویر کشیده می‌شود و حمایت از سرپرستی خانواده، به دلیل‌آن‌که نیازمند هماهنگی اعضای خانواده با تصـمیمات سـرپرست است، در قالب توصـیه‌به تبعیت، حفظ اقتـدار و لزوم هماهنگی با وی بیان می‌گردد/بر اساس آن‌چه از فرهنگ اسـلامی و سـیره نبوی به دست می‌آیـد می‌توان بـا رویکردی‌انتقـادی، عملکرد بیست سـاله دسـتگاه برنامه ریزی کشور را، به منظور تصـحیح عملکردآینـده، مـورد سؤال قرار داد. مطرح کردن پرسـش‌های انتقـادی نـه بـه منظـور متهم کردن‌افراد و نهادهـا به غفلت، کم‌کاری یا انحراف بلکه به منظور عطف توجه به موضوعاتی‌است که می‌توانـد در آینـده منشأ تحولاتی در برنامه‌ریزی‌ها باشـد/۱- برای تبیین نقش‌هـای جنسـیتی و مسـئولیت‌های ویژه هر یـك از دو جنس و ترغیب‌آنـان به ایفای نقش، چگونه فرهنگ سازی شـده است؟۲- بـه منظـور حسـن ایفـای نقش‌هـای جنسـیتی چـه برنامه‌هـایی)از جملـه آموزش‌های‌مهـارتی(در نظر گرفته شـده است؟۳- سیاست حمایت از نقش‌های جنسیتی در جمهوری اسلامی چیست و برنامه‌های‌توسعه، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و قوانین مصوب از جمله قانون کار چگونه درخدمت تقویت و کارآمدی نقش‌های جنسیتی قرار می‌گیرند؟۴- چگونه مطالبات زنان به سمت تقویت نقش‌هـای جنسـیتی و کارآمـدی ویژه آنـان درخـانواده و اجتماع هـدایت می‌شود؟۵- چـه برنـامه‌ای برای تـداوم و روز آمـد کردن نقش‌های جنسیتی داریم؟ به عنوان‌مثال، مادری در عصـر جهانی سازی و عصر ارتباطات چگونه متناسب با شرایط جدیدباز تعریف،

حمایت و هدایت می‌شود تا بتواند نقش فعال خود را در پرورش نسل‌فرهیخته، کارآمد، مقاوم و اصول گرا ایفا نماید؟۶- با توجه به مجال گسترده‌ای که عصر جدید برای حضور و مشارکت اجتماعی زنان‌فراهم نموده است، الگوی مشارکت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی زنان‌متناسب با ویژگی‌های زنانه و هماهنگ با نقش‌های آنان چیست و چگونه می‌توان‌احساس رضایتمندی زنان و کارآمدی آنان را در ایفای نقش‌های جدید نشان داد؟ب. آسیب‌شناسی نگاه به خانواده در ایرانخانواده ایرانی در دهه‌های اخیر، همچون بسیاری جوامع دیگر، در معرض تحولا-تی‌مهم بوده است. افزایش سن ازدواج، افزایش تمایل به تجرد و تک‌زیستی، تغییرنگرش‌ها که به تردید در ضرورت تشکیل خانواده به عنوان مسیر تکاملی در زندگی‌منجر شده است، افزایش تخاصمات خانوادگی و طلاق، کم شدن روحیه سازش‌پذیری‌و ضعف کارآمدی خانواده در تنظیم رفتار جنسی، حمایت و مراقبت، کنترل و نظارت،ایجاد آرامش روانی و ارضای نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری و پروش معنوی ازمعضلات مهم خانواده ایرانی است. آن‌چه بر نگرانی ها می‌افزاید آن است که تاکنون‌موضوع خانواده به دغدغه اصلی هیچ یک از نهادهای پژوهشی، کارشناسی،سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور تبدیل نشده و آن‌چه تاکنون شاهد بوده‌ایم اقدامات‌جزئی در حمایت از گروه‌های خاص از جمله خانواده شهدا بوده است، نه حمایت ازتشکیل، استحکام و کارآمدی خانواده به عنوان یک کلّ منسجم/امروزه پرسش‌های بسیاری در مورد خانواده مطرح می‌شود: چرا خانواده جایگاه واهمیت خود را رفته رفته از دست می‌دهد؟ چرا کارکردهای خانواده به تدریج کم‌رنگ‌ترمی‌شود و چرا خانواده به راحتی در معرض تزلزل قرار می‌گیرد؟ ده‌ها پرسش از این‌دست مطرح و پژوهش‌هایی نیز صورت گرفته است. اما از این نکته غفلت شده که‌مخاطب این پرسش‌ها کیست و به چه غرض مطرح شده است؟ رویکرد پژوهش‌هاتاکنون این بوده است که با انجام مطالعات میدانی مشخص کنند که مثلاً سن ازدواج درحال افزایش و سن طلاق در حال کاهش است، بین میزان آسیب‌پذیری خانواده وحاشیه‌نشینی رابطه‌ای مستقیم وجود دارد، تمایل به ازدواج کاهش یافته است و یا بامطالعات کتابخانه‌ای، اهمیت تشکیل خانواده، ضرورت تلاش برای استحکام آن، لزوم‌تفاهم میان زوجین و مواردی از این دست مورد بررسی قرار گیرد؛ اما کم‌تر پژوهشی پای‌را از حدّ تحلیل‌های جزئی فراتر گذاشته است/در دهه گذشته بخشی از استعدادهای پژوهشی کشور به بررسی و تحلیل دیدگاه‌های‌فمینیستی و تأثیر آن بر تحولات زنان و خانواده معطوف شده است. در این‌جا منتقدان‌فمینیسم به تغییر نگرش نسل جدید متأثر از جریان فرهنگی و تبلیغی فمینیستی، و به‌سیاست‌ها و برنامه‌هایی اشاره کرده‌اند که خودآگاه یا ناخودآگاه برگرفته از این ادبیات‌تنظیم شده‌اند. این پژوهش‌ها به دلیل آن که پای را از تحلیل خُرد فراتر نهاده و به تحلیل‌نظریه‌ها پرداخته‌اند، گامی به جلو به حساب می‌آیند. در این سطح تحلیل، هم‌پژوهش‌های جریان‌شناسانه، به منظور نشان دادن آثار تفکر فمینیستی در نگرش‌های‌روشنفکری داخلی و تغییر نگرش نسل جوان، و یا در برنامه‌های توسعه یافت می‌شود وهم پژوهش‌های نظری که به منظور نقد بن‌مایه‌ها و رهیافت‌های فمینیستی تدوین‌شده‌اند/در سالیان اخیر به ویژه در میان منتقدان غربی، به پژوهش‌هایی بر می‌خوریم که‌آسیب‌های خانواده را به ساختارهای علوم اجتماعی نسبت می‌دهند و نقد را به لا-یه‌ای‌عمیق‌تر می‌کشانند. در دیدگاه آنان میان تنزل جایگاه خانواده و میان کم فروغ شدن نگاه‌نظریه‌پردازان علوم اجتماعی به خانواده به ویژه از دهه ۱۹۶۰، رابطه‌ای معنادار وجوددارد و تزلزل ساختارهای خانواده در دهه‌های گذشته را باید با به چالش کشیده شدن‌ساختار خانواده سنتی در نظریه‌های جامعه شناسانه، به ویژه گرایش‌های چپ، مرتبط‌دانست. در این نگاه، علم روانشناسی به دلیل آن که انسان متعادل را انسانی می‌داند که اززندگی لذت ببرد نه انسانی که متعهدانه زندگی کند، نه تنها نمی‌تواند در خدمت مصالح‌واقعی خانواده باشد بلکه خود عامل بحران است؛ چنان که علوم تربیتی و مشاوره نیز به‌دلایلی مشابه بیشتر مشکل سازند تا مشکل گشا.۵۱ بنابراین دیدگاه، مشکل اصلی فراروی‌مصلحان اجتماعی آن است که حل معضلات مربوط به زن و خانواده را از دستگاه کارشناسی و فکری‌ای انتظار دارند که به دلیل ابتنای به نظریه‌های علوم اجتماعی‌موجود، ماهیتاً خانواده‌محور نیستند/این تحقیقات از آن‌جا که دامنه نقد را گسترش و تعمیق می‌دهند حائز اهمیت‌اند؛ به‌ویژه آن که می‌توان براساس نگرش دینی نیز علوم

اجتماعی را هم در ناحیه‌پیش‌انگاره‌ها و فرضیه‌ها، هم در ناحیه مفاهیم بنیادین و تعاریف، هم در ناحیه اهداف وهم در ناحیه روش‌ها قابل نقد دانست. در عین حال به نظر می‌رسد نباید مشکل اساسی‌را فمینیسم و یا حتی نظریه‌های علوم اجتماعی دانست، چرا که فمینیسم و نظریه‌های‌علوم اجتماعی خود نمودهایی از مدرنیته‌اند. مدرنیته علاوه بر آن که بر مفاهیمی مبتنی‌است که جهت گیری کلی انسان جدید را دگرگون نموده و در حوزه‌های علمی واجتماعی تحول ایجاد کرده، به دو دلیل باید به عنوان منشأ اصلی مشکلات تلقی شود:اول، به دلیل آن که شاخص مهم مدرنیته تغییر است. در این نگاه همه چیز در جهان،به غیر از نفس تغییر، در حال تغییر است و در این مسیر تمام نهادها نیز ضرورتاً متحول‌می‌شوند. بنابراین اصرار بر ثبات خانواده به معنای در معرض نابودی قراردادن آن زیرچرخ تحولات اجتماعی است و خانواده نیز به ناچار پا به پای تحولات اجتماعی متحول‌خواهد شد. سخن از افول خانواده در این نگاه، پذیرش اشکال جدید همزیستی به جای‌اشکال سنتی خانواده است و مفهوم خانواده نیز خود در معرض تغییر خواهد بود و نبایدپنداشت که این تحولات در این مدل فکری منفی ارزیابی می‌شوند.۵۲ بنابراین ساده‌لوحی‌است اگر گمان کنیم با پذیرش فرهنگ مدرن می‌توان بر حفظ ساختارهای خانواده،تفکیک نقش‌ها، حفظ روابط خانوادگی و حتی محافظت بر اصل خانواده اصرار نمود/دوم، به دلیل آن که سرمایه‌داری روح حاکم بر جریان مدرنیته است و در مدرنیته‌انباشت سرمایه اصل حاکم تلقی می‌شود، فرهنگ سرمایه‌داری در تار و پود تمدن جدیدجریان می‌یابد و آثار خود را هم در ساختارهای علوم اجتماعی، هم در جریان‌های‌اجتماعی از جمله فمینیسم، و هم در سیاست‌ها و برنامه‌ها بر جای می‌گذارد؛ به عنوان‌مثال، در فرهنگ سرمایه‌داری اقتدار تفسیری اقتصادی می‌یابد و جایگاه‌ها و ارزش‌ها باپول توزین می‌گردد. تأثیر این نگرش بر زن و خانواده بسیار شگرف است. از آن‌جا که‌قدرت به تسلط بر منابع مالی تعریف می‌شود، اقتدار زنان در دسترسی به اشتغال واحراز مناصب مدیریتی تفسیر می‌گردد و نظریه فرودستی تاریخی زنان به دلیل دوری ازمدیریت و عدم تسلط بر منابع مالی شکل می‌گیرد.۵۳ بر این اساس زنان به تعریف جدیدی از مشارکت اجتماعی با محوریت قدرت‌اقتصادی فراخوانده می‌شوند. در نتیجه میل به ایفای نقش مادری و همسری کم و روابطخانوادگی و ساختارهای خانواده دستخوش تغییر می‌گردد. از سوی دیگر، حاکمیت‌تفکر سرمایه‌داری ایجاب می‌کند که تمام موانع بر سر راه توسعه سرمایه از میان برود وآن‌چه در مسیر بسط سرمایه‌داری است تقویت شود. از این روست که تجارت سکس،هموسکسوالیسم و هرزه‌نگاری با وجود مخالفت‌های گسترده علمی به دلیل آن که درمسیر جذب سرمایه‌اند قدرتمندتر از گذشته توسعه می‌یابند اما حجاب زنان مسلمان که‌فراگیری آن مشکلاتی در سر راه سرمایه‌داری ایجاد می‌کند، با ممانعت مواجه می‌گردد.و بر همین اساس خانواده سنتی به دلیل آن که حامل ارزش‌هایی چون قناعت و عفت‌است که می‌تواند مانع تلقی شود آماج سخت‌ترین حملات قرار گرفته و الگویی جدید ازخانواده که حامل ارزش‌های فردگرایانه باشد، ترویج می‌شود/از این‌جا می‌توان دریافت باوجود آن که در سالیان گذشته، برخی مسئولان میانی وکارشناسان در دفاع از نقش‌های جنسیتی و ضرورت تفکیک نقش‌ها سخن گفته‌اند، به‌دلیل آن که مفاهیم مدرن کم و بیش بر نظام برنامه‌ریزی حکومت می‌کند نمی‌توان به‌تغییرات اساسی در نظام آموزشی و قوانین عمومی در مسیر حمایت از نقش‌های‌جنسیتی چندان امید بست. از این رو تحولات خانواده حرکت اشتدادی خود را به رغم‌اظهارنظرهای علمی مختلف دنبال می‌کند. این نکته نشان می‌دهد بیش از آن که فمینیسم‌یا نظریه‌های علوم اجتماعی به تشابه نقش‌ها و مسائلی دیگر از این قبیل بپردازد،مدرنیسم و روح حاکم بر آن است که به آن دامن می‌زند/با مراجعه به متون دینی به ویژه شیوه گفتار و رفتار پیامبر اکرم۹ می‌توان به تبیین‌نگاه اسلامی به خانواده رسید و بر آن اساس وضعیت موجود خانواده را در کشورارزیابی نمود و یا پای را فراتر گذاشته به نظریه‌ای در باب خانواده رسید. در دیدگاه‌اسلام اقدام به تشکیل خانواده ساختن دوست داشتنی‌ترین سازمان اجتماعی است۵۴؛شاید به این دلیل که خانواده برای تحقق آرمان‌های مورد نظر اسلام دارای ویژگی‌هایی‌بدیل‌ناپذیر است و نباید با نگاهی کارکردگرایانه گمان نمود که می‌توان در بستر زمان‌کارکردهای خانواده را به دیگر نهادها واگذاشت و از اهمیت خانواده کاست/در نگاه اسلام ازدواج مسیر دین‌داری را تسهیل می‌کند۵۵ و

عزوبت شخصیت انسانی‌را فرو می‌کاهد.۵۶ دوری از ازدواج به دلیل ترس از فقر نتیجه حیله‌ای شیطانی برای‌توسعه فحشا در جامعه است۵۷ و تأخیر در ازدواج به خاطر ترس از تنگدستی سؤظن به‌خداوندی است که خود وعده حمایت به ازدواج‌کنندگان داده است.۵۸ اهمیت خانواده به‌حدی است که بهترین قدم‌ها گام‌هایی است که در جهت تقویت پیوندهای خانوادگی‌برداشته شود و بدترین گام‌ها قدم‌هایی است که در مسیر جدایی به کار افتد.۵۹ساختار خانواده در این نگاه مبتنی بر سلسله مراتب طولی است و مرد عهده‌دارسرپرستی خانواده است.۶۰ نه این ساختار در بستر زمان بدیل‌پذیر است و نه سرپرست‌خانواده می‌تواند مسئولیت خود را واگذارد یا نسبت به آن تسامح ورزد.۶۱ مهم‌ترین ابزارمدیریت خانواده سخاوت۶۲، غیرت و گذشت است و اقتدار پیش‌نیاز اعمال سرپرستی‌است. در عین حال از آن‌جا که احساس اقتدار می‌تواند زمینه‌های تعدّی به اعضای‌خانواده را فراهم آورد، مکانیزم‌های حقوقی و فرهنگی برای کنترل اقتدار پیش‌بینی شده‌است. اما از آن‌جا که خانواده عرصه خصوصی است که در اغلب اوقات اقامه دعاوی‌حقوقی، به دلیل رابطه عاطفی زن و شوهر به مصلحت تشخیص داده نمی‌شود و یا به‌دلیل عدم امکان اقامه شهود و یا ترس از عواقب بعدی ناکارآمد به نظر می‌رسد، تاکید برآن بوده است که بیش از هر چیز از روش‌های تربیتی و فرهنگی کنترل کننده بهره گرفته‌شود؛ چنان‌که برای مقابله با خشونت‌های خانگی، طرفین به حسن خلق و مدارا۶۳، صبرو کنترل خشم دعوت شده‌اند.۶۴ یا به این موضوع توجه شده است که نباید با ایجاد فشارروانی، عدم تمکین نسبت به موقعیت و جایگاه طرف مقابل و سهل‌انگاری در انجام‌مسئولیت‌ها، زمینه‌های خشونت علیه خویش را فراهم نمود.۶۵ کم کردن زمینه‌های‌بدبینی۶۶، تعدیل انتظارات از یکدیگر۶۷، تقبیح خشونت و توصیه کنترل آن۶۸ نیز از دیگرروش‌های تربیتی اسلامی است. از مجموع نکاتی که در رابطه با خشونت و طلاق درمنابع روایی آمده است می‌توان نتیجه گرفت که اسلام مکانیزم فشار روانی اجتماعی‌علیه شخص خطاکار را یکی از شیوه‌های کارآمد کنترل دانسته است، به گونه‌ای که‌شخص در صورت اقدام به روش‌های جاهلانه خود را در مقابل افکار عمومی تحقیرشده می‌بیند و برخی موقعیت‌های خود را از دست می‌دهد/از آن‌جا که اقدام به ازدواج از نگاه اسلام آمیزه‌ای از تعهد و اختیار آزاد است که پس‌از تشکیل خانواده بُعد متعهدانه آن تقویت می‌شود، عمل طلاق که بدون وجود انگیزه‌ای‌موجه، فرار از تعهد و عملی هوس‌آمیز تلقی و سبب بروز مشکلاتی برای همسر وفرزندان می‌گردد، عملی مبغوض در نظر گرفته می‌شود.۶۹ این نگاه با آن‌چه امروز درکشورهای غربی به طلاق رضایتمندانه از آن یاد می‌شود تفاوت اساسی دارد.سیاست‌های دینی به سمت تقویت روش‌های پیشگیری از طلاق است، مانند پیشنهادانتخاب داوران خانوادگی ۷۰ یا ایجاد شرایطی سنگین برای کسانی که به اندک بهانه‌ای‌اقدام به طلاق می‌کنند۷۱ یا زمینه‌هایی فراهم می‌سازند که طرف مقابل متمایل به طلاق‌شود.۷۲ چنان که تسامح و مدارا، کم کردن توقعات، صبر و گذشت، هدیه دادن به‌یکدیگر۷۳، سخنان نیکو و نگاه‌های عاطفه‌آمیز۷۴ از زمینه‌های افزایش استحکام خانواده‌شمرده شده است/کارآمدی خانواده نقطه عطف توجه آموزه‌های دینی است. بدین‌منظور تمهیداتی‌پیش‌بینی می‌شود که از ابتدای تشکیل خانواده و انتخاب همسر آغاز و تا آخر استمرارمی‌یابد. ابتدا توصیه می‌شود در انتخاب همسر به دو ویژگی مهم دین‌داری)ترس از خداو ارتباط با خدا(و حُسن خلق توجه شود.۷۵ این دو امتیاز در زندگی خانوادگی که براساس‌تعهد و صمیمیت بنا می‌شود و در طول مسیر خود ناهمواری‌های زیادی را می‌پیماید،بسیار ارزشمند است. از آن‌جا که کارآمدی خانواده وابسته به کارآمدی اعضاست لازم‌است آموزش‌های لازم بدین منظور در نظر گرفته شود. علاوه بر آموزش‌هایی که‌می‌تواند به توانمندسازی اعضا برای ایفای دقیق نقش‌های مورد انتظار بینجامد، آموزش‌حقوق نیز به استحکام و کارآمدی خانواده کمک می‌کند. روش آموزش در ادبیات دینی،برخلاف گفتمان مدرن، بر آموزش حقوق متقابل که به آموزش مسئولیت‌ها و تکالیف‌هم از آن یاد می‌شود و بر تلطیف حقوق به کمک اخلاق، استوار است. به این معنا که به‌مرد حقوق زن آموزش داده می‌شود و به زن حقوق مرد. یا آن‌گاه که به مرد حقوق زوج وبه زن حقوق زوجه آموزش داده می‌شود با توصیه‌های اخلاقی از میل به سؤ استفاده ازحقوق کاسته می‌شود/طبق متون دینی انتظار آن است که خانواده مشکلات داخلی را تا حد امکان براساس‌توانمندی‌های خود حل

کند.۷۶ بنابراین نباید سیاست‌ها به سمت وابستگی خانواده به‌اعانه‌های بیرونی جهت‌گیری شود. البته آن‌گاه که خانواده در حل مشکلات خود ناتوان‌بنماید، مسئولیت حمایت و کمک بر عهده دیگران۷۷ از جمله نهادها قرار خواهد گرفت ولازم است همواره حس تعاون و همیاری در جامعه اسلامی جریان یابد/تقویت پیوندهای خانوادگی بسیار مهم و قطع پیوندها گناهی بزرگ شناخته شده‌است.۷۸ تقویت حمایت‌ها و مراقبت‌ها و در نتیجه کم شدن خوف از مشکلات ناشی ازطلاق، مرگ همسر و از کارافتادگی، افزایش بعد نظارتی و هدایتی، افزایش روحیه تعاون‌اجتماعی و نشاط از آثار تقویت پیوندهای خانوادگی است. در این میان به پدر و مادر وتقویت جایگاه آنان تأکید ویژه‌ای شده تا آن‌جا که رضایت خداوند به رضایت آنان پیوندخورده است.۷۹آموزه‌های دینی توجه به نیازها و تمایلات اهل خانه را از مسئولیت‌های سرپرست‌می‌داند ۸۰ و علاوه بر تشویق به فرزندآوری۸۱، پرورش صحیح جسمی و روحی آنان را نیزمورد توجه قرار می‌دهد. انتخاب اسامی نیکو۸۲، ترحم به کودکان۸۳، آزادسازی نسبی آنان‌تا هفت سالگی، تحت آموزش در آوردن آنان تا چهارده سالگی و همکار قرار دادن آنان‌در فعالیت‌ها و تصمیمات تا ۲۱ سالگی، از مراحل تربیتی است۸۴ که توصیه می‌شود.تربیت جنسی فرزندان با محوریت عفاف و تقوا۸۵، کم کردن زمینه‌های تحریک جنسی‌آنان از جمله با جداسازی بستر آنان از ده سالگی۸۶ و عدم ارتباط جنسی والدین در کنارفرزندان۸۷ نیز از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. مهارت‌آموزی و سوادآموزی۸۸ وآشناسازی فرزندان با قرآن مجید۸۹ و احادیث اهل‌بیت۹۰۸ آنان را در زمینه‌های‌شخصی و اجتماعی توانمند می‌سازد، چنان که تقویت پایه‌های محبت به اهل‌بیت، هم‌به افزایش انگیزه‌های آنان می‌انجامد، هم صبر بر مشکلات را آسان می‌کند، هم درشرایطی که انحرافات فکری و شبهات سبب لغزش افراد بسیار می‌گردد، آنان را ثابت‌قدم می‌دارد و هم روحیه ایثار را در آنان تقویت می‌کند/توصیه‌های بسیاری که در اصلاح روابط جنسی زن و شوهر در قالب نفی ریاضت‌جنسی۹۱، رعایت آداب آمیزش به ویژه توجه به ویژگی‌های طبیعی هر یک از دو جنس‌در برقراری ارتباط وارد شده است۹۲، در کنار توجه به رفتار عفیفانه در ارتباط با نامحرم،پرهیز از خودآرایی و خودنمایی زنان نزد بیگانگان۹۳ و لزوم غیرت‌ورزی مردان در حفظحریم خانوادگی۹۴، از نکاتی است که اهتمام دین را به کارآمدی خانواده نشان می‌دهد/با ملاحظه متون وحیانی می‌توان مقیاسی برای آسیب‌شناسی خانواده ایرانی به‌دست آورد و تحولات خانواده را در دهه‌های اخیر تحلیل نمود. به نظر می‌رسد درسالیان اخیر از تمایل به تشکیل خانواده تا حدودی کاسته شده و ازدواج تا دستیابی به‌موقعیت اجتماعی و مالی مناسب به تأخیر می‌افتد. نظام تحصیلی موجود و فرهنگ‌مدرک‌گرایی نیز خود از موانع ازدواج به حساب می‌آیند. با بالا رفتن سن ازدواج گاه این‌پرسش مطرح می‌شود که اگر ممکن است ازدواج را تا سنینی بالاـ به تأخیر انداخت چه‌نیازی است که در این مقطع تعهدات ازدواج را پذیرفت؟ بنابراین می‌توان حدس زد که‌چون کشورهای اروپایی، در سال‌های نه چندان دور، شاهد رواج تک زیستی در ایران‌باشیم/در نقطه مقابل احساس می‌شود که از قبح طلاق به مرور کاسته می‌شود. برخی‌تحلیلگران با تحلیل غلط از رواج طلاق و مرتبط دانستن آن با آگاهی زنان از حقوق خود،بر این معضل مهر تأیید نیز می‌زنند. در سالیان اخیر طلاق به درخواست زنان رو به‌افزایش است و آمار طلاق رجعی که در آن امکان رجوع به زندگی بیش از انواع دیگرطلاق است، کاهش یافته است. به نظر می‌رسد یکی از علل افزایش طلاق خلع، ترس‌زوج از پرداخت مهریه به نرخ روز و تنصیف دارایی‌ها در صورت اقدام به طلاق است واز این رو زمینه‌هایی فراهم می‌شود که زوجه به درخواست طلاق اقدام کند/از معضلات دیگر خانواده ایرانی آن است که سرپرست خانواده یا به مسئولیت‌های‌خود آشنا نیست و انتظار دارد همسر ایفای نقش‌هایی چون نان‌آوری را عهده‌دارشود، و یا آن‌که در ایفای نقش‌های خود از حمایت کافی برخوردار نمی‌شود. یعنی ازیک‌سو اقتدار لازم را برای ایفای نقش سرپرستی احساس نمی‌کند؛ به دلیل آن‌که فرهنگ‌مسلط تمکین را نشانی از ذلت زن دانسته و با ترویج روحیه استقلال‌طلبی و آزادی فردی‌فرزندان را در مقابل والدین قرار می‌دهد، و از سوی دیگر، سیاست اشتغال‌زایی وقوانین مربوط، انگیزه کارفرمایان را برای جذب شخص سرپرست خانوار، کم کرده‌است/افزایش تخاصمات خانگی و خشونت‌ها نیز پیامد چند چیز است: اول آن که

درشیوه‌های سنتی، همسر غالباً از طایفه یا محله انتخاب می‌شد که اختلافات فرهنگی واجتماعی آنان بسیار کم بود اما در شیوه‌های جدید تناسبات فرهنگی و اجتماعی کمترملاک گزینش قرار می‌گیرد. دوم آن که نه خانواده به فرزندان خود مهارت‌های ارتباطی رابرای تشکیل خانواده می‌آموزد و نه نهادهای رسمی آموزشی. تأکید بر حقوق وکم‌توجهی به اخلاق نیز به صف‌بندی و تخاصم در درون خانه منجر می‌شود/کاهش پیوندهای خانوادگی در دهه‌های اخیر خانواده را بیش از گذشته تنها و در حل‌مشکلات خود ناتوان‌تر کرده است. غلبه فرهنگ فردگرایی بیش از هر چیز در حس‌استقلال طلبی و فرار از تعهدات موثر بوده است. همین فرهنگ، زمینه‌های کم شدن‌حس تعاون اجتماعی و پیوندهای گروهی را فراهم کرده است. از سوی دیگر به نظرمی‌رسد سیاست‌های حمایتی دولت از اقشار آسیب‌پذیر، بیشتر بر محور حمایت از فردجریان یافته، تا خانواده. این سیاست‌ها در مجموع نه تنها به کارآمدی خانواده منجرنشده است بلکه هم خانواده را در حل مشکلات خود ناتوان‌تر کرده و هم نسلی راپرورده است که برای حل مشکلات مختلف زندگی از جمله اشتغال و ازدواج چشم به‌مساعدت دولت دوخته و توان ذاتی خود را به کار نمی‌گیرند/تضعیف جایگاه والدین که در تحقق آن نهادهای فرهنگی و تبلیغی بیش از دیگران‌مقصرند، علاوه بر کاهش نظارت کیفی آنان بر روند پرورش نسل جدید، به کم شدن‌اهتمام آنان نسبت به فرزندان و به کاهش پیوند خانوادگی می‌انجامد. اینها و ده‌ها مسئله‌دیگر نشان‌گر افق‌های تیره‌ای فراروی آینده خانواده‌ها است. در این میان آن‌چه بیشترخانواده را تهدید می‌کند تهاجم رسانه‌ای غربی نیست، بلکه نظریه‌های فلسفی علوم‌اجتماعی است که تحولات خانواده را در دهه‌های اخیر قهری و معلول جبر تکنولوژی یاسازمان اجتماعی قلمداد می‌کند. این بدان معناست که روند تحولات خانواده یک سویه‌و برگشت‌ناپذیر است و هیچ کس و نهادی نمی‌تواند و نباید در برابر آن ایستادگی کند.بنابراین تنها می‌توان بر تحولات خانواده افسوس خورد و با آن هماهنگ شد، پذیرش‌هرگونه فکر و برنامه‌ریزی برای افزایش اقتدار و کارآمدی خانواده در عصر حاضرمحکوم است و باید به دیگران فرصت داد تا با خیالی آسوده تئوری نظم نوین جهانی رابه مرحله تحقق برسانند. پذیرش این دیدگاه در کلیت خود با سیاست اسلام که اصول اخلاقی وجهت‌گیری‌های اصلی خود را ثابت می‌داند و معادله دگرگون ساختن شرایط و نظم‌موجود را برای تحقق اهداف مورد نظر دارد چگونه قابل جمع است؟۹۵به جرئت می‌توان گفت که مهم‌ترین مشکل ما در رویکرد به خانواده، بحران‌نظریه‌پردازی است. از یک سو نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی نه براساس مبانی فلسفی‌صحیح شکل گرفته است که بتوان بر آن اعتماد کرد و نه برای حل معضلات جامعه‌اسلامی طراحی شده است و از سوی دیگر، تاکنون نهادهای علمی دینی در تبدیل‌مفاهیم بنیادین به کاربردی و نظریه‌پردازی اقدامی اساسی نداشته‌اند. حل معضلات‌اساسی ما تنها در گروه ایجاد حوزه مطالعات آکادمیک مباحث جنسیتی و خانواده‌براساس فکر دینی، تدوین نظریه دینی زن و خانواده، ایجاد حوزه کارشناسی بومی،حول پرسش‌های اساسی به منظور حل معضلات عینی جامعه اسلامی و حرکت درمسیر بالندگی است. در این رابطه پرسش‌های فراوانی پیش روی ماست که مبنایی،روشی و یا بنایی است. برخی از این پرسش‌ها عبارت‌اند از:- آیا متون وحیانی صرفاً ناظر به بیان تکالیف‌اند یا آن که می‌توان از آنها در تدوین‌نظریه‌ها، ایجاد ساختارها و حل معضلات کلی نظام، از جمله در موضوع زن و خانواده،نیز بهره گرفت؟ چنین فرآیندی چگونه تحقق می‌یابد؟- خاستگاه آموزه‌های اخلاقی اصلاح افراد از طریق توصیه‌های فردی است یا آن که‌می‌توان اخلاق را در متن سیاست‌ها و برنامه‌های کلان و ساختارسازی‌ها جریان داد؟ به‌عبارت دیگر، ساختارها، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان چگونه حیات اخلاقی فرد درخانواده را تهدید می‌کند و چگونه می‌توان ساختارها و سیاست‌ها را مجرایی برای‌جریان یافتن اخلاق حسنه قرار داد؟- چه علومی در مطالعات آکادمیک خانواده سهیم‌اند، سهم هر یک چیست، انتظارچه پاسخ‌هایی را از هر یک از این علوم داریم و چه اصول حاکمی آنها را با هم هماهنگ‌می‌سازد؟- مسئولیت‌های جدید، ظرفیت‌های نو، مشکلات جدید و ابزارهای نوینی که عصرجدید پیش روی زن و خانواده نهاده است چیست؟- چگونه می‌توان از ظرفیت‌های عصر جدید برای افزایش اقتدار و کارآمدی خانواده‌بهره گرفت؟ به عنوان مثال، آیا می‌توان تشکیل NGO های طایفه‌ای را به منظور ایجادشبکه همیاری و نظارت

طایفه‌ای پیشنهاد نمود؟- چگونه می‌توان پیامدهای منفی جهانی‌سازی را بر زنان و خانواده کم کرد، شرایط وظرفیت‌های جدید را در خدمت کارآیی خانواده و کارآمدی زن به کار گرفت و زن وخانواده را به عنصری فعال در تحولات جهانی تبدیل نمود؟ تاکنون سمینارهایی که به‌موضوع جهانی‌سازی و زنان و خانواده پرداخته‌اند بیشتر به توصیه‌هایی برای خانواده‌هادر چگونگی تعامل با شرایط جدید بسنده کرده‌اند و کم‌تر به تحلیل از بعد کلان و ازجایگاه برنامه‌ریزی پرداخته‌اند/- سیاست‌های دولتی چگونه ماهیتی ضدخانواده یا خانواده محور می‌یابد؟ به عنوان‌مثال، سیاست دولت رفاهی سوئد در تأسیس مهدکودک‌های مجانی به کاهش انگیزه‌مادری منجر شده است و سیاست مالیاتی این دولت همگان را، چه مرد و چه زن، به‌اشتغال فرا می‌خواند و حمایت‌های مالی دولتی از افراد حتی بچه‌ها به افزایش انگیزه‌طلاق منجر شده است/- نگرش‌هایی که مشروعیت قوانین را به عدم مخالفت با آموزه‌های فقهی تقلیل‌می‌دهد و آموزه‌های اخلاقی و معرفتی دین را در فقه اجتماعی اسلام دخالت نمی‌دهد،چگونه می‌تواند به تصویب قوانینی ضد خانواده منجر شود؟- کارآمدی هرچه بیشتر خانواده چه منافعی برای دولت‌ها به ارمغان خواهد آورد وچگونه در خدمت انسجام و همیاری ملی، ایجاد روحیه احسان و نوع‌دوستی، تحمل ومدارا و حفظ ارزش‌های جمعی قرار می‌گیرد؟- شاخص‌هایی که نشان‌گر وضعیت خانواده براساس فرهنگ دینی باشد چیست وچگونه تدوین می‌شود؟- جریانات فرهنگی در کشور چگونه باید مدیریت شوند تا در خدمت منافع خانواده‌قرار گیرند؟- سیاست‌های رسانه‌ای نظام برای آن که در خدمت تقویت خانواده قرار گیرد بایدحاکمیت چه اموری را بپذیرد؟- چگونه می‌توان، همان گونه که برای افراد آرمان‌سازی می‌کنیم، برای خانواده نیزآرمان‌سازی نمود؟- چگونه می‌توان نظام آموزشی را چه در محتوای دروس، چه در ارائه مباحث کمک‌آموزشی، چه در سیستم مشاوره و امداد، چه در ارتباط میان خانه و مدرسه، چه دررشته‌بندی‌های تحصیلی، چه در انعطاف‌پذیری نظام آموزشی و.... در خدمت حمایت ازخانواده قرار داد؟- چگونه می‌توان برای خانواده مطالباتی ایجاد نمود یا مطالبات آن را هدایت کرد؟- سیاست‌های تشویقی نظام اسلامی برای تشکیل خانواده و پذیرش تعهدات ناشی‌از آنو ترویج فرهنگ ساده زیستی چیست؟- چگونه می‌توان پیامدهای طلاق را به گونه‌ای کاهش داد که به افزایش تمایل به‌طلاق منجر نشود؟- مکانیزم حمایت از زن در خانواده، با حفظ اقتدار و کارآمدی خانواده، چیست؟- الگوی مشارکت اجتماعی زنان با محوریت خانواده چه مختصاتی دارد؟- زیرساخت‌های مشارکت اجتماعی زنان چگونه باشد تا کم‌ترین آسیب به حیات‌خانوادگی متوجه شود؟- نظریه دینی اقتدار و کنترل اقتدار در خانواده چیست و بدین منظور چه سیاستی‌تبیین شده است؟- نظریه و راهبرد اسلام در کنترل خشونت‌های خانگی و تضمین امنیت اجتماعی‌زنان چیست؟- باتوجه به آن که پیوندهای خانوادگی معلول احساس نیازهایی است که زوجین را به‌هم پیوند می‌دهد، و با توجه به آن که پیشرفت‌های تکنولوژی و تحولات اجتماعی واقتصادی به کاهش نیازهای زوجین نسبت به یکدیگر منجر شده است، چگونه می‌توان‌زمینه‌هایی را برای تقویت پیوندهای خانوادگی در عصر جدید باز جست؟- چگونه سیاست‌های فرهنگی و اقتصادی به افزایش نیاز به درآمد بیشتر برای تأمین‌خانواده، افزایش ساعات اشتغال و کاهش حضور فعال والدین در خانواده منجر شده‌است و چگونه می‌توان این روند را به نفع مصلحت خانواده اصلاح نمود؟- سیستم حمایت از زنان آسیب‌پذیر تابع چه اصولی است تا در خدمت تقویت نظام‌خانواده و حل اساسی مشکلات زنان قرار گیرد. به عنوان مثال، سازمان بهزیستی ضمن‌طرحی، با اعطای وام اشتغال زنان روسپی را پس از دستگیری و بازپروری اولیه سامان‌می‌داد. چنین طرحی در عین آن که به حل مشکلات این قشر کمک می‌کند، از آن‌جا که‌راهکاری برای حمایت از زنان فقیری که از پرده عفاف خارج نشده‌اند ارائه نمی‌کند،ممکن است به تمایل به بزهکاری برای برخورداری از سیستم حمایتی منجر شودبنابراین راهکارهای حمایتی باید با نگاهی جامع طراحی شود/- مشکلات نهاد مشاوره برای حضور فعال در حل معضلات خانوادگی چیست؟ این‌مشکل تا چه حد ناشی از ضعف علمی مشاوران، تا چه حد ناشی از عدم توانایی‌مراجعان برای تأمین هزینه‌های مشاوره، تا چه حد ناشی از ضعف فرهنگ‌مشاوره‌پذیری و تا چه حد ناشی از ضعف بنیان‌های تئوریک علم مشاوره است؟نتیجه‌گیریحل مشکلات زن و خانواده

مسلمان، تنها در پرتو تلاش علمی اندیشمندان و با مبناقراردادن کتاب آسمانی و سیره نبوی امکان‌پذیر است. اما در مراجعه به متون مقدس،این بار، به جای توقف بر نصوص و یا اکتفا به فتاوای فقهای عظام، لازم است در عین‌پذیرش آن، به فضای نظریه‌پردازی علمی قابل استناد به وحی پای نهیم و پایه‌های‌محکمی برای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کلان مبتنی بر انگاره‌های اسلامی بنا کنیم.این حرکت ارزشمند گرچه از پرسش گری و نقد انگاره‌های موجود آغاز می‌شود امامی‌تواند نگاه جامعه علمی را به سمت نگرشی نوین معطوف نماید؛ نگرشی که ضمن‌توجه به کارآمدی و حجیت، با رویکردی خانواده گرا، هم به حل معضلات اجتماعی‌می‌اندیشد و هم داعیه دفاع از زنان را در سر دارد. تنها با چنین رویکردی است که‌می‌توان به اصلاح جامعه و حل مشکلات زنان امیدوار بود/والسلام منابع- الطوسی، محمدبن الحسن، تهذیب‌الاحکام، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴/- ایران دخت)ماهنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی(، مجمع اسلامی بانوان، ش۳۲، تیرماه ۱۳۸۵/- استنلی کرنر، »پایان ازدواج در اسکاندیناوی«، ترجمه مریم رفیعی، حوراً)ماهنامه علمی‌فرهنگی و اجتماعی زنان(، ش ۱۹/- »ازدواج در اسکاندیناوی در حال مرگ است«، کیهان، ۸۵/۴/۱۹، ص ۱۵/- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، شرکت انتشارات‌علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۳/- الحرالعاملی، محمدبن الحسن، وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه، قم، موسسْآل‌البیت)ع(لاحیأالتراث، ۱۳۷۴/- پایدار، ابوالقاسم، نهج‌الفصاحه)مجموع کلمات قصار حضرت رسول اکرم)ص«، تهران،سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۷۶/- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶/- اسدی، لیلا »بررسی نفقه زوجه و اقارب در حقوق انگلستان«، ندای صادق، ش ۲۴/- محسنی، سعید، نفقه زوجه در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق)ع(/- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵/- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، المکتبْ الاسلامیه، ۱۳۷۴/- تونی گرنت، زن بودن، ترجمه فروزان گنجی‌زاده، تهران، نشر ورجاوند، ۱۳۸۱/- آلن و باربارا‌پیز، آنچه زنان و مردان نمی‌دانند، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نسل‌نواندیش، ۱۳۸۳/- جان گری، زن، مرد، ارتباط، ترجمه مهدی قرچه داغی، تهران، انتشارات اوحدی،۱۳۷۶/- دیوید سال، مرد توانا، ترجمه سعدی مرادی، تهران، نشر ورجاوند، ۱۳۸۴/- - سند چهارمین کنفرانس جهانی زن)کار پایه عمل(و اعلامیه پکن، ترجمه: علی آرین وعلی میرسعید قاضی، تهران، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵/- نوری، حسین، مستدرک‌الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، موسسْ آل‌البیت)ع(لاحیأ التراث، ۱۴۰۸/- مانوئل کاستلز، عصر اطلاعات، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲/- منجم، رؤیا، زن - مادر، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۲/- امینی، فاطمْ الزهرا، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹/تغییر نگرش‌ها و اصلاح رویه‌ها و قوانین مربوط به زن و خانواده، دردهه‌های اخیر، مسیر مطمئن و رو به رشدی نپیموده است و این انحطاطپیش از آن که نتیجه تأثیرپذیری از گفتمان فمینیستی و برخی نظریه‌های‌علوم اجتماعی باشد، معلول سیطره ادبیات مدرن و سرمایه‌داری برساختارهای علوم انسانی و جریان‌های اجتماعی است. اصلاح اساسی دراین زمینه نیازمند تدوین نظریه اسلامی زن و خانواده و جریان یافتن‌ادبیات دینی در ساختارهای علوم انسانی و برنامه‌ریزی کلان اجتماعی‌است. دستیابی به نظریه‌های اجتماعی اسلام مسئولیتی سنگین بر دوش‌اندیشمندان مسلمان است که از پرسش گری و نقد دیدگاه‌های موجودآغاز می‌شود و بر متون وحیانی و سنت نبوی استوار می‌گردد/.۱ ر.ک: ایران دخت، ش ۳۲)تیر ۸۵)، ص ۲./۴ ر.ک: استنلی کرتز، »پایان ازدواج در اسکاندیناوی«، ترجمه مریم رفیعی، حوراً، و »ازدواج در اسکاندیناوی در حال‌مرگ است« کیهان، ۸۵/۴/۱۹، ص ۳./۱۵ این سخن البته به معنای انکار تأثیرگذاری زمان و مکان در تغییر مصادیق نیست. تبدّل عناوین با تحقق‌شرایط آن از مباحث پذیرفته شده در علم فقه است/.۴ ر.ک: نحل / ۵./۵۹ ر.ک: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۰۱ و جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۶./۵۰ ر.ک: نحل / ۵۷ ؛ نجم/ ۲۱ و ۲۷ و ویل دورانت، همان، ج ۱، ص ۷./۲۰۶ ر.ک: نحل / ۹۷؛ نسأ / ۱۲۴؛ غافر / ۴۰ و آل عمران / ۸./۱۹۵ توبه/ ۷۱ و ۹./۷۲ احزاب / ۱۰./۳۴ نور / ۲۳ و احزاب / ۱۱./۵۸ محمد / ۱۲./۱۹ احزاب / ۷۳.۱۳ حدید / ۱۴./۱۲ تحریم / ۱۱ و ۱۲/.۱۵ کنزالعمال، ح ۱۶./۴۵۳۱

ر.ك: وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۳۰۶ و ۲۷۳۱۴ و نهج‌الفصاحه، ح ۱۷./۲۴۸۱ ر.ك: تكویر / ۸ و جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۸./۴۸ نهج‌الفصاحه، ح ۱۵۲۰ ۱۴۷۷ و ۱۹./۱۷۲۸ ممتحنه / ۱۰./ ۲۰ بحارالانوار، ج ۴، ص ۱۶۲، ح ۴. ۲۱. ر.ك: علامه امینی، فاطمْ الزهرا، ص ۲۲./۹۴ آل‌عمران / ۴۷ – ۲۳./۴۲ آل‌عمران / ۲۴./۶۱ ر.ك: احزاب / ۲۵./۳۳ ر.ك: لیلا اسدی، بررسی نفقه زوجه و أقارب در حقوق انگلستان، فصلنامه ندای صادق، ش ۲۴، ص ۱۶–۹ وسعید محسنی، نفقه زوجه در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه‌امام صادق۲۶./۷ ر.ك: کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، ماده ۲۷./۱۶ ر.ك: سند چهارمین کنفرانس جهانی زن، کار پایه عملی و اعلامیه پکن/.۲۸ ر.ك: تونی گرنت، زن بودن و آلن و باربارا پیز، آنچه زنان و مردان نمی‌دانند/.۲۹ ر.ك: جان گری، زن، مرد، ارتباط و دیوید سال، مرد توانا/.۳۰ ر.ك: خبرنامه زنان، ش ۴۴، تیر ۸۳ ص ۳۱./۱۱ وسائل‌الشیعه، ح ۳۲./۲۵۳۴۱ الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷، بحارالانوار، ج ۷۷، ح ۱۹۱ و نهج‌الفصاحه، ح ۳۳./۲۸۹۲ وسائل‌الشیعه، ح ۲۴۹۷۹ و ۳۴./۲۴۹۵۴ مستدرك‌الوسائل، ح ۳۵./۱۷۹۳۳ وسائل‌الشیعه، ح ۳۶./۲۷۵۵۷ نهج‌الفصاحه، ح ۳۷./۱۵۱۹ وسائل‌الشیعه، ح ۳۸./۲۱۷۲۰ وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۶۲۸ و ۲۷۳۷۷ و نهج‌الفصاحه، ح ۳۹./۱۳۹۳ نهج‌الفصاحه، ح ۳۱۳۷ ۲۶۱۷ و ۴۰./۳۰۴۷ وسائل‌الشیعه، ح ۲۴۹۴۲ و نهج‌الفصاحه، ح ۱۵۳۵ ۲۲۳۷ ۲۶۱۵ و ۴۱./۲۰۹۴ نسأ / ۴۲./۳۴ بقره / ۱۸۰ ۸۳ و ۲۱۵، نسأ / ۳۶؛ انعام / ۱۵۱؛ اسرأ / ۲۳؛ لقمان / ۱۴؛ مستدرك‌الوسائل، ح ۱۸۰۱۸ ووسائل‌الشیعه، ح ۴۳./۲۷۶۶۵ وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۶۷۲ ۲۷۶۰۷ ۲۷۷۰۵ و ۴۴./۲۷۶۷۳ مستدرك‌الوسائل، ح ۴۵./۱۷۹۰۸ مستدرك الوسائل، ح ۸۱۱۹ و نهج‌الفصاحه، ح ۴۶./۲۶۲۵ نسأ / ۱۹. ۴۷. نهج‌الفصاحه، ح ۴۸./۱۲۹۶ همان، ح ۲۴۱۷؛ الکافی، ج ۵، ص ۶۷ و وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۸۱۴ و ۴۹./۲۷۶۰۱ وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۳۰۰؛ نهج‌الفصاحه، ح ۵۰./۸۸۱ وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۴۵۷/۵۱. William D.Gaerdner, the war against the family..۵۲ ر.ك: ماوئل کاستلز، عصر اطلاعات، ج ۲، ص ۵۳./۱۸۰ نویسنده کتاب زن – مادر در نقد دیدگاه فرودستی تاریخی زنان معتقد است: »دلیل آن که زن در طول تاریخ‌در مقابل مدیریت اقتصادی مرد در خانه موضع نگرفته، ناتوانی و عدم درك وی نیست بلکه ناشی از این نگاه‌است که زن سنتی احساس نکرده است که مدیریت مرد بر منابع اقتصادی به منزله استثمار اقتصادی زن واقتدار مرد است بلکه مرد را وکیل خرج خانواده می‌دانسته که در مسیر مصلحت خانواده اقدام می‌کند«)ر.ك:رؤیا منجم، زن – مادر، ص ۲۷ تا ۳۱)/.۵۴ وسائل‌الشیعه، ح ۵۵./۲۴۹۰۱ همان، ح ۲۴۹۰۲ و ۵۶./۲۴۹۱۴ همان، ح ۲۴۹۱۵ و ۵۷./۲۵۳۱۸ بقره / ۵۸./۲۶۸ وسائل‌الشیعه، ح ۲۴۹۸۴ ۲۴۹۸۳ و ۵۹./۲۴۹۸۶ همان، ح ۲۴۹۹۶ و نهج‌الفصاحه، ح ۶۰./۷۸۲ نسأ / ۶۱./۳۴ بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۳۵۵ و وسائل‌الشیعه، ح ۶۲./۲۷۸۱۴ تهذیب‌الاحکام، ح ۶۳./۱۵۹۷ مستدرك‌الوسائل، ح ۹۹۵۹ و ۶۴./۳۰۵۷ نهج‌الفصاحه، ح ۲۷۷۸ و وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۳۱۵ و ۶۵./۲۵۳۵۴ وسائل‌الشیعه، ح ۲۸۵۹۷؛ نهج‌الفصاحه، ح ۲۲۶ و بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۴، ح ۶۶./۱ وسائل‌الشیعه، ح ۲۸۵۹۸ و نهج‌الفصاحه، ح ۱۳۸۹ ۷۵ و ۶۷./۱۳۹۰ وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۴۶۳ و ۶۸./۲۴۹۵۷ نهج‌الفصاحه، ح ۲۸ و ۲۶۲۸ و وسائل‌الشیعه، ح ۶۹./۲۵۳۲۳ وسائل‌الشیعه، ح ۷۰./۲۷۸۷۴ نسأ / ۷۱./۳۵ وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۸۷۹ و ۷۲./۲۸۵۹۸ وسائل‌الشیعه، ح ۷۳./۲۸۵۹۸ مستدرك‌الوسائل، ح ۷۴./۱۵۱۱۰ نهج‌الفصاحه، ح ۶۲۱ و ۲۱۶۵ و وسائل‌الشیعه، ح ۷۵./۲۴۹۳۰ وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۰۷۴ ۲۵۰۷۳ و ۷۶./۲۵۰۷۸ وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۷۷۴ و نهج‌الفصاحه، ح ۷۷./۲۶۳۰ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۸۹، ح ۷۸./۲ بقره / ۲۷؛ رعد / ۲۷؛ نهج‌الفصاحه، ح ۱۶۹۰ و مستدرك‌الوسائل، ح ۷۹./۱۰۳۶۵ مستدرك‌الوسائل، ح ۱۷۹۰۸ و ۸۰./۸۱۱۹ وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۸۱۴ و ۸۱./۲۷۸۰۸ وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۰۱۹ و نهج‌الفصاحه، ح ۸۲./۱۰۹۶ وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۳۷۵ و ۸۳./۳۷۳۷۹ وسائل‌الشیعه، ح ۲۷۵۴۴ و ۲۷۶۲۳ و نهج‌الفصاحه، ح ۸۴./۱۱۰۸ همان، ح ۸۵./۲۷۶۲۷ وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۱۵۴ ۲۵۴۱۸ ۲۵۴۱۰ ۲۵۴۰۸ ۲۵۴۰۵ و ۸۶./۲۵۵۳ همان، ح ۸۷./۲۷۵۸۱ همان، ح ۸۸./۲۵۲۳۳ نهج‌الفصاحه، ح ۸۹./۱۳۹۳ وسائل‌الشیعه، ح ۹۰./۲۷۶۲۳ الکافی، ج ۶، ص ۹۱./۴۷ وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۱۶۴ ۲۵۱۶۱ ۲۵۱۵۹ ۲۵۱۵۸ ۲۵۱۵۷ و ۹۲./۲۵۳۵۴ وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۱۸۱ و ۹۳./۲۵۱۸۷ نهج‌الفصاحه، ح ۴۷۸ و وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۴۱۸ و ۹۴.۲۵۳۱۰ نهج‌الفصاحه، ح ۲۰۴۵ و ۱۵۱۹ و

وسائل‌الشیعه، ح ۲۵۲۸۸/-۹۵ انتقاد از کلیت جبر سازمانی و تکنولوژیک البته نبایـد به معنای نادیـده گرفتن تأثیرات قهری گـذار از شرایطسابق به شـرایط جدید تلقی شود. بنابراین می‌توان تأثیرات شهرنشـیتی، مدرنیسم و تکنولوژی‌های جدید راپذیرفت اما پرسـش اصلی در دو ناحیه است: اول آن که این تأثیرات جزئی‌اند یا در تمام عرصه‌های حیات و به‌طور حداکثری دوم آن که این تأثیرات از نوع مقتضی)زمینه‌ساز(است یا علّت تامه/

روابط در یک خانواده چگونه شکل می‌گیرد

؟دکتر علی بنی اسدی

بایـد توجه داشت که همه انسان‌ها نیازمند رابطه و برقراری ارتباط با دیگران هسـتند. چرا که انسان اصالتا موجودی است اجتماعی و حیات و زنـدگی پویا و مولد آدمی در گرو روابط بین فردی و ارتباطات مؤثر و مفید و متقابل با دیگران است. به سـخن دیگر بدون ارتباط مؤثر اجتماعی و تعامل بین فردی، انسان نمی توانـد به رشد مطلوب و شـکوفایی شخصـیت خود برسد. بخش قابل توجهی از تبلور استعدادها و شکفته شدن توانمندی‌ها، و معنا یافتن قابلیت‌ها و مسئولیت پذیری‌ها و تحول شخصیت متعادل و متعالی انسان، در نتیجه حیات اجتماعی، به برداشت‌های مشاهده ای، پیوندهای خانوادگی، اکتساب‌های آموزشگاهی و تجارب زندگی جمعی فراهم می گردد، به طوری که هرگونه محرومیت از روابـط مطلوب و منطقی بـا دیگران و دور مانـدن از زنـدگی پویـای اجتمـاعی، زمینه اضـطراب و افسردگی و عقب ماندگی فرهنگی را فراهم می نماید.اما اولین جوانه‌های ارتباط بین انسآن‌ها در حریم خانواده پدیدار می گردد. روابـط درون خـانوادگی از اهمیت و حساسـیت فوق العـاده ای برخوردار است و چگونگی این روابـط نقش بسـزایی در شکل گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسـعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده خواهـد داشت.به طور کلی چگونگی روابـط درون خـانواده بیشترین تإثیر را در توان و نحوه برقراری و اسـتمرار رابطه با دیگران در بین اعضای خانواده خواهد داشت.پایه و اساس روابط درون خانوادگی بر محور رابطه زن و شوهر (پـدر و مادر) اسـتوار است. رابطه خوشایند و آرام بخش زن و شوهرها نه تنها مناسب‌ترین بستر رشـد و شـکوفایی و تعالی شخصـیت آن‌ها را فراهم می نمایـد، بلکه چنین رابطه ای بین پـدرها و مادرهـا، نیـاز همیشه فرزنـدان را به رابطه گرم و خوشاینـد و دوست داشـتنی بـا والـدین خود تأمین می نمایـد.عوامل مهم و مؤثر در برقراری ارتباط و اسـتمرار رابطه‌ها:۱-　توجه به ویژگی شخصـیتی و نیازهـای روانی و اجتمـاعی معاشـران و مخاطبان.اولین گام در روان شناسـی ارتبـاط، بـا توجه به ویژگی‌ها و نیازهای عاطفی و روانی همه معاشـران و مخاطبان به ویژه اعضای خانواده، نزدیکان و خویشان، بزرگترها و کوچکترها، کودکان و نو جوانان است. در برقراری و حفظ یک ارتباط قوی، پایدار و سازنده و پویا باشناخت ویژگی‌هـای زیستی، ذهنی، عـاطفی و اجتمـاعی، تمایلات، علاـیق و انگیزه‌هـا، بازخوردهـا و نگرش‌هـا،نیازهـای روانی معاشـران و نزدیکان نظام ارزشـی حاکم به اندیشه و افکار ایشان، اساسـی ترین عامل در جهت رسـیدن به اهداف برقراری ارتباط است.از جمله ویژگی‌های حاکم بر نفسانیات انسان‌ها چنین است که:همه دوست دارند نقطه آغازین ارتباط با ایشان به دور از زبان تهدید و انتقاد و با اذعان به ویژگی‌های مثبت و توانمندی‌های ارزشـمند آن‌ها باشد.به عبارت دیگر در برقراری ارتباط با دیگران شایسـته و بایسـته آن است که بـا انگیزه و اراده و نیت هـدفی متعـالی، بیـانی گیرا و پر جاذبه و با بهره گیری از واژه‌های مثبت و خوشاینـد و تأییـدگر نقاط قوت شخصـیت طرف مقابل، به میـدان ارتباطات مؤثر انسانی وارد شویم. هرگز در مقام ارشاد و هدایت تربیت و اصـلاح رفتار معاشران به ویژه کودکان و نوجوان، در ارتباط اولیه با قیافه ای عبوس و گرفته و حالتی عصبانی و پرخاشگر با ایشان مواجه نشویم و شخصـیت آنان را تحقیر ننمائیم.بـدون تردید در بین معاشـران ما کودکان و نوجوانان بیشتر از دیگران به رابطه صـمیمانه و رفیقانه با الگوهای محبوب بزرگسال نیاز دارند. آنان با همه وجود خریدار چهره متبسم و مصمم ما و گل واژه‌های محبت هستند.بنابراین باید توجه داشت که همه انسآن‌هـا، سـالم و خطاکـار، آرام و پرخاشـگر، بـا ادب و بی ادب به زبـان تأییـد و محبت و تکریم دیگران نیاز

دارنـد. و زبـان تأییـد و تشویق و تکریم و رفتـار محبت آمیز می توانـد مؤثرترین داروی درمـان بسـیاری از رفتارهـای ناهنجار و کج روی‌هـای فردی و انحرافـات اجتمـاعی باشـد. لـذا همیشه بایـد به نیازهـای عـاطفی و روانی معاشـران و مخاطبـان خـود توجه داشـته باشیم.۲- توجه به موضوع و یا محتوای پیام مورد نظر در فرایند ارتباط.فرایند ارتباط انسان با دیگران به طور مسـتقیم یا غیرمستقیم به صورت کلامـی و غیر کلامـی، آگاهـانه وناخودآگـاه متضـمن انتقال یک پیام است این پیام می توانـد در زمینه‌های گوناگون از جمله در قلمرو رشـد عواطـف و احساسـات، در حوزه شـناختی و ذهنی، در عرصه تفهیم ارزش‌هـا و معیارهـای اخلاـقی و اجتمـاعی مطرح باشـد.در هر حـال می بـایست توجه داشت که محتوای پیام مناسب با سن، هوش، رشـد عقلانی، رغبت و تمایلات، علاقه‌ها و انگیزه‌هـا و نیازهـای ذهنی و روانی مخاطبـان معاشـران و اعضای خانواده به ویژه کودکان و نوجوانان باشـد و مورد توجه ایشان قرار گیرد.۳- توجه به شـرایط و موقعیت زمـان و مکـان برقراری ارتبـاط.انتخـاب شـرایط و موقعیت مناسب برای برقراری ارتباط آرام، سالم و سازنـده بسیار مهم است. برقراری یک ارتباط مؤثر و پویا با دیگران مسـتلزم آن است که ایشان از ارامش خاطر و آسودگی خیـال برخوردار باشـند و به دور از فشارهـای ذهنی و خسـتگی جسـمی، بـا میـل و رغبت، آگاهـانه و آزادانه امادگی روانی را برای برقراری یـک ارتبـاط سـالم و گفت و شـنودی صـمیمانه داشـته باشـند.بنـابراین، انتخـاب زمان، مکان و موقعیت مناسب در برقراری ارتباط و انتقال پیام مورد نظر بسیار حائز اهمیت است. به عبارت دیگر مخاطب و یاهر طرف ارتباط ما همواره بایـد آرامش خاطر با مـا در تعـادل باشـد. در شـرایطی که هیجـان، اضـطراب، نگرانی و ترس و یـا احساس ناامنی بر وجود مخاطب ما حاکم است و یا در موقعیتی که گرسـنگی و تشنگی، بی خوابی و خستگی جسمانی و بی حوصلگی و پریشانی فکری بر او غالب است. ما نمی توانیم از یـک ارتبـاط مؤثر و سودمنـد بـا وی برخوردار باشـیم.تعطیلاـت آخر هفته، ایـام نوروز، تعطیلات تابسـتانی، مسافرت‌ها، گردش‌های درون شهری، دید وبازدیدهای دوستانه، اعیاد و مناسبت‌های ویژه ماه مبارک رمضان، دهه محرم و... از مناسب ترین موقعیت‌ها برای برقراری ارتبـاط سـالم، دوسـتانه و انتقال پیام است. بـدون شک هرقـدر ارتباط متقابل در فضای دوسـتانه، معنوی و خوشاینـد برقرار شود، مؤثرتر خواهـد بود.۴- توجه به روش برقراری ارتبـاط و انتقـال پیـام.اتخـاذ روش منـاسب و مؤثر در برقراری ارتبـاط و حفظ رابطه‌های زیبا و خوشایند با دیگران از اصـلی ترین عوامل برقراری و استمرار یک ارتباط پویا و سازنده است.با توجه به نقاط قوت، نیازهای عاطفی و انگیزه‌های روانی مخاطبان و برخوردهای صـمیمانه و حکیمانه با ایشان و تأیید و تکریم ابعاد مثبت شخصیت انان، مؤثرترین روش برای آغـاز برقراری ارتبـاط سازنـده و پویـا است.گـاه نگـارش یـاداشت و برنامه‌هـای نیکو که شخصـیت مخاطب با زیباترین کلمات و واژه‌ها مورد تکریم واقع شده باشد، اهدای هدیه ای مناسب، تهیه و تقدیم کتابی با مضمونی مفید و جذاب، تأیید و تکریم ویژگی‌هـا و تلاش‌هـای ارزشـمند فرد در حضور جمع‌های مطلوب و مناسب می توانـد از مهمترین روش‌های ارتباط محبت آمیز و انتقـال پیام باشـد.۵- توجه به ویژگی الگوهـای بزرگسـال و مروّجـان ارزش‌هـای اخلاقیبایـد توجه داشـتته باشـیم که نقش الگوهـای بزرگسـال برای کودکـان، نوجوانان و جوانان و... از بالاترین اهمیت برخوردار است. هرکه می خواهـد در اجتماع مصـلح باشد، خود باید صالح باشد و به صلاحیت‌های اخلاقی و زینت‌های رفتاری آراسته باشد.الگوهای رفتاری دیگران، انسآن‌های والایی هستند که شخصیت ایشان آمیزه ای از صداقت، خلوص، صفا، محبت، عطوفت، ایثار، گذشت، فداکاری، منطق و استواری اعتماد به نفس باشد.زمانی که انسآن‌ها در جریان زندگی، نشـست و برخاست‌ها و گفت و شـنودها با افرادی که به عنوان الگو و مروج خوبی و نیکی‌هـا هسـتندمواجه می شونـد، ویژگی‌هـای ایشـان در شـرایط سـهل و دشوار می آزماینـد و اخلاص، درستی، محبت، عـدالت، صلابت و... شخصـیت انان را باور می کننـد و اگر حقیقتا اهل عمل و صـداقت باشـند، از سویدای دل مرید آنها می شوندو با همه وجود با ایشان همانندسازی کرده، سعی می کنند به گونه ای بیندیشند که آنها دوست دارند و به صورتی رفتار کنند که خوشایند آنان باشد.نیاز به کامیابی و تحقق بخشیدن به اهداف، آرزوها و رویاها یکی از نیازهای بسیار مهم و اساسی و سرنوشت ساز انسان است. زمـانی که احسـاس کامیـابی می کنیم راضـی و خوشـحال هسـتیم و برعکس زمـانی که ناکـام می شویم احسـاس افسـردگی،

پرخاشگری، نارضایتی، کینه و خشم می کنیم. در این راستا ارتباط و چگونگی این ارتباط با اعضای خانواده می تواتند نقش مؤثری در تغییر رفتارها و برخوردها داشته و در صورت مثبت بودن چنین رابطه ای، کامیابی و موفقیت را تحقق بخشد.ارتباط را می توان به دو دسته مؤثر و غیر مؤثر تقسیم کرد. ارتباط مؤثر می تواند باعث دست یابی به اهداف و کامیابی فرد گردد و برعکس ارتباط غیرمؤثر باعث به وجود آمدن احساس ناکامی، تشدید حالت‌های عصبی، پرخاشگری، کینه جویی، نفرت، اضطراب، خشم و افسردگی شود. ما پیوسته برای تأثیر گذاردن بر دیگران از مهارت‌های ارتباطی استفاده می کنیم. روان درمانگری، مدیریت، روابط حسنه با افراد خانواده و آموزش مستلزم تأثیر گذاشتن بر دیگران و داشتن مهارت‌های ارتباطی است. در فضای ارتباط ما مسئول رفتار خودهستیم. زیرا به هرصورت بر دیگران اثر می گذاریم.

کشف استعدادهای کودک و مدیریت آنها

حدیث میرزایی

انسان با توانایی‌های ذاتی بالقوه‌ای به دنیا می‌آید که در زندگی درصدی از این توانایی‌ها بالفعل شده و توانایی‌های اکتسابی نیز به آنها اضافه می‌شود. وقتی نوزاد به دنیا می‌آید تقریبا ناتوان است و بمرور بر توانایی‌هایش اضافه می‌شود. بحث ما راجع به کشف استعداد در کودکان است و این‌که آیا می‌توانیم استعدادی را که خودمان دوست داریم در کودک پرورش دهیم و مسائلی از این قبیل که امیدواریم در پیدا کردن و رشد دادن و شکوفا نمودن استعدادهای فرزندانتان کمکتان کند.کشف استعدادهاوقتی نوزاد شما به دنیا می‌آید و کمی بزرگ‌تر می‌شود می‌توانید بفهمید چپ دست است یا راست دست، این خودش نوعی کشف استعداد است. در افراد چپ دست نیمکره راست مغز فعال است و نیمکره راست شامل تصور و تجسم، شناخت رنگ، موسیقی و وزن آهنگ و کلا هنر است. افراد راست دست دارای نیمکره چپ فعال هستند و نیمکره چپ در ریاضیات، زبان و ارتباط کلامی، منطق و بررسی و تجزیه و تحلیل و نویسندگی فعال‌تر است. چپ دست یا راست دست بودن یکی از نشانه‌های چگونگی استعداد فرزندتان است که البته تعیین‌کننده نیست. اولین روش برای کشف استعدادهای کودک مشاهده رفتار اوست. اکثر مادرها با دیدن رفتارهای کودک خود به خصوص اگر فرزند اولشان باشد به وجد می‌آیند و فکر می‌کنند تنها کودک آنهاست که این حرکت شگفت‌انگیز را انجام می‌دهد. شما باید به عنوان والدین کودکتان آگاهی کامل از روند رشد کودک داشته باشید تا آنچه لازمه رشد کودک در رفتار است را بدانید مثلاـ سن دندان درآوردن، راه افتادن، حرف زدن و... . با این آگاهی که از قبل پیدا کرده‌اید می‌توانید به ارزیابی دقیق‌تری از رفتارهای کودک خود دست پیدا کنید مثلا می‌توانید بفهمید کودکتان با توجه به سنش زود یا دیر به حرف افتاده است. والدین آگاه و واقع بین می‌توانند بگویند فرزندشان حدودا از چه سطح هوشی برخوردار است، توانایی‌های حرکتی او در چه سطحی است. گنجینه لغات، حافظه کلامی، حافظه عددی، سرعت یادگیری و... از جمله مسائلی است که والدین می‌توانند در فرزند خود دریابند. والدین باید دقت کنند که واقع‌بینی در کشف استعدادها یکی از مهم‌ترین وظایف آنهاست. اکثر والدین به دلیل این‌که دوست دارند فرزندشان بسیار باهوش باشد و در زمینه‌های خاصی که آنها می‌خواهند مستعد نشان داده شوند، بسیاری از استعدادهای واقعی کودک را نادیده گرفته و تنها به خواسته‌های خود توجه می‌کنند و گاهی از کودک خود انتظارات واهی و نادرست دارند که این کارشان تنها به هرز رفتن استعدادهای واقعی فرزندشان می‌انجامد. خداوند در هر فردی استعدادهای خاصی گذاشته است که او را منحصر به فرد می‌کند پس سعی کنید استعدادهای واقعی فرزندتان را بیابید. دقت داشته باشید که بچه‌ها در هر آنچه استعداد دارند علاقه نشان می‌دهند و به هر چه علاقه نشان می‌دهند در آن توانمندتر می‌شوند. در واقع علاقه و استعداد رابطه مستقیم با هم دارند. وقتی کودک بزرگ‌تر می‌شود می‌توان به علایق او توجه کرد و دید که کودک بیشتر به سمت چه چیزی علاقه و توجه نشان می‌دهد. کودکانی هستند که ساعت‌ها سرگرم ساختن و خراب کردن وسایلند، بعضی از بچه‌ها علاقه شدیدی به

گوش دادن موسیقی، کتاب قصه و دیدن برنامه‌های موزیکال تلویزیون دارند و بعضی نیز عاشق نقاشی کشیدن هستند. تنها وظیفه والدین دقت به این رفتارها و در اختیار گذاشتن آنچه که به آن علاقه نشان می‌دهد به کودک است. وقتی فرزندتان به سن مهد کودک رسید یعنی حدود پنج شش سالگی، می‌توان با ایجاد ارتباط با مربیان به استعدادهای فرزند خود پی ببرید. از خود کودک بپرسید که دوست دارد چه کلاسی در مهد برود، به علایق خودتان توجه نکنید بلکه به علایق فرزندتان احترام بگذارید. در سن مدرسه نیز می‌توانید از معلمان او بپرسید و با توجه به نمرات و حرف‌های کودک خود متوجه علایق و استعدادهای او شوید. از پرسشنامه‌های استعداد و تست‌های کشف استعداد که روان‌شناسان در اختیار دارند نیز می‌توان کمک گرفت. خانه‌های کشف استعداد نیز مکان‌هایی هستند که می‌توانند در این امر کمک کنند. آنها با ابزار و روش‌هایی که به کار می‌برند می‌توانند تا حدودی به شما بگویند فرزندتان در چه زمینه‌هایی مستعد است.پرورش استعدادهاوقتی فهمیدید که فرزندتان در چه زمینه‌ای استعداد دارد و علاقه نشان می‌دهد شما دو وظیفه دارید اول این‌که علاقه فرزندتان را حفظ کنید و در مواردی علاقه را ایجاد کنید دوم این‌که آن استعداد را پرورش دهید تا از حالت بالقوه درآید و بالفعل شود. اولین چیزی که به ذهن والدین راجع به پرورش استعداد می‌رسد خرید وسایل مختلف در زمینه‌ای که فرزندشان استعداد دارد است و دوم گذاشتن کلاس‌های مختلف در آن زمینه است. هر دو اینها خوب است، اما اولین قدم شما دادن اطلاعات به فرزندتان است. اطلاعات در هر سنی متفاوت است در سنین کودکی شما با مشاهده و اطلاعات تصویری فرزندتان را مطلع می‌کنید و در سنین نوجوانی با مطالعه و گفتگو با کسانی که در آن زمینه خاص موفقند. فرزند خود را به محل کار افراد موفق ببرید تا با محیط کاری آن استعداد خاص آشنا شوند. برای فرزند خود زمینه‌های تفریحی فراهم کنید که با آن استعداد خاص مرتبط است و برای این‌که زمینه‌های تفریحی را بشناسید حتما با متخصصان آن مشورت کنید. اگر احساس کردید علاقه کودکتان کم شده است کمی به او استراحت دهید و بگذارید خودش به دنبال استعدادش برود و شما همه چیز را در اختیارش قرار ندهید. اصلا او را تا خودش نخواست درگیر کلاس‌های آکادمیک و تئوریک نکنید مخصوصا در سنین پائین؛ چرا که اگر برایش خسته کننده باشد علاقه‌اش را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. تمام روز فرزند خود را به یک فعالیت خاص اختصاص ندهید و تنها بخشی از فعالیت روزانه‌اش را به استعدادش اختصاص دهید تا او را خسته نکنید. حتما یک فعالیت ورزشی و بدنی برای او در نظر بگیرید و اگر استعداد او در زمینه ورزش و بدنی است یک فعالیت ذهنی و تمرکزی یا هنری برایش درنظر بگیرید تا به جنبه‌های دیگر شخصیت او نیز کمک کنید، اما بدانید که جنبه مخالف استعداد کودک فقط باید تفریحی و برای تنوع باشد و انتظار پیشرفت چشمگیر از او نداشته باشید و تمرکز خود را روی استعداد اصلی فرزندتان حفظ کنید. گاهی ممکن است کودک در چند زمینه مختلف استعداد و علاقه نشان دهد. وظیفه پدر و مادر این است که قبل ازاین‌که فرزندشان در زمینه خاصی مشغول به فعالیت و پیشرفت شود او را با تمام رشته‌ها و زمینه‌های فعالیت آشنا کند و بعد از کشف همه استعدادهای فرزندشان به علاقه خود او توجه کنند. والدین باید بدانند که پیشرفت در چند جنبه همزمان بسیار سخت است یا باید به پیشرفت سطحی و در حد متوسط در چند استعداد باهم بسنده کرد یا قید چند استعداد را زد و به یک استعداد محوری پرداخت. اما بهترین روش برای بچه‌هایی که دارای چند استعداد محوری هستند این است که با توجه به علاقه کودک استعدادها را اولویت‌بندی کرده و در حد توان به آنها پرداخت. گاهی فرزند شما در نیمه راه تصمیم می‌گیرد به رشته خاصی بپردازد و در زمینه‌ای که شما برای او امکانات فراهم آورده‌اید دیگر فعالیتی نکند. اکثر پدر و مادرها در این مواقع عصبانی می‌شوند و اجازه چنین کاری را نمی‌دهند. بعضی از والدین هم هر چه بچه بگوید گوش می‌دهند و اجازه می‌دهند فرزندشان دائما از این شاخه به آن شاخه بپرد. در چنین مواقعی والدین باید به فرزندشان اجازه دهند تا برود و علاقه اصلی خود را پیدا کند و مطمئن شود در آن زمینه استعداد دارد بعد اگر بخواهد می‌تواند تغییر مسیر دهد. اما به هیچ وجه اجازه ندهید فرزندتان از این شاخه به آن شاخه بپرد. البته گاهی برای این‌که فرزندتان بتواند علاقه‌اش را بشناسد لازم است، اما به صورت مقطعی و کوتاه‌مدت نه این‌که همیشه بخواهد به این رویه ادامه

دهـد. شـما نیز بایـد به فرزنـدتان کمک کنیـد تا بتواند یک تصـمیم درست بگیرد و علاقه‌اش را پیدا کند. گاهی بچه‌ها تحت تاثیر چیزی غیر از علاقه و اسـتعداد خود قرار می‌گیرنـد مثل دیـدن یک فیلم یا یک دوست که در زمینه خاصـی فعالیت موفقی دارد. در چنین مواقعی فرزندتان ممکن است به اصـطلاح جوگیر شده باشد و فقط یک تصمیم لحظه‌ای و هیجانی گرفته باشد. شما به هیجان او دامن نزنیـد و منطقی باشـید. گاهی والـدین بیشتر از بچه‌ها هیجانی تصـمیم می‌گیرنـد، اما راه درست زمان دادن است. بلافاصـله تصـمیم نگیرید، بگذارید حداقل ۲ هفته بگـذرد تـا اگر این تصـمیم و انتخاب از سـر هیجان است از بین برود و در این ۲ هفته اصلا راجع به آن فعالیت حرف نزنیـد. اگر فرزنـدتان باز به آن فعالیت علاقه نشان داد به جمع‌آوری اطلاعات و دادن آگاهی به فرزندتان بپردازیـد؛ بدون این‌که به ذهنش جهت‌دهی مثبت یا منفی بدهید. با یک برنامه ریزی دقیق و با آگاهی کامل و رفتاری حساب شده اسـتعدادهای فرزنـدتان را پرورش دهیـد.آنچه شـما می‌خواهیدگاهی پدر و مادرها فکر می‌کنند اسـتعدادهای فرزندشان صددرصـد شبیه خودشـان است. البته ژنتیـک در اسـتعدادها نقش مهمی دارد، اما این دلیل نمی‌شود که شـما از این‌که فرزنـدتان شبیه شماسـت مطمئن باشید، پس قبل از این‌که بخواهید پیش‌بینی کنید و استعدادهای او را به عنوان یک انسان مستقل از خودتان بشناسید. بعضی از پـدر و مادرها می‌خواهنـد از همان ابتـدا اسـتعدادهای فرزندان خود را به همان جهتی که می‌خواهند سوق دهند. شـما می‌توانید با قرار دادن کودک خود در محیطی که می‌خواهید اسـتعدادهای او را سوق دهید مثلا با قرار دادن او در محیطی که پر است از وسایل مکانیکی و اسباب‌بازی‌های ساختنی و خراب کردنی جنبه فیزیکی و مکانیکی استعدادهای او را پرورش داده‌اید یا با قرار دادن صرفا وسایـل نقاشـی در اختیـارش، او را به نقاشـی ترغیب کنیـد. درست مثل بچه‌های چپ دستی که مـداد را به زور به دست راست آنها می‌دهند و آنها را مجبور به نوشتن با دست راست می‌کنند کودک شما یاد می‌گیرد که با دست راست بنویسد، اما هیچ وقت خوش خط نخواهد شد. یاد دادن اسـتعدادها نیز این چنین است اگر شـما بخواهید استعدادی را به کودکتان یاد دهید شاید آن را یاد بگیرد امـا در آن پیشـرفت چشـمگیری نمی‌کنـد و از همه بـدتر این‌که هیـچ‌گاه به آن علاقه نشان نمی‌دهـد. اسـتعداد را بایـد کشف و بعد پرورش داد. شـما نمی‌توانید از کسی که استعداد نقاشی ندارد یک نقاش ماهر بسازید، اما شاید بتوانید او را یک نقاش آماتور کنید که بـدون خلاقیت تنها یاد گرفته کپی‌برداری کنـد. گاهی والـدین می‌خواهند فرزندشان راه آنها را ادامه دهد مثلا چون پدر و مادر هر دو پزشک هستند حتما فرزندشان هم باید پزشک شود و اگر در هنر استعداد نشان دهد هیچ کار مهمی نکرده است. همه ما باید بـدانیم موفقیت در هر کـاری مهم و کـار بزرگی است و هیـچ کاری بر کار دیگر ارجحیت نـدارد مهم این است که ما در هر کاری بهترین باشـیم و این وقتی اتفاق می‌افتد که ما نقطه تلاقی اسـتعدادها و علایق خود را بیابیم و آن را بدرستی پرورش دهیم. همین که فرزندتان شما را در محیط کاریتان دیده است و با کار شما آشناست کافی است اگر فرزندتان به کار شما علاقه‌مند باشد و در زمینه اسـتعدادهای شما نیز مستعد باشد خودش ناخودآگاه به سمت شما سوق پیدا می‌کند و لازم به این نیست که شما او را مجبور کنید. در هر حـال به یـاد داشـته باشـید که انسـان وقتی از زنـدگی لـذت می‌برد که دائما در حال پیشـرفت باشـد و ما در زمینه‌ای پیشـرفت نخواهیم کرد مگر زمینه‌ای که در آن مسـتعد و علاقه‌منـد باشـیم و این وظیفه مهمی برای والدین است که اسـتعدادهای فرزندشان را کشف کنند و پرورش دهند تا افراد مفیدی برای خود و دیگران به جامعه تحویل دهند. منبع: روزنامه جام جم

تعادل بین مسئولیت های کاری و خانوادگی

چگونه بین مسـئولیت هـای کـاری و خانوادگی تعادل برقرار کنیم؟محمـدصادق امینی با وجود تمام اثرات مثبتی که کار و درآمد حاصل از آن روی زندگی شخصـی هر انسانی دارد ، مفهوم کار به شکل نامحسوسی در طول زمان تغییر کرده و روابط اجتماعی و خانوادگی انسان ها را در معرض تغییرات گسترده ای قرار داده و نهایتا سـبب به وجود آمدن مشکلاتی برای افراد شاغل شده است. یکی از بزرگترین این مشـکلات که تقریبـا هر انسـان شاغلی از آن گله می کنـد ، نبود توازن زمانی میان فعالیت در محیط کاری و

خانوادگی است.چکیدهدر این مقاله چگونگی ایجاد توازن و تعادل بین کار و زندگی و خانه و اداره شرح داده می شود.کلیدواژه : توازن ؛ تعادل ؛ کار و زندگی ؛ برنامه ریزی فردی ؛ برنامه ریزی شخصی ؛ مدیریت بر خود۱- مقدمهبا وجود تمام اثرات مثبتی که کار و درآمد حاصل از آن روی زندگی شخصی هر انسانی دارد ، مفهوم کار به شکل نامحسوسی در طول زمان تغییر کرده و روابط اجتماعی و خانوادگی انسان ها را در معرض تغییرات گسترده ای قرار داده و نهایتا سبب به وجود آمدن مشکلاتی برای افراد شاغل شده است. یکی از بزرگترین این مشکلات که تقریبا هر انسان شاغلی از آن گله می کند ، نبود توازن زمانی میان فعالیت در محیط کاری و خانوادگی است. نداشتن توازن زمانی میان محیط کاری و خانوادگی باعث شده تعارض بین کار و زندگی به همدم جدیدی برای خانواده های امروزی تبدیل شود و این موضوع علاوه بر این که بر کیفیت روابط زوجین تاثیر منفی داشته از طریق بوجود آوردن تاخیرها و غیبتهای مکرر سالانه میلیون ها دلار هزینه اضافی بر اقتصاد کشورها تحمیل کند. این موضوع سبب شده توازن بین کار و خانواده تبدیل به یک مساله حساس برای بسیاری از سازمان های خصوصی و دولتی شود و آنها سعی کرده اند از طریق آموزش به کارمندان خود برای برقراری توازن هزینه های غیب و معضلات دیگر را کاهش دهند. در آموزش های جدیدی که به کارمندان و مدیران شرکتهای بزرگ داده می شود ، این حقیقت به آنها یادآوری می شود که بر خلاف تصورات سابق که کار و زندگی شخصی را ۲ رقیب دیرینه می دانند (پرداختن به هر کدام باعث عقب ماندن از دیگری می شود) کار و زندگی شخصی ، دیگر ۲ عامل رقیب نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند.مهمترین مرحله ای که شما به عنوان انسان شاغل امروز باید برای ایجاد توازن بین کار و محیط خانواده از آن عبور نماید ، مرحله شناخت زندگی شخصی تان و مشخص شدن تعریف شما از توازن است.۲- توازن گاهی اوقات فشار کاری چنان انسان را خسته می کند که هر انسانی آرزو می کند ای کاش در یک جزیره دور افتاده زندگی می کرد ، نارگیل می خورد و هر روز در کنار ساحل به تفریح و گردش می پرداخت. برقراری توازن بین کار ، خانواده و اوقات شخصی همیشه کار آسانی نیست ولی هر انسانی می تواند با یک برنامه ریزی مناسب به توازن مورد نظر برسد. اما نکته ای که نباید در رسیدن به توازن فراموش کنید ، این است که شما باید راه خود را برای رسیدن به توازن در پیش بگیرید. الگو برداری از برنامه زندگی دیگران برای رسیدن به توازن بد نیست ، ولی الگوبرداری شما باید توام با خلاقیت شخصی تان باشد و نباید یک کپی محض باشد. خیلی از افراد هنگامی که می بینند دوستان یا آشنایان آنها به توازن رسیده اند ، می خواهند از برنامه آنها تقلید کنند ؛ ولی نکته این است که تقلید یک تله است که شما را به زمین می زند. اگر شما در پی برقراری توازنی موفقیت آمیز در زندگی کاری و شخصی خود باشید باید روش خود را در پیش بگیرید و برای خود مشخص کنید که توازن از نظر شما به چه معنی است.۳- برنامه ریز خودتان باشید برنامه ریزی برای نحوه استفاده از زمان شخصی مهمترین مرحله در رسیدن به توازن میان کار و زندگی شخصی است ؛ چرا که مشکل دقیقا این است که شما چگونه زمان خود را بین کار و زندگی شخصی تان تنظیم کنید تا بتوانید از هر دوی آنها لذت ببرید. بنابراین ، باید یک برنامه مناسب طراحی کنید. شما با طراحی یک برنامه مناسب تلاشهای خود در مراحل بالا را بیمه می کنید. با کمی دقت در زندگی روزمره می توان به این نتیجه رسید که معمولا اطرافیان ما مشخص می کنند چگونه باید از زمان شخصی خودمان استفاده کنیم. آنها به سراغ شما می آیند ، کارهای خود را به گردن شما می اندازند ، از شما می خواهند در روز تعطیل به جای آنها شیفت بایستید و دیگر توقعات نابجایی که شما به دلیل نداشتن برنامه زمانی مجبور به قبول آنها می شوید. طراحی برنامه شاید کمی دشوار باشد. این کار ممکن است به معنای گفتن نه های بیشتری به دیگران باشد. همچنین شاید لازم باشد کمی هنر غیرمتعهد شدن یا کندن از کارهایی را که اکنون ، براساس بینش جدیدتان از زندگی متوازن ، انجام دادنشان را مغایر با میل باطنی خود می بینید، تمرین کنید. شاید برای انجام دادن این کار مجبور شوید با چالشهایی دست و پنجه نرم کنید که در نگاه اول ، بسیار سخت یا حتی ترسناک به نظر می آید ؛ اما مطمئن باشید که اجرای موفق برنامه ها معانی بسیار مفیدی را از زندگی ، برایتان به ارمغان خواهند آورد. اغلب مردم هنگام برنامه ریزی ،

بیشتر از آن که از محدودیت های واقعی صدمه ببینید از بسته بودن فکرشان صدمه می بینند. برای کسب مهارت در برنامه ریزی باید اظهاریه توازن شخصی خود را محور قرار دهید و فعالیت های را انتخاب کنید که شما را در مسیر درست به پیش می برند.۴- گام اول: باور کنید که می توانیدموفقیت در هر اقدامی که شما در زندگی انجام می دهید ، بسته به این باور دارد که آیا شما به خود و توانایی هایتان اطمینان داریـد یا خیر. برای این که نقش باور در زنـدگی شخصـی را آزمایش کنیـد ، سعی کنید به توانایی تان در رفع موانع اعتقاد نداشته باشید و ببینید آیا در آن صورت پیشرفتی خواهید کرد یا خیر؟ تاریخ ۳ هزار ساله زندگی بشر این حقیقت را ثابت کرده است که تنها مشخصه اصلی آنهایی که به اهدافشان می رسند ، این حقیقت ساده است که به توانایی انجام کارها و رسیدن به اهـدافشان اعتقاد راسخ دارند. میزان تحصیلات ، زن یا مرد بودن ، قدرت بدنی ، هوش ، داشتن آشنا و پارتی هیچ کـدام به انـدازه این باور اهمیت ندارد. خود باوری مهمترین اصل در زندگی انسان هاست.فراموش نکنید مطلوب ترین شیوه شروع آن است که به پیروزی خود اطمینان داشته باشید. مشکل بسیاری از انسان ها این است که آنها بدون این که خود متوجه باشند ، تسلیم این باور شده اند که آنها هرگز نمی توانند راه حل مناسبی برای مشکلات خود پیدا کنند. بیشتر مردم هنگام مواجهه بـا مشکل ، تمایـل بـه تسلیم در برابر آن را دارنـد. آنچـه مسلم است ، این است که رویـارویی بـا مشکلات در همه افراد یکسان نیست.بعضـی افراد در رویایی با مشکلات بسختی تسلیم می شوند؛ ولی بعکس عده کثیری بسرعت تسلیم احساس ناامیدی می شونـد. شـما خود می توانید انتخاب کنید که در کدام گروه قرار بگیرد، پس بخواهید تا بتوانید.۵- گـام دوم: خود را در حال رفع مـانع تصور کنیـدیکی از قـدرتهای بی نظیر فکر انسـانی این است که حتی زمانی که از مانع پیش رویتان کاملا می ترسید ، ذهن شما هنوز این قـدرت را دارد که تصور کند زندگی بدون آن مانع چگونه خواهد بود. این توانایی در همه اذهان دنیا وجود دارد و آن طور نیست که فقط به عـده خاصـی از انسان ها تعلق داشته باشـد ؛ پس شـما نیز از این قـدرت اسـتفاده کنید و تصور کنید که مشکلات شـما در راه رسیدن به توازن رفع شده است و شما به همه مشکلات خود غلبه کرده اید.این همه آن چیزی است که باید در گـام دوم انجـام دهیـد. تصورات مختلف را به ذهنتـان راه دهیـد و خود را در زنـدگی متوازنی به گونه ای که دلتان می خواهد تصور کنیـد. خود را حتی در حـال پرداختن به جزیی ترین مسائـل ببینیـد. بهترین فایـده این کـار این است که انجـام دادن آن هیچ هزینه ای برایتان نـدارد و مهمتر از همه آن که هیـچ کسـی نمی توانـد به شـما بگویـد کارتان را درست انجام نداده اید.کمی خوش بگذارنیـد ، نگران هیـچ چیز نباشـید! خودتـان را در حال مقابله با مشـکل به گونه کاملا متفاوتی ببینیـد. این طرز فکر که دیگر راه حلی نیست یا این که همه راهها را آزموده ایـد ، فقط بهانه ای است تا دیگر برای یافتن راه حل تلاشـی نکنید. وقتی به موانع موجود به چشم عناصـر آزاردهنـده نگاه می کنیـد ، فقط در حال بهانه جویی هستید ؛ اما هنگامی که به موانع و مشـکلات به منزله پله ای برای صعود نگاه کنید ، آنها مسیرهای جدیدی را به شما نشان خواهند داد. برای آن که بتوانید از موانع عبور کنید ، آنها را تعریف کنید و مشـکلات خود را به افکاری متصل کنید که به راه حل هایی منجر می شوند.۶- گام سوم: طوری رفتار کنید که گویی بر مشکل غلبه کرده ایداگر توانسته باشید که ۲ مرحله اول را بدرستی پشت سر بگذارید ، عبور از مرحله سوم کار سختی نیست. اگر باور کرده باشـید که می توانید و تصور کرده باشید که موانع را کنار زده اید ، می توانید طوری رفتار کنید که گویی بیش از آنچه که احساس می کنیـد ، اعتماد به نفس داریـد و حتی ممکن است از میزان اعتماد به نفس بالای خود تعجب کنید.با عمل به موارد فوق می توانید به خود و دیگران نشان دهید که هم شـخص مهمی هستید و هم توانایی انجام دادن کارهای مهمی را دارید. در این حالت شـما برای مبارزه برای به دست آوردن توازن آماده اید و می توانید اطمینان داشـته باشـید که راه درستی را برای ادامه مسیر انتخـاب کرده ایـد. برای تکمیل این مرحله فهرستی از موانعی که به عـدم توازن میان کار و زنـدگی شخصـی شـما منجر می شوند تهیه کنید و به نوبت آنها را در مراحل سه گانه بالا امتحان کنید.هنگامی که این مانع را به طور کامل از زندگی تان حذف کردید ، شـروع به حـذف مانع دوم کنید. همین طور بتدریج به حذف موانع موجود در فهرست خود بپردازید. فراموش نکنید باید بتدریج

این کار را بکنید. یکباره به مقابله با مشکلات نروید. آنها را به قسمتهای کوچکتری تقسیم کنید تا بتوانید شجاعت مورد نظر برای مقابله با مشکلات را به دست آورید.۷- حرف آخر: شما تا رسیدن به توازن فاصله زیادی ندارید هر کدام از ما انسان ها ترکیب منحصر به فردی از احساسات ، افکار ، عقاید و توانایی هاست. آنچه دیگری را به تعادل می رساند حتما نباید شما را به تعادل برساند. بیشتر انسان ها اکثر عمر خود را صرف رسیدن به معیارهای دیگران می کنند ، این به این علت است که آنها می بینند دیگران زندگی موفق و رضایت بخشی دارند و به همین علت از آنها تقلید می کنند ؛ ولی واقعیت این است که تقلید نتیجه مناسبی به همراه ندارد. برای درک بهتر این موضوع به چند مثال توجه کنید: مادری که ۶ فرزند دارد ، در واقع برای امرار معاش به محل کار نمی رود. با این که شوهرش او را تشویق می کند تا در خانه بماند و به تربیت فرزندان بپردازد ، او خود را با زنانی مقایسه می کند که مرتب در رادیو و تلویزیون از شغلشان و از موفقیت هایشان درباره همه چیز را با هم داشتن حرف می زنند مقایسه می کند. دختر بیست و چند ساله ای در جایی شاغل است ؛ اما از زندگی یک بعدی خود نگران است. هرچند کارش را دوست دارد و از رضایتی که با تکمیل طرحی احساس می کند خوشحال می شود، همیشه خود را به این دلیل که اجتماعی نیست و نتوانسته ازدواج کند و خانواده ای تشکیل دهد دست کم می گیرد و تحقیر می کند. دادستانی از رشته حقوق نفرت دارد ؛ اما نمی تواند پدر و پدر بزرگش را که حقوقدان بوده اند ، ناامید کند و دست از کار بکشد. او قطعا به آنها نخواهد گفت که دوست داشته بازیکن گلف شود. بعضی ها فکر می کنند تمام عمرشان را صرف انجام دادن کاری می کنند که دیگران به آنها دیکته می کنند. با این فکر شاید خیلی از کارها به درستی انجام شود ؛ اما الزاما به ایجاد توازن بین کار و زندگی شخصی منجر نمی شود ، مگر آن که فرد از درون احساس رضایت کند. ممکن است شما هم آرزوها و خواسته هایی در زندگی خود داشته اید که نتوانسته اید بنا به دلایل متفاوتی آنها را عملی کنید. جای نگرانی وجود ندارد. هنوز هم این فرصت را دارید که با یک برنامه ریزی مناسب بقیه زندگی خود را آن طور که دوست دارید زندگی کنید ؛ اما باید برای رسیدن به این خواسته گام اول را درست بردارید. از قدیم گفته اند همیشه برداشتن اولین گام مشکل است. اگر شما بتوانید از این مرحله عبور کنید ، عبور از دیگر مراحل نیز چندان مشکل نیست. اولین اقدام شما برای رسیدن به توازن در زندگی این باید باشد که دیگر به حرف هیچ کس جز خودتان گوش نکنید. این حقیقتی است که فقط با تعیین معیارهای خود و سازمان دادن به تعریفی که از توازن ارائه می کنید می توانید توازن واقعی را در زندگی تان ایجاد کنید. باید درباره آنچه که باعث می شود احساس کنید زندگی ارزش ادامه یافتن را دارد ، جدا تصمیم بگیرید. حالا دیگر نوبت آن است تعریف خود را از توازن شخصی به روی کاغذ بیاورید. می توانید به این شکل شروع کنید": من آن زندگی را دوست دارم که "...یا" تعریف من از توازن شخصی این است که "...تا زمانی که تعریف خود از توازن شخصی را به صورت مکتوب نیاورده اید وارد مرحله بعد نشوید.شاید فردا دیر باشد ، همین الان تعریف خود را روی کاغذی بنویسید و اگر نمی توانید به آسانی احساس خود را به روی کاغذ بیاورید آنقدر کاغذ مصرف کنید تا طرحی از احساسات خودتان را ترسیم کنید. در حال حاضر آنچه اهمیت دارد ، این است که شما تعریف هر چند ساده ای از توازن را بیان کنید ، ممکن است تعریفی که شما امروز از توازن دارید ، با تعریفی که فردا ممکن است از توازن داشته باشید ، یکی نباشد ؛ اما برای آن که بتوانید تغییر افکارتان را احساس کنید ، باید حتما آنها را به صورت مکتوب داشته باشید. یکی از نتایج مثبت نوشتن تعاریف شما از توازن این است که به شما کمک می کند تا تصویری واقعی تر و جامع تری را از شخصیت خود به دست آورید.

منبع : روزنامه جام جم، یکشنبه ۳ دی ۱۳۸۵، سال هفتم، شماره ۱۸۹۷، صفحه ۱۴.

مدیریت بهره وری در خانواده

۹ ، ۰۷:۳۳ مدیریت بهره وری در خانواده وجیهه زحمتکش در مدیریت بهره‌وری با توجه به منابعی که در اختیار دارید با بهترین

نحوه استفاده از آنها درصدد رفع نیازها و احتیاجات برمی‌آیید. در خانواده هم منابعی از قبیل زمان،فضا، تجهیزات و آدم‌هایی برای انجام کارها وجود دارد. طرح برنامه برای استفاده صحیح از این منابع را «بهره‌وری خانواده» می‌نامیم. سرنوشت یک خانواده همان اندازه که به قواعد، ارتباطات و نظام خانوادگی بستگی دارد، به نقشه‌های بهره‌وری نیز مربوط است. بهره‌وری از این نظر مورد نیاز است که زندگی دیگران را بهبود بخشد.

چکیده در این مقاله موضوع بهره وری در خانواده بررسی می شود. کلیدواژه : بهره وری ؛ مدیریت بهره وری ؛ مدیریت خانواده ؛ بهره وری خانواده ؛ مدیریت زمان خانواده در مدیریت بهره‌وری با توجه به منابعی که در اختیار دارید با بهترین نحوه استفاده از آنها درصدد رفع نیازها و احتیاجات برمی‌آیید. در خانواده هم منابعی از قبیل زمان، فضا، تجهیزات و آدم‌هایی برای انجام کارها وجود دارد. طرح برنامه برای استفاده صحیح از این منابع را «بهره‌وری خانواده» می‌نامیم. سرنوشت یک خانواده همان اندازه که به قواعد، ارتباطات و نظام خانوادگی بستگی دارد، به نقشه‌های بهره‌وری نیز مربوط است. بهره‌وری از این نظر مورد نیاز است که زندگی دیگران را بهبود بخشد. البته هرچه خانواده بزرگتر باشد، بهره‌وری آن نیز پیچیده‌تر می‌شود. برای حداکثر استفاده از آنچه هر کس دارد، ابتدا باید دانست که چه چیزهایی وجود دارد. متأسفانه در اغلب موارد، بیشتر توانایی افراد خانواده (به ویژه کودکان) هدر می‌رود زیرا توانایی آنان هرگز واقعا کشف نشده است. اگر کودکان اجازه داشته باشند یا تشویق شوند که در سنین کودکی با تمام قوا در اختیار خانواده قرار بگیرند، پدر و مادر هم کمتر به ستوه می‌آیند. یکی از بهترین پاداش‌ها برای هر فرد انسانی این است که سودمند و مفید باشد. شما هرگز نمی‌فهمید که فرزندتان تا چه حد مفید است، مگر اینکه به او فرصت دهید آنچه را که قادر است به شما نشان دهد. هر فرد به «مهم بودن و به حساب آمدن» و همچنین احساس کمک‌کردن و مفیدبودن، نیاز دارد. بچه‌ای که بتواند خود را همانند فردی با ارزش و اهمیت ببیند، اگر حس کند که کسی به بعضی از کمک‌های او نیازمند است و این کمک‌ها صادقانه مورد توجه قرار می گیرد و درباره‌اش به درستی داوری می‌شود، می‌تواند حس اهمیت داشتن و با ارزش بودن را به دست آورد. وقتی به آنچه که باید انجام شود واقف شوید، انتخاب بهترین فرد برای انجام کار، قدم بعدی و گاهی مشکلترین قدم است. بعضی خانواده‌ها فقط با فرمان پدر و مادر اداره می‌شود. در برخی نیز پدر و مادر هیچ‌گاه تصمیمی نمی گیرند و تصمیم‌گیری همیشه با فرزندان است. بسیاری از خانواده‌ها همیشه روش اقتدار را به کار می‌برند و یا همیشه رای‌گیری می کنند و از این قبیل. هر روشی مناسب موقعیت خاصی است. آنچه مهم است این است که بهترین روش را که مناسب آن موقعیت باشد، انتخاب کنیم. خانواده‌ها متوجه شدند که در اوقات مختلف باید از روش‌های مختلف استفاده کنند. خانواده‌هایی که همیشه یک کار را به یک نفر ارجاع می‌دهند، برای خود مشکل ایجاد می کنند. تنوع در وظایف، می تواند به میزان زیادی از یکنواختی خسته‌کننده کارهای خانوادگی بکاهد. طرح‌های خوب هم می‌توانند مدت‌دار باشد: مثلا یک هفته، یک سال، تا ساعت هشت امشب، تا وقتی پدربرگردد یا وقتی که قد شما سه سانتیمتر بلندتر شود. کارهای سخت خانواده را می‌توان با استفاده از راه‌های خلاق و شاد و متنوع به تفریح تبدیل کرد. دقت کنید از کسی که کارهای خسته‌کننده را برعهده دارد نباید متوقع باشیم که به وقت انجام آنها شاد و خوشحال به نظر بیاید. بعضی از خانواده‌ها آنقدر وقت خود را صرف مشاغل خانوادگی می کنند که دیگر وقتی برای لذت بردن از یکدیگر برایشان باقی نمی‌ماند. وقتی چنین حالتی پیش می‌آید افراد خانواده به غلط متقاعد می‌شوند که خانواده محلی است که در آن بر دوش آنان باری سنگین گذاشته می‌شود. اگر مشکل خانوادگی شما این است که کسب و کار مانع حظبردن از یکدیگر شده لازم است که با دقت به اولویت و زمانبندی کارها بپردازید. کارهای خانوادگی را به دو گروه زمانی «اول» و «دوم» تقسیم کنید. مسلما گروه اول اولویت دارند (اگر بیش از پنج موضوع در این گروه قرار داشته باشد، تعدادش بیش از حد است). گروه دوم کار خوبی است که اگر موقعیت اجازه دهد، می‌توان آن را هم در برنامه قرار داد. در خانواده شما چه مقدار وقت برای تماس فردی با اعضای خانواده مانده است؟ چه مقدار از این وقت، شادی‌آفرین است و لذت بیشتری تولید

می‌کند؟ هرگاه متوجه شدید که بیشترین وقت شما به کسالت و یا برخوردهای ناخوشایند می‌گذرد، حتما اشکالی در کار است. این حالت موجب می‌شود که در افراد خانواده خود به چشم مزاحم بنگرید. وقت خانوادگی را باید به سه بخش تقسیم کرد: ۱. وقت شخصی: زمانی برای هر فرد که تنها باشد. هر کس احتیاج دارد که وقتی را به تنهایی بگذراند. یکی از فریادهای اندوهگین اکثر افراد خانواده این است که برای خود وقت و فرصت اختصاصی می‌خواهند. هر عضو خانواده احتیاج دارد که محل یا فضایی را متعلق به خود بداند و در آن از استیلای دیگران آسوده باشد. بزرگ یا کوچک بودن فضا مهم نیست، فقط تعلق داشتن به او مطرح است. احساس اینکه «من جایی برای خود دارم» بدین معنی است که من «به حساب می‌آیم». ۲. وقت دو نفری: زمانی برای بودن با هر یک از افراد دیگر. در اینجا این سؤال مطرح است که چگونه یک نفر می‌تواند به دیگری مجال دهد که او را بشناسد و چگونه هر یک از آنان با دیگری مشارکت و همراهی کند، به طوری که هر دو سود ببرند؟ لازم نیست بر سر اینکه چه کسی حق دارد برای دیگری تکلیف معین کند، نزاع کنید. این عقیده که «تو باید وضع خود را با وضع من مطابقت بدهی» برای دو طرف گران تمام می‌شود. اگر ما بخواهیم برای انجام کاری آنقدر صبر کنیم تا دو نفر احساسشان مانند یکدیگر بشود، باید همیشه صبر کنیم. اگر از دیگران بپرسیم که در چه وضعی هستند و به آنان نیز موقعیت خود را بگوییم و بعد به گفتگو درباره واقعیت موجود بپردازیم، نتیجه بهتری به دست می‌آید. ۳. وقت گروهی: زمانی برای بودن با تمام اعضای خانواده. برای فراهم آوردن چنین امکانی، اولین قدم این است که به این نکته اهمیت بدهیم و سپس راه‌های تحقق آن را بیابیم. اگر مسائل مربوط به کارهای خانوادگی بدون حضور تمام افراد خانواده انجام شود، احتمال سوءتفاهم چندین برابر می‌شود. مهم است که همه اعضای خانواده از جریانات مطلع باشند و به جای ارتباط در گوشی که امکان ساختن شایعه و سوءظن را فراهم می‌کند، تماس مستقیم داشته باشیم و واقعیت‌ها را خود بیازماییم. در خانواده‌های آشفته که ارتباط در گوشی بسیار متداول است راه را برای انواع تحریف هموار می‌کند. این نوع خانواده‌ها در یک خانه زندگی می‌کنند اما خیلی تجربه واقعی با یکدیگر ندارند و از حضور حقیقی یکدیگر بی‌بهره‌اند و تصور زندگی خانوادگی بیشتر فریب است تا واقعیت. البته داشتن وقت گروهی، ضمانتی برای تمشیت موثر کارهای خانوادگی نیست. مهم آن است که زمانی را که شما به عنوان یک گروه با هم هستید، چه پیش می‌آید؟ آیا سکوت برقرار است؟ آیا از این وقت برای آشناتر شدن با بقیه افراد خانواده استفاده می‌کنید؟ درباره چه صحبت می‌کنید؟ آیا زمانی است که خوب گوش می‌کنید تا شادی‌ها، شکست‌ها، رنج‌ها و صدمه‌ها عیان شود؟ آیا برای نقشه‌های جدید و حل بحران‌های کنونی از این فرصت استفاده می‌کنید؟ گردهمایی خانواده در پایان روز فرصتی است تا آنچه را که در دنیای خارج از خانه اتفاق افتاده با یکدیگر در میان بگذارند و با یکدیگر تجدید رابطه کنند و یک برنامه کامل تفاهم و رفع اختلاف را برگزار کنند. آشنا شدن با نحوه استفاده از وقت و زمان یکی از عوامل موثر در هر ارتباطی است. هیچ دو نفری کاملا- مثل هم از وقت استفاده نمی‌کنند. نحوه بهره‌گیری هر کس از زمان بستگی به آگاهی، دانش، انگیزه و علاقه او دارد. پیش‌بینی زمان برای اجرای تعهدات و دستورهای برنامه امری اساسی است که درک زمان، بخش مهمی از پیش‌بینی زمان است. نگرش ما نسبت به زمان به مقدار زیادی بر کارایی ما بر انجام کارها اثر می‌گذارد. بی‌آنکه متوجه باشیم زمان، بر بسیاری از افراد حکومت می‌کند. متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها از کودکان می‌خواهند، از زمان به نحو مفیدی استفاده کنند که خود بزرگترها نمی‌توانند. تمرین ۱. در حال حاضر قادر به چه کاری هستید؟ ۲. همه بنشینید، یک فهرست از تمام کارهایی که در خانواده شما باید انجام شود تهیه کنید. ۳. آیا تمام کارهای اساسی انجام نشده؟ یا شاید کارها بد انجام می‌شود یا تعداد زیادی کار بر دوش یک فرد و تعداد کمی بر دوش دیگران گذاشته شده است؟ اگر هر یک از این موارد صحت داشته باشد، شخصی در خانواده شما و یا دیگران مزاحم و مانع کارش شده‌اند. ۴. چگونه تصمیم می‌گیرید که چه کسی باید یا می‌تواند چه کاری را انجام دهد و در چه زمانی؟ ۵. کارهای خانوادگی گروه «اول» شامل چند موضوع می‌شود؟ ۶. دو روز را در نظر بگیرید: یک روز تعطیل آخر هفته و یک روز از روزهای وسط هفته، چه مدت زمانی را همه اعضای خانواده در کنار هم هستید؟ ۷. در

پایان هر روز امکاناتی را که برای اوقات شخصی، دو نفری و گروهی داشته‌اید محاسبه کنید. ۸. درباره خود و ارتباطتان با زمان فکر کنید. نگاهی به فهرست تقسیم وقت خود بیندازید. منبع : روزنامه همشهری، دوشنبه ۴ دی ۱۳۸۵، سال پانزدهم، شماره ۴۱۶۷، صفحه ۱۲.

مدیریت در خانه

نوشین محمدزاده

آیا روزگار کودکی خود را به یاد دارید؟ زمانی که مهندس، پزشک، استاد، کارمند، بازرگان و... نبودید. گذشته‌ای را به خاطر آورید که بزرگترین رویای شما رفتن به پارک و بازی با همسالان بود. دورانی که به سرعت گذشت و اینک تنها شیرینی آن لحظه‌هاست که برجا مانده است. امروز را مرور کنید که متصدی شغلی در موقعیتی رسمی هستید و برای کسب درآمد و احترام اجتماعی در تکاپویید. چکیده: در این مقاله موضوع مدیریت در خانه در مقایسه با مدیریت در سازمان مورد بررسی قرار می گیرد و نکاتی در این خصوص پیشنهاد می شود.کلیدواژه : مدیریت خانه ؛ مدیر خانه ۱- مقدمه آیا روزگار کودکی خود را به یاد دارید؟ زمانی که مهندس، پزشک، استاد، کارمند، بازرگان و... نبودید. گذشته‌ای را به خاطر آورید که بزرگترین رویای شما رفتن به پارک و بازی با همسالان بود. دورانی که به سرعت گذشت و اینک تنها شیرینی آن لحظه‌هاست که برجا مانده است. امروز را مرور کنید که متصدی شغلی در موقعیتی رسمی هستید و برای کسب درآمد و احترام اجتماعی در تکاپویید. همه به نوعی در محیط کاری و اجتماعی؛ اداره کننده امور مربوط به حرفه هستیم. گاهی شرایط آن چنان دشوار می‌شود که مدتی زمان و مکان را فراموش کرده، تمامی انرژی خود را صرف برطرف ساختن بحران می‌کنیم و گاهی شرایط به حدی آرام و مطلوب است که به دنبال راهی برای پر کردن لحظه‌ها هستیم. شاید با مفاهیم علمی مدیریت چندان آشنا نباشیم؛ برای مثال تئوری‌ها و یا سبک‌های مدیریتی را نشناسیم، اما در روش و اجرا از شیوه مدیریتی ویژه‌ای پیروی می‌کنیم. گاه آزادمنشانه، گاه دموکرات و گاهی یک دیکتاتور ناب هستیم. به هر حال نقش مدیریتی ایفا می‌کنیم و در انجام وظایف محوله ساعی و کوشاییم. از سویی انسان در هر مقوله که سرمایه‌گذاری کند، خواهان موفقیت است. یک مدیر موفق برای رسیدن به درجات رشد و ترقی به طور قطع از نظر جسمی، مالی، خانوادگی، زمانی و اجتماعی سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام داده و در انتظار برداشت و بهره‌برداری است. اگر همه چیز درست سازماندهی شود، نتیجه جز موفقیت نیست و پس از مدتی به عنوان مدیری نمونه انتخاب خواهیم شد. این بدین معنی است که از لحاظ شخصیتی و نیز از نظر شیوه اداره نمودن کار اصولی را به کار گرفته‌ایم که مورد تأیید بوده و در کارنامه مدیریتی، فرد نمره بالایی احراز کرده است. مدیری خوب بودن یک شبه اتفاق نمی‌افتد، حتماً فرد هزینه‌های مادی و معنوی زیادی برای رسیدن به این درجه صرف کرده است. اما آیا در نگاه فرزندان دلبندمان هم یک مدیر نمونه‌ایم؟ آیا در فرم ارزشیابی عزیزانمان هم نمره بالایی کسب می‌کنیم؟ و یا...؟ ۲- معیارهای امتیاز دهی به مدیریت سازمانی در یک محیط رسمی برای امتیازدهی به مدیران بررسی‌هایی از چند جهت صورت می گیرد •:تصمیم‌گیری: آیا فرد همواره توانسته تا در هر شرایطی تصمیمات مقتضی در جهت بهبود و رسیدن به اهداف سازمان اتخاذ کند •؟ برنامه‌ریزی: آیا مدیر برای نیل به اهداف سازمان، برنامه‌های دقیق و حساب شده دارد •؟ سازماندهی: آیا مدیر در انتخاب عوامل اجرایی و در طی روند کار همه چیز را در بهترین جای ممکن قرار داده است •؟ کنترل: آیا در جریان فرایندهای سازمانی فرد کنترل و نظارت شایسته‌ای بر اجرا داشته است •؟ ارزشیابی: آیا مدیر برای ارزیابی موقعیت، برنامه و افراد بر طبق معیارها و اصول منطقی و منظمی حرکت کرده است؟ یک مدیر نمونه در تمامی موارد نامبرده، تبحر و درایت خود را به اثبات می‌رساند و نیز روابط مطلوبی با افراد همکار برقرار می‌کند. ۳- مدیریت در خانه و مدیریت سازمان اما در کانون خانواده پدر یا مادر به عنوان مدیر خانه قبول مسئولیت نموده‌اند و تلاش خود را

برای حفظ و پیشرفت حیطه نظارتی‌شان به کار می‌گیرند. اما باید پرسید که مدیریت آنها در خانه چگونه است؟ اگر از فرزند خود بپرسید که معیار سنجش مدیر خانه چیست، چه پاسخی می‌شنویم؟ این سؤال را مطرح کنید و فاصله عملکردمان با معیارها را اندازه‌گیری نمایید. مطمئناً فرزند ما از مدیرش توقع تصمیم‌گیری درست و بجا را دارد. اما آیا همواره در اتخاذ و اجرای تصمیمات تحکم داشته‌ایم و از حق استصوابی خود سوءاستفاده نموده‌ایم و یا از همفکری و تصمیم‌گیری مشارکتی بهره جسته‌ایم. در طرح‌ریزی برنامه خانه آیا ضوابط و روابط را حفظ کرده‌ایم و یا این که بهترین برنامه را تنها دیکته نموده‌ایم؟ آیا به افراد اهل خانه مسئولیت‌های متناسب با توانایی و ظرفیت ذهنی‌شان داده‌ایم و یا به دلیل نداشتن وقت کافی، برای رها شدن از قیود و تعهدات مشترک افرادمان را به انجام مسئولیت‌هایی اجبار و عادت داده‌ایم؟ آیا در زمان تشویق یا تنبیه فرزندمان، ملاک و معیارهای درستی داشته‌ایم و یا براساس حدس و گمان و از روی بی‌حوصلگی برای خالی نبودن عریضه تصمیم به تشویق یا تنبیهی نامتناسب گرفته‌ایم؟ واقعیت این است که مدیران موفق آنهایی هستند که ابتدا در محیط خانه، مدیریت را تمرین کرده‌اند و طعم شایستگی را ابتدا از نگاه رضایتمند همسر و فرزند چشیده‌اند. این مدیران با نیرویی مضاعف و دلگرمی خاصی وارد محل کار خود شده و سعی می‌کنند تا روشی دلسوزانه و مشابه خانه بر کار اعمال کنند و جو همکاری برای رسیدن به اهداف مشترک را آماده و پیاده کنند. آنها انجام کار برایشان مشکل نیست، چرا که رضایتمندی و موفقیت را در اثر نوع کارکردشان هر لحظه احساس می‌کنند. با قاطعیت تصمیم می‌گیرند و اجرا می‌کنند چرا که مهر تأیید را از طرف خانواده به همراه دارند. با این مقایسه می‌توان برای پی بردن به میزان لیاقت و کفایت مدیریت در خانه از فرزندان دلبندمان که هر آنچه می‌کنیم، برای آنهاست بخواهیم تا به ما امتیاز دهند.۴- نکاتی در مورد مدیریت خانه و خانواده •در تصمیم‌گیری، مشارکت و اقتدار را رعایت کنید: فرزندان، ما را به عنوان انسانی قوی‌تر از خود می‌شناسند و نیازمند توجه و کمک فکری ما در اکثر شرایط هستند. اما در واقع آنها در ابراز این نیاز توانایی شما را در حل مسأله می‌سنجند و به دنبال این هستند که آیا شما از پس مشکل پیش آمده مانند یک پروژه کاری برمی‌آیید یا نه؟ لذا ابتدا فکر کنید، با فرزند مشورت کنید و سپس تصمیم خود را با اقتدار بیان کنید •. برنامه داشته باشید و آن را شفاف اعلام کنید: واقعیت این است که افراد تمام تلاش خود را برای تنظیم برنامه کاری مدون و حساب شده به کار می‌گیرند و در آن برنامه، کمتر زمانی را برای بودن با خانواده در نظر می‌گیرند و این امر رابطه مستقیم با میزان قبول مسئولیت‌های اداری و رسمی افراد دارد. هر چه قدرت کار بیشتر، غیبت در خانه هم بیشتر. اما باید در لحظاتی هر چند کوتاه که با خانواده هستید، از برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت خود برای افراد خانواده سخن بگویید و جایگاه و وظیفه هر یک از افراد را بیان کنید و سپس سخنان آنها را هم گوش دهید. موضوع‌هایی مثل تعمیر یا تعویض خانه، انتخاب یک گردش و دعوت از دوستان، اغلب جالبند و جزیی از برنامه زندگی هر خانواده‌اند. این امر علاوه بر آموزش صحیحی که برای فرزند به همراه دارد، این باور را ایجاد می‌کند که این مدیر قدرتمند در خانه هم مثل محیط کارش دارای برنامه است •. در اجرای برنامه‌ها ثابت قدم باشید: سعی کنید فرزند شما خود را در قبال برنامه‌ای که تدوین شده، مسئول نشان دهد. اگر برای مسافرت نقشه می‌کشید، از او بخواهید لیست وسایل مورد نیاز را فراهم کند (توانایی او را در نظر بگیرید.) پیگیر برنامه‌ها باشید و حتی اگر فراموش می‌کنید، از همسرتان بخواهید که به شما یادآوری کند. فرزند باید بداند که فقط حرف نمی‌زنید و برای اجرای برنامه‌ها همان‌قدر اصرار دارید که در محیط کارتان. اگر فرزند کارش را انجام نداد از او توضیح بخواهید و نیز در اجرا کمکش کنید تا او بداند فردی مفید در برنامه‌های شماست •. در قلمرو خانه، معیارهای ارزیابی را واضح بیان کنید: گاهی اوقات کودک تشویق می‌شود، اما نمی‌داند برای چه و یا تنبیه می‌شود، بدون اینکه علت واقعی را بداند. یک مدیر مدبر معیارهای ارزیابی را برای هر موضوع مشخص می‌کند و از افراد می‌خواهد که برای رسیدن به ایده‌آل تلاش کنند. تصور کنید فرزند شما با دوستش مشغول بازی بوده و سهواً باعث شده تا دوست او صدمه ببیند. اما فرزند شما به دروغ تقصیر را به عهده دیگری می‌گذارد و شما از موضوع مطلع شده و تصمیم به تنبیه او می‌گیرید. بله البته تنبیه لازم است. اما به فرزند خود

بگویید که او را به چه دلیل تنبیه می‌کنید؟ به دلیل آسیبی که به دوستش رسانیده و یا به دلیل دروغی که گفته است و یا هر دو؟ در پایان اگر پزشکی زبردست، استادی کارآمد، تاجری موفق و یا خانه‌داری شایسته هستیم، در پی این باشیم که میزان موفقیت در مدیریت خانه را از دیدگاه فرزندانمان هم، بدانیم. منبع : روزنامه همشهری، سه شنبه ۲۱ آذر ۱۳۸۵، سال چهاردهم، شماره ۴۱۵۶، صفحه ۱۷.

مهارت‌های ارتباطی در پایداری خانـــواده

مهین کوشک آباد

روابط نزدیک، سه جزء فعال دارد: تعهد، صمیمیت و شور و اشتیاق. وجود یا عدم وجود این سه عامل، اهمیت رابطه را تعیین می‌کند. به همین دلیل دوست داشتن‌یک مهارت عاطفی موثر و کارآمد است. اما بدون دوست داشتن خود نمی‌توانیم دیگران را دوست داشته باشیم. دوست داشتن مستلزم صمیمیت است اما ممکن است تعهد و شور و اشتیاق درآن وجود نداشته باشد. درحالی که اگر دوست داشتن با مهارت‌های زندگی توام شود، می‌تواند رشد کرده و به مراحل عالی‌تر دوست داشتن برسد. شوق توام بااحترام از معرفت شناسی و مهارت درک متقابل زن و مرد ناشی می‌شود و مهارت دوست داشتن را نشان می‌دهد.دوست داشتن عاری از عشق، از انواع دوست داشتن است که در آن تعهد وجود دارد اما صمیمیت و شور و اشتیاق نیست. زوج‌هایی که در حالت رکود و سکون هستند و تلاش برای ایجاد گرما در خود و رابطه خود نمی‌کنند ازاین دسته هستند. البته پاره‌ای ازاین تعهدها اجباری بوده و به عنوان طلاق روانی و عاطفی محسوب می‌شود.ولی عشق کمال‌یافته، یک رابطه ایده آل است که شامل هر سه جز تعهد، صمیمیت و شور و اشتیاق می‌شود که البته این عشق کمال‌یافته با به‌کارگیری مهارت و درک مهرورزی درانسان به وجود می‌آید.برخی مهارت‌های عاطفی موثر عبارتند از:۱ – برقراری روابط نزدیک با دیگران ۲ – احساس راحتی از وابستگی دیگران به خود و به دیگران ۳ – عدم احساس ناراحتی از دوری شخصی که احساس دلبستگی زیاد نسبت به او وجود دارد.مهارت‌های ارتباطی در پایداری خانوادهمهارت‌های ارتباطی نقش اساسی در پایداری خانوده دارد. البته خود مهارت‌های ارتباطی در خوب گوش دادن، خوب حرف زدن و خوب تجزیه وتحلیل کردن صحبت‌های دیگران نهفته است. به همین دلیل برای ایجاد ارتباط موثر و مفید باید راه کارو الگوی موثر آن را نیز در نظر بگیریم و از شریک زندگیمان ۳ سوال بپرسیم که شما ازرابطه تان با من چقدر راضی هستید؟ یا اینکه آیا آرزو می‌کنید که ای کاش این رابطه هیچ مو قع برقرار نمی‌شد؟ ویا اینکه تا چه حد رابطه کنونی شما انتظارات اولیه را برآورده ساخته است ؟این سه پرسش می‌تواند سطح رضایتمندی همسرمان را از ارتباط به ما نشان بدهد. علاوه براینکه نیاز مارا در ارتباط موثر و کارآمد نیز نشان می‌دهد.مهارت‌های مدیریتی زناندر لغت نامه دهخدا مدیر به معنای اداره کننده و گرداننده است. مدیریت در خانه به معنای اداره کردن‌یا بهینه کردن امور منزل در تمامی سطوح بوده و نیازمند آموزش‌های نظری و عملی‌است.مدیریت خانه برای اکثر زنان وبرخی از مردان در سرتاسر دنیا کاری تمام وقت است که اگر به صورت جدی مورد توجه قرار بگیرد می‌تواند زندگی آسوده تر و مرفه تری را برای خانواده فراهم آورد.اداره خوب یک خانواده می‌تواند باعث بهبود اوضاع داخلی خانواده‌ها، ارتقای روابط بین آنها، مستحکم شدن پایه‌های اجتماع و ایجاد صرفه جویی‌های اقتصادی شود.هرخانواده باید رسالت خود را در مسیرزندگی بداند و ارزش‌های اساسی را که برای آن زندگی می‌کند بشناسد و اهمیت آن را درک کند این مساله باعث می‌شود که خانواده معیار و راهنمایی برای اخذ تصمیم‌های روزمره و در نهایت رسیدن به هدف کلی زندگی خود داشته باشد. استفاده از دانش و مهارت‌های مدیریت درون خانواده به زنان این امکان را می‌دهد که از منابع بیکران و استعدادهای ذهنی خویش درراستای دستیابی به هدف‌های معنوی و مادی بهره بگیرند.اما با وجود اهمیت مدیریت در خانه، هنوز در بیشتر کشورها از جمله کشور ما به صورت علمی‌این مقوله مورد بررسی قرار نگرفته و اجرای آن مشخص و شناخته نشده است.اداره منابع

در اختیار انسان همچون نیروی فکری و جسمیو به‌کارگیری امکانات مالی و معنوی، کاری بس مشکل و نیازمند تدبیر و مهم‌تراز همه هنر است. به‌کارگیری خلاقانه و هنرمندانه مدیریت درزمینه‌های گوناگون، زنان را قادر می‌سازد تا در راستای رفاه و آرامش روانی خویش بارنج کمتر و شادی بیشتر گام بردارند.برای داشتن مدیریتی مطلوب و با کیفیت، داشتن خصوصیت‌های زیر که به صورت‌یک هرم در نظر گرفته می‌شود برای زنان لازم است ۱- آگاهی از ویژگی‌ها، خصوصیت‌ها، توانایی‌ها و قابلیت‌های خود۲- داشتن ثبات، اقتدار، یکرنگی و تعادل ۳- داشتن قدرت خلاقیت (تولید کننده و نه فقط مصرف کننده بودن)۴- داشتن توانایی ایجاد ارتباط همچنین باید یادآوری کرد که شناخت خود و داشتن احساسات مثبت نسبت به خود اولین اصل دراین هرم می‌باشد.موفقیت برای هرفرد درمدیریت خانواده ممکن است بادیگران متفاوت باشد. مساله اصلی این است که خود فرد باید توانایی‌های خود را تخمین زده و بداند تصویری که از خود دارد چگونه است. موفقیت‌یک مدیر خوب فقط ازنظر مالی موردتوجه نیست، موفقیت می‌تواند همه زندگی را در برگیرد و توسط احساس فرد و خانواده‌اش تعیین شود. در همین راستا دو صفت مناسب برای‌یک مدیر خانه را می‌توان خوشبینی و فداکاری دانست.۱- خوشبینی: یکی از صفت‌های بسیار مهم برای‌یک مدیر در منزل خوشبینی است.۲- فداکاری: ماهیت خانواده و مدیریت آن در تمام مراحل، فداکاری و از خود گذشتگی اعضا را نسبت به هم می‌طلبد. خانواده و مدیریت درست آن، با خود بینی و خود خواهی در تضاد است. ایثار شرط لازم برای‌یک مدیریت مطلوب در خانه است.مهارت‌های برخورد با همسر۱-یاد بگیرید واقعا به حرف‌های شریک زندگیتان گوش کنید. البته اگر این حرف‌ها با بد و بیراه همراه باشد کار آسان نیست، زیرا اکثر ما نسبت به عصبانیت و خشم واکنش منفی نشان می‌دهیم. به‌خصوص وقتی که همسرتان روی نقطه ضعف شما دست می‌گذارد. به‌طور مثال مسایل قدیمی را مطرح کرده و یا شما را با شخص دیگری مقایسه‌می‌کند. در هر صورت در این‌گونه مواقع نفس راحتی بکشید و بعد به حرف‌هایش گوش دهید.۲-اگر همسر شما تاکید دارد که شما او رادرک نمی‌کنید او را مطمئن سازید که شما نهایت سعی خود را به‌کار می‌گیرید تااو را درک کنید. از او بخواهید مثال‌های آشکاری برای شما بیاورد تا موقعیت برایتان مشخص‌تر شود. به طور مثال با گفتن سوالا-تی از قبیل اینکه به‌طور دقیق منظورت چیست ؟ باعث می‌شود که بحث در جهت مثبت ادامه پیدا کند.۳-برای احساسات عصبی همسرتان ارزش قایل شوید. گفتن اینکه او هیچ حقی برای عصبانی شدن ندارد ویا نباید چنین حسی را داشته باشد عصبانیت او را بیشتر می‌کند.۴-اگر رفتار شما باعث عصبانیت همسرتان شده، مسوولیت پذیر باشید. شما ممکن است ناآگاهانه عصبانیت همسرتان را برانگیزید، بنابراین باید گام‌هایی برای تغییر رفتارتان بردارید.۵-سعی کنید که‌یک راه میانبر برای برطرف کردن‌یا کم کردن عصبانیت همسرتان پیدا کنید. شما می‌توانید یک کلمه رمز خنده‌دار از قبل تعیین کنید و وقتی همسرتان عصبانی می‌شود آن کلمه را بگویید تا بحث عوض شود. به‌طور مثال با گفتن کلمه تخم‌مرغ همسرتان را به خنده بیندازید تا خشمش کاهش یابد.۶-وقتی همسرتان کنترل خود را از دست می‌دهد یک نفس بکشید و از صحبت کردن با او در چنین حالتی خودداری کنید یا اتاق را ترک کرده و به او بگویید وقتی خشمش فروکش نمود دوباره باهم صحبت می‌کنید.چگونه دردرگیری مهارت کنترل داشته باشیم؟۱-به خاطر بسپارید که اشکالی ندارد مواقعی هم عصبانی شوید. اگر عصبانی شدید احساس گناه نکنید. به خصوص خانم‌ها با این باور بزرگ شده‌اند که اگر احساس منفی خود را نشان دهند رفتارشان مردانه می‌شود، بنابراین عصبانیت خود را پنهان می‌کنند. زمان‌هایی وجوددارد که عصبانیت منطقی است اما باید این موقعیت‌ها را تشخیص داد و احساس خود را صادقانه بیان‌کرده و راهی برای تغییر و کاهش آن پیدا نمود.۲-به طرف مقابل بفهمانید که اگرچه با نظر او موافق نیستید اما دشمن او هم نمی‌باشید. اینجا بحث دوست داشتن مطرح نیست بلکه این تفاوت‌ها هستند که ایجاد اختلاف می‌کنند. درگیری عادلانه این است که به‌یکدیگر چه به صورت فیزیکی و چه به صورت کلامی حمله نکنید. به‌طور مثال اسم یکدیگر را بد خطاب نکنید، یکدیگر را سرزنش نکنید یا داد و بیداد نکنید و....۳-چیزی که قبلا همسرتان به شما گفته است را به عنوان سلاح یا برگ برنده در بحث استفاده نکنید. اگر این کاررا انجام دهید اعتماد همسرتان را نسبت به خود از دست

می‌دهید و باعث می‌شوید که او امنیت عاطفی خود را درارتباط باشما از دست بدهد.۴-احساسات و ادراک خود را بدون انتقاد و داوری به همسرتان نشان بدهید. داشتن احساس تنها کافی نیست، بلکه باید آن را خوب بیان کرد. درهرازدواجی به راحتی نمی‌توان با طرف مقابل توافق داشت. باید سعی کنید رفتارهای دردسرساز را تغییر داده و توجه صادقانه به تجارب عاطفی او نشان دهید.۵-برای فردیت و شخصیت همسر خود ارزش قایل شوید و درنظر داشته باشید که همیشه حق با شما نیست و می‌توانید اشتباه کنید. سعی کنید با وضع قوانین ثابت در زندگی خود تعادل و آرامش برقرار ساخته و نیازها و احساساتان را بدون احساس گناه بیان کنید.۶-هنگامی که مورد سرزنش همسر خود قرار می‌گیرید سعی کنید با نگاهی عمیق به درون خود، مساله ای را که عامل سرزنش بوده مورد بررسی قرار داده و از خود سوال کنید که آیا ایجاد تغییرات خواسته شده خلاف ویژگی‌های روحی و روانی شماست؟ آیا این تغییرات چیزهایی هستند که باعث راحتی زندگی شما می‌شود؟ اگر نه، پس چه عاملی بازدارنده است؟ سعی کنید در قضاوت‌های خود صادق باشید.

ارزیابی مالی خانوادگی

انجام دهیم؟تالیف: استادان طرح جامع آموزش خانواده

شروع نکردن یک کار با پول کافی، به عنوان سرمایه‌گذاری نکردن شناخته شده، معمولاً به عنوان دومین عامل شکست تجارت‌های خصوصی تلقی می‌گردد. این درآمد معمولاً در نتیجه طرح پیشرفت نامناسب در مدت مرحله پیش‌زمینه می‌باشد. قبل از هر چیز شما باید هزینه‌های خانواده خود را تخمین بزنید و به گونه‌ای باید مطمئن شوید که درآمد کارتان برای پرداخت آنها کافی است. باید با خانواده دور هم بنشینید و صادقانه در مورد حداقل درآمد مالی که خانواده باید هر ماه داشته باشد تا امنیت را فراهم آورد، صحبت کنید. از هر کدام از اعضای خانواده بخواهید تا یک یا دو راه که با آن هزینه‌ها می‌توانند کمتر شوند را پیشنهاد کنند.علاوه بر دانستن هزینه‌های زندگی‌تان، شما باید در مورد قرض جاری خود صادق باشید. در دهه ۱۹۹۰ خانواده‌های بسیاری خود را در تعهد قرض‌های بسیاری یافتند فقط به منظور ادامه زندگی. اگر خانواده شما یکی از آنهاست، باید در مورد توانایی خود که مسوولیت مالی بیشتری را برعهده بگیرید واقع‌گرا باشید. مشاغل جدید تقریباً همیشه نیاز به پول بیشتری دارند تا به فعالیت خود ادامه دهند نسبت به آنچه که مالکان قبل از شروع تخمین می‌زنند به خاطر داشته باشید: هر دلاری که باید هر ماه برای قسط کارت اعتباری خود بپردازید دلاری است که برای سرمایه‌گذاری در تجارت شرکت جدید خود در دسترس نیست. برای اینکه کمک کنیم تا موقعیت مالی جاری خانواده خود را محاسبه کنید باید یک پرسشنامه تهیه کنید به نام: موقعیت مالی جاری من. نام‌هایی که در ذیل آمده‌اند باید در آن نوشته شوند. کمی تحقیق در میان گزارش‌های مالی خانواده نیز ممکن است نیاز باشد.بودجه خانوادههزینه‌های خانواده‌تان را به دو گروه تقسیم کنید:- هزینه‌های ثابت. اینجا هزینه‌هایی تکراری هستند که مبلغ آنها ماه به ماه تغییر نمی‌کند، مانند پول رهن و یا وام اتومبیل‌تان. همچنین ممکن است هر ماه مشغول سرمایه‌گذاری مقدار پولی ثابت در برنامه پس‌انداز دانشکده باشید.- هزینه‌های متغیر. تمام باقیمانده هزینه‌های ماهیانه خانواده، که در میزان دلار ماهیانه هر ماه تغییر می‌کند مانند تفریح، هزینه تلفن و خواربار.ممکن است نیاز به کمی تحقیق داشته باشید. برای آشکار کردن این هزینه‌ها ممکن است نیاز به مرور یادداشت‌ها داشته باشید. پیشنهاد می‌کنم چک‌های لغو شده سه ماه گذشته را مرور کنید. پرسشنامه‌ای با شرح هزینه‌های مهم تهیه کنید. در زیر هر عنوان میزان پول از هر یک را بنویسید. به طور مشابه، صورت حساب‌های سه ماه گذشته خود را از هر کارت اعتباری که برای پرداخت هزینه‌های خانواده استفاده می‌کنید، بررسی کنید.ترازنامه خانوادهاین قسمت از پرسشنامه «موقعیت مالی جاری» دو جنبه مضاعف از موقعیت مالی خانواده شما را نشان می‌دهد:آنچه که بدهکار هستید (قرض‌ها و بدهی‌ها)مانند میزان قرض رهن.آنچه که دارا هستید (موجودی).مانند خانه، ماشین، مبلمان و غیره. صادق باشید. اگر خود را در مورد پرداخت قرض ماهیانه گول زنید، قبل

از به راه افتادن کارتان، واقعیت سخت و سردی به فشار روانی شما در آینده افزوده خواهد شد.وظیفه کاریزمانیکه به درآمد ماهیانه خانواده نگاه می کنید، باید در نظر بگیرید که اگر از شغل خود دست بکشید تا به طور تمام دقت کار خود را ادامه دهید از نظر مالی چه اتفاقی خواهد افتاد.هزینه‌هایتان خیلی کاهش نمی‌یابند اما درآمد شما حتماً کم خواهد شد. تفاوت بین هزینه‌های خانواده و درآمد خانواده به جز خودتان می‌تواند وظیفه کاری خوانده شود. یعنی اگر می‌خواهید سبک زندگی خانواده‌تان به طور چشمگیر تغییر کند، باید از کارتان درآمد کافی فراهم کنید تا کمبود بین هزینه‌ها و دیگر درآمدهای خانواده را جبران کنید. هرماه، که درآمد کافی برای جبران این مقدار نداشته باشید، باید پول قرض بگیرید تا خانواده بچرخد. به این دلیل است که من این را وظیفه کاری می‌نامم.یکی از مهمترین عوامل مدیریت نظام خانوادگی محبت افراد در شرایط ایده‌آل و قابل تحمل فعال نگه داشتن افراد در بستر زندگی و جدید نگه داشتن روابط افراد و خود افراد است.یکی از تکنیک های ارزان و آسان اما موثر برای حاصل شدن این نتایج تبادل هدیه (یعنی هدیه دادن) و قبول آن است.هدیه دادن یک شاخه گل، یک جعبه شیرینی، یک قطعه طلا و حتی یک لبخند رضایت بخش یا فشردن دست و یا یک کلام حکمت آمیز در مناسبت های مختلفی مانند روز مادر، روز پدر، سالگرد ازدواج، جشن تولد پنجره‌ای از شادابی را بر خانواده می گشاید.در زمانی که بین زن و شوهر کدورتی به وجود می آید هدیه دادن می تواند خاطرات بد و رسوبات منفی را از ذهن و روح پاک سازد. زیرا هدیه جلوه‌ای از احسان و نیکی شاخه‌ای از سخاوت و مصداقی از انفاق به اقربا است.معمولاـ نتیجه این احسان یک سویه نبوده بلکه اثر دو سویه دارد و نسیمی از آرامش و شادمانی را برای شما به ارمغان می‌آورد.اثرات دادن هدیه در روایات اهل بیت (ع)۱) رسول اکرم (ص) می‌فرماید: به یکدیگر هدیه دهید تا یکدیگر را دوست بدارید و به یکدیگر هدیه دهید تا زنگارهای کینه از قلبهایتان پاک شود. (میزان الحکمه ۲۱۱۷۲)۲) همچنین در حدیثی دیگر می‌فرمایند: چه خوب عطیه و چه نیکو هدیه‌ای است سخن حکیمانه‌ای که آن را می‌شنوی (همان- ح ۲۱۲۹۰)۳) امام علی (ع) می‌فرمایند: هدیه سبب جلب محبت می‌شود.(میزان الحکمه ح ۸۶۲۰)۴) امام باقر (ع) از قول پیامبر اکرم (ص) فرمود: به یکدیگر هدیه بدهید زیرا هدیه دادن کینه‌ها را از دلها بیرون برده و انتقام و دشمنی و کینه‌توزی را برطرف می سازد. (کافی ج ۵ص ۱۴۳)یک نکته مهم در مورد هدیه دادن به همسرهدیه گرانتر حاکی از بالاتر بودن عشق نیست، مهم این است که شما در هنگام هدیه دادن به فکر همسر خود بوده‌اید. بزرگترین هدیه‌ای که می توانید به همسرتان بدهید همان عشق بی‌قید و شرط است، عشق بدون قید و شرط نه تنها به فردیت هر کس احترام می‌گذارد بلکه آن را پرورش می‌دهد.اعظم بهرامیروزنامه رسالتروابط زن و شوهر در خانواده متعادلگرد آورنده: سهیلا جمالیفردشناخت و پذیرش نقش و جایگاه متقابلدر خانواده متعادل بین زن و شوهر باید روابط خاصی وجود داشته باشد و هر یک نقش، وظیفه و جایگاه فرد متقابل را بشناسد و محترم بشمارد، مدیریت خانواده به عهده مرد است و زن مدیر داخلی خانواده و نیز معاون مدیر خانواده است. مدیریت مرد ضمن آنکه در درون خانواده پذیرفته شده است، لیکن بیشتر نقش بیرونی و اجتماعی داردو در درون خانواده باید اجرای امور بیشتر به عهده زن باشد. مدیریت مرد اقتضا می کند که به جزء موارد اصلی و اساسی از مداخله بی مورد در تصمیمات زن خودداری کند. مدیریت نباید همکاری در خانواده را از یاد ببرد. یک مدیر موفق یک همکار خوب نیز هست. یک مدیر فقط یک تصمیم گیرنده و صادر کننده دستور نیست، بلکه خود فردی کاری در کنار سایر اعضای خانواده است. هر چند به لحاظ حقوق اسلامی کارکردن زن در خانه وظیفه او به شمار نمی آید، لیکن به جهات گوناگون باید به انجام امور داخلی خانه به عنوان وظیفه عرفی و سازمانی زن بنگریم. در چنین مواردی توجه به برخی از نکات اهمیت دارد. کار در خانه وظیفه زن نیست ولی انجام کار هر فرد وظیفه خود او به شمار می آید بنابراین هر چند که زن وظیفه ندارد لباس شوهر را بشوید و یا برای او غذا بپزد ولی این وظیفه را دارد که غذای خود را بپزد و یا لباس خود را بشوید و چنین وظیفه ایی عقلاً به عهده مرد نیز هست و فرزندان رشید خانواده نیز چنین وظیفه ایی دارند ولی این نقطه قابل تامل است که اگر قرار باشد هر کس در خانه چنین وظیفه ایی را به تنهایی و برای خود به عهده بگیرد، چنین خانواده ایی به تدریج رو به

آشفتگی و نابسامانی می گذارد بنابراین علی رغم اینکه این وظایف به عهده هر یک از اعضای خانواده است، لیکن بهتر است به شکل متمرکز انجام گیرد و یکی از افراد برای انجام متمرکز این کار زن خانواده است. بنابر عرف موجود در جامعه ما و تقریباً در تمامی جوامع بشری، امور داخلی خانه به عهده زنان است و این عرف را هم پذیرفته ایم و در آن هیچگونه تحمیل و یا ظلمی را احساس نمی کنیم. مانند بسیاری از عرفهای اجتماعی که بدان پایبند هستیم اکثر زنان جامعه انجام امور داخلی خانه را یک وظیفه عرفی خود می شناسند.با توجه به این نکات در مورد کار درون خانه باید گفت که بهتر آنست این امور در اختیار زن خانه قرار گیرد ولی این بدان معنا نیست که انجام چنین کارهایی وظیفه غیر قابل عدول اوست، بلکه باید گفت که او می تواند در انجام کارهای خانه همکاری سایرین را طلب نماید و از هر یک از آنها در انجام بخشی از کار استمداد بخواهد و اعضای خانواده موظف به همکاری با او هستند. در این معنا نقش ها جابجا نمی شوند و نقش اداره درون خانواده به طور قطع بر عهده زن قرار می گیرد و سایرین، همکاران او در این زمینه خواهند بود.داشتن نقش و جایگاه متناسب هر یک از اعضای خانواده نه تنها برای گردش امور خانواده لازم است، بلکه برای هویت یابی مناسب فرزندان نیز الزامی است. به عبارتی دیگر حفظ نقش و جایگاه افراد در خانواده هم به لحاظ سازمانی واجد اهمیت است و هم به لحاظ تربیتی. مداخله مرد و یا انتظار انجام کارهای زنانه از او داشتن و یا انتظار انجام کارهای مردانه از زن داشتن موجب آشفتگی هویت جنسی فرزندان می شود.برگرفته از کتاب«خانواده و فرزندان»

تأثیر تعالیم دینی وکسب مهارتهای زندگی در سیره رضوی

محققین: علی اصغر عبدی- حمیدرضا یزدانی مقدم جامعه ی ما جامعه ایست بنیان گرفته بر ارزشهای اسلامی و اثر یافته از آموزه های قرآنی و مفاهیم اهل بیت علیه السلام و از دیگر سو دانش روانشناسی امروز ارائه دهنده ای راهکارها و شیوه هایی برای بهتر زیستن است که در قالبهای (مهارتهای زندگی) تعریف می شود .با نگاهی پژوهش گرانه و تعمل بر انگیز در آموزه های دینی راهبردهای کلی و فراگیری را می توان بدست آورد که برای هر زمان و مکان پاسخگوست .و

سرشناسنامه : عبدی علی اصغر ۱۳۵۴ یزدانی مقدم حمید رضا ۱۳۴۸عنوان و نام پدید آور : تاثیر تعالیم دینی و کسب مهارتهای زندگی در سیره رضوی مشخصات نشر : مشهد ۱۳۸۸ بهمنمشخصات ظاهری شماره کتاب شناسی ملی نوبت چاپ اول شمارگان تنظیم و صفحه آرایی لیتوگرافی چاپ جلد و صحافی تقدیم به بهانه آفرینش زیباترین نمونه تحکیم بخش خانواده فاطمه زهرا (س) و به مهربان ترین ارباب آقا ثامن الحجج که افتخار طوق نوکری را نصیبم نمود وبا تشکر از تمام ولایتمداران و عزیزانی که ما را در راه پدید آوردن چنین تحقیق با ارزشی مساعدت ویاری نمودند کارکنان محترم آستان قدس رضوی , خدمات محترم مشاوره ای آستان قدس رضوی , دانشجویان محترم دانشگاههای مشهد فهرست مطالبعناوینپیشگفتار : مقدمه و بیان اهمیت موضوع فصل اول : طرح تحقیق مفاهیم و کلیات مهارتهای زندگی چیست ؟فواید انجام تحقیقضرورت تحقیق اهداف تحقیق بیان مسئله یا مسائل علمی فرضیه ها مهارتهای ذهنی و شناختی الف- مهارت تصمیم گیری ب- حل مسئلهج- حمایت تفکر و نقادد- تفکر خلاق مهارتهای ارتباطی و اجتماعی الف – مهارتهای بین فردی مهارتهای شناختی معرفتی مهارتهای عاطفی و مدیریت مهارتهای نگرش کسب مهارت ارتباط موثر و صحیح با فرزندان فصل دوم: پیشینه تحقیقفصل سوم : روش انجام تحقیقجمعیت آماری حجم نمونه و شیوه نمونه گیری تکنیک های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها استفاده از شیوه های مشاهده, مصاحبه, لیکرت, سیاهه رفتار , روایی, پایایی استفاده شده است فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته های تحقیقجداول : نمودارها و تحلیل , پرسشنامه , مصاحبه فصل پنجم : خلاصه و نتیجه گیری فصل ششم : پیوستها , منابع و ماخذ پیشگفتار :جامعه ی ما جامعه ایست بنیان گرفته بر ارزشهای اسلامی و اثر یافته از آموزه های قرآنی و مفاهیم اهل بیت علیه السلام و از دیگر سو دانش روانشناسی امروز ارائه دهنده ای راهکارها و شیوه هایی برای بهتر زیستن است که در قالبهای (مهارتهای زندگی) تعریف می شود

.با نگاهی پژوهش گرانه و تعمل بر انگیز در آموزه های دینی راهبردهای کلی و فراگیری را می توان بدست آورد که برای هر زمان و مکان پاسخگوست .و نیاز مردمان در روزگاری را به گونه ای برآورده می سازد و این همت عالمان دین و دانشمندان دیگر علوم انسانی را می طلبد که در گفتمانی تطبیقی به واکاری و استنباط چنین راهکارهایی بپردازد در این تحقیق اندیشه و سیره علمی و عملی امام رضا که در جامعه ایرانی جایگاه برجسته ای دارد ودر بیشتر عرصه های اجتماعی نمود پیدا می کند را با اشاره های دقیق علمی و حضوری با بهره گیری از نظریات مردم در اجتماع و جامعه ای عرصه های چون مهارتهای ذهنی و شناختی , مهارتهای ارتباطی و اجتماعی و مهارتهای خانوادگی , تربیتی را بررسی شود و سپس تاثیر آن در زندگی خانواده ها به صورت عملی و از طریق پرسش نامه نمودار و مصاحبه و حضوری مورد ارزیابی قرار گرفته است . مقدمه:خوب یا بد وجود ندارد برداشت ما از که خوبی و بدی را خلق می کند استراتژی شما : فیلترهایی را که پشت آنها دنیا را سیاحت می کنید بشناسید به تاریخچه ی زندگی خود توجه کنید اما تحت سلطه آن قرار نگیریدجامعه اکنون ما جامعه در دانایی مد لقب یافته زیرا با پایان عصر قدرت و ثروت آنچه عامل برتری به شمار می آید. دانایی , آگاهی و بهره گیری از اطلاعات است. مسئله مهمی که نیاز است در اینجا ذکر کنیم اینست که از ده نفر از کارکنان و همکاران آستان قدس سئوال شد که هدف از آموزش مهارتهای زندگی و یا تکرار واژه های مهارتهای زندگی یعنی چه همگی بالاتفاق جواب این بود که افزایش ظرفیت های روانی – اجتماعی چه در محل کارو چه در خانواده و چه در اجتماع و در مرحله بعد بالا بردن سطح روانی فرزندان نوجوان و جوان است تا از رفتارهای آسیب زای فردی و اجتماعی پیشگیری شود .از آنجا که جامعه ما متکی به ارزشهای اسلامی و متاثر از آموزه های قرآن کریم و نیز سیره علمی و عملی ائمه اطهار است ضروری است مهارتهای زندگی را از این منظر بنگریم به ویژه از منظر حضرت امام رضا علیه السلام که درمیان آحاد جامعه موقعیتی بی نظیر و محبوبیتی ارزشمند دارد .فصل اول :مهارتهای زندگی چیست ؟سازمان بهداشت جهانی مهارتهای زندگی را شامل توانایی های ادمی برای رفتارهای مثبت و انطباق پذیر با دیگران می داند که او را قادر می سازد با چالش ها و نیازمندیهای روزانه به گونه ای موثر روبر گرداندو سازمان یونیسف : مهارتهای زندگی را مجتمل بر تمهیداتی برای تحول و تغییر رفتاری می داند تا میان سه حیطه یعنی دانش , بینش و رفتار موازنه ای انجام پذیرد. با توجه به تعاریف بالا مهارتهای زندگی توانمندیهای در زمینه های دانش و بینش است تا زمینه ساز موفقیت آدمی در زندگی گردد . فواید انجام تحقیق:اهمیت آموزش و تحقیق در زمینه مهارتهای زندگی : ضرورت تحقیق در مهارتهای زندگی را می توان به علت وجود محور های زیر جستجو نمود الف – تبدیل خانه به خوابگاه (کاهش ارتباط صمیمانه)ب – پدیده بحران هویت (از خود بیگانگانی قشرهای از نو جوانان و جوانان)ج- نسبت تضاد و تقابل نسل ها د- اشتغال مداوم و روز افزون والدین در خارج از خانه (از میان رفتن فصل مشترک های عاطفی و روحی)ه- توسعه و تسلط تربیت و فرهنگ رسانه ای و- ظهور پدیده فکر منفی , تردیدها و تزلزل ها در تصمیم گیری تاثیر مخرب هریک از مولفه های مذکور بر روند زندگی نوجوانان و جوانان مبین اهمیت آموزش مهارتهای زندگی است اهداف تحقیق: آشنایی خانواده ها با ده تکنیک و راهبرد که هسته مرکزی مهارتهای زندگی را شکل می بخشد که عبارت است از : – ۱ مهارت حل مسئله ۲- مهارت تفکر انتقادی ۳- مهارت ارتباط موثر ۴- مهارت تصمیم گیری ۵- مهارت تفکر خلاق ۶- مهارت بین فردی ۷- مهارت خود آگاهی ۸- مهارت همدلی ۹- مهارت انتطاق با هیجانها و مهارت سازگاری با فشار روانی (مدیریت استرس) بیان مسئله یا مسائل علمی :با وجود تعدد تنوع و پراکندگی نسبی مهارتهای زندگی دستیابی به چهارچوب منبعی از آن دشوار نیست زیرا از حیث موضوع ماهیت و محتوی می توان این مسئله را به چند حیطه تقسیم نمود و در مورد هر کدامشان به تفسیر سخن گفت ۱-مهارتهای فکری – ذهنی : که شامل مهارت تصمیم گیری, مهارت حل مسئله, مهارت تفکر خلاق , مهارت تفکر نقاد, انتخاب هدف و نظایر آن ۲- مهارت های ارتباطی – اجتماعی : شامل مهارت دوست یابی , مهارت ارتباط مطلوب با دیگران , مهارت جرات ورزی (ابراز وجود) مهارت نه گفتن , مهارت ارتباط مطلوب با خانواده و نظایر آن۳- مهارت های شناختی (

معرفتی) :شامل شناخت خود , خدا , خلق (خانواده و دیگران) خلقت (جهان هستی)۴- مهارتهای عاطفی (احساسی): شامل همدلی , همدردی , هنر خوب شنیدن , مدیریت استرس و نظایر آن۵- مهارت های نگرشی : شامل نگرش به دنیا , ماهیت انسان , جایگاه ارزش ها , معنا و مفهوم زندگی البته علاوه به حیطه های مذکور مسائی دیگری نیز وجود داشت مثل مهارتهای شغلی و اوقات فراقت و غیره که سعی شد اهم مسائل زندگی در تحقیق بکار ببریم. تعیین فرضیه ها : (فرضیه اصلی):تاثیر ارائه دیدگاه اسلام و سیره رضوی در کسب مهارتهای زندگی (فرضیه فرعی): تاکید بر جامعیت و واقع نگری اسلام و قدرت پاسخگویی آن به نیازهای انسانی و روش و سیره زندگی ائمه به ویژه جایگاه ویژه حضرت امام رضا علیه السلام در میان مسلمانان و شیعیان به عنوان عالم آل محمد به ویژه ملت ایران آشنایی با سیره آن بزرگوار در یاد گیری آموزه های زندگی و کسب مهارتهای لازم بسیار موثراست (فرضیه فرعی) :ارائه مباحثی که با رویکردی اوبانیستی و یا سکولاریستی مطرح می شود چون از دیدگاه اسلامی به بهره است نمی تواند در کسب مهارت های زندگی موثر باشد دیدگاه های انسان گرایی و جدایی دین وقتی مطرح می شود چون از دیدگاه های اسلامی به بهر ه است نظیر مبانی انسان شناسی , منابع ارزش شناسی , معیار های درك و تفکیک ارزشها از ضد ارزشها و امثال آنها نمی تواند فرضیه مناسب در جهت کسب مهارتهای لازم زندگی برای جامعه مسلمان و بزرگ شده با فرهنگ اهل بیت قرار بگیرد.انواع فرضیه های از نظر نوع رابطه بین متغیرها : ۱- فرضیه های جهت دار مستقیم که مبین وجود رابطه ی احتمالی مستقیم بین متغیرها می باشد • .بین تعالیم دینی و سیره رضوی با کسب مهارتهای زندگی بهتر رابطه مستقیمی وجود دارد •.آموزهای قرآنی وسیره رضوی در کسب مهارتهای زندگی برای بهتر زیستن تاثیر مستقیمی دارد .۲- فرضیه های جهت دار معکوس : که بیانگر وجود رابطه احتماعی معکوس بین متغیرها می باشد •نا آشنایی با آموزه های دینی و عملکرد بعضی نا عالمان در کسب مهارتهای زندگی تاثیر معکوس دارد۳ - فرضیه های جهت نامعلوم: فرضیه های هستند که رابطه علت و معلول بین متغیرها را بدون مشخص شدن نوع آن مطرح می سازندتهذیب نفس و تزکیه روح در مهارتهای زندگی تاثیر دارد۴- فرضیه های خنثی : عدم احتمال وجود رابطه بین دو متغیر را بیان می کند •آشنایی با آموزهای دینی بدون اینکه کاربرد عملی در زندگی داشته باشد در کسب مهارتهای زندگی تاثیری نداردددر ادامه تحقیق برآنیم تا عملاـ فعالیت میدانی تحقیق را در کنار اطلاعات و آگاهی های ذهنی با ایجاد مکانیزم های اجرایی آن مشخص کنیم در مرحله مهارتهای ذهنی و شناختی ابتدا به سراغ مهارتهای خود آگاهی و یا خودشنایی و آگاهی به خویشتن از مهارتهای بنیادی است می رویم:در جامعه کنونی ما بحثی که بیشتر از همه نمود پیدا کرده است واژه بصیرت است که مقام معظم رهبری بسیار به آن تاکید دارد و در قرآن نیز آورده که انسان نسبت به نفس خویش بصیرت دارد(بل الانسان علی نفسه بصیره)حدیث حضرت رضا علیه السلام برترین خرد شناخت انسان نسبت به خود است مرحله دوم : مرحله تصمیم گیری : زمانی تصمیم گیری سنجیده و صحیح خواهد بود که در مراحل مختلف آن تامل و بررسی شود این مراحل عبارت است از : ۱- دانش جامع ۲- واقع بینی ۳- مدیریت عرفان ۴- انتخاب در مرحله تصمیم گیری می توانیم به عملکرد امام رضا علیه السلام در پذیرش ولایت عهدی پس از تهدید مامون به کشتن امام, امام با واقع بینی و سنجیدن گزینه های موجود تصمیم گرفت که ولایت عهدی را طور مشروط بپیذیردمهارت حل مسئله : اصطلاح کلی برای نوعی تجربه است که در آن فرد با مشکلی روبرو می شود و باید از میان راه حل های گوناگون آنچه که اورا به هدف می رساند برگزیند برای حل مسئله مولفه های زیر پیشنهاد شده است :۱- تشخیص مشکلات , علل و ارزیابی آن۲- درخواست کمک۳- مصالحه برای حل تعارض ۴- آشنایی با مراکزی برای حل مشکلات ۵- تشخیص راه حل های مشکلات برای جامعهنمونه هایی از مهارت حل مسئله در سیره رضوی را در مناظرات آن حضرت با پیروان ادیان مختلف و نیز پاسخ به پرسشهای طبقات مختلف جامعه می توان دید مرحوم شیخ صدوق طبرسی به سند خود از علی بن ابراهیم چنین نقل می کند :که یکی از یاران امام می گفت : در طول مدتی که در محفل علی بن موسی الرضا بودم و در مجالس گوناگون آن حضرت شرکت داشتم هرگز ندیدم مطلبی در مسائل دین و امور

مختلف از ایشان سئوال شود مگر آنکه بهتر و شیوا تر از همه پاسخ فرمایند.فرآیند تفکر انتقادی : برای بهره گیری از تفکر نقاد و برای بهتر انجام شدن تحقیق باید به محورهای زیر توجه کرد۱- ابتدا باید با بررسی تمامی جوانب موضوع اظهارات منطقی مرتبط با آن را جمع آوری کرد ۲- تمامی عبارات و اظهارات را با حد امکان مختصر و به جملات کوچک تر تقسیم باید کرد۳-جملات گرداوری شده و دلالت های مربوط به آن را باید بررسی کرد تا با یکدیگر متناقص نباشد ۴- عبارات و اظهارات متناقص را در برابر جملات گرداوری شده باید قرار داد و میزان مخالفت آن را ارزیابی کرد .یعنی همانطور که امام رضا علیه السلام شیوه تفکر نقاد را اینگونه تبیین می فرمایند که در آغاز باید سخنان مردم (اطلاعات) را شنید (جمع آوری کرد) و سپس با تجزیه و تحلیل آن و مطابقت با معیارهای درست سره را ناسره باز شناخت نمونه ای از سیره امام رضا علیه السلام :هنگامی که کاروان امام به مرو نزدیک شد مامون به همراه چند تن دیگر از سران حکومتش به استقبال امام شتافتند مردم هل هله و شادی می کردند مامون رو به هم گفت هر چه در آل علی و آل عباس تامل کردم هیچ کس را شایسته تر از علی بن موسی الرضا برای خلافت ندیدم اکنون خود را از خلافت خلع و اورا جایگزین خویش می سازم مامون در حالیکه خلعت شاهانه را در مقابل امام در می آورد امام گفت : اگر خلافت را خدا به تو داده که نمی توانی به دیگری ببخشی اگر هم او نداده که حق نداری چیزی را که مال تو نیست به دیگری بدهی سکوت همه را به فکر فرو برد مامون مغلوب امام گشت ویژگی مهم دیگری که در مهارتهای زندگی نقش مهمی را داراست تفکر خلاق است یعنی طراوت و حساسیت ذهن خود را حفظ کند در موقعیت های جدید رفتاریهای نوآورانه بروز دهد یعنی با فکر باز با مسائل روزانه برخوردکند یعنی یک سلسله صفات مهم را دارا باشد ۱- ریزبینی ۲- استقلال فکری ۳- انعطاف پذیری ۴- توانایی تحکم بخشیدن به تجارب۵- حیس سرنوشت و اما در سیره رضوی آن حضرت در پاسخ گلایه یکی از دوستانش به نام یونس بن عبدالرحمان که از اظهار نظرهای نا آگاهانه دیگران آزرده خاطر بود فرمود:مردم هر چه می خواهند بگویند اینگونه مسائل و سخنان اهمیتی ندارد زمانی که امام تو از تو راضی باشد جای هیچ نگرانی نیست سخن آشکار امام استقلال و اثر نپذیرفتن از فشارهای اجتماعی مهارتهای ارتباطی , اجتماعی ودر مهارتهای زندگی و ارتباطات درون فردی به کسب تقوی الهی و موفقیت در آزمایشهای زندگی می رویم امام محترم در این باره می فرمایند : بدانید هر آن کس که تقوی الهی را پیشه خود سازد خداوند راه نجات از سختیها و مشکلات را برای او قرار می دهد اورا در امور زندگیش محکم و استوار می سازد . راه هدایت وجودش را فراهم می کند حجت و برهانش را پیروز می سازد اورا رو سفید می کند و خواستهایش را برآورده می گرداند.در بخش مهارتهای بین فردی از زیر مجموعه های مهارتهای ارتباطی و اجتماعی است این مولفه در برخی از مکاتب مستقل از سایر مهارتها و به ویژه بر کنار از نوع ارتباط با خدا در نظر گرفته شده است ما در سیره ائمه مصادیق روشنی از خداگرایی را می بینیم شامل : ضابطه شناسی ستم مکن چنانکه نمی خواهی به تو ستم شود و نیکی کن چنانکه دوست داری به تو نیکی شود (حضرت علی علیه السلام) امام صادق علیه السلام آنکس که دوستی و دشمنی اش برای خدا باشد و در راه او از بخشش دریغ نورزد ایمانش کامل است امام رضا علیه السلام ازما نیست کسی که همسایه اش از شر اور در امان نباشد انسانها در زندگی به کسانی بیشتر اعتماد و اطمینان می یابند که از این ویژگیهای برخوردار باشد امام رضا علیه السلام می فرمایند : ۱- خیرخواه باشد۲- دیگران از بدی او در امان باشد ۳- خیراندک دیگران را زیاد بشمارد۴- خیر خودرا بسیار اندک بشمارد۵- هر چه حاجت از او خواهند دلتنگ نشود۶- هیچ کس را نبیند جز اینکه بگوید او بهتر و پرهیزگار تر از من استهمدلی در سیره عملی امام رضا علیه السلام:هر کسی گره از کار مومنی بگشاید خداوند در روز قیامت دلی شاد ارزانیش کند همدلی نقطه آغاز تعاملی مددجویانه است که آثار ارزشمندی به ارمغان می آوردمهارتهای عاطفی در پایان بخش مهارتهای بین فردی به نکته بسیاری مهمی اشاره می کنیم که بخش از رفتارهای انطباقی کنترل خویش و غلبه برهانات است با تسلت بر احساسات منفی و مخرب توانایی سازگاری با دیگران بدست می آیدحضرت رضا علیه السلام می فرمایند:از نشانه های فهم خویشتنداری و دانستن است همچنین آن حضرت در تبیین اهمیت سازگاری و مدارا می

فرمایند: شایشته است انسان مومن سه نشانه داشته باشدنشانی از خدا و آن کتمان سر است . نشانی از رسول خدا و آن مدارا و سازگاری با مردم است و نشانی از ولی خدا و آن صبر کردن در زمان تنگ دستی و پریشان حالی است . ودر صورت تحقق چنین مهارتی در بین احاد جامعه آثار خوشایندی را می توان در رفتار با مردم شاهد بود که مهم ترین آنها عبارت است از : ۱- جلوگیری از گسست های اجتماعی ۲- تقویت روح خدمت رسانی به جامعه ۳-اصلاح و ترمیم غفلتها و کاستیها ۴- جلب رضایت حق تعالی مهارتهای خا نوادگی خا نواده مهارتهای شناختی (معرفتی) وهمسر داری خانواده سنگ بنای جامعه وستون اولیه اجتما ع می باشد.همانگونه که خا نواده ازدو عنصر (زن ومرد) و یا بیش از انها تشکیل می شود . جامعه نیز با نهاد خانواده و گسترش و توسعه آن به وجود می آید . لذا برای نیل به جامعه سالم , مطلوب و موفق ناگزیر واحد خانوادهایی سالم, صالح و نابسنده بود از این رو باید به طرح و تبیین مهارتهای تشکیل خانواده همسرداری و فرزند پروری پرداخت بخشی از آموزه های دینی به ویژه در سیره رضوی ناظر به مهارتهای خانوادگی و تربیتی است که در ذیل به بیان اهم آن می پردازیم : ۱- زندگی خوب , خانواده متعادل ۲- تشکیل خانواده و تسریع در این امر ۳- معیار تشکیل خانواده ۴- ضرورت مدیریت خانواده ۵- مدیریت اخلاقی و عاطفی خانواده۶- مدیریت اقتصادی امام رضا علیه السلام در حدیثی زیبا در باره خانواده متعاد می فرمایند : کسی که دیگران در معاش او به خوبی معشیت کنند و در پرتو زندگی او زندگی خوبی داشته باشند زندگی بهتری خواهد داشت . از وجوه مهم زندگی خانوادگی و ابعاد اساسی مدیریت خانواده مدیریت اقتصادی است امام رضا علیه السلام می فرمایند : کسی که در پی روزی باشد تا خانواده خود را اداره کند مزدش از مجاهدت در راه خدا بیشتر است در بعد مدیریت باید گفت تقویت و تعالی خانواده مرهون عوامل بسیاری و از جمله مدیریت خانواده است چنانچه مدیریت آگاهانه , مدبرانه و جامع برخانواده حاکم باشد همه اعضای زندگی مشترک احساس امنیت و آرامش می کنند و در سایه چنین آرامش خاطری امکان رشد و بالندگی می یابند امام رضا علیه السلام در توصیف زندگی پیامبر(ص) بهترین مدیریت موفق را در زندگی بیان می فرمایند: چون به منزل می رفت وقت خودرا به سه قسمت می کرد یک قسمت برای خداوند تبارک و تعالی . یک قسمت برای خانواده و یک قسمت نیز برای خود سپس قسمت خودرا بین خود و مردم تقسیم می کرد مهارتهای نگرشی در بحث مدیریت با توجه به مقیاسهای انداز گیری نگرش سعی شده تا افراد خود را در معرض امتحان قرار داده و در جدول لیکرت با توجه به امتیازهای مشخص شده خودشان را با تعالیم و سیره اهل بیت تطبیق دهند تا یک آزمون کاربردی جهت وفق دادند خود به آداب و رسوم اهل بیت در امر مدیریت باشندراه های موفقیت در زندگی موفقیت در زندگی خانواده و چه در زندگی ا جتماعی از مولفه ها و نکات زیر متاثر است۱- موفقیت امری نسبی است یعنی کسی را نمی توان یافت که در همه ابعاد زندگی موفق باشد ۲- موفقیت در زندگی خانوادگی امری است که بیشتر تابع دانش زندگی , اراده و عزم جدی برای رسیدن به هدف و نیز مسئولیت پذیری در قبال رویدادهاست با ضمن نگرشی موفقیت امری اکتسابی و دست یافتی است ۳- خانواده ها براساس ساختار ویژه ای که دارند با یکدیگر متفاوت اند روشی که در یک خانواده منجر به موفقیت می شود ممکن است در خانواده ای دیگر توفیق چندانی نداشته باشد شاخص ها مهم موفقیت در زندگی خانوادگی و به ویژه روابط همسران را دریافت که به تبیین آن می پردازیم:۱- درک و تفاهم ناپایدار امام رضا علیه السلام فرمودند از نشانه های درک و تفاهم پایدار همراهی حلم و علم با یکدیگر است۲- همزبانی و هم اندیشی که اهل بیت ما همه فصل الخطاب بودند یعنی آشنا به زبانها و اصطلاحات مردم ۳-همکاری و شریک ساختن دیگران در امور ۴- منزلت و کرامت حضرت علی علیه السلام می فرمایند : خداوند رحمت کند کسی را که قدر خود را بشناسد و از حدش تجاوز نکند ۵- سازگاری و مدارا : امام رضا علیه السلام می فرمایند : مدارا در ارتباطات انسانی خوی و خصلت نبوی است و ا زنشانه های انسان مومن بنابراین روشن است که با افراد خانواده سازگاری و مدارا ورزیدکسب مهارت ارتباط موثر و صحیح با فرزندان در این فصل به روشهای تربیتی اشاره می کنیم که در زندگی بکار می آید و از سیره معصومان علیه السلام استخراج شده است۱- روش تربیت عملی : امام رضا علیه السلام می فرمود به فرزندت

دستور بده که با دست خود صدقه دهد ۲- روش تربیت عادلانه : پیامبر اسلام فرمودند میان فرزندان خود به عدالت رفتار کن همانگونه که مایلید با شما به عدل و داد رفتار کنند۳- روش تربیت عقلانی : از عقل و خرد خویش راهنمایی بخواهید تا به رشد و کمال نائل شوید(پیامبر اکرم)۴- روش دعوت به استواری و پایداری : امام موسی کاظم می فرماید : گاهی فرزندانتان را بکارهای کم و بیش سخت وا دارید تا آنها در بزرگسالی افرادی صبور و شکیبا گردند۵- روش دعوت به تحکم دوستی ها: امام رضاعلیه السلام می فرماید: به دیدن یکدیگر بروید تا یکدیگر را دوست بدارید دست یکدیگر را بفشارید و به هم خشم نگیرید ۶- روش ایجاد ضابطه در مناسبات انسانی : امام رضا علیه السلام به ضرورت ضابطه مند بودن مناسبات انسانی اشاراتی داشته اند آن حضرت می فرمایند لازم است با تمام اطفال و بزرگسالان با احترام و ادب رفتار کنید فصل دوم : پیشینه تحقیقمروری بر منابع موجود در تحقیقات گذشته:در ارتباط با هر موضوع تحقیقی منابع و تحقیقات مختلفی ممکن است وجود داشته باشد محقق می تواند با توجه به مراجع دسترسی اطلاعات , منابع مرتبط با موضوع تحقیق خود را مشخص کند و از آنها استفاده لازم را ببرد در خصوص مهارتهای زندگی مخصوصا در سیره رضوی و تعالیم دینی تحقیقات بسیاری صورت گرفته است. که با توجه به حجم گسترده موضوع تحقیق مطالعات اجمالی در تدوین مقاله داشته اند که به آنها در ذیل اشاره می شود۱- اخلاق در دیدگاه قرآن و عترت محمد صادق سجادی دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۲- چهل داستان و چهل حدیث از امام رضا علیه السلام عبدالرضا نجف آبادی ۳- آفتاب هشتمین لیله الشمس سازمان شهرداری اصفهان۴ – دین و روان ترجمه مهدی قائنی نشر دارالفکر قم ۵- حقایق در اخلاق و سیر و سلوک محسن کاشانی نثر علمیه اسلامیه۶- سیمای فرزانگان رضا مختاری دفتر تبلیغات قم مبانی نظری:بسیاری از دانشمندان و علمای اسلام در خصوص نقش اسلام و آنچه در کسب مهارتهای زندگی به نقد و بررسی پرداخته اند مانند : فرید تنکابنی (روایات تربیتی) مهدی ری شهری , صالح نجف آبادی که به بررسی نقش های تربیتی اسلام در قرآن و ائمه اطهار پرداخته اند و اما مهمترین مرکز موسسه خدمات مشاوره های جوانان و پژوهشهای اجتماعی آستان قدس می باشد که با تشکیل کارگاههای آموزشی خانواده در تشکیل و مستحکم سازی نهاد خانواده قدمهایی بزرگی برداشته اند و جزوات , مقالات و سمینارهایی برگزار شد که همراه شده است با آموزش خانواده ها تاثیر فراوانی در اطلاعات و اموزهای ذهنی تحقق داشته است که زحمت محققین این مقاله را با راه گشایی هایش آسان نمودند باشد تا قدمی جهت کمالات معنوی و رسیدن به مدینه فاضله و آرمان شهر خانواده رضوی فصل سوم :روش انجام تحقیق:جمعیت آماری و شرح چگونگی انتخاب جامعه و حجم نمونه در انتخاب جامعه اماری سعی شده است بیشتر از بین کارکنان حرم مطهر رضوی و خانواده های محترمشان نمونه گیری و پرسشنامه از آنها بعمل آیدلذا در اولین نظر سنجی از حدود ۹۰ نفر از کارکنان در طرح سئوال تشخیص توانایی و ناتوانی فرد در شناخت فرصتها با تهدید های احتمالی آزمون بعمل آمد که بصورت حضوری رو در رو انجام گرفتدر انتخاب بعدی جامعه اماری سعی شد از بین مردم عادی در جامعه با توجه به سئوال بصیرت در زمینه خودشناسی و اگاهی را معنا کنید با توجه به حجم زیاد نمونه انتخاب تمام جوابها میسر نبود که تنها به مکتوب نمودن جوابهای زیبا اقدام شد که جوابها طبقه بندی و پردازش شد سپس با اندکی تلخیص در تحقیق ذکر شد در مرحله بعد و در بخش تفکر خلاق اقدام طرح سئوال نمودیم از یک جامعه آماری وسیع با سطح پایین تحصیلات که محاصبه های آماری نشان می داد افراد این قشر از جامعه بسیار زود تحت تاثیر دیگر افرد قرار می گیرنددر بخش مهارتهای خانواده : با استفاده از پرسشنامه و درخواست تکمیل آن در حضور خانواده ۲۰ نفر از همکاران در این طرح شرکت نمودند که علل تزلزل ارکان خانواده را با توجه به اولویت هایش برای ما فرستادند که با استفاده نام و نام خانوادگی صحت اطلاعات و راستی نگاری آن هم بررسی شد در بخش مدیریت ما سعی کردیم مکنونات قلبی همکارانمان را با استفاده از جدول لیکرت در قسمت مدیریت خانواده پیاده نماییم تا خصوصیاتی را که قابل اندازه گیری نیستند از طریق مقیاسها اندازه گیری نماییم که برای نمونه یک جدول را ترسیم و در تحقیق گنجانده شد و در ادامه از طریق فرم سیاهه فرم هایی بصورت بله یا خیر در میان همکاران توزیع شد و

با یک حجم بسیار زیاد و جامعه آماری اماکن متبرکه که با توجه سئوالهای کامل و انگیزشی جوابهای بسیار زیبایی از آن استخراج شد و در پایان هم با یک مصاحبه با دکتر روانشناس بحث های کاربردی خود رابه پایان بردیم.تکنیک های مورد استفاده در تجزیه و تحلیل داده ها :روش های مورد استفاده در این تحقیق به صورت های متفاوتی انجام گرفته است به دلیل فضای باز و آزاد تحقیق اطلاعات جمع آوری از نوع موردی(case study) که از تکنیک استفاده از پرسشنامه بود در بین کارکنان تحویل می شد که آن را کامل نموده پس در تاریخ معین از آنها تحویل گرفته می شداستفاده از شیوه های مشاهده , مصاحبه , لیکرت, سیاهه رفتار , روایی و پایایی استفاده شده استفصل چهارمتجزیه و تحلیل یافته های تحقیق:فرم شماره یک : نظر سنجی جدول شماره یک تشخیص توانایی و ناتوانایی فرد را در شناخت فرصتها برای مقابله با تهدید های احتمالی چه گزینه ای را می دانیددر مرحله اول خود آگاهی ۳۵ نفر در مرحله دوم عزت نفس ۲۵ نفر در مرحله سوم اعتماد به خود ۲۰نفردر مرحله چهارم وراثت و خانواده ۱۵ نفر فرم شماره ۱نمودار شماره (۱) در طرح نظر سنجی جامعه آماری ۹۵ نفر – کارکنان آستان قدس رضوی حجم نمونه : افراد بین ۲۸ – ۳۰ = به ترتیب اهمیتتحلیل شماره (۱)این نمودار نقش موثری می تواند در آگاهی خانواده های در مواردی چون توانایی تشخیص , تبیین و توضیح احساسات دیگران , در نظر گرفتن اهداف واقع گرایانه و دستیافتی برای خانواده ها داشته باشد فرم شماره (۲)انجام مصاحبه (مهارت خود آگاهی یا خودشناسی)ضمن تاکید مقام معظم رهبری به امر بصیرت شما در چه چیزی می دانید (ج۱) دانشجو:خودآگاهی به توانایی انسانها در درک موقعیت های فردی و اجتماعی (ج۲) دانشجو خانم : درک ویژگیهای جامعه نقاط قوت و ضعف خویش در آنالیز جامعه(ج۳) مرد : بصیرت یعنی معرفت نفس که امام علی علیه السلام می فرمایند برترین شناخت خویشتن شناسی است(ج۴) مرد: خرد ورزی و توان عقلانی ما اگر بالندگی و پرورش یابد بصیرت یافته ایم تحلیل شماره (۲) هر انسانی هم نقطه ضعف دارد و هم توانمندی که شجاعت درونی وسعه صدر را می طلبد زیرا پذیرفتن عیوب کاری است بسیار دشوار که توجه به آن در خود آگاهی و بصیرت آدمی نقش ویژه ای ایفاد می کند در زمینه خود شناسی نیز در قرآن آمده است به درستی رهنمودهایی از پروردگارتات برایتان آمده است هر که به دیده بصیرت بنگرد به سود خود اوست و هرکس از سر بصیرت در کسب مهارتهای زندگی ننگرد به زیانش با توجه به این تحلیل جایگاه خود شناسی و بصیرت ارزش زیادی دارد فرم شماره (۳)جدول شماره (۲)چقدر سخنان و امرونهی دوستان و نزدیکانتان در فکر و زندگی شما تاثیر داردجنسیت سنین(۳۰-۲۲) (۳۵-۳۰) (۴۰-۳۵) خانم ۸۵٪ ۶۰٪ ۵۰٪ آقا ۷۵٪ ۴۰٪ ۳۰٪ نمودار شماره (۲) تحلیل شماره (۳)با مروری بر آمار و جدول منشره در می یابیم هر چه سن پایین تر می باشد حرف شنویی و تاثیر دیگران در زندگی بیشتر نمود پیدا می کند این تحقیق در می یابد که این مورد در جوانان عزیزی که تازه ازدواج کرده اند بیشتر است و هر چه سن بالاتر می رود و تجربه افراد زیاد می شود حرف شنویی و دخالت دیگران را در زندگیش محدود تر می کندفرم شماره (۴)جدول شماره ۳آیا خداگرایی زمینه ساز ارتباط انسانی مطلوب می باشد آمار نفری تاثیر دارد متوسط است تاثیر زیاد نداردانشجویان دختر دانشگاه آزاد ۳۰ نفر ۱۰ ۵ ۱۵کارکنان آستان قدس رضوی ۴۰نفر ۲۵ ۱۰ ۵نماز گزاران یک مسجد(جامع الهادی) ۲۰ نفر ۱۵ ۵ --ا صناف و بازاریها ۴۰نفر ۲۰ ۱۵ ۵ نمودار شماره (۳)تحلیل شماره (۴)در یک نمونه گیری تصادفی اکثر دانشجویان دختر دانشگاه ازاد معنویت دنیوی , حیثیت اجتماعی و با کلاس بودن را به مذهبی بودن و مقیت بودن ترجیح می دادند و همسان بودند را ارتباط مطلوب می دانستند در بین دیگر قشر اماری اکثراً با آگاهی از کرامتی که خداوند به آدمی ارزانی داشته خداگرایی را شاخص ارتباط مطلوب انسان در همه ابعاد زندگی دانستند که موجب استحکام مداوم و تعمیق رفتار ها می شود فرم شماره(۵)جدول شماره ۳مقیاسهای اندازگیری نگرش مدیریت شما در خانواده چگونه است؟ مقیاس لیکرت کاملا ـ موافق موافقم تاحدی موافقم تاحدی مخالفم مخالفم کاملا ـ مخالفمدرمدیریت زندگی از همه مهارتهای و قابلیتهایمان استفاده کنیم ۵ ۴ ۲۰ ۱۰ ۱ --در خانواده طوری مدیریت کرده ام که به تمامی

خواسته هایم ر سیده ام -- ۵ ۱۵ ۱۰ ۵ ۵در مدیریت زندگی به سلامتی و حال خویش در زمینه های جسمانی , ذهنی , احساسی و معنوی دست یافته ام ۴ ۱۰ ۱۴ ۶ ۶ --در محیط کار هم همان آرامشی را داشته ام که در محیط خانواده دارم(متعادل هستید) ۲ ۶ ۱۲ ۱۰ ۶ ۴در زندگی طوری مدیریت کرده ام که شاداب , جوان و با نشاط باقی بمانم ۵ ۱۲ ۸ ۵ ۸ ۲معمولا کتاب ها و منابع زیادی در مورد خانواده و مدیریت خانواده مطالعه می کنم ۱۰ ۱۵ ۵ ۴ ۴ ۲تحلیل مقیاس اندازه گیری نگرش :در جدول لیکرت مشاهده شد اکثر افراد پرسش شده نظری متوسط و نسبی در مدیریت خانواده و محل کار داشته اند و آمار های قطعی و کاملی بدست نیامده و فقط عملکرد افراد بصورت میانگین ثبت شد فرم شماره (۳)فرم سیاهه رفتار در تهیه این پرسشنامه سعی شده سئوالهایی پرسیده شود که اولا بله یا خیر ایده آن بودن زندگی هر پرسش شونده را بررسی کرد۱- برای دفاع از انتقادی که از شما می کنند ناراحت می شوید بله خیر ۲- آیا شما به دیگران همیشه می گویید چطور کاری را انجام دهند یا از آن اجتناب کند بله خیر۳- شما با این سخن موافقید بالاترین نیاز عاطفی هرکس مورد تحقیق واقع شده است بله خیر ۴- آیا شما همیشه نگرانید که مبادا نتوانی بهترین چیزها را به فرزندانت بدهی بله خیر ۵- در انتخاب شغل سعی می کنید که با ارزشها و شخصیت و علاقه شما هماهنگی داشته باشد بله خیر ۶- آیا هر کاری از دست برآید برای کارفرمایت انجام می دهی بله خیر۷- آیا دائم به فکر این هستید که جواب کسی را که به شما توهین کرده است بدهید بله خیر ۸–وقتی همسرتان غرورش را به خاطر شما می شکند آیا مایلید در موقعیتی شما همان کار را بکنید بله خیریک نمونه از فرم سیاهه رفتار :نام و نام خانوادگی مشاهده شونده : محمدرضا «ع»رشته کارمند آستان قدس دانشجوی دانشگاه آزاد مشهد (حسابداری)تاریخ تنظیم : ت۸/۱۱/۸۸تحلیل فرم سیاهه رفتار :در تحقیقی که در این پرسشنامه انجام شد ملاحظه شد که افراد بیشتر در فکر ایده آن بودن شباهت زیادی با هم داشتند جواب می دادند به این ترتیب جوابها کامل شده نشان می دهد که اکثراً دوست دارند بهترین باشند ولی در عمل طبق قول خودشان اینطور نیستندفرم شماره (۷)در این بخش پرسشنامه ای را بین ۲۰ نفر از همکاران حرم مطهر ارائه کردیم تا درباره علل برترین ارکان خانواده اولویتهایشان را بنویسند که اهم جوابها و زیباترین و کاملترین جوابها را با نام اختصار مصاحبه شونده ها ذکر شده ۱- آقای م — الف خودپسندی ، خودپرستی ، خودخواهی جزو خود بزرگ بینی که طاقت تحمل ناملایمات را کم می کند ۲- ح— ز دروغ ، دوروئی ، دوگانگی که اعتماد را سلب می کند۳- ع ، ع دلسوزیهای دوستان نادان و دخالتهای ناروائی دشمنان (بیشتر خانواده ها)۴- م ، ش حسادتهای اطرافیان و تحریک های مسموم آنها بلند پروازی زن و خست مرد مهر سنگین زن و ناتوانی شوهر در پرداخت آن (که مستند به آن پرداخته شد)۵- ج ، ن غیبت و بدگوئی از همسر و افشای ناجوانمردانه اسرار زندگی زناشوئی در نزد دیگران لجبازی و یکدندگی و تحقیر او به خصوص نزد فرزندان۶- ر، ز دهین بینی ، زودباوری، بی عرضگی ، بی کفایتی ، نا پختگی ، ناشیگری عدم آشنایی به حقوق و وظایف یکدیگر۷- تحقیق و کنجکاوری افراصی نسبت به زندگی خصوص همسر۸-برازندگی اندام و خوشکلی و شهرت اجتماعی توام با ظرفیت کم و ضعف ایمان که در اثر توجه و تمجید دیگران تکبر و توقع را زیاد کرده و از سوی دگر حسادت و طمع زنان یا مردان اجنبی به او زمینه وسوسه و خیانت را فراهم می کند۹- اعتیاد پدر یا مادر به سیگار و سایر مواد افیونی ۱۰- رهنمود ها و نصیحت های ضد و نقیض پدر و مادر به فرزند در تضاد به یکدیگرمصاحبه حضوریاستاد اصغری پور مشاور و روانشناس سئوال- مهمترین عاملی که استحکام میان خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد چیست؟جواب- آسیبهای اجتماعی مخصوصا دوستی های افراطی دختر و پسر قبل از ازدواج با توجه به فرهنگ جامعه ایرانی صدمات و لطمات جبران ناپذیری را به همراه داردسئوال— مهمترین مشکلاتی که در پی ترویج روابط دوستی قبل از ازدواج حادث می شود چه عواملی است ؟جواب — ۱- کاهش سطح اعتماد زوجین ۲- عدم تعلق خاطر قلبی کامل به همسر ۳- قیاس رابطه زوجیت با رابطه های دوستی قبل از ازدواجبا تشکر از جنابعالی که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید.۲۳/۱۰/۸۸ سه شنبه سئوال- دغدغه جامعه ، عدم تفاهم بین زن و مرد و مشکلات و

پیامدهای بعداست شما چه پیشنهاداتی در این زمینه دارید؟جواب – دغدغه های فکری و ذهنی همسر یکی از مشکلات خانوادهاست فرد باید نشان دهد که نیازها و خواسته های طرف مقابل برای او از اهمیت برخوردار است گوش کردن فعال به حرفهای همسر، برقراری همدلی و القای این موضوع که همسر خود را درک می کنید راهکار خوبی می تواند باشد سئوال- در یک سخنرانی تلویزیونی دکتر امروز نقش تحصیلات را در زندگی خیلی مهم می دانستند شما نقدی بر این زمینه ندارید؟جواب– بایستی به تفاوت در سطح سواد زوجین به خصوص اگر تحصیلات خانم بالاتر از آقا باشد توجه داشت این قبیل تفاوتها گاه منشا اختلافات و حتی طلاق می شود علاوه بر این جلسات اجتماعی خانواده ها بین طرفین نیز نقش اساسی دارد.سئوال- یعنی شما می فرمایید فرهنگ خانواده به شدت متاثر از طبقه اجتماعی و موقعیت مالی خانواده است جواب- اگر چه جوامع پیشرفت کرده برقراری حقوق یکسان سعی شده اما نمی توان منکر. شد ازدواج فرد با کسی از طبقه اجتماعی غیر هم سطح. مشکلات کمتری را به دنبال دارد. فصل پنجمخلاصه و نتیجه گیری در این تحقیق با نگاهی پژوهشگرانه و تامل برانگیز در آموزه های دینی راهبردهایی کلی و فراگیر را ارائه کردیم که برای هر زمان و مکان پاسخگوستمطالعات کاربردی دین و روان تلاشی برای واکاری و استنباط مهارتهای زندگی از دید تعالیم اسلام و سیره روی است که البته همت بیشتر عالمان دین و دانشمندان دیگر علوم اسلامی را می طلبد. این تحقیق به اندیشه و سیره علمی و عملی امام رضا علیه السلام در عرصه هایی چون مهارتهای ذهنی – شناختی – مهارتهای ارتباطی –اجتماعی و مهارتهای خانوادگی تربیتی با استفاده از تحقیقات میدانی ، کاربردی ، بوسیله مصاحبه ، پرسشنامه پرداخته است در این کتاب رهنمودهای امام رضا علیه السلام و دیگر ائمه در دو دسته تقسیم شده است برخی به گونه ای مستقیم به موضوع مهارت های زندگی پرداخته و برخی دیگر بازتابنده نگاه کلی و جامع امام است و می توان با رویکردی تعمیمی آن را به موضوع مهارتهای زندگی پیوند داد.امید است که با بهره گیری از سیره اهل بیت علیه السلام به ویژه امام رضا علیه السلام در زندگی و شکوفا شدن نسل جدید و فرزندان خانواده ای رضوی را سرمشق و الگوی جامعه قرار دهیم این تحقیق ارمغان راهی است که هنوز در آغاز آنیم و چشم به عنایت و توجه مولایمان امام هشتم (ع) دارم. ارائه پیشنهادات و راهکارها۱- لزوم آموزشهانی بیشتر و شناخت روزافزون سیره رضوی و تعالیم دینی جهت کسب مهارتهای زندگی در بین تمام اقشار جامعه۲- تداوم آموزشهای کوتاه مدت سازمانی و برون سازمان در خصوص افزایش سطح آگاهیهای افراد هر اداره ، سازمان و صنوف ۳- توجه بیش از حد به امر آموزش علوم خانواده بالاخص روانشناسی که مورد اخیر روانشناسی خانواده در نظر می باشد.۴- لزوم جلسات کارشناسی بیشتر حداقل بصورت ماهیانه برای ارزیابی تلاشهای ماهیانه در جهت پیشرفت یا عدم پیشرفت قبلی ۵-استفاده از نظرات جمعی به خصوص خانواده ها در ارائه تجربیات جدید از نحوه آموزه های قبلی ۶- ایجاد و تحکیم بیشتر با مجموعه های فرهنگی و نظارتی در خصوص تربیت فرزندان و نقش آنها در اجتماع۷-تشکیل کار گروههایی برای آموزش جوانان در جهت آماده کردن آنها برای پذیرش مدیریت های جدید در جامعه منابع و ماخذموج سوم – ترجمه شهیدخت خوارزمیجوان و بحران هویت امام علی بن موسی الرضا منادی توحید و امامت۲- قرآن کریم نهج البلاغه : ترجمه محمد دشتی نهج البلاغه : ترجمه مرتضی فرید تنکابنی غرر الحکم و درالکلممشاوره : ترجمه ابراهیم شنایی ۳- مسند امام الرضافقه الرضا علی بن بابویهعیون اخبار الرضا آفتاب هشتمین چهل داستان و چهل حدیث از امام رضا بحار الانوار ..محمدی ری شهری میزان الحکمتحف العقولشرح رساله حقوق امام سجاد

مدیریت مالی در خانواده

دکتر محسن بهشتی پور

افراد تنها با توجه به رفتاری که در شما می بینند عمل می کنند . گاهی این تصور غلط ایجاد می شود که باید به تنهایی به جنگ تمام مشکلات بروید و یا مثلا اگر مشکلی به وجود آمد پس ما قطعا در وجود خودمان دچار مشکل هستیم. اما واقعیت چیزی جز

این است ما بدون توجه به اینکه مشکلات تا چه حد می توانند درد آور باشند باید مسئولیت آنها را به عهده بگیریم و در رفعشان از هیچ تلاشی مضایقه نکنیم. با فرار کاری از پیش نمی رود.ما می توانیم دامنه دید خود را افزایش دهیم. چیزی را بخواهید که فراتر از توانایی هایتان است تا شما را به چالش وادارد. اگر تنها به زمان حال و به شخص خود توجه کنید و تمام مدت در پی جمع آوری مادیات و خوشگذرانی باشید، خیلی زود درگیر خواب غفلت می شوید و احساس نارضایتی از زندگی به شما دست میدهد. بایست در برخی از موارد زندگی خودبا کمک گرفتن از دیگران، راهی برای تبدیل رویاهایتان به واقعیت قدم بردارید. سعی کنید برای رسیدن به ارزش ها تلاش کنید. برای رویاهایتان از جان خود مایه بگذارید تا بتوانید با فکر کردن به آنها به وجد آیید. به دوستان خود مراجعه کنید و از آنها کمک بخواهید. تقاضای کمک از دیگران در موقع نیاز،نشانه قدرت است. خیلی از شما یاد گرفته‌اید که همیشه فقط به خود تکیه کنید و همه ی کارها را به تنهایی انجام دهید و نمی‌توانید از دیگران درخواست کمک کنید، چون خودخواهی شما این اجازه را نمی‌دهد. و یا خیلی از ما دائم خود را با افکار ترسناک تهدید می‌کنیم و از یک مشکل کوچک یک هیولای غول پیکر می‌سازیم. مثلا- اگر دیگران ما را طرد کنند فاجعه است، یا اگر در فلان موردبه نتیجه ی دلخواه نرسیم وحشتناک است. بنابراین هرگاه دچار ترس و نگرانی شدید، به خود بگویید: این که دیگران مرا طرد کنند یا اگر در این مورد خاص به نتیجه مطلوب نرسیدم برایم ناراحت‌کننده است، ولی هیچکدام فاجعه نیست. ودیگر انیکه اگر احساسات ما نسبت به دیگران همان احساسی باشد که برای عزیزان خود داریم خدا را دوست می‌داریم.اگر به جای عیب جوئی از دیگران به درون خویش بنگریم خدا را دوست می‌داریم.اگر به جای غارت دیگران برای کمک خود، خویشتن را غارت کرده به دیگران کمک کنیم، خدا را دوست می‌داریم.اگر از مصائب دیگران مصیبت زده شده و از خوشبختی دیگران احساس خوشبختی نمائیم خدا را دوست می‌داریم.اگر سرنوشت و قسمت خود را با صبر و قناعت تحمل کرده و آن را خواست خدا بدانیم خدا را دوست می‌داریم.اگر بفهمیم و احساس کنیم که بهترین عبادت و پرستش خدا، آسیب و آزار نرسانیدن آفریده‌های اوست، خدا را دوست می‌داریم.برای این که بتوانیم خدا را آن طوری که باید دوست داشته شود، دوست بداریم بایستی برای او زیست و برای او مرد و دانست که هدف زندگی، عشق به خدا و یافتن او در خویشتن است.عملی ترین راه دوست داشتن خدا آن است که همنوع خود را دوست بداریم.در مورد چگونه زیستن سخن می گویم-(عبدالعلی چنگیز) (۱)زندگی همیشه و همواره دارای استمرار و پیوستگی است. زندگی در حال حرکت به سوی هیچ مقصد نهایی ی نیست. زندگی فقط یک زیارت و یا به گفته ی دیگر یک سفر است، نه برای اینکه به نقطه ای برسی، یا به اهدافی دست پیدا کنی، بلکه باید در این سیاحت فقط برقصید و از لحظات لذت ببرید بدون اینکه درباره ی رسیدن به مقصد [نهایی] کوچکترین آزاری به خود راه دهید.چه خواهید کرد اگر شما به هدف غائی زندگی برسید؟ هیچ کسی در این مورد سوال نمی کند، چراکه هر کسی سعی دارد، هدفی را در زندگی اش داشته باشد. اما تصور کنید که اگر شما واقعا به مقصد نهایی در زندگی تان برسید، پس از آن چه کاری خواهید کردید؟ چیزی که اتفاق می افتد این است که شما آشفته و شرمسار خواهد بود چراکه هیچ جای دیگری برای رفتن ندارید ...شما به مقصد و هدف اصلی دست یافته اید— و در این سفر شما همه چیز خود را از دست داده اید. در نتیجه زمانی که به مقصد اصلی می رسید، باید لخت و عریان ایستاده و دور و ور خود را به مانند یک آدم احمق و دیوانه نگاه کنید: چه فایده دارد که شما یک عمر عجله کردید، نگران بودید و سرانجام نتیجه ی کارتان این باشد.(۲)زندگی بی فکرانه خودش را به مانند یک « چرخ دوار » تکرار می کند، مگر اینکه شما به یک فرد فکور تبدیل شوید. برای همین است که بودایها آن را چرخ زندگی و مرگ و یا چرخ زمان می نامند. زندگی به مانند یک چرخ در حال حرکت است: تولد، مرگ را به دنبال خواهد داشت، مرگ، تولد را به دنبال خواهد داشت، عشق به دنبال خود تنفر را خواهد داشت، تنفر به دنبال خود عشق را ، موفقیت به دنبال خود شکست را و شکست به دنبال خود موفقیت را خواهد داشت.فقط نگاه کنید! اگر شما تنها برای چند روز این چرخه را نظاره کنید، به یک الگوی که در حال تکرار خودش است،

دست خواهید یافت. یک روز و در یک صبح خوب، شما بسیار خوشحال و دارای احساس بسیار خوبی هستید و در روز دیگر شما احساس بسیار دل مردگی و گرفتگی ی دارید بطوری که شروع به فکر کردن درباره ی خودکشی می کنید. یک روز شما سرشار از زندگی هستید و احساس سعادت و شکرگذاری و سپاس از خدا را دارید، و دگر روز احساس عمیق شکایت از اینکه چرا باید انسان به این زندگی ادامه دهد ...تا زمانی که شما قادر به دیدن الگوی زندگی نباشید، این احساسات متضاد مکررا در حال تکرار خودشان خواهند بود. اما همینکه که این الگو را مشاهده کردید، شما می توانید از داخل آن خارج شوید.(۳)زندگی ات را بی جهت بخاطر چیزهای که از دست خواهی داد، تلف نکن. به زندگی اعتماد کن، اگر به آن اعتماد کنی، تو می توانی علم و دانش ات را کنار بگذاری. تو قادری ذهنت را نیز کنار بگذاری. و با اتکا به این اعتماد است که یک گشایش بیکران در زندگیت حاصل خواهد شد. پس از آن، زندگی دیگر یک زندگی معمولی نخواهد بود بلکه سرشار و مملو از خداوندگار خواهد شد. زمانیکه قلب شما بیگناه است و دیوارها همگی ناپدید می شوند، شما به بی نهایت پل خواهید زد. شما فریب نخواهید خورد، دیگر هیچ چیزی را نمی شود از شما گرفت. در حقیقت ، آن چیزهای که می شود از شما گرفت ، ارزش نگه داشتن ندارند؛ پس چرا در هنگامه از دست دادن آنها به خود ترس راه می دهید؟ [ثروت واقعی] را هیچ کسی نمی تواند از شما بگیرد. شما نمی توانید ثروت واقعی خودتان را از دست بدهید.

تدبیر و برنامه ریزی، تار و پود اقتصاد خانواده

دکتر زادمهر مسلمان

تأمین اقتصادی یکی از رموز بقای خانواده هاست. اقتصاد خانواده را می توان چگونگی سازمان دهی و مدیریت منابع خانه تعریف کرد. می توان فهرست کاملی از زمان، پول، فضای زندگی و ...تهیه کرد. شاید اقلام این فهرست متفاوت به نظر برسد، ولی همه آنها دارای یک ویژگی مشترک است. می توانید این مشخصه مشترک را حدس بزنید؟ بله. درست حدس زدید. ویژگی همه این اقلام در زندگی امروز این است که کمیاب هستند. آیا شنیده اید که مردم می گویند: ای کاش وقت بیشتری داشتم، ای کاش خانه بزرگ تری داشتم، ای کاش پول بیشتری داشتم و ...هرچند که به غیر از منابع مادی، خانواده منابعی نظیر عشق، وحدت خانواده، خاطرات خوش، لحظه های شادمانه خانوادگی و ...در اختیار دارد که قابل تبدیل به پول نیست اما نقش منابع مادی هم آن قدر اهمیت دارد که کارشناسان مدیریت اقتصاد خانواده را یکی از ارکان تحقق رویای خوشبختی و موفق عنوان می کنند.قلب اقتصاد خانواده خانواده دوست دارد بهترین نوع غذا را مصرف کند. زیباترین لباس ها را برای اعضای خود تهیه کند، در بهترین نقطه شهر و در بهترین منزل زندگی کند، بهترین وسایل و امکانات را در اختیار داشته باشد، به طور مکرر سفر برود، بهترین آموزش ها را برای فرزندان خود فراهم کند و ...دکتر «انوشه زادمهر مسلمان»، متخصص مدیریت اقتصادی و بازرگانی با تایید این خواسته ها می گوید: «اگرچه این درخواست ها به وسیله همه خانواده ها مطرح می شود اما واضح است که فقط درصد کمی از خانواده ها قادر به تامین همه این خواسته ها هستند. درآمد یک خانواده متوسط فقط می تواند تعداد محدودی از این خواسته ها را برآورده کند. از این رو، خانواده باید از میان خواسته های خود انتخاب به عمل آورد. نیاز به انتخاب در تمامی طول و سطوح مختلف زندگی وجود دارد.» وی می افزاید: «بارها پیش خود فکر کرده اید اگر این کالا-را بخرم، نمی توانم بچه ها را آخر هفته به رستوران ببرم؛ اگر مسافرت نوروزی بروم، شهریه کلاس زبان بچه ها را نمی توانم بپردازم؛ اگر برای خود پالتویی را که دوست دارم بخرم، برای دخترم نمی توانم پالتو بخرم و ...در زندگی روزمره با صدها مورد از این نوع مواجه هستیم که باید تصمیم بگیریم و انتخاب کنیم.» این که چه و چه قدر مصرف کنیم، چه کسی کار کند، چند ساعت کار کند، در کجای شهر زندگی کنیم، آپارتمان داشته باشیم با چند اتاق و ...پرسش هایی است که هر روز در خانواده ها مطرح است. به نظر دکتر «زادمهر مسلمان» پاسخ به همه پرسش های بالا

مستلزم تصمیم گیری و انتخاب است و به همین دلیل انتخاب، قلب اقتصاد خانواده است. چگونگی توزیع منابع چگونگی توزیع منابع در دسترس خانواده، بین اعضای آن بسیار مهم است. واضح است اگر یکی از اعضای خانواده قسمت بیشتری از درآمد خانواده را به خود اختصاص دهد، سهم کمتری برای دیگری می ماند. دکتر «کاظم نجفی علمی»، اقتصاد دان برجسته کشور یک راه حل طلایی برای حل مسئله توزیع مناسب منابع خانواده ارائه می دهد و چنین می گوید: «لیستی از خواسته های افراد خانواده تهیه کنید. انتخاب های ممکن را بنویسید. انتخاب ها را آن قدر با هم عوض کنید که به بهترین انتخاب با توجه به درآمدتان دست یابید. توجه کنید که هر خانواده سازمانی است که تولید و توزیع کالا را انجام می دهد، ولی مثل خط تولید یک کارخانه نیست، سیستم جوی دنیا هم نیست بلکه مکانی است که در آن گروهی زندگی می کنند، کار می کنند، بازی می کنند و عمل هریک بر دیگری اثر می گذارد.» وی می افزاید: «بهترین و اقتصادی ترین انتخاب برای خانواده، انتخابی است که بیشترین رضایت خاطر (خشنودی) را برای خانواده به بار آورد. اقتصاددانان به جای رضایت خاطر از یک اصطلاح علمی به اسم مطلوبیت استفاده می کنند. آنها می گویند بهترین انتخاب، انتخابی است که بیشترین مطلوبیت را برای خانواده ایجاد کند. دراز کردن پا به اندازه گلیم درآمد خانواده از دو منبع اساسی تامین می شود که عبارتند از: درآمد حاصل از کار و درآمد حاصل از سرمایه . مدیریت دارایی های خانواده با توجه به ترجیحات فرد و خانواده تعیین می شود. «صادق غفاری»، کارشناس ارشد علوم اقتصادی دراین باره می گوید: «بخش عمده درآمد خانواده ها از محل کار به دست می آید و درآمد حاصل از سرمایه، درصد کمی از درآمد خانواده های متوسط را دربردارد. نکته مهم برای کسب موفقیت اقتصادی در خانواده ها این است که خانواده ها، خریدهای خود را با توجه به درآمدی که دارند انجام دهند. انتخاب در بسیاری از موارد، با توجه به سطح پایین درآمد، بسیار مشکل است. گاهی اوقات خانواده زیربار قرض می رود، برای این که بتواند نیازهای خود را تامین کند ولی قرض باید پرداخته شود. پس باید ساعات کار بیشتر یا تعداد شاغلین در خانواده افزایش یابد. البته راه های افزایش درآمد در زندگی امروز نیز محدودیت های خود را دارد و زندگی خانوادگی را تحت تاثیر قرار می دهد. از دیگر تصمیماتی که باید در خانواده اتخاذ شود این است که چه کسی یا کسانی در کجا و برای چند ساعت کار کنند.» وی می افزاید: پس از این مرحله باید برای دارایی های خانواده تصمیم گرفته شود. چون دارایی ها را می توان به شکل های مختلف مثل سهام، اوراق مشارکت و ...سایر کالاهای با ارزش نگه داری کرد. از این رو انتخاب های مختلفی برای خانواده وجود دارد که باید برای آن تصمیم گیری شود. از سوی دیگر خانواده درگیر فعالیت های مولد مثل شستن ظرف، تمیز کردن خانه، تهیه غذا، مراقبت از فرزندان و ...است. تولید خانواده بر خلاف بنگاه های اقتصادی برای فروش در بازار نیست، بلکه تمام این تصمیم گیری ها که چه کسی، چه کاری را انجام دهد، از موضوعات مهم در اقتصاد خانواده است.» این کارشناس اقتصادی با اشاره به این که همه خانواده ها نیازهای اساسی مثل خوراک، پوشاک و مسکن دارند درباره نیازهایی مثل آموزش و بهداشت نیز چنین می گوید: «همه امور فوق مستلزم تصمیم گیری و انتخاب است که خانواده باید با انتخاب یک مدیر اقتصادی برای تامین تمام نیازها برنامه ریزی داشته باشد.» تخصیص بودجه برای ضرورت ها هیچ انسانی نیست که بتواند به همه خواسته های خود و به هر اندازه که می خواهد دست یابد. با توجه به محدودیت ها و امکانات خانواده، چگونگی انتخاب ها و تخصیص بودجه در خانواده از اهمیت ویژه برخوردار است. دکتر «نجفی علمی» هنر مدیر اقتصادی خانواده را در این می بیند که بتواند در همه امور و تامین همه نیازها روشی را انتخاب کند که به خواست خود با کمترین هزینه انجام شود. وی می گوید: «برای بالا بودن مطلوبیت، کسب درآمد بیشتر لازم نیست. بلکه می توان با اتخاذ روش های علمی، که هزینه را کاهش می دهد، مطلوبیت خانواده را بالا ـ ببریم. کم کردن هزینه هرگز به معنی بدتر زندگی کردن نیست.»افزایش بهره وری در خانواده فرض کنید برای پخت برنج می توانید از برق، گاز یا نفت استفاده کنید. از کدام یک استفاده می کنید؟ بدیهی است که بدون توجه به قیمت نفت و برق و گاز نمی توانید به این پرسش پاسخ دهید. اگر از پلوپز برقی استفاده کنید، برای پخت غذا، به طور مثال ۳ کیلو وات برق

لازم است و با توجه به این که قیمت هر کیلو وات برق حدود ۵۰ تومان است، هزینه پخت غذا در روز ۱۵۰ تومان می شود. این در حالی است که اگر از گاز استفاده کنید، هزینه آن ۵۰ تومان می شود. بنابر این اگر خانم خانه دار از وسایل گازسوز برای طبخ غذا استفاده کند، بدون این که کیفیت غذا تغییر کند، صرفه جویی بیشتری در هزینه خانواده انجام می دهد. دکتر «اشرف موسوی کلاته» متخصص در امور بهره وری درباره چگونگی کاهش هزینه خانواده می گوید: «برای کاهش هزینه خانواده، قبل از استفاده از هر روشی، قیمت روش های مختلف را با هم مقایسه کنید. آن گاه از روشی استفاده کنید که ضمن تحقق خواسته نهایی و ایجاد مطلوبیت در خانواده پایین ترین هزینه را داشته باشد. مثلاـ در انتخاب وسایل زندگی با توجه به قیمت انواع کالا و در نظر گرفتن کیفیت هر کدام، موردی را انتخاب کنید که در عین ارزان تر بودن، هدف شما از به کارگیری آن وسیله را هم به نحو مطلوبی محقق می سازد.» وی می افزاید: در زندگی خانوادگی باید تصمیمات مختلفی اتخاذ شود. می توان بودجه خانواده را به کالای مصرفی بادوام مثل یخچال، تلویزیون، اتومبیل، مسکن یا ...اختصاص داد یا آن را برای کالای مصرفی بی دوام مثل رستوران رفتن، صرف کرد. این موضوع در مورد تعداد فرزندان، بین کیفیت آموزش، بهداشت یا کمیت (تعداد) نیز صادق است. یعنی ما همواره باید حواس خود را جمع کنیم تا انتخابی را انجام دهیم که اولاً بین در آمد و هزینه ها تعادل برقرار باشد (یعنی امکان پذیر باشد) ثانیا با توجه به تفاوت در ترجیحات، سلیقه، فرهنگ حاکم در جامعه و خانواده انتخابی را داشته باشیم که وقتی به آن انتخاب دست یافتیم، به منظور تغییر آن، تلاش دوباره ای انجام نشود.»اهمیت زمان و برنامه ریزی زمان منبعی در اختیار همه افراد است. این منبع مهم دارای ویژگی های خاص خود است که از سایر منابع که در نزد فرد و خانواده قرار دارد، متمایز است. زمان منبعی محدود است که نه قابل ذخیره کردن است و نه برگشت پذیر. آهنگ آن را نمی توان تندتر یا کندتر کرد. لذا منبعی است که باید در قبال آن چه به دست می آید، صرف شود. دکتر «موسوی کلاته» در این باره می گوید: «از آن جا که انسان در قبال هرچه که در اختیار دارد، مسئول است. در مقابل زمان نیز مسئول است. با این نگرش نسبت به زمان، برنامه ریزی زمان برای خود و خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع برنامه ریزی خانواده به منظور استفاده بهینه از زمان، اولین قدم در راه برنامه ریزی اقتصادی خانواده است.» خانواده بدون برنامه مثل سازمانی است که به حال خود رها شده است. اهداف تشکیل دهندگان خانواده محقق نمی شود مگر آن که رییس و مدیر خانه برای رسیدن به اهداف مورد نظرشان با شناخت کافی از امکانات و منابع در اختیار، برنامه ریزی داشته باشند. دکتر «نجفی علمی» در این باره می گوید: «نخست باید چارچوب اهداف کلی خانواده تعیین شود، آن گاه کل برنامه به برنامه ها و هدف های کوچک تر برای رسیدن به هدف اصلی تقسیم شود. از این رو برنامه ریزی در سه افق زمانی بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت ضرورت دارد.» وی می افزاید: «در برنامه ریزی بلندمدت خانواده با توجه به منابعی نظیر ثروت و درآمد و زمان که در اختیار دارد، اهداف بلندمدت خود را تعیین می کند. طبیعی است اهدافی مثل به دانشگاه فرستادن بچه ها نمی تواند یک شبه تحقق پیدا کند بلکه احتیاج به پیش زمینه هایی دارد. از این رو به همراه برنامه های بلند مدت، خانواده باید برنامه های کوتاه مدت و میان مدت هم تهیه کند. در برنامه میان مدت که در راستای برنامه بلند مدت تنظیم می شود خانواده باید نیازها و امکانات خود را شناسایی کند تا بهترین شیوه را اتخاد کند. مثلا در مثال دانشگاه رفتن بچه ها، خانواده باید زمینه تحصیل در محیط هایی مناسب پیش از دانشگاه، در دوره ابتدایی و دبیرستان را برای فرزندان در برنامه میان مدت فراهم کند. به همین ترتیب لازم است که برای دست یابی به اهداف برنامه میان مدت ،چند برنامه کوتاه مدت نیز پیش روی خانواده قرار بگیرد.» کارشناسان اقتصادی معتقدند پس از این مرحله، یعنی برنامه ریزی و انتخاب خط مشی برای تحقق اهداف این برنامه ها، موفقیت به روی خانواده ها لبخند می زند و فقط کافی است زنگار خودخواهی، خودرایی و منیت را از دل های اعضا بشوییم و چشم مان به جمال فداکار، با صداقت، همراه و همدل و جمع گرای اعضای خانواده ها روشن شود.

فوت‌وفن‌های نشستن بر صندلی مدیریت خانواده

ماندانا ملاعلی

همه خرت و پرت‌ها را می‌ریزند وسط تا چیزهای به درد بخور را جدا و چیزهای اضافه را رد کنند، ببخشند یا دور بریزند.زن می‌گوید: این کتاب‌ها اضافه است. آقا می‌گوید: نه اینها را لازم دارم.مرد می‌گوید: این لباس‌ها اضافه است.زن می‌گوید: نه اینها را لازم دارم.او می‌گوید و این می‌گوید و دست آخر خیلی چیزها همان‌طور که بود، می‌ماند.لیست خریدی که زن می‌نویسد با تغییرات زیادی توسط مرد اجرا و درخواست‌هایی که مرد دارد با تعلل زیادی از سوی زن مواجه می‌شود. بچه‌ها هم این میان ساز خود را می‌زنند.اما این سوال باقی می‌ماند که این خانه را چه کسی مدیریت می‌کند. مدیریت خانواده فقط مختص مدیر است یا همه در آن نقش دارند؟در واقع مدیریت خانه، کاری تمام وقت است که همه خانواده باید به آن توجه کنند.مدیریت خانواده کاری مستمر است که از والدین به خانواده و فرزندان تسری پیدا می کند.خانه را چگونه مدیریت کنیممرجان شریفی، مشاور خانواده اعتقاد دارد یک خانواده پیش از هر چیز باید برای زندگی خود اهداف بلند مدت، کوتاه مدت و میان مدت تعیین کند. اهدافی که منافع خانواده و هریک از افراد آن را به تنهایی در بر بگیرد. مثلا خرید یک زمین برای سرمایه‌گذاری آینده تمام خانواده ، ادامه تحصیل پدر خانواده، کلاس‌های آموزشی مادر خانواده و پیش‌بینی تحصیلات تکمیلی فرزندان برنامه‌ریزی‌هایی است که در خانواده ممکن است صورت گیرد. وی می‌افزاید:در نظر گرفتن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برنامه‌ها ضروری است.از نکات دیگر مدیریت خانواده این است که به هر یک از افراد خانواده به اندازه توان او مسوولیت واگذار شود و هر عضو خانواده به تناسب بودجه و نیاز خود از امکانات استفاده کند.مدیریت آشپزخانهیک بانو یا آقای آشپز تنها کاری که می کند مدیریت پخت و پز نیست. نادره که یک بانوی خانه دار است و مدیریت آشپزخانه را به بهترین نحو اجرا می‌کند، می‌گوید: من لیست غذاهایی که می‌توانیم بخوریم را تهیه و طبق آن برآورد می‌کنم که طی سال چه مقدار موادنیاز داریم، مثل برنج و حبوبات. بعد برآورد می‌شود که چه مقدار مواد را ماهانه باید بخریم. این مواد شامل روغن، قند و شکر و... است و در آخر موادی که روزانه باید تهیه شود، مثل میوه‌ها و تره‌بار.به این ترتیب برآورد این‌که طی هر ماه و سال به طور متوسط چقدر هزینه می‌شود، کار راحتی است و ضمنا هنگام خرید یا موقع تصمیم‌گیری برای پخت غذا بلاتکلیف نیستم.وی می‌افزاید: مدیریت غذا شامل نوع غذایی است که هر فرد به لحاظ کمبودها یا بیماری‌هایی که دارد، باید بخورد.این بانوی خانه‌دار که تحصیلاتش در زمینه تغذیه است، می‌گوید: ساعت شیر خوردن، چای خوردن و مصرف ریزمغذی‌ها را طوری تعیین می‌کنم که سبب دفع یکدیگر نشود و در کنار مدیریت غذا، مدیریت داروی افراد خانواده را هم به عهده دارم.سلسله مراتبنادر تقوی، کارمند یک اداره دولتی است. این پدر ۴۰ ساله معتقد است سلسله مراتب را فقط برای اداره نگذاشته‌اند. در واقع سلسله مراتب از خانواده به اداره تسری پیدا کرده است.احترام به بزرگ‌ترها و حرف شنوی از مو سفیدهای خانواده به نوعی همین سلسله مراتب است. این‌که بچه‌ها اول از پدر حساب ببرند و بعد از مادر و مادر خانواده نیز از پدر حرف شنوی داشته باشد و با آگاهی او امور را انجام دهد نیز به نوعی سلسله مراتب را نشان می‌دهد که اگر نباشد نظام خانواده به هم می‌ریزد. همچنین بزرگ‌ترها نیز باید نقش خود را بپذیرند و کوچک‌ترها را تحت توجه و حمایت خود قرار دهند.این احترام به مقام و جایگاه است که زمینه‌ساز تقسیم عادلانه کارها میان افراد خانواده می‌شود در غیر این صورت بچه‌های بزرگ‌تر می‌خواهند به بچه‌های کوچک‌تر زور بگویند و عدالتی در بین نخواهد بود. کم‌کم بچه‌ها به هرکس حتی والدین زور خواهند گفت و این نهایت هرج و مرج است که متاسفانه در برخی خانواده‌ها دیده می‌شود.در خانواده‌ای که هر یک از افراد وظیفه خود را می‌دانند، والدین آموزش فرزندان برای انجام بهتر کارها را فراموش نمی‌کنند. آنها به بهانه این که کودک بلد نیست، مسوولیت او را به عهده نمی‌گیرند.شیوه‌های نوینطی ۲ قرن گذشته علاوه بر شیوه مدیریت سنتی، شیوه مدیریت مشارکتی نیز مورد استفاده قرار گرفته که نتایج خوبی داشته است.وجود قوانین برای ایجاد انضباط در جوامع و گروه‌های انسانی لازم است. ولی

در خانواده‌هایی که قوانین بـدون مشارکت اتخاذ می شود، همیشه اعضا این قوانین را تحمیلی تلقی می کنند. اگر مردم و گروه‌ها در وضع قوانین دخالت داشـته باشـند، آن را بهتر درک کرده و با انگیزه قوی‌تری در اجرای آن می کوشـند و با دیـده احترام به آن می نگرنـد.در خانواده‌های جدیـد، کودکان و نوجوانان حکم انسان صاحب عقل و احساس را دارنـد. وقتی به افراد خانواده این فرصـت داده شود که در تـدوین قوانین و خـط مشـی خـانواده مشارکت داشـته باشـند، آنان احساس بهتری نسبت به خود خواهنـد داشت.به منظور اجرای یک روش مـدیریت مشارکتی، لازم است خانواده‌ها به صورت مرتب جلسات خانوادگی داشـته باشـند.در این جلسات حرف‌ها و درددل‌ها مطرح و کارهای خانه تقسیم می‌شود.شـکایات بررسـی، اختلاف‌ها روشن و راه‌های جدید برای رفع مشـکلات کشف می‌شود و مقررات جدید وضع می گردد.

http://www.jamejamonline.ir/papertext.aspx?newsnum=۱۰۰۸۸۹۸۹۴۹۵۱

چطور در خانه، یک مدیر بازنده نباشید

چطور در خانه، یک مدیر بازنده نباشید

جام جم آنلاین

نـادر در اداره یـک مـدیر خوب و موفق است. او ۳۵ پرسـنل دارد که بخوبی از عهـده مـدیریت آنان برمی‌آیـد و واحد تحت نظرش نمونه است، امـا وقـتی به خـانه می‌رسـد همه چیز تغییر می کنـد. او کاملاـ از کارهـای خـانه کنـار می کشـد. به خـانه نرسـیده حـالت استراحت می گیرد و ذهن و جسم خود را کاملاـ رهـا می کنـد. نـادر فکر می کنـد خـانه خوابگـاه است و محـل کـار، زنـدگی واقعی اوست.فکر می کنید نتیجه این رفتار او چیست؟مدیر موفق ما در خانه یک مرد شکست خورده و یک بابای تنبل و یک شوهر شلخته و کسل کننده و گاهی دیکتاتور به شمار می‌رود.او وقتی به خانه می‌رسد، انگار دیگر از زندگی دست می کشد و می گذارد زندگی روال خود را طی کنـد.همسـر نادر به او می گویـد: عزیزم بچه‌ها خوب درس نمی‌خواننـد، محسن در مـدرسه دعوا کرده و از کلاس بیرونش کرده‌انـد و مریم تجدیـد آورده. مـدیر می‌خواهـد تو را ببینـد.نـادر می گویـد: می‌دانی که من کارم زیاد است. خودت یک جوری حلش کن.ـ ترکیدگی لوله همسایه باعث شده از سقف، آب بچکد. روز تعطیل که خانه هستی زنگ بزن یک گچکار بیاید و سـقف زرد شده را تعمیر کند. همسایه بالایی گفته هزینه‌اش را تقبل می‌کند.ـ ای بابا یک روز تعطیل هم تو برایم کار می‌تراشـی؟ من نمی‌توانم. بگو خودش یک تعمیرکار بیاورد اما در روز تعطیل نباشـد، نمی‌خواهم مزاحمت ایجاد کننـد.ـ نادر جان باید برویم به خانه همسایه. مادرش فوت کرده است. شـما که با شوهرش سـلام و علیک داری بایـد بیایی.ـ من خودم تلفنی با او صـحبت کردم و تسلیت گفتم. خودت تنهایی برو.این مکالماتی که خواندید، اغلب برخوردهای مدیر موفق ما با مسائل خانواده است. او فکر می کند قرار است اداره‌اش را خودش مـدیریت کنـد و خـانه را هم بسپارد به دست خـدا و هرچه پیش آمـد، خوش آمـد. اگر این مکالمات برخی گفت‌وگوهای شما با همسرتان را تشکیل می‌دهد، بدانید که شما نیز در خانه یک مدیر بازنده‌اید. پس از امروز شروع به کار کنید و از شیوه‌های مدیریتی که همیشه جواب داده است استفاده و فکر کنید خانه‌تان هم اداره است و نیاز به مدیریت دارد. مطمئن باشـید خوشـحال خواهیـد شـد که سـر جـای خودتان قرار گرفته‌ایـد.هر چیز به جای خویش نیکوسـتقبل از هر چیز بایـد بپذیریـد که خـانواده یـک واحـد اجتمـاعی است و مثـل هر سیسـتم دیگری بایـد هدفمنـد و منظم باشـد. پس از اصولی که در اداره سازمان‌های مختلف به کار می‌بریـد، می‌توانیـد در این سیسـتم هم اسـتفاده کنید که اولین اصل نظم و انضـباط است. نظم داشـتن، مرتب بودن و آراسـتگی چیزی اسـت که در درجه اول به آن احتیـاج داریـد. رعـایت اصـل انضـباط در مـدیریت به معنی احـترام و ارزش دادن به قوانین، مقررات و توافق‌هایی است که به منظور سـرعت و صحت گردش کار سازمان و پیشرفت آن تعیین شده است. یکی از اصول منظم قرار گرفتن هر چیز سـر جای خودش و تخصیص هر حقی به صاحبش است، بنابراین در تقسیم وظایف در نظر داشته باشید که

چه کسی می‌تواند چه کاری بکند و در سلسله مراتب دقت کنید که چه کسی حق دارد چه توقعی داشته باشد. در ضمن آدم‌های خانه هم مثل اداره باید سلسله مراتب را رعایت کنند. پدر در خانواده و مادر در اداره امور خانه مدیر است. رابطه این دو مثل رابطه یک مدیر و معاون است. بچه‌ها باید از هر دو، حرف شنوی داشته باشند ضمن این که مادر نیز باید با پدر همسو و هم‌هدف حرکت کند و هردو باید نگاه سیستمی داشته باشند نه فردی. بچه‌ها در رتبه سوم قرار می‌گیرند.نظارت و کنترلدر دانش مدیریت از وظایف عمده مدیران توجه به اصل نظارت و آگاهی از نحوه عمل و میزان پیشرفت کار افراد هر سازمان است. آیا شما به خانواده خود نظارت دارید؟ سختی‌های کار همسرتان چیست؟ اگر او یک نیروی مدیریتی است آیا ابزار لازم برای مدیریت در اختیار او قرار دارد؛ مثلاـ منابع مالی و انسانی. آیا نیازهای او در تهیه ابزار و وسایل خانه‌داری در اختیارش قرار گرفته است؟ اگر کارش را بخوبی انجام می‌دهد، چگونه این رفتار او را تقویت می‌کنید که همیشه رو به جلو باشد؟بچه‌ها چطور؟ شما از آن پدرها هستید که نمی‌دانید بچه‌ها کلاس چندم هستند یا خیلی دقیق به کارشان نظارت می‌کنید. آنها باید بدانند همه چیز دارد زیر نظر شما مدیریت می‌شود در غیر این صورت به یک عنصر پولساز و بی‌اثر تبدیل می‌شوید.پیشرفت در خانواده، داوری در اختلافات، ارائه پیشنهادهای اصلاحی و رفع عیوب ازجمله اموری هستند که باید به آن دقت کنید.زندگی از روی برنامهمی گویند اگر ۲ روزتان شبیه یکدیگر باشد، ضرر کرده‌اید و هر روز باید چیزی یاد بگیرید و حداقل ذره‌ای پیشرفت داشته باشید. اگر بخواهید این پیشرفت هدفمند و حساب شده باشد، باید برایش برنامه‌ریزی کنید. اداره تنها جایی نیست که احتیاج به برنامه‌ریزی دارد. من کسی را می‌شناسم که وقتی از او می‌خواهی برای کاری برنامه‌ریزی کند، احساس خفگی به او دست می‌دهد و می‌گوید بشدت احساس محدودیت می‌کند، اما واقعیت این است که برنامه‌ریزی به شما آزادی می‌دهد؛ آزادی از فعالیت‌های بیهوده. به این ترتیب شما دقیقا کاری را انجام می‌دهید که به آن علاقه دارید. راستش را بخواهید اگر می‌خواهید ژست مردانه بگیرید و بادی به غبغب بیندازید که شما مدیر خانواده هستید، باید برایش زحمت بکشید وگرنه بیش از یک عنوان چیزی نصیبتان نمی‌شود.خانواده پیش از هر چیز به برنامه‌ریزی نیاز دارد و اگر همسر و فرزندانتان در این راه می‌توانند به شما کمک کنند، وقت آن است که یک مدیریت خلاق و مشارکتی درست و حسابی به پا کرده و برای خانواده برنامه‌ریزی کنید.در خانواده، امکانات و منابع محدود است و نیازها و خواسته‌ها فراوان. مدیر خانواده باید از بودجه و سایر امکانات خانواده به بهترین شیوه و به ترتیب اولویت استفاده کند و به نیازها و درخواست‌های اعضای خانواده پاسخ دهد.دیکتاتوری راه نیندازیددرست است که شما مدیر خانواده‌اید، اما لزومی ندارد فقط حرف، حرف خودتان باشد و برای خودتان یک دیکتاتوری کوچک ترتیب دهید. مشورت، بهترین ابزار برای محبوبیت شما و کار کردن افراد خانواده با دل و جان است. مدیر خانواده در امور متعدد خانه مانند خرید مسکن، تهیه لوازم، انتخاب مدرسه و ثبت‌نام فرزندان و... می‌تواند با اعضای خانواده مشورت کند. با این کار فضای خانواده به فضایی بالنده، روح‌بخش و آکنده از تبادل‌نظر تبدیل می‌شود. از این رهگذر اعضای خانواده احساس شخصیت می‌کنند و خود را در اداره امور خانواده سهیم و شریک می‌دانند. هر یک از فرزندان احساس مسوولیت می‌کنند و در قبول و اجرای تصمیمات مدیر خانواده همکاری بیشتری نشان می‌دهند.آنان می‌آموزند در مورد مسائل خانواده فعالانه فکر کنند و نظر دهند.تقسیم کارهیچ کس نگفته که پول درآوردن تنها کاری است که از شما انتظار می‌رود همان طور که خانه‌داری تنها کار خانم خانه نیست و قرار نیست بچه‌ها بخورند و بخوابند و نق بزنند و درس هم نخوانند. همه قرار است در امور منزل مشارکت کنند.معمولاـ پس از تعیین اهداف و وظایف و فعالیت‌های خانواده، باید این وظایف به تناسب تعداد، مقام و جایگاه هر فرد تقسیم شود، درست مثل یک اداره واقعی. خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است و اعضای آن بویژه کودکان و نوجوانان باید برای ورود به جامعه آماده شوند و در خانواده با تقسیم کار مسوولیت‌پذیری را بیاموزند.فقط شما مدیر هستیداعضای خانواده در تصمیم گیری مشارکت می‌کنند، اما در آخر شما هستید که باید به جمعبندی برسید و رای نهایی را صادر کنید. گاهی نیز می‌توانید به همسرتان تفویض اختیار کنید و این به خودتان بستگی دارد، اما باید بچه‌ها

بدانند به چه شخصی حساب کارها و عملکرد خود را بازگو کنند و نیابت او را نیز چه کسی به عهده دارد. یک مدیر و یک هدف مشخص، خانواده شما را به یک مجموعه منسجم بدل می‌سازد.توانمندسازی خانوادهسعی کنید از خانواده خود یک مجموعه توانمند بسازید، طوری که اگر به هر دلیلی سفر بودید یا خدای ناکرده اتفاقی برای شما افتاد، خانواده بتوانند به حیات خود ادامه دهند. آنان را باید با چنان توانمندی‌هایی آشنا کنید که هر یک به تنهایی نیز بتوانند روی پای خود بایستند. از ادامه تحصیل همسر خود جلوگیری نکنید و اجازه دهید فرزندانتان هر یک به فراخور علاقه‌مندی خود با حرفه و راه کسب درآمد در جامعه آشنا شوند به نحوی که در هر زمان توانایی مواجهه با بحران را داشته باشند. جام جم آنلاین

مدیریت و اقتصاد در خانواده

تهیه کننده : مجتبی اکبری یزدان آباد

مدیریت و اقتصاد در خانواده: نهاد خانواده یکی از نهاد های مهم اجتماعی است که به لحاظ ضرورت ، اهمیت ، اهداف ، نقش و کارکرد های مختلف ف مورد توجه دانشمندان و عالمان مذهبی ، جامعه شناسان ، روان شناسان ، وصاحب نظران آموزشی و پرورشی قرار گرفته است . این نهاد با ازدواج مرد و زن پدید آمده و وجود فرزندان ، ان را تکمیل می کند . دررویکرد اسلامی ، خانواده متسکل از افراد ، و دارای شخصیت مدنی ، حقوقی و معنوی است که بر اساس نکاح (عقیدی که ارتباط یا مشروعیت ارتباط زن و مرد را معین می سازد .) پدید می آید (قائمی ، ۱۳۷۵ ، ص ۱۹) .۱- خانواده سازمانی اجتماعی است با دوام و پایداری نسبی .۲- افراد متفاوتی در آن حضور دارند .۳- افراد این سازمان ، وظایف مشترک و گوناگونی را بر عهده دارند . ۴- حقوق متقابلی نسبت به هم دارند .۵- منافع مشترکی را دنبال می کنند .۶- تحقق اهداف معینی را در نظر دارند .۷- روابط مشخص و منظمی بین آنان برقرار می گردد و این روابط غالباً صمیمی و همه جانبه است .۸- تماس مستمر و مناسب ، و رویارویی بین اعضا وجود دارد .۹- تشکیل این سازمان بر اساس قرار دادهای اجتماعی و در مکاتب الهی ، طبق مبانی مذهبی صورت می گیرد .۱۰- خانواده گروه کوچکی است که ویژگی اساسی و غیر قابل تفکیک آن « صمیمیت» است .۱۱- به لحاظ جامعه شناختی ، اجتماعی مردن نسل آینده ، جزو بدیهی ترین ، اساسی ترین و اصلی ترین وظایف خانواده است (شرفی ،۱۳۸۷ ، ص ۷۹) .خانواده ، اولین و قدیمی ترین واحد اجتماعی است .الف – بر اثر ازدواج ، آرامش و آسودگی در زن و مرد پدید می آید .ب ـ وجود آرامش و آسودگی در آمدی ، از نشانه های بزرگ خداوند است .پ – آسودگی و آرامش همسران از هدف های عمده و اساسی ازدواج و تشکیل خانواده شمرده می شود .ت - ازدواج از مواهب بزرگ الهی است ؛ زیرا از یک سو مایه ی آرامش جسمی همسران است و از سوی دیگر آرامش فردی و اجتماعی آنان را فراهم می سازد .ث – ازدواج ایجاد کننده ی پیوند محبت آمیز و عاطفی بین زن و مرد است این محبت و رحمت ، پیوند افراد جامعه را محکم تر می کند .ج – این محبت و دوستی زن و شوهر می باید تداوم واستمرار داشته باشد .چ - از طریق ازدواج و تشکیل خانواده ، نیاز های طبیعی آدمی تأمین می شود .« ز آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه ی اسلامی است ، همه ی قوانین و مقررات برنامه ریزی های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده ؛ پاسداری از قداست آن ؛ و استواری روابط خانوادگی بر پایه ی حقوق . اخلاق اسلامی باشد .در اصل بیستم آمده است که :« همه ی افراد یک ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه ی حقوق انسان ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام ، برخور دارند . »جایگاه احکام ازدواج و طلاق در رساله های عملیه در توضیح المسائل همه ی مراجع عظام در ارتباط با احکام نکاح (ازدواج و زناشویی) موارد متعددی به شرح زیر مطرح شده است : ۱- احکام عقد ۲- دستور خواندن عقد دائمو غیر دائم ۳- شرایط عقد ۴- ازدواج با حارم ۵- احکام عقد دائم و غیر دائم ۶- احکام نگاه کردن۷- احکام شیر دادن ۸- احکام طلاق ۹- احکام متفرقه ی زناشویی و شیر دادن نظر به اهمیت نکات مطرح شده در پیام دبیر کل ، به مواردی از آن

اشاره می شود :۱- میانگین اعضای خانواده در سراسر جهان کاهش یافته است .۲- جوانان در سنین بالاتر ازدواج می کنند ؛ از این رو سنین ازدواج بالاتر رفته است . ۳- میانگین سن ماران برای تولد اولین فرزندانشان افزایش یافته است .۴- میزان مرگ و میر فرزندان کاهش یافته است .۵- تعداد فرزندان خانواده ها کاهش یافته است .۶- خانواده ی هسته ای جای گزین خانواده ی گسترده ی سنتی شده است .۷- طول عمر پدر و مادر بزرگ ها افزایش یافته است .۸- میزان طلاق افزایش یافته است .وضعیت جمعیت ایران در سر شماری ۱۳۸۵۱- میزان جمعیت و رشد آن ۲- جمعیت شهر و روستا ۳- جمعیت زن و مرد مفهوم و تعریف مدیریت در فرهنگ فارسی عمید کلمه ی مدیر به معنی اداره کننده ، گرداننده و کسی که کاری را اداره می کند ، آمده است .اصول مدیریت و مدیریت خانواده ۱- وحدت هدف ۲- رسیدن به هدف با کم ترین هزینه ۳- هماهنگی هدف ها با منافع ملی ۴- هماهنگی هدف ها با امکانات و منابع ۵- استفاده بهینه از منابع ۶- وحدت مدیریت ۷- تقسیم کار ۸- برنامه ریزی می تواند به صورت کوتاه مدت ، میان مدت ودراز مدت باشد .۹- مشورت ۱۰- نظم و انضباط در مدیریت خانواده رعایت نظم و انضباط ضرورت دارد ؛ زیرا این امر موجب می شود که : ۱- هر برنامه طبق پیش بینی های قبلی به خوبی انجام شود .۲- تحقق اهداف سازمان خانواده ممکن گردد.۳- فرزندان خانواده منظم شوند و به رعایت نظم عادت کنند .۴- اداره ی امور خانه به آسانی و خوبی صورت گیرد .۵- رفتار افراد بر قاعده و ضوابط معینی منطبق گردد.تفاوت در هدف ها هدف های خانواده با هدف های دیگر سازمان ها متفاوت است و گوناگونی فراوانی دارد که مهمترین آن ها چنین اند :- اجتماعی کردن فرزندان - پرورش و آموزش فرزندان در زمینه های مختلف از جمله پرورش دینی ؛ - انتقال فرهنگ ملی از جمله اخلاق ملی به نسل بعد ؛ - تأمین نیاز های اعضای خانواده ؛- و کمک به رشد روانی اعضای خانواده مدیریت خانه و نگرش به زندگی هم چنین در مدیریت خویش در خانواده به موارد زیر توجه نمایند :۱- عدالت خواهی ؛۲- فداکاری ؛۳- خوش بینی ؛ ۴- سهیم بودن در منافع ملی جامعه ؛ ۵- تأمین نیاز های زیستی خانواده ؛ در این زمینه در گفتار های آینده بیش تر بحث خواهد شد .ابن سینا معتقد است که مرد در روابط با همسر خود باید سه اصل زیر را در نظر بکیرد :الف : هیبت ب : تکریم ج : اشتغال امام محمد غزالی ۱- ادب اول : در مراسم ازدواج ، مهمانی برگزار کند .۲-ادب دوم : در برخورد با زن ، اخلاق نیکو در پیش گیرد ؛ به طوری که نه تنها او را نرنجاند بلکه رفتار و گفتار نا درست وی را تحمل کند .۳- ادب سوم : با همسر ، با مزاح و روی خوش برخورد کند و با سعی و کوشش زمینه ی درک متقابل را فراهم نماید .۴- ادب چهارم : مزاح و روی خوش را به حدی نرساند که هیبت وی به کلی از دست برود . و همیشه مرد باید برتر باشد .۵- ادب پنجم : در غیرت ، اعتدال را رعایت کند .۶- ادب ششم : در مخارج زندگی ، سخت گیری نکند و در عین حال اسراف درپیش نگیرد . با خانواده غذا بخورد و هیچ غذایی را به تنها یی نخورد .۷- ادب هفتم : در آموزش « علم دین » به همسر ، کوتاهی نکند .۸- ادب هشتم : میان همسران به عدالت رفتار کند .۹- ادب نهم : در هنگام نافرمانی زن ، با تلطف و رفق با او ندارا کند .۱۰- ادب دهم : در مسائل جنسی ،لذت متقابل در نظر گرفته شود .اهمیت تصمیم گیری در مدیریت و مدیریت خانواده ۱- تصمیم گیری در باره ی انتخاب همسر و تشکیل خانواده ؛۲- تصمیم گیری در مورد داشتن فرزند یا فرزندان ؛ ۳- تصمیم گیری در مورد خرید و انتخاب محل سکونت و تجهیز آن ؛ ۴- تصمیم گیری در مورد انتخاب مدرسه و دانشگاه ؛ و کمک به انتخاب رشته و شغل فرزندان ؛۵- تصمیم گیری در مورد ازدواج فرزندان .مهم ترین الگوهای تعاملی خانواده عبارتند از :- الگوی پذیر و پویا - الگوی وابسته - الگوی سلطه گر - الگوی مقابله ای - الگوی کناره گیر - الگوی منسجم - الگوی زیستی روش های مدیریت در خانواده رابطه ی اعضای خانواده ممکن است به سه روش ظاهر گردد (شریعت مداری ، ۱۳۴۴ ، ص ۲۱۲) .۱- روش دیکتاتوری (مستبدانه)۲- روش آزادی مطلق ۳- روش دموکراسی (آزاد منشانه)۴- روش مشارکتی (مشارکت جویانه)یکدیگر چه حقوق و تکالفی دارند . مطابق قانون مدنی ، حقوق و تکالیف زن و شوهر به قرار زیر است :۱- حسن معاشرت ؛۲- سکونت مشترک ؛۳- معاضدت و همکاری در تحکیم مبانی خانواده و تربیت اولاد (معظمی ، ۱۳۸۴ ، ص ۵۲) . سکونت مشترک از آنجا که ایجاد کانون امن و

آرام ؛ حفظ عفت و اخلاق حسنه ؛ برقراری عشق و مودّت ؛ پاسخ به نیاز جنسی ؛ و کمک به رشد و تکامل زن و شوهر از هدف های اساسی ازدواج و تشکیل خانواده می باشد ، ایجاب می کند که زن و شوهر با هم زندگی کنند و در خانه ای مشترک سکونت گزینند .روابط مالی زن وشوهر از مباحث اساسی در ارتباط با مدیریت ، اقتصاد و حقوق خانواده ، همانا روابط مالی زن وشوهر است ؛ از این رو این موضوع مهم در قانون مدنی ایران مطرح شده ای که در بخش دوم مورد بحث قرار خواهد گرفت .نظر به اهمیت مدیریت خانواده در افزایش کارایی ، تحقق اهداف ، و افزایش رضایت اعضای آن ، هم چنین مشارکت همه به تناسب نقش و وظیفه ی اداره ی خانواده ، لازم است پدر و مادر که به گو نه ای گردانندگان اصلی خانواده هستند ، دارای مهارت هایی به شرح زیر باشند :۱- تنظیم خانواده و داشتن فرزند ؛ ۲- مدیریت زمان و استفاده ی بهینه از وقت ؛ ۳- ایجاد و تقویت بهداشت و سلامت اعضای خانواده ؛ ۴- تقویت سلامت روانی خانواده و کاهش اضطراب ؛۵- شناخت و پرورش استعداد ها و خلاقیت خود وفرزندان ؛ ۶- برقراری ارتباط با اقوام و بستگان و صله ی رحم ؛ ۷- افزایش تولید ، در آمد و پس انداز ، و کاهش هزینه کردن ، هم چنین بهبود فرایند مصرف ؛ ۸- گردشو تفریح ، و استفاده از اوقات فراغت ؛۹- بهره گیری از تلویزیون ، دیگر رسانه ها و رایانه در خانواده ؛ مردان می خواهند که زنان :۱- کم تر حرف بزنند .۲- کم تر هیجانی شوند .۳- فعالیت های بدنی بیش تری داشته باشند .۴- کم تر رمانتیک شوند .۵- بیش تر به رابطه ی جنسی بپردازند .۶- کم تر فکر خود را به « دیگران » مشغول کنند .۷- به کارشان بیش تر مشغول باشند .۸- بیش تر منطقی باشند .۹- بیش تر در خانه بمانند . ۱۰- کم تر حساس باشند .۱۱- خوش قول تر باشند .۱۲- زودتر حاضر شوند .زنان می خواهند که مردان :۱- بیش تر حرف بزنند . ۲- بیش تر عاطفی باشند .۳- فعالیت های بدنی کم تری داشته باشند .۴- وقت خود را کم تر به کار ، و بیش تر به خانواده صرف کنند .۵- بیش تر رمانتیک باشند .۶- کم تر حسابگر باشند .۷- بیش تر به نوازش های عاشقانه بپردازند و کم تر به فکر تولید مثل باشند .۸- به « دیگران » بیش تر فکر کنند . ۹- بیش تر بیرون ار خانه بروند .۱۰- هم دردی بیش تری نشان دهند .۱۱- کم تر عجله داشته باشند .۱۲- به سلامت خود بیش تر برسند .نشانگان ضعف روحیه در خانواده ۱- افزایش غیبت اعضای خانواده از خانه ؛ ۲- کاهش در آمد خانواده و عدم تحقق اهداف آن ؛ ۳- همکاری نداشتن اعضای خانواده با هم ؛ ۴- کاهش احترام به اعضا به ویژه رئیس خانواده ؛ ۵- کاهش پیش نهاد و اظهار نظر سازنده ، ابتکار و خلاقیت ؛ ۶- گسترش خستگی ، بی حالی و بیزاری از یکریگر ؛ ۷- افزایش ضایعات مالی در خانه توسط اعضا ؛ ۸- افزایش دخالت های بی رویه در امور یکدیگر ؛ ۹- انزواگرایی اعضای خانواده ؛ ۱۰- بر خورد تند بین اعضای و تشدید خشم و عصبانیت ؛۱۱- بدگویی از اعضا به ویژه مدیر خانواده ؛ ۱۲- ترک خانه و خانواده ؛ ۱۳- بیان جدایی زن و مرد از هم ؛ روابط اجتماعی با نشاط از راه های زیر تقویت می گردد :- ظاهر آراسته داشتن و بشاش بودن ؛ - خوب گوش دادن به گفته های طرف مقابل ؛- احترام گزاردن به یکدیگر ؛- مزاح کردن و استفاده از کلما شاد کننده ؛ - لبخند زدن و خندیدن در روابط اجتماعی با دیگران ؛آثار مخرب خشم در خانواده ۱- احترام و حرمت همسران را زا بین می برد .۲- سردی و بی محبتی را بین همسران حاکم می سازد .۳- خانواده محیط مناسبی برای تربیت نمی شود .- یادگیری رفتار های پرخاشگرانه از راه های مختلف ؛ - رفتار متضاد زن و شوهر با هم و با فرزندان ؛- ترس و دلهره ی زیاد در خانه ؛ در فرهنگ عمید (۱۳۶۳ ، ص ۱۷۸۹) اقتصاد به معنی میتنه راه رفتن ؛ میانه روی کردن ؛ به اندازه خرج کردن ؛ تعادل دخل و خرج را نگاه داشتن ؛ و میانه روی در هر کار » ، آمده است . قنادان در کتاب کلیات علم اقتصاد (۱۳۸۶ ، ص ۸) آورده است که : « اقتصاد ترجمه ی کلمه ی اکونومی است که از نظر ریشه ی لغوی از دو کلمه ی ایکو یعنی خانه و نومو به معنی قانون تشکیل شده است . » معنای دیگر ایکو : « دارایی » و معنای نومو : « اداره » آمده است ؛ از این رو واژه ی اکونومی در یونان قدیم به معنای اداره ی دارایی به کار رفته است . در قرن سوم و چهارم قبل از میلاد ارسطو و گزونفون ایکونومی را به معنای اداره ی اموال به کار برده اند . در آثار صاحب نظران اسلامی بیش تر ، « تدبیر منزل » به کار رفته است . تعریف های علم اقتصاد صاحب نظران این علم با نگاهی که به انسان ، نیاز ها ، هدف ها و طرز

زیستن او داشته اند ، تعریف های فراوانی در علم اقتصاد ارئه کرده اند از جمله :۱- ارسطو اقتصاد را مدیریت خانه می داند . ۲- آدام اسمیت ، اقتصاد را جست و جو گر ماهیت و علل ثروت ملل تعریف می کند . ۳- آلفر مارشال ، اقتصاد را علم تخصیص انکانات می داند و آن را مطالعه ی طرز سلوک و رفتار انسان در زندگی روزانه ی مادی تعریف می کند و معتقد است که اقتصاد « علم انتخاب » است . علمی است که در آن از نحوه ی تخصیص امکانات محدود و خواسته های نامحدود بحث می شود ؛ به گونه ای که احساس شود بهترین حالت ممکن به وجود آمده است .۴- فارابی ، اقتصاد را ارضای نیاز های معنوی و مادی ، توأم با یکدیگر می داند . ۵- پل ساموئلسن برنده ی جایزه ی نوبل در ۱۹۷۰ ، اقتصاد را به شرح زیر تعریف می کند :« بررسی روش هایی که بشر با وسیله یا بدون وسیله ی پول برای به کار بردن کم یاب تولید به منظور تولید کالاها و خدمات ، در طی زمان ، هم چنین برای توزیع کالاها و خدمات بین افراد و گروه ها در جامعه به منظور مصرف در حال و آینده انتخاب می کند (قنادان ، ۱۳۸۶ ، ص ۸) . » بنابر این اقتصاد علمی است که پیرامون تولید ، توزیع ، مبادله و مصرف کالاها و مواد بحث می کند(کشوادی ، طاهره ، ۱۳۸۶ ، ص ۱۳) .تعریف اقتصاد خانواده با استفاده از تعریف های یاد شده می توان گفت که اقتصاد خانواده علم تدبیر منزل ، اداره ی منابع مالی خانواده ، و بر قراری تعادل دخل و خرج در خانواده است .موضوع اقتصاد و اقتصاد خانواده موضوع اقتصاد بررسی آن گونه فعالیت های انفرادی و اجتماعی است که با هبود وضع زندگی و تأمین نیاز های مادی افراد ، ارتباط نزدیک دارد . بدین ترتیب اقتصاد از یک سو با علم ثروت ، و از سوی دیگر با بررسی رفتار انسان پیوستگی دارد . موضوع اقتصاد خانواده نیز به تولید ، در آمد ، توزیع و مصرف در خانواده ، هم چنین اولویت های آن اشاره دارد .ارتباط اقتصاد خانواده با اقتصاد جامعه رفاه خانواده که از قدیمی ترین و در عین حال طبیعی ترین واحد اجتماعی است ، علاوه بر دارابودن مبانی اجتماعی ، دارای مبانی اقتصادی نیز هست . خانواده از نظر اقتصادی ، سهم مهمی در رشد و توسعه ی اقتصادی جامعه و بالابردن بنیه ی مالی کشود دارد . مطالعه ی منابع مربوط به تأثیر خانواده در رشد اقتصادی جامعه نشان می دهد که :۱- خانواده ها با پس انداز سرمایه های کوچک خود ، در گردش پول کشور نقش عمده ای دارند (معظمی ، ۱۳۸۴ ، ص ۱۵) .۲- افرادی که ازدواج می کنند ، برای تأمین نیاز های اعضای خانواده به کار و تلاش زیاد می پردازند و از این طریق به تنها معاش خانواده ی خود را تأمین می کنند ، بلکه با صرف نیروی کار خود ، و کوشش زیاد ، در پیشرفت اقتصاد جامعه نیز نقش مؤثری دارند .۳- توجه جدی به اقتصاد خانواده ، اصلاح مدیریت و اعمال مدیریت بهینه در خصوص هزینه های فردی و خانوادگی ، علاوه بر بهسازی زندگی خانوادگی ، در اصلاح ساختار اقتصادی کشور و مدیریت آن نیز کار ساز می باشد (رزاقی ، ۱۳۷۶ ، ص ۲۵۴) .۴- مدیریت نادرست هزینه های فرد و خانواده ، موجب پدید آمدن ناهنجاری های اقتصادی در کشور می شود که خود در ایجاد مسائل اجتماعی و سیاسی تأثیر دارد . ۵- مشارکت خانوادها به ویژه خانوادهای روستایی در طرح های صنعتی و کشاورزی موجب می شود که در آمد خانوادها افزایش یافته و به رشد و توسعه ی صنعتی و کشاورزی کمک شود . راه اندازی صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی و طرح های مرکز ترویج جهاد کشاورزی نمونه ای از مشارکت روستاییان ، و ارتباط اقتصاد خانواده با اقتصاد جامعه در بخش مشاورزی است (پیام جهاد کشاورزی ، شماره ی ۲۰، مرداد ۱۳۸۷) .فشار های روانی عمده در خانوادها عبارتند از :۱- فشار های اقتصادی ، مالی و پولی ؛۲- رفتار ، به سامانی ، و ترتیب ، هم چنین جنگ و دعوای آن ها با هم ؛ ۳- کم توجهی زن و شوهر به برآوردن نیاز های یکدیگر ؛ ۴- سهیم نشدن در مسئولیت های موجود در خانواده توسط اعضا ؛ ۵- مسائل مربوط به امور زناشویی (ارتباط ، دوستی و روابط جنسی) ؛ ۶- نداشتن تفریح سالم تر اعضای خانواده ؛ ۷- مشغله ی زیاد والدین ؛ برخورد با امور مالی و پولی در خانواده ی خود تجربه کرده اند به شرح زیر گفته اند:۱- روبه رو شدن با تورم ؛ ۲- توفق بر سر هزینه ها ؛ ۳- کارکردن همسر بیرون از خانه ؛ ۴- اضافه کاری ؛ ۵- بودجه بندی ؛ ۶- نیاز به پس انداز ؛ ۷- پول توجیجی فرزندان ؛ ۸- نگرانی از در آمد دوران بازنشستگی ؛ ۹- انتظارات اقوام همسر ؛ ۱۰- وام گرفتن ؛ ۱۱- بی کاری موقت یا دائم ؛ در مدیریت بخردانه و

اقتصاد خانواده به ویژه در خرید و مصرف کالاها و خدمات ، توجه به موارد زیر ضرورت دارد :۱- تولید در خانواده و راه های افزایش آن ؛ ۲- نیازهای خانواده ؛ ۳- هزینه ها در خانواده و دسته بندی آن ؛ ۴- بودجه و بودجه بندی در خانواده و فرایند آن .علی (ع) می فرماید : آن کس که کار کند ، توانش فزونی یابد و آن کس که کم ، کار کند و بی کار باشد ، سستی او افزون می گردد. سرمایه گذاری و پس انداز ۱- مشخص کردن اولویت های غیر ضروری ؛ ۲- پس انداز بازمانده ی در آمد خود ؛ ۳- پس انداز بازمانده ی در آمد خود ؛ ۴- خرید باغ یا مزرعه با مشارکت زن و شوهر و اعضای خانواده و یا اقوام و دوستان ؛ ۵- خرید زمین برای تأمین مسکن خانواده ؛ ۶- خرید اوراق مشارکت ؛ ۷- خرید اوراق سهام شرکت ها .هر انسانی ممکن است در تحول شخصیت خود در یکی از سه طبقه یاد شده به شرح زیر قرار گیرد :هزینه های خرد در خانواده بسیارند که مهم ترین آن ها عبات اند از : ۱- هزینه های پوشاک ۲- هزینه های غذایی ۳- هزینه های بهداشت و درمان ۴- هزینه های مسکن ۵- هزینه های مسافرت ۶- هزینه ی تفریح و اوقات فراغت ۷- هزینه های ازدواج ۸- هزینه های دید و بازدیدها ۹- هزینه های سوگواری ۱۰- هزینه های تحصیل فرزندان یا پدر و مادر ۱۱- هزینه های دیگر فرزندان خانواده نظر به اهمیت موضوع و ضرورت ارائه ی راهکارهای مناسب ، موارد زیر مورد بحث قرار می گیرد : ۱- مفهوم اسراف و تبذیر و اهمیت جلوگیری از آن در اقتصاد خانواده ؛ ۲- سفارش های اسلامی و ادبی به میانه روی در مصرف و قناعت ؛ ۳- صرفه جویی در مصرف آب ؛ ۴- صرفه جویی در مصرف نان ؛ ۵- صرفه جویی در مصرف انرژی (برق ، گاز ، بنزین و منابع سوختی) ۶- خودداری از مصرف سیگار ؛ ۷- صرفه جویی در دارو و مواد شوینده ؛ ۸- صرفه جویی در استفاده از وسایل خانه و مسکن ؛ ۹- صرفه جویی در تولید زباله و همکاری با شهرداری ؛ ۱۰- صرفه جویی در هزینه های عروسی و ازدواج ؛ ۱۱- مدیریت والدین بر هزینه های فرزندان در خانواده .فواید صرفه جویی برق ۱- پرداخت پو ل کم تر ؛ ۲- مصرف برق کم تر ؛ ۳- کم شدن هزینه توسعه ی ایستگاه های برق ؛ ۴- فراهم آوردن فرصت رشد صنایع دیگر ؛ ۵- کاهش آلودگی محیطی ؛ ۶- کمک به رشد اقتصادی کشور ؛ ۷- ماندکی دیرتر ذخایر انرژی کشور ؛ ۸- افزایش رضایت مدیریت خانواده به علت صرفه جویی .نمونه ی نخست : خانواده ی موفق یک دانشجو ثانشجوی رشته ی راهنمایی و مشاوره ی یک دانشگاه در مورد دلایل موفقیت خانواده ی خود در مدیریت و اقتصاد می نویسد :من در خانواده ای زندگی می کنم که در آن خانواده ، فضای آرامی را برای خود و فرزندان پدید آورده اند و موفقیت خودم را مدیون سیاست ها ، تدابیر و رفتار مناسب آن ها در موارد زیر می دانم : ۱- در امور مالی ، اقتصادی ، اخلاقی و عاطفی با هم با صداقت رفتار می کنند و گفتار و کردار صادقانه دارند . ۲- به علت رفتار صادقانه ، اعتماد بین آن ها به وجود آمده است و همین اعتماد ، به فرزندان آنان از جمله من ، آموخته شده است .۳- ارتباط کلامی پدر و مادرم با هم گرم و محبت آمیز و مؤدبانه است و آنان یکدیگر را با کلمات و گفتار مناسب مورد خطاب قرار می دهند .۴- پدر و مادرم سعی دارند از توانمندی های یکدیگر به خوبی استفاده کنند .۵- مدیریت در این خانواده مشارکتی است و در این مدیریت ، فرزندان به بلوغ فکری رسیده اند .خانواده ای موفق با پدری ارتشی ۱- احترام گذاشتن به بزرگ ترها ، به ویژه پدر و مادر و خواهر و برادر بزرک تر و دیکران ؛۲- اعتقاد به اصول و فروع دین و اجرای مراسم مذهبی در حد متعادل ؛ ۳- داشتن روحیه ی همکاری و کمک به یکدیگر ؛ ۴-ابراز علاقه به معاشرت و رفت و آمد با اقوام ؛ ۵- داشتن مهارت و هنر در زمینه های مختلف مربوط به امور خانواده غیر از شغل اصلی خود ؛ ۶- دوری از هر گونه اعتیاد و موارد مخدر حتی سیگار ؛ ۷- معتقد به قناعت و کوشش در جهت رفع نیاز واقعی زندگی ؛ ۸- خودداری از دعوا بین پدر و مادر به ویژه در مقابل فرزندان ؛ ۹- احترام فرزندان به والدین ؛ ۱۰- واگذاری نقش مردانه پسران و امور زنانه به دختران ؛ ۱۱- دقت در انتخاب همسر و انجام ازدواج به موقع فرزندان ؛ ۱۲- وجود نظم مطلوب در خانواده و در فرزندان .عوامل مؤثر در موفقیت ما فراوان است از جمله :- به هم احترام می گذاریم .- با هم مشورت می کنیم .- یکدیگر را دوست داریم .- به زیستن با هم افتخار می کنیم و از هم رضایت داریم .مسئول مشاوره ی خانواده ای خود را به لحاظ مدیریت و اقتصاد ، موفق دانست و اظهار داشت که : من پس از

مطالعه و بررسی با مردی که مذهبی ، با سواد و با گذشت بود ، ازدواج کردم و زندگی ما با علاقه و احترام به هم آغاز گردید . حاصل زندگی ما ۳ دختر و ۲ پسر است .دختر و پسر اوم دانشجو هستند . اولی در رشته ی الکترونیک و دومی در رشته ی مترجمی زبان انگلیسی مشغول به تحصیل می باشند . فرزندان دیگرم در دوره ی راهنمایی و دبیرستان تحصیل می کنند و زندگی ما در میان اقوامو دوستان زبانزد است و ما را موفق می دانند ؛ زیرا :۱- مذهبی هستیم و به دستور های الهی پای بندیم .۲- از اول زندگی مشترکمان برای خود سال مالی تعیین کردیم .۳- به برنامه ریزی سالانه ، ماهانه ، هفتگی و روزانه اهمیت زیاد می دهیم و حتی برای رفتن به مسافرت کوتاه یا خرید ، برنامه ریزی می کنیم .۴- همسرم و بچه ها به برنامه ریزی من اعتقاد کامل دارند .۵- هر سال به استانی از استان های کشور می رویم و فرزندان خود را با فرهنگ و خصوصیات استان آشنا می کنیم .

جامعه شناسی خانواده

تالیف : دکتر شهلا اعزازی

خلاصه کتاب:یاسمن طباطبایی –چاپخانه اسلامیه- انتشارات روشنگران و مطالعات زنان- چون واژه خانواده برای همه بسیار آشناست مطالعه علمی و دقیق آن مشکل است و هر کس به نوبه خود تعریفی از خانواده ارائه می دهد همچنین در کشورهایی که صنعتی هستند و در کشورهایی که در حال توسعه هستند تعریف خانواده بسیار متفاوت است . هدف بسیاری از جامعه شناسان همچون جرج مورد اکه George murdoc و ویلیام لوید وارنر Williamloiyd warner مطالعه انسان ابتدایی بر شناخت بهتر انسان مدرن بود بعدها این جامعه شناسان با استفاده از مطالعه قبایل ابتدایی به تحلیل های بسیار جالبی درباره جوامع صنعتی رسیدند . یکی از جامعه شناسان از خانواده به عنوان گروهی خاص نام می برد که اعضای آن با احساسات شدید با یکدیگر در ارتباط اند به این ترتیب وی به مهمترین خصلت گروه خانواده همچون صمیمیت تاکید می کند و معتقد است که این خانواده دارای بهترین شرایط برای رشد شخصیتی کودکان است . طبق مطالعات مورداک و وارنر گذر از چند همسری (که مربوط به عصر چماقی بود) به ت ک همسری پیشرفت مهمی بود البته این تک همسری فقط به زنان تعلق داشت نه به مردان – زیرا بشر توانسته بود تا حدودی بر محیط طبیعی خود تسلط یابد . و این امر در اثر رام کردن حیوانات و دامپروری بوجود امد .مثلا مردان که از راه های شکار بصورت اتفاقی مسئول تهیه تغذیه بودند از مرد شکارچی به مرد دامپرور تغییر جهت داد . (البته همه این موارد مربوط به عصر کشاورزی بود یعنی هنوز پیشرفت بشر چندانی نکرده بود) در این عصر زنان بعنوان مستخدم و وسیله ای برای تولید فرزند بودند – زن جنایتکار توسط شوهرش فورا مجازات می شد در صورتیکه خیانت مردان ، حداقل از طریق آداب و رسوم تحمل می گشته بنابراین در ازدواج تک همسری آن چه برای زن جنایت به حساب می آمد برای مرد مجاز تلقی می گشت و می توان گفت تک همسری در این عصر آشتی میان زن و مرد نبوده بلکه به بردگی کشاندن یک جنس از طریق جنس دیگری محسوب می شده . ولی در جوامع صنعتی همسر گزینی بصورت آزاد بود یعنی این ازدواج براساس عشق و علاقه میان نفر صورت می گرفت به این معنا که فرد از قیود و تمایلات خانواده آزاد شده بود . بنابراین اصطلاح همسر گزینی آزاد یعنی انتخاب همسر بدون دخالت مستقیم خانواده با تاکید بر اهمیت عشق و علاقه ۲ نفر همراه بود البته اگر چه از دخالت های خانوادگی کاسته شد اما مکانیسمی اجتماعی بوجود آمد که ازدواج هایی که باعث بر هم خوردن تعادل جامعه می گشت جلوگیری می نمود . یعنی هر کس با فردی از طبقه ، مذهب و نژاد و قومیت خود ازدواج می کرد . در امریکا ۶۱٪ از دختران و پسران دقیقا با فردی از طبقه اجتماعی خود قرار ملاقات می گذاشتند ۳۵٪ از دو طبقه متفاوت و کاملا نزدیک به هم بودند از بین این ۳۵٪ این افراد زمانی با هم ازدواج می کردند که دارای ویژگی های خاصی بودند مثلا اگر دختران از طبقه پایین بودند و پسران از طبقه بالا ، دختران از لحاظ محبوبیت و زیبایی در درجه ها بسیار بالایی بودند و یا اگرپسران از طبقه پایین و دختران از طبقه بالا بودند ویژگی برجسته برای پسران ورزشکار بودن و

یـا محصـل نمونه بودن بود یعنی تنهـا افراد ممتـاز طبقه پـایین به طبقه بالا می توانسـتند راه یابنـد . اما همسـر گزینی در ایران هنوز به شکل سنتی و تحت نظارت خانواده قرار دارد یعنی خانواده ها تجانس (هماهنگی) اجتماعی زوجین را از لحاظ طبقاتی ، خانوادگی و اجتماعی در نظر گرفته و سپس با توجه به میل و علاقه بانی دختر و پسر با یکدیگر ازدواج می کردند . البته دولت نتوانسته در این زمینه کمکی به افراد کنـد یعنی به جای آن که امکانات گـذران زنـدگی را به افراد بدهـد این امر را به خانواده ها واگـذار نموده تا اولا از طریق جهیزیه مناسب امکان شـروع زندگی زوج جوان را تامین سازد و دوما از طریق تعیین مهریه بالا ، امکان گذران زندگی زن را پس از طلاق احتماعی فراهم سازد و می توان نتیجه گرفت که موارد گفته شده با علائق قلبی هماهنگی ندارد و در واقع چنین خانواده هایی براساس قول و قرارهای اقتصادی بوجود آمـده اند . طی یکسـری مطالعات مشـخص شده مثلا مهریه بالا نه تنها مانع از طلاـق نیست بلکه پس از طلاـق به مرد احسـاس افسوس از معـامله ای که انجـام داده دست می دهـد و زنی که پس از یـک سال از همسـر خود جدا شده و مهریه سنگین هم دریافت کرده با آن که برنده این معامله است از آن جا که به قصد ازدواج کرده نه معامله احسـاس شـکست دارد . در واقع مخـارج سـنگین ازدواج ، جهیزیه و مهریه که به عنوان پشتیبان فرد هسـتند صـمیمیت را که ویژگی برجسـته خانواده هست از بین می برد و شبیه ازدواج های خرید و فروشـی هست که در ان دختر به فروش خود به قیمت بالا مختصـر است و مرد به خریـد آن به همراه جهیزیه زیـاد افتخار می کنـد . نظریه های جامعه شـناسان در مورد نقش های خانوادگی : یکی از جـامعه شـناسان به نام الیزابت بات Elizabeth Bott در مورد تقسـیم نقش افراد در خـانواده تحقیق جالبی از بررسـی ۲۰ خانواده انگلیسـی در لندن انجام داد و کتاب خود را با عنوان « خانواده و شبکه اجتماعی» منتشر کرد در این بررسی با زن ها و شوهرانشان به گفتگو در مورد نقش هـای خـانوادگی نشـست و به وجود ۲ الگـوی تقسـیم نقش در خـانواده پی برد . الگوی اول خانواده هایی بودنـد که به تنهـایی و بـدون کمـک دیگری وظـایف خـود را انجـام می دادنـد . مثلاـ مرد مبلغ معینی در اختیـار زن قرار می داد و چگونگی خرج خانه با زن بود و مرد در کار او هیچگونه دخالتی نمی کرد – مرد با دوستان خود به گردش و تفریح و نظایر آن می پرداخت و زن نیز اوقات فراغت خود را با همجنسان خود به تفریـح و خرید و سـینما می گذارند . الگوی دوم به گونه ای بود که زن هـا و شوهرهـا در اکثر فعالیتهـا بصورت مشترک بـا یکـدیگر همکـاری می کردنـد مثلاـ در فعالیتهای خانگی وظایف میان زن و شوهر تقسیم می شد در صورت نیاز ، مرد به انجام فعالیتهای خانگی مثل پخت و پز و غیره می پرداخت و زن نیز در صورت لزوم از انجام فعالیتهای مردانه مثل تعمیرات و غیره رو گردان نبود . سپس از این بررسـی نتیجه گرفت که خانواده هایی که بصورت جدا به فعالیتهـای خود می پردازنـد شـبکه روابـط اجتمـاعی آن هـا متصـل است یعنی این خـانواده ها به دوسـتان و آشـنایشان دارای روابط اجتماعی بسیار بالایی هسـتند اما خانواده هایی که بصورت مشارکتی با یکـدیگر زنـدگی می کننـد دارای شـبکه اجتماعی پراکنده هسـتند یعنی با دوستان و آشنایانشان روابط اجتماعی زیادی بر قرار نمی کنند و اغلب همدیگر را نمی شناسند و معقتد است که اگر نقش هـای درون خـانوادگی به افراد خـارج از خـانواده واگـذار نشـود و این کمکهـا و پشتیبـانی هـا نباشـد زن و شوهر به یکـدیگر وابسـتگی متقابل می یابند و از وابسـتگی های خارج از خانواده کاسته خواهد شد . تغییر نقش مردان در خانواده : در دوران گذشته مردها در خانواده صاحب اقتـدار بودنـد اما اقتـدار آن ها در طول تاریـخ دگرگون و از ان کاسـته شد علت اقتدار مرد ها تا حدودی ناشـی از مالکیت و ارتباط آن ها با جهان خارج از خانه بودند . در سده نوزدهم به سـبب افکار آزادی خواهانه ناشـی از رنسانس و انقلاب فرانسه و حمایت از زنان و کودکان محـدودیتی در اعمال اقتـدار ، از دیـد قانون بوجود آمد ، یکی از جامعه شناسان معتقد است هر چند حضور پدر مقتدر برای دوره طولانی در خانواده ضـروری بوده و به پیشـرفت جامعه کمک کرده ، اما در شرایط فعلی باعث پیدایش شخصـیت های سـلطه طلب گشـته و جامعه را به سوی دیکتاتور طلبی سوق می دهد . پدیده خشونت در خانواده : در گذشـته پدیـده خشونت در خـانواده زیاد به چشم می خو.رد ، نگرش حـاکم بر اکثر جوامع چنین بود که خانواده محیطی خصوصـی هست و دیگران ، جامعه و دولت حق هیچگونه دخالت در امور شخصی افراد را ندارند ، بطوریکه رفتار خشونت آمیز که در محیط

هـای عمومی صورت می گیرد بعنوان خلاف آشکار محسوب می گردد و پیگرد قانونی دارد .اما انجام دادن همین رفتار در محیط خصوصـی خانواده ، بصورت حق و وظیفه پـدر و مادر و یا حق شوهر نسـبت به زن مطرح میشود و نه تنها این اعمال قبیح نبوده بلکه از افراد قربانی تقاضا می شود که خود را با شـرایط موجود وقف داده و آن را تحمل کننـد .امروزه در کشور های صـنعتی مشـخص شـده که اعمال خشونت چه در اماکن عمومی و چه خصوصـی جرم است .معمولا پدیده خشونت در خانواده از طرف بزرگسالان و مردان اعمال می شود و بایـد تحت نظر و دقت بیشتری قرار گیرد ، چون در محدوده خانواده همیشه خشونت از جانب افراد قدرتمند حـال از لحـاظ قـدرت بـدنی ، اقتصـادی و اجتمـاعی بر فرد کم قـدرت اعمـال می شود. و چون فرد کم قـدرت از لحاظ اقتصادی و اجتمـاعی ضـعیف است به فرد قدرتمنـد وابسته می باشـد و از آن جا که از حقوق انسانی و اجتماعی خود آگاه نیست قادر به پایان بخشیـدن به این شـرایط نمی باشد . زندگی را به خود سـخت می گیرد . خشونت نسبت به زنان : خشونت به زنان نه تنها محدود به خشونت بـدنی نیست بلکه هر رفتاری که مرد به قصد اثبات قدرت خود به زن داشـته باشد خشونت است . خشونت فیزیکی یا بدنی شامـل ؛ انـواع بـدرفتاری هـا مثـل شـلاق زدن ، صـدمه زدن به اشیاء و لـوازم زنـدگی به خصـوص وسـایلی که زن نسبت به آن ها دلبسـتگی خـاص دارد ، تلفن هـای مکرر ، تعقیب و جاسوسـی ، تهدیـد کلامی و غیره . خشونت روانی : شامل بـدرفتاری کلامی و عاطفی مثل تمسـخر در جمع ، تحقیر وضـعیت جسـمانی و ظاهری ، دشـنام و ناسـزا که نتیجه آن از بین رفتن اعتماد به نفس و به هم خوردن تعادل روانی و تمایل به خودکشی می باشد . پایان ....

توازن بین کار و خانواده

کن لیزوت-باربارا.آلیتواک

تهیه و تنظیم:مرتضـی هوشـمند: به نظر شـما توزان چیست؟ وقتی به تعادل واقعی می رسـیم که مطابق خواسته ی درونی مان زندگی کنیم. احسـاس تعـادل هنگـامی به مـا دست می دهـد که نوعی مرکزیت در خود حس کنیم ؛ احسـاس کنیم از درون ، به کاری که انجام می دهیم، اعتماد داریم. هرکـدام از ما ترکیب منحصـر به فردی از احساسات ، افکار ، عقایـد ، توانایی ها، خاطرات و خواسـته هاییم. آنچه یکی از ما را به تعادل می رساند ، حتماً نباید دیگران را نیز به تعادل برساند. من عاشق موسیقی سـنتی ام ، تو موسیقی پـاپ و بزن و بکوب را می پسـندی . من علاـقه ی زیـادی به زیتون دارم ، تو از آن متنفری . من تنهایی را دوست دارم ، تو دوسـت داری همیشه در میان جمع باشـی ...معیارهایتان را مشـخص کنید. ما بیشتر عمرمان را صـرف رسـیدن به معیارهای دیگران می کنیم. سعی می کنیم از روش زندگی آنان تقلید کنیم ، چون به ظاهر ، زندگی موفق و رضایت بخشـی دارند ، اما باز هم ته دلمان راضـی نمی شود ●. دادسـتانی از رشـته ی حقوق نفرت دارد ، اما نمی تواند پدر و پدربزرگش را که حقوقدان بوده اند ناامید کند و دست از کار بکشـد. او قطعاً به آنها نخواهد گفت که دوست داشـته بازیکن گلف شود. برداشت من از توازن شخصـی این است که نیمه وقت کار کنم و در بقیه ی اوقات به خانواده ام رسـیدگی کنم.دوست دارم در زندگی ، دوسـتان زیادی داشته باشم ، بیشتر اوقات با دوسـتانم بـاشم و خلاـصه تمـام اوقـاتم پر باشـد. زنـدگی ای را می خواهم که به من مجـال رشـد دهـد ؛ مطالعه ، تفکر ، بحث های روشـنفکری با همکاران ! عبور از موانع قبل از هر کاری ، خونسـرد و صـبور باشـید و استراحت کنیـد. در یک صـندلی نرم و راحت بنشینید. بارها را از دوشتان بردارید و به زمین بگذارید. آهسته نفس عمیقی بکشید. اجازه دهید تا افکار و نظرهای مختلف ، آزادانه به ذهنتـان وارد شود و از این که ببعضـی از آنهـا به انـدازه ی کـافی عملی ، منطقی و معقول ، یـا به عبـارتی قابـل اجرا نیست ، هیچ نگران نباشـید. حال شروع به یادداشت آنچه به ذهنتان وارد می شود ، بکنید و شاهد به جریان افتادن ذهنتان در ارائه ی راه حل های مختلـف باشـید : کمـک خواسـتن از فامیـل و دوسـتان ، شـرکت در میهمـانی هـای و مراسـم مختلـف ، کمـک گرفتن از همکـار یا همکلاسـی و ...بعضـی از راه حل ها شاید نامعقول و غیر منطقی باشد . همه ی آنها را بنویسـید. دوسـتان و همکارانتان را نیز در این

رونـد وارد کنیـد و ببینیـد که راه حـل هـا و پیشـنهادهای مختلف چگونه فقـط بایـد از این که دوسـتان و همکارانتـان افراد مثبتی اند اطمینان حاصل کنید. مشـکلات و موانع هر قدر هم مهیب باشد همیشه به نوعی قابل مواجهه و حل شدنی است . بی پولید؟ شغلی را پیـدا کنید ، کاری را شـروع کنید ، از دوسـتانتان قرض بگیرید ، دستفروشـی کنید. تصویری از موانع وقتی فقط به موانع فکر کنید و روش های از میان برداشتن آنها ، مانند حرکت کمی ناامید می شود. اما هنگامی که از موانع و مشکلات به منزله پله ای برای صعود استفاده کنید ، آنها مسیرهای جدیدی را پیش روی شما خواهند گذاشت و کمبودهای شما را نمایان خواهند کرد. زمانی که متوجه شدیـد چیزی را نداریـد ، ولی دوست دارید که داشته باشـید ، به نوعی خودآگاهی از آنچه می خواهید ، و نحوه ی دست یافتن به آن ، رسـیده اید. بنابراین برای آنکه به گونه ای موثر بتوانید موانع را از سـر راهتان بردارید ، ابتدا آنها را تعریف کنید. زندگی همه ی انسان ها همیشه با انواع مختلفی از مشـکلات همراه است. از بسـیاری جهات ، زندگی به معنای برخورد با مسائل و حل آنهاست. بنابراین همیشه به مشـکلات به مثابه تابلوهای راهنمایی نگاه کنید که شـما را در مسیر حرکتتان به جلو و هنگام حرکت آزاد ذهنی ، راهنمایی می کننـد. تسـهیل در رفع موانع زمانی که بتوانیـد موانع و مسائل موجود در زنـدگی تان را تعریف کنیـد ، رفع و حل آنها فقط به ایمان و تفکر مثبت شـما بستگی خواهد داشت. شما می توانید هر مانعی را ، هر چند سخت و بزرگ ، از سر راهتان بردارید. غیر از این هر فکری بکنید ، همان طور که قبلاً گفتیم فقط بهانه ای برای سـعی نکردن است. یک روش ساده ی سه مرحله ای برای رفع موانعیم. هر چند ساده بودن همیشه به معنای راحت بودن نیست . باور کنید که می توانیدسـعی کنید به توانایی تان در رفع موانع ، اعتقاد نداشته باشـید و ببینید که آیا در آن صورت پیشرفتی خواهید کرد ؟ دکتر چارلز گارفیلد ، متخصص ایجاد و پرورش انگیزه و محقق اثری درباره افرادی که در رده های بالا فعالیت می کننـد ، معتقـد است تنها مشـخصه ی اصلـی آنهایی که به اهـدافشان می رسـند ، این امر ساده است که ((به توانایی انجام کارها و رسیدن به هدفشان اعتقاد راسخ دارند.)) او تاکید می کند که تحصیلات ، زن یا مرد بودن ، قـدرت بـدنی ، هوش ، داشـتن آشـنا در میان مقامات ، هیـچ کـدام به انـدازه ی این باور اهمیت نـدارد. نتیجه ی تحقیقـات وسـیع وی بر روی افراد کاملاـً موفق ، این امر بـدیهی است که خودباوری مهم ترین اصل است.خود را در حال رفع مانع تصور کنیـدحتی زمانی که از مانع پیش رویتان کاملاً می ترسـید ، هنوز این قـدرت را داریـد که تصور کنید زندگی بدون آن مانع چگونه خواهـد بود. تصور کنیـد که این مشـکل زنـدگی تـان رفع شـده ، شـما بر آن غلبه کرده ایـد. وه ! فقـط تصورش را بکنیـد ! زنـدگی بـدون آن چگونه خواهد بود ؟ شـما چگونه خواهید بود ؟ طوری رفتار کنید که گویی بر مشـکل غلبه کرده ایدهنگامی که تصور سخنرانی در آن همایش را می کردید ، در واقع برای خودتان طرحی ریختید و آن را تعقیب کردید. این کار به مغز در همسو کردن رفتار شـما در جهتی خـاص کمک می کنـد. بنابراین یک روز به محل همایش می رویـد ، شـجاعانه از در ورودی سالن می گذریـد و پشت تریبون قرار می گیریـد. به رغم احسـاس درونی تـان سـعی می کنیـد نقش یـک سـخنران مبتـدی خونسـرد ، بـدون اضـطراب و منظم را بـازی کنیـد. در این جـا نمی خواهیـد خودتـان را شـخص مهمی نشان دهیـد ؛ فقط می خواهیـد ثابت کنیـد که توانایی انجام دادن آن را داریـد و اضـطراب شـما را شـکست نخواهد داد. اکنون برای مبارزه آماده اید. راه را هم درست آمده اید. اگر به همین شـیوه فکر کنیـد ، یعنی طوری رفتار کنید که گویی بیش از آن چه که احساس می کنید ، اعتماد به نفس دارید ، یک روز (شایـد در اولین روز !) از میزان اعتمـاد به نفس خود تعجب خواهیـد کرد. خواهیـد دیـد که رای حضور در گردهمـایی هـا و سخنرانی برای جمع ، اشتیاق و هیجان خاصـی داریـد و در واقع منتظریـد که به جایگاه سـخنران بروید. (هر چند احتمالاً هنوز کمی اضـطراب دارید)جایی که در بین راه ، این ترس در شما از بین خواهد رفت. شما رسماً به یک سخنران توانا تبدیل خواهید شد. این مانع نیز از سـر راهتان برداشـته شده است. برنامه ریز خودتان باشـیدنقشه های بزرگ بکش ، امیدت را از دست نده و شـروع به کار کن.گوش دادن به توصـیف زندگی از زبان دیگران کار آسانی است ، بسیار آسان ! بعضی ها فکر می کنند تمام عمرشان را صرف انجام دادن کاری می کننـد که دیگران به آنها دیکته می کننـد. با این فکر شاید خیلی از کارها به درستی انجام شود اما الزاماً منجر

به ایجاد توازن در شخص نمی شود ، مگر آن که فرد از درون احساس رضایت کند.تعیین برنامه برای خود شاید کمی دشوار باشد. این کار ممکن است به معنای گفتن نه های بیشتری باشد. همچنین شاید لازم باشد کمی هنر غیر متعهد شدن یا کندن از کارهایی را که اکنون ، بر اساس بینش جدیدتان از زندگی متوازن ، انجام دادنشان را مغایر با میل باطنی خود می بینید ، تمرین کنید. شاید برای انجام دادن این کار ، مجبور شوید با چالش هایی دست و پنجه نرم کنید که در نگاه اول ، بسیار سخت یا حتی ترسناک به نظر می اید ، اما مطمئن باشید اجرای موفق برنامه ها معانی بسیار مفیدی را از زندگی ، برایتان به ارمغان خواهد آورد. برای کسب مهارت در برنامه ریزی روزانه ، باید اظهاریه ی توازن شخصی خود را محور قرار دهید و فعالیت هایی را انتخاب کنید که شما را در مسیر درست به پیش می برند. از آنجا که عمل کردن به این گفته ، مشکل تر از آن است که به نظر می رسد ● آیا واقعاً می خواهم این کار را انجام دهم؟ اگر می خواهید ، پس حتماً آن را انجام دهید ●!آیا انجام دادن این کار فوریت دارد یا باید حتماً انجام شود ؟ اگر فوریت دارد ، پس حتماً آن را انجام دهید ● ! آیا می توانم انجام دادن آن را به فرد دیگری بسپارم؟ اگر می توانید ، پس همین کار را بکنید ●! آیا می توانم کمی انعطاف داشته باشم ؟ شاید بتوانم انجام دادن آن را به زمان دیگری موکول کنم تا بتوانم امروز آنچه را که واقعاً دلم می خواهد ، انجام دهم . اگر پاسخ آری است ، پس انجام دادن آن را به تعویق بیندازید ، تعویق ، تعویق ● ! آیا واقعاً مجبور به انجام دادن آنم ، یا فقط فکر می کنم که مجبورم آن را انجام دهم ؟ اگر درباره انجام دادن کاری که نمی خواهید آن را انجام دهید ، هرگونه شکی دارید ، درباره ی نحوه ی تصمیم گیری تان در مورد انجام دادن آن دوباره فکر کنید. اگر نتوانستید تردیدتان را از بین ببرید ، آن کار را انجام ندهید ● ! آیا می توانم نحوه ی انجام دادن آن را در آینده تغییر دهم؟ اگر جوابتان آری است ، تغییرش دهید ! هفت روش برای بهبود برنامه ی کار شما ۱. کار از راه دور یا کار در خانه کار از راه دور ، نیاز به ایجاد فضای اداری برای تک تک افراد را کاهش می دهد ، باعث شادابی و ایجاد انگیزه ی بیشتر در کارکنان می شود ، و به شرکت ها این امکان را می دهد تا در نقاط مختلف کشور یا جهان نماینده داشته باشند. ۲. کار نیمه وقت یا شراکتی هر چند تبدیل کار تمام وقت به نیمه وقت همیشه به منزله ی یک انتخاب ممکن دسترس است ، نظریه کار شراکتی تا حدی تازه است. امروز برخی شرکت ها اجازه می دهند دو نفر (در صورت داشتن شایستگی لازم) به طور مشترک ، کاری را انجام دهند ، هرچند این هم نسبتاً به ندرت پیش می آید.۳. از انعطاف در برنامه ی زمانی اداره استفاده کنید. بنابراین اگر تغییر در برنامه ی شما باعث کار شما در بالاترین حد توان بشود ، کارفرما شاید از آن استقبال کند . آیا نیم ساعت دیر آمدن و نیم ساعت بیشتر کار کردن ، تغییر زیادی در زندگی تان ایجاد خواهد کرد ؟ یا اگر کار را زودتر شروع و زودتر نیز تمام کنید ، چنین تغییری حاصل خواهد شد ؟ ۴. تبدیل شدن به یک مشاور یا شروع یک کار این کار نیز تبدیل به یک روند عظیم شده است. افرادی بیشتری از شرکت ها بیرون می آیند و اعلام می کنند ((دیگر هرگز به آن محیط برنخواهیم گشت)) این کار بیشتر مناسب شرکت های بزرگ است ، زیرا بسیاری از آنها ترجیح می دهند با مشاوران خارجی کار کنند. ما هم چنین به شنیدن این جمله عادت کرده ایم که ((خواسته ی من همیشه این بوده که برای خودم کار کنم . شاید حالا ـ وقتش است.)) ۵. دائم کار موقت داشته باشید ۶. گردآوری مجموعه ای از شغل ها به تعداد زیادی از مشتری هایمان بر اساس دو یا چند شغل مختلف ، زندگی کاری شان را بنا کرده اند. منظور ما فقط داشتن دو یا چند شغل ، آن گونه که مردم مدت هاست به آن خو کرده اند ، نیست. منظور این است که به طور جدی به دنبال دو یا چند شغل همزمان باشیم.شاید آنهایی که فکر حرفه ای دارند ، این کار را نوعی بیمه بخوانند. داشتن چند کار همزمان ، اغلب به کارگیری فکر حرفه ای بیشتر را نیز موجب می شود. تعدادی از کارهای همزمان که دیده ایم عبارتند از : تدریس تاریخ / نشر روزنامه / کارشناس تزئینات داخلی منزل / تدریس زبان فرانسه ، روان شناس / نقاشی و برنامه ریزی رایانه / گویندگی داستان. ۷. بازنشستگی بسیاری از مردم به اندازه ی کافی پول دارند تا کاری را که دیگر علاقه ای به آن ندارند ، رها کنند و به کاری لذت بخش بپردازند ، اما به علت احساس گناه ، یا فشار جامعه این کار را نمی کنند. آنها یا

دوست ندارند وقتی به مردم می گویند کار خود را رها کرده اند ، به آنها چپ چپ نگاه کنند یا این که از درست بودن آن مطمئن نیستند. آنها با خود فکر می کنند ((آیا رها کردن یک شغل تضمین شده دائمی کار معقولی است ؟)) ، ((آیا خانواده و دوستان فکر خواهند کرد که او از عهده ی کارهایش برنمی آید ؟)) کاترین ، کارمند سابق اداره ی منابع انسانی ، بالاخره کار دولتی اش را رها کرد تا به رویایش درباره ی نوشتن یک کتاب جامه ی عمل بپوشاند. در نمونه ای دیگر ، آل بعد از سی سال کار به عنوان سرپرست مهندسان ، بازنشست شد و سپس عضو موسسه ی فن آوری ماساچوست گردید. او همراه پسر خوانده اش به کانادا و اروپا سفر کرد و آن قدر زنده ماند که داستانش را برای ما تعریف کرد ! انعطاف برنامه ی شما چه قدر است ؟ همیشه در حال تحول باشید. در این صورت است که به تکامل خواهید رسید. در گذشته ، اوضاع طوری بود که می شد روی خیلی چیزها حساب کرد. اگر به طور منظم کار می کردی ، کارت را خوب انجام می دادی ، و با کارفرما بحث نمی کردی ، می توانستی روی ترفیع ، افزایش منظم حقوق ، و هدیه گرفتن ساعت طلا هنگام بازنشستگی حساب باز کنی . روزگاری می دانستیم حتی اگر با همسرمان (زیاد) دعوا کنیم یا با فرزندانمان مشکل داشته باشیم ، باز هم به هر ترتیب زندگی مان طی خواهد شد و بچه ها بالاخره بزرگ خواهند شد و به هر نحوی شده در جایی مشغول کار خواهند شد. ما این طور زندگی کردیم ، پدر و مادرمان نیز همین طور ، و پدربزرگ و مادربزرگ هایمان نیز با این شیوه روزگار گذرانیده اند. اما امروز همه چیز عوض شده ، این طور نیست ؟چنین به نظر می رسد که ما با زندگی روزمره ی اطراف خود بیش از حد خو گرفته ایم .ما شاهد از هم پاشیدن لحظه به لحظه ی بسیاری از ازدواج ها ، ورزشکستگی شرکت های عظیم ، اعتیاد گسترده ی جوانان و بسیاری از مسائل بدیهی زندگی روزمره ایم که به ندرت به خود آمده و از خودمان می پرسیم ((آیا این روند روزی متوقف خواهدشد ؟)) جواب این سوال این است : احتمالاً نه . در واقع امروز برای کنترل و تنظیم امور ، گاهی مجبوریم از کنترل کردن دست برداریم. بر موجی که به راه افتاده ، سوار شوید و کمی برنامه خود را شل و انعطاف پذیر کنید. آنچه را که بر سر راهتان قرار میگرد ، بپذیرید ، سپس به مقابله اش بروید. با اتخاذ چنین روش هایی ، با وجود همه ی آشفتگی ها ، به پیش خواهید رفت. به علت پر تحول و غیر قابل پیش بینی بودن این دنیا ، بهترین و موثرترین برنامه ها ، آنهایی است که به آسانی قابل تغییر و اصلاح باشد. آیا تا به حال این گفته ی معروف را شنیده اید که ((زندگی همان چیزی است که هنگام برنامه ریزی های آینده ، اتفاق می افتد؟)) می بینید که این جمله چقدر در مورد دنیای امروز واقعیت دارد. زندگی شخصی مانند یک بازی بدانیم که قوانین آن دائم در حال تغییر است. همیشه منتظر کارهای پیش بینی نشده و حوادث غیر مترقبه باشید. چگونه می توان در این بازی برنده شد ؟ با تمرکز روی مراحل انجام کار به اندازه ی نتیجه ی پایانی آن و با پذیرش این واقعیت که از هدفی که انتخاب کرده اید اطلاع کافی دارید. برای حفظ توازن در دنیای مدرن ، مجبوریم فقط با گنجاندن اهداف و طرح های عملیاتی مان در یک چارچوب انعطاف پذیر است که می توانیم از هر نظر ، زندگی خود را در دنیای کنونی کنترل کنیم. این کار مستلزم نظارت دائم ، ارزیابی ، تخمین ، و محاسبه ی ریسک ها و مخاطرات آن است. روز انعطاف بیایید قوای انعطاف پذیری مان را با تمرین مختصری که آن را روز انعطاف می نامیم هر کاری که انجام می دهید ، از خود انعطاف نشان دهید. بنرامه ی کارتان را تغییر دهید ، نقطه نظرتان را عوض کنید ، بی شِکوه و گلایه راه دیگری را در پیش گیرید. اگر دیگران با شما موافق نیستند ، پروژه ای طبق برنامه پیش نمی رود ، یا ریسک پشرفت کار خارج از روال معمول است ، اهمیتی ندهید ، جسارت و غرورتان را حفظ کنید. وقتی هیچ کاری از دستتان بر نمی آید ، کارها را به حال خودشان واگذارید. هم چنان که روز ، پیش می رود ، تجارب خود را ثبت کنید و دقت کنید چه قدر اسان اندیشه ، طرح ها یا رفتارتان را در هر لحظه که انعطاف از خود نشان داده اید ، تغییر می دهید ، یا چه قدر مقاومت کرده اید یا مطلقاً مخالفت کرده اید. کارتان را چگونه انجام دادید ؟ آیا احساس کردید به آسانی پیش می روید ، طرح هایتان را تعدیل و افکارتان را تغییر می دهید ●؟ وقتی با یک چالش بزرگ رو به رو می شوند ، اغلب خود را گرفتار جزئیات حساس می کنند ، که نتیجه ، فلج شدن قدرت تجزیه و تحلیل ، توقف

فعالیت و انسداد عمده در کار است. به منظور ((رها ساختن)) خود ، تصویر بزرگ خیالی را در ذهنتان بشکنید و فشار وارده را آزاد کنید. لازم نیست همه چیز را فوراً انجام دهید . چینی ها یک ضرب المثل دارند که می گوید : ((سفر هزار کیلومتری فقط با یک گام شروع می شود)) . هر بار با یک گام شروع کنید و گام به گام پیش روید ●. هرگز نگران نرسیدن به کمال نباشید. نشانه های بیماری کمال گرایی عبارت است از خستگی جسمی و روانی ، سردرد ، ناکامی ، عزت نفس اندک ، و روابط ضعیف با دیگران. ارتباط عاقلانهاصول بنیادین ارتباط خوب به کمک برخی اصول بنیادین ، ارتباط شما می تواند به آسانی جریان یابد و نتایجی به بار آورد که برای همه مفید است. ۱. هرگز سرزنش ، متهم ، و بدگویی نکنید. غیر موثر : شما هرگز این جا را تمیز و مرتب نمی کنید . آدم کثیفی هستید. چرا همیشه همه چیز را می گذاری تا من انجام بدهم ؟موثر : بیا فکر کنیم چطور می توانیم خانه را تمیزتر نگه داریم. وقتی می بینم لباس هایمان دور و اطراف پراکنده است ، معذب می شوم. ۲. ترس را از خود دور کنیدرئیس اداره ناگهان یک دنیا کار جدید روی میز کارتان می ریزد و از شما می خواهد آن را فوراً تمام کنید. نه تنها تسهیلاتی و نه انتقای برای دریافت اعتراض شما وجود دارد . چاره ای جز انجام دادن کار ندارید. به نظر شما آقای رئیس مرد زبان نفهمی است که باید غاز بچراند ، درست است ؟ اما شاید جریان از قرار دیگری است ! آقای رئیس از رئیس خودش بسیار حساب می برد ، یا شاید او در پست جدید ، در مقام ناظر ، نسبتاً تازه کار است . به هر دلیلی ، منطقی یا غیر منطقی ، رئیس شما نیز باید در خفا از شما ترسیده باشد ؛ ترس از این که مبادا شما با سرعت کافی به درخواست وی واکنش نشان ندهید ، یا این که مطلقاً درخواست وی را رد کنید. ترس ها و نگرانی های رئیس را از او دور کنید. واکنش غیر موثر : ((مریضم و از این که تمام وقت دور و برم پر از آت و آشغال است ، خسته شده ام . می توانید این کار را خودتان پیش ببرید ! من کارهای بهتری برای پر کردن وقتم دارم .)) واکنش موثر : ((می توانم فوراً روی این موضوع کار کنم . البته با مشورت با شما نیاز دارم ؛ آیا می توانم کارهای دیگرم را کنار بگذارم ؟ یا کارهای امروز را تمام کنم و فردا صبح کار جدید را شروع کنم ؟ نظر شما چیست ؟ آنچه در این جا موثر است این است که به گونه ای واکنش نشان دهیم که ترس طرف دیگر قضیه تسکین یابد. ۳. هرگز تسلیم نشوید ، هرگز !بسیاری از ما خیلی زود از دیدگاهمان دست می کشیم ، پاسخ نه به سوالات می دهیم ، و اجازه می دهیم عاقبت بحثمان به نگرانی ، استدلال ، یا واکنش احساسی دیگران ختم شود.معلم ها و دانش آموزان می خواهند ساکت باشند و دقت کنند. وقتی از والدینمان توضیح می خواهیم که چرا باید چنین کاری را انجام دهیم ، در جواب فقط می گویند ((زیرا من این را گفتم ، دلیلش همین است و بس ! چنان رفتار کنید که گویی ماموریت شما حفظ و تداوم یک گفت و گوست ، اهمیتی ندارد که عواقب آن چه باشد . تسلیم نشوید ؛ ((که این طور ! بیش از این حاضر نیستم درباره ی آن صحبت کنم .)) با وجود این گاهی تسلیم شدن خوب استهمان طور که قبلاً گفتیم هیچ چیز کامل نیست. اگر چه بسیاری از ما در ارتباطاتمان خیلی زود تسلیم می شویم و از ادامه ی بحث دست می کشیم ، اما گاهی تسلیم شدن معقول و معنادار است. فصل ششمزمان به منزله ی یک متحدنگرش خود را نسبت به زمان بیازمایید آیا زمان شما را کنترل می کند ، یا شما زمان را ؟ به اظهارات زیر که در مورد زمان است ، توجه کنید. کدام یک به نگرش و سبک زندگی شما نزدیک تر است ؟۱. هیچ وقت به اندازه ی کافی وقت وجود ندارد. از آغاز روز تا هنگام رفتن به بستر در شب ، مدام در تقلا و دوندگی ام و هرگز وقت کافی ندارم.۲. همیشه همزمان چند کار دارم که باید آنها را با هم انجام بدهم. وقتی مشغول صرف نهارم ، گزارش ها را مرور می کنم ، تلفن می زنم و به تلفن جواب می دهم ۳. ای کاش می توانستم برای خودم هم کمی وقت داشته باشم. اما همیشه سرِ کار ، خانواده یا دوستان به خاطر بعضی کارهای نسبتاً فوری و ضروری تماس می گیرند . درست مثل یک راننده ی آمبولانس ! راه گریزی به نظرم نمی رسد. ۴. همیشه دیر می رسم . هر قدر هم تلاش می کنم نمی توانم به موقع از خانه خارج شودم همیشه قبل از ترک منزل متوجه دو سه چیز کوچک می شوم که راهم را سد می کنند و بیش از حد معقول وقتم را می گیرند. ۵. آن قدر وقت اضافی دارم که نمی دانم با آن چه کار بکنم. الان بیکارم و فقط به آگهی های

استخدام نگاه می کنم و شرح سوابق شغلی ام را به جاهای مختلف پست می کنم ، شاید کاری پیدا کنم. جز این کار ، تمام روز را بیکارم. چه کار باید بکنم؟ واقعاً کلافه شده ام. درباره ی نگرش ها و طرز برخوردمان با مسئله ی زمان صحبت می کنیم. این طور نیست ؟ نگرانی ها و تشویش های مردم ناشی از تصمیم هایی است که درباره ی کارهای لازم الاجرا و نیز کارهای اجتناب ناپذیر می گیرند. زمان به تنهایی ربطی به این تشویش ها و نگرانی ها ندارد. مسائل زمانی حال به مسائل زمانی خودتان نگاه بیندازید. برداشت شما از زمان و رابطه تان با آن چیست؟به راه حل هایی که ممکن است به مسائل زمانی شما مربوط شود ، توجه کنید. ۱. از آدم های محفل نشین دوری کنید. تا حد امکان فقط در مواقع ضروری در جلسه ها و محافل شرکت کنید. ۲. کارهایتان را دسته بندی کنید. ۳. نماینده داشته باشید ، لازم نیست همه ی کارها را خودتان انجام دهید. ۴. میز کار و اتاق کارتان را مرتب و منظم نگه دارید . کاغذهای باطله و مطالب خواندنی قدیمی را دور بریزید. ۵. از فهرست های کارهای لازم الاجرای روزانه یا هفتگی استفاده کنید. اولویت های کاریتان (اول ، دوم ، سوم و ...) را با ماژیک های رنگی مشخص کنید. ۶. تا اندازه ای حریم خصوصی خود را حفظ کنید. وقتی در منزل یا سر کار هستید و در چیزی تمرکز و تامل می کنید ، تلفن را قطع کنید ، روی در اتاق تابلو لطفاً مزاحم نشوید را نصب کنید و رادیو و تلویزیون را خاموش کنید. ۷. مدت زمان کارهایتان را ثبت کنید. هرچند وقت یکبار میزان استفاده ی موثر از وقت خود را ارزیابی کنید. ۸. برای خود و دیگران ضرب الاجل تعیین کنید. وقتی وظایفمان را در یک چارچوب زمانی قرار دهیم ، استفاده ی موثرتری از زمان می کنیم. گوش مفتهرکس دوستانی دارد که با او تماس می گیرند و آن قدر حرف می زنند که گویی خیال ندارند گوشی تلفن را بگذارند. برای گریز از این مخمصه ● : فوراً بگویید ((خداحافظ ، باید قطع کنم)) . بیش از حد ساده به نظر می رسد ، اما باور کنید خیلی موثر است ●. با گفتن ((ببخشید ، باید قطع کنم ، چون کس دیگری هم پشت خط منتظر است)) به مکالمه پایان دهید ●. هرگز به افراد وراج تلفن نزنید ●. هنگام مکالمه تلفن را قطع کنید ●. پیام ها را با دستگاه پیام گیر بشنوید . فقط وقتی واقعاً تمایل دارید ، گوشی تلفن را بردارید ●. حقیقت را بگویید : ((خداحافظ ، می خواهم گوشی را بگذارم.)) تعداد جلسات کمتر یعنی بهره مندی از وقت بیشتر در اینجا چند پیشنهاد برای جلوگیری از تداخل جلستان با کار واقعی تان ارائه شده است ● : جلسات را در پایان روز ، به ویژه روز کاری آخر هفته تشکیل دهید. همه دوست دارند جلسات سریع تر تمام شود و تمایل زیادی به طفره رفتن و گریز از موضوعات مربوط به جلسه و سخن فرسایی درباره ی تمام جنبه های یک مسئله یا راه حل های آن ندارند ●. در جلسات همه را سرپا نگه دارید. مردم مایل نیستند مدت زیادی سرپا بایستند ، مگر این که مجبور باشند ●. در بخش هایی از جلسه شرکت کنید ، نه در تمام بخش های آن . در برخی جلسات ممکن است فقط برخی موضوعات به شما مربوط شود ، در واقع سایر موضوعات شما را با موضوعات کاری گسترده تری درگیر می کند. اگر می توانید پیش گویی کنید که کدام بخش از جلسه شخصاً به شما مربوط می شود ، طوری برنامه ریزی کنید که فقط برای همان بخش در جلسه حاضر شوید ●. جلسات و ملاقات هایتان را بلافاصله پشت سر هم قرار دهید. ما همواره از این روش استفاده می کنیم و همیشه تاثیر آن شگفت آور است . وقتی یک جلسه را درست بعد از جلسه ی دیگری در برنامه می گذارید ، مجبورید فوراً به اصل موضوع بپردازید. به این ترتیب بهسرعت یاد می گیرد ●.فوراً قضیه را حل و فصل کنید. گاهی کسی می خواهد درباره ی موضوعی که فوراً قابل حل و فصل است با شما جلسه ای داشته باشد. وقتی کسی به هر دلیلی از مشا درخواست می کند جلسه ای با او داشته باشید فوراً قضیه را حل و فصل کنید. اغلب می توانید با پنج یا ده دقیقه صحبت ، مسائلی را حل کنید که ممکن بود به یک جلسه ی یک یا دو ساعته منتهی شود.

اقتصاد خانواده

تدوین : طاهره کشوادی خلاصه کتاب: هومن آذربرزمین: خانواده اولین محل پرورش نیروی انسانی سالم و مولد کار است . سرمایه

های انسانی ، بهترین سرمایه ها در فرایند پیشرفت جوامع می باشد . پرورش انسان توانمند نیز در محیط خانواده سالم ، صورت می گیرد . این فرایند معمولاً دوره ای طولانی را طی می نماید . البته در جوامع روستایی این دوره کوتاهتر است و فرزندان از دوران کودکی و نوجوانی به کمک پدرو مادر در اموری مثل کشاورزی ، دامداری ،قالیبافی و ... می ایند ولی جوامع شهری با توجه به رشد صنعت و تکنو لو ژی و تخصصی شدن امور ، این دوره به بیش از ۲ دهد از عمر فرزندان بالغ می شود .

اقتصاد در خانواده تدوین : طاهره کشوادی حروفچین : مصطفی رضاییطراحی جلد و صفحات داخلی : ندا سهرابی مطلق فاضلیصفحه آرایی : شادی حیدری نوبت چاپ : سوم ، زمستان ۱۳۸۶ (به سفارش مرکز امور زنان و خانواده)شمارگان : ۳۵۰۰۰ نسخه انتشارات : داشگاه پیام نور شابک : ۹-۳۵۰-۳۸۷-۹۶۴-۹۷۸۹-۹۶۴-۳۸۷-۳۵۰-ISBN:۹۷۸فهرست مطالب فصل اول : تولید در خانواده ایجاد و تربیت نیروی انسانی اشتغال زنانفصل دوم : مصرف در خانواده اولویتهای مصرف و مخارج خانوادهتغذیه پوشاک مسکنتحصیلبهداشت و درماناوقات فراغت : مهمانی ، مسافرت تفریحتزئین ، آرایش ، عطر ، وسایل رفاهیانفاق ، تعاون ، مددکاری مصارف شرعی ، پرداخت مالیاتصرفه جویی در مصرففصل سوم : آموزش رفتارهای مطلوب اقتصادی به فرزندان فرزندان و خریدفرزندان و پولفرزندان و حفظ اموالفصل چهارم : مشکلات حاد اقتصادی وراهکارهای برون رفت از آنها علل پیدایش مشکلات راهکارهای درون خانوادگی مدیریت صحیح استفاده از پس اندازهاحمایت های فامیلی راهکارهای برون خانوادگی بیمه هاکمیته امداد امام خمینی (ره)سازمان تامین اجتماعیسازمان بهزیستی فهرست منابع فصل اول تولید در خانواده « وامددناکم باموال و بنین » « و شما را به وسیله مالها و فرزندانتان یاری نمودیم و توانمند کردیم .» تولید در خانواده به دو گونه است . الف : ایجاد و تربیت نیروی انسانی ب: کسب درآمد ایجاد و تربیت نیروی انسانی خانواده اولین محل پرورش نیروی انسانی سالم و مولد کار است . سرمایه های انسانی ، بهترین سرمایه ها در فرایند پیشرفت جوامع می باشد . پرورش انسان توانمند نیز در محیط خانواده سالم ، صورت می گیرد . این فرایند معمولا دوره ای طولانی را طی می نماید . البته در جوامع روستایی این دوره کوتاهتر است و فرزندان از دوران کودکی و نوجوانی به کمک پدرو مادر در اموری مثل کشاورزی ، دامداری ،قالیبافی و ... می ایند ولی جوامع شهری با توجه به رشد صنعت و تکنو لو ژی و تخصصی شدن امور ، این دوره به بیش از ۲ دهد از عمر فرزندان بالغ می شود . کسب در آمد کسب در آمد راه دیگر تولید در خانواده است که معمولا به ۳ گونه میسراست : کار ارث ، در یافت هدایا ، جوایز سرمایه گذاری و پس انداز کسب در آمد ، راهها و ملاک ها :۱- اولین راه کسب در آمد ، کار واقعی با تو جه به اهمیت شان و مقام روحچ و معنویت اشان ، بعد روحانی او بر جسمش مقدم است لذا در تقابل دین و ابرو ، این ابرو ، است که فدای دین می شود و در تقابل آبرو و دنیا ، دنیاست که فدای آبروی انسان می شود ،در مسئله کار و تامین درآمد هم باید مراقبت نمود که این اولویت ها حفظ شود .صحیح نیست برای به دست آوردن در آمد ، شرف و انسانیت فرد فدا شود و فرد از هر راهی ولو باتن دادن به خواسته های پست دیگران به تامین در آمد پردازد .معیار های کار و اقعی :۱-کار باید مطابق توان و علاقه و استعداد فرد باشد به گونه ای که او ازانجام دادن آن احساس مفید و رضایت مندی داشته باشد .۲- کار باید به استقلال جامعه در ابعاد سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... کمک نماید . ۳- کار باید مولد باشد ، مولد کالا و خدمات و ... ۴- کار باید دارای شرایط پیشرفت و ترقی و پایداری باشد . ۵- کارباید دارای ... باشد و به عبارتی نان حاصل از کار حلال باشد و ۲- راه دوم : دریافت هدایا ، جوایز و ... بخش دیگری از راههای کسب و در آمد خانواده می تواند از طریق هدایا مثل هدیه های عقد عروسی ، ارث جوایز و عیریها باشد .۲- راه سوم : سرمایه گذاری و پس انداز ۳- معمولا خانواده با مدیریت صحیح اقتصادی مثل داشتن اولویتهای مصرف ، صرفه جویی در هزینه های غیر ضروری و پس انداز مازاد در امد و... می تواند اموال خود را به روشهای مختلف سرمایه گذاری نماید . سرمایه گذاری و روش ها ی ان الف : می توان با خرید اوراق سهام شرکت ها در سود انها مشارکت نمود و ب: خرید اوراق مشارکت یکی از راههای دیگر سرمایه گذاری می باشد و ج : با سپرده گذاری در بانکها به روش های کوتاه مدت ، دراز

مدت ، ارزی ، در این روش بانکها به تناسب ، سودهایی را در نظر گرفته و به سپرده گذارمی پردازد .د: خرید زمین برای تهیه مسکن خود یا فرزندان ، خرید باغ یا مزرعه .اشتغال زنان با تغییر جوامع از وضعیت سنتی به وضعیت امروزی کار زنان دچار دگرگونیهای زیادی شده است . زنان در طول تاریخ همواره به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در تامین معاش خانواده همکاری داشته اند . ولی امروزه امر اشتغال زنان به ورت جدی تری مطرح شده است ، تمیم گیری در مورد اشتغال زنان با خرد ورزی و تعقل انجام گیرد .لذا توجه به نکات ذیل ضروری می نماید :۱- در مقایسه بین آفرینش و خلقت زن و مرد ، زن به طور طبیعی عهده دار امر باروری و زحمات و سختیهای ناشی از ان می باشد . ۲- وظیفه نگهداری و تربیت کودکان بریا زنان مناسب تر از مردان است ، تحقیق نشان می دهد که مهد کودک ها نمی توانند وظیفه مادران را در نگهداری کودکان ایفا نمایند و احتمال زیادی وجود دارد که نوزادانی که در سال اول زندگی بیش از ۲۰ ساعت در هفته در مهد کودک نگهداری می شوند به پرخاشگری مبتلا شوند و بعدها در مدرسه با معلمین همکاری نکنند .۳- نوزاد تا سن یک سالگی بیش از تمام سنین زندگی خود اطلاعات کسب می کند مقدار این اطلاعات به عکس العمل و علاقه والدین به خصوص مادر ، بستگی دارد و زیرا به دلیل داشتن احساسات لطیف و عواطف زنانه و مادرانه تربیت و پرورش فرزندان را انجام می دهد . ۴- از دیدگاه اسلام وظیفه تامین مخارج خانواده و زندگی و پرداخت نفقه زن مطابق شان وی برعهده شوهر بوده و مخارج فرزندان را نیز پدر باید تامین نماید . تامین مخارج خانواده زن واجب نیست . ۵- فصل دوم :۶- مصرف در خانواده برای داشتن مصرف صحیح ، برنامه ریزی اقتصادی لازم است . از انجا که مصرف بریا تامین نیاز می باشد و نیازها هم هرروز تنوع و تعدد بیشتری می یابد و از طرف دیگر منابع در امدی خانواده محدود می باشد ، باید نیازها را طبقه بندی و تعیین اولویت کرد تا بین در امد و هزینه ها ایجاد تعادل شود . اولویتهای مصرف و مخارج خانواده از یک دیدگاه نیازها دو گونه اند : نیازهای واقعی و نیازهای غیرواقعی و جعلی به عبارتی برخی از نیازها برخاسته از وضعیت طبیعی وجود انسان است مثل نیاز به خوراک ، پوشاک ، مسکن ، اموزش و بهداشت تفریح و سرگرمی ، مسافرت ، رفت و امد و مصاحبت با دیگران و برخی دیگر نیازهایی است که انسان بریا خودش ایجاد و جعل می کند مثل نیاز به سیگار و یا وقتی بریا گذران نیاز به یک خانه ۳۰۰ متری می شود که تازه باید با انواع واقسام وسایل و مبلمان هم اراسته شود . چه خوب و نیکو است که زن و شوهرهای جوان از اغاز زندگی با همفکری و گفتگو برای وضعیت اقتصادی اینده خود برنامه ریزی داشته باشند تا بتوانند بهتر برمشکلات اقتصادی فائق شوند و رفاه نسبی برای خود فراهم نمایند و حتی بیشتر از آن بتوانند به دیگران هم کمک کنند در برنامه ریزی اقتصادی ابتدا باید :۱- با تعیین هدف ، اطلاعات لازم را جمع آوری کرد . ۲- بودجه خانواده را پیش بینی نمود . ۳- راههای مختلف برا اجرای نمودن بودجه خانواده در نظر گرفت .هدف کلی در برنامه ریزی اقتصادی داشتن خانواده ای سالم و موفق از نظر جسمانی – روانی می باشد . تغذیه از مهمترین نیازهای انسان ، نیاز به خوراک به معنی اعم آن شامل آب ، غذا ، میوه ، ... می باشد نیاز انسان به غذا و آب چنان زیاد است که بدون آن بیش از چند روزی را نمی تواند زنده بماند ، لذا اولویت اول در تامین نیازهای مادی ، تامین نیازهای غذایی است که باید افراط و تفریط به آن پرداخته شود . چنانکه امام رضا علیه السلام می فرمایند :« اگر مردم حد میانه را در خوراک رعایت میکردند بدنهایشان پایدار میماند .»بدون غذای سالم ، زنده ماندن امکان ندارد .برای فعالیت های مختلف بدن در سنین کودکی و جوانی و پیری به مواد غذایی گوناگونی نیاز است که عمدتا به ۴ گروه اصلی تقسیم می شوند که عبارتند از :پروتینها ، ویتامین ها ، قندها و چربیها . البته می توان دربرخی شرایط جایگزین هایی را رد سبد غذایی خانواده قرار داد . ملاـ در مصرف گوشت می توان از سویا یا قارچ استفاده کرد و به جای مصرف برنج و نان ، سیب زمینی یا ماکارونی را به کار برد . پوشاک « ای فرزندان ادم برای شما لباس را آفریدیم تا زشتی های بدن شما را بپوشاند وزینت شما باشد .» لباس ، زینت بدن و پوشش و حفاظ ان از سرماو گرما می باشد . نعمتی را که خدای لطیف و رحیم به وسیله ایجاد مواد اولیه و تهیه و استفاده آن را در اختیار بشر قرار داده است . لباسهایی از کتان

و پنبه و پشم و ابریشم و حریر برای حفظ و زینت بدن ، لباسهایی مثل زره که برای دفاع از بدن در مقابل دشمنان است . باید توجه داشت که بخش دیگری از مصرف خانواده به تهیه پوشاک تعلق می گیرد . هر چند که در بخش خوراک به دلیل مصرف دائمی ، در آمد پی در پی به مواد غذایی تبدیل می شود ولی این سرعت در مورد تهیه لباس این گونه نیست . به خصوص در سنین بعد از کودکی و بلوغ که رشد بدن تقریبا متوقف می شود می توان لباسها را به مدت زمانی بین چند ماه تا چند سال استفاده نمود . مسکن یکی از مهمترین نیازهای زندگی بشری ، نیاز به مسکن است . برای داشتن مسکن خوب توجه به برخی نکات ضروری می نماید . ۱- از ویژگی های مهم مسکن خوب ، همسایه خوب است . لذا بریا سکونت در هر خانه و منطقه تحقیق و پرس و جو کمک مهمی بریا داشتن آرامش مادی و روحی است . این ضرورت در مورد خرید مسکن به مراتب جدی تر از اجاره مسکن است . در حدیث شریف از اما امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است که : « قبل از مسافرت از وضع رفیق (هم شهرت) و قبل از سکونت در خانه ای ، از وضع همسایه ات تحقیق و پرس و جو کن . ۲- ویژگی استحکام بنا ، ضرورت غیر قابل انکاری بریا تهیه مسکن است با توجه به زلزله خیز بودن تقریبا در همه مناطق باید این ویژگی در نظر گرفته شود . ۳- وضعیت داخلی بنا از جهت آفتابگیر بودن اتاقها ، اندازه و تعداد اتاقها به مقدار نیاز ، عامل مهمی بیا ایجاد ارامش در محل سکونت است هم چنین در کاهش مصرف برق و گرما در روز به خصوص درزمستان موثر است . ۴- از جهت جغرافیایی محل سکونت ، نزدیک بودن مسکن به محل کار و تحصیل ، داشتن امنیت ، نزدیکی به مراکز بهداشتی ، درمانی ، ورزشی و مراکز خرید و خدمات عمومی و هم چنین نزدیک بودن به محل سکونت بستگان از ویژگی های خوب مسکن خوب است . راههای تهیه مسکن یکی از طریق مسکن اجاره نمودن خانه یاآپارتمان است . اجاره نشینی از یک جهت سخت و از جهتی دیگر مفید است . از جهت اینکه مستاجر دغدغه مالیات و عوارض و اسفالت پت بام و نم کشی دیوار همسایه و تعمیرات اساسی و غیر اسسای را ندارد مفید است و از جهت اسباب کشیهای سالانه و دائم در فکر پیدا کردن مسکن مناسب بودن ، هزینه های حمل اسباب کشیهای سالانه و دائم در فکر پیدا کردن مسکن مناسب بودن ، هزینه های حمل اسباب و کرایه ماشین و پرداخت حق بنگاهی سخت است . بنابراین بهتر است خانواده هر چه زودتر به خرید مسکن اقدام نماید.خوشبختانه امروزه به شیوه های مختلف ، به صاحب مسکن شدن مردم کمک می شود مثل اجاره به شرط تملیک ، ارائه تسهیلات بانکی و... تحصیل « اطلبوا العلم و لو بالصین فان طلب العلم فریضه علی کل مسلم » « در پی آموزش دانش باشید ولو در چین ، همانال طلب علم بر هر مسلمانی ضروری است .از اقلام سبد هزینه خانوار ، خرج تحصیل افراد خانواده می باشد . امروزه اموختن سرعتی بهمراتب افزون تر از گذشته دارد غیر از آنکه گسترهٔ آن تمام افراد خانواده را در بر گرفته است . پدر . مادر ، فرزندادن هر یک به گونه ای در درس و کلاس و مدرسه ای به کسب علم پرداخته اند . خانواده اگاه در انتخاب بین لوازم اضافه و تزیئنات و دکوراسیون و ... یا خرج تحصیل بچه ها حتما هزینه های تحصیل و اموزش ی را انتخاب خواهد کرد و بدین وسیله موفقیت و شادکامی ایند ه فرزندانش را فراهم خواهد نمود و هم چنین تبعات تحصیلی فرزندان را مثل صرفنظر نمودن از میهمانی دادن و یا مهمانی رفتن در ایام امتحانات بچه ها و سفر های غیر ضرو ری را قبول خواهد کرد . بهداشت و درمان حضرت رسول اکرم (ص)می فرمایند : « بهداشت را رعایت کنید به هر میزان که در توان دارید . همانا خداوند تعالی اسلام را بر پایه نظافت و بهداشت بنا کرد و هر گز داخل بهشت نمی شود مگر فرد پاکیزه. از اقلام سبد هزینه خانوار بخشی هم به بهداشت و درمان اختصاص دارد و هزینه بریا بهداشت به سرایت به صرفه تر از پرداخت هزینه درمان است و خود باعث جلوگیری از ایجاد بیماریها و هزینه های گران درمان می شود .مدیریت خانواده (به خصوص زنان) نقش مهمی در ایجاد تقویت رفتارهای صحیح بهداشتی در داخل و خارج خانه دارند . نظافت عمومی اتاقها و فضای خانه ، تهیه بهداشتی غذا ها ، نظافت آشپزخانه که کانون مهمی برای تکثیر میکروبها است . شستشو و اتوی لباسها و هم چنین عادت دادن بچه ها به نظافت دائمی دستها و دندانها ، استحمام ، مرتب کردن رختخواب و البسه و لوازم شخصی خود رفتارهای ساده و عادی روزمره است ولی در مواقع از بسیاری

بیماریها و از تحمیل هزینه های گزاف بر خانواده جلوگیری می کند . علاوه بر این رفتارهای بهداشتی خارج از منزل به طور غیر مستقیم بر بهداشت خانواده تاثیر گذار است ، که باید به آن توجه نمود .اوقات فراغت : مهمانی ، مسافرت ، تفریح همه زندگی کار نیست بلکه برای بهتر کار ردن فرصت هایی برای رسیدگی به خویشتن و نیز تفریح لازم است . خانواده سالم سعی دارد بخشی از در امد و زمان خود را به تفریح سالم اختصاص دهد . تفریحات می توانند به شکل مسافرت ، گردش در تفرجگاه هها ، مهمانی دادن ، مهمانی رفتن ، دیدو بازدید های فامیلی و دوستانه باشد . انچه که مهم است دوری کردن از ریخت و پاش و اسراف و چشم و همچشمی ، رعایت حریم های خانوادگی مثل حفظ حجاب و پرهیز از نگاه حرام و دوری از غیبت و تمسخر و فخر فروشی و نیز حفظ حریم های اجتماعی مثل رعایت قوانین ، حدود مالکیت افراد و دوری از رفتارهای آزار دهنده به دیگران می باشد .یکی از بهترین استفاده ها در روزهای تعطیل دیدن اقوام و نزدیکان به خصوص پدر و مادر است . پدران و مادران که معمولا در دهه اخر عمر هستند احتیاج به محبت و رسیدگی و دیدن فرزندان و نوه های خود دارند .چه خوب است ، برخی از جمعه ها ، خود و فرزندانما در نماز جمعه شرکت کنیم که همین امر غیر از انکه انجام یک وظیفه دینی – سیاسی است . حضور در فضای معنوی نماز جمعه و هم نشینی با افراد مومن و استفاده از مزایای جانبی نمایشگاه های کوچک و بزرگ کتب ، نوار ، CD، مجلات و ... موقعیت با ارزش و مطلوبی برای گذراندن یک روزتعطیل می باشد .برگزاری مهمانی های سالم و دو ستانه ، استفاده دیگری برای گذران اوقات فراغت می باشد و می توان برای کمتر شدن هزینه مهمانی ها با یک نوع غذا از مهمان ها پذیرایی کرد و یا حتی در میهمانی های خیلی دوستانه هم به گونه ای اشتراکی غذا را تهیه نمود و برای کمتر کردن زحمت میزبان با او به همکاری پرداخت . مثل همکاری در پذیرایی و جمع و جور کردن وسایل و شستشوی ظروف و ... تا بعد از یک روز تعطیلی خستگی بر تن صاحب خانه نماند. تزئین ، آرایش ، عطر ، وسایل رفاهی امام صادق (ع) می فرمایند : « همانا خداوند عزو جل زیبایی و آراستگی را دوست دارد » .از موارد استفاده صحیح در آمد خانوار تهیه وسایل ارایش و نظافت و عطر می باشد آنچه از تعالیم دینی رسیده تاکید بر اراستگی ظاهری انسان چه در محیط خانه و چه در برخورد با عموم مردم دارد . برخی از عالمان آراستگی ظاهری را ، حقبزرگ انسانی و اجتماعی ، می دانند ، زیرا اینکار موجب خرسندی مردم می شود . پس همه بایدملزم به ان باشند، چون در اجتماع ظاهر می شوند و با یکدیگر روبه رو می گردند و روی یکدیگر تاثیر می گذارند . در خانواده زن و شوهر باید خود را ملزم بدانند که در محیط خانه تمیز ، مرتب و آراسته باشند و البته برای این کار لزومی به مصرفهزینه های بالا و اسراف نیست ، می توان با حمام های یک روزدر میان ، شستشوی ساده موها و شانه زدن یا برس کشیدن به آن ، پوشیدن لباس تمیز و مرتب و استفاده کرد . استفاده از عطر در حال عبادت و در خانواده توصیه شده است . امام رضا (ع) می فرمایند : « شایسته است که انسان هر روز عطر بزند و اگر نتوانست یک روز در میان و اگر نتوانست و در هر جمعه و این اندازه را ترک نکند ، خوشبویی موجب جلب دلها می شود . نماز معطر ثوابی برابر با هفتاد نماز بدون عطر را دارد . زیرا ملائکه و قوای معنوی و ماموران الهی که به نماز و عبادتاشان متوجه اند از بوهای خوش تغذیه می شوند و این موجب جذب و توجه بیشتر انان می گردد . باید بخشی از هزینه های سبد مصرف خانواده را با توجه به اصول تنظیم بودجه خانواده برای تهیه وسایل رفاهی و اثاثیه منزل که باعث کمتر شدن زحمات کار در خانه و اسان شدن امور می گردد، اختصاص داد . انفاق ، تعاون ، مددکاری امام علی علیه السلام می فرمایند می فرمایند : فقیران مسلمین را در زندگی ، شریک خویش سازید ، قانون طبیعت از انسان می خواهد کار کند و مخارج خود و خانواده را بدست آورد ولی مواردی است که افرادبه دلایلی مختلف از تامین مخارج زندگی خود و خانواده را بدست آورد ولی مواردی است که افراد به دلایلی مختلف از تامین مخارج زندگی خود و خانواده عاجزند در چنین مواردی وظیفه دولت استبه این خانواده ها رسیدگی کند البته بر خانواده های مرفه و سایر مسلمانان نیز لازم است فردی یا از طریق سازمانهای مطمئن خیریه و مددکاری های اجتماعی به انها کمک کنند مثل تهیه جهیزیه دختران خرج درمان ، تهیه آذوقه برای مستمندان به خصوصدر ایام ماه مبارک رمضان یا اعیاد که

بیشتر مورد نیاز است . بنا به فرموده آیه شریفه « ان احسنتم احسنتم لانفسکم » نیکی کردن برای خود انسان است . و هم موجب برکت مال خود انسان می شود و باعث ایجاد گسترش عواطف انسانی در جامعه می گردد و از کینه و نفرت جلوگیری می کند . انسان هر چه نیکی به دیگران کند ثمره و نتیجه ان را در اخرت می بیند حتی اگر به اندازه مثقالی باشد . در این زمینه نقش زنان در خانواده بیشتری باشد برای تشویق اعضای خانواده به انجام امور خیریه و دادن دقات و شرکت برای هدایا در ایامی چون روز نیکوکاری .... سهم بسزایی دارند . البته باید یاد آور شد که رسیدگی به حال مجروحین و انفاق در راه خدا نباید به گونه ای افراط آمیز باشد که فرد را از رسیدگی به امور خانوادگی خویش باز دارد و موجب تضیعع حقوق آن گردد . مصارف شرعی ، پرداخت مالیات هر مسلمانی در راستای انجام برنامه های دینی در آنچه که از مال و دارایی در اختیار دارد مسئولیت ها و پرداخت های مادی نیز برعهده دارد از جمله این وظایف عبارتند از : خمس ، زکات ، فطریه علاوه بر اینها مالیات و عوارض که در زندگی اجتماعی لازم است از دیگر اقلام سبد هزینه خانوار است . عمده ترین مواردی که خمس بر ان واجب است منفعت کسب می باشد اگر انسان از راه کسب مالی بدست آورد از مخارج خود و خانواده اش زیاد باشد باید آن را خمس بپردازد. زکات نیز در شرایط خاص جزء واجبات پرداختی است . افرادیکه دارای حیواناتگاو و گوسفند و شتر و یا صاحب طلا و نقره و یا مالك گندم و جو و کشمش و خرما باشند بعد از دوازده ماه چنانچه این اموال در حد نصاب خاصی باشد پرداخت زکات آن ها واجب میباشد . پرداخت فطریه سالی یکبار برای کسانیکه موقع غروب شب عید ، عاقل ، بالغ ، هوشیار باشند برای خود و افراد تحت تکفل آنها واجب است . مالیات پولی است که در قبال حقوق شهروندی خودمی پردازیم برای تامین امکانات رفاهی شهری بیشتر مثل فضاهای سبز ، آسفالت خیابانهای شهر ، بازسازی جاده ها ی بین شهری و... جوانان باید از اغاز بلوغ و زمان کسب در امد و شروع ازدواج تکالیف و وظایف شرعی خود را به خوبی بشناسند و انجام دهند که در این صورت راه های خوشبختی به روی خانواده و اجتماع باز می شود و بالاتر از ان رضایت و آرامش درونی و خشنودی خداوند هم ایجاد می شود . صرفه جویی در مصرف از مهم ترین شیوه های مدیریت در خانه ، حرکت و تلاش بریا صرفه جویی در مصرف می باشد .در این بخش زنان با استفاده از شیوه های مرسوم و هم چنین تدابیر و خلاقیت و ایجاد شیوه های نوین و متناسب با سطح زندگی خانواده می توانند کمك مهمی در تصحیح مصرف خانواده و هم چنین آموزش مصرف صحیح به فرزندان داشته باشند . راههای صرفه جویی : ۱- صرفه جویی در مصرف انواع انرژی های برق و گاز و... ۲- صرفه جویی در مصرف آب ۳- صرفه جویی در مصرف غذا ۴- صرفه در پوشاك ۵- صرفه جویی برای استفاده صحیح از وسایل خانه فصل سوم :آموزش رفتارهای مطلوب اقتصادی به فرزندان بخش مهمی از مسائل اقتصادی خانواده آموزش و تربیت رفتار صحیح اقتصادی به فرزندان است . آموزش اقتصاد به فرزندان به ۲ گونه مستقیم و غیر مستقیم است . بخش غیر مستقیم که مهمتر هست ، روش و نوع عملکرد والدین است که خواه ناخواه به فرزندان منتقل می شود . در بخش مستقیم والدین یا مربیان به گونه مستقیم عمل می کنند مثلا درباره مسائل اقتصادی با فرزندان گفتگو می نمایند . ۱- فرزندان و خرید یکی از امور اقتصادی خانواده ها خرید کردن فرزندان می باشد اگر با فرزندان به خرید می روید سعی کنید در هنگام خرید از انها نظر خواهی کنید از همان ابتدا از خریدهای غیر ضروری خودداری کنید . اگر فرزندتان رابه خریدی فرستید به مقدار لازم پول در اختیار او قرار دهید نوعی برنامه ریزی داشته باشید که بچه ها مکرر به خرید نروند . ۲- فرزندان و پول نحوه نگهداری از اسکناسها را باید به فرزندان آموزش دارد . پول نعمتی از جانب خداست که با زحمت فراوان پدرومادر بدست می آید . باید به فرزندان اموزش داد تا پول توجیبی خود را به اندازه و به جا خرج کنند و مقداری پس انداز کنند و انها را تشویق به دان صدقه از پول خود نمود .۳- فرزندان و حفظ اموال از دیگر آموزشهای ضروری به فرزندان توجه دادن انان به حفظ اموال می باشد به طور مثال به میز و نیمکت و درو دیوار و وسایل همکلاسی های خود ضررو صدمه وارد نکنند . به طور کلی برای مالکیت دیگران و حدود آن اهمیت قائل شوند و حق الناس را مهم بدانند .فصل چهارم مشکلات حاد اقتصادی و راهکارهای برون رفت از

آنها علل پیدایش مشکلات نا بسامانیها ی شدید اقتصادی در خانواده معمولا براثر مسدود شدن راههای در امد اتفاق می افتد که برحسب مدت انسداد ، وضعیت پس اندازخانواده ، وجود حمایتهای جانبی از خانوادهتعداد افراد خانواده و تلاش انها و مهمتر از همه شیوه مدیریت خانواده دچار شدت و ضعف است . راههای برون رفت از مشکلات حاد اقتصادی الف) راهکارهای درون خانوادگی ب) راهکارهای برون خانوادگی راهکارهای درون خانوادگی ۱- مدیریت صحیح مهمترین عامل گذر از بحرانها و مشکلات ، مدیریت صحیح و خردمندانه است شرایط سخت عامل موثری بریا به فعالیت در اورده شدن استعداد های عالی انسانی است لذا مدیریت در مواجهه با مشکلات حاد نه تنها خود را نمی بازد بلکه با تدبیر به سرو سامان دادن اوضاع نابسامان موجود می پردازد . ۲- استفاده از پس اندازهامعمولا خانواده هایی که به طور نسبی از توان مادی بهره مند باشند سعی می کنند مقداری از در امد و خود را به گونه های مختلف پس انداز نمایند تا در دوران سخت کمبود در امد از ان استفاده نمایند .۳- حمایتهای فامیلی می توان با ایجاد صندوق قرض الحسنه فامیلی توسط بزرگان خانواده قدم موثری برای کمک به اقوامی که گرفتار مشکلات اقتصادی هستند برداشت وجود این صندوق ها در فامیل موجب بیشتر شدن همبستگی خانوادگی و همین طور گرفتار نشدن نیازمندان درچرخه ربا خواری می شود .راهکارهای برون خانوادگی ۱- بیمه هاانواع بیمه ها می تواند کمک مهمی برای جبران خسارت های وارده باشد مثل بیمه اتش سوزی زلزله ، بیمه های حوادث رانندگی ، بیمه عمر ، ... ۲- کمیته امداد امام خمینی (ره)یکی از مهمترین نهادهای خدماتی جامعه کمیته امداد امام است و خانواده هایی که به طور جد گرفتار مشکلات حاد اقتصادی هستند با شناسایی که از طرف این کمیته انجام می شود از انواع کمک های نقدی ، جنسی ، تحصیلی ، بهداشتی و درمانی ... بهرهمند گردند و تا حدی از زیر بار فشار و مشکلات اقتصادی نجات یابند . ۳- سازمان تامین اجتماعی سازمان تامین اجتماعی یک سازمان عمومی غیر دولتی است که بخش عمده منابع ان از محل حق بیمه ها تامین می شود و متکی به منابع دولتی نیست ومهمترین تعهدات و خدمات این سازمان عبارت است از : حمایت در برابر حوادث ، بیماری ، بارداری ...... مقرری بیکاری ، کمک هزینه ازدواج وکفن و دفن .۴- سازمان بهزیستی این سازمان خدماتی را جهت کمک به توانمندی معلولین ، پرداخت حق بیمه کارگران معلول ، اخذ موافقت اصولی و پروانه جهت فعالیت موسسات غیر دولتی و خیریه برای اموری مثل باز پروری معتادین مراکز توانبخشی بیماران روانی مزمن و ... راانجام می دهد . فهرست منابع قرآن کریم نهج البلاغه افشاری ، زهرا (۱۳۸۳) اقتصاد خانواده ، دانشگاه الزهرا (س) ، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری ؛آیت الهی ، زهرا (۱۳۸۱) زن در خانواده (۱)و (۲) روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان ، بسطام نیشابوری (۱۳۷۰) طب الائمه انتشارات جاف ؛تنه کار ، محسن (۱۳۸۵) چگونگی تربیت فرزندان دلخواه نشرنجابت .حائری اردکانی ، محمود ، مدیریت خانه ، انتشارات دانشگاه الزهرا (س) .حکیمی ، محمد (۱۳۷۰)معیارهایاقتصادی در تعالیم رضوی ، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی ؛ آیت الله خامنه ای ، سید علی (۱۳۸۱) ، زن ریحانه افرینش ، دارالهدی .امام خمینی ، سید روح الله (۱۳۸۶) تحریر الوسیله ، دفتر انتشارات اسلامی ؛ امام خمینی ، سید روح الله (۱۳۶۹) صحیفه نور ، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ؛ ریچ ، دوروتی ، کلید های پرورشی مهارتهای اساسی در زندگی کودکان و نوجوانان ، ترجمه : اکرم قیطانی ؛ علامه طباطبایی ، سید محمد حسین (۱۳۶۲) سنن النبی (ص) ، کتابفروشی اسلامیه ؛ عطاری ، عباس (۱۳۸۳)، این گونه فرزندتان را تربیت کنید ، چاپ آسم ؛ قرائتی ، محسن (۱۳۸۵) ، سیر ، پیامبر اکرم با نگاهی به قرآن کریم ، مرکز فرهنگی درسهایی از قران .لقمانی ، احمد (۱۳۸۱) رزق ، روزی ، رفاه ، انتشارات بهشت بینش ؛ محدثی ، جواد (۱۳۸۴) راه زندگی الفبای سعادت خانواده ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ؛ محمدی ، سید محسن (۱۳۸۳) مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید ؛ مشکینی اردبیلی ، علی اکبر (۱۳۸۳) ازدواج در اسلام ، مترجم احمد جنتی نشر موسسه بوستان ، کتاب قلم ؛ مصباح یزدی ، محمد تقی (۱۳۷۹)، جامعه و تاریخ ؛ مظاهری ، حسین (۱۳۸۶) ، اخلاق در خانه نشر اخلاق ؛ موگهی ، عبدالرحیم (۱۳۸۴)احکام خانواده ، مطابق با فتوای امام خمینی (ره) نشر مؤسسه بوستان کتاب قلم ؛مجلات

- مجله پیام زن ۱۷۰–۱۶۱ - روزنامه جمهوری اسلامی - پایگاه های اینترنتی - پایگاه کمیته امداد - پایگاه سازمان تامین اجتماعی - پایگاه سازمان بهزیستی -

اقتصاد در خانواده

تـدوین : طاهره کشوادی خلاصه کتاب: امید ربانی: حروفچین : مصـطفی رضایی- خانواده اولین محل پرورش نیروی انسانی سالم و مولد کار است.سـرمایه های انسانی ف بهترین سـرمایه ها در فرآیند پیشرفت جوامع می باشد. این فرآیند معمولاً دوره ای طولانی را طی می نمایـد.این دوره به بیش از ۲ دهه از عمر فرزنـدان بالغ می شود. تـدوین : طاهره کشوادیحروفچین : مصـطفی رضاییطراحی جلـد : ندا سهرابیصـفحه ارایی : شادی حیدری نوبت چاپ : دوم ، پاییز ۱۳۸۶شمارگان : ۱۵۰۰۰ نسـخه انتشارات : دانشگاه پیام نور شابک ISBN : ۹-۳۵۰-۳۸۷-۹۶۴-۹۷۸ : قیمت : ۲۵۰ تومانشانی : تهران – خیابان افریقا – بالاتر از ظفر – کوچه سایه – پلاک ۷۷سازمـان ملی جوانـان – معاونت مطالعـات و تحقیقـات .تلفـن : ۲۲۶۶۲۲۷۵-۰۲۱فـاکس : ۲۲۶۶۲۳۱۰-۰۲۱فصل اول:تولیـد در خانواده به دو گونه است :الف:ایجاد و تربیت نیروی انسانیب :کسب درآمـدایجاد و تربیت نیروی انسانی:خانواده اولین محل پرورش نیروی انسانی سالم و مولد کار است.سرمایه های انسانی ف بهترین سرمایه ها در فرآیند پیشرفت جوامع می باشد.این فرآیند معمولاً دوره ای طولـنی را طی می نمایـد.ایـن دوره به بیش از ۲ دهه از عمر فرزنـدان بالغ می شود.کسب درآمـد:کسب درآمـد راه دیگر تولید در خانواده است که معمولاً به ۳ گونه میسر است :کارارث ، دریافت هدایا ، جوایز سرمایه گذاری و پس انداز«روزی شما بر ۲ نوع است : روزیی که شـما به دنبال آن می روید و روزیی که به دنبال شـما می آید».تلاش برای تولید و تأمین زندگی ، سـیره ی اولیـاء دین بوده است.سـفر تجـارتی شـخص رسول اکرم قبـل از نبوت در تاریـخ مشـهور و مزرعه ایجاد کرده انـد.آثار چاههایی که ایشـان حفر کردنـد هنوز در اطراف مـدینه وجود دارد.امام علی علیه السـلام می فرماینـد :«من یعمل یزدد قوه و من یقصـر فی العمل یزدد فـتره».«آن کس که کـار کنـد تـوانش فزونی یابـد و آن کس که کم کـار کنـد و بیکـار باشـد سـستی (و نـاتوانی)او افزون می گردد.»داشـتن مال باعث استقلال در زندگی ،استغنای روحی ،عزت و آبرومندی و کفاف و رفع نیازهای انسان است ولی باید توجه داشت که آنچه روح تلاش دائمی انسـان می باشـد ، توکـل و چشـمداشت بر اعطـا و کرم الهی است واینکه هـدف ثروت انـدوزی محض نیست ، ذچه آنکه در حدیث شـریف نبی اکرم صـلی الله علیه و آله امده است :«مال اندکی که نیاز زندگی را برطرف کند و کفـایت زنـدگی باشـد بهتر از ثروت انبوهی است که انسـان را غافـل کنـد».۱-اولین راه کسب درآمـد،کـار واقعیبعـد روحانی او بر جسـمش مقـدم است لـذا در تقابل دین و آبرو ،است که فـدای دین می شود.صـحیح نیست برای به دست آوردن درآمد ، شـرف و انسانیت فرد فـدا شود و فرد از هر راهی ولو با تن دادن به خواسـته های پست دیگران به تأمین درآمد پردازد.این حساسـیت در مورد زنان مضاعف است(که مثلًا به عنوان فروشـندگی یا منشـی گری در واقع وسـیله ای برای جلب مشتری و درآمد بیشتر واقع شود)چه بهتر که انسـان در تزاحم بین صبر بر کمبودهـا بـا کسب درآمـد فراوان خصوصـاً از راههـای پست و حرام ،راه صبر و قناعت را پیش گیرد که اتفاقـاً داشـتن صبر در این مواقع موجب اجر و پـاداش فراوان نزد خـدا می گردد،و به کار بردن قناعت ،نیز باعث شـکوفایی اسـتعدادها و خلق ابتکارات می شود.معیارهای «کار واقعی»:۱.کار باید مطابق «توان» و «علاقه» و «اسـتعداد» فرد باشد به گونه ای که او از انجـام دادن آن احسـاس مفیـد بودن و رضایت منـدی داشته باشـد.۲.کـار بایـد به اسـتقلال جامعه در ابعاد سیاسـی، اقتصادی، فرهنگی و ... کمک نمایـد.۳.کار بایـد مولـد باشد ، مولد کالا ف خدمات و...۴.کار باید دارای شـرایط پیشـرفت و ترقی و پایداری (امنیت شـغلی) باشد.۵.کـار بایـد شـرافتمندانه باشـد و به عبـارتی نـان حاصل از کـار حلال باشـد.۲-راه دوم:دریـافت هـدایا ، جوایز و...بخش دیگری از راههای کسب درآمـد خانواده می توانـد از طریق هـدایا(مثل هدیه های عقد و عروسـی)،ارث ، جوایز و عیدیها باشد.۳-راه سـوم:سـرمایه گـذاری و پس انـدازراه دیگر کسـب درآمـد ، سـرمایه گـذاری اقتصـادی است که در خـانواده انجـام می

شود.معمولاً خانواده با مدیریت صحیح اقتصادی مثل داشتن اولویتهای مصرف، صرفه جویی در هزینه های غیر ضروری و پس انداز مازاد درامد و ... می تواند اموال خود را به روشهای مختلف سرمایه گذاری نماید.این کار چندین فایده دارد:۱.پول و اموال ذخیره شده در خانه از خطراتی مثل دزدی،آتش سوزی و کاهش ارزش پول حفظ می شود.۲.پولها در جریان چرخه عمومی ثروت قرار گرفته و عموم مردم از آن استفاده می نمایند.۳.دغدغه ی فکری خانواده برای سرقت اموال ارزشمند خانه کم می شود.۴.در خانه ها و آپارتمانهای کوچک فضای بیشتری ایجاد خواهد شد. و هم چنین در هنگام اسباب کشیها هزینه و انرزی و دقت کمتری مصرف می شود.۵.پشتوانه اقتصادی برای تأمین مخارج خانواده در هنگام بروز مشکلات ایجاد می شود.۶.خلاقیت اقتصادی افراد خانواده به جهت تلاش برای شناخت و اجرای روشهای جدید سرمایه گذاری افزایش می یابد.۲-۱-سرمایه گذاری و روش های آنامام سجاد علیه السلام :«...استثمار المال تمام المروه»«کمال جوانمردی به این است کهانسان مال خویش را سودآور کند.»الف:می توان با خرید اوراق سهام شرکتها در سود آنها مشارکت نمود.ب:خرید اوراق مشارکت یکی دیگر از راههای سرمایه گذاری می باشد.ج: با سپرده گذاری در بانکها به روشهای کوتاه مدت ، دراز مدت،ارزی.د : خرید زمین هم یکی از روشهای سرمایه گذاری توسط برخی از خانواده ها است.ه : خرید باغ یا مزرعه ، که در شهرهای بزرگ می توان در مناطق حاشیه ای یا شهرکها نزدیک شهر انجام داد. در حدیث شریفی امام صادق علیه السلام می فرماید:«باغی یا مزرعه ای تهیه کن، زیرا که هرگاه حادثه یا مشکلی در زندگی انسان پیش آید و او بداند پشتوانه ای دارد که مخارج خانواده اش را تأمین می کند، با گشاده دستی بیشتری جانبازی و فداکاری می کند.»نکته جالب در کلام معصوم علیه السلام هدف با ارزشی است که ایشان از تهیه ی درآمد بیشتر بیان می کنند و آن سخاوتمندی و بخشش بیشتر است.«چه کسی است که به خدا قرض حسنه بدهد پس خدا آن قرض را به چندین برابر زیاد کند.»در این روش گرچه به صورت ظاهری اصل پول ثابت مانده ولی با ایمان و عمل به آیه شریفه سود بازگشتی تا چندین برابر اصل سرمایه است و باور مسلمان آن است که آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است تا آنچه که در نزد اوست.در متون دینی عوامل دیگری هم برای افزایش درآمد و رزق معرفی شده است که با بررسی کلی آنها می توان این عوامل را به ۳ دسته تقسیم نمود : عواملی که در ارتباط با خدا ، در ارتباط با مردم و در ارتباط فرد با خودش(تصحیح رفتارهای فردی خویش)، باعث افزایش رزق و درآمد می شود.۱.عواملی که در ارتباط با خدا باعث افزایش درآمد و روزی می گردد :الف-تقوا و پرهیزگاری :«من یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب»«هرکس تقوای الهی را پیشه خود سازد خدا هم راه بیرون شدن از سختیها را پیش پای او می گذارد و از جائیکه حساب نمی کند، به او روزی می رساند.»تقوا التزام درونی انسانها برای انجام فرامین الهی و رعایت حدود و قوانین الهی می باشد.ب -شکر نعمت و یاد خدا :«لئن شکرتم لأزیدنکم»هرگاه شکر نعمتها کنید حتماً شما را افزونی می بخشیم.و نیز روایت از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) می باشد که: کسیکه روزیش کم شده است زیاد تکبیر بگوید ، تا یاد خداوند باعث گشایش روزی او شود.شکر نعمت و یاد خدا باعث افزایش روحیه ی سپاسگزاری در انسانها و توجه به منعم حقیقی و در نتیجه استفاده درست و بهینه از نعمتهای گوناگون و نیز امیدواری به فضل بی نهایت الهی و تلاش و توکل بیشتر می شود.لذا یکی دیگر از عوامل افزایش درآمد شکر نعمتها ویاد خداوند می باشد.ج — استغفار و دعا و توکل بر خدا :با توجه به معنی واقعی استغفار که طلب مغفرت و رحمت از خدا به خاطر رفتارهای نادرست و تصحیح روشهای زندگی براساس دستورات خدای رزاق و کریم است، انسان با استغفار موفق می شود هم به گونه ای صحیح و بیشتر و بهتر از مواهب زندگی استفاده نماید و هم به وسیله برقراری ارتباط با خدا از الطاف و فضل بیشتر او بهره مند گردد.لذا استغفار و توبه هم یکی دیگر از راهها و عوامل افزایش روزی است.چنانکه امام علی علیه السلام می فرماید: «اکثر الاستغفار تجلب الرزق» زیاد استغفار کن تا روزی را به سوی خود جلب کنی.۲.دسته دوم از عواملی که منجر به افزایش رزق می شود مربوط به رفتارهای انسان با سایر افراد جامعه است و از آن جمله است:الف : نیکوکاری و خوش اخلاقی و مهربانی : امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید :«پاکی نیت وطراوت اندیشه،دوری از تنگ نظری در برخوردها،سهل

گرفتن در زنـدگی بـا دیگران،گشـایش چهره و خوش برخورد بودن با برادران مسـلمان،گنجهای رزق آدمی و باعث افزایش روزی انسـان خواهـد بود.»خوش برخوردی بـا مردم و سـهل گیری بـا آنـان بـاعث جلب محبت ورفـاقت و اعتمـاد آنهـا می شود.ب:انفـاق ازدارایی و پرداخت حقوق مـالی:انفـاق از دارایی هـای شخصـی و پرداخت حقوق مـالی به سـایر مردم از یـک طرف بـاعث افزایش درآمـد دیگران و مـانع از تجمع ثروتها در دست افراد معـدود می شود.۳.دسـته دسوم از عواملی که منجر به افزایش رزق می شود مربـوط به رفتارهـای انسـان بـا خـودش می باشـد و از آن جمله است :سـحرخیزی و وضوی دائمی بـاعث شـادابی روحیه ی فردی و سلامـتی جسم او می گردد که همین دو عامـل یعنی روحیه شـاداب و جسم سـالم و توانمنـد از مهمترین عوامل تلاش و کار و تولید بیشتر و در نتیجه کسب درآمـد بیشتر می باشد.ب : دوری از گناهان ، ظلم و نافرمانی خدا :همچنان که پرهیز از گناه موجب افزایش روزی است گنـاه و بی مبالاـتی در عمـل به دسـتورات ئ احکـام دینی به خصوص در حوزه ی کسب درآمـد بـاعث کاهش و قطع روزی می باشـد.رزق و روزی واقعی آن چیزی است که خود انسـان با گوارایی و خوش عاقبتی اسـتفاده کنـد.آنچه که از خانه های مجلل و وسایل رنگارنگ زنـدگی فراهم میآیـد در واقع زینت «برای زمین» است و زینت خود انسان در کمالات و ارزشـهای انسانی است.«به درستی که زن ریحـانه و گـل است نه پهلوان خشن.»عن الرضـا علیع السـلام .... لا تؤخـذ المرأۀ بنفقـۀ ولـدهادر مقایسه بین آفرینش و خلقت رزن ومرد، زن به طور طبیعی عهده دار امر باروری و زحمات و سـختیهای ناشـی از آن می باشد.نوزاد تا سن یک سالگی بیش از اتمام سـنین زندگی خود اطلاعات کسب می کند مقدار این اطلاعات به عکس العمل و علاقه والدین ، به خصوص مـادر، بسـتگی دارد ، زیرا مـادر به دلیـل داشـتن احساسـات لطیف و عواطف زنـانه و مـادرانه تربیت و پرورش فرزنـدان را انجام می دهـد.بالاترین هدف زندگی مشترک، داشـتن امنیت و آرامش و دلبسـتگی اعضای خانواده و در نتیجه تکامل و سـعادت آنهاست.از فرمایشـات امـام خمینی(ره) است که :«اگر یـک انسـان شـما تربیت کنیـد برای شـما به قـدری شـرافت دارد که من نمی تـوانم بیـان کنم.پس شما یک شغلتان این است که بچه های خوب تربیت کنید. اول مرتبه تربیت بچه در دامن مادر است، برای آن که علاقه ی بچه به مادر بیشتر از همه ی علایق است... مع الاسف در آن حکومت طاغوتی ... تبلیغ می کردند به اینکه زن چرا بچه داری کند ... یک بچه که در دامن مادر بزرگ نشود عقـده پیـده می کنـد ... بسیاری از این مفسـده هایی که در جامعه پیـدا می شود از این بچه هایی است که عقده دارند.این شـغل (تربیت انسان) شـغل انبیاء است.»مادر با «مدیریت صـحیح» می تواند اشتغال خارج از خانه را با توجه به «علاـیق» و «قـدرت و توان» و «فرصت» خود انتخـاب کنـد.عواطف مادری خود نمی توانـد آرامش و نشاط خانواده را تأمین نمایـد.در مقایسه بین زن شاغل و زن خانه دار بایـد این توجه را داشـتکه چنانچه وضـعیت مادی یک زن شاغل از یک زن خانه دار بهتر باشد ولی این افزایش درآمد در مقابل از دست دادن آرامش زندگی، تربیت صحیح و کامل فرزندان، لذت سعات هم نشینی با خانواده و نیز ایجاد استرسو افسـردگی و تنهایی های زودرس باشد، یک خسران محض و ضرر بزرگ و جبران ناپذیر است.زیرا مال روزی و امـانت خداونـد در نزد مـاست.«در حلاـل دنیـا حسـاب و در حرام آن عقـاب است.»یکی دیگر از فعالیتهای زنان تشکیل یا شرکت در سازمانهـای خیریه است.از فرصـتهای اشـتغال زنـان ، پرداختن به فعالیتهای قرآنی و دینی است.آموزش و تعلیم به دیگران غنیمـتی بزرگ اسـت.افزایش آگـاهی هـا و مهارتهـای دینی زنـان مـوجب بالاـ رفتـن کیفیـت تربیـت و اخلاـق اعضـاء خـانواده می شود.فصل دوم :مصـرف در خانواده«حد وسط» بین دو روش مکروه و ناپسـند،... [بین] زیاده روی و سـختگیری.برای داشتن مصرف صحیـح ، برنامه ریزی اقتصادی لازم است.از آنجا که مصـرف برای تأمین نیاز می باشد و نیازها هم هر روز تنوع و تعدد بیشتری می یابـد و از طرف دیگر منابع درآمـدی خانواده محـدود می باشد، باید نیازها را طبقه بندی و تعیین اولویت کرد تا بین درآمد و هزینه هـا ایجـاد تعادل شود.۱-۲-اولویتهـای مصـرف و مخـارج خانوادهـاز یـک دیـدگاه نیازهـا دو گونه انـد : نیازهـای واقعی و نیازهای غیرواقعی و جعلی(مثـل نیـاز به سـیگار)امام کاظم علیه السـلام می فرماینـد: «هرکس روزی را از راه حلال، برای خود و خانواده اش فراهم آورد، ماننـد مجاهـد در راه خـدا است.»در برنامه ریزی اقتصادی ابتدا بایـد:۱- بـا تعیین هـدف، اطلاعات لازم را جمع آوری

کرد.۲- بودجه خانواده را پیش بینی نمود.۳- راههای مختلف برای اجرایی نمودن بودجه خانواده در نظر گرفت.هدف کلی در برنامه ریزی اقتصادی داشتن خانواده ای سالم و موفق از نظر جسمانی – روانی می باشد.گام اول جمع آوری اطلاعات است و برای این امر هم مهمترین کار یادداشت نمودن هزینه ها و درآمد خانواده است. با اینکار علاوه بر مشخص شدن هزینه های انجام شده، امکان تحلیل و بررسی آنها فراهم می شود.تعیین اینکه مهمترین رقم مخارج مربوط به کدام خرید و تا چه اندازه ضروری و حیاتی بوده، کمک بزرگی برای برنامه ریزی بودجه خانواده می باشد.در واقع با نوشتن مخارج و حساب و کتاب کردن ها، خانواده متوجه می شود اگر بی جهت پول صرف مخارجی گردیده که باید نمی شد در آینده از خرج آن جلوگیری کند.در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد شده است که ایشان فرمودند:«(از جمله نشانه های) مردانگی شکوفاسازی مال است.»گام بعدی پیش بینی و تنظیم بودجه است که درباره آن به دو اصل باید توجه نمود:اصل اول : تعادلیعنی باید درآمدها با مخارج موازنه داشته باشد. لذا باید بودجه خانواده با کسری مواجه نشده، بلکه پس انداز هم به وجود آید تا خانواده بتواند از این پس انداز برای مصارفی مثل حوادث ناگهانی که هزینه زیادی را تحمیل می کند یا خرید کالاهای عمده مثل خانه، ماشین یا وسایل آینده ی فرزندان و ... استفاده نماید.اصل دوم : کارآمد کردن بودجهبا توجه به این اصل، با کمترین هزینه و مخارج بیشترین بازده به دست می آید. مثلاً اگر قرار باشد هزینه ای برای تفریح و سرگرمی خانواده اختصاص یابد این کار می تواند صورتهای مختلفی داشته باشد مثل پیاده روی و قدم زدن در پارک و یا رفتن به سینما و ... می توان با انتخاب کم خرج ترین راهها بیشترین مطلوبیت و بازدهی را به خانواده داد.خوراک :امام رضا علیه السلام :«خدای متعال هیچ خوردنی و پوشیدنی را جایز نکرد مگر آنچه که در آن سود و صلاح است و هیچ چیز را منع نکرده است مگر آنچه که در آن زیان و نابودی و تباهی است. پس هرچه سودمند و توان بخش جسم باشد و به بدن آدمی نیرو بدهد، حلال است ...»از مهمترین نیازهای انسان، نیاز به خوراک به معنی اعم آن شامل آب، غذا، میوه، ... می باشد.اولویت اول در تأمین نیازهای مادی، تأمین نیازهای غذایی است.امام رضا علیه السلام می فرمایند:«اگر مردم حد میانه را در خوراک رعایت می کردند بدنهایشان پایدار می ماند.»برای فعالیتهای مختلف بدن در سنین کودکی و جوانی و پیری به مواد غذایی گوناگون نیاز است که عمدتاً به ۴ گروه اصلی تقسیم می شوند که عبارتند از : پروتئینها، ویتامینها، قندها و چربیها.مثلاً درمصرف گوشت می توان از سویا و یا قارچ استفاده کرد و بجای مصرف برنج و نان، سیب زمینی یا ماکارونی را به کار برد.ارزش غذایی مواد خشک شده بالاتر از مواد یخ زده است.برای پخت گوشت باید از حرارت ملایم استفاده کرد تا گوشت به خوبی نرم و آبدار شود، زیرا حرارت بالا ـ سبب سفتی گوشت می شود.موارد دیگری که در اولویت مصرف مواد غذایی قرار دارند چنین می باشد :۱.تغذیه زنان باردار باید به طور جدی مورد توجه قرار گیرد. این کار در درازمدت به نفع خانواده خواهد بود. تغذیه خوب علاوه بر تأثیر مثبتی که بر زایمان دارد، موجب رشد کامل جنین خواهد شد و از آنجا که پیشگیری مقدم بر درمان است.۲.تغذیه صحیح کودکان در سنین بلوغ (بخصوص دختران) عامل مهمی در صرفهد جویی های دراز مدت بهداشتی و درمانی و دورانهای بزرگسالی و پیری آنها خواهد بود.۳.بیماران و سالخوردگان هم در اولویت تغذیه ای قرار دارند. تغذیه خوب، دوران درمان بیماران را کاهش می دهد و تغذیه مناسب سالخوردگان مانع ضعیف و بدتر شدن وضع آنها می شود.۴.معمولاً صاحبان کالا و تجارت پیشگان برای فروش کالاهای خود تبلیغات وسیع و پر جاذبه ای انجام می دهند، همچنین بسته بندی زیبا و رنگارنگ کالاها که در طبقات مغازه ها و سوپر مارکتها بر روی هم چیده شده عامل مهمی برای مصرف بیشتر و بیشتر خانواده ها شده است.ولی اولیاء خانواده به خصوص «زنان» نقش مهمی را در ایجاد و حفظ یا از بین بردن یک عادت غذایی خوب یا بد دارند، در خرید و مصرف کالاهای تغذیه ای به شدت باید مراقب بود که فریب رزق و برقهای ظاهری را نخورده و به درصد تغذیه ای و بهداشتی کالا توجه نمود. مصرف غذاهایی چون کالباس، سوسیس، همبرگر و کلاً گوشتهای مخلوط و هم چنین چیپس ها و پفکها از جانب هیچ کارشناس تغذیه ای توصیه نمی شود و برای مصرف کالاهایی مثل شکلاتها، شیرینی ها و نوشابه های صنعتی باید

محدودیت قائل شد.۵.در مدیریت آگاهانه ی خانواده خرید موادغذایی به مقدار لازم و کافی انجام می شود. به خصوص در میهمانی ها لازم است دقت شود که به عنوان میهمان به اندازه و درست غذا بخوریم و به عنوان میزبان نیز بیش از اندازه و با تنوع زیاد غذا تهیه نکنیم، این مسأله علاوه بر صرف هزینه ی مادی و زمانی بیشتر، برای سلامتی هم مضر است.۶.امروزه که با مشکل تقریباً غیر قابل گریزی به نام «آلودگی هوا» روبرو هستیم، باید مراقب باشیم با مصرف غذاهای چرب، شور و خیلی شیرین احتمال ابتلا به بیماری هایی مثل سرطانها، پوکی استخوان، ناراحتیهای قلب و گوارش را افزایش ندهیم.۳-۲- پوشاک«ای فرزندان آدم برای شما لباس را آفریدیم تا زشتی های بدن شما را بپوشاند و زینت شما باشد.»لباس، زینت بدن و پوشش و حفاظ آن از سرما و گرما می باشد.نعمتی را که خدای لطیف و رحیم به وسیله ی ایجاد مواد اولیه و تهیه و استفاده، آن را در اختیار بشر قرار داده است. لباسهایی از کتان و پنبه و پشم و ابریشم و حریر برای حفظ و زینت بدن، لباسهایی مثل زره که برای دفاع از بدن در مقابل دشمنان است.نکاتی در مورد لباس۱.در نگرش اخلاقی لباس پوشیدن به قصد تفاخر و خودنمایی مردود شمرده شده است.۲.هر چند که اسراف در پوشاک مثل اسراف در هر امر دیگری صحیح نیست ولی باید دقت نمود که داشتن چند دست لباس برای مصارف مختلف در زندگی، اسراف نیست.چنانچه شخصی از امام کاظم علیه السلام سؤال نمود.«انسان دارای ده پیراهن باشد اسراف است؟فرمودند : نه و این بیشتر موجب نگاهداری لباسهای اوست.لذا لباس متعدد داشتن ، خود نوعی رعایت اقتصاد است، زیرا که اگر یک لباس مدام پوشیده شود زود کهنه و پاره می شود و اگر چند لباس باشد و به نوبت پوشیده شود برای زمان بیشتری دوام می آورد.۳.شخصیت اجتماعی افراد معمولاً به نوع لباس آنان ارتباط دارد. افراد جامعه باید به این توجه داشته باشند و لباسی که مایه آبرو و حیثیت اجتماعی است، در هر جا نپوشند و آن را درست نگهداری کنند تا دوام بیشتری داشته باشد و دوباره نیاز به خریدن چنین لباسی پیدا نشود. با خرد ورزی و مدیریت و استفاده صحیح از لباسها ، می توان از این خطر بزرگ در امان ماند.۴.پوشیدن لباسی که باعث تحریک جنسی شود برای غیر همسر حرام است. پوشیدن لباسهای تنگ و چسبان و بدن نما صحیح نیست. این نوع لباسها از آن جهت که حجم اندامهای جنسی انسان را در معرض دید همگان قرار می دهد، باعث می شود نگاه دیگران به خصوص جنس مخالف به انسان نگاهی پست و لذت جویانه باشد و از حیثیت و ارزش انسان بکاهدو۵.رنگ لباس به خصوص در محیط خانه؛ بهتر است شاد و روشن باشد تا به شادابی فرد و سایر افراد خانواده کمک کند ولی در منظر نامحرم لباس باید از حیث طرح و رنگ به گونه ای باشد که جلب نظر نکند.۶.یکی از موارد غصب هم ندادن خمس اموال است.۷.برای نگهداری لباس باید توجه داشت که اتو زدن و تاکردن آن علاوه بر آراستگی لباس باعث دیرتر کثیف شدن آن می شود و اگر لباس ها بعد از اتوشدن به چوب رخت آویزان شود بهتر حالت خود را حفظ می کند.۸.برای نگهداری لباسها تا فصل آینده حتماً باید آنها را با استفاده از مواد ضد حشرات مثل نفتالین یا در پوششی (پلاستیکی یا پارچه ای) پوشاند.۹.لباس باید آزاد و راحت باشد. به خصوص برای کودکان ، که در سن رشد و دائم در حال بازی و جست و خیز هستند.۱۰.چون بچه ها رشد سریعی دارند می توان لباسهای آنها را برای فرزند بعدی نگهداری کرد یا به صورت تمیز و مرتب به کودکان نیازمند داد.۱۱.برای شستشوی لباسها باید دقت نمود که لباسها از جنس و رنگ نزدیک به هم باشند.از انداختن لباسهای زیر با سایر البسه در ماشین لباسشویی پرهیز شود چون ممکن است موجب انتقال بیماریها شود.۱۲.در مورد خرید لباس می توان فروشگاههای مطمئن را که با قیمت مناسب لباس می فروشند، شناسایی کرد تا از هدر رفتن وقت در خیابانها و فروشگاهها جلوگیری شود.در مورد خرید عید نوروز می توان به فاصله ی ۳-۲ ماه به نوروز خرید را انجام داد.همچنین خرید لباسهای دست دوم خارجی به دلایل بهداشتی و کم دوامی این نوع البسه ، صحیح نیست.۱۳.آموزش خیاطی و دانستن نکات مربوط به آن در زندگی، یک هنر خوب برای دختران می باشد.۴-۲- مسکن«والله جعل لکم من بیوتکم سکناً»«و خداوند خانه های شما را محل آرامش قرار داد.»۱.از ویژگی های مهم مسکن خوب، همسایه خوب است. لذا برای سکونت در هر خانه و منطقه تحقیق و پرس و جو کمک مهمی برای داشتن آرامش مادی و روحی

است. این ضرورت در مورد خرید مسکن به مراتب جدی تر از اجاره مسکن است.امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:«سل عن الرفیق قبل الطریق و عن الجار قبل الدار»یعنی «قبل از مسافرت از وضع رفیق (هم سفرت)و قبل از سکونت در خانه ای ، از وضع همسایه ات تحقیق و پرس و جو کن.»۲.ویژ گی استحکام بنا.۳.وضعیت داخلی بنا از جهت آفتابگیر بودن اتاقها۴.از جهت جغرافیای محل سکونت ، نزدیک بودن مسکن به محل کار و تحصیل ، داشتن امنیت ،نزدیکی به مراکز بهداشتی، درمانی، ورزشی و مراکز خرید و خدمات عمومی و هم چنین نزدیک بودن به محل سکونت بستگان از ویژ گی های یک مسکن خوب است.راههای تهیه مسکن :۱.یکی از طرق تهیه ی مسکن اجاره نمودن خانه یا آپارتمان است. اجاره نشینی از یک جهت سخت و از جهتی دیگر مفید است. از جهت مستأجر دغدغه مالیات و عوارض و آسفالت پشت بام و نم کشی دیوار همسایه و تعمیرات اساسی و غیر اساسی را ندارد مفید است و از جهت اسباب کشیهای سالانه و دائم در فکر پیدا کردن مسکن مناسب بودن ،هزینه های حمل اسباب و کرایه ماشین و پرداخت حق بنگاهی ،سخت است. بنابراین بهتر است خانواده هر چه زودتر به خرید مسکن اقدام نماید.خوشبختانه اکنون دولت به شیوه های مختلف ،به صاحب مسکن شدن مردم کمک می نماید مثل اجاره به شرط تملیک، ارائه تسهیلات بانکی و...تحصیل:از اقلام سبد هزینه خانوار، خرج تحصیل افراد خانواده می باشد. امروزه آموختن سرعتی به مراتب افزون تر از گذشته دارد غیر از آنکه گستره ی آن تقریباً تمام افراد خانواده رادر بر گرفته است. زمان سرمایه عمر آدمی است.تشویق قرآن بلکه ارزش واسطه ای است . به صورت کلی می توان گفت این گونه گفت که تا وقتی که «علم نافع» برمبنای استعداد و علاقه انسان باشد و انسان را به کمال واقعی که همان تقرب به خداست یاری کند ، و ارزشهای دینی و کرامت انسانی در راه تحصیل علم خدشه دار نشود، لزوم تحصیل علم احساس می شود و خانواده هم مسئول ادب و تربیت و آموزش فرزندان می باشد و هزینه کردن در این امور هم از اولویتهاست. آموزشهای مقطعی و کوتاه مدت تابستانی است.مطالعه ی نشریات مفید، فراگیری همیشگی آموزه های دینی و قرآنی در تمام سنین و ... آموزش از راه دور، آموزش مجازی موجب ارتقاء بهره وری و در نتیجه کاهش هزینه ها، رشد، و تربیت نیروی انسانی است.۶-۲- بهداشت و درمانحضرت رسول اکرم(ص) :«تنظفوا بکل ما استطعتم فان الله تعالی بنی الاسلام علی النظافهٔ و لن یدخل الجنهٔ الا کل نظیف»«بهداشت را رعایت کنید به هر میزان که در توان دارید. همانا خداوند تعالی اسلام را بر پایه نظافت و بهداشت بنا کرد و هرگز داخل بهشت نمی شود مگر فرد پاکیزه.»از اقلام سبد هزینه ی خانوار ، بخشی هم به بهداشت و درمان اختصاص دارد. هزینه برای بهداشت به مراتب به صرفه تر از پرداخت هزینه ی درمان است، وخود باعث جلوگیری از ایجاد بیماریها و هزینه های گران درمان می شود.مدیریت خانواده (به خصوص زنان) نقش مهمی در ایجاد تقویت رفتارهای صحیح بهداشتی در داخل و خارج خانه دارند.نظافت عمومی اتاقها و فضای خانه، تهیه ی بهداشتی غذاها، نظافت آشپزخانه که کانون مهمی برای تکثیر میکروبها است، شستشو و اتوی لباسها و هم چنین عادت دادن بچه ها به نظافت دائمیدستهاودندانها،استحمام،مرتبکردنرختخوابولباسهولوازمشخصیخوددرفتارهایسادهوعادیروزمرهاستولیدرواقعازبسیاریبیماریها و از تحمیل هزینه های گزاف بر خانواده جلوگیری می کند.آموزش و رعایت نظافت عمومی در مدرسه و خیابان و محل کار، رعایت جدی مقررات رفت وآمد مثل عبور از خیابان در محلهای مجاز ،پرهیز از ایجاد انواع آلودگیهای صوتی، رعایت حق تقدم و... از اموری است که علاوه بر سهل و روان شدن بسیاری از گره های موجود در جامعه، از حوادث غیر مترقبه ، پر هزینه و گاه مرگبار جلوگیری می کند.۷-۲- اوقات فراغت : مهمانی ،مسافرت ، تفریح«سافرو تصحوا»پیامبر اکرم صلی الله علیه آله فرمود :«مسافرت کنید تا سالم بمانید.»همه ی زندگی کار نیست بلکه برای بهتر کارکردن فرصتهایی برای رسیدگی به خویشتن و نیز تفریح لازم است.خانواده ی سالم سعی دارد بخشی از درآمد و زمان خود رابه تفریح سالم اختصاص دهد. تفریحات می تواند به شکل مسافرت،د گردش در تفرجگاهها، مهمانی دادن، مهملنی رفتن، دید و بازدیدهای فامیلی و دوستانه باشد.یکی از بهترین استفاده ها در روزهای تعطیل دیدن اقوام و نزدیکان به خصوص پدر ومادر است.چه خوب است برخی از جمعه ها، خود و فرزندانمان در نماز

جمعه شرکت کنیم که همین امر غیر از اینکه انجام یک وظیفه دینی – سیاسی است، حضور در فضای معنوی نماز جمعه و هم نشینی با افراد مؤمن و استفاده از مزایای جانبی مثلنمایشگاههای کوچک و بزرگ کتب، نوار، سی دی، مجلات و... موقعیت با ارزش و مطلوبی برای گذراندن یک روز تعطیل می باشد.برگزاری مهمانی های سالم و دوستانه، استفاده دیگری برای گذران اوقات فراغت می باشد.استفاده از پارکها و فضای سبز داخل و خارج از شهرها و نیز کوهستانهای اطراف محل زندگی و حتی اماکن تاریخی مثل موزه ها ، مساجد، امامزاده ها، تفریح سالم و کم خرجی برای خانواده ها می باشد. برای کم تر شدن خرج این تفریحات می توان غذا را در خانه تهیه نمود.آنچه که این تفریحات را شیرین می کند خوش اخلاقی، صداقت و رفاقت، صمیمیت و همکاری، همبازی شدن بچه ها با یکدیگر و پدر و مادر با بچه ها ، کم توقعی و کسب تجربیات نو در زندگی می باشد.حتی در مواردی می توان به صورت گروهی هدیه ی مشترکی که خرید آن فعلاً برای جوانان مقدور نیست ولی نیاز ضروری زندگی آنها می باشد را تهیه نمود.۸-۲- تزئین، آرایش، عطر، وسایل رفاهیامام صادق (ع):«ان الله عزوجل یحب الجمال و التجمل»«همانا خداوند عزوجل زیبایی و آراستگی را دوست دترد.»ازموارد استفاده صحیح درآمد خانوار تهیه وسایل آرایش و نظافت و عطر می باشد.آنچه از تعالیم دینی رسیده، تأکید بر آراستگی ظاهری انسان چه در محیط خانه و چه در برخورد با عموم مردم دارد. برخی از عالمان آراستگی ظاهری را «حق بزرگ انسانی و اجتماعی» می دانند. زیرا اینکار موجب خرسندی مردم می شود پس همه باید ملزم به آن باشند، چون در اجتماع ظاهر می شوند و با یکدیگر روبرو می گردند و روی یکدیگر تأثیر می گذارند.استفاده از عطر در حال عبادت و در خانواده توصیه شده است. امام رضا (ع) می فرمایند:«شایسته است که انسان هر روز عطر بزند و اگر نتوانست یک روز در میان و اگر نتوانست در هر جمعه و این اندازه را ترک نکند.»خوشبویی موجب جلب دلها می شود. نماز معطر ثوابی برابر با هفتاد نماز بدون عطر را دارد.زیرا ملائکه و قوای معنوی و مأموران الهی که به نماز و عبادت انسان متوجه اند از بوهای خوش تغذیه می شوند.البته در مورد استفاده از لوازم آرایشی باید از اسراف پرهیز کرد و حتی المقدور از خرید انواع فراوان و به خصوص نوع خارجی آن خودداری نمود.هم چنین خانمها باید توجه داشته باشند استفاده از زینتهای دست و گردن و آرایش صورت در منظر نامحرم از نظر شرعی کاری ناپسند و حرام می باشد. التزام به امر شرعی در همان گام اول، غیر از آنکه موجب بالا رفتن حریم و شخصیت زن می شود، از بسیاری عواقب ناپسند و خطرناک که در کمین زنان می باشد، نیز جلوگیری می کند.در قرآن کریم می فرماید : «زنان حق ندارند زینت خود را آشکار سازند مگر برای محارم خود.»در توضیح این مطلب باید گفت که اقتصاد اسلامی زندگی رابه سه نوع تقسیم کرده است، زندگی ضروری، زندگی رفاهی، زندگی تجملی.زندگی ضروری یعنی همه از خوراک و پوشاک و مسکن بهره مند باشند.زندگی رفاهی را هم اسلام می پسندد که انسانها بخصوص مسلمانها از غذای خوب، ازدواج، رفاه، آسایش بهره مند باشند ولی زندگی تجملی را اسلام نمی پسندد و آن را نهی کرده است. که تجمل گرایی در خانواده ها و ملتها سرآغاز دردسرها و نابودی است و موجب ورود در عذاب دردناک جهنم می شود.تکنولوژی و مصرف باید در خدمت انسان باشد نه آنکه انسان در خدمت تکنولوژی و مصرف.مهمترین نکاتی که برای خرید لوازم زندگی باید به آنها توجه داشت عبارتند از:لزوم و ضرورت جدی کالای مورد نظر برای رفع نیازهای واقعی خانه – - استحکام و دوام‌مصرف کم انرژی –- عدم وجود جایگزین مناسب تر برای آن- عدم چشم و هم چشمی در خرید کالا- تولید کالا در داخلامام علی علیه السلام :«... فقراء المسلیمن اشرکو هم فی معیشتکم...»«فقیران مسلمین را در زندگی، شریک خویش سازید.»بخش دیگری از اقتصاد در خانواده مربوط به انفاق و تعاون و همکاری های اجتماعی است.بر خانواده های مرفه و سایر مسلمانان نیز لازم است که به فکر نیازمندان باشند چه به صورت فردی یا از طریق سازمانهای مطمئن خیریه و مددکاریهای اجتماعی به آنها کمک کنن و از زیادی مال خود به آنها ببخشند.«(وای بر آنان که) ... از دادن وسایل زندگی به یکدیگر دریغ می کنند»،ماعون وسایل زندگی و نیازمندیهای روزمره است.پیامبر اکرم(ص)می فرماید : «هرکس از همسایه اش چیزی را که مورد نیاز اوست دریغ کند، خدا در روز رستاخیز لطفش را

از او دریغ کند.»در جامعه موارد زیادی است که می تواند مشمول کمکها و همکاری های اجتماعی شود، مثل تهیه جهیزیه دختران، خرج درمان، تهیه آذوقه برای مستمندان به خصوص در ایامی مثل ماه مبارک رمضان و اعیاد که بیشتر مورد نیاز است.اولاً نیکی کردن برای خویش است و ثانیاً موجب برکت و نمو اموال خود انسان می شود و ثالثاً باعث ایجاد محبت و گسترش عواطف انسانی در جامعه و جلوگیری از ایجاد کینه و بغض در دل نیازمندان می شود و دعای خیر آنها نیز بدرقه کار نیکوکاران خواهد بود.«فمن یعمل مثقال ذرهٔ خیراً یره»در اینجا از تأثیر نقش زنان نباید غافل شد که در تشویق شوهر و فرزندان و انجام امور خیریه و دادن صدقات و شرکت برای اهدای هدیه در ایامی چون روز نیکوکاری، امداد رسانی به محرومین و مصدومین حوادث غیر مترقبه و ... سهم بسزایی دارند.«بدانید از هر گونه درآمد و سودی که نصیب شما می شود یک پنجم آن، از آن خدا و پیامبر و امامان اهل بیت است.»مالیات پولی است که در قبال حقوق شهروندی خود می پردازیم و از بابت پرداخت ان، از امکانات رفاهی شهری بیشتری برخوردار می شویم در حالیکه خمس مالی است که متعلق به امام زمان علیه السلام وسادات فقیر و یتیم و مسکن می باشد.عمده ترین مواردی که خمس آن واجب است، منفعت کسب می باشد.افرادی که دارای حیوانات گاو و گوسفند و شتر و یا صاحب طلا و نقره و یا مالک گندم و جو و کشمش و خرما باشند بعد از دوازده ماه چنانچه این اموال در حد نصاب خاصی باشد پرداخت زکات آن ها واجب می باشد.۱۱-۲- صرفه جویی در مصرفاز مهمترین شیوه های مدیریت در خانه، حرکت و تلاش برای صرفه جویی در مصرف می باشد.راههای صرفه جویی:صرفه جویی در مصرف انواع انرژی های برق، گاز و ... : مثل استفاده زیاد از لامپهای برق به خصوص در ساعات اوج مصرف، استفاده از لامپهای کم مصرف و...صرفه جویی در مصرف آب : مثل استفاده کمتر به هنگام شستشوی ظرفها، استحمام بچه ها(شیرآب را کمتر باز کرده تا جریان آب کمتر شود و یا استفاده از سر دوشهای مخصوص که با زیاد کردن فشار آب، مقدار آب مصرفی را کاهش می دهند) و یا تا حد امکان عدم شستشوی حیاط و ماشین با آب تصفیه شده و....صرفه جویی در مصرف غذا : مثل عدم خرید بیش از اندازه نیاز مواد غذایی، نگهداری صحیح مواد غذایی و جلوگیری از فساد آنها.صرفه جویی در پوشاک : مثل نگهداری صحیح از لباسها، نگهداری لباس تمیز و سالم بچه های بزرگتر برای کوچکترها.صرفه جویی برای خرید هدیه : مثل آموختن شیوه های کاردستی و هنرهای دستی و تزئینی.صرفه جویی در وسایل مدرسه بچه ها : مثل آموزش نحوه ی استفاده ی صحیح از کیف و کتاب و قلم و دفتر و روپوش به فرزندان، تا مدت طولانی تری از آنها استفاده شود و حتی برای بچه های بعدی نگه داشته شود.صرفه جویی برای استفاده صحیح از وسایل خانه : مثل تلویزیون، بخاری و... دفترچه های راهنما همراه ای وسایل است، خواندن دقیق این دفترچه ها و عمل به دستورالعملهای آنصرفه جویی در مسکن : می توان با گذشت و بردباری و توجه به حقوق یکدیگر، حداقل برای مدتی از منزل پدرشوهر یا پدر زن استفاده کردوصرفه جویی در زمان : با برنامه ریزی و پرهیز از بی نظمی باید مدیریت زمان را بر عهده گرفت.صرفه جویی در تولید زباله : با تفکیک زباله ها از خانه می توان عملاً بخشی از زباله ها به خصوص روزنامه های باطله، دفاتر غیر لازم و کاغذ و مقواهای مصرف شده در خانه را به چرخه تولید بازگرداند.زباله های از جنس پلاستیک را هم می توان به چرخه بازیافت برگرداند.فصل سوم :آموزش رفتارهای مطلوب اقتصادی به فرزندانبخش مهمی از مسائل اقتصادی خانواده آموزش و تربیت رفتار صحیح اقتصادی به فرزندان است. آموزش اقتصاد به فرزندان به ۲ گونه مستقیم و غیر مستقیم صورت می گیرد. بخش غیر مستقیم که مهمتر هم هست، روش و نوع عملکرد والدین است که خواه حتماً به فرزندان منتقل می شود.مهمترین گام در تربیت صحیح اقتصادی فرزندان (مثل سایر زمینه های تربیتی)، تصحیح عملکرد والدین است.در شیوه ی دوم، والدین یا مربیان به گونه ای مستقیم عمل می کنند.۱-۳- فرزندان و مالکیتکودکان خیلی زود با مفهوم مالکیت آشنا می شوند. از همان زندگی بچه ها در بازی با خواهر و برادر و همسالان خود با معنای «مال من» و مفهوم اینکه «دیگران حق تعرض به محدوده و اموال او دارند» مأنوس می گردند.در این دوران مسائل زیادی است که یادگرفتن آنها برای فرزندان ما ضروری می باشد. برخی از این مسایل احکام شرعی مسائل اقتصادی امت که

والـدین بایـد بایـد با توجه به فتاوای مراجع تقلیـد خود آنها را بشناسـند و به فرزنـدان هم بیاموزند. ولی ذکر برخی از این مسائل در اینجـا هم بی مناسـبت نیست :اگر فرزنـد دختر ده سـاله یا بزرگتر و پسـر ۱۵ سـاله یـا بزرگـتر از طریق کسب ، مـالی به دست آورند پرداخت خمس آن بر آنهـا واجب است.داد و سـتد کـودک اگر به طـور مسـتقل – نه از سوی ولی – باشـد باطـل است خواه هردو طرف معـامله کودک باشـند یـا یـک طرف آن.داد و سـتد کودک ممیز در چیزهـای کم ارزشـی که رسم مردم در آنهـا بر معامله با کودکان است، باطل نیست.کودک نمی توانـد قرض بدهـد یا بگیرد، اجاره بدهـد یا مالی را ببخشـد یا چیزی را عاریه دهد یا امانت بدهـد یا امانت بگیرد.۲-۳- فرزنـدان و خریـد یکی از امور اقتصـادی خـانواده ها،خریـد کردن فرزنـدان می باشـد. خریـد کردن از کارهای خوبی است که می توانـد هم باعث همکاری فرزنـدان در امور خانه بشود تا کمکی به انبوه کارهای پدر و مادر باشد و هم عـاملی برای ایجـاد حس مسئولیت و مهارت برای زنـدگی مشترک آینـده آنها باشـد.اگر با فرزنـدتان به خریـد می رویـد :در مورد اجناسـی که می خواهیـد خریـد کنیـد از آنهـا نظر خواهی کنیـد تـا توجه آنها به ملاکهای خریـد مثل کیفیت و قیمت مناسب، تولید داخلی بودن ، سـالم بودن کالا، شـماره ی پروانه ، تاریـخ تولیـد و... جلب شود.از همان آغاز از خریـد های غیر ضـروری خودداری کنید تا این کار برای بچه ها به عنوان یک عادت دربیاید نه اینکه جذب رنگ و ظاهر و تبلیغات کالاها شوند و هر چه در چشم زیبا آیـد در سـبد خرید قرار داده شود بلکه خرید را متناسب با مقدار پول موجود و نیاز واقعی و با توجه به اولویتهای خانواده باید انجام داد.اگر فرزنـدتان را به خریـد می فرستیـد :به مقـدار لازم پول در اختیار او قرار دهید. منظور از لازم، نه مقدار کمتر از میزان کالای سفارش شده است تا فرزند شما پس از خرید مقروض و یا احیاناً سرافکنده در مقابل مغازه دار و سایر مشتریها نشود و نه خیلی بیشتر از حـد نیـاز، تـا وسوسه به خریـدهای غیر ضـروری نشود.به مغازه ها و فروشـندگان و مسـیر رفت و آمـد او و به مـدت زمان رفت و برگشت او توجه و نظارت داشـته باشـید.نوعی برنامه ریزی داشـته باشـید که بچه ها مکرراً به خرید نروند.حتی المقدور از فرسـتادن دختران آنهـم به صورت تنها، به خرید خودداری شود.کودکان را در ساعات دیر وقت شب به خرید نفرستید.به آنها تذکر بدهید که هر خریدی درست نیست.به آنها یاد بدهید برای خرید کردن با شـما مشورت نمایند و برای خرج کردن پول خود هم برنامه ریزی و دقت داشته باشند.۳-۳- فرزنـدان و پولامـام بـاقر (ع): «خداونـد درهم و دینار را برای سامان یابس کار خلق قرار داده است تا بـدان وسیله، امور زنـدگانی مردمـان بگـذرد و نیـاز های آنان برآورده شود.»نحوه نگهـداری از اسـکناس ها را بایـد به فرزنـدان آموزش داد.خرید یک کیف پول که هزینه ی کمی دارد، به راحتی می توان پول را نگهداری کرد. بچه ها باید ارزش پول درآوردن و پول نگهداشـتن و پول خرج کردن را بداننـد.آنها باید بدانند که پول نعمتی از جانب خداست که با زحمات فراوان پدر و مادر به دسـت می آید. لذا نباید به راحتی از بین برود و باید در قبال آن احساس مسئولیت کنند.۴-۳- فرزندان و حفظ اموالامام صادق(ع):«احتفظ بمالك فانه قوام دینک»از دیگرآموزشـهای ضـروری به فرزنـدان توجه دادن آنان به حفظ اموال می باشـد، برخورد توپ با شـیشه و شکسـته شدن آنها و یا وارد شدن ضـرر به اموال دیگران، نباشد، که این کار مستلزم صرف هزینه های مادی و زمانی زیادی است و بر پـدر و مـادر واجب است از پول پس انـداز فرزنـد(اگر دارد) و یا از پول خودشان خسارت وارده را جبران نماینـد.۵-۳- فرزند و کارتشویق فرزنـدان به کار کردن از وظایف تربیتی والـدین است. کار کردن را بایـد به عنوان یک ارزش مثبت به فرزنـدان آموزش داد. آغـاز آنهم از همان ابتـدای کودکی است که کودک برای همکاری در امور ساده و پیش پا افتاده تشویق شود. با بزرگ شـدن کودکان می توان انسانهایی را که با کار و تلاش پیگیر و پشتکار فزاینـده ی خود به درجات عالی انسانی و اجتماعی رسـیده انـد به عنوان الگو معرفی کرد.جوهره ی زنـدگی کـار است.دانه برای خوراک آدمی پدیـد آمـد.جوانان ما بایـد بداننـد که کار عامل مهم تربیت ، کسب تجربه و تشـخیص اجتماعی و به دست آوردن مهارتهای زنـدگی و رشـد اسـتعدادها و بروز خلاقیتها است.سـستی و تنبلی بلا و آفت می باشد.بی کاری موجب عدم تعادل و کسالت روحی و مادر انواع بزهکاری هاست.منظور از «وضع» این است که از حیث امکانـات ، زنـدگی هرکس بـا دیگران تفاوتهـایی دارد.شـکرگزاری خـدا را بـه خـاطر نعمتهـای بی شـمارش یـادآوری

نمایند.توجه به این نکته ضروری است که احساس رفاه و آسایش، مهمتر از داشتن وسایل و اسباب متعدد است.زیرا ارزش داشته های خود را نمی دانند وچه بسیار افراد که با رضایتمندی و قناعت از حداقل امکانات با مدیریت و دقت استفاده و رفع نیاز مینمایند زیرا که : هیچ گنج و ثروتی بی نیاز کننده تر از قناعت نیست.فصل چهارم :مشکلات حاد اقتصادی در خانواده ها و راهکارهای برون رفت از آنها«و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثمرات و بشر الصابرین»«و حتماً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاستی در اموال و جانها و ثمرات آزمایش می کنیم و صابران(در این سختیها را) بشارت بده.»انسان عاقل نه از فراز دنیوی مغرور می شود و نه از فرود آن دچار یأس و سستی می گردد.۱-۴- علل پیدایش مشکلاتنابسامانیهای شدید اقتصادی در خانواده معمولاً بر اثر مسدود شدن راههای درآمداتفاق می افتد که برحسب مدت انسداد، وضعیت پس انداز خانواده، وجود حمایتهای جانبی از خانواده ، تعداد افراد خانواده و تلاش آنها و مهمتر از همه شیوه ی مدیریت خانواده دچار شدت و ضعف است.هم چنین بحرانها گاه می تواند به علت از دست دادن سرپرست خانوار که وظیفه ی تأمین معاش خانواده رل بر عهده داشته اتفاق بیفتد که در این حال خانواده علاوه بر ضربات عاطفی ناشی از فقدان عزیز خود، قطع شدن راه درآمد یا کاهش شدید آن را نیز باید تحمل کند.برخی از مردم وسیله آزمایش برخی دیگر می شوند.راههای برون رفت از مشکلات حاد اقتصادیبه همان ترتیب که عوامل ایجاد بحرانها در درون یا برون خانواده شکل می گیرد، راههای رهایی از این مشکلات نیز به دو دسته درون خانوادگی و برون خانوادگی تقسیم می شوند.۲-۴- راهکارهای درون خانوادگی :۱-۲-۴ مدیریت صحیح :«هرکس تقوا در رعایت حدود الهی را پیشه کند خداوند برای او راه خروج قرار می دهد.»مهمترین عامل گذر از بحرانها و مشکلات ، مدیریت صحیح و خردمندانه است.شرایط سخت، عامل مؤثری برای به فعلیت درآورده شدن استعدادهای عالی انسانی است لذا مدیریت در مواجهه با مشکلات حاد نه تنها خود را نمی بازد بلکه با تدبیر به سروسامان دادن اوضاع نابسامان موجود می پردازد. او سعی می کند با شناخت شیوه های سالم و مشروع راههای جدید کسب درآمد را انتخاب کند.۲-۲-۴- استفاده از پس انداز ها:معمولاً خانواده هایی که بطور نسبی از توان مادی بهره مند باشند سعی می کنند با دوراندیشی گونه های مختلف از پس انداز را(مثل ذخیره کردن اضافه درآمد در بانک یا خرید سهام یا زمین و ...) برای خود و فرزندانشان تأمین نمایند.۳-۲-۴- همکاری های درون خانواده :در زمان بروز نابسامانیهای اقتصادی یکی از بهترین شیوه های برون رفت، همکاری های درونی افراد خانواده می باشد. آثار این همکاریها غیر از خروج خانواده از وضعیت بحرانی، می تواند به صورت یک تجربه غنی برای سازندگی شخصیتی فرزندان و افزایش مهر و محبت بین اعضا خانواده باشد. این همکاریهای می تواند بهاشکال مختلفی باشد. مثل کنار گذاشتن خواسته ها و توقعات درجه دوم و چندم برای چیزهایی که ضرورت جدی برای خرید آنها وجود ندارد یا مثلاً فرزندان بزرگتر زودتر وارد بازار کار شوند ویا اگر در حال تحصیل هستند به طور موقت از ادامه تحصیل خودداری کرده و به اشتغال و یا ضمن تحصیل با حذف اوقات فراغت به کار کردن و تأمین درآمد بپردازند.۴-۲-۴- حمایتهای فامیلی :یکی دیگر از راههای گذر از دوران سخت شدائد مادی خانواده ، همکاریها و حمایتهای افراد فامیل به خصوص بزرگان قوم می باشد. درباب احکان خانواده و مسائل نفقه در فتاوای مراجع گرانقدر آمده است که در صورت ناتوانی مرد از تأمین نفقه خانواده ،بر پدر اوست که به تأمین مخارج او و فرزندانش اقوام نماید (در صورت توانایی).هم چنین می توان با ایجاد صندوق قرض الحسنه فامیلی توسط بزرگان خانواده قدم مؤثری برای کمک به اقوامی که گرفتار مشکلات و محتاج به وام هستند، برداشت. وجود این نوع صندوق ها درفامیل موجب بیشتر شدن همبستگی خانوادگی و همین طور گرفتار نشدن نیازمندان در چرخه ی ربا خواری می شود.۳-۴- راهکارهای برون خانوادگی :بخش دیگری از راههای برون رفت از بحرانهای اقتصادی خانواده، کمکهایی است که از طریق نهادهای غیر خانوادگی ارائه می شود که خود به دو دسته نهادهای حکومتی و سازمانهای خیریه مردمی تقسیم می شود.۱-۳-۴- بیمه ها :انواع بیمه ها می تواند کمک مهمی برای جبران خسارتهای وارده باشد، مثل بیمه آتش سوزی، زلزله، بیمه های حوادث رانندگی، بیمه عمر، بیمه سرقت، بیمه مسئولیت

و...۲-۳-۴- کمیته ی امـداد امام خمینی (ره) :یکی از مهمترین نهادهای خدماتی جامعه، کمیته امداد امام است که در خدمت اقشار کم درآمـد و محروم جامعه می باشـد، طبق اساسـنامه کمیته امـداد هـدف از تشـکیل کمیته ارائه خدمات حمایتی، معیشتی، فرهنگی برای نیازمنـدان و محرومـان داخـل و خـارج کشور به منظور تأمین خود اتکایی، تقویت و رشـد ایمانی با حفظ کرامت انسانی است. مرکز اصلی امداد تهران ایت.۳-۳-۴- سازمان تأمین اجتماعی :تأمین اجتماعی نتیجه ی یک رونـد تاریخی است که امروزه به عنوان یکی از شـاخص هـای توسـعه یافتگی کشورها مطرح است.در کشور ما مأموریت اصـلی این سازمان پوشـش کارگران مزد و حقوق بگیر (به صورت اجبـاری) و صاحبـان حرف و مشاغـل آزاد (به صورت اختیـاری) است.تـأمین اجتمـاعی یـک سازمـان عمومی غیر دولتی است.مهمترین تعهـدات و خـدمات سازمـان تـأمین اجتمـاعی عبـارت است :حمـایت در برابر حوادث، بیماری، بارداری و... ، مستمری بازنشستگی ، از کـار افتـادگی، بازمانـدگان.مقرری بیمه بیکـاری.غرامت دسـتمزد ایـام بیماری، بارداری و...کمک هزینه ازدواج و کفن و دفن۴-۳-۴- سازمان بهزیستی :یکی دیگر ازسازمانهای خـدماتی، سازمان بهزیستی می باشد، این سازمان خدماتی را جهت کمک به توانمنـدی معلولین، پرداخت حق بیمه کارگران معلول، اخذ موافقت اصولی و پروانه جهت فعالیت مؤسسات غیر دولتی و خیریه برای اموری مثـل باز پروری معتادین ، خانه سـلامت دختران وزنان، مراکز توانبخشـی بیماران روانی مزمن، کمک به اشـتغال و ارائـه خـدمات حقـوقی به مـددجویان و معلولاـن بهزیسـتی و هم چنین برنـامه ریزی جهت اسـتفاده از خـدمات مهـارتی و تخصصـی افراد انجام می دهد.هم چنین اسـتفاده از وامهای بانکی، سـهام عدالت، تسـهیلات صندوق مهر امام رضا (ع)، تسهیلات و وامهایی جهت اشـتغالزایی، کمکهای سازمان بازنشسـتگی و... امکانات و کمکهایی است که می توانـد جهت سـبک شـدن بار کمر شکن مشکلات اقتصادی خانواده به کار گرفته شود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصـفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلـدادگی به اهلبیت (علیهم السـلام) بخصـوص حضـرت علی بن موسـی الرضـا (علیه السـلام) و امـام عصـر (عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف) شـهره بوده و لـذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسـی بنیانگـذار مرکز و راهی شـد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقـات قـائمیه اصـفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسـی تحت اشـراف حضـرت آیت الله حـاج سـید حسن امامی (قـدس سـره الشـریف) و بـا فعـالیت خالصـانه و شـبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشـگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شـیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السـلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسـی دقیق تر مسائـل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمنـد به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایـانه هـا ایجـاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّـلام با انگیزه نشـر معارف، سـرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمنـدان به نرم افزار های علوم اسـلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».